MASOOD FAISAL JHANDIR LIBRARY
Acc No: 080404
★ MAILSI ★

TECHNICAL SUPPORT BY
CHUGHTAI
PUBLIC LIBRARY

Masood Faisal Jhandir Library

قال النبی صلعم الرؤیا الصالحة جزء من ستة واربعین جزء من النبوة

حمد و سپاس بیش از تحریر و تقریر بجناب مستطاب آفریننده صغیر و کبیر که درین زمانه خطیر
این کتاب نایاب بیمثل و بی نظیر حامل این دو جزء صغیر مرغوب طبع و دلپذیر المسمی به

کامل التعبیر

خواب نامه

سنه ۱۳۲۲

بحسن انتظام و سعی مالا کلام قاضی عبد الکریم ابن المرحوم
قاضی نور محمد صاحب پلسندری تاجر کتب و مالک مطبع فتح الکریم و مطبع کریمی

در مطبع فیض منبع تا بیمی کرده رو بهمیئی نولکشور طبع گشت

بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس خدایرا که واحد و صمد و قادر است مالک ذوالجلال و حیّ فاطر است و رازق خلق و عالم ضمایر است خالق سپهر و نجوم زاهر است
عالم غیب و دانندهٔ سر است ظاهر است و باطن است اول است و آخر است و درود و تحیت بر مصطفی پاک صلی الله علیه و آله و
اصحابه و سلم که بر انبیا سید و سند و فاخر است چنین گوید **ابو الفضل** حسین ابن ابراهیم محمد تفلیسی که چون از تصانیف کتاب
صحة الابدان بپرداختم نگاه کردم در کتاب اصل تعبیر که بپارسی ساخته بودند کتابی جامع واضح نیافتم چنانچه کسی ساخته و تاویل
هر خوابی را از اقوال استادان این علم که بحجت و برهان در آن بیان کرده بودند و بطریق استخراج هر خوابی بترتیب حروف مرتب
و مشروح باز نموده پس چون برین بیان کتابی ندیدم که مفید باشد درین سعی کردم و رنج بر خود بردم تا این کتاب ساختم
از بهر معالجت نظر همایون سلطان معظم شاهنشاه اعظم سلطان السلاطین العرب و العجم مالک رقاب الامم عز الدنیا
غیاث المجاهدین قاتل المشرکین سلطان الروم و الشام و الافرنج ابو الفتح قزل ارسلان بن مسعود ناصر امیر المؤمنین
اطال الله و عداوه بقاوه برنسق حرف معجم خوابها را بپارسی واضح جمع آوردم از کتبی که درین علم نفیس معروف و مشهور است
چون از کتاب وصول دانیال علیه السلام و کتاب تقسیم جعفر صادق رضی الله عنه و کتاب جامع محمد بن سیرین و کتاب دستور
ابراهیم کرمانی و کتاب ارشاد جابر مغربی و کتاب تعبیر اسماعیل ابن اشعث و کتاب کنز الرؤیای مامونی و کتاب بیان التعبیر عبد
رؤس و کتاب تعبیر حافظ بن اسحاق و کتاب حمل الدلایل و المنامات و کتاب مبادی التعبیر و کتاب ایضاح التعبیر فخری
و کتاب کافی الرؤیا و کتاب تعبیر بطاوس و کتاب مفرح الرؤیا و کتاب تحفة الملوک و کتاب منهاج التعبیر خالد اصفهانی و کتاب
مستقدمة التعبیر و کتاب حقایق الرؤیا و کتاب وجیز محمد بن شاهوید و کتاب متفرق از کلمات هر کس که درین علم تصنیف
کرده اند پس اختیار کلام این کردهٔ باز کرده شد و ترتیب اول هر خوابی بر نسق حروف اول و حروف دوم و سوم مشروح درین
کتاب یاد کردیم و نامش کامل التعبیر نهادیم زیرا که ازین علم کتابی ازین فاضلتر بپارسی نساخته اند و آنچه اضافت است
کس را باین کتاب احتیاج باشد و هر که قول این تعبیر در نظر دارد از همه تعبیرها بی نیاز باشد و از اقوال استادان این ضعیف
اقوال شش کس یاد کرده که هر یک در عصر خویش یگانه و حکیم وقت بوده اند اول دانیال حکیم که در روزگار نجیب النسب
دوم جعفر صادق رض سوم محمد بن سیرین چهارم جابر مغربی پنجم ابراهیم کرمانی ششم اسماعیل ابن اشعث رضی الله عنهم نخست

چیزها که پیغامبر انرا از دانستن آن ناگزیر است در پانزده فصل بیاوردیم و هر چیز در موضع خویش بترتیب فرا نهادیم تا بر خواننده و آموزاننده آسان گردد و هیچ از دقایق بدو پوشیده نماند انشاء الله تعالی وحده والله اعلم بالصواب **فصل اول** در شناختن مزاج خواب **فصل دوم** در دانستن رستنهای خواب **فصل سوم** در یاد نفس و روح **فصل چهارم** در معرفت در شتی خوابها **فصل پنجم** در معرفت خواب راست و دروغ **فصل ششم** در دانستن تفاوت خوابها **فصل هفتم** در معرفت فرق میان خوابها **فصل هشتم** در دانستن علم جفر و فال **فصل نهم** در معرفت خواب فراموش شده **فصل دهم** در گذاردن خواب بقول جاهلان **فصل یازدهم** در معرفت از حال نگشتن خواب **فصل دوازدهم** در معرفت شرط و ادب تاویل **فصل سیزدهم** در نگاه داشتن معبر و سایل و اصناف **فصل چهاردهم** در معرفت آنکه تعبیر از چند رویست **فصل پانزدهم** در دانستن مسایل که تعبیر آن مقلوب بود و در **فصل شانزدهم** تاویل دیدار حق سبحانه و تعالی عزوجل و دیدن فرشتگان و پیغمبران بترتیب یاد کردیم پس علم تعبیر خوابها بسنق و نظام هر خوابی را در اول این یاد کردیم یعنی اگر اول آن خواب الف و یا بود آن را در حروف الف و یا بجوید و اگر حرف اول الف و تا بود در حرف الف و تا طلب کند و اگر اولش الف و یا بود یا الف و میم بود و این ترتیب از اول حروف و دوم نگاهدارد تا استخراج خوابها بروی آسان بود و بهیچ دانا این طریق پوشیده نماند چون درین کتاب تاویل نگاه کند و از حق سبحانه و تعالی توفیق یاری خواهیم تمام کردن این کتاب و ثواب دو جهانی چشم داریم از رب الارباب والله اعلم **اندر فضیلت این علم** بدانکه علم تعبیر علمی بزرگ و شریف است که حق سبحانه و تعالی عزوجل این علم را بیوسف صدیق علیه السلام داد و بروی نهاد چنانکه در کلام مجید فرموده وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ و عبد الله ابن عباس رضی الله عنه گفت اول چیزیکه حضرت حق سبحانه و تعالی عزوجل و دیدن فرشتگان و پیغمبران بترتیب یاد کردیم پس علم تعبیر خوابها بسنق و نظام هر خوابی را در اول این یاد کردیم یعنی اگر اول آن خواب الف و یا بود آن را در حروف الف و یا بجوید و اگر حرف اول الف و تا بود در حرف الف و تا طلب کند و اگر اولش الف و یا بود یا الف و میم بود و این ترتیب از اول حروف و دوم نگاهدارد تا استخراج خوابها بروی آسان بود و بهیچ دانا این طریق پوشیده نماند چون درین کتاب تاویل نگاه کند و از حق سبحانه و تعالی توفیق یاری خواهیم تمام کردن این کتاب و ثواب دو جهانی چشم داریم از رب الارباب والله اعلم **اندر فضیلت این علم** بدانکه علم تعبیر علمی بزرگ و شریف است که حق سبحانه و تعالی عزوجل این علم را بیوسف صدیق علیه السلام داد و بروی نهاد چنانکه در کلام مجید فرموده وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ و عبد الله ابن عباس رضی الله عنه گفت اول چیزیکه حضرت حق سبحانه و تعالی جل و علا بحضرت مصطفی صلی الله علیه و آله و اصحابه وسلم داد آن بود که فرشته مقرب را در خواب دید گفت ای محمد بشارت باد که حق سبحانه و تعالی جل و علا ترا از جمله انبیا گرداند و ترا اختیار کرد و خاتم انبیا گرداند وَلَٰكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ گفت پس چون رسول علیه السلام بیدار گشت خواب بنبوت خیر و اقبال است و بعد از معراج خوابی دیگر دید چنانچه ایزد تعالی فرمود لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِن شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ تا آنجا که فرمود فَتْحًا قَرِيبًا و در قصه ابراهیم علیه السلام گفت انی اری فی المنام انی اذبحك فانظر ماذا تری تا آنجا که صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ و در خبر چنین آمده است که این معجزه یوسف علیه السلام بود و علمی که معجز پیغامبری بود یقین که بس علمی شریف و بزرگ بود و بعضی از انبیا علیهم السلام که مرسل نبوده اند ایشان را بخواب کرامت گشت و هشام بن عروه از پدر خویش روایت میکند که او گفت که در تعبیر این آیت که حق تعالی جل و علا فرموده لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا حق تعالی عزوجل بدین بشری خواب صالحان خواسته است که مردم صالح خویش را خوابی بیند یا کسی او را خوابی بیند که در تصدیق خواب آیات و اخبار بسیار است از آنس اگر جمله را یاد کنیم کتاب دراز گردد و در خبر است از انس رضی الله عنه که

رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت الرؤیا جزؤ من ستة واربعین جزءًا من النبوة یعنی دیدن خواب مرد صالح جزویست از چهل و شش جزو پیغامبری و این خبر از بهر آن گفت که چهل سال بود که بروی وحی آمد و شصت و سه سال بود که از دنیا رحلت کرد میان وحی و رحلت از دنیا بیست و سه سال بود و آنچه خواسته بودند بخواب میدیدند اندر مدت شش ماه از بیست و سه سال یک بهر از چهل و شش بهر بود پس رسول علیه السلام بدین معنی گفت الرؤیا جزؤ من ستة واربعین جزءًا من النبوة و پیغامبران دیگر هم چنین بودند هر چه خواسته بودند حق تعالی جل و علا ایشانرا از خواب بازنمودی و در خبرست از عبد الله ابن عباس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وآله واصحابه وسلم فرمود که خواب راست وحی است که حق تعالی جل و علا مر بنده را از خیر و شر لوی رسد تا در دنیا مغرور نه شود و از امر کردگار غافل نباشد و ابو هریره رضی الله عنه گفت چون رسول علیه السلام بیمار شد یاران او نش غمناک پیش وی آمدند و گفتند تو ما را از کار خیر خبر میدادی اگر اکنون عیاذًا بالله مرنها ترا اجل برسد ما را که خبر دهد در اختیار کار دین و تدبیر آن چگونه خبر دانیم رسول علیه السلام گفت بعد وفاتی ینقطع الوحی ولا ینقطع المبشرات بعد از وفات من وحی بریده شود اما مبشرات بریده نه شود گفتند مبشرات چیست گفت الرؤیا الصالحة التی یراها له المرء الصالح او یری له یعنی دیدن خوابهای صالح که مرد نیک بیند یا کسی دیگر از بهر او بیند و در خبرست از ابو سعید خدری رض که گفت از رسول علیه السلام شنیدم که با یاران میگفت که چون کسی از شما خوابی پسندیده و نیک بیند باید که شکر حق تعالی گوید و آن خواب با برادران مومن و دوستان بگوید و اگر ناپسندیده بیند و مرد صالح بود چند بار اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بگوید و از شر دیو با پناه حق جل و علا رود و آن خواب با هیچکس نگوید تا مضرتی و گزندی بوی نرسد و در خبرست از امیر المومنین علی ابن ابی طالب کرم الله وجه که او گفت چون مومنی خوابی بیند یا ورا بخواب بنمایند واجب است دانستن تعبیر آن خواب تا از خواب نیک بهره شادی برگیرد و از خواب بد حذر کند یعنی بدعا و عبادت و صدقات مشغول شود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که مرتبه این علم و علمهای دیگر چنانست که هر که علمی طلب کند از اصلش نگردد و قیاسش بتعبیر نپذیرد و طریق آن معلوم نکند مگر این علم از اصل بگردد از احوال مردم بهیئات و صفت و قدر و دیانت و همت و ارادت و نیز باختلاف وقتها همیگردد زیرا که وقتی بتعبیر مثل یا باصل باید کرد و وقتی بضد گاه از بهر مردمان باشد و گاه از بهر اضغاث و احلام یعنی خوابهای شوریده و بدانکه هر عالمی که علمی دارد و مستغنی باشد از علم دیگر الا معبر باید که بضرورت علم تفسیر قرآن و اخبار مصطفی علیه السلام و امثال و اشعار عرب و عجم و نوادر و اشتقاق لغت و الفاظ متداول یعنی که از یک دیگر فراگرفتن و باید که بزرگ و لطیف و ادیب باشد و شمایل و احوال مردم نیک شناسد بقیاس و علم اصول نیک داند و دایم توفیق از حق تعالی جل و علا خواهد تا او را بکرم خویش راه نماید و بر زبانش صلاح و ثواب راند و این چیزها حق سبحانه و تعالی بکسی دهد که طبع او پاک باشد از همه به لقمه حرام خوردن و از سخنهای ناکار دور باشد و از معاصی احتراز نماید تا در سلک العلما و ورثة الانبیا درج گردد و وارث پیغمبران باشد پس بر خردمندان واجب باشد

دانستن

دانستن علم تعبیر و شناختن قوانین آن زیرا که چه خاص و عام عالم و جاهل را بدین علم حاجت است مگر آن قوم را که حق جل و علا در شان ایشان گفت اولئک کالانعام بل هم اضل اولئک هم الغافلون والله اعلم بالصواب

فصل اول در شناختن مزاج خوابها اندرین فصل بیان کنیم که حد خواب و مزاج وی چیست بدانکه حکما گفته اند که سبب وجود خواب از بخارهای تر متصعد است که از تن بسوی دماغ بالا شود بدانکه جمله حواس و قوی ببیارامند و آسایش یابند و طعامهای خورده مضمحل شود و آمیزشهای تن بخته گردد و این چنین خواب را پزشکان طبیعی گویند و بعضی گویند که خواب گذاشتن روح است استعمال حواس را و بعضی گویند که خواب فعلیست از فعلهای دماغ طبیعی و آن فعل طبیعی است زیرا که ازوی راحتها بقوی ها میرسد خصوص قوت تخیل و قوت فکر و این قوتها که یاد کرده شد حرکات روح نفسانی اند و موضع ایشان دماغ بود و آسایش بخواب است تا روح نفسانی آرمیده گردد دلیل برین آنست که چون کسی بتحصیل علم مشغول گردد و بشب گرمی و خشکی بر مزاج او غالب شود و روح نفسانی از بسیاری حرکت سست و ضعیف گردد و از اینجا رنج و بیماری تولد کند علاج آن چیزها سرد و تر باشد چون روغن بنفشه و روغن نیلوفر و آنچه بدین ماند و حکما گفته اند خواب بر دو گونه است یکی طبیعی و دیگر غیر طبیعی اما طبیعی حرارت غریزی بر دهد یعنی گرمی اصلی اندرون را از اندرون نگهدارد و چون بسیار خسپد قوای نفسانی سست گردد بسبب آنچه تری بروی چیره گردد ولیکن باید که رنج زایل کند و فضلها که در تن جمع شده جمله بعرق از اندامها دفع کند و خوابیکه غیر طبیعی است بسه گونه باشد یکی از فساد مزاج تن دوم از زیاده شدن بعضی مایهای تن وی یعنی خون و صفرا و سودا سوم از خوردن غذاهای غلیظ از بیانکار مزاج سردتر است و مایه آن از سردی و تری دماغ ظاهر شود و از آنجا است که دماغ گرم و خشک را خواب کمتر آید و دماغ گرم و تر خواب بسیار کند و اگر کسی اعتراض کند و گوید که چه دانستی که خواب فعلیست از افعال سرد و تر و راحت و قوت متخیله و متفکره است جواب آن است که ما را از طریق عقل معلوم میشود که نشستن راحت ایستادن است با عتلال راحت بیداری و آسایش قوتهای دماغ پس یقین است که خواب فعلیست از افعال مغز سرد و شرح خواب طبیعی و غیر طبیعی و ضعف قوت تخیل و قوت ذکر و قوت فکر بحجت و برهان از قول حکما قدیم در کتاب کفایت الطلب نهاده ایم و جمله در آن بیان کردیم + + + + + + + + + +

فصل دوم در دانستن قسمها رخواب دانیال علیه السلام گوید که خواب در اصل دو چیز است یکی آگاه کننده از حقیقت حالها دوم بیدار کردن از سر انجام کارها و این دو فصل از چهار قسم است یکی خواب آمر است یعنی فرماینده دوم خواب زاجر یعنی باز زننده سوم منذر یعنی بیم کننده و ترسانده چهارم خواب مبشر یعنی مژده دهنده عبد الله ابن مسعود گوید که رسول علیه السلام گوید الرؤیا ثلثة اقسام من الله تعالی و بشرا المؤمنین فی حیوتهم قسم دوم من الشیطان الذین امنوا قسم سوم اضغاث و احلام یعنی خواب بر سه قسم است یکی از حق تعالی جل و علا بشارت مومنان را در زندگانی بایشان و دوم قسم آنست که مرد ما را اندوهگین گرداند سوم قسم آنست که خوابهای آشفته باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید

اصل خواب بر سه قسم است بکبیر احکم خوانند دوم را قسم تشابه خوانند و سوم قسم را اضغاث و احلام خوانند و اضغاث و احلام چهار گروه بینند گروهیکه طبع ایشان بفساد مایل است و گروهیکه شارب الخمر باشند و گروهی که غذای سودا انگیز خورند چون باذنجان و عدس و گوشت نمکسود و آنچه بدان ماند و گروهی کودکان نابالغ محمد بن سیرین رحمة الله علیه گوید خواب بر دو قسم است اول خواب حکم که آن درست بود دوم اضغاث و احلام و آن خواب پریشان و پراگنده بود و اضغاث دستهای گیاه باشد یعنی چنانکه گیاها متفرق اند هر گونه در بستانها و اضغاث نیز مختلف است و آن نیز بر سه نوع است بعضی از غلبهٔ طبع و هوا و بعضی از نمایش دیو و بعضی از حدیث نفس و این هر سه نوع درست نباشد کرمانی رحمة الله علیه گوید خواب بر سه قسم است قسمی از بشارت حق سبحانه و تعالی عز و جل و قسمی وسوسهٔ از شیطان و قسمی از سخنی که با خود گوید و از هوس آن سخن در خواب بیند و آن راست صورت فرشته بود که از لوح محفوظ بشارت دهد بچیزیکه کرده باشد یا بنده بحضرت حق تعالی جل و علا بود و از شر آن ایمن گردد که بوی رسد ازین سبب چون کسی خواب بیند و فراموش کند معبر گوید توبه کن از گناهان و فراموش کردن خواب از معصیت باشد زیرا که نمایندهٔ خواب فرشته ایست از لوح محفوظ مغربی رحمة الله علیه گوید خواب بر دو قسم است قسمی خواب راست و قسمی خواب دروغ و خواب راست بر سه قسم است قسم اول را تبشیر خوانند و قسم دوم را تهدید و قسم سوم را الهام قسم تبشیر آنست که حق تعالی جل و علا فرشته بر لوح محفوظ موکل فرموده است تا هر چه از خیر و شر بر سر فرزند آدم که خواهد گذشت از لوح محفوظ بوی رساند و بنماید او را در خواب و آن فرشته را ملک الرویا خوانند پس چون کسی را بشارتی خواهد رسانید ملک الرویا او را در خواب باز نماید و خواب تهدید آنست که ملک الرویا او را بترساند و آگاهی دهد از چیزیکه بوی خواهد رسید تا بیننده خواب بطاعت گراید و از گناه پرهیزد و بسبب آن عبادت و فرمانبرداری کند و از شری که بوی خواهد رسید ایمن گردد قوله تعالی وتوبوا الی الله جمیعا ایها المؤمنون لعلکم تفلحون و خواب الهام آنست که خدا تعالی الهام دهد آن فرشته را تا در خواب بنماید بنده را که صدقه باید دادن و جهاد کردن و بحق سبحانه و تعالی باز گشتن و از سر گناه در گذشتن و عدل و احسان با خلایق کردن و خواب دروغ بر سه وجه است یکی آخواب همت گویند دوم خواب علت سوم خواب شیطانی یعنی خواب آشفته و مختلف خواب همت آنست که مردم به بیداری چیزی اندیشند چون بخواب روند همان بینند و آن خواب را اصلی نباشد و تاویل وی راست نیاید و خواب علت آنست که مردم از اری از درد اندامی نالد چون بخسپد آن درد بروی غالب شود و چیزهای منکر و سهمگین بخواب بیند و سبب آن خواب از درد باشد و آن خواب را اصلی نباشد و خواب شیطانی آنست که او را تن شستن واجب کند یا چیزی نا ممکن بخواب بیند و از تعبیر و تاویل نباشد قوله تعالی وما نحن بتاویل الاحلام بعالمین و امیر المومنین علی کرم الله وجهه فرمود که از عجایبهای که حق سبحانه و تعالی عز و جل آفریده یکی خواب است و آنچه در خواب همی بینم از خیر و شر که بعد از ان حکم ایزد تعالی جل و علا بر سد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید از عجایبهای خواب یکی آنست که شخص در خواب بیند خیری و منفعتی و راحتی بیند یا شری و آفتی و همچنان

آن خیر و رحمت یا شر و آفت بعینه به بیداری بوی رسد و یکی دیگر آنکه بسیار مردمان کند فهم و کند زبان باشند چنانکه در بیداری بیتی دراز و یا شعری که یاد نتواند گرفتن در خواب خواند و یاد گیرد و در بیداری درست باز خواند و بسیار مردمان جاهل باشند که سخنان حکمت آمیز و لفظهای نیکو گویند چنانکه هیچ حکیم و عالم نتواند گفت و چون بیدار شود آن سخنان باز گویند جابر مغربی رحمة الله علیه گوید از عجایبهای خواب یکی آنست که در خواب چیزی بیند که افترا باشد و تاویل آن چنان است که آنچه در خواب بیند فرزند یا برادر او را باشد چنانکه محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و اصحابه وسلم یکی بخواب دید که بوجهل مسلمان شدی آن خواب از پس لعکرمه باز گشت هم مردی دیگر بخواب دید اسد امیر مکه مسلمان شد آنخواب به پسران عباس بن اسد باز گشت که چون کودکی بخواب بیند تاویلش مادر او را بود یا بنده بیند تاویلش خواجه او را باشد

ازین عجایبها در خواب بسیار است اگر جمله یاد کنیم کتاب دراز گردد

فصل سوم در یاد کردن نفس و روح

بدانکه حق سبحانه و تعالی اجل و علا در قرآن مجید فرماید الله یتوفی الانفس حین موتها و التی لم تمت فی منامها فیمسک التی قضی علیها الموت و یرسل الاخری الی اجل مسمی ایزد تعالی اعز اسمه خبر کرده است ما را که نفس با خویشتن گیرند در خواب و بیداری باز گذارد و اما مرده باز نگذارد و معنی یتوفی اینجا استیفا بود بمعنی بستدن و میان علما و حکما در نفس و روح خلاف است بعضی گفته اند هر دو یکی اند معنی نفس در روح جان است و دلیل ایشان آنست که گویند در کلام عرب هشت معنی دارد جان و خون و آب منی و براز و همت و جسم و دید و روح را گویند دوازده معنی دارد جان و باد و کلام و روح القدس و باران و وحی و افسون مسیح مریم و زندگانی و فرشته و رحمت حق جل و علا و جمعی گویند که جان بیننده خواب از تن بیرون آید و بآسمان رود و آنچه بدیده است و بشنیده یاد میدارد و چون بیدار شود باز جان در تن او در آید دلیل ایشان آنست که پیغمبر صلی الله علیه و آله و اصحابه وسلم گفت بنده که بطهارت بخسپد و ذکر حق تعالی بر زبان راند جان او را بر آسمان برند و بعضی معبران این آیت خبر را منع کنند و گویند این نه قول رسول ما است اگر خفته را جان از تن رفتی حرکات دم زدن نداشتی پس چون این حال در خفته حاصل است دلیل کند که جان همچنان در تن خفته است و بعضی در میان جان و روان فرق نهند و گویند که چون خفته در خواب رود روان او از تنش بدر آید و گرد عالم بگردد و باز در تن در آید و آنچه دیده باشد جان را خبر دهد و دلیل گویند که مثل جان چون قرص آفتاب است و مثل روان چون روشنائی آفتاب چنانکه قرص آفتاب در فلک چهارم است و روشنائی او در جهان و جمعی از فلاسفه گویند جان و روان خود یکیست و هیچ فرقی نیست میان ایشان زیرا که صفت ثنا ان یکیاس عقلی چون یخ از آبست و آب از یخ و نزدیک ارسطاطالیس نفس مبدا اول است و او شریف و بزرگوارتر از روح است و اما صفت نفس و روح از قول حکما پیشین ازین یاد کردیم در کتابیکه نام او سماز المسایل است و آنجا بیان کرده ایم تا نزدیک اهل سنت و جماعت روح امریست از امرهای باری سبحانه و تعالی اعز و جل قوله تعالی و یسئلونک عن الروح قل الروح

مِنْ اَمْرِ رَبّی یعنی ای محمد صلے اللہ علیہ و آلہ و اصحابہ وسلم سوال می کنند ترا از جان بگو کہ جان از امر کردگار من است و اعتماد بر قول باری تعالی است و حدیث رسول اللہ صلے اللہ علیہ و آلہ و اصحابہ وسلم و مقصود از یاد کردن اقاویل حکما درین باب این بود تا این کتاب از ذکر ایشان و برہان خالی نباشد ایزد جل و علا ما را بطریق دین خدا و سنت پیغمبر نگاہ دارد و توفیق خیر و کرامت روزی کند

فصل چهارم در درستی خوابہا بعلامتہا کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید ہر کہ خواہد تا درستی خواب خویش بعلامتہا و دلیلے نیک بداند باید کہ تا تواند بطہارت بخسپد و بہ پہلوی راست بخسپد و خدای را یاد کند و طعام بسیار نخورد زیرا کہ آنکس کہ طعام بسیار خورد و خدای را یاد نہ کند معدہ او پر گردد و بخارہای طعام بدماغ او رسد و عقل ازان متحیل گردد ازین سبب خوابہای آشفتہ و مختلف بسیار بیند و طعام اندک ہم نخورد زیرا کہ چون معدہ از طعام خالی باشد و گرسنہ خسپد ہم خواب آشفتہ بیند زیرا کہ طبیعت اگر غذا نیابد سست و ضعیف شود او را خواب ببرد و چون در خواب رود خواب آشفتہ بیند و مردم در وقت خواب باید کہ نہ سیر باشند و نہ گرسنہ تا خوابی کہ بیند راست و درست آید و نیز خواب را فراموش نکنند و در خبر است از عبد اللہ بن مسعود رض کہ مرد اعرابی نزدیک رسول اللہ ص آمد و گفت یا رسول اللہ دوش چنین خوابی دیدم و خوابی آشفتہ آغاز کرد و میگفت رسول ع فرمود کہ چہ خوردہ بودی گفت خرمای پختہ خوردہ بودم بسیار رسول علیہ السلام فرمود کہ این خواب را تاویل نیست و درست نیاید و از اینجاست کہ معبران بسیار خواب را تعبیر میکنند و تاویل آن درست نمی آید معبر باید کہ ازین تعبیرہا غافل نباشد و چنین چیزہا از سایل بپرسد بعد ازان تاویل خواب بکند تا آنچہ گوید راست و درست آید و علامتہای درستی خواب چنین باشد کہ یاد کردہ شد ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ بسیار خواب است کہ کسی بیند چون آن کس سزاوار آن نباشد تاویلش بہ کسے از خویشان او باز گردد یعنی بفرزند یا برادر یا پدر و بسیار بود کہ تاویل خواب از مرگ او تاثیر کند و مادرین باب پیش ازین تقریر عکرمہ بن ابو جہل کردہ ایم کہ بر پدر خواب دیدند و تاویل آن بر پسر رسید چنانکہ کودک نابالغ چون خواب بیند بر پدر باز گردد پس چون معبر اصول این چیزہا دانستہ باشد بر ہیچ مشکل نبود و جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید بسیار خواب است کہ بیننده را صعب و سہمگین نماید تاویلش بخلاف باشد چنانکہ اندوہ و بیم و تاویلش شادی و خرمی باشد قولہ تعالی و لیبدلنہم من بعد خوفہم امنا و گرنخیتن از بیم پادشاه و دشمن و ددان و آنچہ بدین ماند دلیل کند کہ خداوند خواب در امان و زنہار خدای تعالی باشد قولہ تعالی ففروا الی اللہ انی لکم منہ نذیر مبین و اشکال این تاویلات بسیار است و ما ہر یکی در موضع خود بیان کنیم ان شاء اللہ تعالی

فصل پنجم در معرفت خواب راست و دروغ

دانیال علیہ السلام گوید کہ مردمان باشند در شکل و صورت و طبایع و بالا و سخن گفتن و خواب ہر کس چون بر طبع مردم و ہوا و شہر ہر کس مختلف باشند و بر یکدیگر نماند چون بر طبع مردم خون غالب شود از بسیار خوردن گوشت و حلوا و شراب و چیزہای دیگر کہ ازوی خون بیفزاید در خواب رگ زدن و حجامت کردن و لب باختن و عشرت کردن و آواز چنگ و چغانہ شنودن و آنچہ بدین ماند پس

چون معبر در وی نگاه کند و گونه وی سرخ بیند و تن فربه و در وی نشاط و شادی بیند نه بوقت هنگام خویش بداند که آن
از علت غالب شدن خونست و آن خواب را اصلی نباشد و چون بر طبع مردم صفرا غالب باشد از خوردن چیزهای صفراوی
چون پنیر و پیاز و پلپل و چیزهای گرم و خشک در خواب آتش و چراغ و شمع و قندیل و گرما و چیزی بسیار بیند چون معبر اورا
زرد گونه و لاغر بیند در وی تیزی و حرکت بیند و سخن بسیار گوید داند که صفرا بروی غالب است و خواب او را اصلی نیست
و چون بر طبع وی بلغم غالب شود از خوردن چیزهای بلغم افزا چون دوغ و ماست و شیر و آنچه بدین ماند در خواب برف و
باران و آنچه بدان ماند بسیار بیند چون معبر گونهٔ او سپید و تن فربه بیند و در سخن او گرانی باشد داند که بر مزاج او بلغم غالب
است و داند که خواب او را اصلی نیست و چون بر طبع سودا غالب شود از خوردن چیزهای سودا انگیز چون گوشت نمک
سود و ترشیها و باذنجان و آنچه بدین ماند خوابهای بابیم و ترس و مار و کژدم و تاریکی و چیزهای سهمگین و سیاهی بسیار بیند
و چون بیند که رنگ و روی او از اندیشه متفکر است و لبی سبی بر روی و ریش خود دست مالد معبر بداند که سودا بروی
غالب است و خواب او را اصلی نیست پس از راه خود واجب است که معبر درین چیزها که گفتیم تامل نگاه کند و خواب هر کس را
نیک بپرسد و بر آن واقف گردد تا تاویل خواب بر وفق صواب آید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خواب آن کسانیکه اصحاب
همت باشند چون عاشق معشوق را بخواب بیند یا ارباب حرفت که پیشهٔ او بخواب بیند مثلا جولاه کرباس را یا آهنگر
آهن را بیند بر معبر واجب است که خواب باز پرسد که دوش چه خورده بودی و در چه اندیشه خفتی تا بیان تعبیر کند یا کسیکه
بخواب در میان برف و باران و یخ و سرما گرفتار است چون بیدار شود جامهٔ خواب از وی دور شده باشد آن سر ما بخواب
دیدن سبب بر هنگی باشد و بی جامگی او بود و آنکه خواب را اصلی نباشد و اگر بخواب بیند که اندر گرما بود یا آفتاب و حرارتی
در خود بیند چون بیدار شود جامه بسیار بر خود پیچیده باشد و آن گرمی یافتن بسبب جامهٔ بسیار بود که بر خود پیچیده باشد و اگر کسی
بیند که از علتی مینالید و دردی در اندام وی افتاده بود و یرا رنج رسیده داشت و همان درد دارد آنچه در خواب بیند که
بول میکرد چون بیدار شود بیند که در جامهٔ خواب بول انداخته بود و یا بول بروی غالب شده باشد انچنین خوابها را اصلی نباشد

فصل ششم در دانستن تفاوت میان خوابها و تفصیل خواب هر کسی

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که خداوند خواب از دو حال بیرون نیست یا مومن است یا کافر و این اصل را چهارده نوع است نوع اول خواب پادشاهان دوم خواب قاضیان
سوم خواب مفتیان چهارم خواب عالمان پنجم خواب آزادگان ششم خواب بندگان هفتم خواب مردان هشتم خواب زنان
نهم خواب صالحان دهم خواب فاسقان یازدهم خواب توانگران دوازدهم خواب درویشان سیزدهم خواب بالغان چهاردهم
خواب کودکان نابالغ و ازین جمله خوابهای پادشاهان راست تر و درست تر است و گفته اند که خواب پادشاهان را بر دیگران
چندان فضیلت است که پادشاهان را بر رعیت چه ایزد سبحانه و تعالی جل و علا پادشاهان را برگزیده و سروری داده و خلق
را فرمود تا اطاعت وی بجا آورند قوله تعالی یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَأَطِیعُوا الرَّسُولَ وَأُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ

و رسول صلی الله علیه و آله و اصحابه وسلم فرمود مَنْ اَطَاعَ اَمِیْرَ فَقَدْ اَطَاعَ اللّٰهَ وَ رَسُوْلَهٗ پس هر چند خوابیکه پادشاه عادل
مصلح بیند آن خواب مقرون پادشاه را نزدیک بود و بخواب پادشاه نزدیک تر و خواب او درست تر است و خواب قاضی را فضیلت
است بر خواب دیگران زیرا که عدل و انصاف و نظر کردن در کارهای خاص و عام بستن و کشادن با مور خلایق همه از قاضیان بود
و خواب فقها را فضیلت است بر خواب عوام چه ایشان دانا اند باصول فقه و حدود مسلمانی و فرایض و سنن و حلال و حرام از قول ایشان
بتوان دانست و خواب آزادان را فضیلت است بر خواب بندگان از برای آنکه حق سبحانه و تعالی جل و علا شرف و نسب
داده است ایشانرا بر بندگان و خواب علما را فضل از برای آنست که حق سبحانه و تعالی ایشانرا شرف و توفیق داده است تا خلق را
بر راه راست آرند و بخیرات و طاعات رغبت نمایند و خواب بنده خداوند را منفعت دهد که بنده را ازان نصیب باشد و خواب
مرد از بر زنان فضل است از برای آنکه باری سبحانه و تعالی ایشانرا برگزید بر زنان بچند چیز رجحان داده بفضیل نهاد قوله تعالی
اَلرِّجَالُ قَوَّامُوْنَ عَلَى النِّسَآءِ و پیغامبر ایشانرا علیهم السلام فرشتادهمه مردان بودند و جای دیگر فرمود فَرَجُلٌ وَّامْرَاَتَانِ مِمَّنْ
تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَآءِ و بدیهه عقل است صبر و جود و رای و شجاعت و سخاوت و علامت و حزم و امثال آن همه در جبلت مردان
مذکور گردانیده و خواب زنان نزدیکست بخواب بندگان و خواب صالحان را فضلست بر خواب فاسقان از بهر آنکه خواب اهل صلاح
بطاعت میل میکنند و از معصیت دور باشند و خواب فاسقان که روز قیامت بر ایشان حجت باشد چنانکه بر کافران زیرا که
فاسق بر معاصی دلیری کند و خواب تو انگر بر خواب درویش فضل دارد زیرا که تو انگر زکوٰة و صدقه دهد و حج و غزا کند و رسول صلی الله
علیه و آله و اصحابه وسلم فرمود که یَدُ الْعُلْیَا خَیْرٌ مِّنْ یَدِ السُّفْلٰی یعنی دست بخشنده به از دست ستاننده است و گروهی از معبران گویند
که خواب درویشان را اصلی نباشد زیرا که همواره دل ایشان پریشان باشد از غم کسب و عیال چون درویش خواب نیکو بیند اثر آن
دیر پدید آید و چون بد بیند اثر آن زود ظاهر گردد و خواب تو انگران خلاف این باشد و خواب اهل بلوغ معتبر باشد زیرا که شهوت
بر ایشان غالب باشد و نابالغ ادب و عقل ندارد بعضی از معبران گویند که خواب کودک نابالغ چون نیک باشد نیکی آن پدر و مادر
را رسد و بدی آن زیان دارد و خواب کودک نابالغ را دو قولست قولی آنست که خواب ایشان راست و درست باشد حکمش پدید
آید زیرا که دل کودک از گناه صافی باشد و از معصیت و شغل دنیا فارغ باشد و قولی دیگر خواب کودکان را عقل و تمیز خیانچه باید
نباشد و خواب مست و جنب و زن حایض درست باشد خیانچه صفیه بنت هند بخواب دید که ماه و آفتاب از آسمان بر دو کنار وی
افتادند چون بیدار شد امیر خیبر را ازین خواب آگاه کرد امیر خیبر طپانچه بر روی وی زد و گفت اگر این خواب راست میگوئی محمد مصطفی
صلی الله علیه و آله و اصحابه وسلم خیبر بستاند و ترا بزنی کند دیگر روز رسول صلی الله علیه و آله و اصحابه وسلم خیبر بگرفت و لشکر اسلام
صفیه را پیش بردند رسول صلی الله علیه وسلم از صفیه پرسید که این کبودی که بر روی تست از چیست صفیه این صورت خواب باز گفت
همچنان بود که دیده بود و تاویل خواب او راست آمد و الله اعلم بالصواب **فصل هفتم** در معرفت فرق میان خوابها گرمانی
رحمة الله علیه گوید که خواب مسلمانان راست تر از خواب کافران باشد و خواب دانا بهتر از خواب نادان و خواب صالح بهتر از خواب فاسق

قولہ تعالیٰ اَمْ حَسِبَ الَّذِیْنَ اجْتَرَحُوا السَّیِّاٰتِ اَنْ نَّجْعَلَهُمْ کَالَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ سَوَآءً مَّحْیَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَآءَ مَا یَحْکُمُوْنَ وخواب پیران بہتر و راست تر از خواب کودکان و خواب زن آزاد بہتر از خواب کنیزک بود و در خواب ہر کس معبر را باید کہ در وقت گذاردن خواب مراتب نیکو نگاہ دارد و چون از خداوند خواب سوال کند و الفاظ پراگندہ کہ شنود بہمہ را بقیاس عقل راست کند چنانکہ لفظ اول باخر نبود و از ان آخر با اول آرد آنگاہ بتعبیر کند و ہر کدام کہ لفظ قوی تر بیند باصول بہمان لفظ بتعبیر کند تا چون میزان کلام نگاہ داشتہ باشد او را غلط نیفتد و آنچہ گوید صواب گوید زیرا کہ علمای قدیم قیاس چنین کردندے و صواب و راست آمدی **حکایت** چنین گویند مردی از ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ سوال کرد کہ بخواب دیدم کہ بانگ نماز گفتم ابن سیرین گفت حج اسلام بگذاری ہم در آنوقت مردی بیامد و گفت کہ بخواب دیدم کہ بانگ نماز می گفتم گفت کہ ترا بدزدی متہم کنند شاگردان گفتند کہ این دو خواب بکصورت داشت کہ بانگ نماز میگفتند چگونہ بتعبیر این مخالفت کند گفت آنرا سیمای صلاح دیدم گفتم کہ حج بکنی قولہ تعالیٰ وَاَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَاْتُوْکَ رِجَالًا و در آن دیگر سیمای اہل فساد دیدم مخالفت در تعبیر گفتم کہ ترا بدزدی بگیرند قولہ تعالیٰ فَاَذَّنَ مُؤَذِّنٌ اَیَّتُهَا الْعِیْرُ اِنَّکُمْ لَسَارِقُوْنَ جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ وقتی باشد کہ خوابی بینند و تاویل آن ہم در آن روز باشد و خوابی اندر شب بینند و تاویل آن یک سال باشد و خوابی در شب بینند و تاویل آن شش ماہ باشد و وقتی باشد کہ خوابی بینند کہ بیست سال درست شود و باشد کہ تا چہل سال بکشد چنانچہ در کشتن امیر المومنین حسین رضی اللہ عنہ و آنچنان بود کہ رسول صلے اللہ علیہ وسلم بخواب دید کہ گلی خون وی بخوردی و بعد از چہل سال درستی آنخواب پدید آمد کہ او را شہید کردند جابر مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ تاویل خواب شب قوی تر از خواب روز باشد و خوابی کہ اول شب بینند درست نباشد اکثر از کثرت اندیشہ و اشغال و خوابی کہ در نیم شب بینند ہم از قسم ضغاث و احلام بود پس درست تر خواب سحرگاہ بود زیرا کہ خواب سحرگاہ و نشستہ مقرب از لوح محفوظ بمردم نماید ازین سبب تاویلش درست و راست بود ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید خوابیکہ در اول شب بینند تاویلش بہ پنج سال پیدا شود و اگر میانہ شب بینند تاویلش بہ پنج ماہ پیدا شود و اگر در سحرگاہ بینند تاویلش تا دہ روز پیدا شود علی الجملہ ہر چند کہ شب بروز نزدیکتر بود خواب درست تر و زودتر بود تاویل آن ✣ ✣

فصل ہشتم

در دانستن خواب جذر تا بر معبر راست آید دانیال علیہ السلام گوید کہ ہر کہ خواہد کہ تعبیر خواب کند ناچار است از آنکہ علم جذر و فال را کہ استادان قدیم را بود نیک بداند چنانکہ اگر کسی از وی تعبیر خواب بپرسد باید کہ معبر نام سائل بپرسد اگر نامش نیک باشد دلیل بر نیک کند چنانکہ محمد و احمد و حسین و فضل و سہیل و بشیر و حبیب و محبوب و آنچہ بدین ماند بداند کہ این جملہ را دلالت بر خیر و فرح بود بر آن کس کہ رسیدہ اگر نام بخلاف این بود دلیل کند بر شر و اندوہ کہ بر و رسد و چون سائل از وی تعبیر خواب پرسد معبر در آن زمان پیش اسپ یا استر یا خر بیند بداند کہ خوابش پسندیدہ و نیک باشد و نیز بیند کہ خواب سفر کند خاصہ کہ اسپ و استر با زین و لگام بیند قولہ تعالیٰ وَالْخَیْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِیْرَ لِتَرْکَبُوْهَا وَزِیْنَةً و اگر سائل از وی تعبیر خواب بپرسد در آن زمان کلاغ سہ بار بانگ کند دلیل بر خیر و نیکی کند و اگر کلاغ دو بار بانگ کند دلیل بر بدی بود کہ بوی بر سد جابر مغربی رحمۃ اللہ علیہ

گوید شخصی خوابی میپرسید از عبد الله ابن عباس در آن حال کلاغی بیامد و بر دیوار خانه بنشست و دو بانگ کرد عبد الله بن عباس گفت دلیل که شری بتو رسد هم در آن شب دزدی بخانهٔ وی رفت و سوراخی کرد و هر چه داشت ببرد عبد الله گفت که من با یاران گفتم که اگر کسی تعبیر خواب بپرسد و کلاغ دو بار بانگ کند دلیل بر مضرت و زیان بود و اگر چهار بار بانگ کند دلیل بر خیر و نیکوئی و اگر پنج بار کند بد باشد و اگر شش بار بانگ کند نیک باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که بانگ کلاغ چون طاق باشد دلیل بر خیر باشد و چون جفت باشد دلیل بر تباهی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر مردی بخسپد به نیت آنکه خوابی به بیند و از آن خواب احوال نیک و بد باز داند اگر در خواب گوسپند یا بره یا گاو یا اسپ و مانند این باشد که گوشت وی چیزی خورند دلیل بر تباهی کار او باشد اگر بیند دربسته از بهر او کشادند و یا طعامی شیرین یافت و خورد دلیل بر نیکی کند

فصل نهم در خوابیکه فراموش کرده باشند جعفر صادق رضی الله عنه گوید چون کسی خوابی دیده باشد و فراموش کند و معبر خواهد که خواب او بداند طریق آنست که نامش بپرسد و حرفهای نامش بشمارد و به حساب ابجد نه از وی بیند از دو نگاه کند که چند مانده است مثلا اگر نه مانده باشد شهر را بخواب دیده تاویلش دلیل بر فساد کند قوله تعالی وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ و اگر هشت مانده باشد سفر یا تزویج دیده باشد قوله تعالی ثَمَانِيَ حِجَجٍ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ و اگر هفت مانده باشد دوان یا سگان دیده باشد قوله تعالی وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ و اگر شش مانده باشد و خداوند خواب مستور باشد دلیل کند که فرشتگان و اهل صلاح را بخواب دیده باشد تاویلش تمامی اشغال وی باشد و اگر خداوند خواب مفسد بود دلیل کند که دیوان و اهل فساد بخواب دیده باشد دلیل بر تباهی حال او کند قوله تعالی خَلَقَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ و اگر پنج مانده باشد اسپان و سلاحها بخواب دیده باشد و اگر چهار مانده باشد آسمان و ستارگان بخواب دیده باشد فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِلسَّائِلِينَ و اگر سه مانده باشد دلیل که با کسی کاری گفته باشد مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَىٰ ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ و دیگر گفت ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ إِلَّا اگر دو مانده باشد یا یک دلیل که در دین و دنیا منفعت کند ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ تاویلش آنست که از آنچه میترسد ایمن گردد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید چون کسی خوابی دیده باشد و فراموش کرده بود و معبر خواهد که خواب بداند خداوند خواب را گوید دست بر عضوی نه از اعضای خویش اگر بر سر نهد کوه در خواب دیده باشد و اگر بر چشم نهد چشمهٔ آب شور دیده باشد و اگر بر بینی نهد دامن کوه دیده باشد و اگر بر رخسار نهد مرغزار دیده باشد و اگر بر دهان نهد چشمهٔ آب خوش دیده باشد و اگر بر گوش نهد سگانها و مناکها دیده باشد و اگر بر ریش نهد گیاهها در خواب دیده باشد و اگر بر شکم نهد رودخانه در خواب دیده باشد و اگر بر عورت نهد خرابات در خواب دیده باشد و اگر بر دوش نهد کوشک و منظر دیده باشد و اگر بر بازو نهد درخت میوه دار دیده باشد و اگر بر انگشتان نهد شاخهای خرد درخت دیده باشد و اگر بر مقعد نهد منزله دیده باشد و اگر بر زانو نهد گریوه دیده باشد و اگر بر ساق نهد درخت بی بر دیده باشد دانیال علیه السلام

گوید

گوید که چون کسی خواب بیند و فراموش کند از چهار چیز بوده باشد یکی از بسیاری گناه دوم از گرداری مختلف سوم از ضعف نیت چهارم اختلاف طبع که چون از حال بگردد لاجرم خوابها فراموش کند **فصل دهم** در گذاردن خواب بقول جاهلان کرمانی رحمة الله علیه گوید اهل علم و حکمت جایز ندانسته اند که کسی خواب پیش جاهل گوید یا تعبیر آن از جاهل بپرسد و اینکه گویند اگر کسی خوابی دیده از نادانی پرسید و او تعبیر کرد و آنچه معبر گفته باشد واقع شود و این محال است زیرا که نماینده خواب فرشته ایست و هرگز خطا نه اندیشد و آنچه گوید حق باشد و حق بقول نادان باطل نگردد و میان عالم و جاهل فرق بسیار است قوله تعالی قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ و رسول صلی الله علیه و آله و صحابه و سلم فرمود لا یستوی العالم و الجاهل و چون نمودار خواب فرشته ایست که از لوح محفوظ گفته باشد اگر بیند که خیر خواهد رسید یا شر و هر چه که عالم و جاهل خواهند که آنرا بگردانند و آنچه رسیدنی بود برسد مگر قضائی معلق بود که بدعا و صدقه دفع شود و چون ملک زبان آن خواب بدید چنانکه حق تعالی فرمود قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالِمِينَ قوم خویش را بخواند و این خواب پرسید و گفت قوله تعالی يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ یعنی ای بزرگواران فتوی کنید مرا در این خواب قوم او گفتند ما بتعبیر این خواب نمیدانیم پس یوسف علیه السلام بتعبیر کرد و حدیث هفت سال قحط بگفت بدین عجب دانستیم که هر چند جاهلان بتعبیر خواب کنند حق باطل نگردد

فصل یازدهم در معرفت خوابها از حال باوقات و اصناف و هیئات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خواب باوقات گردد چنانکه اگر کسی شب خواب بیند که بر سیلی نشسته است دلیل که بزرگی کند و شغلی که او را باشد اندران منفعت اندک بود و اگر این خواب بروز بیند دلیل که زن را طلاق دهد و اگر شب بیند که مرغ سگ را بگرفت دلیل که او را با مردی ابله کار افتد و اگر بروز بیند بیمار گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خواب از اصل نگردد بقدر دین و صنعت و حرفت و کسب کردن چنانکه تاویل همان خواب بر یکدیگر عذاب بود قوله تعالی غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا چون این خواب مردی صالح بیند دلیل که دست از گناهان و کارهای ناسزا بدارد چنانکه محمد بن عبد العزیز روایت کند باسناد درست از عبد الرحمن سلمی که پیغمبر صلی الله علیه و سلم میان ابوبکر صدیق و سلمان فارسی رضی الله عنهما برادری کرده او و سلمان خوابی دید مر ابوبکر را گفت و سبب آن خواب از وی دور شد و ابوبکر رضی الله عنه گفت که دست از سر تو کوتاه شد تا بقیامت سلمان رضی الله عنه ازین خواب سید عالم را صلی الله علیه و آله و سلم خبر داد تاویل همان فرمود که ابوبکر رضی الله عنه گفته بود و ابو سلم رضی الله عنه روایت کرد از عطا بن خباب که محمد بن سیرین رحمة الله علیه گوید که تاویل خواب کسیکه بر منبر بود چنین کرد که اگر از اهل صلاح است شرف و بزرگی یابد و اگر از اهل فساد است بردارش کنند و در عدید الحدیث آمده است که احمد بن سعد روایت کرد که از ابو عبیده که زنی از محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم پرسید بخواب دیدم که ستون سقف خانه من بر من شکسته بود گفت که شوهرت از سفر باز آید بار دیگر همین خواب دید پیش ابوبکر رضی الله عنه رفت و از وی پرسید گفت شوهرت بمیرد خواب هر دو یکی بود اما تاویلش

از اختلاف وقت بگشت و ابو حاتم روایت کند از اصمعی که شعری پرسید که بخواب دیدم که گندم بجو فروختمی گفت شعر بقرآن بدل کنی و گندم جو از اصل بگردانید از گشتن حال مرد و اگر کسی همین خواب بیند باشد که صاحب اصمعی حدیث کرد و کرمانی رحمة الله علیه گوید هر خواب که در فصل بهار بیند امید وار باشد و نیکو اما در حکم تاویلش تاخیر بود خواهیکه در فصل تابستان بیند حکم تاویلش زودتر و قوی تر باشد و هر خواب که در فصل خزان بیند تاویلش درست نیاید و بر درستی این سخن دلیل آنست که مردی از ابو بکر صدیق رضی الله عنه پرسید که بخواب هفتاد برگ شمرده از درختی بمن داده اند ابو بکر گفت هفتاد چوب بر تو زنند در آن هفته هفتاد چوب بروی بزدند پس سال دیگر همین خواب دید همان هفتاد برگ از ابو بکر صدیق رضی الله عنه پرسید گفت هفتاد هزار درم بتو دهند گفت یا امیر المومنین بسال گذشته همین خواب دیدم تاویل آن هفتاد چوب بود امسال هفتاد هزار درم مرا گفتی از فصل این خبر کن گفت بسال گذشته در فصل خزان دیده بودی در آنوقت درختان همه خشک میشدند و برگ میریخت تاویلش آن بود و امسال بهار است و درختان روی باقبال دارند تاویلش اینست آن مرد هفتاد هزار درم یافت و دانیال علیه السلام گوید که چون کسی در اقبال خواب ببیند یعنی از بامداد تا نیمروز حکم تاویلش بر اقبال و نیکوئی باشد و بعد از زوال تا شبانگاه دلیل بر شر و فساد بود و تعبیر آن خواب بروز ابر و برف و باران و بوقت آمدن و فرو شدن آفتاب نشاید پرسید جابر مغربی رحمة الله علیه گوید راست ترین خوابها آنست که بوقت سحر تا آفتاب بر آمدن بیند یا استوار آفتاب خواب نیکو و درست و راست باشد و تاویل خواب و شکفتن درختان و رسیدن میوها خوابهای عظیم نیکو بود و تاویل آن درست آید و خواهیکه روز زمستان بیند حکم تاویلش ضعیف باشد و در زمستان باد و باران دارد و در بهار جهان خوش و خرم است

فصل دوازدهم در معرفت شرایط آداب با اهل خواب دانیال علیه السلام گوید معبر باید که دانا و پارسا باشد و ساکت و علیم و از عصیان دور باشد و بوقت آنکه از وی تعبیر پرسند حاضر و بیدار بود و خواب از سائل باحتیاط تمام بشنود و بداند که سائل پادشاه است یا رعیت کهتر است یا مهتر عالم است یا جاهل آزاد است یا بنده غریب است یا شهری تونگر است یا درویش مرد است یا زن فارغ دلست یا مشغول در بستان دیده است آن خواب یا در زمستان چون اینها جمله بداند هر یکرا به قیاس عقل چنانکه استادان این علم گفته اند تاویل کند و از خود نگوید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید با وجود آنکه درین علم امام و یگانه بود با اینهمه فضل خوابهای که تعبیر آن ندانستی نگفتی و ابو حاتم روایت میکند از اصمعی از ابو المقدم که ابن سیرین از سی تا چهل که بپرسیدندی یک جواب بگفتی و باقی را تعبیر نگفتی پس معبر باید که اول سخن بهیند که خواب نیکو شنود و آنرا تعبیر نیک بداند و در آن تامل کند و اگر سخنی درست باشد و معنی آن صحیح باشد چنانکه احتمال تاویل کند آنگاه تعبیر کند و اگر حشوی در میانه سخن باشد آن حشو از وی جدا بیفگند و بر اصل تاویل کند و اگر همه سخن مختلف باشد هیچ بیکدیگر نماند اضغاث و احلام است و تاویل آن نکند و اگر تاویل آن بپوشد بروی از آن معنی بپرسد از سائل که تنگ دل است یا خوشدل و آنچه از و بشنود بنای تاویل خواب بر آن نهد و اگر نتواند گفتن و معبر آن خواب نتواند دانستن بنام تعبیر کند یا بطبع عبارت و گفتار درشتی و نیکوئی و دروغ و راست و اگر تاویل خوابش بر چیزی بد بود نه گوید

دربوی پوشیده دارد کرمانی رحمة الله علیه گوید اصل خواب بر سه چیز است یکی جنس دوم صفت سوم طبع و جنس چون درختان و مرغان بود و اینهمه در تاویل مردان باشد و صفت آنست که معبر بداند که درخت کدام است و این مرغ از چه جنس است و از چه صفت است و اگر درخت گردگان بقیاس بداند که مردی عجمی است زیرا که در عرب درخت گردگان نباشد و اگر مرغ طاؤس باشد عجمی بود و اگر شتر مرغ باشد مردی عربی بود و طبع آنست که بداند طبع آن درخت از چه نوع است پس تاویل بر نوع آن درخت کند اگر درخت گردگان بود مردی تو انگر بود دولیکن بد معامله و بخیل و شنیع بود زیرا که چون گردگان بجیبانی بانگ کند و تا نشکنی مغزش بیرون نیاید و اگر درخت خرما باشد کاری اختیار کند که آسان باشد کشجرة طیبة اصلها ثابت و فرعها فی السماء و شجرهٔ طیبه آنجا درخت خرما بود و اگر مرغی باشد که همی پرد بداند که این مرد سفر کند پس طبع مرغ نیز باید دانستن که اگر کلاغ باشد مردی بد عهد بود و نیز ببیند خواب باید که مردی راست و بادیانت باشد و هیچ سخن در آنچه دیده باشد زیادت و نقصان نکند زیرا که همهٔ خواب را بزیان آورد و اگر کسی خوابی بیند و ازان بترسد باید که سه بار آیة الکرسی بخواند و باد بر خوشتن دمد و بگوید اعوذ برب موسی و ابراهیم الذی و من شر الرؤیا التی رأیتها من منامی ان تضرنی فی دینی و دنیای و معیشتی عز جارک و جل ثناؤک و لا الٰه غیرک پس ازان دو رکعت نماز بخواند و صدقه دهد شر آن خواب بگردد مغربی رحمة الله علیه گوید ابلیس علیه اللعنه در همهٔ خوابها اعتراض کند و بهمه چیز خوشتن را مانند کند مگر بخدای عزوجل و فرشتگان و پیغمبران و آسمان و آفتاب و ماهتاب و ستاره گان خود را بدان تشبیها مانند نتواند کردن و اگر ویرا قوت آن بودی که خود را مانند این چیزها نمودی میان خلایق فتنه افگندی که گاهی خود را بصورت پیغمبران نمودی و گفتی که من از تو خوشنودم هر چه خواهی میکن با دیگری می گفتی که من آفریدگار تو ام گناهان ترا عفو کردم و ترا آمرزیدم و چیزها گفتی که بندگان خدایتعالی عزوجل را گمراه کردی جعفر صادق رضی الله عنه گوید که هرگاه ابلیس علیه اللعنه قصد کند که خود را بصورت مصطفی علیه السلام نماید از آسمان آتشی فرود آید و آنرا بسوزاند و صعبترین کارها بر ابلیس علیه اللعنه آن باشد که دل مومن روشن بود حق تعالی عزوجل را بداند و خواهیهای او راست باشد **فصل سیزدهم** در آداب نگاهداشتن سائل معبر کرمانی رحمة الله علیه گوید نگاهداشتن معبر آن بود که آهستگی و هوشیاری سرمایهٔ خود سازد بوقت سوال تا خواب نیکو بشنود و دریابد و بر دین و مذهب و اعتقاد او واقف گردد تا بداند که سخن او راست است یا نه که رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود اصدقکم رؤیا اصدقکم حدیثا هر که راست گوتر است خواب را راست گوتر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید واجبست بر مرد عاقل که باطهارت خسپد و بهنگام خفتن خدایتعالی را یاد کند و این دعا وقت خفتن بخواند اللهم انی سلمت نفسی الیک و وجهت وجهی الیک و فوضت امری الیک و الجاءت ظهری الیک لا ملجاء منک الا الیک تبارکت ربنا و تعالیت انت الغنی و نحن الفقراء استغفرک و اتوب الیک اللهم ارنا الرؤیا صادقة غاریة صالحة غیر فاسدة غیر مجربة رافعة غیر راضیة و چون بخسپد بر دست راست بخسپد و چون بیدار شود همچنین حق سبحانه و تعالی را یاد کند اگر خواب

نیک دیده باشد شکر کند وصدقه دهد واگر خواب شوریده دیده باشد اعوذ باللہ من الشیطان الرجیم گوید وقل ہو اللہ احد تمام بخواند وبادبر سوئی دست چپ خویش دمد وبگوید یارب تو دانی ومن ندانم کہ اگر خیر است خیر این خواب بمن رسان واگر شر است شر این خواب از من وازجملہ مسلمانان دور دار یا مجیب دعوۃ المضطرین یا الہ العالمین ویا ارحم الراحمین وبوقت خفتن وبرخاستن وابتدا بکار یکبار این دعا بخواند بسم اللہ الرحمن الرحیم بسم اللہ الذی لا یضر مع اسمہ شیء فی الارض ولا فی السماء وہو السمیع العلیم وبامداد چون از نماز فارغ شود ورد خویش از قرآن ودعوات بخواند آنگاہ برخیزد ونزدیک معبر رود باید کہ وقتی نیک باشد وچون خواب گوید زیادت ونقصان نگوید ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید شرط معبر آنست کہ چون خواب شنود باطہارت باشد واگر کسی دشمن او باشد از بہر دشمنی خلاف نگوید وشر شخصی کہ بداند باو یا دیگران نگوید مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید ہر کہ خوابی بیند باید کہ زیادت ونقصان نگوید واز دروغ احتراز کند کہ در خبر است کہ خواب راست وحی پیامبر است از حق سبحانہ وتعالی وہر کہ وحی کم وبیش کند دروغ بر حق سبحانہ وتعالی بستہ باشد وخواب امانتی است میان خدا تعالی وبندہ ورسول صلے اللہ علیہ وسلم فرمود ہر کہ بر من کہ رسولم دروغ میگوید بر نسبت فساد میکند وگواہی تباہی بر خود میدہد پس ہر کہ خواب دروغ افترا میکند بقول رسول صلے اللہ علیہ وسلم عاصی میشود واین دلیل است بر تعظیم وبزرگی خواب وشرط ادب نگاہداشتن بر معبر وسائل واجب است ✣ ✣ ✣ ✣ ✣ ✣ ✣

فصل چہاردہم در معرفت آنکہ تعبیر از چند نوع باشد ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید معبر باید کہ نخستین نام ومقدار مرتبت ومذہب وسیرت وعقل وفہم سائل معلوم کند ووقت دیدن خواب کہ در روز دیدند یا در شب معلوم کند ونگاہ کند کہ سائل در وقت سوال چہ حرکت میکند وخواب بر چہ نسق میگذارد وفصل ماہ پارسی وروز ماہ تازی بداند آنگاہ آنچہ بصواب نزدیک تر باشد تاویل کند دانیال ع گوید چون کسی از معبر خواب پرسد اگر نام وی یا نام پدر وی از نامہای پیغمبران بود از راہ جذر وفال دلیل کند بر خیر وبشارت وخرمی واگر نام وی نامی بد باشد دلیل بر شر وفساد کند دانیال علیہ السلام گوید خواب در اول روز یکشنبہ نیکو بود کہ تعلق بآفتاب دارد ودر اول روز دوشنبہ تعلق بماہ دارد نیکو باشد ودر اول روز سہ شنبہ تعلق بمریخ دارد پرسیدن خواب نشاید ودر اول روز چہارشنبہ تعلق بعطارد دارد وقوم ہود واصحاب الرس ہلاک شدند ہم نشاید پرسیدن ودر روز پنجشنبہ مشتری را باشد اول روز خواب دلیل بر سعادت وعشرت بود ودر اول روز آدینہ زہرہ را بود دلیل بر طرب ونشاط وخوشی وعیش وجمعیت خاطر باشد مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید معبر باید کہ او را تجربہ بسیار میباشد در گذاردن خواب چنانکہ طبیب را تجربہ بہ بیمار ومعالجت او **حکایت** امیر المومنین مہدی شبی بخواب دید کہ روی او سیاہ گشتہ بود چون بیدار شد ترسید ومعبران را جمع کردہ خواب بگفت در تاویل معبران درماندند وتاویل آن ندانستند ابراہیم کرمانی رحمۃ اللہ علیہ کہ استاد معبران بود حاضر آوردند خواب خلیفہ بشنید گفت ترا دختری آید معبران گفتند ترا دلیل بر ین چیست گفت قولہ تعالی وَاِذَا بُشِّرَ اَحَدُہُمْ بِالْاُنْثٰی ظَلَّ وَجْہُہٗ مُسْوَدًّا وَّہُوَ کَظِیْمٌ پس امیر المومنین ہزار درم بہ کرمانی داد ہم در آن روز او را دختری آمد دہ ہزار درم

بر دیگر

دیگر بار بر ایشان گریانی بخشید **حکایت** مردی بخواب دید که او را حضی کردند نزد یک معبر آمد و پرسید گروهی گفتند این مرد زود بمیرد
دیگری گفت از فرزندان جدا گردد و دیگری گفت حدهٔ او نقصان کند دیگری گفت نسل او بریده شود دیگری گفت زن را طلاق
دهد پس روزگاری برنیامد که زن را طلاق داد و فرزندان برگرفت و عزم سفر کرد و در دریا در کشتی نشست باد مخالف بر خاست
و کشتی غرق شد و در میانهٔ دریا ماهی ذکر و خصیتین او بخورد و مال و فرزندان او جمله بلاک شدند و تعبیر خواب چنان آمد که معبران
گفته بودند گریانی رحمة الله علیه گوید باید که معبر در گوشتا نها تعبیر خواب نکند و سائل در وقت سؤال راست گوید که در زندان
یوسف علیه السلام گفت قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ هر دو فال که پرسیدند راست آمد جعفر صادق رضی الله عنه
گوید که از چهار گروه خواب پرسیدن روا نباشد یکی از بیدینان دوم از زنان سوم از جاهلان چهارم از دشمنان ✤ ✤

فصل پانزدهم در دانستن مسایل که تعبیر آن مقلوب باشد بدانکه بسیار مسایل بود که سایل پرسد که تعبیر آن مقلوب بود چنانکه
ما بعضی از آن درین فصل بیان کنیم تا بر معلم پوشیده نماند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که طاعون در خواب دیدن کار زار بندد در
بیداری و گریستن در خواب شادی بود به بیداری و حجامت کردن در خواب قباله نوشتن بود و دردندان مجوبی دیدن خود را
دلیل کند که در گوش کنند و در خواب خود را در گور دیدن دلیل کند که در زندانش کنند به بیداری و در خواب خانه خراب شدن
و خستران زادن بود و خستران زادن در خواب کشت کردن بود قوله تعالی نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ
نیکی در خواب کرپاس تنیدن بود و کرپاس تنیدن در خواب نیکی کردن بود و انجیر خوردن پشیمانی خوردن بود و سیل بجائی آمدن
دشمنی بود و در بیداری و آمدن همه چیزکه تو آنرا نیک باشد کهنه آنرا بد باشد و هر چیزکه در خواب کهن آن بد باشد تو آن نیک
باشد چنانکه موزه نو اگر کسی بی سلاح پوشد بد بود و غم و اندوه باشد و اگر کسی با سلاح موزهٔ کهنه پوشیده بود در خواب
و در بیداری خرمی و شادی بود و اگر در خواب غلامی خرید بد باشد و اگر میفروخت نیک باشد و اگر کنیزک میخرید نیک باشد
و اگر میفروخت بد باشد ازین قسم معکوسات بسیار است اگر همه را یاد کنیم کتاب دراز گردد لیکن شرح هر یکی در موضع خویش
بگوئیم انشاء الله تعالی

فصل شانزدهم در دیدن خدا تعالی و فرشتگان و پیغمبران علیهم السلام میگوید مصنف این کتاب رحمة الله علیه که
استاد این ضعیف بود تاویل دیدن خداوند تبارک و تعالی و فرشتگان و پیغمبران در اول کتاب یاد کرده اند بنابرین مقدمه
ما نیز صواب چنان دیدیم که در اول کتاب یاد کنیم بر تاویل کتابها و خوابهای دیگر بر سبق حروف معجم بر ترتیب چنانکه در دیباچه
ذکر کردیم باز نمائیم تا استخراج آن بر خواننده و آموزنده آسان گردد تاویل دیدن خداوند تبارک و تعالی و انبیاء علیهم السلام
گوید هر بندهٔ مومن که خدا تعالی عزوجل را در خواب بیند چون و چگون چنانکه در اخبار آمده است دلیل کند که او را دیدار خویش
روزی گرداند و حاجتهای او روا کند و اگر چنان بود که ایستاده بود و خدای عزوجل او را میدید دلیل بر صلاح کار و سلامتی
نفس باشد و به مغفرت مخصوص گردد و اگر گناهکار بود توبه کند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حق سبحانه و تعالی با وی

را میگفت دلیل کند که آنکس نزدیک حق سبحانه و تعالی گرامی گردد قوله تعالی وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا اگر بیند که از پس حجاب با وی سخن
گفت دلیل که او را در دین خللی یا خطائی باشد قوله تعالی وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ
و اگر بیند که او را مقرب و عزیز و گرامی گردانیدند با وی حساب کردند و او را بیامرزید دلیل کند که او را بیامرزد و اما در دنیا بلا بروی
گمارد و اگر بیند که خداوند عزوجل او را پند میداد دلیل کند که رضای خدای عزوجل در آن بود لقوله تعالی يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ
تَذَكَّرُونَ اگر بیند که حق تعالی او را مژده داد به نیکی دلالت کند بر خوشنودی خدای تعالی و اگر بیند که او را بیم کرد دلیل
کند بر غضب خدای عزوجل و اگر بیند که خداوند تبارک و تعالی ایستاده بود و سر در پیش افکنده دلیل که غم و اندوه رسد
قوله تعالی وَلَوْ تَرَى إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُو رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ کرمانی رحمة الله علیه گوید که اگر بیند که خدای تعالی
او را چیزی داد دلیل کند که در دنیا بلا و محنت بروی گزارد و اگر بیند که بنظر لطف در وی بدید دلیل کند که بهشت و لقای
خود او را روزی کند و اگر بیند که او را از متاع دنیا چیزی داد دلیل که بیماری سخت بکشد و از آن اجر و ثواب یابد بعضی از
معبران گفته اند که مستوجب عقوبت گردد اگر خدای را عزوجل بیند اگر کسی او را گوید که این خدای عزوجل است دلیل که
او را پادشاهی حاجت افتد و اگر بیند که خدای عزوجل بزمین فرود آمد یا در موضعی دلیل کند که اهل آن موضع مظلوم باشند و
حق تعالی اهل آن موضع را نصرت دهد و اگر در آن موضع قحط و تنگی بود بفراخی مبدل گردد و اگر اهل آن موضع گناهکار
و عاصی باشند حق سبحانه و تعالی ایشان را توبه دهد و اگر بیند که خداوند تعالی در خانهٔ وی فرود آمد و بلطف دستی بر سر وی
مالید یا او را خلعتی پوشانید یا بر گرفت یا بر بخانید این همه کرم حق سبحانه و تعالی باشد اما در دنیا رنج و بیماری بکشد و اگر خدای
تعالی را بر مثال نوری بیند چنانکه وصف آن نتواند کرد آنرا دلیل بر غم و اندوه کند و اگر بیند که خدای تعالی او را نامی
دیگر نهاد دلیل که شرف و بزرگی کند و اگر بیند که بروی خشم گرفت دلیل که زهد و پارسائی یابد و اگر بیند که خدای تعالی او را
نزدیک خود خواند دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی خدای را عزوجل در شهری یا در دهی
بیند دلیل کند که در آن موضع آنانکه مصلح اند عز و شرف و مرتبت یابند و دست ظلم از آن موضع دور شود قوله تعالی اَللّٰهُ
يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ و اگر بیند که خدای عزوجل بر اهل آن موضع خشم گرفت دلیل کند که قاضی آن شهر
میل مداهنت کند یا امیر آن شهر بر رعیت ظلم کند یا عام آن شهر بدین باشند و اگر این خواب در دی بیند دلیل کند که دست
و پای وی ببرند و در آن شهر فتنه و بلا افتد و قتل واقع گردد قوله تعالی وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً
حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ عبد الله بن عباس رضی الله عنهما گوید اگر کسی
خدای عزوجل را بیچون و بیچگون در خواب بیند از ترس و بیم ایمن گردد و اگر کافر باشد مسلمان شود و اگر مسلمان بود در
آخرت دیدار حق تعالی بیند قوله تعالی لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ مفسران تفسیر در لقای حق سبحانه و تعالی
گفته اند که اگر او را بصورتی بیند که مثل آن صورت ندیده باشد دلیل کند بر فضل و کرم خداوند تعالی و اگر بر صورت مردی بیند

دلیل کند که آن مرد قاهر و نامدار گردد و اگر خداوند تبارک و تعالی را در نماز و تسبیح بیند دلیل کند بر رحمت و آمرزش آن کس که دیده باشد و اگر خدا یتعالی را غازیان در غزا بینند دلیل که آن غازیان را نصرت باشد و اگر خدا یتعالی را بر سر تربت مردگان بینند دلیل کند که آن مردگان را بیامرزد و اگر بیند که خدای عزوجل را دشنام میداد دلیل کند که آنکس کافر گردد و اگر بیند که خدا یتعالی بر تختی نشسته بود یا خفته این همه صفات ناسزا است دلیل کند که بیننده این خواب بدین و عاصی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید تاویل دیدن خدا یتعالی بر هفت وجه بود اول عفو و مغفرت دوم ایمنی از بلا و محنت سوم نور و هدایت و قوت در دین چهارم ظفر بر اهل ظلم پنجم ایمنی از بلا و عقوبت و عذاب آخرت ششم در آن دیار آبادانی و عدل پادشاه هفتم عز و شرف و بلندی در دنیا و آخرت چون برحمت نظر کند و اگر نعوذ بالله منها بنظر قهر نگاه کند بر خلاف آن باشد و اگر قاضی بیند که خداوند تعالی عزوجل با وی باخشم بود دلیل کند که از شرع تجاوز کند و داد مظلوم ندهد و اگر پادشاه بود دلیل بر بعیدلی کند و اگر عالم بود در دین و اعتقاد او خلل بود فی الجمله اگر بنظر رحمت و غفران بود و هر کرا بنظر قهر بیند رحمت و عذاب بود و محبت ما آنست که گوئیم خدای عزوجل موجود است دیدن او را از راه عقل باشد پس باید که بخواب دیدن خدا یتعالی عزوجل منکر نباشد ابو حاتم از محمد بن سیرین شنید که گفت از خوابها هیچ درست تر از آن نباشد که حق تعالی را

عزاسمه را بخواب بیند چون و چگون

رویة الملائکة تاویل دیدن فرشتگان دلیل کند بر پادشاه کامگار با دین و با دیانت و یا عالمی پرهیزگار و بزرگ تر ین ملائکه چهار اند جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل علیهم السلام ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر کسی جبرائیل علیه السلام را در خواب بیند خوش طبع و گشاده روی دلیل که بر دشمن ظفر یابد و بمراد برسد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بخواب بیند که او را جبرئیل ع مژده داد یا وعده نیکو یا از کاری باز داشت دولت و عزت و جمعیت یابد و اگر بیند که جبرئیل ع او را چیزی داد و دلیل که از پادشاه قدر یابد بعضی از معبران گفته اند که اگر جبرئیل ع بوی چیزی داد دلیل بر ترس و بیم عظیم بود که بوی رسد و اگر در خواب بیند که مردم بدو گویند که تو جبرئیلی دلیل کند که سخندان فصیح گردد و مراد بیابد و با امانت و دیانت مشهور گردد و اگر کسی میکائیل را علیه السلام در خواب بیند چنانکه صورت اوست دلیل که خیر و بشارت بدو رسد زیرا که جبرائیل ع آرندهٔ عذاب و میکائیل ع آرندهٔ بشارت و خیر و نعمت است ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر در خواب بیند که میکائیل او را عطا داده دلیل که خیر و بزرگی یابد و اگر بخواب بیند که گویند تو میکائیلی دلیل که از وی خیر و بشارت بمردم رسد و پیش مردم قدر و منزلت یابد دیدن اسرافیل را ع ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که اسرافیل ع را بخواب دیدن چنانکه صورت اوست دلیل بر قوت و بزرگی و جاه و مال و علم و دانش بود و در هر دیار که او را بیند دلیل بر ایمنی و آبادانی آن دیار بود و اگر بیند که صور در دست داشت و میدمید دلیل بر بلا و فتنه کند زیرا که او را مر خدا یتعالی بدمیدن صور است و هر جا که دمیدن صور پیدا شود سبب تشویش و فتنه و بلا باشد قوله تعالی وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ اگر بیند که

اسرافیل علیه السلام صور در دست داشت و نمیدمید دلیل که در آن شهر فتنه و بلا و بیم و ترس افتد و اگر بیند که اسرافیل در خانه او آمد و او خفته بود و زود بیدار شد دلیل که پادشاه آن شهر بروی خشم گیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید که اگر اسرافیل را بخواب بیند که اندوهگین بود و صور میدمید و او تیمنا آواز صور وی می شنید دلیل که در آن دیار وزمین مرگ بسیار بود و ظالمان هلاک شوند و اگر بیند که اسرافیل ع تازه روی بود و شادمان در وی نگاه میکرد دلیل که او را از پادشاه خیر و ایمنی رسد و اگر بیند که اسرافیل ع بر نامه مهر کرد و بدو داد دلیل که اجلش نزدیک باشد و اگر بیند که اسرافیل ع بروی بانگ زد و ناپدید شد دلیل که او را از پادشاه زیان رسد

دیدن عزرائیل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی ملک الموت را بر آسمان بیند و خود را بر زمین دلیل در کاری بود معزول شود و اگر ملک الموت را نزدیک خود بیند دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر ملک الموت را شادمان بیند دلیل که شهید گردد و اگر بیند که با ملک الموت کشتی گرفت و افتاد دلیل که از دنیا زود برود و اگر بیند که ملک الموت را بیند اخت بعضی از معبران گفته اند که بیمار شود اما شفا یابد مغربی رحمة الله علیه گوید که هر که ملک الموت را بخواب بیند خرم و شادمان دلیل که زندگانی او دراز باشد و اگر بیند که ملک الموت بروی سلام کرد دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد و خاتمه کار وی بر شهادت بود و اگر بیند که ملک الموت بوی چیزی شیرین داد دلیل که جان کندن بروی آسان بود و اگر بیند که ملک الموت بروی بخشم نگریست دلیل که با خطر مرگ دچار شد و اگر بیند که ملک الموت بوی چیزی تلخ داد دلیل که جان کندن بروی دشوار باشد و اگر بیند که او را خبر دادند که ملک الموت بطلان جاست و او از دور نگاه کرد دلیل که او را پادشاه کار افتد و اگر بیند که ملک الموت را بکشت دلیل کند که او دشمن خلق گردد

دیدن حملة العرش آن فرشتگانی اند که عرش را بامر حق جل وعلا برداشته اند اگر کسی ایشان را بخواب بیند دلیل که با سلطانی کار افتد و مراد یابد و اگر بیند که بایشان پیوستگی داشت دلیل که او را پادشاهی بزرگ کار افتد و خیر و منفعت بیند کرمانی رحمة الله علیه گوید دلیل که با کسانیکه اهل دین باشند پیوستگی کند و حج گذارد قوله تعالی وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ و اگر فرشتگان او را نبوا ختند و ببندگی خویش باز داشتند دلیل که اجلش فرا رسیده باشد

کراماً کاتبین موکلانند که کردار و گفتار خلایق از نیک و بد مینویسند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر کسی کراماً کاتبین را بخواب بیند اگر مصلح باشد خیر و صلاح و جهانی حاصلش شود و اگر مفلس بود غم واندوه بسیار کشد قوله تعالی يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فرشتگان با هم جنگ و نبرد میکردند دلیل که گنهکار و عاصی بود و مستوجب عذاب حق تعالی باشد قوله تعالی إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى و اگر بیند که فرشتگان منتظر ایستاده بودند تا چیزی از و بستانند مال و نعمت او در زوال افتد و اگر بیند که فرشتگان در یک موضع ایستاده بودند در آن موضع ایمنی باشد و اگر بیند که فرشتگان در سجده مشغول اند دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که فرشتگان در رکوع اند و در سجود دلیل کند که احوال دنیا و دین او مستقیم گردد و اگر بیند که فرشتگان بر صورت زنان دلیل که بیند

خواب بر خداوند عزوجل دروغ گوید قولہ تعالیٰ افاصفکم ربکم بالبنین واتخذ من الملائکۃ اناثا انکم لتقولون قولا عظیما واگر بیند کہ پرداشت و با فرشتگان می پرید اجلش نزدیک بود و با توبہ از دنیا برود و اگر بیند کہ از دو فرشتگان رامیدید و پیش ایشان نتوانست رفت دلیل کہ او را مصیبتے رسد قولہ تعالیٰ یوم یرون الملائکۃ لا بشریٰ یومئذ للمجرمین و اگر بیند کہ فرشتگان او را اطاعت خود فرمودند دلیل کہ اگر او از اہل خیر و صلاح باشد شادی و خرمی بیند و اگر از اہل فساد باشد رنج و اندوہ بوی رسد قولہ تعالیٰ اقرا کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیبا اگر بیند کہ فرشتگان بروی سلام کردند بحجت دلیل کہ بر دشمن ظفر یابد و عاقبت کارش محمود گردد و اگر بیند کہ ملایکہ در یک مقام فرود آمدند دلیل کہ اہل آن مقام از غم و اندوہ فرح یابند زیرا کہ فرشتگان پیوستہ بحضرت پیغمبران آمدہ اند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید دیدن فرشتگان بپند و موعظت باشد خداوند خواب را و اگر بیند کہ فرشتہ او را وصیت کرد و پند داد از دنیا شہید برود و اگر فرشتگان مقرب را در جائی بیند کہ آنجا اہل اسلام باشند و با کافران جنگ میکنند اہل اسلام را ظفر باشد و اگر در آنجا رنج و محنت و سختی بود حق سبحانہ و تعالیٰ اہل آن موضع را از سختی و تنگی خلاصی دہد و اگر بیند کہ فرشتہ گشت و بآسمان رفت دلیل کہ در دنیا زہد و ورع اختیار کند و دست از دنیا بردارد و راہ آخرت جوید و اگر بیند کہ با فرشتگان بآسمان رفت و باز بنیامد زود از دنیا برود و نامش در جہان بنیکی بماند جابر مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ فرشتہ مقرب در وی بچشم حرمت نگاہ کرد دلیل کند کہ از بیماری زود شفا یابد و بعد ازان حج کند و غزا و خیرات بسیار کند و اگر خود در اصل صورت فرشتہ بیند دلیل کند کہ از غم فرح یابد و اگر وام دار است وامش گذارده شود و اگر مالدار است مالش زیاده شود و اگر درویش باشد تونگر گردد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید اگر بیند کہ فرشتہ او را بکاری مژده داد دلیل کہ بزرگی او را شغل باز دارد و اگر بیند کہ فرشتہ او را عطا داد عطا و بزرگی یابد و اگر بیند کہ کروبی فرشتہ او را استقبال کردند دلیل کہ دولت دو جہانی یابد و اگر بیند کہ فرشتگان بدیدن او آمدند و شمعہا و چراغہا داشتہ اند دلیل کہ او را فرزندی عالم و دانا آید و اگر بیند کہ فرشتگان او را اجازت بیعت یا سبز دادند دلیل کہ کسے از خویشان او بمیرد یا اجلش برسد و اگر بیند کہ در وی بحرمتی نگاہ کردند عاقبت کارش بسعادت بود و اگر بیند کہ فرشتہ او را جامع قرآن داد یا خطے نبشتہ دلیل کہ کسی بروی داوری کند و بروی غالب گردد تاویل رویۀ پیغمبران علیہم السلام ابن سیرین رح گوید کہ مراتب پیغمبران علیہم السلام بر سہ گونہ است اول اولوالعزم دوم مرسلاند سوم نبی و پیغمبران اولوالعزم شش اند اول آدم دوم نوح سوم ابراہیم چہارم موسیٰ پنجم عیسیٰ ششم محمد مصطفیٰ ص و مرسل آنہا اند کہ جبرائیل ع بر ایشان وحی آورد و ایشان سیصد و سیزده اند و انبیا آن پیغمبرانند کہ جبرائیل ع با ایشان نیامده و ہر کہ اولوالعزم را بخواب بیند دلیل کہ عز و جلالت یابد و اگر مرسل را بخواب بیند بر دشمنان ظفر یابد و اگر اہل آن موضع در غم و اندوہ و سختی و ملالت باشند ایشان را بشارت بود بخیر و صلاح و آبادانی کار دین و دنیا و اگر بیند کہ پیغمبران از جائی نقل میکردند و بر اہل آن موضع دعائی بد میکردند دلیل کہ خدا تعالیٰ بلائی عظیم بر اہل آن موضع

فرستند مگر توبه کنند و به خدا یتعالی باز گردند گرمانی رح گوید هر بندهٔ مومن که پیغامبری را در جای خود تازه روی و شادمان بیند دلیل که عز و جاه و نصرت یابد و اگر از چیزی خشمگین بود دلیل بر بدحالی و رنج و سختی بود و اگر بخواب از پیغمبران چیزی شنود دلیل که از علم آن پیغامبران بهره یابد و شادمان شود و اگر بیند که پیغامبر را بکشت دلیل که خیانت کرده باشد کقوله تعالیٰ فبما نقضهم میثاقهم وکفرهم بآیات الله وقتلهم الانبیاء بغیر حق جعفر صادق رضی الله عنه گوید که اگر

آدم علیه السلام را بخواب بیند بزرگی و ولایت یابد قوله تعالیٰ وعصیٰ آدم ربّه فغویٰ ثم اجتبه ربه فتاب علیه وهدیٰ و اگر بخواب بیند که آدم علیه السلام با وی سخن گفت دلیل که علم آموزد و علم آدم الاسماء کلها و اگر بیند که آدم ع دست او بگرفت بزرگی و مملکت یابد و اگر بخواب بیند که آدم ع را طاعت برد دلیل که عاصی و بدبخت شود حوا علیها السلام را اگر بخواب بیند دلیل که دولت و اقبال یابد و عیش و خوشی و نعمت فراوان و عمرش دراز گردد **نوح** علیه السلام را اگر بخواب بیند عمرش دراز گردد و لیکن از دشمن رنج و سختی بیند و عاقبت بمراد رسد **ادریس** علیه السلام را اگر بخواب بیند کارش نیکو شود و عاقبت محمود گردد **هود** علیه السلام را اگر بخواب بیند دشمنان بروی افسوس کنند و عاقبت بر ایشان ظفر یابد **لوط** علیه السلام را اگر بخواب بیند کارش بصلاح باز آید و مراد دل بیند **صالح** علیه السلام را اگر بخواب بیند از جای بجای تحویل کند و در خیر بروی گشاده شود **ابراهیم** علیه السلام را اگر بخواب بیند حج اسلام بگذارد و بعضی از معبران گویند که از سلطان ظالم بروی ستم رسد و نیز گویند که بدخوئی کند با مادر و پدر **اسمٰعیل** علیه السلام را اگر بخواب بیند بشارت فتح و غنیمت یابد بقوله تعم وبشرناه باسحٰق نبیاً من الصالحین **یعقوب** علیه السلام را اگر بخواب بیند از قبل فرزندان غم و اندوه خورد و عاقبت از غم فرج یابد **یوسف** علیه السلام را اگر بخواب بیند خویشان بروی بهتان نهند و عاقبت بزرگی یابد **شعیب** علیه السلام را اگر بخواب بیند خصم بروی غلبه کند و بعد ازان بروی ظفر یابد **موسیٰ** ع را اگر بخواب بیند مبتلا گردد با اهل و عیال و بعد ازان حالش نیکو گردد و بر دشمن ظفر یابد کقوله عز وجل ووهبنا له من رحمتنا اخاه هرون نبیاً و بعضی معبران گویند که موسیٰ ع را بخواب دیدن دلیل که پادشاه دران دیار هلاک شود **داؤد** ع را اگر بخواب بیند حق تعالیٰ او را بزرگی و پادشاهی و نعمت و مال و جاهش زیادت گرداند **زکریا** علیه السلام را اگر بخواب بیند حق تعالیٰ وی را توفیق دهد در طاعت **یحییٰ** علیه السلام را اگر بخواب بیند حق تعالیٰ او را توفیق دهد در خیر **خضر** ع را اگر بخواب بیند سفری دراز کند با ایمنی و رزق و عمر دراز **یونس** ع را اگر بخواب بیند از غمها فرج یابد و از تاریکی در روشنائی آید انشاء الله تعالیٰ **ایوب** ع را اگر بخواب بیند کارهای مرده بروی زنده گردد و توفیق طاعت و خیرات یابد **حضرت محمد مصطفیٰ صلے الله علیه وآله واصحابه وسلم** را اگر بخواب بیند از همه غمها فرج یابد و اگر وام دار باشد وامش گذارده شود و اگر بند در زندان بود رهائی یابد و اگر ترسی باشد ایمنی یابد و اگر در قحط و تنگی بود فراخی یابد و بعضی گفته اند هر کس که تواند که بود درویش شود و ابو هریره رض گفت از رسول صلے الله علیه وآله واصحابه وسلم شنیده ام هر که مرا در خواب دید حق دیده باشد که من رانی فقد رای الحق فان الشیطان لا یتمثل بی بدرستی و راستی که شیطان بصورت من متمثل نشود

اگر کسے مراد خواب بیند غم واندوہ بوی نہ رسد عجب مدار کہ تاویل دیدار من بر سعادت آخرت بیشتر باشد اما اگر محمد را ترش روئی بخواب بیند دلیل بر سستی دین و آشکار شدن بدعت در آن دیار بود اگر رسول صلی اللہ علیہ وسلم را در خواب بیند کہ در جائی بانگ میکردند دلیل کہ اگر آن دیار خراب بود آباد ان گردد و اگر او را دید کہ چیزی میخورد دلیل کہ صدقہ و زکوٰۃ باید داد و اگر ویرا در جائی بیند کہ در آنجا ہیچ بلا و محنت نبود اہل آن موضع را نعمت زیادہ گردد خاصہ کہ اگر او را در مسجد بیند و اگر او را غمناک یا بیمار بیند دین او ضعیف بود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ اگر محمد مصطفی صلے اللہ علیہ وسلم را در شہری یا جائی بیند دلیل کہ در آن موضع نعمت فراخ شود و مردم را جمعیت پدید آید و اہل آن موضع بر دشمن ظفر یابند و اگر بیند کہ اندامی از اندامہای رسول صلے اللہ علیہ وسلم کم بود دلیل کہ مردم آنجا در راہ شریعت سست باشند زیرا کہ نقصان اندام وی نقصان دین او باشد و اگر بیند کہ مصطفی صلے اللہ علیہ وآلہ وسلم از میوہای تر یا خشک بوی داد او را در دین و پارسائی مرتبت حاصل شود ابن سیرین رح گوید اگر کسے رسول صلے اللہ علیہ وسلم را ناقص بیند نقصان آن بہ بیننده باز گردد زیرا کہ رسول اللہ صلے اللہ علیہ وسلم را مردم نیک بخواب بیند و مردم نیک را مژده دہنده بود بچیزہائی کہ بوی خواہد رسید و مردم بدرا حذر فرماید از معصیت کردن تا از عقوبت رستہ گردد زیرا کہ رسول اللہ صلے اللہ علیہ وآلہ وسلم بشیر و نذیر بود بشیر مومنان و نذیر کافران و اگر او را خشمگین بیند بد باشد عبد اللہ بن عمار رض گوید کہ اگر کسے جنازہ رسول صلے اللہ علیہ وآلہ وسلم را بخواب بیند در آن دیار رنج و مصیبت بسیار بود و اگر دید کہ از پس جنازہ رسول اللہ صلے اللہ علیہ وآلہ وسلم رفت دلیل بر ہوا و بدعت باشد و اگر بیند کہ او را زیارت میکرد دلیل کہ مال و نعمت و ولایت یابد

و اگر بیند کہ رسول اللہ صلے اللہ علیہ وآلہ وسلم بروی افسوس میکرد دلیل کہ کافر شود کقولہ تعالیٰ قل ابا اللہ و آیاتہ و رسولہ کنتم تستہزءون لا تعتذروا قد کفرتم بعد ایمانکم جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ زیارت پیغمبران در خواب بردہ وجہ بود یکی رحمت دوم نعمت سوم عزت چہارم بزرگی پنجم دولت ششم ظفر ہفتم سعادت ہشتم جمعیت نہم قوت دہم خیر دو جہانی و نیکوئی مردم آن موضع کہ این خواب بیند **تاویل رویۃ الراشدین** اول امیر المومنین ابو بکر صدیق رضی اللہ عنہ ابن سیرین رح گوید کہ اگر کسے ابو بکر را رضی اللہ عنہ در خواب بیند دلیل شادی و کرامت بود کرمانی رح گوید کہ اگر کسے ابو بکر را رضی اللہ عنہ زندہ در شہری بیند دلیل کند کہ مردم آن دیار و آن شہر زکوٰۃ و صدقہ بسیار دہند چون او را کشادہ روی و خوش طبع بینند و اگر ترش روی بینند و خوش طبع نہ بینند بخلاف این بود امیر المومنین **عمر بن الخطاب** رضی اللہ عنہ ابن سیرین رح گوید کہ اگر کسے امیر المومنین عمر بن خطاب رض را بخواب بیند دلیل کہ داد گر و با انصاف بود و اگر او را در شہری کشادہ روی و خوش طبع بینند دلیل کہ در آن شہر عدل و انصاف پدید آید امیر المومنین **عثمان ابن عفان** رضی اللہ عنہ ابن سیرین گوید کہ اگر کسے امیر المومنین عثمان ابن عفان را رضی اللہ عنہ در خواب بیند دلیل کہ ورع و زہد و پرہیزگاری اختیار کند و اگر او را در شہری خوش طبع و کشادہ روی بیند دلیل کہ مردمان آن شہر بقرآن و علم آموختن رغبت نمایند امیر المومنین **علی مرتضیٰ** رضی اللہ عنہ ابن سیرین رح گوید اگر کسے امیر المومنین علی را رضی اللہ عنہ بخواب بیند خندان و خوش طبع دلیل کہ

ابو بکر صدیق رض
عمر بن الخطاب رض
عثمان بن عفان رض
علی مرتضیٰ رض

کرمت و شجاعت و سروری یابد و اگر در شهری بیند آن شهر بعدل و انصاف موصوف گردد و لیکن گاه گاه میان ایشان خصومت بود تاویل صحابه رضوان الله علیهم اجمعین ابن سیرین رح گوید اگر کسی صحابه را بخواب بیند دلیل که در راه دین و اسلام یگانه باشد و در میان مسلمانان صادق القول گردد و بدیانت موصوف گردد کقوله علیه السلام اصحابی کالنجوم بایتهم اقتدیتم اهتدیتم ترجمه گفت صلی الله علیه وسلم یاران من ستارگانند هر که اقتدای آنها کند راه یابد امیر المومنین حسن و حسین رضی الله عنهما را اگر بخواب بیند خیر و راحت برسد و عاقبت در جه شهدا یابد جعفر طیار رضی الله عنه را اگر بخواب بیند دلیل کرم و غزا کند ابو هریره و انس بن مالک رضی الله عنهما را اگر بخواب بیند دلیل که پیشها راغب بود در علم و شریعت دوست دارد سلمان فارسی را رض بخواب بیند دلیل که حق جل و علا او را علم و قرآن روزی گرداند و عاقبتش محمود گردد عبد الله ابن عباس و ابن مسعود رض را اگر بخواب بیند دلیل که بکار دین مجتهد باشد بلال حبشی رض را بخواب بیند دلیل که معروف گردد و ثواب مؤذنان یابد و براه سنت و جماعت رود فی الجمله دیدن یاران رسول الله صلی الله علیه وسلم دلیل بر خیر و منفعت دنیا و آخرت وی باشد و اگر کسی را از علما و حکما و زهاد بخواب بیند دلیل که بر کارهای خیر و طاعت توفیق یابد و علم حاصل کند زیرا که علما وارثان مصطفی اند صلی الله علیه و آله وسلم و راه نمایان مسلمانان و اگر بیند که در شهری و یا در محلتی گروه علما و حکما جمع آمده بودند دلیل که مردم آن شهر را نصرت باشد بر جاهلان بگفتار و کردار امر و نهی منکر تمام شد سخن در باب رویت حق جل و علا و فرشتگان و پیغامبران و صحابه و تابعین بعد ازین بتعبیر چیزهای دیگر که بیند بر حرف معجم بیان کنیم بعون الله تعالی

حرف الالف من کتاب کامل التعبیر

آبادانی ابن سیرین گوید اگر بیند که جایگاه خراب را آبادان همی کرد چون مسجد و مدرسه و خانقاه و آنچه بدین ماند دلیل کند بر صلاح دین و خرد و ثواب آخرت که وی را حاصل گردد و اگر بیند که زمینی خراب از خود آبادان همی کرد چون سرای و دکان و مانند این دلیل کند که خیر و فایده ایشان یابد و اگر بیند که جایگاه آبادان بیفتاد و خراب شد دلیل کند که اهل آنجایگاه را بلا و مصیبت رسد جابر مغربی رح گوید که اگر کسی خویشتن را بخواب در جایگاهی آبادان مقیم بیند دلیل کند که خیر و منفعت یابد بقدر آبادانی که دیده بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بر شر و فساد و مضرت وی کند حضرت صادق میفرماید که دیدن آبادانی بخواب بر چهار وجه بود اول بر صلاح کارهای این جهانی دوم خیر و منفعت سوم مراد کامرانی چهارم بر کشایش کارهای بسته + +

آب بدانکه زندگانی همه چیزها به آب است قوله تعالی وجعلنا من الماء کل شیء حی ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر فراز آب همیرفت چون آب دریا و رود و خانه و آنچه بدین ماند دلیل کند بر قوة ایمان و اعتقاد پاک وی و اگر بیند که آب صاف خوشگواری بسیار بخورد دلیل کند که عمرش دراز بود و معیشت وی خوش بود و اگر بیند که آب نیره یا شور همی خورد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که از دریا آب صاف خوش همی خورد دلیل کند که بقدر آن از پادشاه مال و نعمت یابد و اگر بیند که جمله آب دریا را بخورد دلیل کند که پادشاهی همه جهان را بگیرد و بعضی گویند که بقدر آن از آب دریا خورده بود و یرا از بزرگی و مال و نعمت حاصل گردد

چون آبی روشن وصافی بود اما اگر تیره بود آنچه بدو رسد بارنج وسختی وبیم وترس بود کرمانی رح گوید که اگر بیند که آب گرم همی خورد دلیل بود که بیماری ورنج کشد واگر بیند که بروی آب گرم همی ریختند چنانکه او را خبر نباشد دلیل کند که بیمار گردد یا غمی سخت بدو رسد واگر بیند که در آب بیفتاد دلیل بود که در رنج وغم گرفتار گردد واگر بیند که آب بجام برداشت دلیل کند که بر مال وزندگانی فریفته گردد واگر بیند که در کاسهٔ آبگینه بزن خویش داد وکاسهٔ آبگینه را نسبت بجوهر زنان کرده اند وآب که در کاسهٔ آبگینه بود فرزند وطفل بود که در شکم مادر باشد واگر بیند کاسه بشکست وآب بریخت دلیل کند که جفت او بمیرد وفرزندش بماند واگر بیند که آب بریخت وکاسه تهی ماند دلیل کند که فرزندش بمیرد وزن او بماند واگر بیند که بی بها آب بمردم همی داد دلیل کند که در دنیا وآخرت خیر او بمردم برسد وجایگاه خراب را آبادانی کند واگر بیند که در خانه که اندران آب ریخته بود داخل شد دلیل کند که غمگین ومتفکر گردد واگر بیند که آب صافی پیاله مانند سگ خورد دلیل کند که زندگانی بعیش وعشرت گذراند اما کاری کند که بلا وفتنه بدو رسد که مال جمع را اندک اندک بمردمان بخشد وبخیرات خرج کند جابر مغربی گوید که آبها که بوقت زیاده شود دلیل کند که در آن سال فراخی ونعمت بود واگر آبهای بسیار دید که زمین خورد دلیل کند که مردمان عامه را سلامت وعافیت بود قوله تعالی وقیل یا ارض ابلعی ماءک ویا سماء اقلعی وغیض الماء واگر بیند که آبها از سر مردمان فرو می آید دلیل کند که در آن سال نعمت وفراخی بود در آن دیار قوله تعالی اِنّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا واگر بیند که در خانه او آب صافی بود دلیل کند که نعمت وخرمی ومعیشت یابد واگر بیند که در خانه روی آب تیره ایستاده باشد تا ویلش بخلاف این بود دانیال ع گوید که آب دادن باغ وکشت از جویها ورودها دلیل کند بر مال ورستگاری از غم واندوه وآب دادن مردمان را دلیل کند بر دین ودیانت کردارهای نیک وپسندیده بود واگر بیند که باب اندر بمیرفت واندران وقت تن او قوی بود دلیل کند که بشغل صعب مشغول گردد از قبل رئیسی وقول او اندر آن مقبول بود خاصه کاری اندران کار ظاهر گردد واگر بیند که در آب صافی رفت وتن او پوشیده بود دلیل بر قوت دین بود وتوکل کردن بر ایزد تعالی واستقامت کار وی واگر بیند که آب باغ همی برد دلیل کند که زن خواهد یا کنیزک خرد واگر کسی بیند که آب پاک بروی ریخت دلیل کند که از آن کس خیر ومنفعت بدو رسد واگر بیند که آب تیره بروی ریخت تاویلش بخلاف این بود حضرت صادق علیه السلام میفرماید که باب فرو رفتن بخواب معبران برنج وجه تعبیر کنند اول یقین دوم قوت سیم کار دشوار چهارم ندیمی پنجم عمل از جهت رئیس شهر بدانکه تاویل باران در حرف بی بیان کنیم وتاویل آب چشمه وآب چاه وآب جوی را بحرف جیم وآب دریا را بحرف دال وآب رود را بحرف راو آب کاریز بحرف کاف وهم برین قیاس خوابهای دیگر را بترتیب هر چیزی بموضعش باز نمائیم تا معلوم بود

آب بینی دانیال ع گوید که آب بینی دلیل بر فرزند بود واگر بیند آب از بینی او همی آمد دلیل کند که ویرا فرزند آید واگر بیند که از بینی او خل بیرون آمد همین دلیل کند کرمانی رح گوید اگر بیند که از بینی او آب فرود می آمد دلیل کند که معاش گذارده شود واز رنج وسختی وغم برهد واگر بیمار بود شفا یابد ابن سیرین گوید که آب بینی در خواب فرزند بود لیکن اگر بیند که آب بینی

برانداخم او افتاد دلیل کند که ویرا پسر آید و اگر بیند که بر زمین افتاد دلیل کند که دختر آید و اگر بیند که آب بینی بر زن خویش افتاد دلیل کند که زن او آبستن گردد لیکن فرزند را بیفگند و اگر بیند که زن بروی آب بینی افگند دلیل کند که او را پسری آید و اگر بیند که آب بینی در سرای همسایه افگند دلیل کند که زن همسایه خیانت کند و اگر بیند که آب بینی خود را در بستر مردی افگند همین دلیل کند ابن سیرین گوید اگر بیند که آب بینی خود را همی خورد دلیل کند که مال خود را بر عیال خود بذل کند اگر بیند که آب بینی زن خویش را همی خورد دلیل کند که او را فرزند شود و اگر بیند که آب بینی او سیاه و تیره بود دلیل کند که فرزند او را اندوه و مصیبت رسد و اگر بیند که آب بینی او زرد بود دلیل کند که فرزندش بیمار گردد

آب تاختن ابن سیرین گوید که اگر کسی بیند که آب تاختن کند بجایگاهی که موضع آن نباشد اگر خداوند خواب غمگین و وام دار بود دلیل کند که از غم فرج یابد و وامش گذارده گردد و اگر بیننده خواب توانگر گردد دلیل کند که مالش نقصان آید بر قدر آب تاختن و ابن سیرین گوید اگر بیند که در جایگاهی مجهول آب تاختن کند دلیل بود که از اهل آن موضع زن خواهد یا کنیزک خرد اگر بیند که بجای آب تاختن خون همی رفت دلیل کند که او را ناقص آید و اگر بیند که بجای آب تاختن ریم همی رفت دلیل کند که او را فرزندی آید بتن معلول و بعضی معبران گفته اند که آب تاختن مال حرام بود و اگر بیند که آب تاختن همی خورد دلیل کند که مال حرام خورد گر مادّی گوید اگر بیند که اندر چاهی آب تاختن گردد دلیل کند که از کسی مال حلال حاصل کند و اگر بیند که آب تاختن همی کرد دلیل کند که او را فرزندی آید که قرآن ظاهر خواند و عالم و دانا گردد و اگر بیند که برخی از آب تاختن ریخت و برخی با خود داشت دلیل کند که برخی از مال وی برود و برخی اندوه و غم از وی جدا گردد و اگر بیند که مردمان از آب تاختن وی مسح همی کردند دلیل کند که او را فرزندی آید که عالم و دانا گردد و مردمان متابع او گردند جابر مغربی گوید اگر بیند که در مسجد آب تاختن همی کرد دلیل کند که مال خویش خزینه کند نه بر وجه خویش و اگر بیند که جامه وی با آب تاختن آلوده گشت دلیل کند که مال خویش بر فرزند خویش خزینه کند حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آب تاختن در خواب بموضع خویش مردم را توانگری رسد اما آنانکه درویش باشند و بنده را آزادی بود و بیمار را شفا بود و محبوس را فرج بود و مسافر را باز آمدن بود و عامل را معزولی بود و خلیفه را مرگ بود و قاضی را عزل و بازارگانان را زیان بود در تجارت اسمعیل اشعث گوید که اگر کسی بیند که در خانه خویش بموضع آب تاختن همی کرد دلیل کند که مال خویش بر عیال خویش هزینه کند لیکن عوض آن باز آید قوله تعالی وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ **آبخانه** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که آب خانه همی ساخت دلیل کند که بجمع کردن مال دنیا حریص گردد و رغبت گردد و نخواهد که از مال خود چیزی خرج کند و بعضی از معبران گفته اند دلیل کند که زن جادویه ویرا حاصل گردد و آن زن حرام خوار و بی دیانت بود و اگر بیند که در آب خانه بول و غایط همی کرد دلیل کند که مال خویش را هزینه کند و اگر بیند که آبخانه بیفتاد یا در چاه آبخانه افتاد دلیل کند که در جمع مال غریق بود و اگر بیند که کسی در چاه آبخانه خود افتاد دلیل کند که مال کسی بغصب بستاند اگر بیند که چون بیفتاد دست و پای او

بشکست دلیل کند که بلای سخت بدو رسد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن آبخانه در خواب بر پنج وجه بود اول مال حرام
دویم عیش دنیا سیم خزینه چهارم شروع در حرام پنجم زن خادمه و حرام خوار **آبدستان** ابن سیرین رح گوید که آبدستان در خواب
خزینه دار صاحب تدبیر بود که خرج و دخل در دست او بود اگر بیند که پادشاهی آبدستان بوی داد دلیل که خزینه دار و مدبر پادشاه
بود و اگر او بکسی دهد هم برین قیاس بود کرمانی رح گوید که آبدستان در خواب خادم بود بقول خدای عزوجل قوله تعالی اَلطُّوفُ
عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ بِاَكْوَابٍ وَاَبَارِيقَ و اگر بیند که آبدستان او شکست یا ضایع شد دلیل کند که زن از وی
جدا گردد یا بمیرد و اگر بیند که از آبدستان آب همیخورد دلیل کند که ویرا فرزندی حاصل گردد خاصه که آب را صافی بیند و خوش
طعم حضرت صادق ع گوید که دیدن آبدستان در خواب بر پنج وجه بود اول خادم دویم خزینه سیم مدبر کار چهارم فرزند پنجم
روزی اندک از جائی که امید ندارد **آبستنی** ابن سیرین رح گوید اگر بیند که شکم او بزرگ شده بود چون زن آبستن دلیل کند
که او را مال و نعمت دنیا حاصل گردد و هر چند که شکم بزرگتر بیند مال دنیا بیشتر بود کرمانی گوید اگر فرزند نابالغ خود را آبستن بیند
دلیل که اگر پسر بود پدرش را نعمت و مال حاصل گردد و اگر بیننده خواب دختر بود مادرش را نعمت و مال حاصل گردد **آبکامه**
ابن سیرین رح گوید که خوردن آبکامه در خواب دلیل بر رنج و بیماری تن کند اگر بیند که آبکامه همیخورد دلیل کند که بقدر آن در بیماری
بود کرمانی گوید اگر بیند که آبکامه بر بخیت یا از وی هیچ نخورد دلیل کند که از غم و اندوه فرج یابد و اگر بیمار بود شفا یابد حضرت صادق
علیه السلام فرماید که خوردن آبکامه را بر پنج وجه گفته اند اول بیماری دویم غم سیم خصومت چهارم حاجت پنجم ناسازگاری با اهل
و عیال **آبگینه** دانیال ع گوید که آبگینه در خواب زن بود اگر بیند که در آبگینه آب همی خورد دلیل کند که زن خواهد و مال یابد اگر بیند
در آبگینه بجای شراب دارد دلیل کند که از هر کسی زن خواهد ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که آبگینه بیفتاد و بشکست و نامش بر آنجا نوشته بود
دلیل کند که دولت دینی و دنیائی یابد و حاجت او روا گردد و اگر بیند که بر آن آبگینه نام پادشاه نوشته بود دلیل کند که اجلش
نزدیک بود اگر بیننده خواب پادشاه باشد و اگر نباشد دلیل کند که بر قدر و اندازه آن خیر و خرمی یابد جابر مغربی گوید اگر بیند که
آبگینه داشت بیفتاد و بشکست دلیل کند اگر زن دارد طلاق دهد و اگر زن ندارد زنی از خویشان وی رحلت کند و بدانکه آبگینه
گرتا دیل بمنزله خداوندگار بود و بعضی از معبران گفته اند که آبگینه گر کسی بود که کارهای زنان گذارد و پیوسته او را با زنان مخالطت بود
آبله ابن سیرین گوید که آبله در خواب زیادتی مال بود اگر بیند که بر تن او آبله بود دلیل که بقدر آن خواسته مال او را حاصل گردد کرمانی گوید اگر
بیند که بر تن او آبله بود دلیل بود که بقدر آن از مال حرام حاصل شود حضرت صادق ع فرماید که آبله بر تن دیدن بر پنج وجه بود اول زیادتی
مال دویم زن خواهد سیم پسرش آید چهارم حاجت روا شدن پنجم از ترس و بیم ایمن گردد چون آبله سفید **آبنوس** ابن سیرین گوید
که دیدن آبنوس در خواب مردی بود که در کارخویش سخت و محکم بود اما توانگر و بخیل بود و از وی چیزی بکس نرسد کرمانی رح گوید که
آبنوس در خواب زنی بود هم برین صنعت که یاد کرده شد حضرت صادق ع میفرماید که آبنوس در خواب کسی باشد هم برین صنعت که
گفته گردید **آتش** دانیال گوید که اگر کسی آتش بی دود بیند در خواب دلیل که بپادشاهی نزدیک گردد و کار بسته او گشاده گردد

اگر بیند کہ کسی ویرا در آتش افگند و آتش ویرا سوخت دلیل کہ پادشاہ بروی ستم کند لیکن زود خلاصی یابد و بشارت و نیکوئی یابد چنانکہ ایزد تعالی در کلام مجید فرموده قُلنا یا نارُ کُونی بَرداً وَ سَلاماً عَلی اِبراهیمَ و اگر بیند کہ آتش ویرا سوخت دلیل کند کہ روی بکراہت سفری کند و اگر آتش را با لف و موز و سوز بیند دلیل کند کہ از علت تب بیمار گردد و اگر بیند کہ آتش اندام ویرا بسوخت دلیل کند کہ بقدر آن سوختگی ویرا رنج و مضرت رسد و اگر کسی بیند کہ آتش در خانۂ وی افتاد و ہمہ اندام اورا بسوخت و زبانہ ہمی زد و از و ہم و ترس در دل او نیامد دلیل کند کہ از محنت و مصیبت کہ بدو رسد سبب بیماری و ضعف بود چون سرما و طاعون و آبلہ و سرخہ و آنچہ بدین ماند و اگر بیند کہ از ان آتش فرا گرفت دلیل کند کہ بقدر آن از پادشاہ مال حرام بوی رسد و اگر بیند کہ آتش را دود بود دلیل کند کہ مال حرام ویرا رنج و تیمار حاصل گردد با جنگ و خصومت و اگر بیند کہ از آتش گرمی و طپش بوی میرسید دلیل کند کہ کسی ویرا از دور عنیت کند گرمانی حرگوید اگر بیند کہ شعلۂ آتش بمردمان ہمی انداخت دلیل کند کہ در میان مردم عداوت و دشمنی افگند و اگر بازرگانی بیند کہ آتش در دکان و کالای او افتاد دلیل کند کہ کالائے کہ دارد برباد دہد یا آنچہ بدرمی ارزد بسہ درم فروشد و بر کسی شفقت نبرد و اگر بیند کہ آتش در خانۂ کسی افتاد دلیل کہ آن کس در جنگ و فتنہ و جور سلطان افتد و اگر بیند کہ آتش جامۂ او را بسوخت دلیل کند کہ با خویشان جنگ و خصومت کند و از سبب مال اندوہگین گردد و اگر کسی آتشی عظیم در زمینی بیند دلیل کند کہ در آن موضع فتنہ و جنگ افتد و اگر چیزی سوختہ بیند دلیل کند کہ از جہت زنان وی با کسی خصومت کند و اگر بیند در شہری یا در محل یا در سرای آتش افتاد چنانچہ ہر چہ بود ہمہ را بسوخت آن آتش زبانہ میزد و آواز ہمگین ہمیداد دلیل کند کہ در آن موضع جنگ و کارزار بود یا بیماری صعب افتد و اگر بیند کہ آتش برخی چیزہا را بسوخت و برخی رہا کرد و آواز ہمگین نداشت دلیل بود بر جنگ و کارزار در ان موضع و اگر زبانہ و فروغ نداشت دلیل بر بیماری صعب کند و اگر آتش را بود بیند دلیل کند بر ترس و بیم اندر کارہا و اگر بیند کہ آتش از آسمان بیفتاد شہری یا محلہ یا سرای بسوخت دلیل کند کہ آن بلا و فتنہ کہ گفتہ شد بر اہل آن موضع شہر بود و اگر بیند کہ آواز ہمگین داشت و زبانہ ہمیزد و در جای افتاد و لیکن گزند و زیانہ نمیکرد دلیل بود کہ در میان اہل آن موضع گفتگوی و خصومت افتد بزبان و اگر بیند کہ از زیر زمین آتشی ہمگین بر آمد و سوی آسمان شد دلیل بود کہ آن موضع دوستان باحق تعالی حرب کنند بدروغ و بہتان گفتن بروی بقدر و قوت آن آتش کہ دیدہ بود و اگر بیند کہ آتشی از جائی بجائی ہمیرفت و آن آتش ہیچ گزند نمیکرد بلکہ دلیل بود کہ در آن منفعت یابد و اگر درویش بود تونگر گردد ہمعیل اشعث گوید کہ اگر کسی بیند کہ از آسمان مانند باران آتش میبارد دلیل بر بلا و خون ریختن بود از جہت پادشاہان در آن موضع و اگر بیند کہ آتشی از آسمان بیامد و چیزہائی خوردنی کہ از ان او بود بسوخت دلیل کند کہ طاعتہائی وی نزد حق تعالی پذیرفتہ گردد قولہ تعالی بِقُربانٍ یَأکُلُہُ النّارُ و اگر بیند کہ از آسمان آتش ہمی آمد و کسیرا نسوخت بیم حق تعالی باشد قولہ تعالی عَذابُ النّارِ الَّتی کُنتُم بِہا تُکَذِّبُونَ و باشد کہ از پادشاہ ویرا بیم بود و اگر بیند کہ بر سر آتشی بزرگ گرم میشد دلیل کند کہ بپادشاہی بزرگ

نزدیک

نزدیک گردد و اگر بیند که بر آتشی چیزی همی پخت شغل دینی و دنیاوی تمام گردد و اگر بیند که آتشی از آسمان فرود آمد و نبات زمین را بسوخت دلیل بود که در آن دیار بخوذ بالله مرگ مفاجات بسیار بود و اگر بیند که آتشی بزرگ قبه یا مناره بسوخت دلیل کند که پادشاه آن موضع هلاک گردد و بعضی از معبران گویند که اگر کسی بیند که آتشی از زمین برآمد و فروغ میداد دلیل کند که در آن موضع گنج بود حضرت صادق علیه السلام میفرماید اگر بیند که پارهای آتش میخورد دلیل کند که مال یتیمان میخورد قوله تعالی اَلَّذِیْنَ یَاْکُلُوْنَ اَمْوَالَ الْیَتَامٰی ظُلْمًا اِنَّمَا یَاْکُلُوْنَ فِیْ بُطُوْنِهِمْ نَارًا وَسَیَصْلَوْنَ سَعِیْرًا و اگر بیند که از دهان وی آتش بیرون می آید دلیل کند که سخن دروغ و بهتان گوید و اگر بیند که هر جایی آتشهای سوزنده میگرفت دلیل کند که از هر جایی میبالغی کند میان رعیت و مردمان پادشاه و اگر بیند که در پهلوی او آتشی افروخته بود و او را زیان نداشت دلیل کند که بدو خیر و نیکی رسد قوله تعالی اَفَرَءَیْتُمُ النَّارَ الَّتِیْ تُوْرُوْنَ و اگر بیند هیزم آتش عظیم میسوخت دلیل بر جنگ و فتنه کند در آن دیار قوله تعالی کُلَّمَا اَوْقَدُوْا نَارًا لِّلْحَرْبِ و اگر بیند که آتش در مردم میزد دلیل نصرت بود او را بر دشمنان و اگر بیند که آتش دیرا بسوخت و آن آتش نور نداشت دلیل کند که از علت سرسام بیماری کشد و اگر بیند که آن آتش را نور بود دلیل بود که کسی را از خویشان و فرزندان وی فرزندی آید که مردمان بروی ثنا گویند و مال و بزرگی یابد بقدر نور آن آتش و اگر در زمگاه آتش بیند دلیل کند بر بیماریهای صعب چون آبله طاعون و سرسام و مرگ مفاجات بخوذ بالله و اگر آن آتش را باد ود بیند دلیل کند که از پادشاه او را ترس و بیم بود و اگر آتش را در بازار بیند دلیل کند بر بیدینی اهل بازار و آنکه اهل بازار در تجارت انصاف ندهند و بر خرید و دروغ گویند و اگر در دیاری آتشی افتاده بیند دلیل کند که در مردم آنجا مصادره بود از پادشاه و از او بر رعیت ظلم رسد و اگر در راه مجهول آتش بیند دلیل بی دینی بود و اگر آتش در جامه کسی افتاده بیند دلیل کند که آن کس را مصیبت و ترس و بیم بود و اگر خویشتن را بر آتش ایستاده بیند دلیل که او را رنج رسد **آتش افروختن** ابن سیرین گوید که آتش افروختن بخواب پادشاه را قوت بود و آتش بی دود فروغ قوت بود و خواسته و آتش با دود پادشاه ستمگر و غم و اندوه و زیان بود و اگر بیند که آتش برافروخت تا گرم گردد یا کسی دیگر بدان گرم شود دلیل کند که چیزی طلب کند که از آن منفعت یابد و اگر بیند که بفایده آتشی برافروخت دلیل کند که بی سبب جنگ و خصومت کند و اگر بیند که آتشی برافروخت تا چیزی بریان کند دلیل کند که کاری پیش گیرد بسبب غیبت مردمان تا طلب حال کسی کند و اگر بیند که از آن بریان بخورد دلیل کند که بقدر آن روزی بوی رسد با غم و اندوه و اگر بیند که بزیر دیگ آتش می افروخت و در دیگ گوشت بود یا چیزی دیگر دلیل کند که کاری بسازد که از آن کار کدبانوی خانه را منفعت رسد و اگر بیند که در آن دیگ هیچ طعام نبود دلیل کند که از آن کار او را غم و اندوه بود و اگر بیند که آتشی برافروخت از برای روشنائی دلیل کند که کار او را حجت و برهان روشن گرداند و اگر بیند که آتشی برافروخت که حلوا سازد دلیل کند که او را سخنی نیکو گویند کرمانی رح گوید اگر بیند در جایگاهی آتشی برافروخت تا اهل آن جایگاه را

آتش افروختن

بسوزاند دلیل بود که اهل آن موضع را غیبت کند بدی گوید و اگر بیند آتش را در تنور یا در آتش دان همی افروخت بی آنکه طعام پزد دلیل کند که با مردی از خویشان و یا اهل بیت او را جنگ و خصومت افتد و اگر بیند که خواست تا آتش برافروزد از بهر منفعت خویش و آن آتش بر نمی افروخت در روشنائی نمیداد دلیل کند که از علم خویش برخورداری یابد و اگر این کس پادشاه بود عز و جاه و دولتش افزون گردد و اگر بیند که آن آتش که افروخت بمرد دلیل کند که هلاک گردد جابر گوید اگر بیند که در بیابان آتش می افروخت که مردمان از نور آن آتش راه می یافتند و هر کس بموضع و مقام خویش میرفتند دلیل کند که مردم از علم و حکمت او بهره یابند و راه راست گیرند و اگر بیند که آن آتش فرو میرود و نور او زایل میگردد دلیل کند که احوالش متغیر باشد که از دنیا رحلت کند و اگر بیند که آن آتش در بیابان افروخت نه بر راه راست میدرخشید دلیل کند که علم او مردمان را براه ضلالت برد و اگر بیند که آتشی در موضعی برافروخت تا آن موضع را بسوزد و آتش آن را نسوخت و آن باز رگان بود دلیل که خرید و فروخت بنفاق کند و مالش حرام بود و اگر بیند که از خانه همسایه آتش همی برد دلیل کند که مالی حرام بدو رسد **روشنائی آتش** ابن سیرین رح گوید اگر کسی در خواب روشنائی آتش بیند چنانکه بدان روشنائی راه توان رفت دلیل کند که زاهدی یابد و اگر روشنائی آتش را ایستاده بیند دلیل کند که سبب دولت او همانجا بود و اگر آنجا افروخته بیند دلیل کند که در آن دیار رویت سلطان پدید آید و اگر در خانه خود آنجا دید چنانکه از نور آن خانه روشن بود دلیل کند که کارش بالا گیرد و دولتش زیاده گردد و اگر بیند که آن آنجا را کشت دلیل که در خاندان او خصومت و داوری بود **آتش پرستیدن** دانیال گوید اگر بیند که آتش را میپرستید و سجده میکرد دلیل که پادشاه ستمگر را سجده کند و بخدمت او مشغول گردد چنانکه او را نیکبد اگر بیند که تنور یا آتش یا چراغ را سجده میکرد دلیل که بخدمت زنان مشغول گردد و اگر بیند که آتش را بوسه همیداد و میپرستید دلیل کند که صاحب خبر پادشاه گردد و اگر بیند که در میان آتش مر اخوار همیکرد دلیل که پادشاه بطوع و رغبت باز رگانی کند و لیکن عاقبت کارش بر خطر بود خاصه که از آتش بر تن او گزندی رسد و اگر از آتش تن او را هم گزند نرسد دلیل کند بر همه رسالت سلامت نفس و جمعیت با روزگار او از پادشاه وقت و اگر بیند که در میان آتش رفت دلیل کند که بقدر آن از پادشاه منفعت یابد و اگر بیند که آتش از روی یا از جامه یا از دست او روشنائی

میداد چنانکه خلق از نور او متحیر بودند دلیل بود که بر دشمن ظفر یابد و مراد دو جهانی حاصل گردد قوله تعالی وَاَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوْءٍ و این معجزه حضرت موسی بود با فرعون اسمعیل اشعث گوید که اگر کسی در خواب بیند که آتش میپرستید دلیل کند که بازداری و عوانی کند و آن آتش که میپرستید اگر شکل اخگری بود که غرض او از دین جمع کردن مال بود و مال حرام بسیار حاصل کند **شرارهٔ آتش** ابن سیرین رح گوید که شرارهٔ آتش در خواب سخن بد باشد که بوی رسد و اگر بقیاس شرارهٔ آتش در وی می افتاد دلیل کند که در محنت و بلائی سخت گرفتار گردد کرمانی گوید اگر بیند که در شهری یا کوچه شرارهٔ آتش می افتاد دلیل کند که جنگ و فتنه در آن موضع پدید آید و اگر بیند که شرارهای آتش سخت بزرگ بود دلیل

بود که عذاب خدای عزوجل بدو رسد یا بدان موضع رسد قوله تعالی اِنَّهَا تَرْمِيْ بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ كَاَنَّهٗ جِمٰلَةٌ صُفْرٌ

آتش پرستیدن

شرارهٔ آتش

واگر بیند که شراره آتش درمیان مردمان افتاد دلیل کند که مردمان آن موضع با یک دیگر جنگ و خصومت افتد و آتش افروختن و بازی کردن با آتش سخت زشت گفتن بود جابر مغربی گوید اگر بیند که پاره آتش در دست داشت دلیل کند که بکار پادشاه مشغول گردد و اگر بیند که با آن آتش دود بود دلیل کند که در آن کار او را بیم و ترس بود و اگر بیند که آن آتش در دست وی فرو مرد دلیل کند که در خدمت پادشاه مالی حرام بدست آورد و اگر بیند که از آن آتش پاره مردم را همی داد دلیل کند که از کردار وی مردمان را رنج و مضرت رسد و مردمان دشمن او شوند و اگر بیند که چیزی از خوردنی بروی همی پخت و میخورد دلیل کند که سخنهای خوش شنود حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن آتش در خواب بر بیست و پنج وجه بود اول فتنه بود دویم کارزار سیم فساد چهارم مرتعب پنجم خصومت ششم سخنهای زشت هفتم منع از کام و مراد هشتم خشم پادشاه نهم عقوبت دهم نفاق یازدهم بیراهی دوازدهم علم و حکمت سیزدهم راه هدی چهاردهم مصیبت پانزدهم ترس و بیم شانزدهم سوختن هفدهم خدمت پادشاه هیجدهم طاعون نوزدهم سرسام بیستم آبله بیست و یکم کشایش کار ها بیست و دوم فضیلت بیست و سوم مال حرام بیست و چهارم روزی بیست و پنجم منفعت

آتشدان ابن سیرین گوید که آتشدان بخواب زنی بود که خدمت خانه کند اما اگر آن آتشدان آهنین بود دلیل کند که آن زن از خویشان اهل آن خانه بود و اگر آتشدان چوبین بود دلیل کند که آن زن از خویشان اهل آنخانه نبود و از اهل نفاق بود و اگر آتشدان از گل بود دلیل بود که آن زن اهل گردن کشان باشد و از مشرکان نیز بود حضرت صادق ع میفرماید که دیدن آتشدان بخواب بر دو وجه بود اول زن خادمه دویم کنیزک

آتش زنه ابن سیرین گوید که آتش زنه و سنگ آتشدان این هر دو انباز باشند که از ایشان یکی قوی و دلیر بود دوم سخت دل بود و این هر دو مردمان را بر شرف و کارهای بزرگ در آورند کرمانی گوید اگر بیند که از آتش زنه آتش بیرون می آورد و از و شمع یا چراغ بر افروخت اگر بیننده پادشاه بود دلیل کند که رعیت از عدل و انصاف او آسایش یابند و اگر بیننده خواب عالم بود دلیل کند که مردم از علم و دانش او بهره یابند و اگر بازرگان بود دلیل کند بر آنکه با مردمان خیر و جود و احسان کند و اگر درویش بود دلیل کند که مردمان از سیرت و کرداری منفعت یابند حضرت صادق علیه السلام میفرماید که اگر بیند که از آتش زنه بیرون آورد دلیل کند که مال حرام از جهت پادشاه حاصل کند یا بشغل او مشغول گردد و از رشوت مال بدست آورد و اگر بیند که از آتش زنه نتوانست افروختن دلیل کند که مال طلب کند و نیابد

آتشکده ابن سیرین گوید که آتشکده بخواب جایگاه مکروه بود کرمانی گوید که آتشکده جایگاه مردم احمق و خالی بود و اگر بیند که در آتشکده رفت و از آنجا چیزی بوی رسید دلیل کند که آنمقدار از مذلت و خواری بوی رسد لیکن از بدی بر بد و سرانجام پشیمانی خورد

آردگون شکوفه است دیدنش در خواب دلیل بر رنج و بیماری بود آرد دلیل بود بر مال و نعمت حلال که بی رنج بدو رسد دانیال گوید اگر بیند که آرد چون برف از هوا می آمد دلیل کند که بقدر آن مال و نعمت حلال او را حاصل گردد از آنجا که امید ندارد ابن سیرین گوید آرد جو تبادیل درستی دین بود و آرد گندم مالی بود از تجارت که بسیار فائده بود و آرد کاورس مال اندک بود که حاصل گردد جابر مغربی گوید که

آرد فروش بخواب دیدن مردی باشد که دین خود را بدنیا آورده بود آرد بیز کرمانی رح گوید که آرد بیز بخواب مردی باشد که
درمیان دوستان وخویشان همیگردد ابن سیرین گوید که آرد بیز بخواب زنی بود فضول یا خادمی بود بد اگر بیند که آرد بیز بزرگ
نو فراگرفت یا کسی بوی داد دلیل کند که زنی یا خادمی چنانکه گفتیم خدمتگار دوست وی گردد و بعضی از معبران گویند که مردی
مصلح که در خدمت او مقیم بود دوست وی شود حضرت صادق علیه السلام گوید آرد بیز بر چهار وجه بود اول مردی مصلح دویم
زنی فضول سیم خادم چهارم منفعت اندک **آروغ** کرمانی گوید رح که اگر بیند که در خواب آروغ بر می آورد دلیل بود که سخنی گوید
که او را ازان حرمتی بود اگر بیند که با آروغ طعامی بود واز گلویش بیرون آمد دلیل کند که اجلش نزدیک بود محمد بن سیرین گوید اگر
بیند که آروغ ترش و نا خوش برآورد دلیل کند که سخنی گوید که ازان مضرت وخطر بیند واگر بیند که آروغ بچون دود در آورد
دلیل کند که بی هنگام سخنی گوید که ازان آنرا عیب گویند و ملامت کنند وسرانجام ازان پشیمانی خورد **آزاد شدن** دانیال
گوید اگر کسی بیند که آزاد شد یا کسی او را آزاد کرد دلیل کند که اگر بیمار بود شفا یابد واگر وام دار بود وامش گذارده شود واگر
حج نکرده باشد بگذارد واگر بنده بود آزاد گردد واگر گناهکار بود توبه کند واگر غمگین بود شادمان گردد واز غم فرج یابد
واگر عبوس بود خلاص یابد وعلی الجمله آزادی در خواب بغایت نیکو و پسندیده است **آستانه** کرمانی گوید آستانهٔ
بالائین در خواب کد خدائی خانه بود و آستانهٔ زیرین کد بانوئی خانه واگر بیند که آستانهٔ بالائین در رو بفتاد و خراب شد
دلیل کند که کد خدائی خانه بمیرد واگر کد خدائی خانه بیند که آستانهٔ زیرین خانه بفتاد یا بسوخت دلیل کند که کد بانوئی
خانه بمیرد ابن سیرین گوید اگر بیند که خداوند آستانهٔ زیرین با آستانهٔ بالائین تو بدل کرد دلیل کند زن را طلاق دهد و
زن دیگر بخواهد واگر بیند که آستانهٔ بالائین را بکند دلیل که خود را هلاک کند واگر بیند که هر دو آستانه خویش را بکند و خراب کرد
دلیل کند که کد بانو و کد خدا هر دو هلاک گردند **آسمان** دانیال گوید که اگر کسی خویشتن را در آسمان اول بیند دلیل کند که اجل
وی نزدیک آمده بود واگر خود را بر آسمان دویم بیند دلیل که علم و دانش حاصل کند واگر بر آسمان سوم بیند دلیل کند که عز و
اقبال ایشانی یابد واگر بر آسمان چهارم بیند دلیل که پادشاه را دوست و مقرب گردد واگر بر آسمان پنجم بیند دلیل کند که
هیبت و ترس و بیم یابد واگر بر آسمان ششم بیند دلیل کند که بخت و دولت و نیکوئی یابد واگر بیند که بر آسمان نخستین
برشد ولیکن در راه بسته دید دلیل کند که کارهای وی بسبب مردی بزرگ بسته گردد واگر بیند که در آسمان نیارست نگاه کردن
و سر را فرو افگنده بود دلیل که از دیدار مردی بزرگ جدا گردد واگر بیند که فرشتگان از آسمان فرود آمدند و بروی بگذشتند
دلیل کند که درهای علم و حکمت بروی گشاده گردد ابن سیرین گوید اگر کسی خود را بر آسمان بیند دلیل که او را سفری پیدا
شود و در آن سفر او را مرتبت و نیاه و عز حاصل گردد واگر بیند که بر پهنای آسمان میپرد هم سفری بود با نعمت و برکت واگر بیند
که همچنان راست میپرد تا بآسمان رسید دلیل کند که مضرت و رنج بیند واگر بیند که بآسمان رفت بدان نیت که بزمین باز نیاید
دلیل کند که بزرگی و پادشاهی یابد و کاری بزرگ طلب کند و بیابد واگر بیند که از آسمان بانگ و ندا شنود دلیل کند بر خیر و

وسلامت واگر بیند که مرغی از آسمان باوی سخن میگفت دلیل بود که شادمان گردد کرمانی گوید اگر بیند که او در آسمان بنیاد بست چنانکه فرمان راو در زمین بنیاد بود دلیل که اجلش نزدیک بود واگر بیند که بنیادی چون بنیاد دنیا از خشت و گل و گچ و آجرها دلیل بود که خداوند خواب در دنیا مغرور گردد واگر بیند که از آسمان انگبین میبارید دلیل کند که مردمان را خیر و نعمت و غنیمت بود واگر بیند که از آسمان ریگ یا خاک میبارید اگر اندک بارید دلیل کند که نیک بود واگر بسیار بود دلیل آن بد بود واگر بیند که از آسمان کژدم یا مار یا سنگ میبارید دلیل بود بر عذاب خدای عزوجل اندران دیار واگر بیند که خود را از آسمان فرو آویخت دلیل کند که کار او بلند گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که بر بالای هفتم آسمان رفت بجای که دهم آنجا نگنجد و فرو نیامد دلیل که اجل او نزدیک آمده بود و خاتمت کردارش پسندیده بود واگر خداوند خواب مستور بود و مصلح و بیند که در آنجا فرود آمد دلیل که در راه دین زاهد گردد واگر خداوند خواب مصلح و مستور نباشد دلیل بود که توبه کند یا هلاک گردد واگر بیند که از آسمان بر زمین آمد دلیل کند که از رنج و بیماری بسر حد هلاک رسد و بعد ازان شفا یابد واگر بیند که در میان آسمان و زمین بنیادی بود چون قبه یا کوشکی که نه از سنگ و آجر بود دلیل بود که خداوند خواب در امل و عمل مغرور گشته بود واگر بیند که درهای آسمان گشاده شدند دلیل کند که دعا در آن سال مستجاب گردد و باران بسیار بارد و آبها فراوان بود قوله تعالی

فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ واگر بیند که در آسمان دری از بهر وی یا از بهر مردم آندیار گشاده گردید دلیل کند که بر خیر و نعمت مردمان آندیار خاصه که با گشادن آن در اثر خیر ظاهر گردد واگر بیند که آسمان بیفتاد دلیل کند که ایزد تعالی باوی بخشم بود امام جعفر صادق رضی الله عنه میفرماید اگر بیند که آسمان بگونه سبز بود دلیل بود که در آن دیار خیر و صلاح و ایمنی بود واگر بیند که بگونه سفید بود دلیل که در آن موضع رنج و بیماری بود واگر بیند که آسمان سرخ بود دلیل کند که در آن دیار جنگ و خون ریختن بود واگر بیند که آسمان سیاه بود دلیل که در آن دیار بلا و فتنه عظیم بود واگر بیند که آسمان روشن تر از آن بود که بود دلیل کند که او را حق تعالی روشنی تمام در دین حاصل گرداند واگر بیند که بر ابر او در آسمان گشاده شد دلیل کند که در خیر و روزی بر او گشاده گردد و عالم و حکیم گردد و از وی روزی بسیار بمردم رسد واگر بیند که در آسمان علامتهای سرخ بود بر کردار عمودها دلیل کند که پارسایان آن موضع را علامت و نصرت بود واگر بیند که آسمان راهی پرستیدند دلیل کند که بدین و گمراه گردد اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که از آسمان سنگ چون باران می آید دلیل کند که بلای سخت و عذاب با اهل آن موضع رسد قوله تعالی وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ واگر بیند که از آسمان گندم و جو میبارید دلیل کند که اندر آن دیار نعمتهای الوان بیقیاس بود و خلق را ایمنی و کسب معیشت بود

آستانه ابن سیرین گوید اگر بیند که آستانهٔ خانهٔ وی بلند گردید دلیل کند که بر قدر آن مال و نعمت یابد و شرف منزلت واگر بیند که آستانهٔ خانهٔ او بیفتاد دلیل کند از شرف و منزلت بیفتد و نزد مردمان خوار گردد واگر بیند که از آستانهٔ خانهٔ وی آب صافی چون باران همی بارید دلیل که بقدر آن مال و نعمت باشد واگر بیند که از آستانهٔ خانهٔ او مار و کژدم همی افتاد دلیل که از پادشاه یا از بزرگی او را غم و اندوه رسد کرمانی گوید اگر بیند که آستانهٔ خانه بروی بیفتاد و در زیر آن گرفتار گردید دلیل کند که او را

بیم هلاک بود قوله تعالی فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ واگر بیند که آستانهٔ خانهٔ او برنگهای ملون و منقش بود دلیل کند که
بزینت و آرایش دنیا مشغول گردد **آسیاب** دانیال گوید اگر بیند که در آسیاب غله برد و آرد همیکرد دلیل کند که از
خداوند آسیاب بدو خیر و منفعت رسد اگر بیند که سنگ آسیاب بشکست و از کار بیفتاد دلیل که خداوند آسیاب هلاک گردد اگر بیند که
سنگ آسیاب بگانت یا خللی در وی پدید آمد دلیل که در معیشت خداوند آسیاب سستی و خللی پدید آید اگر بیند که سنگ آسیاب را کسی بدزدید دلیل که
خداوند آسیاب را منفعت او مضرت شود ابن سیرین گوید که دیدن آسیاب بخواب جنگ و خصومت بود اگر کسی خود را در آسیاب
بیند دلیل کند که او را با کسی جنگ و خصومت افتد و اما اگر داند که آسیاب ملک او بود آسان تر بود و اگر بیند که در آسیاب غله
بداشت لیکن نگاه میکرد که آسیاب چگونه میگردد دلیل که بسفر شود و اگر بیند که سنگ آسیاب از مس یا از برنج یا از آهن بود این جمله
دلیل بر جنگ و کارزار بود و اگر بیند که سنگ آسیاب از آبگینه بود دلیل که خصومتش با زنان بود و اگر بیند که آسیاب سنگ یا آهن بجای
غله آرد میکرد دلیل کند که او را با کسی جنگ و خصومت سخت افتد و لیکن اگر بیند که آسیاب را بدست میگردانید دلیل کند که او را انباری
سخت دل بود و بوسطهٔ او کارش بنظام نباشد حضرت صادق علیه السلام فرماید که آسیاب در خواب دیدن دلیلش پرنج و حبوب
اول پادشاه دوم رئیس سیم توانگری چهارم مرد دلیر جلد پنجم جوان سالار پادشاه و دیدن جایگاه آسیا جای رئیس بزرگ بود
و اگر بیند که آسیاب را خراب همیکرد دلیل که اندران چیزی که با آسیاب منسوب است خراب گردد **آسیابان** در خواب کسی بود که
روزی اهل خانه بسبب آن بود که میگردد و چیزی بدست می آورد تا اهل آن خانه بدان بعیش کنند ابن سیرین گوید که دیدن
آسیابان در خواب مردی بود که مردم را در دست او روزی بود و چون آسیابان جوان بود دنیا دیل نیکو باشد و اگر بیند که آسیا
بنجر همگردید یا باشتر و آرد نیکو فرو می آمد دلیل بود که آسیابان را دولت و اقبال بود و اگر بوقت گردیدن آسیابان بانگ سنگ
آسیاب میشنود دلیل کند که کار وی قوی گردد **آشتی کردن** ابن سیرین گوید اگر بیند که کسی آشتی کرد دلیل که عمرش دراز گردد
و اگر بیند که در آشتی کسیر الفساد دین خواند دلیل که دیر الصلاح خیر و راه دین خواند اگر بیند که در خشم کسیر الصلاح دین میخواند دلیل
که دیر الفساد و راه شر خواند حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آشتی کردن در خواب دلیل کند بر سه وجه اول درازی عمر دوم
بر قوهٔ سیوم بر سیرت اعتقاد پسندیده **آغوش گرفتن** کرمانی گوید اگر کسی بیند که معروفی در آغوش گرفت دلیل کند که اگر آن
کس مستور بود و مصلح از وی خیر دین یابد و اگر بیند که کودکی را در آغوش گرفت دلیل بود که خواستگار و محب فرزند بود و اگر
بیند که شیر را در آغوش گرفت دلیل بود که با دشمن صلح کند **آفتاب** دانیال گوید که آفتاب در خواب پادشاه بود یا خلیفهٔ
بزرگوار اگر بیند که آفتاب را از آسمان فرا گرفت یا وی را ملک خویش گرفت دلیل که پادشاهی و بزرگی یابد یا دوست و مقرب
پادشاه گردد و اگر بیند که خود آفتاب شد دلیل کند که پادشاه گردد بر قدر روشنائی آفتاب اگر از اهل آن نباشد بر قدر همت
و اهل خویش بزرگی و حشمت یابد و اگر بیند که با آفتاب بجنگ بود دلیل که پادشاه با او جنگ و خصومت کند و اگر بیند که جایگاه آفتاب
جایگاه ماه مقیم شد دلیل که پادشاه گردد و مملکت بروی مقیم گردد و قرار گیرد و اگر بیند که نور آفتاب بستد دلیل که ملک از پادشاه

بزرگ بستاند واگر بیند که آفتاب را فراگرفت لیکن نه از آسمان و نور و شعاع نداشت و نیز تاریک و تیره هم نبود دلیل کند که از غمها فرج یابد و
اگر بیند که آفتاب تیره و تاریک بود و بجای خویش نبود دلیل که پادشاه محتاج کارهای وی شود ابن سیرین گوید که آفتاب در خواب
پادشاه بزرگوار بود و ماه و زیر او و زهره زن پادشاه و عطارد دبیر پادشاه و مریخ پهلوان پادشاه و ستارگان دیگر لشکر او بود
جابر مغربی گوید که آفتاب در خواب پدر بود و ماه مادر بود و ستارگان دیگر لشکر پادشاه بود چنانکه حق تعالی در کلام خود در قصهٔ
یوسف علیه السلام یاد کرده است قوله تعالی اِنّی رَاَیْتُ اَحَدَ عَشَرَ کَوْکَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَاَیْتُهُمْ لی سَاجِدِیْنَ و هر زیادت و
نقصان که در آفتاب و ماه بیند دلیل بر پدر و مادر و برادران بود و اگر بیند که آفتاب روشن و پاکیزه بر آمد و در خانه بوی تافت دلیل
کند که از خویشان خود زن خواهد و اگر بیند که ابر یا چیزی دیگر نور آفتاب را بپوشاند دلیل که حال بر پادشاه متغیر گردد و احوالش بد
شود خاصه وقتیکه بیند که آفتاب منکسف گردید و اگر بیند که آفتاب از تیرگی روشن شد دلیل کند که پادشاه بیمار گردد لیکن زود به شود
و اگر بیند که بر جرم آفتاب رسنی یا رشته فروهشته بود و او دست بر آن رسن زد دلیل که از پادشاه او را یاری و قوت بود و اگر بیند که آن
رسن بگسست و او بیفتاد دلیل که از بزرگی و منزلت بیفتد و اگر بیند که آفتاب یا ماه را سجده کرد دلیل که گناه یا خطائی از او ظاهر گردد
و اگر بیند که آفتاب یا ماه یا جملهٔ ستارگان در یکجا جمع شدند و او جمله را بگرفت و نور ایشان بستد دلیل که پادشاهی جهان بگیرد و پادشاهان
جهان جملهٔ مطیع او شوند و اگر بیند که آفتاب ماه و ستارگان را بگرفت و همه تیره و سیاه بودند دلیل کند که بیننده خواب هلاک گردد خاصه که
ظالم و ستمگر بود گرمانی گوید اگر بیند که در میان آفتاب نقطهٔ سیاهی بود دلیل کند که پادشاه از جهت ملک دل مشغول بود و اگر بیند که دو
آفتاب را با هم جنگ و خصومت بود دلیل که دو پادشاه را با هم جنگ و خصومت افتد و اگر بیند که آفتاب بر زمین فرود آمد و هیچ نور
نداشت دلیل بود که پادشاه آن دیار معزول گردد و از مملکت بی بهره ماند و اگر آفتاب را بدست خویش دید سیاه گردیده دلیل که پادشاه
را غمی بزرگ رسد و او را نیز از آن بهره بود و اگر بیند که آفتاب در سوراخی فرو شد و ناپدید گردید دلیل که پادشاه از دنیا رحلت کند
و عامهٔ مردم را غم و اندوه رسد و اگر بیند که ابر آفتاب را و ستارگان را همی پوشانید دلیل که پادشاه و لشکرش از بیش و شمنش
بهزیمت شوند و اگر بیند که آفتاب را همی پرستید دلیل که با پادشاهی بزرگ مقرب گردد اسمعیل اشعث گوید اگر کسی دید بر فلک نشست و روی
با آفتاب کرد پس دیگر بار روی از آفتاب بگرداند دلیل که آنکس نخست کافر بود و پس مسلمان گردد و بعاقبت کافر گردد و اگر بیند که آفتاب
باز دید دلیل بود که پادشاه آن دیار را بجهت چیزی جزئی رنجی رسد از جائیکه امید ندارد و اگر بیند که آفتاب با وی سخن گفت دلیل
کند که از پادشاه جاه و حشمت و بزرگی یابد حضرت صادق علیه السلام میفرماید که تاویل دیدن آفتاب بر هشت وجه بود اول خلیفه
دویم سلطان بزرگ سیوم رئیس چهارم عامل بزرگ پنجم عدل پادشاه ششم منفعت رعیت هفتم مرد را زن و زن را شوی هشتم کار روشن
و نیکو و هم او گوید اگر بیند که آفتاب را سجده کردی دلیل که سلطان او را بنوازد و مقرب خود گرداند و کار وی بالا گیرد و عدل و
انصاف در رئیس و امیران دیار پدید آید و شعاع آفتاب بخواب دیدن صد آن بود که گفتم **آفتابه** ابن سیرین گوید که آفتابه در
خواب زن خادمه بود یا کنیزک که چراغ خانه بدو تسلیم کنند و بعضی از معبران گفته اند که آفتابه خادم قومی بود که آن قوم بطاعت او

گردانیدن از معصیت پرهیز کنند و اگر بیند که آفتابه نو داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که ویرا خادمه یا کنیزکی حاصل گردد بدین صفت که گفتیم و اگر بیند که آفتابه شکست دلیل که خادمه یا کنیزک بیمار گردد و یا بمیرد و اگر بیند که آفتابه او ضایع گردید دلیل که خادمه یا کنیزک او بگریزد یا از او جدا گردد حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آفتابه در خواب بر نه وجه بود اول زن دویم خادم سیوم کنیزک چهارم قوام پنجم تن ششم عمر دراز هفتم مال و نعمت هشتم خیر و برکت نهم راحت از جهت زنان **الیخ** بدانکه الیخ را تازی رغرور گویند اگر کسی در خواب بیند که الیخ میخورد دلیل که او را رنج و بیماری رسد بقدر آن کرمانی گوید که اگر بیند که الیخ داشت یا کسی داد یا آنرا از خانه بیرون ریخت و از او نخورد دلیل که از رنج و بیماری ایمن گردد و علی الجمله خوردن الیخ در خواب در او هیچ خیر و منفعت نباشد

آماس ابن سیرین گوید که دیدن آماس در خواب مال بود اگر بیند که بر تن او آماس پدید آمده بود دلیل کند که بقدر آن او را مال حاصل گردد خاصه چون که در آن آماس ریم بیند که بسیار بود کرمانی گوید اگر بیند که بر تن او آماس بود چنانکه او را رنج نماید دلیل که بقدر آن مال حلال یابد و اگر آماس چنان نباشد که بدو رنج نماید دلیل بر مال حرام کند حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن آماس بر تن پنج وجه بود اول مالش زیاده گردد دویم زنی با منفعت خواهد سیم پسر آورد چهارم حاجتش روا گردد پنجم ایمن گردد از غمها و اگر همه تن خود را آماس بیند دلیل که این پنج چیز که یاد کردیم او را حاصل گردد **آهک** دانیال گوید که اگر کسی بیند که با آهک موی از تن بسترد دلیل که اگر مال دارد بقدر آن موی که بسترده بود او را مال حاصل گردد و اگر غمگین بود از غم فرج یابد و اگر وام دارد وام بگذارده گردد ابن سیرین گوید آهک کردن در خواب تو انگر را زیادتی مال بود و درویش را گذاردن وام و کافر را نشان مسلمانی باشد حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آهک در خواب بر سه وجه بود اول خیر بدو بود دویم سخنهای زشت ناخوش سیوم کارهای دشوار و عمارت کردن با آهک در تاویل بد بود **آهن** ابن سیرین گوید که آهن معمول بخواب دیدن خادم بود و اگر نه معمول بود چیزی از متاع دنیا بدو رسد بقدر آهن و اگر بیند کسیکه آهن بوی دادند دلیل کرد از متاع دنیا بقدر آن آهن کسی چیزی بدو بخشد کرمانی گوید که هر آهن که کسی بخواب بیند که آن بسبب صلاح دارد و از منسوب بپادشاه بود چنانکه خدای عزوجل در کلام مجید خود فرموده است قوله تعالی وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ و اگر بیند که آهن از سنگ بیرون می آورد دلیل کند که او را سختی پیش آید قوله تعالی قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا أَوْ خَلْقًا مِمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ جابر مغربی رح گوید اگر کسی بخواب بیند که آهنگری میکرد و نه از اهل آن کار بود دلیل که او را با کسی خصومت افتد و اگر آهنگر بود دلیل کند بر خیر و منفعت و بعضی از معبران گفته اند که آهنگر تاویل پادشاه بزرگ بود و داد گر ابن سیرین گوید که دیدن آهنگر بخواب چون معروف بود دلیل پادشاه بود و اگر معروف نبود تاویل نیک و بد آنچه دیده بود با آهنگر باز گردد و اگر بیند که آهن یا مس همیگداخت دلیل کند که انگبس مرد مازاغیبت کند و زشتی گوید حضرت صادق علیه السلام میفرماید هر چیز که از آهن بخواب بیند که از سوزن بود آن هم منفعت و قوت و ولایت و توانائی و ظفر یافتن بر دشمن بود **آهو** دیدن کرمانی گوید اگر بیند که آهو را فراگرفت دلیل که کنیزک خوبروی او را حاصل گردد و اگر بیند که گلوی آهو را ببرید دلیل که دوشیزگی دختر را ببرد و اگر بیند که آهو را از قفا گلو ببرید دلیل که با کنیزکی بخلاف

شرم مجامعت کند و اگر بیند که پوست آهو را بکند دلیل که با زنی غریب زنا کند و اگر بیند که پوست آهو را میخورد دلیل که او را از زنی
خویروی مالی حاصل گردد و اگر بیند که پوست آهو یا گوشت یا پیه او را عاید شد دلیل که او را از زن مالی رسد و اگر بیند که آهو را بکشت
دلیل که از قبل زن اندوهگین گردد ابن سیرین گوید اگر بیند که بی آنکه گرد آهو رود بنگیند دلیل که کنیزکی یا زنی را دوشیزگی ببرد و اگر
بیند که آهو را وقت شکار بنگیند دلیل که غنیمت یابد و اگر بیند که آهو در خانه او بمرد دلیل که از جهت زن غم و اندوه بدو رسد و اگر
بیند که آهو را بسنگ یا بتیر زد دلیل که سخنی ناشنا گوید زنی را جابر مغربی گوید اگر بیند بچه آهو را گرفت یا کسی بدو داد دلیل که
ویرا از کنیزکی فرزند آید حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن آهو در خواب بر چهار وجه بود اول زن دویم کنیزک سیوم فرزند
چهارم منفعت از زنان **آواز** ابن سیرین گوید که آواز مرد در خواب چون بلند بود دلیل کند که در میان مردم بزرگی یابد اگر کسی
بیند که آوازش بلند گشته بود دلیل کند بر قدر بلندی آواز و نام و بانگش بلند گردد و اگر بیند که آوازش ضعیف گشته بود دلیل
که بانگ و نامش ضعیف گردد چنانکه کس یاد او نه کند کرمانی گوید بلندی آواز مرد از دلیل شرف و بلندی نام کند اما بلندی
آواز زنان در خواب نیکو نباشد بخلاف آواز مردان بود بسیاری **آویختن** دانیال ع گوید اگر کسی بیند که پادشاه فرمود تا او را
بیاویزند دلیل کند از پادشاه حشمت و جاه و بزرگی یابد لیکن دلیل که در دینش خلل افتد و اگر بیند که هنگام آویختن مردمان نظر
در وی میکردند دلیل که بر عدد آن قوم مهتری و فرمان روائی یابد اگر بیند که گروهی جمع شدند و ویرا بیاویختند دلیل که بر آن قوم
مهتر و فرمان روا گردد اگر بیند که پیری مجهول ویرا بیاویخت و مردمان بنظاره او همی بودند دلیل که بر خلق جهان فرمان روا گردد
و چون بیند که خویشان بنظاره او همی بودند و اگر بیند که خویشتن را بیاویخت و هیچکس در وی نظاره نکرد بلکه خود را آویخته همی
دید دلیل کند که خواهد بر خویشان خود مهتری کند و لیکن کسی مطیع او نگردد جابر مغربی گوید چون ویرا آویخته بودند ریسمان ببرید و بیفتاد
دلیل که از بزرگی و جاه و حرمت بیفتد **آئینه** ابن سیرین گوید که آئینه در خواب جاه و ولایت بود اگر بیند که آئینه داشت یا
کسی آئینه بوی داد دلیل کند که بقدر بزرگی آئینه جاه و منزلت و ولایت و نعمت یابد و اگر بیند که آئینه بکسی داد دلیل که مال و
متاع خویش پیش کسی نهد و اگر بیند که در آئینه بسیمین نگاه میکرد دلیل که از حرمت و جاه خویش کراهت بیند زیرا که معبران آئینه
سیمین را مکروه دانند کرمانی گوید که اگر مردی در آئینه آهنین همی نگرید دلیل که اگر زن وی حامله بود پسر آورد که بهمه چیزها مانند
پدر بود و اگر زن بیند که در آئینه منگریست و آبستن بود دلیل که دختری آورد که بهمه چیز مانند مادر بود و اگر زن آبستن نباشد
دلیل که شوهر او را طلاق دهد و زن دیگر بخواهد و آن زن شوهری دیگر کند و اگر پسر بیند که در آئینه نظر میکرد دلیل که او را
برادری آید و اگر دختری نگاه کند ویرا خواهری آید و اگر پادشاه یا عاملی نگاه کند معزول گردد و ولایت از دست او برود
و کسی دیگری بجای او نشیند جابر مغربی گوید که روی نیکو در خواب اگر در آئینه دید چون معروف بود پادشاه بود و اگر معروف نباشد
تاویل نیک و بد هر چه دیده باشد آئینه باز گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن آئینه بخواب شش وجه بود اول زن
دویم پسر سیوم جاه و فرمان چهارم یار و دوست است پنجم انباز ششم کار روشن و هم او گوید اگر مردی غریب آئینه در خواب بیند

دلیل کہ زن خواہد و بزرگی یابد و اگر دختر بیند دلیل کہ شوہر خواہد و بر شوہر عزیز و گرامی بود و اگر بیند کہ مردی مجہول آئینہ بدو داد و در وی نگریست دلیل کہ بدیدن دوستی غایب شادمان گردد ابر دیدن در خواب دانیال گوید کہ ابر بخواب دیدن بر شش نوع بود اول ابر سفید و سیاہ و زرد و سرخ و ابر بارندہ و نابارندہ و ہر یکے را تعبیر مخصوص است و اگر کسی خویشتن را در زیر ابر سفید یا بارندہ دید دلیل کہ خدای عزوجل ویرا علم و حکمت ارزانی دارد و مردمان از علم و حکمت او منفعت رسد و اگر بیند کہ در زیر ابر زرد بود دلیل کہ بیمار گردد و بعضے از معبران گفتہ اند کہ زنے خواہد و از وی رنج و غم و اندوہ کشد اگر بیند کہ در زیر ابر سرخ بود دلیل کہ در محنت و بلا گرفتار گردد زیرا کہ خدای عزوجل بہر قومی کہ عذاب فرستادی نخست ابر سرخ بر فراز آن ظاہر شدی و اگر بیند کہ بر فراز ابر سر راست بایستاد دلیل کہ بقدر آن فرمان روائی یابد و اگر بیند کہ ابر بر سر او میگذشت دلیل کہ او را با کسی نیکو جاہ و نیکو عہد صحبت افتد مرادش ازوی حاصل گردد ابن سیرین گوید اگر بیند کہ ابر را در ہوا ہمیراند دلیل کہ او را با علما و حکما صحبت افتد و اگر این خواب را پادشاہ بیند دلیل کہ در ولایت خویش رسولان و صاحب خبر آن فرستد و اگر بیند کہ ابر را از ہوا بگرفت و بزمین آورد دلیل کہ کارش نیکو گردد و بزرگی یابد و علم حاصل شود و اگر بیند کہ ابر بر سر وی سایہ ہمیکرد دلیل کہ در آن سال خیر و نعمت بسیار یابد بقولہ تعالے

وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ كُلُوا ۱۲ اگر بیند کہ از ابر جامہ در دوختہ بود و در پوشیدہ دلیل کند کہ چندان علم حاصل کند کہ کس را نبود و اگر بیند کہ ابر ہمہ جہان را بپوشید و ہیچ باران نبود دلیل کہ بد بود کرمانی گوید کہ اگر بیند کہ ابر را جمع کرد یا برداشت یا بخورد دلیل کہ در میان حکیمان ممتاز شود و در دانش یگانہ گردد جابر مغربی گوید اگر بیند کہ ابر را میخورد دلیل کند کہ معیشت او از حکمت بود و اگر بیند کہ ابر سیاہ بر فراز موضع جائی گستردہ بود دلیل بر خشم و عذاب حق تعالی بود در آن دیار پس ہر کرا اندران ابر نزدیک تر بیند در عذاب حق تعالی نزدیک بود و اگر با ابر باران بیند دلیل بر رحمت و خیرات کند اگر بیند کہ از ابر باران ہمی خورد دلیل کہ بقدر آن ویرا رحمت و نیکوئی رسد و اگر با ابر باران و رعد سخت بود دلیل کند بر ترس از دعای مادر و پدر یا از دعای مسلمانان و اگر با رعد برق بیند این عذابہا سخت تر و قوی تر بود و اگر بیند با برق صاعقہ را عذاب صعب تر بود و اگر بیند کہ در خانۂ وی و جایگاہ نشستن ابر گستردہ شدہ است دلیل کند کہ فرزند و اہل بیتش را حکمت بود و دانش نیز حاصل گردد بر قدر تنگی و تاریکی حضرت صادق علیہ السلام فرماید کہ ابر بخواب دیدن بر نہ وجہ بود اول حکمت دویم ریاست سیوم پادشاہی چہارم رحمت پنجم پرہیزگاری ششم عذاب ہفتم قحط ہشتم بلا ابن اسمعیل گوید کہ ابر سیاہ بخواب دلیل بیم و ترس و سختی بود و ابر باران برکت و خیر و فراخی بود و نیز غم و اندوہ بود و اما آن ابر کہ از کنار دریا آرند کہ تبازی آنرا اسفنج خوانند دیدن وی در خواب غنیمت بود بر قدر آنچہ دیدہ بود ابر و ہا ابن سیرین گوید ابرو ہا دیدن بخواب دین بود و اگر بیند کہ ابرو ہایش تمام بود و ہیچ نقصان در آن نبود دلیل کند کہ زینت وی تمام و کمال بود و اگر بیند کہ ابرو ہایش فرو ریخت تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید اگر بیند کہ ابرو ندارد یا موئی ابرویش فرو ریخت دلیل کہ آہنگ چیزی کند کہ ازان چیز وی را بدنامی و فساد دین حاصل گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل کہ قصد چیزی کند

که ویرا نیک نامی صلاح دین حاصل آید و اگر بیند که ابرو مالیش سفید گشته بود دلیل که علم و آهستگی وی زیاده گردد لیکن مالش را نقصان بود جابر مغربی گوید اگر یک ابروی خویش را ریخته دید و یک دیگر را کنده دید دلیل کند که در مال و جاه وی نقصان فتد و بعضی گفته اند که دلیل بر نقصان زینت دین وی کند **ابریشم** بدانکه تاویل ابریشم همچو تاویل قز بود و در حرف قاف گفته خواهد شد **ابلیس** لعنة الله علیه و انیاله گوید که دیدن ابلیس بخواب دلیل بر دشمنی بود بدین و دروغ زن و فریبنده و بی شرم و نومید از نیکی و مردمان را همه بدی آموزد و شر و فساد اگر بیند که با ابلیس در جنگ و نبرد بود و او را قهر کرد دلیل که وی را بخیر و صلاح میل بود و اگر بیند که ابلیس بروی غلبه کرد و دلیل کند که براه شر و فساد مایل بود و اگر بیند که ابلیس با وی سخن میگفت دلیل کند که او را از راه بگرداند و او را از طاعت باز دارد و اگر بیند که ابلیس او را نصیحت میکرد و ویرا خوش می آمد دلیل که او را هم بمال و هم بتن مضرت رسد و اگر بیند که ابلیس دست او بگرفت و بجای میبرد و او گفت که لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم دلیل که بگناه بزرگ مبتلا گردد و بعد از ان بنصیحت کسی از ان گناه باز ایستد و اگر بیند که ابلیس را بر گردن غل نهاد دلیل که اهل دین و صلاح را شادی رسد اگر بیند که ابلیس ضعیف و درمانده بود دلیل که علما و مردمان مصلح را قوت بود گر مانی رح گوید اگر بیند که ابلیس را مطیع شد دلیل که بهوای نفس مبتلا گردد و اگر بیند که ابلیس چیزی وی را عطا داد اگر آن چیز نیک بود دلیل که مال حرام یابد و اگر آن چیز بد بود دلیل بر فساد دین کند و اگر بیند که ابلیس شاد و خرم بود دلیل که کار مردمان بفساد قوی گردد و اگر بیند که ابلیس را خواست که بشمشیر زند و هلاک کند بگریخت دلیل کند که ولایتی بدست آورد و عدل و انصاف کند اگر بیند که ابلیس را بکشت دلیل که نفس خود را قهر کند و راه صلاح ورزد **ارزیز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ارزیز بسیار داشت دلیل که بر قدر آن ویرا چیزی از متاع دنیا حاصل گردد که در زیر آلتها بود چون کاسه و طبق و مانند این و داند که ملک اوست دلیل که بقدر آن ویرا خدمتگار و چاکر بود گر مانی رح گوید اگر بیند که ارزیز همی گداخت دلیل بود که در زبان مردم افتد به بدی حضرت صادق فرماید که دیدن ارزیز در خواب سه وجه بود اول منفعت دویم خدمتگار سیوم متاع خانه **ارش** ابن سیرین گوید اگر بیند که ارش یا چیزی دیگر بارش همی پیمود او را سود و منفعت بود جابر گوید اگر بیند که رسن یا جامه نشسته بود دلیل که در سفر مال حرام بقدر آن بدست آورد **اره** ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند که باره درختی را کند دلیل کند که از صحبت مردی که تعلق بدان درخت دارد مفارقت جوید و او را بیازارد و تاویل هر درختی در حرف دال بیان کنیم و اگر بیند که فرزند یا برادر یا خواهر خویش را باره بدو پاره ببرید دلیل که مانند آن ویرا فرزندی دیگر بیاید یا برادر یا خواهر گر مانی گوید اگر بیند که اره فراگرفت یا بخرید یا کسی بدو داد دلیل که اگر پسر دارد ویرا پسری دیگر آید و اگر دختر دارد ویرا دختری دیگر آید و اگر فرزند ندارد چهارپائی دارد دلیل که چهارپائی مثل آن ویرا حاصل گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که اره در خواب دیدن بر سه وجه بود اول فرزند دویم خواهر یا برادر سیوم انباز **ازار** ابن سیرین گوید که ازار در خواب زن بود و اگر بیند که ازار درمیان بست دلیل که زن خواهد یا کنیزکی خرد و اگر بیند که ازاری وی ضایع شد دلیل که از زن جدا گردد و اگر بیند که ازارش بدرید دلیل نقصان و عیب زن بود و اگر بیند که ازاری با آتش سوخت دلیل آفت و بیماری زن بود جابر مغربی گوید اگر بیند که ازار شش پشمین

یا پنبه بود دلیل کرزن او ستیزه دین دار بود اگر بیند که ازار کهن و چرکن داشت تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که ازار قرمز یا ابریشمین داشت دلیل که ویرا زنی معاشر یا متکبر بود **پیغمبری** دانیال ع گوید اگر بیند که او پیغمبری شد از جمله پیغمبران و خلق را بخدا میخواند و براه توحید همی نمود دلیل که بخشت و محنت و بلا گرفتار گردد و بعد ازان بر دشمنان ظفر یابد و اگر بیند که زاهد و مصلح گشت همین دلیل کند لکن محنت و بلای وی در دنیا کمتر ازان بود و اگر بیند که او محتشم و تونگر گردید نعمت دنیا بروی فراخ گردد اما دین او تباه گردد و کرمانی گوید اگر بیند که نام وی متغیر شد چنانکه او را بنام نیک خوانند چون محمد و محمود و سعد و سعید و صالح و علی و مثل این دلیل بود که او را بذکر خیر و نیکی یاد سازند و اگر بخلاف این بیند مردمان ویرا بشر و بدی یاد کنند و اگر بیند که او پادشاه یا امیر یا قاضی شد دلیل که در شغل خویش عدل و انصاف نگاه دارد و اگر بخلاف این بیند دلیل شر و بدی بود جابر مغربی گوید اگر بیند که از حال صلاح بفساد مبدل شده دلیل کند بر بدبختی و ادباری وی و اگر بخلاف این بیند دلیل بود بر سعد و اقبال و دین و دنیای وی

اژدها ابن سیرین گوید اژدها را بخواب دیدن دشمن بزرگ و آن مرد دشمنی قوی بود و اگر بیند که اژدهائی داشت دلیل که با بزرگان پیوندد و اگر بیند که با اژدها جنگ و نبرد میکرد و بر او چیره شد دلیل که با دشمن او را جنگ و خصومت افتد و سرانجام دشمن را قهر کند اگر بیند که اژدها را بکشت و گوشت وی بخورد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و مال بستاند و هزینه کند جابر مغربی گوید که اگر اژدها ویرا فرو خورد دلیل که هیم از دشمن بود که دشمن ویرا هلاک گرداند اگر بیند که بر پشت اژدها نشسته بود و اژدها مطیع و فرمان بر او بود دلیل که دشمنی بزرگ ویرا مطیع و فرمانبر او گردد و کارهای او بنظام گردد

اسپندان کرمانی گوید اگر اسپندان بیند دلیل غم بود اگر بیند که اسپندان همی خورد دلیل که بقدر آن ویرا غم و اندوه رسد اگر بیند که کسی اسپندان بدو داد دلیل که غمی ازان کس بر دل وی حاصل گردد اگر بیند که اسپندان او بکسی داد غمی از وی بر دل او حاصل گردد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که اسپندان داشت لیکن نخورد یا بکسی داد یا از خانه بیرون افکند دلیل که او را غم و اندوه کمتر بود

اسپ دانیال علیه السلام گوید که اسپ تازی را بخواب دیدن دلیل بزرگی و عز و جاه بود اگر بیند که بر اسپ تازی نشسته بود و آن اسپ مطیع و بفرمان او بود دلیل که عز و بزرگی و دولت یابد بر قدر نیکوئی و صفت اسپ اگر بیند که اسپ را فراگرفت و تازی بود یا کسی بدو داد و بروی نشست دلیل که شرف و بزرگی یابد لیکن کمتر ازان که در اسپ تازی گفتم و اگر بیند که ازان اسپ چیزی کم بود یا زین یا نمدزین یا لگام دلیل که بر قدر آن نقصان در بزرگی او بود اگر بیند که اسپ او را ذنب ابتر و دراز بود دلیل که بر قدر آن ویرا خادمان و چاکران باشند و چاکران او را ذنب ابتر و بریده بود دلیل که ویرا خادمان و چاکران نباشند اگر بیند چیزی از اندام اسپ او ناقص بود دلیل که بقدر آن از عز و شرف او نقصان بود اگر بیند که با اسپ جنگ و نبرد همیکرد و اسپ غالب بود و فرمان بروی نبود دلیل که معصیت و گناه کند محمد ابن سیرین گوید که اگر کسی بیند که بر اسپ برهنه نشسته بود دلیل که مصیبت و معصیت و گناه او بیشتر شود اگر آن اسپ از کسی دیگر بود آنچه گفتیم خداوند اسپ را بود اگر بیند که اسپ برهنه بود لکن مطیع او شد دلیل بر بزرگی و شرف او بود اگر بیند که بر اسپی نشسته بود و آن اسپ بر بام خانه یا بر دیوار ایستاده بود دلیل آنچه گفتیم از گناه بیشتر و صعبتر کند و اگر بیند بر اسپی

نشسته بود و آن اسپ در هوا می پرید یا بیند که اسپ را پر ها بود چون مرغ همی پرید دلیل که ویرا شرف و بزرگی بود در دین و دنیا و باشد که خداوندش سفر کند گر مانی گوید اگر بیند که بر اسپ ابلق نشسته بود دلیل که کاری کند که بروی گواهی دهند و اگر بیند که بر اسپ سیاه نشسته بود دلیل که کاری کند که ویرا مال و مهتری حاصل گردد و اگر بیند که بر اسپ کمیت نشسته بود دلیل که از پادشاه قوت و بزرگی یابد و اگر بیند که بر اسپ اشقر بود دلیل کند بر صلاح دین و حرمت او از پادشاه و اگر بیند که بر اسپ زرد بود دلیل که اندک بیماری یابد و بر اسپ سمند همین دلیل بود و اگر بیند که بر اسپ جرمه بود دلیل کند بر خیر و صلاح و اگر بیند که بر اسپ سلیس بود دلیل که زن خواهد و اگر بیند از اسپ فرود آمد دلیل که از شرف و بزرگی بفتد و اگر بیند که از اسپ بر هنه فرود آمد دلیل که از گناه و معصیت باز ایستد و اگر بیند که بر اسپ نشسته بود و سلاح تمام پوشیده بود دلیل که شرف و بزرگی یابد چنانکه کس را از ان مانع نباشد و دشمن بر او ظفر نیابد و اگر بیند که اسپ را همی تاخت تا جنگ کند دلیل که از وی گناهی در وجود آید یا ترس و بیمی بدو رسد بر قدر تاختن اسپ و اگر بیند که بر اسپ نشسته بود و اسپ او را در مسجد برد دلیل که هیچ خیر اندرین نبود مگر بیند که اسپ او را از انجا بیرون آورد و اگر بیند که اسپ او را مراغه همی کرد دلیل که مال و دولت یابد و اگر بیند که اسپ با وی سخن گفت دلیل که کاری کند که مردمان از ان بشگفت آیند و اگر بیند که اسپ بیگانه در سرای وی در آمد یا در کوچهٔ وی دلیل که مروی شریف نامدار در سرا یا در کوچهٔ وی در آید بقدر و قیمت اسپ در آنجا مقام سازد و اگر بیند که اسپی از کوچهٔ او بیرون رفت دلیل کند که مروی شریف نامدار در کوچهٔ او غایب گردد یا بمیرد جابر گوید اگر بیند که بر اسپ مادیان فرا گرفت یا کسی بدو داد و بروی نشست دلیل کند که زن خواهد بروی مبارک بود اگر بیند که آن مادیان بگونهٔ سیاه بود دلیل کند که آن زن شریف و نامدار نباشد و اگر بیند که آن مادیان ابلق بود دلیل کند که زن را مادر و پدر از یک نسل نباشند و اگر آن مادیان جرمه باشد دلیل کند که آن زن خوبروئی و باجمال بود و اگر آن مادیان سبز رنگ باشد دلیل که آن زن دین دار و پرهیزگار باشد و اگر اشقر بود دلیل که آن زن عزیز و خداوند جاه بود و اگر کمیت بود دلیل که آن زن معاشر و طرب دوست بود اگر بیند که آن مادیان کره داشت دلیل کند که زن را فرزند بود چنانکه اگر کره او نر بود دلیل که آن زن را پسر بود و اگر ماده بود دلیل کند که فرزند زن دختر بود اگر بیند که گوشت اسپ همی خورد دلیل که پادشاه او را خواستگار گردد و بخویشتن نزدیک کند و اگر بیند که در پس کسی با اسپ نشسته بود دلیل کند که آن مرد که در پس وی نشسته بود تابع او گردد و اگر بیند که اسپان بسیار پیرامن سرا یا کوچهٔ او بودند دلیل که در آن موضع باران بارد یا سیلاب روان گردد اسمٰعیل اشعث گوید اگر بیند که بر اسپ رهوار نشسته بود دلیل که زن توانگر بی صلاح بزنی بخواهد و اگر اهل آن نباشد زیرا که با چنین زنی مصاحبت افتد و از و منفعت و نیکوئی یابد و اگر بیند که گوش اسپ او بریده بود دلیل کند که پیغام مهتران از وی بریده گردد و اگر بیند که اسپ بسر در آمد و زود برخاست دلیل کند که در بعضی از شغل وی خلل افتد و دیگر بار بصلاح باز آید و اگر بیند که اسپی خرید بی دم و بر او نشست دلیل کند که زنی بی اصل را بزنی بخواهد و اگر بیند که با اسپ به هوا بر شد و بعد ازان از هوا فرود آمد دلیل کند که بر دست پادشاه هلاک گردد و اگر بیند که اسپ ویرا لگد زد یا

بگزید دلیل که عیالش بنهایت مشغول گردد و اگر بیند که کسی اسپ ویرا بدزدید بیم بود که عیالش هلاک گردد و اگر بیند که اسپ وی گم شد
دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بیند که اسپ خویش را بفروخت دلیل که عز و جاه او کم گردد یا عیال از وی جدا گردد و اگر بیند
که بر اسپ واژگون نشسته بود دلیل کار وی بقصد کاری منکر پدید آید که در آن ویرا مضرت و ملامت بود جابر گوید که اسپ
در خواب هوای بیننده نفس خواب بود و اگر اسپ خویش را سرکش بیند دلیل کند که هوای نفس او سرکش باشد و اگر بیند که اسپ
خویش مطیع و فرمان بر بود دلیل که هوای نفس او صعب تر بود بیدی و بدانکه هر اندامی از اندامهای اسپ را نشانی بود از پادشاه
و اگر خون پادشاه را بر اسپ بیند عز و رفعت او بود و مردم عامه را اسپ بخواب دیدن عز و بخت بود و اگر بیند که اسپی مجهول از
محلی بیرون آمد دلیل که یکی از بزرگان محله از دنیا برود اما خالد اصفهانی گوید که اسپ پالانی بخواب بخت مرد بود و هر چند پالانی
فرمانبردار تر باشد بخت او مطیع تر و فرمانبردار تر بود الا بیند پالانی در شهری یا در دهی یا در سرای شد دلیل که مردی غریب عجمی
در آنجا پدید آید و اگر بیند که بر اسپی دراز دم نشسته بود دلیل کند که ویرا طبع زیاده گردد بقدر درازی دم اسپ و اگر بخلاف این
بیند دلیل که حال بروی بدگردد و عیش بروی تنگ گردد و حضرت صادق علیه السلام فرماید دیدن اسب در خواب پنج وجه بود
اول عز دویم مرتبت سیوم فرمانروائی چهارم بزرگی پنجم خیر و برکت چنانکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود الحدیث الخیر
معقود بنواصی الخیل والبرکت الی یوم القیمة والذل فی ادبار البقر و اگر بیند که بوزینه بر اسپ او نشسته بود دلیل که
جهودی بازن وی فساد کند و اگر بیند که سگی بر اسپ او نشسته بود دلیل کند که مغی بازن او فساد کند استر ابن سیرین گوید که چون
استر در خواب بیند اگر مطیع بود مردی بدخوی و چون مطیع بود نیک بود و اگر بیند که بر استری بی زین نشسته بود و ندانست که استر
از آن کیست دلیل کند که بسفر رود و اگر بیند که بر استر خویش نشسته بود چون سفر کند با سود و منفعت آید و اگر بیند بر استر زین
یا پالان یا عماری نهاده بود دلیل کند که زن او نازاینده بود خاصه که داند استر ملک او بود یا کسی بر او بخشیده بود کرمانی گوید
اگر بیند که بر استر ماده سیاه نشسته بود و بلند بالا بود دلیل که زنی خواهد که خداوند حرمت بود و اگر استر را بگونه سفید بیند آن
زن که خواهد با جمال و خوبروی بود و اگر استر بگونه سبز بیند دلیل که آن زن دین دار و پرهیزگار بود و اگر استر بگونه سرخ بیند دلیل
که آن زن مطرب و معاشر دوست بود و اگر استر بگونه زرد یا اشقر بیند دلیل که آن زن بیمار گون و زرد روی بود و اگر استر را برهنه
و رام کرده بیند دلیل کند بر مردی ضعیف جابر مغربی گوید که استر ماده در خواب مولازاده بود و اگر استر نر بود سفر بود و بعضی
از استادان این صناعت گفته اند که استر نر مرد بود و استر ماده زن و اگر بیند که از کسی استر ماده بخرید دلیل که از کسی کنیزک بخرد و
اگر بیند که استر ماده بفروخت دلیل که کنیزک بفروشد یا از کنیزک جدا گردد و اگر بیند که بر استر ماده نشسته بود دلیل که زنی کند که هرگز
ویرا فرزند نیاید و اگر بیند که بر استر نشسته بود دلیل که عمری دراز بود و مرادش حاصل گردد و اگر بیند که استر از پس وی میدوید دلیل
که ویرا عمی رسد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند استر نوحه همی کرد دلیل کند بر زیادتی مال از جهت زنان و اگر بیند که استری سخن گفت
دلیل کند که کار عجب ویرا پیش آید که مردمان را از آن شگفت آید اگر بیند که استر بر ابگشت دلیل کند که مال یابد و اگر بیند که استری

بگرد

بمرد یا ضایع شد دلیل کند یا از زن یا از کنیزک جدا گردد و اگر استر زبون بود دلیل کند از صحبت مردی جدا گردد و بدانکه گوشت و پوست استر
مال بود و بعضی از معبران گفته اند که گوشت استر بیماری بود و اگر بیند که شیر استر همیخورد دلیل کند بر دشواری و ترس و بیم وی بقدر شیر
که خورده بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن استر در خواب پنج وجه بود اول سفر باشد دویم زندگانی دراز سیوم ظفر بر دشمن
چهارم جمال و آرایش پنجم مرد احمق بود و استر ماده زن نازاینده بود و استر کره منفعت و یافتن مراد بود **استخوان** ابن سیرین گوید که
استخوان در خواب مالی بود که مردم بدان معیشت کنند و اگر بیند که استخوان فراگرفت و بر آن استخوان گوشت بود دلیل کند بر قدر آن
گوشت خیر و مال یابد و اگر بیند که بی گوشت بود دلیل کند که اندکی خیر بدو رسد و اگر بیند که او بکسی استخوان داد دلیل که از او بدان
کس خیر رسد کرمانی گوید اگر بیند که استخوان کسیر اشکسته بود می بست دلیل کند بر بزرگی و صنعتهای گوناگون یابد و کردار نیک کند و بعضی
از معبران گفته اند که کار بینوائی از وی بنوا گردد حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن استخوان بخواب هفت وجه بود اول
اهل و مال دویم خویشان سیوم فرزندان چهارم قیم خانه پنجم مال ششم برادران هفتم یار و انباز بود **استغفار** بدانکه استغفار کردن
استغفر الله بود بمعنی آمرزش خواستن از خدای عزوجل ابن سیرین گوید اگر بیند که در خواب استغفار میکرد دلیل که خداوند تعالی
بر او مال و فرزندان ارزانی دارد چنانکه در کلام مجید فرموده است قوله تعالی وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا
يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ حضرت صادق علیه السلام فرماید که استغفار کردن در خواب
بر چهار وجه بود اول مال دویم فرزند سیوم آمرزش از حق تعالی چهارم توبه کردن از گناهان **اسطرلاب** کرمانی گوید اسطرلاب
در خواب تاویل اصحاب سلطان بود و مهتر بزرگ اگر بیند که اسطرلاب داشت یا از کسی بخرید یا کسی بدو داد دلیل که از اصحاب سلطان
گردد و مهتر قومی گردد و اگر بیند که اسطرلاب او ضایع گردید یا الشکست دلیل کند که جاه و منزلتش نقصان یابد جابر مغربی گوید
اگر بیند که در اسطرلاب بآفتاب نگاه میکرد دلیل که بشغل سلطان یا بشغل امیران وی مشغول گردد و از ایشان خیر و منفعت
بیند و بعضی از معبران گفته اند که اسطرلاب در خواب مردی بود که ویرا اثباتی نباشد و بر کارها پاینده بود **اسفاناخ**
ابن سیرین گوید دیدن اسفاناخ در خواب دلیل اندیشه و غم بود و خوردن وی دلیل بر مضرت و نقصان مال بود اما اگر بیند که بگوشت
پخته بود دور و غن واز او همیخورد دلیل بر خیر و منفعت کند بر قدر آنچه خورده بود **اشتر** ابن سیرین گوید اگر کسی خود را بر اشتری
مجهول بیند که بشتاب همیرفت دلیل کند که بسفر رود و اگر بیند که بر اشتری جولان همیکرد دلیل که غمگین و متفکر گردد و اگر بیند که
بر اشتری نشسته بود و راه گم کرده میرفت و ندانست که راه راست کجا است دلیل که در راه خویش فرو ماند و
هیچ تدبیر نتواند ساخت و اگر بیند که ماده شتری یافت دلیل کند که زن خواهد و اگر شتر بابچه بود آن زن
که خواهد با فرزند بود اگر بیند که اشتر از پس او همی دوید دلیل که غمگین گردد و اگر بیند که اشتر از وی رو بگرداند
و مطیع او نشد دلیل که اندوهگین گردد دانیال ع گوید اگر بیند که بر اشتر مست خشم آلود نشسته بود دلیل که مردی بزرگ غلبه کند
و اگر بیند که با اشتر جنگ و نبرد میکرد دلیل که با مردی عجمی که با او دشمن بود مر او را باوی خصومت افتد و اگر بیند که رمهٔ اشتر انرا

همی چرانید و دلالت کند که از ملک او بود دلیل کند که ویرا ولایتی بود و بر مردم آن ولایت فرمان رواگردد اگر بیند که اشتر را همی دوشید
دلیل که از پادشاه مال یابد بر قدر آن شیر که دوشیده بود و اگر بیند که بجای شیر از پستان شتر خون آمد دلیل که آن مال که بدو رسد حرام
بود و اگر بیند که مادهٔ شتری کسی بدو بخشید یا از کسی او بخرید دلیل که زن خواهد یا کنیزک بخرد اگر بیند که مادهٔ شتری که از او بود دیگر بخیت
یا وزد برد دلیل که از زن جدا شود یا در میان ایشان خصومت افتد و اگر بیند که مادهٔ شتر او بمرد دلیل که زنش بمیرد اگر بیند که
شتر بچه آورد دلیل که زنش بچه آورد و مالش زیاده گردد و اگر بیند که مادهٔ شتری دید با میدیکه دارد برسد و اگر بیند که گوشت اشتر
میخورد دلیل که بیمار گردد کرمانی گوید اگر بیند که گوشت اشتر بسیار بدو دادند دلیل که مال یابد بمقدار گوشت اشتر و اگر بیند که اشتر را قربانی
میکرد و گوشت او را بهر کسی داد دلیل که مردی بزرگ در آنجا قربان گردد یا بمیرد و اگر بیند که اشتری مجهول در پیش او همی آمد دلیل که
سرگشته و متفکر گردد و اگر بیند که اشتر را قهر و زبون خویش کرد دلیل که دشمن را مقهور و زبون خویش گرداند و اگر بیند که رمهٔ اشتران
در زمینی یا در دهی جمع میگردیدند دلیل که در آنجا دشمن جمع شود یا سیل در آنجا خرابی کند یا بیماری در مردم آن موضع مستولی گردد و اگر
بیند که اشتران بار گندم و جو داشتند دلیل که از ان دشمن در آنجا خیر و برکت بود جابر گوید اگر بیند که بر اشتر یکسالهٔ نشسته بود دلیل که
اندوهگین گردد و اگر بیند که از اندام شتر وی خون زایل شد دلیل که سعادت و نعمت دنیا یابد بقدر آن خون و اگر بیند که مهار
شتری میکشید دلیل که با مردی فرمانبردار او را خصومت افتد اگر بیند که در بیابان اشتر بسیار یافت دلیل که بزرگی و فرمان روائی
یابد بر جماعت بیابان گردد و اگر بیند که دو اشتر بیافت دلیل که مال یابد و اگر بیند که کسی ویرا شتری داد دلیل که بقدر و قیمت آن
شتر منفعت یابد از کسی اگر بیند که قومی شتری بکشتند و گوشت آنرا قسمت کردند دلیل کند که در آن موضع مردی بزرگ بمیرد و مال
ویرا قسمت کنند بمیراث اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که اشتران بسیار داشت و دلالت که آن جمله ملک و ولایت و از اشتران اعرابی بودند
دلیل که در دیار عرب پادشاه گردد و اگر اشتران عجمی بودند دلیل که در دیار عجم پادشاه گردد و اگر زنی بیند که اشتر یا بخورد دلیل که از
پادشاه مال و نعمت یابد و بدانکه پوست اشتر نیز همین دلیل دارد و بعضی از معبران گفته اند که میراث یابد اگر بیند که اشتر با او سخن
گفت دلیل که خیر و نیکی بدو رسد حضرت صادق علیه السلام فرماید دیدن اشتر در خواب بر ده وجه بود اول پادشاه عجمی دویم مردی
امیر سیوم مرد مؤمن چهارم سیل پنجم فتنه ششم آبادانی هفتم زن هشتم حج نهم نعمت و دهم مال و اشتر عربی دلیل بر مردم عرب کند و اشتر
عجمی دلیل بر مردم عجمی و بدانکه اشتر بانی تبادیل خداوند تدبیر و ولایت بود و رهنت کنندهٔ کارها بود و همچنین است اشتر مرغ
ابن سیرین گوید که اشتر مرغ در خواب مرد بیابانی بود اگر اشتر مرغ مادهٔ بود زن بیابانی بود اگر بیند که اشتر مرغ مادهٔ گرفت یا کسی
بدو داد دلیل که زنی بدین صفت که گفتیم بخواهد یا کنیزک بخرد و اگر بیند که بر اشتر مرغ نشسته بود دلیل کند که بسفر بیابان رود و بعضی
از معبران گفته اند که بر مردی بیابان نشین غالب گردد و بکاری بزرگ رسد کرمانی گوید اگر بیند که اشتر مرغ را بخشت دلیل که بر مردی
بیابانی دست یابد و او را قهر کند و اگر بیند که خایهٔ اشتر مرغ یا پر یا استخوان او داشت دلیل کند از مردی بیابانی ویرا مال حاصل گردد
اگر بیند که بچهٔ اشتر مرغ داشت دلیل کند که فرزند مرد بیابانی او را حاصل گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که با اشتر مرغ نشست

وآن اشتر مرغ اورا مطیع بود واورا در هوا برد ودیگر باره از هوا بزمین آمد دلیل که با مرد بیابانی بسفر دور شود وباز آید با سود ومنفعت بسیار واگر بخلاف این بیند بود **اشتر غار** ابن سیرین گوید که دیدن اشتر غار بخواب دلیل غم واندوه بود واگر بیند که اشتر غار فرا گرفت یا کسی بدو داد واز او همی خورد دلیل کند که بقدر آن غم واندوه خورد اگر بیند که وی از بالای داد یا بفروخت دلیل که از غم واندوه رسته گردد اگر بیند که اشتر غار داشت وبخورد اشتر همی داد دلیل که آن کس از بهر آن اشتر اندوهگین گردد **اشک** کرمانی گوید اگر بیند که اشک سرد از چشم او همی بارید دلیل کند که شادی وخرمی یابد اگر بیند که اشک بارید دلیل که غمگین ودردمند گردد واگر بیند که بی گریستن اشک بروی او بود دلیل که ویرا بسخن طعنه زنند اگر بیند که در چشم وی بجای اشک گرد وخاک جمع شده بود دلیل که بقدر آن مالی حلال بی رنج بدو رسد واگر بیند که اشک بروی او فرود آمد دلیل که مال خویش را هزینه کند حضرت صادق علیه السلام فرماید که در خواب دیدن اشک که از چشم آید بر سه وجه بود اول شادی وخرمی دویم غم واندوه سیوم نعمت بود **اشنان** ابن سیرین گوید دیدن اشنان بخواب دلیل بر غم واندوه کند وخوردن او دلیل بر بیماری **اصلع** بدانکه اصلع بفارسی داغ سر بود ابن سیرین گوید که اگر کسی اصلع سر بخواب بیند که بر سر او موئی رسته بود دلیل که او را مالی اندک حاصل گردد واگر بیند که او اصلع شد دلیل که از غم واندوه رسته گردد اما اگر زنی بیند که اصلع شد دلیل که در زینت وآرایش او نقصان پذیرد کرمانی گوید که اصلع دیدن بخواب بازرگان را فائده بود وپیشه کار را کسب وصناعت وپادشاه را تفکر وزنان را نقصان زینت بود **افروشه** ابن سیرین گوید که افروشه آن بهتر بود که در وی زعفران نباشد چون اندک بیند سخن خوب ولطیف وخوش بود وچون بسیار بیند مالی بود که برنج وسختی بدست آورد اگر بیند که اندک افروشه کسی را بداد وبخورد دلیل کند که از ان کس سخن لطیف شنود چنانکه موافق طبع بود اگر بیند که افروشه بسیار داشت دلیل کند که بقدر آن مال برنج وسختی حاصل گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که خوردن افروشه بخواب بر سه وجه بود اول سخن لطیف دویم مال سیوم مراد یا فتنی که در دل بود **افسرده** کرمانی گوید که خوردن افسرده در خواب غم واندوه بود اگر بیند که چیزی افسرده همی خورد دلیل که بقدر آن ویرا غم واندوه رسد اگر بیند که افسرده کسی بدو داد واز وی بخورد دلیل کند که با کسی او را جنگ وخصومت افتد واگر از وی هیچ نخورد اندوهی بوی نرسد جابر مغربی گوید که خوردن افسرده در خواب دلیل کند که او را جنگ وخصومت افتد وعلی الجمله هیچ خیر در خوردن افسرده نباشد **افسون** ابن سیرین گوید که افسون کردن در خواب فریفتن مردم بود دگر آن افسون که بنامهای خدای عزوجل وبآیات قرآن بود وچون افسون گردر خواب بیند که از ان ویرا یا کسی دیگر را شفا ورحمت پدید آمد دلیل که از غم ورحمت کام دل رسد واگر بخلاف این بیند دلیل بر غم واندوه کند کرمانی گوید که افسون کردن بخواب کار باطل بود چون بوقت افسون ذکر خدای عزوجل را بگوید واگر افسون بقرآن ونامهای حق تعالی کند دلیل که آن کس کاری کند بحق ودرستی واز ان ویرا خیر وصلاح دو جهانی رسد **افیون** ابن سیرین گوید که دیدن افیون بخواب دلیل کند بر غم واندیشه وخوردن وی دلیل بر غم واندوه ومصیبت کند **آله** دیدن در خواب دانیال ع گوید که آله در خواب پادشاه قوی با هیبت وستمگر بود چنانکه همه کس از او ترسد اگر بیند که آله را فرا گرفت یا کسی بدو داد

وآن آله فرمانبر و مطیع او بود دلیل که در نزد پادشاه خاص و مقرب گردد اگر بیند که آله او را برگرفت و بر هوا برد دلیل که بفرمان پادشاه سفری کند و در آن سفر بزرگی و ناموری یابد ابن سیرین گوید اگر بیند که آله بکوچه فرود آمد دلیل که پادشاه در آن کوچه فرود آید اگر بیند که مردم آن کوچه آله را بکشتند آن از مملکت معزول گردد یا هلاک شود اگر بیند که آله ویرا برگرفت دلیل کند که در پناه پادشاه شود اگر بیند که آله از دهان چیزی بدر آورد و بدو داد دلیل کند که بقدر آن چیز از پادشاه عطا یابد و اگر بیند که آله از دست او سپرید رشته یا چیزی دیگر در دست او بماند دلیل که پادشاه بروی خشم گیرد و او را از خود دور گرداند و جوئی از مال او بستاند کرمانی گوید اگر بیند که از آله شکار همی گرفت دلیل که مال و خزانه پادشاه در تصرف او در آید اگر بیند که آله ویرا بمنقار یا بچنگال بزد دلیل که او را از پادشاه زحمت و بلا رسد و مالش بستاند و اگر بیند که با آله جنگ و نبرد همیکرد دلیل که او را با پادشاه جنگ و خصومت بود و اگر بیند که آله بخورد یا پر او را بکند دلیل کند که بقدر آن از پادشاه مال و نعمت یابد و اگر بیند که آله بر سر او بر وی نشسته بود دلیل کند که ویرا پسری آید و پادشاه گردد و حضرت صادق فرماید که آله در خواب دو وجه بود اول پادشاه ظالم و ستمگر و خونخوار دوم عالم بی دیانت و حیلتی بود و بعضی گفته اند اگر کسی بیند که آله داشت دلیل که عمر او دراز بود

آلوی سرخ ابن سیرین گوید اگر در خواب آلوی سرخ و سیاه را بوقت خود بیند دلیل بر مال و خواسته بود و آلوی زرد دلیل بیماری کند اگر بیند که آلوی زرد با سرخ و سیاه که بطعم شیرین بود فراگرفت یا کسی بدو داد و بخورد دلیل کند که بقدر آن مال خواسته بیابد اگر بیند که آلوی زرد خورد و وقت آن نبود دلیل کند بر غم و اندوه و مصیبت و خصومت و اگر بطعم ترش بود بهتر بود ابن سیرین گوید

امامت کردن اگر بیند که در پیش قومی امامی کرد و امام نبود دلیل کند که در آن قوم مهتر گردد و جمله تابع او شوند چنانکه مأموم تابع امام باشد و اگر بیند که جماعتی انبوه در نماز بودند و ویرا گفتند که ما را امامی کن و پادشاه فرمود با وکه امامی کن و او در پیش رفت و امامت کرد دلیل کند که در آن دیار میر و فرمان روا گردد و با ایشان عدل در استی کند بقدر راستی قبله و تمام کردن نماز بر کوع و سجود و اگر بیند که از نماز چیزی نقصان کرد دلیل کند که بر ایشان جور و ظلم کند بقدر آنچه در نماز نقصان کرده بود ابن سیرین گوید اگر بیند که امامی میکرد و لیکن نشسته بود دلیل که بیمار گردد و اگر پهلو نشسته بود در نماز چیزی بخواند دلیل کند که زود بمیرد و آن قوم بروی نماز کنند و اگر امامی را بخواب دید دلیل که شرف و منزلت یابد بقدر و شرف و منزلت امام و اگر بیند که امام را ولایتی همیداد یا با امام در خانه رفت یا امام او را چیزی بخشید یا با امام طعام خورد دلیل که بر قدر آن غم و اندوه بدو رسد جابر مغربی گوید اگر بیند که با امام بر جهاد بود دلیل کند که با دولت و ولایت با وی شریک بود یا در مسجدی یا در دهی یا در شهری امامت گوید هر چیز که او را امام در خویشتن زیادت بیند در ولایت و بزرگی او زیاده گردد و هر چه در آن نقصان بیند در مال و نعمت او نقصان گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که امامی کردن در خواب بر شش وجه بود اول فرمان روائی دویم پادشاهی بعدل و انصاف سیوم علم چهارم قصد کردن بکار خیر پنجم منفعت ششم ایمنی از دشمن و اگر بیند که امامی زنان کرد دلیل کند بر گروه ضعیفان والی گردد و اگر بیند که امامی از آسمان فرود آمد و قومی را امامت کرد دلیل کند که رحمت بود بر اهل آن زمین و اگر بیند که بر مرده

نماز میکرد دلیل که از پادشاه فرمانروائی یابد امرود ابن سیرین گوید که خوردن امرود بوقت خود چون سبز و شیرین بود دلیل آنکه
مال حلال یابد و اگر بگونه زرد بود بیماری بود اگر بیند که امرود میخورد و زرد بود دلیل کند که بیمار گردد و اگر نه بهنگام او بود و اگر امرود
بگونه سبز بود یا سرخ چون بطعم شیرین بود دلیل آنکه مال حلال یابد و اگر ترش و ناخوش بود اندوه بود کرمانی گوید امرود سبز و شیرین
بوقت خود دیدن یافتن مراد بود و اگر بیند که امرود را همی خورد دلیل بر منفعت بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که خوردن
امرود در خواب پنج وجه بود اول مال حلال دویم زن سیم زن چهارم یافتن مراد پنجم منفعت و اگر بیند که پادشاه امرود
میخورد دلیل کند که از مردی بزرگوار منفعت یابد بقدر آنکه خورده بود انار دانیال گوید که اصل انار بخواب مال بود لیکن بقدر
همت مردم خاصه که بوقت خود بود و اگر نه بوقت خود بود بد بود و اگر بیند که انار از درخت ببرید و بخورد دلیل کند از زنی با جمال
منفعت یابد ابن سیرین گوید اگر انار شیرین بخواب بیند مال جمع کرده بود و بعضی از معبران گفته اند که یک انار شیرین خوردن بخواب
هزار درم بود که بیابد و انار ترش غم واندوه بود و ناری که نداند ترش یا شیرین بود بتعبیر ش چون انار شیرین بود جابر مغربی گوید
اگر کسی بیند که انار شیرین بوقت همی خورد دلیل کند که هزار درم بیابد یا اینکه کمترش پنجاه درم بود که بیابد و باشد که آنچه دینار گفتیم درم
بیابد پس معبر باید که بقدر همت و بزرگی مردم تاویل کند و اگر بیند که انار بزمستان همیخورد دلیل که بعد دهر دانه اورا چوبی بزنند در
همه چیز انار ترش خوردن در وقت و بیوقت بد بود و حکم انار شیرین میانه بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که انار شیرین بوقت خود میخورد
اگر بازرگان بود قماش و متاع او رواج گردد و اگر مسافر بود دلیل که سفرش مبارک بود و باسود و منفعت بود و اگر بیند که دانهای
انار ترش یافت یا کسی بدو داد دلیل که بقدر آن و یا ربنجی رسد اگر بوقت بود و اگر بیوقت و اگر انار شیرین یا پوست و پیه آن
میخورد دلیل کرا زهمه چیز برخورداری یابد حضرت صادق علیه السلام فرماید که خوردن انار شیرین در خواب بر سه وجه بود اول مال
جمع کرده بود دویم زن پارسا سیوم شهر آبادان ولیکن انار ترش غم بود اسمعیل اشعث گوید اگر پادشاه بیند که اناری داشت ولایت
یا شهر یا بدو رئیس رادهی بود و بازرگان رادهزار درم و بازاریرا هزار درم و مردم درویش رادهدرم یا یک درم بود انجیر
ابن سیرین گوید که خوردن انجیر بخواب اگر وقتش بود و اگر بیوقت بد بود اگر بیند که انجیر میخورد و یا جمع میکرد یا کسی بدو بخشید دلیل
بود که غم واندوه بدو رسد و باشد که کاری کند که از ان پشیمانی خورد کرمانی گوید که انجیر زرد بخواب دیدن و خوردن دلیل بیماری
کند و انجیر سیاه دلیل بر غم واندوه و انجیر سبز خوردن بوقت چون بطعم شیرین بود زیانی ندارد **انجیل** ابن سیرین گوید اگر بیند که
انجیل همی خواند دلیل کند که از حق بباطل فرلفیته گردد و خود رائی شود ابن سیرین گوید اگر بیند که از کتاب انجیل همیخواند دلیل کند
بر او کسانی از ملت عیسی باشند خیر اندک بدو رسد و اگر از بر میخواند دلیل کرا زحق بباطل گردد و دستدار ترسایان شود **انداختن**
مردم ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که کسی را بیندا خت دلیل که خصم بروی خیره گردد و اگر بیند که بر کسی سنگ انداخت دلیل کند
که سخنی سخت بکسی گوید و بعضی از معبران گفته اند که دلیل آنکه او را بزنا یا بگناهی متهم گردانند و اگر کسی بیند که سفال انداخت هم
سخن درشت بود که بکسی گوید و معبران گویند اگر کسی بیند که شکر یا بادام یا قند بینداخت اگر آن کس معروف بود دلیل کند از و

بدان مقدار عطا یابد و اگر مجهول بود بدان مقدار که بکسی اندر خت حیثیت و عطا یابد و اگر کسی بیند از ین خوردنیها که گفتیم سوئے
چهار پایان اندر خت دلیل که مال خویش بر جاهلان هزینه کند **انداامها** ابن سیرین گوید که اندامهائ قوم را اگر بیند که افزون شد
دلیل کند خویشان و اهل بیت او زیاده گردند و او در موضع خویش مقیم بود و اگر بیند که اندامهائ او بریده شد یا از تن او بیفتاد دلیل
کند که بسفر رود و خویشان او پراگنده گردند و اگر بیند که اندام خویش میبرید و پراگنده میکرد دلیل کند که اهل بیت و خویشان خود
را در شهرها پراگنده کند کرمانی گوید که اگر کسی بیند که پارهٔ گوشت از اندامش ببرید دلیل کند که آن کس را خیر و منفعت رسد و اگر
بیند که اندامی از تن وی جدا شد دلیل که کسی از مال او چیزی بستاند بزور و اگر بیند که گوشت از اندام خویش میبرید و در پیش مرغی
می افگند دلیل که از مال خود چیزی بکسی بخشد جابر مغربی گوید اگر بیند که اندامی از تن وی با او سخن گفت دلیل بود که در خلق رسوا گردد
قوله تعالی قَالُوا اَنْطَقَنَا اللّٰهُ الَّذِیْ اَنْطَقَ کُلَّ شَیْءٍ و اگر بیند که اندامی خویش را بهای هیزفت دلیل که کاری کند که بر آن اعتماد دارد
و اگر بیند که اندامی از تن وی جدا شد دلیل کند که کسی از خویشان او بغربت افتد و اگر بیند که اندامهایش آزرده بود دلیل که
بیمار گردد و اگر بیند که مرغی از اندام وی پارهٔ گوشت بربود دلیل که مال او را چیزی بزور بستانند و اگر بیند که گوشت خویش
همی برید و در پیش مرغ می افگند دلیل کند که از مال خویش چیزی بکسی دهد جابر مغربی گوید اگر بیند که اندامی از اندامهائ او تباه گشت
دلیل کند که بر راست نبوده است مفضل گوید که برسول خدا صلے اللہ علیہ وسلم عرض کردم یا رسول اللہ صلے اللہ علیہ وآلہ وسلم خوابی منکر
دیده ام فرمود چه دیدهٔ عرض کردم بخواب دیدم که پارهٔ از اندام تو ببریدند و بر کنار من نهادند رسول خدا صلے اللہ علیہ وآلہ وسلم
فرمود که فاطمه رض عنها را پسر آید که در کنار تو بزرگ شود و بعد ازان از فاطمه رض حسین ع بوجود آمد و در کنار او بزرگ شد و او را
می پروریدا **انگبین** کرمانی گوید که انگبین در خواب غنیمت بود از مالها و نیکی بود از کردارها زیرا که در وی شفائ دردها است و
شهد روزی بسیار بود چنانکه حق تعالی در کلام مجید خود فرموده است قوله تعالی فِیْهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ حضرت صادق ع
علیه السلام فرماید که خوردن انگبین در خواب بر سه وجه بود اول روزی حلال دویم منفعت سیوم کام دل یافتن و بر انگبین روزے
بود که بی منت بدو رسد قوله تعالی وَاَنْزَلْنَا عَلَیْکُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوٰی **انگشتان** ابن سیرین گوید پنج انگشت دست راست در
تاویل پنج نماز بود و پنج انگشتان دست چپ فرزندان و برادر بود و بعضے از معبران گفته اند که انگشت مهین دلیل نماز بامداد
و انگشت سبحه در نماز دلیل بر نماز پیشین کند و انگشت میان دلیل بر نماز دیگر و انگشت بنصر دلیل بر نماز شام و انگشت خنصر دلیل بر نماز
خفتن و صلاح در نمازها بود و اگر بیند که انگشت دست راست ندارد دلیل که فرزند یا برادرش بمیرد و بعضے گویند که فرزند برادرش
را مصیبت رسد کرمانی گوید اگر بیند که انگشتان را بر هم گذاشته دارد دلیل که تنگدست گردد و اگر بیند که انگشتان را با هم جمع کرد
دلیل که کار برادران و فرزندش را بصلاح آورد و اگر بیند که انگشتان را بکردار مشت در هم بسته بود دلیل کند که کارها بروی بسته
گردد و هم بر اهل بیت او جابر مغربی گوید که اگر بیند که انگشت مهین او بریده است دلیل که قوت مالش بود و اگر بیند که انگشت سبحه او
بریده است دلیل که در فریضه نمازها تقصیر کند و اگر بیند که انگشت میان او بریده است دلیل که در شهر وی پادشاهی یا بزرگی بمیرد

واگر بیند که انگشت بعد از میان او بریده است دلیل کند که ویرا در مال زیان افتد و اگر بیند که انگشت کوچک او بریده است دلیل کند که فرزند زادهٔ او بمیرد اسمٰعیل اشعث گوید که انگشتان پای در خواب دیدن دلیل بود در زینت و آرایش و اگر انگشتان پای را درشت و قوی بیند دلیل کند که کار کد خدائی او ساخته گردد و اگر بخلاف این بیند کار وی ناساخته گردد و اگر بیند که انگشت پای او را آفتی رسید چنانکه رفتن نتوانست دلیل کند که ویرا غمی سخت رسد بسبب رفتن مال و اگر انگشتان دست و پای را کسر بیند دلیل کند که کار وی باژگونه شود حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن انگشتان در خواب بر شش وجه بود اول فرزند دویم برادر زادگان سیوم خادمان چهارم یاران پنجم قوت ششم پنج نماز و اگر بیند که انگشتان وی بیفتادی یا بریده شد دلیل کند که از انگشتان که گفتیم او را مفارقت افتد و اگر بیند که انگشت او شکست دلیل کند که یکی از اهل بیت او بمیرد خلف اصفهانی گوید اگر بیند که از انگشت مهین او شیری آمدی یا از انگشت سبابهٔ او خون همی آمد دلیل که آن کس با مادر زن خویش فساد کند و اگر بیند که از انگشت او آواز برآمد دلیل کند که در میان خویشان او گفتگو رود **انگشتری** دانیال علیه السلام گوید که چون بیند نقش و صفت انگشتری دلیل که از خدا و مذهب بد و خیر و نیکی رسد و اگر بیند که انگشتری کسی بوی داد تا چیزی بدان مهر کند دلیل که از آنچه لایق او باشد برخی بیابد یعنی اگر لایق پادشاهی باشد پادشاهی بیابد و اگر توانگر بود مال باید بقدر و بقیمت انگشتری و اگر بیند در مسجدی یا در نماز یا در غزا کسی انگشتری بوی داد اگر آن کس زاهد و عابد بود و اگر بازرگان بود نصیب او نفع تجارت بود و جمله همین قیاس بود و اگر بیند که انگشتری سلطان بوی داد دلیل کند که از مملکت سلطان بوی دهد یا دلیل که از مملکت سلطان بدی بدو رسد یا نجومیان وی ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که انگشتری او ضایع شد یا دزد برد دلیل بود که در کارهای او آفت و دشواری پدید آید و اگر بیند که انگشتری او شکست و نگین او بماند دلیل که بزرگی و جاه او به شود و آبرو و هیبتش برجای بود و اگر بیند که انگشتر نگین او شکست دلیل کند که آبرو و هیبتش بشود و جاه او برجا ماند و اگر بیند که انگشتری خود را بکسی بخشید دلیل که از آن چیز دارد از مال و ملک برخی از آن به بخشد و اگر بیند که انگشتری خویش را بفروخت و بها بستد دلیل کند که از آنچه دارد جمله بفروشد و نبرینه کند و اگر بها نستد آنچه دارد برخی از آن بفروشد کرمانی گوید اگر بیند که صناعت انگشتری او ناپسندیده است دلیل کند که از مالی که دارد چیزی بشود و پادشاه بروی خشم گیرد و اگر بیند که انگشتری او از سیم بود دلیل کند که آنچه دارد پسندیده و حلال بود و اگر انگشتری از زر بیند دلیل که آنچه دارد از مال مکروه و حرام حاصل کند و اگر انگشتری از آهن بیند آنچه دارد اندک و حقیر بود و اگر بیند که انگشتری از هفت جوش یا از سپیدروی بود دلیل بود بر آنچه در آهن گفتیم اگر بیند که انگشتری او از زیور بود بتر بود و حقیرتر از آن جمله بود که گفتیم جابر مغربی گوید اگر بیند که در انگشت وی انگشتری آهن بود دلیل کند که قوت و توانائی یابد و اگر بیند که از برنج یا از مس بود دلیل کند از مردمان بی اصل منفعت یابد و اگر بیند که بلور است دلیل کند که از مردم عامه چیزی بدو رسد و اگر بیند که از سیم است از جای چیزی بدو رسد و اگر بیند که انگشتری خویش نزد کسی بامانت نهاد یا وی را بخشید و آنکس هم انگشتر بدو رد کرد دلیل کند که زنی بنکاح بخواهد و اجابتش نکند و زن بدو ندهند و اگر بیند که انگشتری خویش را شکست دلیل کند که

درمیان او وعیالش جدائی افتد و اگر بیند که انگشتری او دونگین داشت یا کسی بدو داد که آن هر دو نگین موافق یکدگر اند دلیل که خداوند انگشتر غلام زاده بود و اگر بیند که از ان دو نگین یکی بفتاد دلیل کند که از دو گناه یکی را توبه کند و اگر بیند که نام نوشته بود و انگشتر خویش مهر کرد دلیل کند که چیزی پنهان بدو رسد و اگر بیند که نامه گشاده را مهر کرد دلیل کند که چیزی آشکارا بدو رسد حضرت صادق علیه السلام فرماید که انگشتری سیمین در خواب بر چهار وجه بود اول مملکت دویم زن سیوم فرزند چهارم مال و انگشتری زرین نیک بود و اگر زنی بیند که انگشتری با نگین از او ضایع شد دلیل کند که حشمت و جاه او بشود یا فرزندش بمیرد یا مالش تلف گردد و اگر والی بود معزول گردد و اگر زن بیند شوهرش بمیرد یا فرزندش انگور دانیال ع گوید که خوردن انگور سیاه بوقت خود غم و اندوه بود و بیوقت ترس و بیم بود و معبران گفته اند بعدد هر دانهٔ انگور که خورده بود زخم چوب یا تازیانه بر او زنند و خوردن انگور سفید بوقت خود نعمت و خیر دنیا بود بیش از آنکه امید دارد و بغیر وقت دلیل کند که از دهان خداوند خواب سخن چیزی بیرون آید و دلیلش بر صرف مال بود و اگر انگور سرخ بیند همین دلیل کند ابن سیرین گوید که انگور سفید بوقت خود خوردن دلیل بر مالی کند که بدشواری بدست آید و انگور سرخ بوقت خود خوردن دلیل بر منفعت اندک بود و هر انگوریکه پوست او سخت بود دلیل که مالی بدشواری بدست آید و هر انگوری که پوست او روشن بود دلیل بر مال حلال کند و هر انگوری که آب او تیره بود دلیل بر مال حرام بود و هر انگوریکه بدیدار سرخ نماید دلیل بر عز و جاه کند و هر انگوری که بدیدار سیاه نماید دلیل بر غم و اندوه کند و هر انگوری که شیرین تر و پاکیزه تر بود دلیل بر مال و جاه نماید و عزوی بیشتر گردد جابر گوید اگر کسی بیند که انگور بر معصر چوبین همی فشرد دلیل که خدمت پادشاه ستمگر کند و اگر بیند که آن معصر از خشت و گل بود دلیل که خدمت پادشاه بادیانت کند و اگر معصر از خشت پخته یا از گچ و سنگ و آهک بود دلیل که خدمت پادشاه با سیاست و هیبت کند و اگر بیند که انگور در طشت همی فشرد دلیل که خدمت زنی بزرگ کند و اگر بیند که انگور در کاسه همی فشرد دلیل که خدمت شخصی خسیس کند و اگر بیند که انگور همی فشرد و شیره آن در خمها همی جمع کرد دلیل که از جهت خود مال بسیار بسبب پادشاه حاصل کند و اگر بیند که انگور در معصره با اهل و عیال می فشرد دلیل که او را و عیال او را در خدمت پادشاه منفعت رسد و اگر بیند که خواب در ضرر خدمت پادشاه نباشد دلیل که کاری از سبب مردی حاصل کند و گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که انگور سیاه و سفید بوقت خود و بیوقت بر سه وجه بود اول فرزند نیک دویم علم فرایض سیوم مال حلال و فشردن انگور در خواب هم آنحضرت گوید که بر سه وجه بود اول مال با خیر و برکت دویم فراخی نعمت سیوم از قحط امان یافتن قوله تعالی عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ **افتادن** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که بروی در افتاد دلیل تشویش او بود خاصه در جنگ و خصومت و اگر بیند که از جایگاهی بزیر افتاد چنانکه از کوهی یا از بامی یا از دیواری دلیل کند که آرزوئی در وی بود تمام بسر نشود و مرادش حاصل نگردد کرمانی گوید اگر کسی بیند که از جایگاهی بزیر افتاد دلیل بود که امیدی دارد بر نیاید و ناامید گردد و اگر بیند که از کوه بزیر افتاد دلیل که حالش بدگردد و بقدر افتادن بر تن او رنج رسد و اگر بیند که زخمی سخت بوی رسید و خون ازان عضو روان شد دلیل که بقدر آن زخم زیانی رسد و اگر بیند که پایش بلغزید و بیفتاد دلیل کند که

رنجی والمی بدو رسد واگر بیند که بنقیاد و رنجی بدو نرسید دلیل کند که سهل و آسان بود و اگر بیند که از آستانهٔ خانهٔ او مار و کژدم و گزندگان بنقیاد دلیل کند که او را از پادشاه یا از کسی بزرگ غم و اندوه رسد و اگر بیند که بام خانه یا دیوار بر او افتاد دلیل کند که مال بسیار بدو رسد از آنجا که امید ندارد و بدان سبب خرم و شاد ان گردد و کارش گشاده شود و الله اعلم بالصواب

حرف الباء من کتاب کامل التعبیر

بادام ابن سیرین گوید که بادام در خواب دیدن نعمت و روزی بود لیکن بخصومت بدست آید اگر بیند که بادام فراگرفت دلیل بود که بقدر آن ویرا نعمت و روزی بود و دشوار بدست آید و معبران گویند که تاویل بادام در خواب علم بود و شفا از رنج و چون مغز او بیند بهتر بود و گرمانی گوید اگر بیند که بادام با پوست داشت یا کسی بوی داد دلیل کرد از مرد بخیل چیزی یابد بسختی اگر بیند که از مغز بادام تلخ روغن بیرون آورد دلیل کند که از مردی بخیل ویرا بقدر آن روغن منفعت رسد جابر مغربی گوید که دیدن بادام در خواب مال و نعمت بود اما اگر بادام با پوست بیند دلیل کند که از مال قدری برنج و سختی بدست آورد و چون بادام بی پوست بیند دلیل کند که مال بآسانی بدست آورد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بادام در خواب بر دو وجه بود اول مال نهانی حاصل گردد دویم از بیماری شفا یابد بدانکه **پادشاه** ابن سیرین گوید که دوازده چیز است که بیننده خواب را دلیل بر پادشاهی بود اول آنکه بیند که پیغمبر علیه السلام او را امام کرد دویم آنکه بیند که علم شریعت و رزد سیوم آنکه گوش پیغمبر پیش خود بیند یعنی منتظر اقامت و نماز بود چهارم آنکه بر منبر او علیه السلام خطبه کرد پنجم آنکه جامهٔ رسول او پوشد ششم آنکه انگشتری بیند که در انگشت دارد هفتم آنکه بیند که او آفتاب یا ماهتاب گردید هشتم آنکه بیند که تن او رودخانه شده است نهم آنکه بیند که چشم او دیوار شهر گشته است دهم آنکه بیند که چشم او محراب مسجد جامع شده است یازدهم آنکه پادشاه مرده او را انگشتری دهد دوازدهم آنکه بیند که چشم او مانند گاوی شده است این دوازده چیز در خواب دیدن دلیل بود بر یافتن سلطنت و پادشاهی دانیال گوید اگر بیند که پادشاه او را جامه داد و کلاه داد دلیل کرد بر مردمان خویش رئیس و والی گردد و اگر بیند که بر سر پادشاه کلاه بود پاکیزه دلیل بود بر شرف و اقبال و صلاح کار و درازی عمر او و اگر بیند که بر سر پادشاه کلاه چرکن و دریده بود دلیل کند بر بدی حال پادشاه و اگر بیند که بر سر پادشاه دستاری بود چنانکه در روزگار رسول صلی الله علیه و آله و صحابه و سلم بر سر صحابه بود دلیل بود که پادشاه عدل و انصافی رسد و اگر بیند که پادشاه را باد بگرفت و بفرمان او شد دلیل که مملکت جهان بگیرد و بر آن قرار گیرد و اگر بیند که پادشاه گردید دلیل کند که بیننده خواب تو انگر گردد و اگر بیند که پادشاه در کوچه یا در سرای او در آمد چنانکه در آمدن او بزاری و انکار بود دلیل کند که اهل آن موضع را غم و اندوه رسد از سبب پادشاه قوله تعالی إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً و اگر بیند که در آمدن او آنجا چیزی منکر نبود دلیل بود که بهیچ مضرت و زیان باهل آن موضع نرسد گرمانی گوید اگر بیند که پادشاه بمرد و دفنش نکردند و بردی زگرستند و کفن بساختند و جنازهٔ او بزمین داشتند دلیل کند که بعضی از سرای او خراب گردد و باشد که متفکر دل و رنجور گردد و اگر پادشاه بخواب بیند که کعبه سرای او بود یا سرای او کعبه بود دلیل بود که هرگز مملکت او را زوال نباشد و از دشمن

ایمن بود و اگر بیند کہ بکسے سلام میکرد و یا کسے سلام بدو کرد دلیل ایمنی بود از غم و اندوہ و خلود مراد چنانکہ حق تعالی فرمود سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ و اگر پادشاہ بیند کہ رسن در دست داشت یا دست در رسن زدہ بود دلیل بود کہ براہ راست رود بر جادۂ عدل و انصاف اقامت نماید قولہ تعالی وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّٰهِ جَمِيعًا جابر مغربی گوید اگر بیند کہ در نزد پادشاہ بزرگ بودی دلیل بود کہ از پادشاہ بہرہ و نصیب یابد و اگر پادشاہ را در لباسی نیکو بیند در سرائی یا در کوچہ کہ منسوب باو بود دلیل کند بر زیادتی و بزرگی پادشاہ و ولایت و عزت و جاہ وی و خدم و حشم و مال و خزاین او و اگر بیند کہ پادشاہ را نقصانی بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید اگر بیند کہ پادشاہ بروی خفتہ بود دلیل کہ پادشاہی بروی نماند و اگر پادشاہ بیند کہ بزمین فرو شد دلیل کہ از مردی پادشاہ او را حرمت و منزلت بیفزاید حضرت صادق علیہ السلام فرماید اگر کسے پادشاہ را کشادہ روئی و خرم بیند دلیل بود کہ کار او کشادہ گردد و اگر کسے وزیر پادشاہ را بخواب بیند دلیل کند کہ کاری کند کہ زود بصلاح باز آید و اگر حاجب پادشاہ بیند دلیل کہ از شغلہا فرو ماند و بعاقبت بمراد برسد و اگر ندیم پادشاہ را بیند دلیل کہ او را از کسے ملامت رسد و اگر ملازمان پادشاہ را بیند دلیل کہ شغل و عمل او بصلاح آید و اگر اعوان و ندیمان پادشاہ را بیند دلیل کہ کار او کشادہ گردد و اگر وکیل پادشاہ را بیند دلیل کند کہ کسے او را ملامت کند و چیزی کہ از دست او رفتہ بود بدست او باز آید و اگر چاکران وکیل را بیند دلیل کند کہ کسے او را ملامت کند کہ از شغل دون عاجز گردد و اگر پردہ راز پادشاہ را بیند دلیل بود کہ کار بستۂ او کشادہ گردد و اگر متعنۂ زن پادشاہ را بیند دلیل کہ کسے او را وعدہ دہد بدروغ و اگر زندانیان پادشاہ را بیند دلیل بود کہ غمگین و مستمند گردد و اگر جلاد پادشاہ را بیند دلیل کند کہ مراد او زود حاصل گردد و اگر وزیر پادشاہ را بیند دلیل کند کہ آنچہ میجوید یابد و اگر سلاح پادشاہ را بیند دلیل کند کہ از زنی منفعت یابد و اگر رکاب دار پادشاہ را بیند دلیل کند کہ سخنی دروغ و بیحاصل شنود و اگر غاشیہ دار پادشاہ را بیند دلیل کہ او را غم و اندوہ رسد و اگر جامہ دار پادشاہ را بیند دلیل کہ کار او نیکو گردد و اگر دوات دار پادشاہ را بیند دلیل کہ او را از زنان چیزی حاصل گردد و اگر خانسالار پادشاہ را بیند دلیل کہ خرم گردد و مال حاصل کند ہمچنین اشعث گوید اگر بیند کہ پادشاہ بشہری در آمد و بر پادشاہ آن شہر غلبہ کرد دلیل کند کہ کار آن شہر نقصان و آفت پذیر بود و اگر بیند کہ پادشاہ در شہر او یعنی خانۂ او بخفت دلیل کند کہ پادشاہ را بدان حاجت افتد و شغل و عملش فرماید پاتیلہ ابن سیرین گوید کہ پاتیلہ در خواب دیدن کدبانوئی خانہ بود و اگر بیند کہ پاتیلہ نو بخرید یا کسی بدو داد دلیل کند کہ کدبانوئی خانہ را آفت رسد کرمانی گوید اگر بیند کہ در پاتیلہ چیزی بود از خوردنی دلیل بود کہ او را از کدبانوی خانہ خیر و منفعت رسد و اگر بیند کہ در پاتیلہ چیزی ناخوش بود از طعامہا دلیل بود کہ او را از کدبانوی خانہ ضرر رسد ابن سیرین گوید کہ دیدن پاتیلہ در خواب چیزی زیادہ نبود و ابن سیرین گوید اگر کسے بیند کہ باد سخت ہمی جست دلیل بود کہ مردم آن دیار را بیم و ترس بود و اگر بیند کہ باد چنان سخت بود کہ درختان را ہمی کند و خرابی ہمیکرد دلیل کند کہ اہل آن دیار را بلا و مصیبت از علت طاعون و سرخہ و مانند این بر سد کرمانی گوید کہ باد سموم در خواب دلیل بر بیماریہای سرد کند و باد معتدل سرد دیدن در خواب دلیل بیماریہای شوریدہ بود در آن دیار و باد معتدل دیدن دلیل بر تندرستی بود از مردم

آن دیار و موجب نیکوئی و کسب آن دیار کند و اگر بیند که باد او را از جای بجائی میبرد دلیل کند که سفری دور کند و در آن سفر جاه و بزرگی یابد بقدر آنکه او را باد بزمین برده باشد و اگر بیند که باد باگرد و تاریکی بود دلیل کند بر ترس و بیم و اندیشهٔ آن قوم جابر مغربی گوید اگر بیند که او را بادی سخت بسوی آسمانها برد دلیل که اجل او نزدیک بود و اگر بیند که او را باد از آسمان بزمین آورد دلیل بود که بیمار گردد و عاقبت شفا یابد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن باد در خواب بر نه وجه بود اول بشارت دویم فرمان روائی سیوم مال چهارم مرگ پنجم عذاب ششم کشتن هفتم بیماری هشتم شفا نهم راحت و اگر بیند که بر باد نشسته بود دلیل بود که بزرگی و فرمان روائی یابد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که باد مغرب نرم جست دلیل که مردم آن دیار را مال و نعمت زیاده گردد و اگر بیند که باد شمال نرم همی جست دلیل کند بر شفا و راحت آن دیار و اگر بخلاف این بود دلیل خیر نباشد و اگر بیند که آواز باد همی شنید دلیل که خبر پادشاه بزرگ در آن دیار گسترده گردد و اگر بیند که باد مردم آن دیار را برگرفت و بر هوا برد دلیل بود که آن مردمان شرف و بزرگی یابند **بادرهاکردن** ابن سیرین گوید که اگر کسی بیند که در میان مجمع مردمان باد رها کرد چنانکه مردمان آواز آن را شنیدند دلیل که سخنی زشت گوید که مردم بر وی افسوس کنند و بسبب آن در میان مردمان رسوا گردد و اگر بیند که باد نرم رها کرد و آواز آن را نشنیدند تا ویلش بخلاف این بود و اگر این خواب مردی بیند و ببیند دلیل که او را خرمی رسد کرمانی گوید اگر بیند که بادی رها کرد و آواز بلندی و بوی ناخوشی داشت دلیل کند که کاری کند که مردم بر او تشنیع کنند و او را ملامت کنند و بدی او گویند و اگر بیند که آواز داشت و بوی ناخوش نداشت دلیل کند که آن کاری بیفائده جدا گردد و خیرش در آن بود و اگر بیند که بر قصد باد رها کرد و مردمان بر او بخندیدند و او شرم میداشت دلیل بود که از کاری بی شغل معیشت او ساخته گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که باد رها کردن در خواب بر چهار وجه بود اول سخنی زشت دویم تشنیع سیوم کاری بملامت چهارم رسوائی اگر بیند که باد را قصداً رها کرد دلیل بود که آن کس بد دین و بد مذهب بود **بادروک** نوعی است از رها ابن سیرین گوید اگر بیند که بادروک همی خورد دلیل بود که حاجت او روا گردد و مراد بیابد زیرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله و اصحابه وسلم فرمود الحدیث مَا أَطْيَبَكَ وَمَا أَطْيَبَ رِيحَكَ یعنی بوی خوش و چه خوش بوی تو حضرت صادق علیه السلام فرماید که خوردن بادروک در خواب سه وجه بود اول حاجت روائی دویم کام یافتن سیوم دیدار غایب دیدن **بادرلیه** بدانکه بادرلیه مهره دوک بود کرمانی گوید اگر بیند زنی که بادرلیه بیافت یا کسی بدو داد دلیل بود که او را خادمهٔ یا کنیزکی حاصل گردد و اگر بیند زنی بادرلیه از دوک او بیفتاد دلیل که مهر او از شوهر بریده گردد **بادنجان** ابن سیرین گوید که بادنجان خوردن در خواب اگر بوقت بود و اگر بیوقت و اگر پخته بود و اگر خام دلیل بر غم و اندوه بود بقدر آنکه خورده بود و دلیل تر و خشک او یکسان بود کرمانی گوید اگر بیند که بادنجان بسیار داشت لیکن جمله را بخشید یا بفروخت یا از منزل خود بیرون انداخت و از آن نخورد دلیل بود که از غم و اندوه رسته گردد **بارکشیدن** ابن سیرین گوید اگر بیند که بر پشت بار سبک داشت دلیل که بقدر

وجنس آن بار ویرا منفعت رسد واگر بیند که بر پشت بارگران داشت دلیل که گناه و معاصی بسیار کند قوله تعالی لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ کرمانی گوید اگر بیند که بار بسیار داشت و دانست که از ملک اوست دلیل بقدر جنس بار ویرا منفعت رسد یا مضرت و بدی واگر بیند آن بار ملک آن نبود خیر و شر آن نجد او ندر خواب بازگردد باران دانیال گوید که باران در خواب رحمت و برکت بود از خدای تعالی بر بندگان چون باران عام بود و بهمه جا برسد قوله تعالی وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وخواب دیدن باران بوقت خویش نیکوتر بود بوقتیکه مردمان باران خواهند بهتر باشد اما اگر آن باران خاص بود چنانکه بسر آن کوچه آن باران سخت میبارید و جز آنجا جای دیگر نبارید این چنین دلیل کند بر بخ و بیماری بر اهل آن موضع و سختی که بایشان رسد و اگر بیند که باران آهسته میبارید دلیل کند بر خیر و منفعت اهل آن موضع و اگر بیند که اول سال یا اول ماه باران بارید دلیل کند که در آن سال یا در آن ماه فراخی و نعمت زیاده پیدا گردد و اگر بیند که باران تیره و سخت بود که میبارید دلیل کند بر بیماری که در آن هلاک گردد ابن سیرین گوید اگر بدید که باران سخت ز بوقت خویش میبارید دلیل بود که در آن ایام از لشکر بخ و بلا رسد و اگر بیند که با آب باران مسح میکرد دلیل کند که از ترس و بیم ایمن گردد و اگر بیند که باران بر سر وی می بارید دلیل بود که بسفر رود و با سود و منفعت باز آید و اگر بیند که باران بر سر مردمان چون طوفان میبارید دلیل بود که در آن دیار مرگ مفاجات لعوذ بالله پدید آید و اگر بیند که از هر قطرهٔ باران آواز همی آمد دلیل کند آواز عزت جاه او زیاده گردد و اگر بیند که با آب باران مسح همیکرد دلیل بود که از ترس و بیم ایمن گردد و اگر بیند که باران عظیم می بارید چنانکه جویها از ان روان بود و زیانی بدو نرسید دلیل که پادشاه بقصب کند و شروی از خود باز دارد و اگر بیند که از ان جویها نتوانست گذشت دلیل که شر پادشاه از خود دفع سازد و اگر بیند که آب از هوا همی آمد بکردار باران دلیل کند که عذاب حق تعالی و بیماری در آن موضع پدید آید کرمانی گوید اگر بیند که بجای باران انگبین همی بارید دلیل که نعمت و غنیمت در آن دیار بسیار باشد و هر چیز که بیند از آسمان میبارد تا دلیش از جنس آن چیز بود و اگر بیند که آب باران همی خورد و آب آن صافی و روشن بود دلیل کند که بقدر آن خیر و راحت بدو رسد و اگر بیند که آب باران تیره و ناخوش بود دلیل که بر قدر آن بخ و بیماری کشد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن باران در خواب بر دوازده وجه بود اول رحمت دویم برکت سیوم فریاد خواستن چهارم بخ و بیماری پنجم بلا ششم کارزار هفتم خون ریختن هشتم فتنه نهم قحط دهم امان یافتن یازدهم کفر دوازدهم دروغ **بارانی** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر تن او بارانی بود او در خدمت پادشاهی بود دلیل بود که نام نیک و مدح و ثنای او در پیش مردمان فاش گردد و اگر بارانی از جهت جامه بر و بود دلیل است که او را فایدهٔ دین و دنیا حاصل گردد کرمانی گوید اگر بیند که بارانی او از پشم بود یا از کتان یا از پنبه و بگونه سبز بود دلیل بر نیکوئی بود اما بارانی زرد دلیل بر بخ و بیماری بود و اگر بارانی کبود بود دلیل بر گناه و معصیت بود و اگر بارانی را سفید بیند دلیل بود بر خیر و منفعت که از جائی بدو رسد **باروئی** ابن سیرین گوید که باروی شهر و قلعه دده دلیل بر پادشاه کند یا بر والی و معبران گویند که باروی شهر دلیل بر پادشاه بود و باروی ده دلیل بر خداوند ده کند

اگر بیند که باروی شهر قوی و بلند بود دلیل بر قوت و نیکی حال پادشاه و اگر بیند که باروی شهر بیفتاد و خراب شد اگر جمله بیفتاد دلیل بر هلاک پادشاه کند و اگر برجی از آن بیفتاد دلیل بر هلاک والی بود و اگر بیند که باروی را نو کردند دلیل بود که پادشاه نو در آن شهر مقیم گردد و اگر بعضی از باروی شهر را نو کرده بیند دلیل کند که والی نو در آنجا مقیم گردد کرمانی گوید که باروی شهر آنچه نزدیک دروازهٔ شهر بود تاویلش عیش و ایمنی بود و آنچه در پس زن شهر بود و باشد و هر نیک و بد و زیاده و نقصان که در باروی بیند دلیل بر این پنج گونه بود که ذکر کرده شد **باز** ابن سیرین گوید اگر بیند که بازی بگرفت یا کسی بوی داد و آن باز مطیع او بود یعنی بر دست وی نشست دلیل کند بر بزرگی قدر و افزونی جاه و منزلت او و اگر بیند بازی سفید بر دست او نشست دلیل کند بر زیادتی قدر و منزلت یابد و اگر بیند که باز از دست او بیفتاد و بمرد دلیل بود که از منزلت بدریوشی و بیچارگی افتد کرمانی گوید اگر بیند که بازی سفید بیافت اگر از مردمان پادشاه بود دلیل کند که از پادشاه ولایت و حرمت یابد و اگر از رعیت بود مال بسیار حاصل کند و اگر بیند که بازی کسی بوی بخشید دلیل کند که او را فرزندی آید صاحب جمال حسن و جاه و اگر بیند که بازی بر بام او نشست دلیل کند که او را با پادشاه نو صحبت افتد و از او خیر و منفعت یابد و اگر بیند که باز بگریخت و در خانه شد یا در دامن زنی پنهان گردید دلیل کند که آن زن را پسری خوبروی پدید آید و اگر بیند که بر پای آن باز زنگله زرین یا سیمین بود دلیل کند که آن زن را دختری آید چابر مغربی گوید اگر کسی بیند که بازی بیافت و او را بکشت دلیل کند که اگر انبیس از مردم پادشاه بود معزول گردد از عمل و اگر مردم پادشاه نبود او را رنجی و غمی رسد از جهت اهل بیت و اگر بیند که باز از دست او بپرید و باز نیامد و اگر این خواب را پادشاه دیده بود دلیل کند که مملکت از دست او برود و اگر باز بیامد و بر دست او نشست تاویلش آنکه مملکت و قدرت یابد حضرت صادق علیه السلام فرماید که چون بیند که باز مطیع او بود تاویلش پنج وجه بود اول رامش دویم شادی سیوم بشارت چهارم فرمان پنجم یافتن مراد و مال بقدر و قیمت باز از دو هزار درم خاصه چون باز سفید و مطیع او بود و چون مطیع نباشد تاویلش بر چهار وجه بود اول پادشاه ستمگر دویم حاکمی که میل کند بدی سیوم فقیه خاین چهارم فرزند که فرمان پدر و مادر نبرد **بازوی** ابن سیرین گوید که بازوی در خواب برادر بود یا فرزند یا دوست معتمد یا انباز اگر بیند که بازوی قوی بود دلیل بود که دیر از ایشان منفعت و قوت رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل کند که او را هیچ فائده و قوت از ایشان نباشد و اگر بیند که بازوی او افتاد یا اگر کسی بازوی او را ببرید دلیل کند که برادر یا دوست یا انباز او از دنیا رحلت کند یا از وی مفارقت جویند حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بازو در خواب بر شش وجه بود اول برادر دویم فرزند سیوم انباز چهارم دوست پنجم پسر عم ششم همسایه **بازوبند** کرمانی گوید بازوبند زرین اگر بیند که در بازو داشت دلیل کند که از برادران یا از کسی دیگر او را غم و کراهت رسد و اگر بازوبند سیمین داشت دلیل کند که دختر خود را یا دختر خواهر خود را شوهر دهد و اگر این خواب زنی بیند دلیل که او را مال و نعمت و آرایش بود و اگر بیند که بازوبند سیمین یا آهنین داشت دلیل بود که او را از برادر قوت و یاری بود و اگر بیند که بازوبند شکست

یا ضایع شد تاویلش بخلاف این بود **پاس داشتن** ابن سیرین گوید که پاس داشتن در خواب بر دو وجه بود اگر بیند که پاس اهل صلاح داشت دلیل بود بر خیر و منفعت دو جهانی و اگر بیند که در سرای پادشاه پاسبانی میکرد دلیل کند که از پادشاه خیر و منفعت یابد و اگر بازرگانی این خواب را بیند در تجارت سود بسیار کند و اگر بیند که پاس اهل صلاح و ورع میداشت دلیل کند که ایشان خیر و منفعت دنیا بیند و پاسبان در خواب دیدن خداوند قدر و منزلت ولایت بود و تیمار کارها دارد و مردم در اهتمام او باشند **پاشنهٔ پای** ابن سیرین گوید پاشنهٔ پای در خواب دلیل بر نظام کار و کسب مردم کند و اگر بیند که پاشنهٔ پای او بشکست دلیل بود که بکاری مشغول گردد و کاری که از آن پشیمانی حاصل گردد و اگر بیند که پاشنهٔ پای او بشگافت یا مجروح شد همین تاویل دارد اما ندامتش از آن کمتر باشد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که پاشنهٔ پای خود میبرید و بخورد و بسباع و درنده میداد دلیل کند که آنچه بکسب حاصل کرده بود بخورد و ببدشمنان دهد و اگر بیند که پاشنهٔ پای او بیفتاد دلیل کند که او را کار و کسب نباشد و درویش و بیچاره گردد **باغ دیدن** دانیال گوید که دیدن باغ بخواب زن بود و اگر بیند که باغ را آب همیداد دلیل که بازن خویش مجامعت کند و اگر بیند که باغ را آب میداد و تر نمیشد دلیل کند که زن او از شوهر مجامعت طلبد و اگر بیند که در باغ گل و ریحان میکشت دلیل کند که فرزند صالح بیاورد و اگر بیند که در باغ شقتالو میکشت دلیل کند که او را فرزندی آید که زود علم و ادب بیاموزد و اگر بیند که در باغ او ریحان دسته بود و بالا کشیده و بوئی او بد باغ میرفت دلیل بود که او را فرزندی بود دلیر دانا و خردمند و بوی ریحان دلیل بر هر فرزند کند و اگر باغ خود را سبز و آبادان و آب روان و کوشک بیند و از میوهٔ درختان میخورد و از میوها داشت و بازن خود در تماشا بود دلیل که ایشان از اهل بهشت باشند و اگر بیند که در باغ آبادان بود و از میوهٔ درختان میخورد دلیل بود که زنی تو انگر بخواهد و از او مال و نعمت یابد و اگر بیند که در فصل خزان در باغی مجهول شد و از درختان برگها میریخت دلیل کند که غم و اندوه بدو رسد و اگر بیند که در باغ گوشکها بود و سبزه ها و آب روان و درختان و زنی صاحب جمال او را بخواند دلیل بود که بهشت و حور العین در آخرت بیابد و دلیل کند که درجهٔ شهیدان حاصل کند و اگر بیند که باغی داشت یا کسی بدو داد و میوهٔ آن باغ می خورد دلیل کند که زنی مالدار بخواهد و مال او را بخورد و اگر بیند که در باغ بود و میوها از درخت بلند بروی همی افتاد دلیل بود که بامردی شریف او را خصومت افتد و بروی غالب گردد و اگر بیند که در باغ بر سر درخت خفته بود دلیل بود که نسل و فرزندان او بسیار باشند کرمانی گوید که باغ در خواب مردی بود بزرگوار با مال و جمال و اگر بیند که در وقت بهار یا تابستان باغ خرم کشته بود و درو میوها رسته بود و گل و ریاحین شگفته و آب روان و او در میان باغ نشسته دلیل بود که مرگ او بر شهادت بود زیرا که جمله صفات بهشت است و اگر در تابستان باغی بیند معروف یا مجهول و میوهای آن شیرین بود و برگهای درختان ریخته بود دلیل که او را با پادشاه صحبت افتد در حالیکه پادشاه از خدم و حشم باز مانده باشد و اگر بیند که باغی در تابستان سبز و پر میوه و آب رود بیاید و باغ را از اصل برکند و خراب کرد دلیل که پادشاه آن دیار را بیم هلاک بود یا بسبب سلطانی

بزرگ از پادشاهی معزول گردد واگر بیند که آتشی بیامد و درختان آن باغ را بسوخت دلیل که پادشاه را مرگ مفاجات
رسد واگر در خواب بدید که در باغ اشتران بودند دلیل بود که پادشاه آن ملک بر دشمنان ظفر یابد واگر در باغ گوسفندان
دید دلیل که از پادشاه مال و نعمت حاصل کند و هیبت عظیم پادشاه را بود واگر در آن باغ پرندگان بیند دلیل کز لشکر
پادشاه بر عهد و وفا باشد اما بر ایشان اعتماد نه بود واگر بیند که از آن باغ میوه جمع میکرد و بخانه میبرد دلیل بود که بقدر
آن وی را خیر و منفعت رسد واگر بیند که در باغ همیه جمع میکرد دلیل منفعت بود از پادشاه لیکن بسختی و رنج بیابد جابر مغربی
گوید که اصل باغ در خواب شغل مردم بود بقدر همت واگر در باغ سبزه بیند دلیل بود که کارش نیکو گردد و شغل وی آراسته
شود واگر باغ از سبزه و میوه خالی بیند دلیل کند که کار او نیکو گردد واگر باغ را خرم و آراسته دید کسی او را گفت کاین باغ
از آن فلان است و او میوه از آن باغ میخورد دلیل که بقدر آن از خداوند باغ منفعت یابد و اگر در وقت بهار یا تابستان
باغی خراب دید چنانکه در وی هیچ سبزه و درختان ندید دلیل بود که پادشاه بر رعیت جور و ستم کند و اگر بیند که بدست خود باغی
نو ساخت و درخت نشاند و میوه بر آمد دلیل بود که زنی تو انگر بزنی خواهد و مال و نعمت و فرزندان حاصل گردد و اگر در آن
باغ بوقت خویش انگور دید دلیل بود که مال و منزلت یابد بقدر همت خویش **حکایت** آورده اند که مردی پیش
سلیمان علیه السلام آمد و گفت ای پیغمبر خدا بخواب دیدم باغی آراسته و در وی میوهای بسیار بود و در ان باغ دیدم
که خوکی بزرگ نشسته بود مرا گفتند که این باغ ملک آن خوک است من از ان حال متحیر گردیدم و در باغ خوکان بسیار دیدم
که میوه میخوردند و گفتند که این خوکان میوه بفرمان این خوک میخورند سلیمان گفت این خوک بزرگ پادشاه ظالم و ستمگر است
و خوکان دیگر دانشمندان حرام خواره که مطیع و فرمان بر پادشاه ظالم اند و دین را بدنیا فروشند و از عذاب حق تعالی
نترسند حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن باغ در خواب بر هفت وجه بود اول زن خوب دویم زن فرزند نیک
سیوم عیش خوش چهارم مال پنجم بلندی ششم شادی هفتم کنیزک و باغ در خواب دیدن قیم زن بود و اگر کسی بیند که
باغبانی میکرد دلیل کند که زنی تو انگر کند و بشغل او مشغول شود و با ایشان سازگاری کند و بعضی از معبران گویند که
دیدن باغ بر سه وجه بود اول کد خدائی سرای دویم قیم زن سیوم فرزند قرة العین **بافتن جامها** ابن سیرین گوید که
بافتن جامها در خواب سفر بود و بافنده مسافر بود و اگر بیند که جامه یا چیزی میبافت دلیل بود که بسفر رود آورده اند که بافتن
جامها در خواب خصومت بود و اگر بیند که جامهٔ بافته ببرید دلیل بود که آنکار با خصومتها برطرف شود و بریدن آن هم از سبب
سفر بود و اگر رسن یا ریسمان را تاب میداد دلیل کند که بسفر شود گر نانی گوید اگر بیند که بجای ابریشم ریسمان یا کتان میبافت
دلیل بود که بد بود زیرا که نشان خیانت بود و اگر بیند که جامه را تمام بیافت و ببرید دلیل بود که بسفر شود و کار وی تمام گردد
و اگر بیند که تمام نبافته بود دلیل بود که کار او تمام گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که بافندگی همیکرد دلیل بود که او را با مردم
خصومت افتد و حالش نیکو گردد اما از مردمان او را سرزنش و ملامت رسد **باقلا** ابن سیرین گوید که دیدن باقلا

در خواب بوقت خود خوردن و بیوقت خوردن اگر پخته باشد یا خام دلیل برغم کند و حکم تاویل آن در تر و خشک یکسان است و اگر بیند که نخورد غم و اندوه کمتر بود گرمانی گوید اگر کسی بیند که کسی باقلا بدو داد و نخورد دلیل بود که اندوهگین گردد و باشد که آن کس خصومت کند و معبران گویند اگر بیند که باقلا داشت یا کسی بدو داد یا از خانه بیرون ریخت و از آن هیچ نخورد دلیل که اورا از یان ندارد خاصه چون بوقت خویش دیده بود **بالا رفتن** محمد بن سیرین گوید اگر بیند که بر بالای کوهی نشسته بود یا بر بام یا بر کریوهٔ یا بر کوشک و برمانند اینها و بالا رفتن دلیل کند که آنچه جوید بیابد و حاجتش روا گردد و بعضی از معبران گویند اگر بیند که بدشواری بر بالا همیرفت دلیل که آنچه میجوید برنج و دشواری بیابد و اگر بیند که بر زبان بالائی شد دلیل بود که در دین شرف و منزلت یابد خاصه که زبان او از گل بود و اگر بیند که زبان از گچ و سنگ بود دلیل بود که در دین او خلل باشد گرمانی گوید که از زبان بر بالا رفتن از گچ و سنگ دلیل که شرف و بزرگی یابد درین جهان و اگر بیند که از خشت خام و گل بود دلیل بود که قدر و منزلت یابد در آن جهان و اگر بیند که بر آسمان بالا رفت و باز نیامد دلیل بود که اجل او نزدیک باشد و اگر بیند که بر آسمان شد و باز آمد دلیل بود که سخت بیمار گردد و سرانجام شفا یابد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بر بالا شدن بر پنج وجه بود اول روائی حاجت دویم زن خواستن سیوم قرب و بزرگی چهارم مراد یافتن پنجم بالا رفتن کار **پالان** ابن سیرین گوید که پالان دیدن در خواب زن بود و اگر بیند که پالان داشت یا از کسی بها بخرید دلیل که زن خواهد یا کنیزک خرد و اگر بیند که پالان بر پشت داشت دلیل که مطیع و فرمانبردار زن گردد و وی مستولی گردد و اگر بیند که پالان از وی ضایع شد دلیل بود که زن از وی جدا گردد یا طلاقش دهد جابر مغربی گوید اگر بیند که پالان پاکیزه نو داشت دلیل بود که زن مستور سازگار بخواهد و از خیر و منفعت یابد و اگر بیند که پالان درشت و چرکن داشت دلیل بود که زنی خواهد ستیزه روی و ناسازگار و از وی مضرت بیند **بالش** ابن سیرین گوید که بالش در خواب خادم بود بیننده خواب را اگر بیند که بالشی نو فراگرفت و آن بالش سبز بود یا کسی بوی داد دلیل که او را خادم یا خدمتگاری مصلح پارسا پیدا گردد و اگر بیند که بالش او کهن و چرکن و زرد و سیاه بود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که بالش او بدرید یا بسوخت یا از وی ضایع شد دلیل بود که خدمتگاران وی ضایع گردد و یا بگریزد یا رنج و بلائی بدو رسد و بسبب آن از وی جدا گردد گرمانی گوید اگر بیند که کسی از خانهٔ او بالش بدزدید دلیل بود که کسی از پی زن او میگردد که او را بفریبد یا از پی کنیزک وی و معبران گویند که دیدن بالش در خانه دلیل بود که کسی از ان خانه بمیرد و اگر مردی بیند که بالش بسیار یافت دلیل بود که بقدر آن بالشها او را خادمان و کنیزان حاصل گردد و اگر بیند که آتش در افتاد و بالش او بسوخت دلیل بود که خادمان و کنیزان او بروند یا بگریزند حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بالش در خواب پنج وجه بود اول خادم دویم کنیزک سیوم ریاست چهارم دین نیکو پنجم پرهیزگاری و عدل **بام** اگر بیند که بر بام خانه مهول بود دلیل بود که زنی خواهد بر قدر بلندی بام با قدر و رفعت اگر بیند که بام آن خانه معروف بود دلیل کند که شرف و بزرگی یابد و کارش بر نظام گردد جابر مغربی گوید که اگر بیند که بر بام خانهٔ

پادشاه

پادشاه بود دلیل بود که بزرگی و منزلت یابد و اگر بیند که از بام بیفتاد از جاه و منزلت بیفتد و او را اندوه رسد

بانگ داشتن جانوران محمد بن سیرین گوید که بانگ داشتن جانوران و مردم بخواب دلیل بود بر غم و مصیبت در آن موضع و اگر بیند که او را بانگ میکردند از جائی دور اگر جواب داد دلیل بود که زود بمیرد و اگر بیند که جواب نمیدهد دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که آواز گریستن می آید دلیل بود که شادمان گردد و اگر بیند که او نادمی شنید دلیل بود که چیز ناخوش شنود و اگر بیند که بانگ زاری می شنید دلیل بود که حاجت او روا گردد و بر دشمن ظفر یابد و اگر بانگ دشنام شنود کراهتی بوی رسد و زایل گردد کرمانی گوید اگر بیند که اسپی بانگ میکرد دلیل بود که او را بشارتی رسد و بعضی از معبران گویند که البته مکروهی بوی رسد از بهر آنکه بهایم دروغ نگویند و اگر بیند که خر بانگ میکرد از دشمنی و جاهلی فریاد و شناعت شنود قوله تعالی إِنَّ أَنكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ و اگر بیند که شتر بانگ میکرد دلیل که بحج رود یا به تجارت و دران ویرا سود و منفعت بود و اگر بیند که گوسفندی بانگ میکرد دلیل که از بزرگی ویرا خیر و منفعت رسد و اگر بیند که از بز غاله بانگ شنید دلیل بر خرمی و شادی و نعمت کند و اگر بیند که آهو بانگ میکرد دلیل بود که او را کنیزکی حاصل گردد و اگر بیند که شیر بانگ میکرد دلیل بود که بیم و ترس یابد از پادشاه و اگر بیند که پلنگ بانگ میکرد دلیل بود که او را جنگ و خصومت افتد و اگر بیند که یوز بانگ میکرد دلیل که کسی بروی خشم گیرد و بروی کبر کند و اگر بیند که گرگ بانگ میکرد بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که شغال بانگ میکرد دلیل بر غم و اندیشه کند از سبب زنان و اگر بیند که روباهی بانگ میکرد دلیل بود که مردی دروغ زن باوی مکر و حیله کند و اگر بیند که گربه بانگ میکرد دلیل بود که او را از دزدیم بود و اگر بیند که اشتر مرغ بانگ میکرد دلیل کند که خادم دلیر یابد و اگر بیند که گرگس بانگ میکرد دلیل بود که از خبر مردی بزرگ غمگین گردد و اگر بیند آله بانگ میکرد دلیل که خبر پادشاه شنود و اگر بیند که کبوتر بانگ میکرد دلیل بود که خبر سرسنگان پادشاه شنود و اگر بیند که کلاغ بانگ میکرد دلیل بود که خبر مردی پوشیده شنود و اگر بیند که خروس بانگ میکرد دلیل بود که خبر مردی جوان مرد شنود و اگر بیند که چغل بانگ میکرد دلیل که خبر اندوه و مصیبت شنود و اگر بیند که بوم بانگ میکرد دلیل همین بود و اگر بیند که فاخته بانگ میکرد دلیل که خبر دروغ شنود و اگر بیند که تذرو بانگ میکرد دلیل که خبر زنی باجمال شنود و اگر بیند که طاؤس بانگ میکرد دلیل که خبر پادشاه عجمی شنود و اگر بیند که کلنگ بانگ میکرد دلیل که خبر مردی در ولیش شنود و اگر بیند که لک لک بانگ میکرد دلیل که خبر مردی دهقانی شنود و از ان خرم گردد و اگر بیند که کبک بانگ میکرد دلیل که خبر زنی نیکو شنود و اگر بیند که بانگ کبکان میشنود دلیل کند که خبر زنی مستور شنود و اگر بیند که بانگ کلاغ میشنود دلیل که خبر مردی حرام خواره شنود و اگر بیند که کنجشک بانگ میکرد خبر خوش شنود و اگر بیند که بلبل بهزاردستان بانگ میکرد خبر مطربی یا نوحه گری شنود و اگر بیند که ساز بانگ میکرد دلیل همین بود و اگر بیند که مرغ آبی بانگ میکرد دلیل که غم و اندوه بوی رسد و اگر بیند که لط بانگ میکرد خبر مصیبت کسی شنود از اهل او و اگر بانگ بچگان مرغ شنود ماتم و مصیبت رسد حضرت صادق علیه السلام فرماید

که بانگ همه مرغان در خواب شنیدن نیکو بود مگر مرغی که او را بفال بد آرند که بانگ او اندوه و مصیبت بود و بانگ مار ترس و بیم بود از دشمن اما بانگ زنبور و ملخ دلیل بر ترس و بیم بود و بانگ و زغ دلیل کند که در موضعی فرود آید جای بر مغربی گوید اگر بیند که از آسمان یا از زمین یا از هوا بانگ سهمگین می آید دلیل بر غم و اندوه و مصیبت پادشاه بود و هر چند معبر خیر و شر بود

حکایت آورده اند که مردی پیش ابن سیرین آمد و گفت که بخواب دیدم که دابهٔ جنبنده با من سخن میگفت ابن سیرین گفت که ترا اجل نزدیک آمده است قوله تعالی وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ و چون یک هفته برآمد آن مرد از دنیا رحلت کرد **بانگ نماز** ابن سیرین گوید که هر بنده که مصلح و مومن و مستور چون بیند که در جایگاهی معروف بانگ نماز شنود یا بانگ نماز دهد دلیل کند که حج بیت الله بگذارد قوله تعالی وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا و اگر بانگ نماز در جایگاهی مجهول دهد کردهی و ناپسندیده بدو رسد و اگر این خواب را مردی فاسق بیند دلیل که او را بدزدی بگیرند و اگر بیند بانگ نماز را از مسجد یا از مناره دهد دلیل بود که مرد ما را بخدا مینخواند و اگر بیند که در بستر خفته بانگ نماز میداد دلیل بود که با زن خود الفت دارد و اگر بیند که بانگ نماز در خانه خود میداد دلیل بود که مفلس و درویش گردد و گویند کسی از اهل بیت او هلاک گردد و اگر بیند که بانگ در چاه یا در سرا به میداد دلیل بود که آنکس زندیق یا منافق بود و اگر بیند که بانگ نماز در کوچه میداد دلیل بر جاسوسی کند گر مانی گوید اگر مردی بیند که با زن خود بانگ نماز میداد دلیل بود که از دنیا رحلت کند زود و اگر بیند در کلمهای بانگ نماز زیادت و نقصانی را دلیل بود که بر مردمان ستم و بیداد کند و اگر بیند که کودکی بانگ نماز میداد دلیل بود که پدر و مادر او دروغ گویند و اگر بیند که بانگ نماز در گرمابه میداد دلیل بدحالی او بود در دین و دنیا و اگر بیند که بانگ نماز در قافله یا در لشکرگاه میداد تاویلش بد بود و اگر بیند که مجوسی در زندان بانگ نماز میداد و اقامت کرد از زندان رهائی یابد و اگر بیند که بانگ نماز بلهو و بازی میداد دلیل که هلاک گردد و اگر بیند که بر سر کوهی بانگ نماز میداد دلیل بود که پادشاه سخن راست گوید و او را بخدا یتعالی خواند و اگر بیند که در منارهٔ بانگ نماز میداد دلیل بود که بزرگی و فرمانروائی یابد و اگر بیند که در کنج خانه بانگ نماز داد دلیل که در کار حق خیانت کند و اگر بیند که در سرا به بانگ نماز داد دلیل بود که بسفر زود شود و در آن سفر رنج و بلا کشد و دیر بماند و اگر بیند که در میان کوهی بانگ نماز کرد دلیل بود که در میان قومی ستمگر گرفتار آید و باو خیانت کنند و اگر بیند که بر کسی یا بر تختی نشسته بود یا ایستاده بلهو بانگ نماز میکرد دلیل که عقل از او زایل گردد و اگر بیند که دیگری بانگ نماز کرد و او بشنید دلیل بود که بکار عبادت و طاعت کاهل بود و کسی او را بخدا یتعالی خواند و اگر بیند که بانگ اقامت میشود دلیل بود که در کارهای حق توفیق یابد حضرت صادق علیه السلام فرماید که بانگ نماز در خواب بر دوازده وجه بود اول حج دویم سخن سیوم فرمانروائی چهارم بزرگی پنجم ریاست ششم سفر هفتم مردن هشتم مفلسی نهم خیانت و هم جاسوسی یازدهم منافقی و بددینی دوازدهم بریدن دست **پابند** ابن سیرین گوید که یک پاره پابند

درخواب دیدن سخن خوش ولطیف بود یا بوسه بود که بفرزند وعیال یابد یا بدوستی دهد واگر پابند بسیار بیند لنعمت وروزی حلال بود بقدر آنکه دیده واگر بیند که پیرزنی بخروارها پابند بدو بخشید دلیل بود که مال ونعمت دنیا بیابد وبقدر آن کارش بنظام گیرد واگر بیند که پابند بسیار داشت وجمله را بخشید یا ازوی ضایع شد دلیل است که اگر نعمت دارد جمله را انفاق کند یا ازوی ضایع گردد پای دانیال گوید اگر کسی بیند که یکپای او بریده بود یا شکسته دلیل بود که نیمه مال ازوی ضایع گردد واگر هر دو پای بریده یا شکسته بیند دلیل بود که جمله مالش برود یا خود بمیرد ومعبران گویند که اگر کسی هر دو پای خود را بریده یا شکسته بیند دلیل بود که بسفر شود واگر بیند که پای او آهنین یا مسین بود دلیل که عمرش دراز بود ومالش باقیماند واگر بیند که پایش آبگینه بود دلیل که عمرش زود بسر گردد ومالش نماند زیرا که آبگینه را بقاء وقوت نبود واگر بیند که پایش شل یا مبتلا شده بود دلیل بود بر سستی وضعف حال او یا بخه طلب کند از خیر وشر

ابن سیرین گوید که اگر صالحی بیند که پایش شل شده بود دلیل بود بر زیادتی دین او قوله تعالی ولا علی الاعرج حرج واگر بیند که پایهای او بر سن بسته بود دلیل بود که از کسی منفعتی بوی رسد واگر بیند که پایش بنود وبچوب راه میرفت دلیل بود که اعتماد بر کسی کند واز آن کس وفا نیابد واگر کسی عامل پادشاه بیند که هر دو پای او بریده بود دلیل بود که از عمل معزول گردد ومالش تلف شود واگر بیند که پای او آهنین بود دلیل بود که مالش زیاده گردد واگر بیند که پایش سیمین بود وکفشش زرین همین دلیل کند واگر بیند که پای او دردمند بود دلیل که او را زیانی رسد واگر بیند که پای او ستونی بسته بود این تاویل بهتر بود زیرا که درخت چون مردی بود وستون چون مرده واگر بیند که پای او در دامی گرفتار شده بود یا در جائی فرو رفته بود دلیل بود که در مکر وحیلتی گرفتار گردد بقدر آنکه پای وی در آن سخت شده بود اگر بیند که پای در جایگاهی یا در گوری بلغزید دلیل بود که از کار دین ودنیا باز ماند یا کسی سخنی بد وگوید که ازان رنجور گردد واگر بیند که پای بر ستوری همی جنبانید دلیل بود بر غایت طلب آنکار که میجوید کرمانی گوید که هر دو پای تاویل مادر وپدر باشد وهر ضعفی ونقصانی که در پا بیند همین دلیل بر پدر ومادر کند واگر بیند که پای بسیار داشت دلیل کند بسفر شود واگر درویش بود توانگر گردد ودیدن بیش پای خود دلیل زینت مرد بود وحصول مال وطاعت که کرده بود جابر مغربی گوید که اگر بیند که پای او چون پای شتر یا پای گاو بود دلیل بود که قوت ومالش زیادت گردد واگر بیند که پای او چون پای اسب بود یا پای خر دلیل بود که قوت وجاه او افزون گردد واگر پای خود چون پای درندگان یاددان بیند چیزی حرام حاصل کند واگر پای خود را چون چنگال مرغان بیند دلیل بر قوت وکسب معیشت او بود ودر دشمن ظفر یابد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن پای در خواب بر هفت وجه بود اول عیش دویم عمر سیوم سعی کردن چهارم طلب مال پنجم قوت ششم سفر هفتم زن وپای کوفتن در خواب غم ومصیبت بود

پای اورنجن ابن سیرین گوید که اگر مردی در خواب بیند که پای اورنجن در پای داشت دلیل بود که او را رنج بود واگر بیند که سیمین بود رنج وسختی او کمتر بود کرمانی گوید که پای اورنجن زنا نراشوئی وزنان را نیک بود وپیرایهای زرین زنان را

ملک بود و مرد از احرام و اگر بیند که او رنجن از پای بیرون کرد یا از وی ضایع شد دلیل بود که آن کس از وی رنجور دل گردد +

بند نهادن ابن سیرین گوید که اگر بند بر پای خود نهاده بیند دلیل بود که ترسان و هراسان گردد و اگر بیند که در پای او دو بند نهاده بود و او در مسجد بود دلیل بود که او را در دین ثبات بود یا در نماز یا در غزائی یا در کاریکه در آن صلاح دین بود

کرمانی گوید اگر بیند در خواب بند را که در پای خویش بند بود و او را عزم سفر افتاد دلیل که در آن سفر دیر بماند و در آنجا مقیم گردد و هر چند که بر پای بند قوی تر و محکم تر بیند دلیل که اقامتش در آنجا بیشتر بود اگر بند فراخ بود بهتر باشد از تنگ بود و اگر بیند که بندش از مس بود همین دلیل کند و اگر بندش از آهن بود دلیل بود بر آنچیزها که سخت یاد کرده شد و اگر بیند که بندش از رسن بود مقیم شدن از بهر دین بود و اگر بیند که او چون چوب بود مقیم شدن او از بهر فساد دین بود جابر مغربی گوید اگر بیماری بیند که بر پای او بند بود دلیل بود که از آن زحمت خلاصی یابد و اگر پادشاه بیند که بر پای او بند بود دلیل که پادشاهی بر وی پایدار بود حضرت صادق علیه السلام فرماید دیدن پای بند در خواب بر سه وجه بود اول ثبات در دین دویم زن خواستن سیوم از سفر باز آمدن و علی الجمله هر که در خواب بیند که در پای او بند بود اگر در نیکی بود در نیکی در وی پایدار بود و اگر در بدی بود هم چنین

پای تابه ابن سیرین گوید که پای تابه در خواب چون نهاده بیند مال بود و چون بر پای پیچیده بیند سفر بود و اگر بیند که پای تابه بر پای چنانکه مسافران آهنگ بیابان کرده اند و بادی هیچ رفیق و توشه نبود دلیل بود که زود از دنیا رحلت کند و اگر بیند که پای تابه خویش بفروخت یا بکسی بخشید دلیل بود که مال او ضایع گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که پای تابه در خواب بر سه وجه بود اول مال و خواسته بود دویم سفر سیوم مرگ بود کسیکه بر پای پیچیده و تنها عزم بیابان کرده

پاچه ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که پاچه گوسفند همی خورد دلیل بود که چیزی و نعمتی بدو رسد بقدر آنکه خورده بود و اگر بیند که پاچه گاو همی خورد دلیل بود که در آن سال او را فراخی و نعمت بود بر اندازه خوردن او جابر مغربی گوید که خوردن پاچه در خواب دلیل بود بر خوردن مال یتیمان بقدر آنچه خورده بود خاصه چون بیند که خام میخورد

پابندانی کردن ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند که کسی را پابندانی همیکرد دلیل بود که در کار آن کس مقیم و پایدار بوده از او جدا نه گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که پابندی کردن در خواب بر سه وجه بود اول مقیم شدن آن کس که پابندانی او کرد دویم عنایت کردن باوی سیوم خیر و منفعت بدو رسد و اگر بیند که از پابندان کسی بیرون آمد تا ولیش بخلاف این بود بر ابن سیرین گوید که بر جانوریست درنده و از جمله سباع است و دشمن شیر است و دین وی در خواب دشمن قوی دلیر بود لیکن کریم و مهربان بود و اگر بیند که با ببر در نبرد و جنگ بود و او را قهر کرد دلیل بود که بر دشمن چیره گردد و اگر بیند که ببر وی را قهر کرد دلیل بود که دشمن بر وی ظفر یابد و اگر بیند که ببر از وی ترسان بود و میگریخت از دشمن ایمن گردد کرمانی گوید که پوست استخوان و موی ببر در خواب دیدن مال و منفعت بود که از دشمن بدو رسد بقدر آنچه دیده بود و اگر بیند که ببر نشسته بود و او مطیع بود دلیل بود که دشمن مطیع او گردد

بت ابن سیرین گوید اگر بیند که بت میپرستید دلیل بود که بر خدای تعالی دروغ گوید

دربراه باطل بود واگر بیند که بت از چوب بود که اورا می پرستند دلیل بود که منافق بود در دین واگر بیند که آن بت از سیم بود دلیل بود که از بهر هوای نفس تقرب کند بزنی که باوی میل دارد واگر بیند که آن بت از زر بود دلیل بود که مبلیش بکار مکروه وجمع مال بود واگر بیند که آن بت از آهن بود یا از مس یا از ارزیز دلیل بود که غرضش از دین صلاح دنیا وطلب متاع او بود کرمانی گوید که اگر آن بت از جواهر بیند دلیل که غرضش از دین پادشاهی وخدم وحشم بود واگر بیند که آن بت از جواهر دور شد دلیل بود که غرضش از دین جمع کردن مال حرام بود واگر بیند که بت در خانه بود از عقل ودانش خود فرو ماند ومتحیر گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بت در خواب برسه وجه بود اول دروغ باطل دویم مکار منافق سیوم زن مفسد فریبنده

بخشش کردن ابن سیرین گوید اگر بیند که مال خود را بکار خیر بخشش میکرد دلیل کند که فرزند خود را زن خواهد یا کسی را از خویشان خود بزن دهد ومال خود بر ایشان قسمت کند واگر بیند که مال خویش براه فساد بخشش میکرد دلیل کند که سوئی فساد وحرام گراید واگر بیند که مال خویش بر بیگانگان بخشش میکرد دلیل کند که حالش هم بمرگ او وهم بزندگانی او پراگنده گردد کرمانی گوید اگر بیند که مال کسی را بخشش میکرد برضای خداوند مال دلیل خیر وشر آن بخداوند مال باز گردد

بخور کردن ابن سیرین گوید که بخور کردن بخواب مال بود از مردی بزرگوار واگر بیند که از بوهای خوش چیزی بخور کرد دلیل بود که قدر آن از مردی مال حاصل کند جابر مغربی گوید که بخوری که آن خوشبوئی تر بود بیننده را خیر ومنفعت بیشتر بود واگر بخور خوشبوئی نبود خداوند خواب را تاویلش بخلاف این بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که تاویل بخور کردن بخواب برسه وجه بود اول مال بسیار دویم عیش خوش سیوم نام نیکو پر ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که اورا پرها بود چون پر مرغ دلیل بود که اورا مهتری وبزرگی بود بقدر پرها وبعضی از معبران گویند که پر دیدن بخواب قوت وپناه بود کرمانی گوید اگر بیند که پرها داشت که می پرید دلیل بود که بسفر رود وکارش نیکو بود اگر بیند که باخود پر مرغ داشت دلیل بود که بقدر آن وی را خیر ومنفعت حاصل گردد واگر بیند که پرهای او بیفتاد دلیل بود که از بزرگی وجاه بیفتد ومالش نقصان گردد

پرهیز ابن سیرین گوید که پرهیز دیدن بخواب دلیل بود بر اندیشه وغم وخوردنش دلیل بر مضرت بود

بربط ابن سیرین گوید که بربط بخواب لهو باطل دنیا بود وسخن دروغ ومحال گویند اگر بیند که بربط میزد دلیل بود که سخن دروغ ومحال گوید وکسی را بدروغ مدح وستایش کند اگر بیند که کسی پیش او بربط میزد دلیل که سخن محال وباطل شنود واگر بیند که با بربط چنگ وچغانه میزد ونائی بود این جمله دلیل بر غم ومصیبت کند که با اهل آن موضع رسد اگر بیند که بربط او بشکست یا بیفگند دلیل بود که از دروغ وباطل گفتن توبه کند واگر بیند که بیمار بود وبربط میزد دلیل بر مرگ او بود کرمانی گوید اگر بیند که بربط استوار واستاد وار میزد او بربط زدن نداند اگر بیننده خواب عالم بود دلیل کند که مردمان را علم وبیان نیکو گوید وباشد که این هر سه علم را بداند اول تفسیر دویم فقه سیوم قصص واگر بیند آن کسی که جاهل بود کاری کند که ازان شغل او را از مردم ملامت وسرزنش رسد واگر بیند که آواز بربط می شنید دلیل بود

که خبر زنی بزرگ شنود و با آن زن ویرا دوستی افتد **برجستن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که از جای بجائی می جست دلیل بود که حال او بگردد و اگر بیند که بجای دور می جست دلیل بود که بسفر دور شود و اگر بیند که در وقت جستن عصا در دست داشت دلیل اعتماد ش بر مردی قوی بود کرمانی گوید اگر بیند که از جای بیرون جست دلیل است که از حال بد بحال نیک گردد و اگر بیند که بهر جائیکه میخواست بجست دلیل بود بر قوت و توانائی وی جابر مغربی گوید اگر بیند که از جای پاکیزه بجست دلیل بود که از حال فساد بحال صلاح آید و اگر بخلاف بیند از حال صلاح بافساد آید **بر دار کردن** ابن سیرین گوید که روزی مردی نزد من آمد و گفت که بخواب دیدم که امیر را هر دو دست ببریدند و دیگری را بر دار کردند گفتم که اگر این خواب راست میگوئی امروز امیر شهر را معزول کنند و امیری دیگر را بجای او بنشانند پس همان روز چنان شد و دیگری بجای او بنشست کرمانی گوید که اگر بیند که کسی را بر دار کردند و مردم در وی نظاره میکردند دلیل بود که بر چندین مردمان مهتر گردد و اگر بیند که کسی بنظاره او نبود شرف و بزرگی یابد لیکن در راه دین مدبر و فاسق بود و اگر بیند که گوشت کسی را بر دار کرده بودند میخورد دلیل کند که مال از کسی که مردم مسلط او بخورد خاصه که چون بیند که او را اثری بود و اگر بیند که او را بر دار کرده بودند و خون از وی روان شد دلیل که غیبت مردم کند و گناه بسیار از او بوجود آید حضرت صادق علیه السلام گوید که بر دار کردن در خواب بر چهار وجه بود اول مهتری دویم مال سیوم بزرگواری چهارم غیبت مردم کردن **بُرد** ابن سیرین گوید که بهترین جامها بُرد بود اگر بخواب بیند که بُرد از پنبه بود و بگونه سبز و سفید بود یا جامه نو از بر دپوشیده بود دلیل بود که فراخی نعمت یابد و بقدر آنکه جامه نیک بود آن را خیر و منفعت رسد و اگر بیند که جامه تنگ داشت و بگونه سیاه و کبود بود تا ولیش بخلاف این بود کرمانی گوید که بُرد فروش مردی بود که دین را بدنیا اختیار کرده باشد خاصه چون بر د از پنبه بود و اگر بیند که بر وی ابریشم بود دلیل بود که هم طالب دین بود و هم طالب دنیا **پرده** ابن سیرین گوید که هر که پرده بخواب بیند که بر در آویخته اگر تنگ بود و اگر سطبر غم و اندوه بود و ترس و بیم و در آخر کارها ایمن گردد و اگر بیند که پرده بر در سرای بزرگ یا بر در مسجد یا در میان بازار غم و اندوه بود و ترس عظیم کرمانی گوید اگر بیند که پرده ضایع شد دلیل که خداوند ش از غم و اندوه فرج یابد و از ترس و بیم ایمن گردد و چون پرده بیند و معروف نبود غم و اندوه صعب تر بود و اگر معروف بود آسان تر بود جابر مغربی گوید که پردهٔ نو پادشاه را نیکو بود و رعیت را بد بود و پردهٔ کهن بهر حال نیکو نباشد **پرده داری** محمد بن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که پرده داری میکرد دلیل که جاه و حشمتی که دارد رو اگردد و جاه و عزتش زیاده گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که پرده داری پادشاه مصلح عادل میکرد دلیل کند که وی بصلاح و بخیر گراید و مال حلال یابد و اگر بیند که پرده دار پادشاه مفسد و ظالم میکرد دلیل بفساد مایل گردد و مال حرام یابد **پرستو** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که پرستو داشت یا کسی بوی داد دلیل بود که از کسیکه از او جدا شده بود مونست گیرد و در مقام او قرار گیرد و اگر بیند که پرستو را بگشت یا از دست بیفگند دلیل بود که با کسی که مونست دارد جدائی جوید و دور شود کرمانی گوید که دیدن پرستو در خواب

مردی توانگر باخرد بود واگر بیند که پرستو ماده بیند زنی توانگر باخرد بود واگر بیند که پرستو از وی بپرید دلیل بود که از مردی توانگر جدا گردد واگر بیند که پرستو در دست او بمرد دلیل بود که یار او بمیرد و رنج و اندوه بیند جابر مغربی گوید اگر بیند پرستوئی فرا گرفت دلیل که از غمها فرج یابد و از ترس و بیم ایمن گردد **برف** ابن سیرین گوید که برف بخواب دیدن غم و اندوه و عذاب بود مگر اندکی دیده بود و اگر در زمستان برف بیند یا بجایگاهی که پیوسته در آنجا برف بود دلیل بود که اهل آن موضع را غم و اندوه رسد جابر مغربی گوید که دیدن برف بخواب لشکر هزیمتی بود خاصه که با برف بیند حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن برف بخواب بر شش وجه بود اول روزی دویم زندگانی سیوم مال بسیار چهارم لشکر بسیار پنجم بیماری ششم غم و اندوه اگر بیند که بتابستان برف جمع میکرد دلیل که مال حلال جمع میکرد دلیل کند که بعیش خوش گذرند و منفعت بسیار یابد کرمانی گوید که برف بخواب دیدن در سرد سیر دلیل بر خیر و نیکی کند و در گرم سیر دلیل بر غم و اندوه و محنت و بیماری بود و اگر بیند که برف بوقت خود میخورد بهتر از آن بود که بیوقت بود **برق** ابن سیرین گوید که برق در خواب خزانه دار پادشاه بود و بعضی از معبران گفته اند که برق وعده کردن پادشاه بود بمردی مرد طماع را بطمع وی اگر بیند که برق را از هوا یا از ابر فرا گرفت دلیل که کاری کند که در آن خیلی حیران بود اگر بیند برق همی درخشید دلیل که در آن سال نعمت فراخ بود خاصه که با برق باد آهسته بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که برق در خواب بر پنج وجه بود اول خزانه دار پادشاه دویم وعده بد سیوم عتاب چهارم رحمت پنجم راه راست **برگشودن** ابن سیرین گوید که برگشودن در خواب استواری و محکم کاری بود اگر بیند که بر اسپی بارگستوان نشسته بود دلیل بود که کار وی محکم و استوار گردد و بر دشمن ظفر یابد و خصم را قهر کند جابر مغربی گوید اگر بیند که بر اسپی بارگستوان در میان رزم میدوید دلیل بود که کار بمراد و بخت و دولت مساعد او گردد و اگر بیند که برگستوان از اسپ او در افتاد یا ضایع گردید دلیل بود که نامرادی یابد و در دست خصمان مغلوب گردد **برنج** ابن سیرین گوید که برنج دیدن بخواب مالی بود که برنج حاصل گردد بقدر آنکه دیده بود کرمانی گوید اگر بیند که برنج پخته همی خورد دلیل بود که حاجت او روا گردد و خیر و نیکی بدو رسد و اگر بیند که برنج با گوشت پخته همی خورد دلیل بود که بهتر بود و نیکوتر بود و برنج با شیر خوردن بغایت نیکو بود و اگر بیند که برنج با دوغ پخته همی خورد دلیل بر غم و اندوه بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن برنج در خواب بر سه وجه بود اول مال دویم حاجت سیوم خیر و منفعت **برنده** ابن سیرین گوید اگر بیند که پرنده داشت و از دست او بپرید و دیگر بار بدست او آمد دلیل بود که حاجت او روا گردد و اگر بیند که پرید دلیل بود که بعضی از مال او رود **پرنیان** بدانکه پرنیان در خواب چون تاویل دیبا بود و شرح آن در حرف دال بیان کرده شود **بره** ابن سیرین گوید که بره در خواب اگر نر بود و اگر ماده بود فرزند بود اگر بیند که بره فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل بود که او را فرزندی آید و آن فرزند پسری بود و اگر بیند که بره را بکشت دلیل بود که فرزند او بمیرد و اگر بیند که گوشت بره را بخورد او را بسبب فرزند غم و اندوه رسد کرمانی گوید که دیدن بره در خواب خیر و منفعت بود و نیکی و مال حلال هم هست بقدر بزرگی و کوچکی او

واگر بیند که بره داشت اورا مال و غنیمت رسد بقدر آن واگر بیند که بره یا بز غاله را کشت و آنرا بخورد و از بهر گوشت کشت دلیل بود که اورا مصیبتی رسد بسبب فرزند حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بره در خواب بر چهار وجه بود اوّل فرزند دویم مال حلال سیوم معیشت چهارم غم و اندوه برهنگی محمد ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب خود را برهنه بیند چنانکه از مردم شرم دارد و پوشش طلب کند دلیل بود که حج طلب کند و اگر بیننده خواب مردی مستور صالح بود گناهش عفو گردد و اگر خداوند خواب صالح نباشد دلیلش بد بود کرمانی گوید اگر کسی خود را برهنه بیند و در طلب دنیا بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که ازاری بر میان بسته بود دلیل بود که در طاعت و عبادت مجتهد گردد جابر مغربی گوید برهنگی در خواب دلیل محنت و رسوائی بود اما اگر عورت را پوشیده بیند مرد صالح را نیکو بود و فاسق را بد بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که برهنگی در خواب مرد صالح را خیر و نیکی بود و مرد مفسد را بدی و رسوائی و بحیر متی پروانه ابن سیرین گوید که پروانه در خواب دیدن مردی ضعیف و ناوان بود که خود را بنادانی در هلاک اندازد کرمانی گوید اگر بیند که پروانه از پس پشت او بپرید و انیکس او را بگرفت دلیل که به کنیزکی دوشیزه دراز کند و از وی بسری آید اگر بیند که پروانه را گرفت یا در دست او هلاک شد دلیل که فرزندش هلاک گردد **بروت** در خواب دیدن دلیل بر هیبت مرد کند اگر بیند که کسی بروت او را به مقراض بیاراست تاویل نیکو بود و او را مضرت نرسد و اگر بیند که بروت او در وقت پیراستن از تن ببرید یا بسوزد دلیل نقصان هیبت مرد بود کرمانی گوید اگر بیند که بروت او دراز شده بود دلیل که او را قوتی بود و اگر بیند که کسی بروت او را بر کند دلیل که با کسی خصومت کند و اگر بیند که بروتش سفید گردیده بود دلیل که از کار ناکردنی باز ایستد و اگر بیند که او را بروت بود و اگر دراز بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر اندک بود دلیل بر عز و جاه و مراد کند **برج** دانیال گوید که دیدن حمل و اسد و قوس لشکر پادشاه بود و دیدن ثور و سنبله و جدی پسر پادشاه و دیدن جوزا و میزان و دلو قاضی و صاحب تدبیر پادشاه بود و دیدن سرطان و عقرب و حوت دیدار صاحب شرط و شراب دار پادشاه بود ابن سیرین گوید اگر کسی حمل را بخواب بیند با مردی محتشم او را کاری افتد و حاجت او روا کند و اگر ثور را بیند با مردی جاهل و نادان او را کاری افتد و حاجت او روا گردد و اگر جوزا را بیند او را با مردی فصیح یا زبانداز کاری افتد و حاجتش روا گردد و اگر سرطان را بیند او را با مردی بی اصل کاری افتد و حاجتش روا گردد و بزرگی و جاه یابد و اگر سنبله را بیند او را با مردی کشاورز بیوفا کاری افتد و مرادش برنیاید و اگر میزان را بیند او را با مردی قاضی کار افتد و هر وعده که دهد وفا کند و اگر عقرب را بیند با مردی دشمن یا با زنی مفسد و بدکاری افتد و او را زحمت رسد و غمگین گردد و اگر قوس را بیند او را با مردی سالار مهتر کاری افتد و حاجت او روا گردد و خلق او را دوست دارند و اگر حوت را بیند او را با مردی غریب ساده دل و نیک رای مهربان کم سخن کاری افتد و حاجت او روا گردد **پری** بدانکه معبر از این خلاف است بعضی گفته اند که دشمن بود و بعضی گفته اند نیکبخت است و کام روائی در آنکار که بود ابو هریره رض گوید از رسول خدا صلی الله علیه و آله و صحابه وسلم مرویست که دیدار پری در خواب دولت و بزرگی بود و دست در دست او

نهادن و با او سخن گفتن دلیل خرمی بود محمد بن سیرین گوید که پری بخواب دیدن که خوشخوی و شادمان و خوبروی بود دلیل که عزو دولت یابد و اگر او را زشت و غمگین بیند دلیل بر غم و اندوه کند و اگر پری خویش را مرده بیند کار او شوریده گردد و اگر با پری جنگ میکرد دلیل که کار او آشفته گردد کرمانی گوید که پریان بعضی مسلمانند در خواب دیدار دوست و بخت و دولت بود و آنچه کافر باشند دیدار ایشان دیدار دشمن و ادبار و اندوه بود دانیال گوید اگر کسی در خواب بیند که در میان پریان بود دلیل بود که بسفر شود و آن سفر او را مبارک بود و اگر بیند که پری او را در گردن گرفت و میبرفت دلیل بر عز و جاه و بزرگی بود و اگر بیند که پری او را از گردن بیندخت از جاه و بزرگی بیفتد و اگر بیند که پریان بلطف سخن میگفتند دلیل بود که کارش نیکو گردد و اگر پری را در جامهٔ نیکو بیند حالش نیکو گردد و اگر پری را در جامهٔ بد ببیند حالش بد گردد و اگر بیند که پری او را چیزی داد از زر و سیم و آنچه بدین ماند دلیل بود که دولت و اقبالش زیادت گردد جابر مغربی گوید که اگر پری را بیمار یا مرده بیند دلیل بود که حال او بد گردد و اگر بیند که پادشاه پریان او را بنواخت دلیل بود که دولت یابد و مقرب پادشاه گردد و اگر بیند که پری جایگاه خویش را بدو نمود و خود را بدو عرضه کرد و گاه خود را پنهان دلیل بود که زنی با وی مکر و خیانت سازد و اگر بیند که در خانهٔ پریان شد و ایشان را می شناخت و دید دلیل بود که بغربت افتد و شهرها بیند و اگر بیند که پری او را همی برد دلیل بود که حاجت او روا گردد از جائی که امید ندارد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن پری در خواب پنج وجه بود اول دوستی عزیز دویم نخست و دولت سیوم کاری که دارد از آن کامرانی یابد چهارم بزرگی و حشمت بود پنجم خبر دروغ و کارهای باطل بود **پرواز کردن** دانیال گوید اگر بیند که چون مرغ از جائی بجائی میپرد دلیل بود که بسفر رود بقدر بلندی و پریدن وی از زمین بلندی و شرف یابد و اگر بیند که راست بآسمان میرفت دلیل بود که او را مضرت رسد و اگر بیند که چندان پرواز میکرد در هوا که بآسمان رسید و در آسمان ناپدید شد و از آنجا ناپدید شده بزمین نیامد دلیل کند که زود از دنیا رحلت کند محمد ابن سیرین گوید که اگر کسی بیند که از جانب قبله بپرید و باز بجای خویش آمد دلیل کند که از سفر زود باز آید با منفعت بسیار خاصه چون بیند که پرها دارد و اگر بیند که بی پر همی پرید دلیل بود که از حال خود بگردد و اگر بیند که از بام خویش بر بامی دیگر می پرید دلیل کند که زن را طلاق دهد و زنی دیگر خواهد یا کنیزکی خرد کرمانی گوید اگر بیند که بعنان آسمان بپرید دلیل کند که حج کند و اگر بیند که از سرای خود بسرای مجهول بپرید دلیل کند که اجل او نزدیک آمده باشد و باید از گناه توبه کند اگر بیند که پرها داشت لیکن بخلاف پر مرغان دلیل کند که بیمار گردد و نزدیک هلاک رسد و عاقبت شفا یابد و اگر بیند که از جائی بجائی پرواز همیکرد دلیل کند که سفر نزدیک کند حضرت صادق ع علیه السلام فرماید که پریدن بخواب بر پنج وجه بود اول سفر دویم حج سیوم بزرگی چهارم تغیر حال پنجم بیماری و مرگ نعوذ بالله

بریان محمد بن سیرین گوید که بریان در خواب خداوند سخن بود و در فراخی طلب روزی و گوشت پخته تاویل بهتر از گوشت خام بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که بریان از گوشت گوسفند خورد دلیل کند که بقدر آن مال برنج و سختی بدست آورد

اگر بیند که بریان از گوشت گاو خورد دلیل بود که از ترس و بیم ایمن گردد و اگر بیند که بره بریان همی خورد دلیل بود که او را مالی اندک حاصل گردد و بعضی از معبران گفته اند که خوردن بره پخته در خواب دلیل آمدن پسری کند جابر مغربی گوید اگر بیند که سر بریان میخورد دلیل بود که او را از مهتری منفعت رسد و اگر بیند که مرغ بریان میخورد دلیل بود که مالی از جهت زنی بکرد حیلت بدست آورد و اگر بیند که ماهی بریان کرده میخورد دلیل بود که بسفر شود و بطلب علم یا بصحبت مردی بزرگ پیوندد اگر خداوند خواب مستور بود و اگر مفسد بود دلیل بر رنج و غم و اندوه بود و دشمن و ماهی بریان کرده چون تازه بود بهتر از شور بود و ماهی بزرگ بهتر از خرد بود و دیدن بریان فروش در خواب مردی بود که بسبب وی دیگران فراخ روزی گردند بزاز بفارسی جامه فروش بود و دیدنش مردی بود عظیم خطرناک زیرا که بهای جامه درم و دینار بود که دهند و ستانند و تاویل درم و دینار مکر و حیله اندیشه بود و در آن هیچ خیر نباشد لکن اگر بهای جامه بخرد درم و دینار چیزی دیگر ستانند نیک و بدش دلیل بر نوع آن چیز کند که ستاده بود کرمانی گوید اگر کسی بخواب بیند که بزازی همیکرد و بهای کالا درم و دینار نمی ستند دلیل کند که او را اندوهی و زیانی رسد و اگر بیند که کالای دیگر بعوض کالای خویش بستد دلیل کند که مراد حاصل گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بزاز در خواب زینت دنیا بود بزاز ابن سیرین گوید که بزاز در خواب مردی بود بزرگ و مادهٔ بزرگ زنی بود در خواب هم بدینسان اگر بیند بزی مجهول را بکشت دلیل بود که مهتر مردی بزرگ ظفر یابد و اگر بیند که پوست بزرا بکند دلیل کند که مال بسیار بستاند و هزینه کند و اگر بیند که از گوشت او بخورد دلیل کند که مال بخورد و اگر بیند که بروی نشست و از هر جایی میراند دلیل بود که با مردی بزرگ مکر و حیله کند و بهر حال که خواهد او را گرداند و اگر بیند که بزاو را از پشت خود بیفگند دلیل کند که آن مرد را از جاه و حرمت بیفگند و اگر بیند که هر دو سرون بزرا شکست دلیل کند که آن مرد را از عمل منع کند و اگر بیند که سر دنبهای بزدرا زو قوی شده بود یا در عدد زیاده گردیده بود دلیل بود که در عمل خود مهتر و قوی گردد و بر ایشان ظفر یابد و اگر بیند که موی او زیاده شده بود دلیل بود که مالش زیاده گردد و اگر بیند که پشم او بستد دلیل کند که بقدر آن مال از فرزند بستاند و اگر بیند که مادهٔ بزی را بیافت یا کسی بدو بخشید دلیل که زنی بخواهد کرمانی گوید اگر بیند که مادهٔ بزی را بدوشید و شیر او را بخورد دلیل که از زنی مال یابد و اگر بیند که مادهٔ بزرا بکشت و گوشت او را بخورد دلیل که از ان زن حاجت او روا گردد و اگر بیند که مادهٔ بزرا نه از بهر گوشت بکشت دلیل کند که زنی بنکاح بخواهد و از و فایده نه بیند و اگر بیند که مادهٔ بزرا از خانه اویرون شد دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بیند که رمهٔ بزدر خانه داشت یا بجایی دیگر و دانست که ملک اوست دلیل که بقدر آن ویرا مال و نعمت و غنیمت بدست آید و اگر بیند که رمهٔ بزو گوسفند در صحرا می چرانید و بهر جا که میخواست می برد دلیل بود که با مردی بزرگ بولایتی از عرب یا از عجم حاکم گردد جابر مغربی گوید که اگر بیند که از گوشت مادهٔ بز میخورد دلیل کند که بیمار گردد و زود شفا یابد و پوست و پشم و شیر بز در خواب خیر و برکت و مال بود که بدو رسد و اگر بیند که بزغاله بدو دادند یا بیافت یا بخرید دلیل کند که ویرا فرزندی مبارک آید و اگر بزغاله را بکشت دلیل که فرزند او هلاک گردد و اگر بیند که گوشت بزغاله را بخورد

دلیل کرا زمال فرزند چیزی بخورد حضرت صادق علیه السلام فرماید که نرید در خواب مقدمه لشکر بود اگر بیند که بزر بیافت و بروی نشست دلیل بود که این مرد مقدم لشکر گردد و اگر از مردم عامه بود دلیل کرا و را با مقدم لشکر صحبت افتد و توانگر گردد حضرت صادق علیه السلام میفرماید که از پیغمبر شنیدم که فرمود که هر که بزر را بخواب بیند که بخرید و بخانه برد چهل روز دولتی از وی دور گردد و دیدن بزر فروش در خواب مردی بود که مردان و زنان را جمع کند کرمانی گوید که بزر ماده در خواب دیدن و گوشت او خوردن مالی جمع کردن بود و بعضی از معبران گویند که مالی جمع کرده او را حاصل گردد جابر مغربی گوید که بزر ماده دیدن و خوردن دلیل خیر و منفعت کند چون بطعم خوش و نیکو بود و اگر بطعم ناخوش بود دلیل بر غم و اندوه کند **بذر قطونا** ابن سیرین گوید که دیدن بذر قطونا در خواب دلیل بر غم و اندوه کند و خوردن وی دلیل بر نقصان مال بود بقدر آنکه خورده بود **بساط** بدانکه بساط در خواب شادروان بود و اگر بیند که بساطی گسترد و بروی نشست دلیل بود که روزی بروی فراخ گردد و عمرش دراز بود جابر مغربی گوید اگر بیند که بساط پاکیزه و نو داشت و بزرگ فراخ دلیل بود که نعمت و مال او بسیار گردد خاصه گسترده بیند که بساط خویش بفروخت یا بسوخت دلیل بود که در مال وی نقصان شود و اگر بیند که بساط او بسوخت دلیل کند که روزی بروی بسته گردد و حالش بد شود حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بساط در خواب چون بزرگ و نو بود بر شش وجه بود اول عز و جاه دویم بزرگی و رفعت سیوم مرتبت چهارم مال پنجم عمر دراز ششم تا بقدر بزرگی بدانکه چون بساط فروش بها بستاند خلاف این بود **بستر** ابن سیرین گوید که بستر در خواب زن بود و نیک و بد آن تعلق بزن دارد و اگر بیند که بستری با بستر بدل کرد یا از آن بستر بر بستر دیگر شد دلیل بود که زن دیگر خواهد و زن نخستین را طلاق دهد و اگر بیند که بستر از حال خود متغیر گردید دلیل بود که زن او از حال بحال دیگر گردد و اگر بیند که بستر دی بستر دیگر شد بهتر از آن یا کمتر از آن دلیل کند که زنی بخواهد و زن نخستین را طلاق دهد و اگر بیند که بستر خویش را بفروخت یا در نوشت دلیل بود که زن را طلاق دهد یا از او غایب گردد و یا از ایشان یکی بمیرد کرمانی گوید اگر کسی خود را بر بستر مجهول بیند دلیل که بقدر و قیمت آن او را زیانی رسد و اگر بیند که بستر وی بر تختی مجهول گسترده بود و بروی نشسته بود دلیل بود که بزرگی و منزلت یابد و دشمنان را قهر کند جابر مغربی گوید که بستر در خواب ولایت و تن آسانی بود قوله تعالی مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ و اگر بیند که بستر را از خانه بیرون انداخت و بعد از آن بخانه آورد دلیل بود که میان او و زن طلاق رجعی افتد و اگر خویشتن را بر بستر یا چهار بهر یکی افتاده بیند دلیل کند که بشمارهٔ هر بستری زنی بخواهد یا کنیزک خرد و اگر بستر خود را در خانه بیند یا در مغاک که از آنجا بیرون نتوانست آورد دلیل بود که رنش رنجور گردد و از آن رنج خلاصی نیابد و اگر خویشتن را بر بستر زرد گسترده بیند که خفته بود دلیل بود که آن سال بروی مبارک گردد اگر بیند که بستر او از پشم آگنده بود دلیل بود که زن توانگر خواهد و اگر بیند که بستر او دریده بود یا سوخته بود دلیل بود که اجل او نزدیک آمده باشد و عیالش را دین و دیانت و شرم نباشد اگر بیند که بستر او بر زمین بود بابستر گران بها بدل کرد دلیل بود که زن فاسقه را

دست بداده زن مشوره بخواهد واگر بیند که در بستر او موش سوراخ کرده بود دلیل بود که میان زن او وکسی ناسزا معاملتی اتفاق افتد و بفساد رضا دهد واگر بستر ش در هوا معلق بود دلیل بود که بستر او در جایگاهی بلند گسترده گردد و شغل او بالا گیرد و دولت یابد واگر بیند که بستر وی از هوا بزمین افتاد دلیل کند که زنش بیمار گردد و بعاقبت شفا یابد و آنیال علیه السلام گوید اگر بستر خود را سبز بیند دلیل بود که زنی خواهد دیندار و پارسا واگر بستر خود را سرخ بیند دلیل بود که زن او بد خو ناسازگار گردد و واگر بیند که بسترش کهنه بود نو شد دلیل بود که زنش از خلق بد به خلق نیک باز گردد و اگر بیند که کهن شد هم چنین دلیل کند که از خلق نیک بخلق بد باز گردد و اگر بیند که بستر او سبز بود سرخ شد دلیل بود که زن وی از صلاح بفساد مایل گردد و اگر بخلاف این بود از فساد بصلاح باز آید و اگر بیند که بستر او سرخ بود سفید گردید یا زرد شد دلیل بود که زنش از گناه توبه کند و بیمار گردد چنانکه بیم مرگ بود و اگر بیند که بستر او بود و در زیر خود گسترده بود و بالشها نهاده بود دلیل بود که زن کند یا کنیزکان و خادمان خرد و اگر بستر خویش بالشها دید نهاده دلیل بر خادمان کند قوله تعالی وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ اگر بیند که بستر بجای مجهول دلیل بود که زمینی بخرد و در آن کشاورزی کند و معبران گویند که میراث یابد و اگر بیند که بر بستر خفته بود دلیل که راحت و آسانی یابد و اگر بیند که بستری داشته و بر هوا بروی او خفته بود دلیل است که بسبب زن جاه و بزرگی یابد و اگر بیند که بسترش دریده بود دلیل کند که زنش نابکار بود و معبران گویند که زنش بمیرد و اگر بیند که آتش در بستر او افتاد و بسوخت دلیل بود که زن را طلاق دهد یا بمیرد حضرت صادق علیه السلام فرماید دیدن بستر در خواب بر چهار وجه بود اول زن دویم کنیزک سیوم ولایت چهارم معیشت و منفعت و تن آسائی

پست ابن سیرین گوید اگر بخواب بیند که پست میخورد دلیل بود که بقدر آن غم و اندوه خورد و اگر بدید که پست بکسی داد یا بفروخت دلیل بود که از وی بدانکه داد غم و اندوه رسد جابر مغربی گوید اگر بیند که پست داشت و از خانه بیرون ریخت یا بکسی بخشید و هیچ از آن نخورد دلیل بود که از غم رسته گردد و از آن خلاصی یابد

بستان افروز ابن سیرین گوید که بستان افروز در خواب دیدن شادی بود لکن بدین بد بود اگر بیند که بستان افروز فراگرفت یا کسی بدو داد دلیل بر خرمی و شادی بود که خرم گردد و اگر بیند که بستان افروز بکسی داد دلیل بود که او را خرم گرداند کرمانی گوید که بستان افروز چون بوقت خود بیند مهتری بود و بعضی از معبران گویند که زن بازرگان توانگر بود با جمال و خوشخلق و اگر بیند که بستان افروز در خواب در جایگاه خویش میکرد دلیل کند که ویرا با زرگانی دوست و مصاحب افتد و اگر بیند که از زمین برکند دلیل که از صحبت مردی جدا گردد

پستان در خواب دختر بود و آنچه در پستان بیند از زیادت و نقصان صلاح و فساد آن جمله بر دختران کند و اگر بیند که از پستانش شیر روان گردید دلیل که بر دخترش نعمت و روزی فراخ گردد و مال حلال یابد و اگر بیند که بدل شیر از پستانش خون روان شده بود دلیل بود که مال حرام یابد و اگر بیند که پستان بیش از اندازه فرو آویخته بود دلیل بود که او را دختری آید و اگر مردی بیند که در پستان او شیر جمع گردیده بود

اگر زن ندارد زن خواهد و فرزندش آید و اگر زن دارد تواند گردد و اگر این خواب را عجوزه بیند دلیل بود بر درویشی وی و اگر زن جوان این خواب را بیند دلیل بود که عمرش دراز بود و اگر دختری بیند دلیل بود که هم در خردی بمیرد کرمانی گوید اگر مردی بیند که پستان مردی می مکید دلیل بود که بیمار گردد و اگر زنش آبستن بود پسر آورد و اگر زن بیند کاز پستان میخورد دلیل کند که کار دنیا بروی بسته گردد جابر مغربی گوید که پستان مرد در خواب زن او بود و پستان زن دختر وی و اگر زنی بیند که پستان او بریده بود دلیل بود که زنش بمیرد و اگر زنی بیند که در زیر پستان پستانی دیگر برآمد دلیل بود که دختر آورد و اگر بیند که هر دو پستانش بزرگ شده بود دلیل بود که احوال فرزندانش نیکو گردد و یا دختر را بشوهر دهد و اگر بیند که از هر دو پستان خود شیر میخورد دلیل بود که اورا غم و ملامت رسد و اگر بیند که از پستان وی شیر بشکم او میشد دلیل که او را زیانی رسد و اگر بیند که یک پستانش با آتش میسوخت دلیل بود که دخترش را شغلی افتد از پادشاهی و اگر بیند که بر همه تنش پستانها بود دلیل بود که اهل و فرزندش بسیار گردد و اگر فرزند ندارد از زنش زیادت گردد لیکن با مردمان ملامت بود و اگر زنی بیند که او را از پستان آویخته بود دلیل بود که از حرام پسری آورد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن پستان در خواب پنج وجه بود اول فرزندان خرد دویم دختران سیوم خادمان چهارم دوستان پنجم برادران **پستان بند** ابن سیرین گوید که دیدن پستان بند در خواب زن را عزو مرتبت و کامرانی بود و مرد را از خصم تازیانه و غم و اندیشه بود اگر زنی بیند که پستان بند نو و تازه داشت دلیل بود که عزو مرتبت یابد و بکام رسد و اگر زنی بیند که پستان بند داشت دلیل بود که مال و نعمت یابد و شادمان گردد اگر مردی بیند دلیل بود بر خذلان و نامرادی از همگنان **پشت** ابن سیرین گوید که پشت در خواب دیدن مردی بود که از او قوت و پناه و یاری طلبد و اگر بیند که پشت او بشکست دلیل بود که آن کس که پشت و پناه او بود از دنیا رحلت کند و اگر بیند که زخمی بپشت او رسید دلیل بود که رنجی و آفتی بدو رسد که پشت و استظهار او بود کرمانی گوید مهرهای پشت قوة و فرزند بود و هر صلاح و فساد که در مهرهای پشت بود تاویلش بر قوت فرزندان بیننده خواب رسد و اگر بیند که پشت او درشت و با قوة بود دلیل بود که او را فرزندی بتن قوی و دانا و عاقل بود و اگر بیند که چیزی بر پشت گرفت دلیل بود که بقدر آن گرانی و غم و اندوه بوی رسد و اگر بیند که مرده بر پشت گرفت دلیل بود که مؤنت کسان مرده بوی بود و اگر بیند که پشت او برگشت دلیل بود که حال او بدگردد جابر مغربی گوید که پشت دشمن بخواب دیدن ایمنی بود از شر دشمن و دیدن پشت زن دلیل برگشتن دنیا بود اسماعیل اشعث گوید که پشت بخواب دیدن برادر بود اگر بیند که پشت او بشکست دلیل که برادرش بمیرد و اگر بیند که پشت او در هم بمیکرد دلیل بود که وی را از برادر یا از مهتر غم و اندوه رسد و اگر بیند که بسبب علتی پشت او را داغ کردند دلیل بود بر صلاح دین و دنیای وی و اگر بیند که پشت بدیوار باز داد دلیل بود که بسفر شود و مال حاصل کند حضرت صادق علیه السلام فرماید که پشت بخواب دیدن بر دوازده وجه بود اول قوة دویم برادری سیم یار چهارم پادشاه

پنجم وزیر ششم حجت هفتم پدر هشتم برادر نهم پسر دهم مال یازدهم یاری دادن دوازدهم جد یعنی پدر پدر و معبران گفته اند که دیدن پشت کافر را ایمان بود و فاسقان را توبه و جادو را اسلام و منافق را اخلاص **پشته** ابن سیرین گوید که اگر کسی دید در پشته از زمین هامون نشسته بود یا بر پشته کوهی دلیل بود که بر مردی بزرگوار شرف و منزلت یابد که شرف و منزلت وی بقدر فراخی آن زمین بود که پیرامن کوهست و اگر بیند که بر سر آن پشته ایستاده بود دلیل نیز دیک مردی بزرگ شود و از وی مال و حرمت یابد و اگر بیند که آن پشته ملک و موضع او بود دلیل بود که مردی بزرگ او را قهر کند و نعمت و مال او بستاند و بجای او مقیم گردد و اگر بیند که بعضی از آن پشته ملک او است دلیل بود که بقدر آن نعمت و بزرگی یابد و اگر بیند که از آن بزیر افتاد یا کسی او را بزیر انداخت دلیل بود که بسبب مردی بزرگوار بحرمت گردد و مضرت بیند و اگر بیند که بر آن پشته بدشواری و زحمت بالا همیرفت دلیل بود که غم و اندوه بدو رسد حضرت صادق ع فرماید که پشته دیدن بخواب بر چهار وجه بود اول بلندی دوم مال سیوم قوت چهارم تنومندی **پشم** ابن سیرین گوید که پشم در خواب دیدن از همه وجهی مال حلال و روزی بود و پشمی که بافته نباشد بهتر بود و نیکوتر و اگر بیند که پشم داشت یا کسی بدو داد یا بخرید یا بموضع خویش بود دلیل بود که بقدر آن او را مال حاصل گردد قوله تعالی وَمِنْ اَصْوافِها وَاَوْبارِها وَاَشْعارِها اَثاثاً وَمَتاعاً اِلی حِینٍ کرمانی گوید که پشم از خویشتن دور همی انداخت دلیل بود که مال خود را تلف کند و اگر بیند که پشم همی سوخت دلیل بود که مال خود را هزینه کند و اگر بیند که بر تن وی جامهٔ پشمین بود دلیل بود که او را از زنان مال حاصل گردد و اگر بیند که جامهٔ پشمین یا پنبه بخرید یا بستری از پشم داشت دلیل کند که زنی تواند گر بخواهد جابر مغربی گوید که پشم اشتر در خواب مال بود از قبل پادشاه و معبران گویند که میراث بود **پشه** ابن سیرین گوید که پشه مردی ضعیف و خوار و ناکس بود و کاری اندک و حقیر کند و اگر بیند که با پشه جنگ میکرد دلیل بود که با مردی ضعیف خصومت کند و اگر بیند که پشه بگلوی او فرو شد دلیل بود که با مردی حقیر بکاری حقیر مشغول گردد و از او اندک چیزی بدو رسد و اگر بیند که پشه بسیار بر تن او جمع شدند و او را میگزیدند دلیل بود که در زبان مردم عوام افتد و از ایشان بوی مضرت رسد و باشد که او را زیان رسد زیرا که پشه خون مردم را مکد و اگر بیند که پشه در گوش یا در بینی او فرو شد و از او برخ و گزند یافت دلیل بود که از مردم ضعیف بدو برخ و گزند رسد کرمانی گوید اگر بیند که پشه بسیار بخانهٔ او در آمدند دلیل بود که او را غم و اندوه رسد و اگر بیند که پشه گان غلبه کردند و در خانهٔ او جمع شدند دلیل بود که بر دشمن ضعیف ظفر یابد اگر بیند که پشه در بینی او شد و بیرون نیامد دلیل بود که در محنت و بلا گرفتار گردد **بط** ابن سیرین گوید که بط در خواب دیدن مال و نعمت بود که بدو رسد بقدر آنکه دیده بود خاصه که در خانه و ملک خود دیده بود و اگر بیند که بطان بسیار در سرا یا در کوچهٔ او جمع شده بودند و بانگ همیداشتند دلیل بود که در آن موضع مصیبت افتد و اگر بیند که با وی سخن گفتند دلیل بود که بسبب زنی تواند گر سفر کند و در آن سفر حرمت و منفعت یابد کرمانی گوید بط در خواب مردی بود بزرگ از اهل بیت با مال و حشم بسیار اگر بیند که از اندام چیزی یافت دلیل بود که از مردم بدین صفت

کرگفته شد چیزی یابد حضرت صادق علیه السلام فرماید که لبط سفید در خواب مال بود یا زن تو انگر و لبط سیاه در خواب کنیزک بود اگر بیند که لبط را بکشت و از گوشت وی بخورد دلیل بود که مال زن بمیراث ستاند و هزینه کند **بغل** ابن سیرین گوید که بغل دیدن بخواب دلیل بر ملامت و زشتی بود که بدو رسد و موی بغل دلیل کند بر یافتن مراد و غالب شدن دشمن بروی کرمانی گوید اگر بیند که از بغل وی بوی ناخوش می آمد دلیل بود که مال حرام یابد جابر مغربی گوید اگر بیند که از بغل وی بوی ناخوش می آمد هم مال حرام یابد و اگر کسی بیند که دستها در زیر بغل داشت دلیل بود بر یافتن مراد و قهر دشمن قوله تعالی وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ و بعضی از معبران گویند که دلیل بود بر داشتن مروت و جوانمردی و هر که بیند که در بغل او نقصانی نیست دلیل بود که نامرادی کشد و دشمن بروی غالب گردد اگر بیند که از بغل وی بوی ناخوش می آمد دلیل بود که مال بوی رسد اما بدشواری و اگر بیند که از زیر بغل عرق روان شد دلیل بود که بقدر آن عرق از مال چیزی نقصان گردد **بقالی کردن** ابن سیرین گوید که بقالی کردن در خواب جهد کردن بود در کارها و چیزی حاصل کردن بجهت معیشت اگر بیند که بقالی همی کرد دلیل بود که بکار و کسب دنیا مشغول گردد و بقدر آنچه داشت ویرا از متاع دنیا حاصل گردد کرمانی گوید اگر بیند که متاعهای بقالی را بزرودرم میفروخت دلیل کند بر غم و اندوه زیرا که زر و درم تبادیل غم و اندوه بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که بقالی کردن در خواب بر سه وجه بود اول کسب کردن دویم منفعت یافتن سیوم غم و اندوه چون بیند که متاعها را میفروخت بزر و درم **بلانگینی** ابن سیرین گوید که بلانگینی در دست داشتن بخواب دلیل بود که او را از کسی مدد و قوت نباشد و اگر بیند که بلانگینی از چوب نرم جسته بود تاویلش بخلاف این بود که گفته شد **پلاس** در خواب دیدن درویشی بود مصلح و پارسا و دین دار از اقوال و افعال با امانت اگر بیند که پلاسی پوشیده داشت دلیل بود که او را باچنین مردی صحبت افتد و از او خیر و منفعت آخرت یابد و اگر بیند که پلاس بسیار داشت دلیل بود که بقدر آن او را مال و نعمت حاصل گردد و معبران گویند که پلاس مالی حلال بود و اگر بخواب بیند که پلاس نو یافت دلیل بود که زن پارسائی توانگر بخواهد و از او خیر و منفعت بیند و اگر مردی بیند که پلاس نو بخرید دلیل بود که کنیزک پارسا بخرد و از وخیر و منفعت یابد **بلبل دیدن** کرمانی گوید بلبل در خواب دیدن فرزند کوچک و غلام نو بود آواز او در خواب کلام خوش و سخن لطیف بود اگر بیند که ببلبلی بپرید دلیل بود که فرزند یا غلام او ضایع گردد و اگر بیند که بلبل در دست او بمرد دلیل بود که فرزند یا غلامش بمیرد جابر مغربی گوید اگر بیند که ببلبلان بسیار داشت دلیل بود که بقدر آن غلامان بخرد و اگر بیند که بلبلان را بکشت و از گوشت آنها بخورد دلیل بود که غلام او بمیراث یابد **بلبله** کرمانی گوید که بلبله در خواب دیدن کنیزک بود ابن سیرین گوید زن او بود اگر بیند که بلبله خرید یا کسی بوی داد دلیل بود که کنیزک خرد یا زن خواهد و اگر بیند که ازان بلبله آب همی خورد دلیل بود که با زن مجامعت کند و اگر بیند که آن بلبله بشکست دلیل بود که زن یا کنیزک وی بمیرد **حکایت** کنند از ابو خلده که او گفت که پیش محمد بن سیرین بودم مردی بیامد و گفت بخواب دیدم که از بلبله

آب میخوردم وآن بلبله را دور بود از یکی آب شیرین خوش میخوردم واز یکی آب شور و تلخ ابن سیرین گفت تو زنی داری و
وخواهر زنی دهر دو را بکار می داری توبه کن واز خدا تعالی ابرتس مرد گفت چنین است که تو گفتی توبه کردم و بخدا باز گردیدم
بلغم دیدن ابن سیرین گوید که بلغم در خواب مالی بود که بوجه صلاح آن مال را نفقه کند اگر کسی بخواب بیند که بلغم بجای گاهی
جرگه انداخت تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که بلغم سفید از گلو برانداخت بجای پاکیزه دلیل کند که مال بوجه صلاح نفقه کند
کرمانی گوید اگر بیماری بیند که بلغم را برافگند دلیل بود که از بیماری شفا یابد و اگر بیند که بلغم سیاه برافگند دلیل بر غم واندوه
کند و اگر بیند که بلغم خون آلود بود دلیل بود که از مال وی چیزی نقصان گردد و اگر بیند که بلغم بدرون خانه خود انداخت
دلیل بود که مال بر بیگانگان نفقه کند و اگر بیند که بلغم در مسجد افگند دلیل بود که مال نه بوجه صلاح بر بیگانگان نفقه کند
برگ ابن سیرین گوید که در خواب دیدن برگ درخت بر درخت خلق و خوی بیننده خواب بود خاصه بهنگام وی و اگر
بیند که برگ سبز از درخت پاره پاره فرا گرفت یا کسی باو داد دلیل بیننده خواب را خلق و خوی خوش بود و نیکو کرمانی گوید اگر
کسی بیند که از درخت برگ تازه فرا گرفت دلیل بود که او را بقدر آن درم حاصل گردد جابر مغربی گوید که برگ درختان در خواب
که میوه شیرین بود دلیل بر خلق نیکو بود و برگ درختان میوه ترش دلیل بر خلق بد بود و برگ درختانیکه بار نیاورند دلیل بر درم
و دینار بود و معبران گویند که برگ درختانیکه میوه دارند دلیل بر درم و دینار کند **پلنگ** ابن سیرین گوید که پلنگ در خواب
دشمنی قوی و توانا بود اگر بیند که با پلنگ جنگ میکرد دلیل بود که با دشمن خود خصومت کند و خصم را ظفر و غلبه بود یعنی اگر
پلنگ بروی غلبه کرد دشمن بروی غالب گردد و اگر او بر پلنگ غالب شد او بر دشمن غالب گردد و اگر بیند که گوشت پلنگ
همی خورد دلیل بود که در جنگ و خصومت افتد لیکن مظفر گردد و شرف و بزرگی یابد کرمانی گوید اگر بیند که بر پلنگ نشست
دلیل بود بر عز و جاه وی و دشمن را قهر کند و اگر بیند که با پلنگ جنگ میکرد و هیچ کدام بر یکدیگر ظفر نیافتند دلیل بود که از
پادشاه ترسی عظیم بدو رسد یا بیماری صعب یابد و بعد از آن شفا یابد و اگر بیند که شیر پلنگ را همی خورد دلیل بود که از
دشمن ترسی بدو رسد و سرانجام ایمن گردد و اگر بیند که پوست پلنگ یا استخوان یا موی او را فرا گرفت یا کسی بدو
داد دلیل بود که از مال دشمن بقدر آن چیزی بیابد و اگر بیند که پلنگی را کشت دلیل بود که از اسلام روی بگرداند و در او
هیچ خیر نباشد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن پلنگ در خواب بر سه وجه بود اول دشمنی قوی دوم مال یافتن
از دشمن سیوم ترس از پادشاه **بلور** بدانکه بلور در خواب زنی بی اصل بود اگر بیند که بلور داشت یا کسی بدو داد
دلیل بود که زنی بی اصل بزنی بخواهد و اگر بیند که بلور داشت یا ضایع شد دلیل بود که زنی را طلاق دهد یا از او غایب گردد
و اگر بیند که بلور بسیار داشت دلیل بود که او را بسبب زنان مال حاصل گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که بلوری فروخت
دلیل بود که دلالکی زنان بی اصل کند و اگر بیند که بعضی از آن بلور که میفروخت بعضی سوراخ نداشت و بعضی سوراخ
داشت دلیل بود که دلالکی دختران دوشیزه و زنان بیوه بی اصل کند **بلوط** ابن سیرین گوید که دیدن بلوط در خواب

روزی حلال بود بقدر آنکه خورده بود اگر بیند که در خانهٔ وی انبانهای بلوط بود دلیل بود که مال و نعمت بسیار او را در آن سال حاصل گردد و چون داند که آن بلوط ملک وی است و اگر بلوط در خانهٔ دیگران بود دلیل کرمردمان پیش او امانتها نهند حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بلوط در خواب بر سه وجه بود اول روزی حلال دویم منفعت سیوم معیشت نیکو **پلیته** کرمانی گوید که پلیته افروخته در خواب کار فرمائی بود که در پیش مردمان بود و پیرامن وی گردند و خدمتش کنند اگر پلیته افروخته نباشد تا ویلیش بخلاف این بود **بناگوش** در خواب دیدن پسری خوبش روی مبارک بود و هر دو بناگوش دو پسر بود کرمانی گوید که دیدن بناگوش در خواب دلیل بر قدر و جاه بود و زیادت و نقصان دیدن در بناگوش دلیل بر قدر و جاه صاحب خواب بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بناگوش در خواب بر چهار وجه بود اول پسری نیکو روی دویم قدر و جاه سیوم دین درست چهارم منفعت از سبب فرزند **پنبه** ابن سیرین گوید که پنبه در خواب مال حلال بود بقدر آنکه دیده بود از اندک و بسیار و پنبه دانه بخواب دیدن دلیل بر مال بود که او را آسان بدست آورد بی رنج و تعب حضرت صادق علیه السلام فرماید که پنبه در خواب بر سه وجه بود اول مال حلال دویم منفعت سیوم ستر بودن **پنبه دانه** ابن سیرین گوید پنبه دانه در خواب مرد با خصومت و بیهوده گو بود **بنجشک** دانیال گوید که بنجشک در خواب دیدن مردی با قدر و جاه بود اگر صاحب ستور بود و اگر مستور نه بود و بیند که او را بدام یا بحیلتی بگرفت دلیل بود که با مردم بیقدر مکر و حیلتی سازد و او را قهر کند و اگر بیند که بنجشک ماده بگرفت دلیل بود که زنی با قدر بروی ظفر یابد و اگر بیند که از گوشت وی بخورد دلیل بود که از مال آن مرد بدان قدر که گوشت وی خورده بود بدو رسد و اگر بیند که بنجشک از آشیانه بیرون آورد دلیل بود که بدو رنج و ملامت رسد کرمانی گوید که ابن سیرین گوید اگر بیند که بچگان بنجشک را شکار میکرد و گردن ایشان را فرو می شکست و در ایشان می نهاد دلیل بود که معلمی کودکان بکند و اندام ایشان را بچوب خُرد کند و اگر بیند که بنجشک مرغ را صید کرد دلیل بود که زنی خوبروی خواهد یا کنیزکی با جمال بخرد و اگر بیند که بنجشکی زرد یافت دلیل بود که زنی بیمار گونه زرد رنگ کند و معبران گویند که بنجشک یافتن در خواب فرزند بود یا غلام اگر بیند که بنجشکی کورد داشت دلیل بود که با مردی هوادار بد فعل دوستی کند و گفته اند که یافتن بنجشک در خواب دلیل بود که اگر درویش بود شش درم بیابد و اگر توانگر بود شش هزار درم بیابد و خانهٔ بنجشک در خواب دیدن دلیل بر خیر و خرمی و ایمنی بود و اگر بیند که بچگان بنجشک را از خانه بیرون آورد دلیل بود که او را فرزندان باشند از حلال و حرام و اگر بخواب بیند که بنجشک آواز میکرد و آواز او را می شنید دلیل بود که سخنهائی شنود که او را از آن شگفت آید و معبران گویند که آواز بنجشکان در خواب تسبیح کردن بود و اگر بیند که بنجشکان او را بسیار حاصل شدند دلیل بود که بر سر قومی سروری کند و مال بسیار یابد کرمانی گوید که بنجشک در خواب چون یکی بیند فرزند بود و اگر بیند که بنجشکان بسیار بانگ میدادشتند دلیل بود که او را با مردمان غوغا کاری افتد و اگر بیند که بنجشک در دهان نهاد و فرو برد دلیل بود که او را فرزندی آید و اگر بیند که بنجشک بسیاری

بدو بخشیدند دلیل بود که بقدر آن مال یابد اگر بیند که بخشک را بخشت یا درو ست و بمرد دلیل کند که زیانی بدو رسد و فرزندش بمیرد و اگر بیند که خانه بخشک را فراگرفت دلیل بود که اورا فرزند آید درشت و بزرگ اندام حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بخشکان در خواب بر نه وجه بود اول پادشاه دویم والی سیوم مردی بزرگ قدر چهارم غلام خوبروی پنجم قاضی ششم بازرگان هفتم مرد راه زن هشتم مرد با خصومت نهم مردی بجماع کردن مولع بود **حکایت** ابو خلده حکایت کرد که پیش محمد بن سیرین بودم که مردی بیامد و گفت که بخواب دیدم که در آسیتن بخشکان داشتم و یک یک را بیرون می آوردم و میکشتم و شهادت میگفتم و آنرا در چاه می انداختم تاویلش چگونه بود ابن سیرین گفت خانه کجا داری گفت فلان محله و فلان کوچه ابن سیرین گفت که یک ساعت بنشین تا باز آیم پس برخاست و نزد پادشاه وقت رفت و اورا آگاه کرد که حال چنین است و در ایذای مردم است و مردمان پادشاه را در خانه او در آوردند و در آنجا جستجو کردند دیدند که قریب به پنجاه مرد کشته و در آنجا انداخته بدانستند که آن مرد ایشانرا بحیله بدانجا میبرد و مال شان را میگرفت و ایشان را می کشت و در خانه می انداخت و پادشاه وقت بفرمود تا او را کشتند و مردم از تعبیر این بشگفت ماندند تعبیر بخشک در خواب کودک خرد بود تاویلش از نیک و بد آن بر کودک خرد بود **پند دادن** ابن سیرین گوید که اگر مردی بیند که کسی مصلح را پند میداد که در آن پند او را صلاح دین و رستگاری آخرت بود دلیل بود بر بشارتی که در آن خیر دین و دنیای او بود و اگر بخلاف بیند دلیل بر فساد و تباهی دین و دنیای او بود جابر مغربی گوید که پند دادن در خواب کسی را که در او صلاح دین بود نیک بود و پند دهنده فرشته مقرب بود که بشارت دهد صاحب خواب را بخیرات که بدو خواهد رسید تا شکر آن بجای آورد و پند دادنی که در او فساد دین بود پند دهنده آن دیو رجیم بود که او را خبر میدهد از تباهی و فساد کار او را تو به باید کردن و بخدا باز گشتن تا او را از شر فساد نگاهدارد و از عذاب حق تعالی رسته گردد **بند نهادن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بند آهنین در پای داشت دلیل بود که دین او خلل بوده و او دعوی مسلمانی کند بدروغ و مردی بخیل بود و از او چیزی بکسی نرسد و بعضی از معبران گویند که چون مردی مصلح بر دست خود بند بیند دلیل بود که از کارهای بد و ناسازبازماند و از و دست بدارد و اگر بند دست از چوب بیند آنکه گفتیم کمتر و آسان تر بود و گر مانی گوید اگر کسی در گردن خود بند از چوب بیند دلیل که امانتی در گردن او بود و او امانت نه میگذارد و اگر بند چوبین بر پای خود بیند دلیل بود که از طاعت حق تعالی باز گردد و اگر انیکس در سفر بود بسلامت باز آید و اگر بیند که بند گردنش از سیم بود دلیل بود که او را بسبب زن رنج و زحمت بود و اگر بیند که بندش از زر بود رنج و زحمتش از جهت مال بود و اگر بیند که بندش از مس بود دلیل بود که سبب رنج او از کسب معیشت بود و اگر بیند که بند را شکست بیم خلل بود او را بر دین خاصه که بند او بر دست بود اگر بیند که بند از پای او بر داشتند دلیل بود که از عمل پادشاه خلاصی یابد و اگر بر پای خود بند نهاده بیند دلیل بود که او را با مردی منافق صحبت افتد و اگر پای خود را بر سن بسته بیند دلیل بود که از کسی بوی منفعت رسد و انیال علیه السلام گوید که اگر امیری بیند که بر پای خود بند آهنین داشت

پند دادن

بند نهادن

دلیل کہ از ولایت خویش بسفر شود و در آن سفر بماند و اگر کسے بیند کہ بر ہر دو پایش بند نہادہ بود دلیل بود کہ ولایت یابد و اگر بیند کہ چہار بند بر پائی داشت دلیل بود کہ او را چہار پسر بیاید و اگر بیند کہ بند از پائی او بر داشتہ اند دلیل بود کہ از غمہا فرج یابد و اگر امیری بیند کہ پائی او در بند و زنجیر بود دلیل بود کہ او را از ترسایان منفعت رسد و بعضے از معبران گویند کہ کار وی آسان گردد و اگر بیند کہ بند او از سیمین بود دلیل بود کہ زنے بنکاح خواہد یا بزنی عاشق گردد و اگر بیند کہ بند او زرین بود دلیل کہ بسفر شود و یا بیمار گردد و اگر بیند کہ بند او آہنین بود دلیل کہ سفر دور کند جابر مغربی گوید کہ بند در خواب ثبات دین بود لقول جناب پیغمبر کہ فرمودند اُحِبُّ الْقَیْدَ فِی النَّوْمِ وَلَا اُحِبُّ الْغُلَّ لِاَنَّ الْقَیْدَ ثَبَاتٌ فِی الدِّیْنِ یعنی دوست دارم پائی بند را در خواب و غل را دوست ندارم زیرا کہ بند پائی بندگی بود در دین حضرت صادق علیہ السلام فرماید کہ دیدن بند در خواب بر چہار وجہ بود اول کفر دویم نفاق سیوم بخل چہارم از معیشت دست برداشتن و بعضے از معبران گویند کہ غل در دست بخواب دیدن پادشاہ ظالم را کوتاہ دستی بود از ظلم بندہ ابن سیرین گوید کہ ہر کہ بندہ نابالغ را بخواب بیند کہ بالغ شدہ است دلیل بود کہ آزاد گردد و اگر کسے بیند کہ بندۂ خود را آزاد کرد دلیل بود کہ زود از دنیا برود و اگر بندہ را بیند کہ خواجہ را بفروخت دلیل بود کہ غمگین و مستمند گردد و اگر بیند کہ بندہ را بفروخت دلیل بود کہ شادمان گردد **بنفشہ** محمد بن سیرین گوید بنفشہ در خواب دیدن بوقت خود دلیل بود کہ از زنی یا کنیزکی چیزی بدو رسد یا او را فرزندی آید و اگر ویرا از درخت خویش جدا بیند دلیل بود کہ غم و اندوہ خورد کرمانی گوید کہ اگر زنے بیند کہ بنفشہ از درخت بکند و بشوہر خویش داد دلیل بود کہ شوہر او را طلاق دہد و اگر بیند کہ کسے دستۂ بنفشہ بدو داد دلیل بود کہ میان ایشان مفارقت افتد جابر مغربی گوید کہ درخت بنفشہ در خواب کنیزکی بود بدخوی و ناسازگار **بنیاد نہادن** ابن سیرین گوید اگر کسے بیند کہ بنیاد نو نہادہ فائدۂ دنیائی وی بیند از خاص و عام بقدر آنکہ دیدہ بود و اگر بیند کہ بنیادی نہاد در جائی مجہول و نداند کہ از آن کیست دلیل کند کہ ضایع بود در کار دین و دنیا و اگر بیند کہ بنیاد را بر زمین و ملک خود نہاد دلیل بود کہ فایدہ روزی حلال یابد کرمانی گوید اگر بیند کہ بنیاد از خشت پختہ و گچ نہاد دلیل بود کہ مال او از حرام حاصل گردد و اگر بیند کہ بنیادی از خشت خام بر ہوا نہاد دلیل بود کہ ہمہ او بلند بود در کار دین و اگر بیند کہ بنیاد دیوار از خشت پختہ نہاد و بر آورد دلیل بود کہ در اصل و کارہائی دنیا مغرور بود و اگر بینندۂ خواب بنا کردہ بود در میان دستاند دلیل بود کہ منفعت یابد و اگر بیند کہ بنیاد را از خشت پختہ بر آورد دلیل بود کہ منفعت یابد از پادشاہ و اگر بیند کہ بنیاد از خشت خام و گل بر آورد دلیل بود کہ منفعت از مردم عام یابد حضرت صادق علیہ السلام فرماید کہ اگر کسے بیند کہ شہری بنا کرد دلیل بود کہ جماعتی از مردمان را در پناہ خود گیرد و اگر بیند کہ قلعہ بنا کرد دلیل بود کہ از شر دشمنان ایمن گردد و اگر بیند کہ گوشکے بنا کرد دلیل بود کہ بکار دنیا مشغول گردد و اگر بیند کہ سرائی بنا کرد و در وی بنشست دلیل بود کہ نفعہا و چیزہا بیند و اگر بیند کہ مسجدی را

بناکردن دلیل بود که جمعی را بکار صلاح جمع آورد و اگر بیند که بنای منارهٔ نهاد دلیل بود که نام او بخیرات منتشر گردد و اگر بیند که طرازی بناکرد دلیل بود که زنی خواهد و اگر مادهٔ بناکرد دلیل که در غم و رنج افتد و اگر بیند که باغی بناکرد دلیل بود که زنی توانگر یا پرستار خواهد و اگر بیند که گورستانی را بناکرد دلیل بود که بکار آخرت مشغول گردد و اگر بیند که قبه بناکرد دلیل بود که قدر و منزلت جوید بدانکه هر بنیادی که بنهد و تمام کند دلیل بود که کار دنیا و دین او تمام گردد و اگر بیند که آن بنا تمام نکرد کارش ناتمام بماند **پنیر** محمد بن سیرین گوید که پنیر در خواب اگر خشک بود مال اندک بود که از سفر حاصل گردد بیننده خواب را و پنیر تر مال بسیار بود که در حضر بدست آید جابر مغربی گوید که پنیر تر مال و نعمت بود که بآسانی بیابد و پنیر خشک سفری بود باندک منفعت اگر کسی بخواب بیند که نان با پنیر میخورد دلیل بود که در سفری او را مالی اندک باغم و اندوه حاصل گردد و بعضی از معبران گویند که علتی بدو رسد لکن از آن زود خلاص گردد **په** بدانکه استادان این فن در تاویل به در خواب دیدن خلاف است بعضی گویند که مهتری بزرگ یابد و از آن خیر و منفعت بیند و ثنای نیکو و بعضی گویند که فرزند بود و بعضی گویند که بیماری بود و آنکه حکم بیماری کرد چنین گوید که آن چون بگونهٔ زرد است دلیل بر بیماری کند و آنکه گوید که سفری دراز بود با رنج تن بدان معنی که گفت جبرئیل ع آدم را ع در وقت بیرون آمدن از بهشت به بوی داد حکم بسفر دراز با غم و اندوه و رنج زیرا که سفر آدم از بهشت بدنیا بود با چندین غم و اندوه که بوی رسید و آنانکه حکم وی بفرزند کرده اند بدان معنی که گفتند که چون آدم ع علیه السلام بدنیا آمد از خوردن آن منی وی زیاده شد لاجرم از وی چندین فرزندان در وجود آمدند و آنانکه گفتند که از مهتر بزرگ خیر و منفعت بیند یا ثنای نیکو بدان معنی گفتند که دهندهٔ آن جبرئیل ع بود و ستانندهٔ او آدم علیه السلام و از بوی خوش ثنای نیکو بود و چنان دانید که هر خوابی که استادان بتعبیر کرده اند از گزاف نگفته اند ابراهیم گوید به بخواب بیماری بود خواه بیوقت و خواه بوقت و هر چند که بگونهٔ زردتر بود بیماری صعب تر بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن به بخواب چون بوقت خود بود بگونهٔ سبز بود تا ویل فرزند بود و چون نه در وقت خود بیند که بگونهٔ زرد بود بیماری بود **بهار** ابن سیرین گوید که بهار در وقت بهار پادشاه بود اگر در خواب بیند که فصل بهار بود و هوا معتدل چنانکه از گرمی و سردی مردمان را مضرت و رنج رسیدی دلیل بود که اهل آن دیار را از پادشاه رنج و مضرت رسد و بیند و اگر بیند که هوا معتدل بود و چنان خرم گشته از گل و شگوفه مردم را هیچ رنج و مضرت نبود دلیل کرد مردم آن دیار را از پادشاه خیر و منفعت رسد و اگر بهار را بوقت خود با اعتدال بیند دلیل که جاه و عزت و رفعت بود و مردم عامه را از پادشاه قوت و نصرت بود دلیل و الصاف پادشاه بود و تا ویل فصل با پنیر بهمن بود.

بهشت ابن سیرین گوید که بهشت بخواب دیدن دلیل خرمی و فرده بود از خدای تعالی قوله تعالی اُدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمنین و اگر بیند از میوهای بهشت فرا گرفت یا کسی بوی داد و بخورد دلیل بود که آن قدر که میوه بهشت خورده بود علم و دانش آموزد و سیرت دین بداند لیکن سود ندارد و اگر بیند که با حوران بهشت همی بود دلیل بود که نزع بروی

آسان گردد واگر بیند که در بهشت مقیم شود لیکن ویرا نگذاشتند دلیل بود که در دنیا میلش بفساد و عصیان بود واگر بیند که در بهشت بر روی او بسته گردید دلیل بود که مادر و پدر از وی ناخوشنود باشند واگر بیند که به نزدیک بهشت شده باز گردید دلیل بود که بیمار گردد بحال مرگ لیکن از آن شفا یابد واگر بیند که فرشتگان دست ویرا گرفتند که در بهشت برند و آن برفت و در زیر درخت طوبی بنشست دلیل بود که مراد و جهانی یابد قوله تعالی طُوبیٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ واگر بیند که ویرا از خوردن شراب و شیر منع میکردند دلیل بود بر تباهی دین وی قوله تعالی وَمَنْ یُشْرِكْ بِاللّٰهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللّٰهُ عَلَیْهِ الْجَنَّةَ واگر بیند که از میوهای بهشت کسی بدو داد دلیل بود که آن کس را از علم وی بهره بود واگر بیند که در بهشت آتش انداخت دلیل بود که از باغ کسی بحرام چیزی خورد واگر بیند که از حوض کوثر آب خورد دلیل بود که بر دشمن ظفر یابد واگر بیند که کوشکهای بهشت رایحی بوی دادند دلیل بود که دلارامی یا کنیزکی بزنی بخواهد جابر مغربی گوید اگر بیند که رضوان در برابر او خرم و شادمان بود دلیل کند از کسی خرم و شادمان گردد و نعمت یابد قوله تعالی سَلَامٌ عَلَیْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِینَ واگر بیند که بر جایگاه بلند نیکو بود که صورت بهشت دانست و او پنداشت که بهشت است دلیل بود که با پادشاه عادل پیوندگیرد یا با توانگری یا با عالمی بزرگوار و اگر بیند که سوی بهشت میرفت دلیل بود که براه حق پیوسته بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بهشت در خواب بر نه وجه بود اول علم دوم زهد سیوم سنت چهارم شادی پنجم بشارت ششم ایمنی هفتم خیر و برکت هشتم نعمت نهم سعادت و اگر بخواب بیند که در بهشت بود دلیل مرادات دو جهانی بود و بدست او خیرات بسیار رود اما چون مصلح بیند دلیل بود که به بیماری یا به بلائی مبتلا گردد چنانکه ثواب اهل بهشت بیابد و عالم گردد و مردمان از علم او منفعت یابند **پهلو** ابن سیرین گوید پهلو در خواب زن بود و اگر بیند که پهلوی چپ او آماس کرده دلیل بود که زن و کنیزک او هر دو آبستن شوند و اگر بیند که پهلوی او سرخ شده بود و پارهٔ گوشت خون آلود از پهلوی او بیفتاد دلیل بود که زن او بچه بهنگام بیفگند و اگر بیند که هر دو دست بر پهلو نهاده بود دلیل بود که ویرا غمی سخت رسد کرمانی گوید اگر کسی بخواب بیند که استخوان پهلوی او شکسته بود دلیل بود که از پدر یا مادر یا عیال غم و اندوه بدو رسد و اگر بیند که پوست پهلوی چپ وی جدا شد و بیفتاد دلیل بود که مال و عیالش هر دو تلف گردند و اگر بیند که هر دو پهلوی او زرد شده بود دلیل که عیالش رنجور گردد و اگر بیند که در پهلوی او سوراخ شده بود و از ان گوهری یا لولوئی بیفتاد دلیل بود که او را فرزندی عالم آید پارسا و اگر بیند که هر دو پهلوی او فراهم آمد دلیل بود که ویرا غم و اندوه رسد و اگر بیند که پهلوی وی قوی و بزرگ شده بود دلیل بود بر درستی دین و قوت عیال او و اگر بیند که پهلوی وی کوچک و ضعیف بود تاویلش بخلاف این بود که گفتیم جابر مغربی گوید که پهلوها در خواب دلیل بر زنان بود زیرا که زنان از پهلوی مردان آفریده شده اند پس هر خیر و شر که در پهلو بیند تاویل آن بر زنان باز گردد و اگر بیند که او را پهلوهای بسیار بود دلیل بود که بقدر آن زنان و کنیزان حامل گردند و اگر بیند که از پهلوی او ماری

بیرون آمد دلیل بود که اورا فرزند آید حضرت صادق فرماید که دیدن پهلو در خواب پرنج وجه بود اول زن دویم دختر سیوم
کنیزک چهارم خادم پنجم پیره زنی که در خانه بود **بوتیمار** را ابن سیرین گوید که بوتیمار در خواب روزی بود و مال حلال که از زن بدو
رسد و اگر بیند که بوتیمار را بگرفت یا کسی بدو داد دلیل بود که بقدر آن از زن مال بخورد کرمانی گوید و اگر بیند که بوتیمار را کشت
و از گوشت وی بخورد دلیل بود که بقدر آن از مال زن بخورد کرمانی گوید که بوتیمار دیدن در خواب دلیل بود بر بزرگی و اگر بیند که
بوتیمار را بگرفت و در خانه آورد دلیل بود که از خویشان خود زنی خواهد و از وی منفعت حاصل کند **بوریا** ابن سیرین گوید
اگر کسی بوریا کند بر مردی سفله و خسیس بود و نیز دلیل بود بر آنکه زن خواهد بی اصل و ضعیف حال و از مردم ملامت یابد و اگر بیند
که بوریا بیافت و سپری شد دلیل بود که شغل خویش را تمام کند و اگر بیند که بوریا از برای خانه می بافت دلیل کند که بکد خدائی
خود مشغول گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که بوریا داشت یا کسی بدو داد دلیل بود که او را از زنی منفعت رسد بقدر کوچکی و بزرگی
بوریا حضرت صادق علیه السلام فرماید که بوریا در خواب بر سه وجه بود اول منفعت دویم خواستن زن سیوم بکد خدائی
خود مشغول بودن **بوزینه** ابن سیرین گوید که بوزینه در خواب دلیل بر دشمنی فریبنده ملعون بود اگر بیند که با بوزینه نشسته بود
و آن بوزینه مطیع او بود دلیل بود که بر دشمن غالب گردد و او را قهر کند و اگر بیند که با بوزینه نبرد میکرد و از وی خیره شد
دلیل بود که بیمار گردد و از آن شفا نیابد یا عیبی بر تن او پدید آید که از آن خلاصی نیابد کرمانی گوید اگر بیند که بوزنه را
بکشت دلیل بود که بر دشمن قهر کند و اگر بیند که گوشت او را بخورد دلیل بود که در رنجی و عیبی گرفتار آید و اگر بیند که
کسی بوزنه بوی بخشید دلیل بود که کسی دشمنی او ظاهر کند جابر گوید اگر کسی بیند که بوزنه را بکشت دلیل بود که بیمار گردد
و زود شفا یابد و اگر بیند که بوزنه بر اسپ نشسته بود دلیل بود که جهودی با زن او فساد کند و بوزنه ماده زنی مفسده
جادو بود و اگر بیند که بوزنه بخانه درآمد دلیل بود که در آن خانه زنی او را جادو کند و اگر بیند که بوزنه با وی سخن گفت
دلیل بود که زن با وی در آن زیانی کند و اگر بیند که بوزنه او را بگزید دلیل بود که بیمار گردد یا از عیال خود دشنام شنود
و اگر بیند که بوزنه بوی چیزی داد یا بخورد دلیل بود که مال خویش را بر اهل بیت هزینه کند **پوست** دانیال گوید که
پوست تن مردم در خواب آرایش و کد خدائی مردم بود ابن سیرین گوید اگر بیند که پوست مردم ستر و مال و برکت بود اگر
کسی پوست تن خود را برخواسته بیند و افتاده دلیل بود که ستر در ازوی کشاده گردد و مال او تلف گردد و اگر پوست
تن خود را کبود یا سیاه بیند دلیل بود که غم و اندوهی بوی رسد و اگر بیند که پوست پایش روشن بود دلیل بود که کارش
خواسته گردد کرمانی گوید که پوست جمله چهارپایان بخواب دیدن مال بود و پوست شتر میراث بود از مردی بزرگ و
پوست گوسفند صاحب را روزی بود و اگر پوست درخت سبز بیند خداوندش روزه دار بود و اگر بیند که پوست
از مسلوخ باز کرده دلیل که از آن کس که بدان منسوب بود مالی بستاند و اگر بیند که سرای نباکرده را پوست باز کردن
دلیل بود که اگر آن کس قصاب بود در سرای او دیوار نهند و اگر معلم بود بر کودکان ستم کند جابر مغربی گوید اگر بیند که

پوست کوی باز میکرد دلیل بود کہ آن کس شغلہای کہن وچیزہای تباہ شدہ را بصلاح باز آورد واز جہت پادشاہ میانجی کند چون امیران وبزرگان لشکر پادشاہ خلاف کنند در کارہای بسیار **پوستین** ابن سیرین گوید اگر کسے در خواب بیند کہ پوستین پوشیدہ بود وقت زمستان بود دلیل بود کہ چیزی بوی رسد کہ وجہ معیشت او بود واگر وقت تابستان بود ہمین دلیل کند لیکن بسر انجام غمناک گردد کرمانی گوید اگر بیند کہ پوستین برہ یا بز غالہ داشت دلیل بود کہ زنی تو انگر خواہد واز ان مال یابد واگر بیند کہ پوستین سمور پوشیدہ داشت دلیل بود کہ زنے بخواہد کہ تو انگر ومالدار بود واگر بیند کہ پوستین رو باہ از تو پوشیدہ داشت دلیل بود کہ زنے خواہد تو انگر وپارسا لیکن فریبندہ وحیلہ گر بود واگر بیند کہ پوستین خرگوش پوشیدہ داشت دلیل کہ زنی نابکار بدفعل بخواہد واز وزحمت بیند واگر بیند کہ پوستین سنجاب پوشیدہ داشت دلیل بود کہ زنے ناسازگار بزنی بخواہد واگر بیند کہ پوستین گربہ پوشیدہ بود دلیل بود کہ زنے بدخو بزنی بخواہد ودزد ولی امانت بود واگر بیند کہ پوستین وشق پوشیدہ بود دلیل بود کہ زنے اصیل دین دار بزنی کند واگر بیند کہ پوستین موش پوشیدہ داشت دلیل کہ زنی پلید بزنی بخواہد واگر بیند کہ پوستین وی دریدہ یا سوختہ یا ضایع شدہ بود دلیل بر غم واندوہ ونقصان مال بود **بوسہ دادن** ابن سیرین گوید اگر کسے بیند کہ کسے را بوسہ داد دلیل بود کہ آن کس را دوست وخواستگار بود واگر آن کس مجہول بود دلیل کہ از جائی کہ طمع ندارد خیر ومنفعت بیند واگر بیند کہ معروفی او را بوسہ میداد دلیل است کہ از آن کس خیر ومنفعت بیند کرمانی گوید اگر بیند کہ مردہ را بشہوت بوسہ میداد دلیل بود کہ از بہر مردہ خیر کند یا او را بدعائی خیر یاد آورد واگر بیند کہ مردہ وی را بوسہ میداد دلیل بود کہ طالب وخواستگار وی بود واگر بخلاف این بیند دلیل بود کہ مراد ومقصود نیابد حضرت صادق علیہ السلام فرماید کہ بوسہ دادن در خواب دلیلش بر چہار وجہ بود اول خیر ومنفعت دویم حاجت روائی سیوم بر دشمن ظفر یافتن چہارم سخن خوش شنیدن **بوق زدن** ابن سیرین گوید اگر کسے بخواب بیند کہ بوق میزد وبوق زدن را میدانست دلیل بود کہ مردم را از سر خود آگاہ کند واگر بیند کہ بوق میزند دلیل بود کہ در میان مہتران دروغ گوید وآن دروغ را بسوگند راست کند وبعاقبت ظاہر گردد کہ آن دروغ بود جابر مغربی گوید کہ بوق زدن بتاویل مردان را مصیبت بود وزنان را رسوائی وظاہر شدن راز ایشان حضرت صادق ع فرماید کہ بوق زدن در خواب بر چہار وجہ بود اول خبر دروغ دویم سخن مکروہ سیوم ظاہر شدن راز چہارم معصیت بود **پل ساختن** ابن سیرین گوید کہ پل در خواب پادشاہ بود یا مردی بزرگ کہ مردمان بسبب او بمراد برسند کرمانی گوید کہ پل در خواب تاویلش آن بود کہ نیکو باشد اگر بیند کہ از پل بگذشت دلیل بود کہ از پادشاہ او را عز وجاہ رسد واز وی منفعت بیند واگر بیند کہ بنیادی بر پل می نہاد وعمارت میکرد دلیل بود کہ ولایت وپادشاہی یابد ومال بسیار او را جمع گردد وقولہ تعالی وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ حضرت صادق علیہ السلام فرماید کہ پل در خواب بر چہار وجہ بود اول مردی بود کہ ہمہ مردمان را بکار آید وحاجت ہمہ کس روا کند دویم پادشاہ سیوم نیکوئی وکامرانی یافتن چہارم مال

بوسہ دادن

بوق زدن

پل ساختن

بسیار حاصل کردن اگر بیند که پل بفتاد و خراب شد دلیل بود بر تباهی حال پادشاه و نقصان ملک او بوم بخواب دیدن
مردی دزد ناکار مفسد بود و حسود اگر بیند که با بوم جنگ میکرد دلیل بود که او را با مردی جنگ و خصومت افتد و دیگر
بهمه حال دیدن بوم نیکو نباشد جابر مغربی گوید اگر بیند که بومی داشت یا کسی بدو داد دلیل بود که مردی دزد را قهر کند و اگر بیند
که گوشت بوم میخورد دلیل بود که بقدر آن گوشت مال از مردی دزد بخورد و اگر بیند که بچه بوم داشت دلیل کند که غلام کوچک
دزد یا شاگردی از دزد او را حاصل گردد **بوی‌های خوش** ابن سیرین گوید که بوی‌های خوش و ناخوش ثنای نیک و مدح
و ذم و سخن ناصواب بود اگر بیند که بوی خوش شنید دلیل بود که او را نکوهش کنند و اگر در خواب بوی خوش بسیار شود
دلیل بود بر مرگ زیرا که مرده را از بوی خوش و حنوط ناگزیر بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که او را خوشبوی کردند دلیل بود
که او را ستایش کنند و ثنا گویند و اگر بخلاف این بیند دلیل بود که او را پیش مردم عیب و نکوهش کنند و نام او در شتی
منتشر گردد **پلی** ابن سیرین گوید که پلی در خواب جمع کننده حال و کار او بود اگر بخواب بیند که پلی بر اندام او خشک شد یا
بگسست دلیل بود که دوستی که جمع کننده حال و کار او بود از او غایب گردد یا از دیار رحلت کند اگر بیند که پیها بر تن
او خشک شدند دلیل بود که از دوستان مفارقت جوید کرمانی گوید که پیهای تن دلیل بر خویشان و اهل بیت بود اگر
بیند که پیهای او درشت و قوی بودند دلیل بود که خویشان و اهل بیت او بد حال و ضعیف گردند **بیابان** دانیال گوید
که بیابان در خواب متمت و روزی بود بقدر بزرگی و فراخی آن اگر بیند که در بیابان تنها بود دلیل کند که از کسب خویش
مال فراوان حاصل کند اگر بیند که با گروهی در بیابان میگشت دلیل بود که مال و نعمت بسیار از سفر حاصل کند و روزی بروی
کشاده گردد ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که از بیابان بیرون آمد دلیل بود که از غم و اندوه رسته گردد و اگر بیند که در بیابان
شد دلیل بود که غمگین و مستمند گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بیابان در خواب بر چهار وجه بود اول
روزی و قسمت دویم حیرت و سرگشتگی سیوم عنا و رنج چهارم بیم و خطر و هلاک مگر از وی زود بیرون آید **پیاز**
کرمانی گوید که پیاز در خواب دیدن مال حرام بود و سخن ناخوش و زشت اگر بیند که خواب مصلح و مستور بود و بهد خود را
از خوردن آن دفع کند و اگر بیند که خواب مصلح نباشد دلیل کند که مال حرام جمع کند و پوسته در وی سخنان زشت
گویند خاصه چون پیاز سرخ بود و اگر پیاز پخته خورد دلیل بود که سرانجام از حرام خوردن توبه کند و به خدای تعالی باز گردد
حضرت صادق ع فرماید که پیاز در خواب خوردن بر سه وجه بود اول مال حرام دویم غیبت و سخن زشت سیوم پشیمانی در کارها
پیاله محمد بن سیرین گوید که پیاله در خواب کنیزک بود که با وی عشرت و طرب کند اگر بیند که از پیاله آب یا جلاب میخورد
دلیل بود که با کنیزکی بجلال جمع شود و از وی فرزند مصلح بیاورد و اگر بیند که آن جلاب یا آن آب از پیاله بر یخت
دلیل بود که فرزندی وی بمیرد حضرت صادق علیه السلام فرماید که پیاله در خواب بر دو وجه بود اول کنیزک دویم خادم
پیراهن دانیال گوید که پیراهن سفید در خواب دیدن مرد بود و بعضی از معبران گویند که پیراهن زن بود و دلیل

حال

حال وکار او بود در کسب معیشت اگر بیند که پیراهن نو و فراخ پوشیده بود دلیل بود بر صلاح کار و نیکوئی احوال و اگر بیند که پارهٔ از پیراهن او دریده بود تا ولیش میانه بود در نیکی و بدی و اگر بیند که پیراهن وی کهن و چرکن بود دلیل بود که درویشی و بیچارگی و رنج و غم بدو رسد و هر چند پیراهن را کهنه تر و دریده تر بیند بلا و مصیبت و بیمش بیشتر بود که خداوند خواب هلاک گردد و اگر کسی بیند که پادشاه او را پیراهن خود داد و پوشید دلیل بود که پادشاهی از وی بستاند کرمانی گوید که اگر کسی بیند که پیراهن نو پوشیده بود دلیل بود که بظاهر نیکو بود و بباطن بد و اگر بیند که پیراهن و شلوارش جمله چرکین بود و کهن دلیل بود که اگر توانگر بود درویش گردد و در غم واندوه گرفتار گردد و جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که پیراهن نو و فراخ پوشیده داشت دلیل بود که عیش بروی فراخ گردد و اگر بیند که پیراهن تنگ بود دلیل بود که عیش بروی تنگ گردد و اگر بیند که پیراهن او دریده بود دلیل بود که رازش آشکار گردد و اگر بیند که پیراهن بی گریبان بود و بی آستین و یکدرز بود و پوشیده دلیل بود که اجلش نزدیک آمده باشد و اگر بیند که پیراهن دراز داشت دلیل که کارش بدگردد و مرادش برآید و اگر بیند که گریبان پیراهن از سوی پس دریده بود دلیل بود که او را بدروغ تهمت نهند قوله تعالیٰ وَاِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ و اگر بیند که پیراهن بکسی داد و آن کس پیراهن را بوی فرو مالید دلیل بود که نعیم گردد و از جایگاهی او را بشارت رسد قوله تعالیٰ اِذْهَبُوا بِقَمِيصِي هٰذَا فَاَلْقُوهُ عَلٰى وَجْهِ اَبِي يَاْتِ بَصِيرًا و اگر بیند که پیراهن خون آلود در دست داشت دلیل بود که روزگار دراز در غم واندوه بماند و اگر بیند که پیراهن دریده پوشیده بود دلیل بود که کارش پرآگنده گردد و رازش آشکارا شود حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن پیراهن در خواب چون نو و فراخ بود دلیلش بر شش وجه بود اول دیدن مردم دویم ستر سیوم عیش خوش چهارم ریاست پنجم راستی و خرمی ششم بشارت **بیت المعمور** خانهٔ ایست در آسمان چهارم برابر کعبه و آن جمع گاه فرشتگان بود ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در بیت المعمور شد دلیل بود که در میان مردم به امانت یا بعلم ظاهر گردد و حج کند و از شر دشمنان ایمن گردد و اگر بیت المعمور را بر زمین بیند دلیل بود که بپادشاه عالم عادل پیوسته گردد و اگر بیند که در بیت المعمور خانه ساخت یا بخفت دلیل بود که اجل وی نزدیک آمده باشد و اگر بیند که پیرامن بیت المعمور طواف میکرد همین دلیل بود که از دنیا رحلت کند و اگر بیت المعمور را بکردار مسجدی دید و در وی نماز کرد دلیل بود که همه حاجات او روا گردد کرمانی گوید اگر کسی بیند که از زمین تا بیت المعمور راه گشاده بود دلیل بود که مردمان در آن سال حج و عمره بسیار کنند و اگر بیند که بیت المعمور آراسته است و فرشتگان بروی طواف میکردند دلیل بود که علما و اهل دین بنظام شوند و عز و جاه یابند **پیرایه** ابن سیرین گوید که پیرایه در خواب دلیل بر مال و زینت زنان و کنیزک کند بر قدر و قیمت پیرایه که دیده بود کرمانی گوید اگر بیند که پیرایهٔ وی آراسته بود بجواهر و پوشیده بود دلیل بود که بقدر آن او را مال حلال حاصل گردد و اگر بیند که پیرایهٔ او ضایع گردید دلیل بود که او را غم واندوه رسد و اگر مردی بیند که پیرایهٔ زنان داشت

دلیل بود که غمگین گردد **پیروزه** ابن سیرین گوید که پیروزه در خواب دیدن ظفر و قوة و حاجت روائی بود و اگر بیند که پیروزه از وی ضایع گردید دلیل بود که مرادش برنیاید جابر مغربی گوید اگر بیند که پیروزه بخرد دارد دلیل بود که بقدر آن او را مال حاصل گردد و شرف و بزرگی یابد حضرت صادق رضی الله عنه فرماید که دیدن پیروزه در خواب بر چهار وجه بود اول ظفر و نصرت دویم حاجت روائی سیوم قوت چهارم ولایت **پیر شدن** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که پیر گردید دمی سن او سفید شد دلیل که عز و شرف یابد و اگر پیری مجهول را بیند که خرم و شادمان بود دلیل که از دوستی مرادهای او برآید و از غم رسته گردد و اگر پیری معروف را بیند که خرم و شادمان بود دلیل بود که از وی چیزی بدو رسد و اگر او را ترش روی و غمگین بیند دلیلش بخلاف این بود جابر مغربی گوید اگر پیری را بیند که جوان شد دلیل بود که در عز و بزرگی او نقصان باشد و در دنیا مغرور گردد و اگر جوانی یا کودکی بیند که پیر شد دلیل بود که عز و بزرگی یابد و بکار آخرت مشغول گردد **پیسی** ابن سیرین رح گوید که پیسی در خواب مال و توانگری بود و اگر بیند که تن او پیس گردید دلیل بود که بقدر آن او را مال و نعمت حاصل گردد و بعضی از معبران گویند که پیسی در خواب میراث بود حضرت صادق ع فرماید که پیسی در خواب بر چهار وجه بود اول مال دویم میراث سیوم منفعت چهارم پدید آمدن کار مشکل جابر مغربی گوید اگر بیند که با مردی پیس او را صحبت بود اگر آن مرد مصلح و مستور بود دلیل بود که او را منفعت آخرت بود و اگر آن مرد مفسد و بخیل دلیل بود که او را از حرام منفعتی رسد **پیشانی** ابن سیرین گوید که پیشانی در خواب قدر و جاه مردم بود زیرا که موضع سجدهٔ باری تعالی است و بعضی گویند که پیشانی دلیل بر فرزند بود که از اهل بیت او تواند گردد و اگر بیند که بر پیشانی او نشانی بود دلیل که خداوندش در پاک دینی و پرهیزگاری مشهور گردد و اگر بیند که کسی زخمی بر پیشانی او زد و خون روان شد دلیل بود که قدر و جاهش زیاده گردد و اگر بیند که پیشانی او کوچک گردید تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که پیشانی او از حال خود بگشت دلیل بود که زیانی بوی رسد و اگر بیند که بر پیشانی او مورسته است دلیل بود که وام دار گردد و اگر بیند که آن موی سرخ یا سفید بود دلیل بود که آن معاش از جهت عیال بود و اگر بیند که پیشانی او آماس داشت دلیل بود که معاش زیاده گردد و اگر بیند که از پیشانی او مار یا کژدم یا چیزی دیگر بیرون آمد دلیل بود که بقدر آن او را الم و گزند از دشمنان رسد جابر گوید اگر کسی بیند که بر پیشانی یک چشم داشت دلیل بود که بکار کد خدائی او پندار گردد و اگر بیند که در پیشانی چشمهای بسیار داشت همین دلیل کند که او را در مصالح خود پنداری تمام بود و اگر بیند که بر پیشانی وی خطی سبز نوشته بود دلیل بود که او را فرزندی آید عالم و پرهیزگار و اگر بیند که بر پیشانی وی آیت رحمت نوشته است دلیل بود که عاقبت را محمود کند و مرگ او بر شهادت بود و اگر بیند که بر پیشانی او آیت عذاب نوشته است دلیل بود که عاقبتش محمود نباشد و تاویل بخلاف این بود حضرت صادق ع فرماید که دیدن پیشانی در خواب بر شش وجه بود اول جاه و قدر دویم عز و بزرگی سیوم فرزند توانگر چهارم معیشت پنجم ریاست ششم خود و نیکی **پیشی گرفتن** ابن سیرین گوید اگر بیند که در کاری پیشی گرفت یا بر کسی از کارهای دین مثل عبادت یا حج و غزا و آنچه بدین ماند دلیل بود که در آخرت

رستگاری یابد و او را نزد خدا یتعالی ثواب بود و اگر کسی بر کار دنیائی پیشی گرفت دلیل بود که عز و اقبال و مال یابد حضرت صادق علیه السلام فرماید که پیشی گرفتن در خواب در کارهای خیر صلاح دو جهانی بود اگر بیند که پیشی گرفت در کار شر و فساد دلیل کند بر فساد دو جهانی **پیشه** ابن سیرین گوید که پیشه در خواب دیدن اگر بیند که پیشه خود را رها کرد و به پیشه ازان بهتر مشغول گردید دلیل بود که کارش و حالش بهتر گردد و در کسب و کار روی نیکی پدید آید و اگر بیند که پیشه‌های گوناگون همی کرد اگر آن پیشه‌ها نیکو بود دلیل بر خیر و نیکوئی کار کند و اگر بد بود دلیل کند بر شر و بدی و اگر بیند که بعضی از پیشه‌ها بد بود و بعضی نیک هر کدام قوی‌تر بود حکم بدان کند ابن سیرین گوید که پیشهٔ درختان در خواب زنی بود دیبا بافی اگر بیند که در بیشه شد و آن بیشه سبز بود و درختان میوه دار در آن بود خاصه در وقت آن و از میوهٔ آن بیشه همی خورد دلیل بود که زنی خواهد که اصل او دیبا بافی بود یا کنیزکی خرد که در بیابان او را پرورده باشند و از ان زن او را خیر و منفعت رسد و اگر آن بیشه را خالی از آنها دید دلیل بر شر و مضرت کند و اگر بیند که در آن بیشه بجای درختان خار بود و از ان خارها او را گزند رسید دلیل کند که او را غم و اندوه بجهت زنان رسد حضرت صادق ع گوید که دیدن بیشه در خواب بر چهار وجه بود اول زن بیابانی دویم کنیزک سیوم منفعت چهارم غم و اندوه بود **بیع** ابن سیرین گوید اگر بیند که مصحف بفروخت دلیل بود که دین او نزد او حقیر بود و خوار اگر بیند که بندهٔ خویش را بفروخت دلیل بود که کار بر وی تنگ آید و ستمگر گردد و اگر بیند که زن خویش را بفروخت دلیل بود که حرمت و بزرگی او زایل گردد و زشت نام شود مگر بجز ازین زن که بفروخت او را زنی دیگر بود دلیل بود که کارش بصلاح باز آید کرمانی گوید هر چیز که در دین عزیز بود فروختن آن بخواب در کار بد بود و خریدن آن نیکو بود **پیکان** در خواب دیدن مردی بزرگ خطر بسیار بود اگر بیند که پیکانی تیز یافت یا کسی بوی بخشید دلیل بود بر درشتی کار که بدو رسد جابر مغربی گوید که دیدن پیکان در خواب قوة بود در سخنی که بیننده خواب با خصم گوید خاصه که پیکانش از پولاد و روشن بود و اگر شکسته یا زنگار گرفته بیند تاویلش بخلاف این بود **پیغمبر** بدانکه تاویل پیغامبران در فصل شانزدهم یاد کردیم از انجا مطالعه باید کرد **پیکر** ابن سیرین گوید پیکر بخواب زن بود اگر بیند که او را پیکری بود دلیل کند که زن خواهد و اگر بیند که پیکر از کسی بها بخرید دلیل بود که کنیزک خرد بخرد و اگر بیند که پیکری داشت و از وی ضایع شد یا از دست او بیفتاد و بشکست دلیل بود که زن را طلاق دهد یا زنش از دنیا رحلت کند و اگر چهرهٔ پیکر خود را بصورت دیگر بیند دلیل بود که احوالش بگردد هم بر آن هیئت که آن چیز رسیده بود کرمانی گوید اگر پیکر خویش را بصورت زشت بدل کرده بیند دلیل که حال او متغیر گردد و اگر بیند که بجمال و صورت خود بگردید دلیل بود که بجمال خود و بسوی خدا باز گردد و اگر پیکر خویش را باشکوه بیند دلیل بود که همه روی از وی بگردانند و بروی جفا کنند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که پیکر آدمی با پیکر حیوانی بدل همی کرد دلیل بود که آنکس بد مذهب و دروغگو بود یا در صفات خدای تعالی چیزی گوید و اگر بیند که پیکر کسی بگوزد دیگر که نه از جنس او بود گشت دلیل بود که بیننده را کار صعب

پدید آید و در آن متحیر بماند و صورت در خواب دیدن مردی بود که بر خدا تعالی دروغ گوید **پیل** ابن سیرین گوید که معبران گویند که فرق نیست بهیچ وجه میان خواب شب و خواب روز الا در پیل اگر کسی در خواب بیند که بر پیل نشسته است دلیل بود که زنی خواهد نا بکار و اگر این خواب را بروز بیند دلیل بود که زن را طلاق دهد یا کنیزک را بفروشد اگر بیند که پیل را بکشت دلیل کند که پادشاهی بر دست او کشته گردد یا حصاری محکم را بگشاید و اگر بیند که پیل پای بر سروی نهاد و او را بکشت دلیل بود که بهلاک نزدیک گردد و حالش بدگردد و اگر بیند که بر سر پیلی نشسته بود و آن پیل دیگری داشت دلیل بود که از خدمت پادشاه خویش بخدمت پادشاه دیگر شود کرمانی گوید اگر بیند که بر پیل نشسته بود و آن پیل صلاح داشت و نیک مطیع او بود دلیل کند که پادشاه عجم گردد و یا پادشاه عجم را قهر کند و اگر بیند که از گوشت پیل همی خورد دلیل بود که بقدر آن گوشت از پادشاه عجم مال و نعمت یابد و اگر بیند که از استخوان پیل یا از پوست او چیزی با خود داشت همین دلیل کند بر مال و نعمت که از پادشاه بدو رسد و اگر بیند که بهنگام رزم بروی نشسته بود دلیل بود که دشمنی بزرگ را قهر کند و برین قول قصه اصحاب الفیل را دلیل آورده اند و اگر بیند که از پشت پیل بیفتاد دلیل بود که در بلای سختی افتد اگر بیند که پیل در میان جنگ بیفتاد و بمرد دلیل بود که پادشاه آن دیار بمیرد جابر مغربی گوید اگر بیند که از بهر تماشا بر پیل نشسته بود و آن پیل بروی قادر بود دلیل بود که زن عجمی را بنکاح خود بخواهد و آن زن بروی قادر گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل بود که بر زن قادر گردد و اگر بیند که پیلی صلاح پوشیده بود و از آن شهر بشهر دیگر میرفت دلیل بود که بر مملکت آن دیار از پادشاه بپادشاهی دیگر افتد تا او را هلاک کند حضرت صادق ع میفرماید که دیدن پیل در خواب بر شش وجه بود اول پادشاه عجمی دویم مرد غلام سیوم مرد مکار چهارم مرد با قوت و هیبت پنجم مرد حسود ششم شمگاری خون

خواره **پیل گوش** گیاهی است که برگ بزرگ پهن دارد و آن را شنگوفه زرد است دیدن آن در خواب زنی بود خادمه و بی اصل دون همت اگر کسی بخواب بیند که پیل گوش داشت یا کسی بوی داد دلیل بود که او را چنین زنی صحبت افتد

پیلور ابن سیرین گوید که پیلور در خواب مانند طبیب بود و مانند فقیه زیرا که طبیب بیماران را معالجه کند و فقیه مردمان را راه دین نماید و که پیلور دارو ها را فروشد و ازین هر سه بمردمان خیر و راحت رسد بدین سبب دلیل بر خیر و سعادت کند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که پیلوری همی کرد دلیل بود که از ان کس خیر و منفعت بهر کس برسد و نامش بنیکی در ان دیار منتشر گردد **پیل** ابن سیرین گوید که پیل در خواب خادمی بود که کارها کند کرمانی گوید که پیل در خواب خادمی بود که کارها بنفاق کند و بعضی گویند که پیل در خواب کاری بود که از رنج و عنا حاصل گردد و اگر کسی بیند که پیل دارد و از ان کاری کند دلیل بود که آن کار تمام گردد و اگر بدان کار نکند دلیل بود که آن کار بریده گردد **بیماری** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که بیمار است دلیل بود که دین او بفساد بود و گفتار او با مردم بنفاق بود و بعضی گویند که در آن سال بمیرد و اگر بیند که از بیماری تندرست شده بود و در خانه بنود و با کس سخن بنگفت دلیل کند که بیماری

بروی دراز گردد و برخطر بوده باشد که بمیرد اما اگر بیند که با مردمان مجالست میکرد و سخن میگفت دلیل کند که زود از بیماری شفا یابد کرمانی گوید اگر بیند از بیماری وی برهنه بود دلیل بود که زود بمیرد و معبران گفته اند که بیماری در خواب دلیل بر فسق و فجور کند و غم و اندوه که از قبل سلطان یا از قبل عیال بدو رسد جابر مغربی گوید که بیماریهای گوناگون در خواب دلیل بود بر خوار شدن فریضها و سنتها حضرت صادق ع فرماید اگر کسی بیند که بیمار بود و از علت خویش مینالید دلیل بود که از غم ایمن گردد و اگر از بیماری قانع و راضی و شاکر بود تاویلش به نیکی و صحت بود و اگر بیند که بیمار و برهنه بود دلیل که اجلش نزدیک آمده باشد قوله تعالی لقد جئتمونا فرادی کما خلقناکم اول مرة **پیمانه** ابن سیرین رح گوید که پیمانه در خواب میانجی بود و اگر بیند که پیمانه بشکند یا کسی بدو داد دلیل بود که راستی و انصاف کند در معامله و داد دوستان بحق کند و نظام کار او بود و انصاف در ایتی بود با مردمان خاصه چون پیمانه او شکست یا بسوخت دلیل بود که خداوندش را بیم مرگ بود اگر بیند که از پیمانه چیزی می پیمود اگر اهل علم بود دلیل که قاضی گردد و اگر از اهل علم نباشد دلیل که از بهر داوری تقاضی محتاج گردد و بقول دیگر پیمانه در خواب مردی بود راست گوی و منصف که داد مردمان دهد **بینی** دانیال ع گوید که بینی در خواب دلیل بر جاه و منزلت بیننده بود و هر زیاده و نقصان که در وی بیند دلیل قدر و جاه بر بیننده بود اگر بیند که بینی او کوتاه شده بود دلیل بود بر نقصان قدر و منزلت آن و اگر بیند که بینی آن افتاده بود دلیل کند که از جاه و منزلت بیفتد و اگر بیند که سوراخ بینی او فراخ شده بود دلیل بود که معیشت بروی فراخ گردد و اگر تنگ شده بود دلیل که معیشت بروی تنگ گردد ابن سیرین رح گوید اگر بیند که مغز از بینی او بیرون آمده بود دلیل بود که از مهتری منفعت یابد و اگر بیند که جانوری از بینی وی بیرون آمد چون کرم و مگس و مانند این دلیل بود که او را فرزندی آید و اگر بیند که در بینی او سوراخ بود و مهار در بینی او کرده بود دلیل بود که مردمان را تواضع کند یا بازنی بزرگ جمع گردد و از و مال و نعمت یابد و اگر بیند که بر بینی او بسته بود چنانکه دم زدن نتوانست دلیل بود که کار بروی بسته گردد و اگر بیند که سخن در بینی میگوید دلیل بود که دولتش زایل گردد و اگر بیند که پوست بر بینی او رفته بود دلیل بود که او را زیانی افتد جابر رح گوید اگر کسی در خواب بیند که از بینی او خون می آمد و معبر را گوید که بخواب دیدم که از بینی من خون می آمد دلیل که مال بسیار یابد اگر گوید که دیدم خون از بینی من میشد دلیل کند که مالش برود باید که چون سایل سخن گوید معبر بر لفظ او تعبیر کند و حدیث او را بقال نگاهدارد و اگر کسی بیند که هر دو سوراخ بینی او یکی شده بود دلیل بود که با زن عاقله جمع گردد و اگر بیند که بر بینی او بریده بود دلیل که فرزند خویش را خسته کند و بعضی گویند که در جاه و منزلت او نقصان شود جابر گوید اگر کسی بیند که چیزی بکراهت در بینی او شد دلیل بر خشم و تنگی بود اگر بیند که خون از بینی او بیرون آمد چنانکه جامه تن او خون آلود گردید دلیل بود که مالی حرام بوی رسد و اگر بیند که خون سبز و اندک از بینی او بیرون آمد دلیل بود که او را فرزند از شکم مادر بیفتد بقول معبران درویش گردد و اگر بیند که خون از بینی او بیرون آمد و خون آلود نگشت دلیل بود که فرزند یا زن از خانه بیرون کند یا بایشان گزندی رسد و اگر بیند که بینی او بر

برزمین افتاد دلیل بود که اورا دختری رسد واگر بیند که او بینی خود را همی شست دلیل بود که مردی زن اورا بفریبد واگر بیند که از بینی وی مرغی بیرون آمد دلیل بود که چهار پائی دارد و بچه آورد بقول بعضی از معبران خون آمدن از بینی مال بود که از پادشاه آن دیار بوی رسد اسمعیل شعث گوید اگر بیند که بینی وی بر مثال خرطومی بزرگ شده بود یا کم از ان دلیل بود که بقدر آن بر عز و جاه وی بیفزاید و از ان خویشان نیز زیاده گردد اگر بیند که در بینی او بوی خوش رفت دلیل بود که اورا فرزندی مصلح بود اگر بیند که در بینی او بوی ناخوش رفت تاویلش بخلاف این بود جاحظ گوید اگر بیند که بینی ندارد دلیل بود که کسی از خویشان وی بمیرد و اگر بیند که اورا دو بینی بود دلیل بود که در میان او و عیال خلاف افتد و اگر بیند که کسی بوی خوش فرا بینی او داشت دلیل بود که اورا از ان کس منفعتی رسد و اگر بیند که خواب زن بود دلیل بود که اورا پیری مصلح آید و اگر بیند که شخصی بوی ناخوش در زیر بینی او داشت دلیل بود که از ان کس خشمی فرو خورد حضرت صادق ع فرماید که دیدن بینی در خواب پرنج وجه بود اول عز دویم مال سیوم بزرگی چهارم فرزند پنجم عیش خوش **پیه خوردن** ابن سیرین رح گوید اگر کسی بخواب بیند که پیه میخورد دلیل بود که خیر و نعمت و فراخی یابد و اگر بیند که پیه گوسفند داشت و میخورد دلیل بود که بقدر آن مال حلال یابد و اگر بیند که پیه جانوری میخورد که گوشت او حلال بود دلیل بود که مال حلال یابد حضرت صادق ع فرماید که دیدن پیه در خواب بر سه وجه بود اول نعمت و فراخی دویم مال و منفعت سیوم کشایش کارهای بسته **بیهوشی** کرمانی رح گوید اگر کسی بیند که بیهوش گردید چنانکه عقل او زایل گردید دلیل بود که اورا کاری پیش آید که در آن سرگشته و متحیر گردد لیکن سرانجام کارش نیکو گردد حضرت صادق ع فرماید که بیهوشی در خواب بر دو وجه بود اول دشواری کارها دویم تحیر و سرگشتگی و فرو ماندگی و بیچارگی

حرف التاء من کتاب کامل التعبیر

تاب دادن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که رسن را تاب میداد یا ریسمان را دلیل بود که بسفر شود و سفرش بقدر درازی و کوتاهی رسن یا ریسمان بود اگر دراز بود سفر دراز کند و اگر کوتاه بود سفرش کوتاه و زود بود اگر برای چیزی دوختن ریسمان را تاب میداد دلیل بود که از بهر مصلحتی کاری کند یا از بهر راحت نفس ریاضت کشد حضرت صادق ع فرماید که تاب دادن رسن و ریسمان بر سه وجه بود اول سفر و تحویل دویم ریاضت نفس سیوم کشایش کارهای فرو بسته **تابستان** ابن سیرین گوید که تابستان بخواب دیدن پادشاه سخت بود و اگر گرمای سخت بود چنانکه مردم را از ان زیان بود دلیل بود که مردم آن دیار را از پادشاه خیر و صلاح رسد تابستان را بوقت خویش بخواب دیدن بهتر بود کرمانی گوید اگر کسی تابستان را بخواب بیند بوقت چنانکه جهان خرم بود و درختان پر بار دلیل بود که عز و دولتش زیاده گردد و کارش بمراد رسد و مردم عام پادشاه را بخواب دیدن از پادشاه قوت و نصرت بود و اگر

تابستان را نه بوقت خویش بیند تا ویلش بخلاف این بود **تاج** محمد بن سیرین گوید که تاج در خواب دیدن پادشاهان را ملک و ولایت بود و زنان را شوهر و مردم عامه را نیکوئی حال و اگر بیند که بر سر تاج داشت از زر و مرصع دلیل بود که قدری بلند و منزلتی عظیم یابد و لکن در دین و راه شریعت ضعیف بود و اگر این خواب را زنی بیند دلیل بود که شوهری کند صاحب حشمت و جاه در شغل دنیا کرمانی گوید اگر بیند که پادشاهی بر مردی تاج نهاد دلیل بود که او را از پادشاه بزرگی و کامروائی بود اگر بیند که پادشاه تاج بوی داد و او بر سر نهاد دلیل بود که زنی تو انگر خوبروئی بخواهد و از و کام دل و داد یابد و اگر بیند که تاج از سر او بیفتاد و بشکست دلیل بود که زن را طلاق دهد و اگر کسی بیند که تاج از سر وی برگرفته شد دلیل بود که زن از وی جدا گردد و اگر بیند که تاج از سر وی بیفتاد و بشکست دلیل بود که زن او بمیرد یا کسی از اهل بیت او بمیرد و از دنیا رحلت کند حضرت صادق ع فرماید اگر زنی بیند که تاج بر سر دارد و شوهر ندارد دلیل بود که شوهر کند و اگر شوهر دارد دلیل بود که بر زنان مهتر گردد و اگر زنی بیند که تاج از سر او برگرفتند دلیل بود که شوهر او زنی خواهد یا شوهر او را طلاق دهد و اگر بیند که تاج مرصع بگوهر ها بر سر پادشاه بود وجاه و حرمت حاصل کند و او را حرمت بیفزاید **تاراج** ابن سیرین گوید که اگر بیند که مال و نعمت کسی تاراج برد دلیل بود که آنکس را غم و اندوه و زیان رسد بقدر آنکه از وی برده بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که تاراج کردن دلیل بود بر چهار وجه اول شب دویم زیان سیوم غم و اندوه چهارم از زانی نرخ مگر که غنیمت بود **تاریکی** ابن سیرین گوید که تاریکی در خواب ضلالت بود در راه دین و اگر بیند که تاریکی فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل بود که بر قدر آن ضلالت و گمراهی یابد اگر بیند که در تاریکی بود و آن تاریکی باز بروشنائی مبدل گردید دلیل بود که توبه کند و راه دین بر وی گشاده گردد کرمانی گوید اگر بیند که در تاریکی فرو بود و آن تاریکی باز بروشنائی شد و دیگر بار بتاریکی شد دلیل بود که این منافق بود و قوله تعالی وَاِذَا اَظْلَمَ عَلَیْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ جابر گوید که تاریکی بخواب غم و اندوه بود و اگر بیند که هوا سخت تاریک گردید دلیل که بمردم آن دیار غم و اندوه رسد و کار ایشان تبه گردد و اگر بیند که هوا روشن بود تاریکی ابر ناگاه پدید آمد دلیل بود که در آن دیار مرگ مفاجات ظاهر گردد حضرت صادق ع فرماید که تاریکی در خواب بر پنج وجه بود اول کفر دویم تحیر سیوم فرو بستن کار چهارم بدعت پنجم در ضلالت افتادن اسمعیل اشعث گوید اگر بخواب بیند که از تاریکی بروشنائی آمد دلیل بود که از درویشی بتوانگری افتد و از غم فرج یابد و کار بروی گشاده گردد و از راه ضلالت دور بود **تازیانه** دانیال گوید اگر کسی بیند که تازیانه بخط کرده داشت دلیل بود که کارش نه بر مراد و نظام او بود و اگر بیند که تازیانه او مخرط نه کرده بود دلیل بر شرف و بزرگی بود بقدر آن تازیانه و بعضی گویند که تازیانه در خواب دلیل بر مال اندک بود بر قدر بیننده خواب اگر بیند که دوال تازیانه او گسست دلیل بود که مال و بزرگی از وی جدا گردد ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که کسری تازیانه بزد دلیل بود که بکاری مشغول گردد و از ان کس و کسب فائده بدو نرسد

واگر بیند که تازیانه از دست بیند هست دلیل بود که آنکاری که در دست دارد بیند از دا گر بیند که چون او را تازیانه بزد خون از تن وی روان شد دلیل بود که سخنهای ناخوش شنود واگر بیند که خون از وی نرفت دلیل بود که بهر تازیانه درمی یابد کرمانی گوید اگر بیند که او را تازیانه بزد دلیل بود که از ان کس مال حرام یابد اگر بیند که بر خم تازیانه خون از وی روان شد دلیل بود که مال یابد واگر بیند که زخم تازیانه بر تن او بماند دلیل بود که سخنهای ناخوش شنود واگر بیند که او را تازیانه بزدوند انست که کسی زر دلیل بود که ناگاه مال یابد جابر گوید اگر کسی بخواب بیند که در دست تازیانه نیکو داشت یا علاقه ابریشمین دلیل کند که او را فرزندی آید واگر بیند که تازیانه از چوب بود دلیل بود بر قوت حال وی واگر بیند که تازیانه او از چرم یا از دوال بود دلیل بود که خیر و منفعت بدو رسد واگر بیند که تازیانه در دست او شکست دلیل کند که فرزندش بمیرد یا از کار خود معزول گردد واگر بیند که بر اسپ نشسته بود و تازیانه میزد دلیل کند که بجای کسی کاری کند وبدان کار بروی منت نهد واگر بیند که بر پشت کسی تازیانه زد و از آنجا خون برآمد دلیل بود که آن کس مال حرام یابد یا زننده او را متهم کند بگناهی واگر بر پشت خود زخم تازیانه بیند و ندانست که چه کس زد دلیل بود که شغل دینی و دنیائی او تمام گردد واگر بیند که بر کسی تازیانه زد چنانکه پاره پاره گردید دلیل کند که اهل او متفرق گردند اگر کسی را اندازه تازیانه زد دلیل بود که ویرا غم واندوه رسد اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که در خانه خود بدست خود تازیانه کوتاه بود پس ازان دراز گردید دلیل بود که زبان او بر خصم دراز گردد واگر بیند که دراز بود و کوتاه گشت دلیل بود که دشمن بروی غلبه کند حضرت صادق علیه السلام فرماید که تازیانه در خواب پرنخ وجه بود اول شعث دویم جدل کردن سیوم روشن شدن کاری مشکل چهارم سفر و مفارقت پنجم بزرگی و مال **تاوه** ابن سیرین گوید که تاوه در خواب خدمتگار خانه بود که آنچه بر کد خدای خانه بود جمله بر عیال خود و دیگران نفقه کند واگر بیند که تاوه نو داشت یا کسی بدو داد دلیل بود که خدمتگاری مصلح او را حاصل گردد یا ازوی جدا گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که در تاوه چیزی می پخت دلیل کند که کار خدمتگار او نیکو گردد و اگر بیند که از تاوه چیز میخورد دلیل بود که از ان خدمتگار خیر و منفعت بدو رسد بقدر خوردنی و اگر بیند که آن خوردنی در شش و ناخوش بود دلیل بود بر غم واندوه وی **تب** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که او را تب پیوسته بود چنانکه زمانیش رها نمیکرد دلیل کند که پیوسته بفساد و گناه مشغول بود و توبه باید کرد تا از عقوبت نجات یابد کرمانی گوید اگر کسی بیند که تبش دراز بود دلیل کند که تنش درست و عمرش دراز بود و اگر بیند که ویرا تب اندک بود تا ولیش بخلاف این بود **تبر** ابن سیرین گوید که تبر در خواب خدمتگاری بود که بخواهد که کاری کند و اگر او را کاری فرماید خواهد که او را گسسته گرداند تا دیگر کارش نفرمایند جابر گوید که تبر در خواب مردی ترسنده بود و اگر یاری خواهد از مرد منافق بود و در میان مردم جنگ و جدائی افگند و اگر بیند که تبری داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که او را با مردی بدان صفت دوستی افتد اگر بیند که تبر او شکست یا ضایع گردید دلیل کند که آن مرد را اجل فرارسد **تبیره** بفارسی طبل بود دیدن آن در خواب خبر مکروه و سخن دروغ بود و کاری پیدا و روشن و این جمله دلیل بر زننده آن کند ابن سیرین گوید

اگر بیند که با تبیره پای کوبد و رقص کند دلیل بود بر غم و اندوه و مصیبت و اگر بیند که او تبیره مفرد همیزد دلیل بود که سخن باطل گوید یا کاری ناصواب کند که بدان مشهور گردد و بعضی از معبران گویند که تبیره در خواب آواز خوش بود لاکن باطل بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که تبیره میزد دلیل کند که کارهای باطل کند باشد که در آن هیچ اصل نباشد و بامردمان هر وعده که دهد جمله دروغ باشد حضرت صادق ع فرماید که تبیره زدن در خواب کاری بود که نبادانی کرده شود و عاقبت آنکار ظاهر گردد که باطل است و تبیره زدن در خواب مردی بود که دروغ شیرین و آراسته گوید نظاهر و در باطن مردمانرا غیبت کند و بخنان زشت گوید **تتماج** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که تتماج بگوشت بره یا باگوشت گوسفند و ماست شیرین میخورد دلیل کند که بقدر آن از مردم سپاهی منفعت و خیر رسد و اگر بیند که باگوشت گاو یا باگوشت خرگوش کشک و ماست ترش میخورد دلیل بود که منفعت اندک از مردم سفله دون بدو رسد جابر گوید که تتماج باگوشت خرگوش یا چیزی ترش دلیل بر غم و اندوه بود **تخت** محمد بن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر تخت نشسته بود و بر آن تخت چیزی گسترده نه بود دلیل کند که بسفر شود اگر بیند که بر تخت خفته بود و بر آن چیزی گسترده بود دلیل بود که بزرگی یابد و بقدر وقیمت تخت دشمنان را قهر کند اما ازین غافل بود اگر این کس از اهل فساد بود دلیل بود که بر دارش کنند خاصه که خود را بر تخت خفته بیند و اگر بیند که تخت بشکست و او بنفتاد دلیل کند که از جاه و بزرگی بیفتد و حالش بدگردد حضرت صادق ع فرماید که دیدن تخت در خواب بر هفت وجه بود اول عز و جاه دویم سفر سیوم مرتبه چهارم بلندی پنجم ولایت ششم قدر و جاه هفتم عالی شدن کارها **تخم کاشتن** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که تخم کاشت و باز جمع کرد دلیل بود که شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که از آنجا که کاشته بود میخورد دلیلش ازین نیکوتر بود و اگر بیند که از آنچه کشته بود چیزی حاصل نگردید و یا ندانست که بار آن چیست و نیز اندک و بسیار آن ندانست دلیل بر غم و اندوه کند کرمانی گوید اگر بیند که گندم همی کاشت دلیل کند که او را خیر و نیکوئی رسد و اگر بیند که جو همی کشت دلیل بود که او را مال جمع گردد و اگر بیند که کاورس همی کاشت دلیل بر مال اندک کند و اگر بیند که عدس و باقلی و لوبیا و مانند آن همی کاشت دلیل بر غم و اندوه کند دانیال گوید اگر در زمین خویش تخم همی کاشت دلیل کند که زنی خواهد و کارش ساخته گردد و اگر زمین کشته خویش را ناکشته بیند دلیل بود که او را با کسی خصومت افتد و اگر بیند که بجای مجهول تخم همی کشت و بر آمد دلیل بود که غم اکند و غم از وی آسان گردد و خیرها کند و اگر بیند که در زمین خویش کشت میکرد دلیل بود که او را مال و نعمت حاصل گردد و اگر بیند که جو یا گندم یا درخت در زمین خود می کشت دلیل که جاه و عزاو زیاده گردد و بقدر آنکه کشته بود حضرت صادق ع فرماید که تخم کشتن در خواب بر چهار وجه بود اول جاه و بزرگی دویم فساد سیوم مال حرام چهارم نفع در بازرگانی **تخمه** ابن سیرین گوید اگر بیند که او را تخمه بود دلیل بود که او مال ربا خورد و فساد کند باید که ازین گناه توبه کند تا از عقوبت حق تعالی ایمن گردد و اتفاق معبران آنست

که در خواب تخمه دیدن در آن خیر نباشد حضرت صادق ع فرماید تخمه در خواب بر چهار وجه بود اول مال ربا دویم فساد سیوم مال حرام چهارم متابعت هوای نفس کند تخمها کرمانی گوید که تخمها در خواب دیدن آنچه ترشش و تلخ و ناخوش بود جمله دلیل بر غم و اندیشه کند خاصه خوردن بذر و صعبتر بود اما آنچه بطعم شیرین و خوش بود خوردن آن در خواب منفعت اندک بود جابر مغربی گوید که تخمها در خواب دیدن و خوردن آن نیکو باشد مگر آن تخم که بوسیده یا کرم خورده بود تذرو ابن سیرین گوید که تذرو مرغی است در خواب مردی غدار بود و تذرو ماده زنی فریبنده بود معبران گویند که تذرو مال حرام بود که بحیله بدست آورده و اگر بیند که با تذرو در نبرد بود دلیل بود که با کسی غدار او را خصومت افتد و اگر بیند که تذرو ماده او را حاصل گردید دلیل کند که زنی خواهد که در وی هیچ خیر نه بود و اگر خانه تذرو بیند دلیل است که زنی خوبروی بنکاح خواهد بر قدر سفیدی و یا کیزگی از آن خانه کرمانی گوید که اگر بیند که تذرو در خانه داشت و بمرد دلیل کند که زن او هلاک گردد یا بجهت زنان او را مصیبتی افتد و اگر بیند که تذرو از خانه او بپرید دلیل بود که زن را طلاق دهد جابر مغربی گوید که تذرو در خواب زنِ پارسا بود با جمال و مال و اگر بیند که تذرو یافت یا بگرفت دلیل بود که زنی خواهد بدین صفت که گفتیم و اگر بیند که تذروی در کنار او فتاد و بخفت دلیل بود که کسی با عیال او سر و کاری دارد و او را می فریبد حضرت صادق ع فرماید که تذرو در خواب بر چهار وجه بود اول زن دویم مال حرام سیوم معیشت چهارم کام دل

جستن ترازو ابن سیرین گوید که ترازو در خواب قاضی بود اگر بیند که ترازوی نو داشت یا کسی بدو داد دلیل بود که در آن موضع قاضی بود و فقیهی پاک دین و کفه ترازو سمع قاضی بود و در مهاکه در آن بود خصومت بود که نزد قاضی کنند و سنگهای ترازو عدل و داد بود که قاضی در میان خصمان کند بوقت حکومت و اگر بیند که ترازو او را ایستاده بود چنانکه هیچ میل نداشت دلیل که قاضی عدل کند و اگر بیند که ترازو درست نبود دلیل که قاضی راست و منصف نه بود در حکومت میل کند کرمانی گوید اگر بیند که عمود ترازو بشکست دلیل بود که قاضی آن دیار بمیرد و اگر بیند که ترازو زیاده و نقصان بود دلیل بود که در عدل و انصاف قاضی زیاده و نقصان بود جابر گوید بلکو کردن ترازو در خواب رستن قاضی بود از عذاب دوزخ ترازوگر بخواب دیدن پادشاه عادل بود و ترازوی راست قاضی راست حکم بود یا وزیر عادل حضرت صادق ع فرماید که ترازوی قیامت بخواب دیدن بر شش وجه بود اول قاضی دویم پادشاه سیوم فقیه چهارم میانجی پنجم حکم راست ششم کج اگر بیند که کردار نیک وی در ترازوی قیامت بیش از کردار بد وی بود دلیل است که بهشت یابد و از عقوبت رسته گردد قوله تعالی فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ و اگر بخلاف این بود دلیل بود که مستوجب عقوبت دوزخ بود قوله تعالی وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ترب کرمانی گوید که ترب بخواب دیدن غم و اندوه بود خاصه که خورند اگر بیند که میخورد دلیل بود که بقدر آن غم و اندوه بدو رسد و اگر بیند که کسی ترب بدو داد دلیل بود که از آن کس

غم واندوه بدل او رسد واگر بیند که او ترب بکسی داد یا از خانه بیرون افگند و هیچ ازان نخورد دلیل بود که از غم واندوه رسته گردد **تربد** ابن سیرین گوید که تربد در خواب دیدن دلیل بر غم واندیشه کند اگر بیند که خورد دلیل بر زیان مال کند بقدر آنکه خورده بود **ترخون** ابن سیرین گوید که مردی بدگوهر بدکردار بود زیرا که اصل وی سپند است و سپند را که بسر که تیز بیاغازند و مدتی رها کنند تا طبع و طعم وی از حال خود بگردد بعد ازان ویرا بکارند چون برآید ترخون بود واگر بیند که ترخون داشت یا کسی بوی داد دلیل باشد که ازان مرد ویرا مضرت و زیانی رسد واگر بیند که ترخون بکسی داد یا از خانه بیرون انداخت دلیل بود که از صحبت چنین مردی جدائی جوید واز و دور شود **ترسائی** کرمانی گوید اگر بیند که مسلمانی ترسا شده دلیل بود که او را در راهی بدعت و گمراهی پدید آید و اعتقاد در دین مسلمانی ندارد جابر گوید اگر کسی بیند که دشمنی دارد بروی نصرت یابد زیرا که ترسا نصرانی بود و او مشتق از نصرت است و اگر ترسائی بیند که مسلمان شد دلیل بود که مسلمان گردد یا بمیرد حضرت صادق ع فرماید که اگر کسی بیند که با ترسایان صحبت داشت دلیل بود که دوستدار و هواخواه او بود و اعتقادش در دین اسلام ضعیف بود **ترسیدن** ابن سیرین گوید ترسیدن در خواب ایمنی بود و هر که در خواب بیند که متیسر شد از کسی و نداند که ترس او از کیست دلیل بود که مکروهی ازان ترساننده بوی رسد حضرت صادق ع فرماید که ترسیدن در خواب نصرت بود چنانکه رسول ص خدا فرموده النصر بالرعب یعنی نصرت یافتم بترسانیدن و اگر بیند که از وزدی یا از جانوری همیتر سید دلیل بود که از کسانیکه با و منسوب اند ویرا مضرت رسد **ترشیها** ابن سیرین گوید که ترشیها خوردن در خواب هم واندیشه و غم بود خاصه بیوهای ترش و اگر بیند که چیزی ترش بوی داد دلیل کند که از او بوی رنج و غم واندوه رسد و اگر بیند که او چیزی ترش بکسی داد دلیل بود که بسبب او غم واندوه بوی رسد فی الجمله در خوردنی ترش هیچ خیر نباشد **ترف** ابن سیرین گوید که ترف دیدن در خواب غم واندوه بود و اگر بیند که ترف همی خورد دلیل بود که وام دار گردد و بسبب آن غمگین گردد که ترف بطعم ترش و بدیدار تیره جابر گوید که دیدن ترف در خواب مال اندک بود و خوردن او غم واندوه بود **ترنج** دانیال ع گوید که ترنج اگرچه بگونه زرد است اما بوی خوش دارد و بطعم و بدیدار پاکیزه بود و گویند که از میوهای بهشت است و دیدن او بخواب نیک است دانیال ع گوید اگر کسی یک ترنج یا دو یا سه در خواب بیند تا ویلش فرزند بود و اگر بسیار بیند مال و نعمت حلال یابد و ترنج سبز دیدن در خواب بهتر از ترنج زرد بود کرمانی گوید که ترنج در خواب مردی بود توانگر و باجمال و بمردمان نزدیک چنانکه همه کس او را دوست دارند و اگر بیند که ترنجی داشت یا کسی بدو داد دلیل بود که او را باچنین مردی صحبت افتد و اگر ترنج در کنار خود دید دلیل بود که او را فرزندی خوب روی آید و اگر بیند که ترنج را بخورد دلیل بود که او را از مال خود یا از مال بزرگی بهره رسد و اگر بیند که ترنج را پنهان کرد و در پیچید دلیل بود که فرزندش هلاک گردد و اگر بیند که در خانه ترنج بسیار داشت و بکسی نبخشید دلیل کند که در حق کسی نیکوئی کند و اگر بیند که ترنج

در آستین نهاد دلیل بود که او را فرزندی از کنیزک آید و اگر بیند که از آستین بیفتاد دلیل بود که او را فرزندی حاصل گردد
حضرت صادق ع فرماید که دیدن ترنج در خواب بر چهار وجه بود اول زن نیکو روی دویم کنیزک پاک دین سیوم دوست
تو انگر چهارم فرزند شریف صالح **ترنگبین** ابن سیرین گوید که ترنگبین در خواب مال حلال بی منت بود قوله تعالی
وَاَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوٰى كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ اگر بیند که ترنگبین بسیار داشت یا کسی بدو داد
دلیل کند که روزی بسیار یابد از آنجا که امید ندارد و کارهای او بنظام شود حضرت صادق ع فرماید اگر ترنگبین
در خواب دید یا خورد دلیلش بر سه وجه بود اول مال و روزی حلال بی منت خلق دویم معیشت و گشایش کارها سیوم
کام دل یافتن **تره و دوغ** ابن سیرین گوید که خوردن تره و دوغ بخواب دلیل بر غم و اندوه کند **تره** ابن سیرین گوید
که از ترها آنچه بطعم تلخ و ناخوش بود دلیل بر مضرت کند **تره فروشی** اگر کسی بخواب بیند که تره فروشی کردی
تاویلش نیکو بود زیرا که بدست او کاری رود که همه خلق را بدان احتیاج بود و تره خوردن بخواب بیماری و مفلسی و
غم و اندوه بود **تریاک** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که تریاک از بهر بیماری خورد دلیل بود که از رنج برهد و کارها روی
گشاده گردد و اگر بخلاف این بود دلیل بر غم و اندوه کند و اندیشه و نقصان بود **تزویج** ابن سیرین گوید اگر بیند که
زن خواست دلیل بود که شرف و بزرگی یابد و اگر غریب بود دلیل بود که زنی تو انگر خواهد و اگر بیند که زن را طلاق داد
دلیل که شرف و بزرگی او زایل گردد و اگر مرده زن را بزنی کرد و باوی جمع گردید دلیل که از ملک و مال آن زن او را
چیزی حاصل گردد و اگر بیند که با آن زن جمع نشد دلیل بود که چیزی اندک از مال او را حاصل گردد و اگر زنی بیند که او را
مرد مرده زن کرد و در سرای زن باوی جمع گردید دلیل کند که مال زن نقصان شود یا حال وی متغیر گردد و اگر بیند که
زن خواست لکن زن را ندید و نامش را ندانست دلیل بود که اجلش نزدیک شده باشد و اگر زن را بیند و سرای
مجهول بود و آن سرا از آن شخص مرده بود و آن مرده باوی جمع گردید دلیل بود که آن زن بمیرد و اگر آن سرا معروف
بود دلیل بر نقصان زن کند کرمانی گوید اگر زن شوهری دارد در خواب بیند که دیگری شوهری دارد و عروسی را ندید دلیل
کند بر شرف و عزت و زیادتی مال او و اگر بیند که عروسی خواست کردن و عروسی را ندید و نشناخت بیم مرگ بود او را
بعضی گویند شخصی بر دست او هلاک گردد و اگر بیند که بیمار بود و زنی مجهول خواست و یا کسی دید که زن او شوهری کرد و آن
شوهر را بخانه برد دلیل بود که مال بسیاری ازین ممر بشوهر رسد و اگر بیند که زنی نابکار بزنی بخواست و باوی جمع
شد دلیل بود که کاری دشوار بروی آسان گردد و اگر باوی جمع نشد آنچه گفتیم کمتر بود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که
دختری دوشیزه را بزنی کرد و دوشیزگی او را بستد دلیل بود که اندر آن سال او را زنی یا کنیزکی حاصل گردد و از پادشاه
خیر و نیکی بیند و اگر بیند که بحرام دوشیزگی دختری بستد دلیل بود که مالی حرام بدست آورد حضرت صادق علیه السلام فرماید
که زن خواستن در خواب بر چهار وجه بود اول بزرگی دویم زیادتی مال سیوم رامش چهارم خرمی و شادی تشبیح کردن

ترنج ترنگبین تره و دوغ تره فروشی تریاک تزویج تشبیح کردن

ابن

ابن سیرین گوید تسبیح کردن بخواب مطیع بودن بر فرمان حق تعالی اگر بیند که تسبیح میکرد دلیل بود که مطیع بود بر فرمان حق واز غم واندوه فرج یابد واگر بیند که تسبیح بخواب باخود داشت غم واندوه بدو رسد ولکن اورا در آن اجر وثواب بود واگر بیند که با تسبیح شکر حق تعالی میکرد دلیل کند که در دین قوی گردد ومالی یابد واین خواب راوالی بیند دلیل بود که اورا آبادانی ولایت رسد قوله تعالی لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ **طشت** کرمانی گوید که طشت در خواب زنی خادمه بود ابن سیرین گوید که طشت در خواب کنیزکی بود که حوایج خانه بدو تسلیم کنند واگر بیند که طشتی فراگرفت یا کسی بدو داد یا بخرید دلیل بود که زنی خادمه بخانه آورد یا کنیزکی خرد واگر بیند که طشت بشکست یا ضایع شد دلیل کند که آن کنیزک بگریزد یا از دنیا رحلت کند کرمانی گوید اگر کسی بیند که طشتی خرید دلیل است که زنی خادمه را بزنی خواهد یا کنیزکی حضرت صادق ع فرماید که دیدن طشت در خواب برسه وجه بود اول زن خادمه دویم کنیزک سیوم منفعت از زنان **تشنگی** ابن سیرین گوید که سیرابی در خواب بهتر از تشنگی بود اگر بیند که بغایت تشنه بود واو آب نمی یافت دلیل کند که رنجی وزحمتی بدو رسد از بهر دین یا از بهر دنیا واگر بیند که تشنه بود یا آب نمی یافت یا کسی بدو داد او نخورد دلیل کند که از رنج وبلا رسته گردد وسرانجام بمراد رسد جابر گوید که تشنگی در خواب فساد بود در دین واگر بیند که در تشنگی آب یافت وبخورد دلیل کند که گنه کند وسرانجام توبه کند ومصلح وپارسا گردد **تعویذ** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که تعویذ باخود داشت از نامهای خدای تعالی دلیل کند که از سختی وغم برهد واگر وام دار بود وامش گذارده گردد واگر بیمار بود شفا یابد واگر زندانی بود رها یابد واگر در سفر بود بسلامت باز آید کرمانی گوید اگر کسی بیند که تعویذ مینوشت وبمردم میداد دلیل است که زنی خادمه را بزنی خواهد یا کنیزکی حضرت صادق ع فرماید که دیدن تعویذ در خواب برسه وجه بود اول ایمنی از دشمن دویم رستگاری از بلا وفتنه سیوم خیر وبرکت چهارم گشایش کارهای بسته **تگرگ** ابن سیرین گوید که تگرگ در خواب دیدن عذاب وتنگی دنیا بود مگر اندک بود واگر بوقت خود بود دلیل کرد اهل آن موضع را فراخی ونعمت بود لکن تگرگ دیدن نه بوقت خود دلیل بر غم واندوه بود اهل آن موضع را حضرت صادق ع گوید که دیدن تگرگ در خواب برپنج وجه بود اول بلا دویم خصومت سیوم لشکر چهارم محنت پنجم بیماری **تل** بفارسی پشته بود وشرح وتحویل آن در حرف با بیان کردیم

تفشله بدانکه تفشله بفارسی عدس پخته بود اگر کسی آنرا بخواب بیند دلیل بر غم واندوه کند ابن سیرین گوید اگر بیند که تفشله همیخورد دلیل کند که غم واندوه خورد یا او را با کسی خصومت افتد بدان سبب رنجور گردد وعلی الجمله در تفشله خوردن هیچ خیر ومنفعت نباشد **تکبیر کردن** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که تکبیر میکرد دلیل کند که از شر دشمنان ایمن گردد ودر خیرات بروی گشاده گردد وحضرت صادق ع فرماید که دیدن تکبیر کردن در خواب بر چهار وجه بود اول ایمنی از دشمن دویم رستگاری از بلا وفتنه سیوم خیر وبرکت چهارم گشایش کارهای بسته **تگرگ** ابن سیرین گوید که تگرگ در خواب

تمام شدن کارها ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که هر که بخواب بیند که کارهای دنیائی او بنظام گشت و کامگار شد دلیل کند که احوالش متغیر گردد و قوله تعالی حَتّٰی اِذَا اَخَذَتِ الْاَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّیَّنَتْ و هر که بیند که کارش تمام نشد دلیل بر تغییر حال او بود و هم بیم بود که عمرش بسر رسد و هم بیداد گر بود که از وانتقام کشد **تن مردم** ابن سیرین رح گوید که تن مردم در خواب دیدن دلیل غم و اندوه بود که معیشت مردم بود و هر زیادت و نقصان که در تن بیند دلیل بر عیش و معیشت کند و اگر بیند که تنش لاغر و نحیف بود دلیل بود بر درویشی و تنگی کارها و اگر تن را فربه بیند دلیل کند بر توانگری و گشایش کارها و اگر بیند که از تن او رشته بیرون آمد و دراز میگردید دلیل کند که زندگانی بعیش و فراخی گذراند و مالش زیاده گردد و اگر بیند که آن رشته گسسته شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که تن او آهنین شده یا مسین دلیل بود که عمرش دراز بود و روزی و نعمت بروی فراخ گردد و اگر بیند که تن او آبگینه بود دلیل بود که اجلش نزدیک آمده باشد کرمانی رح گوید اگر بیند که تن او درست و قوی بود دلیل بود که کارش بنظام شود و رازش پوشیده بماند و اگر بیند که تن او ضعیف است دلیل بود که درویش گردد و رازش آشکارا گردد حضرت صادق ع فرماید که اگر بر تن خویش زیادتی بیند دلیل کند بر قوت و توانگری و ظفر یافتن بر دشمن و اگر بر تن خویش نقصانی بیند دلیلش بخلاف این بود و اگر بیند که همه تن او آماس داشت دلیل بود که بیمار گردد **تندر** بلغت پارسی رعد بود و دیدن او در خواب ترس و بیم بود از عامل و از عوام ابن سیرین گوید اگر بیند که غریدن تندر را با باران دلیل بود که مردمان را ترس و بیم کمتر بود و نعمت و خیر فراوان و اگر بیند که باران سخت بارد و تندر سخت بارید دلیل بود بر رستگاری بیننده خواب از دعای پدر و مادر کرمانی گوید که غریدن رعد اندک و باریدن باران اندک دلیل بر ترس گاری از اهل بود از دعای زاهدان و صالحان حضرت صادق ع فرماید که دیدن تندر بر پنج وجه بود اول عذاب دویم حکمت سیوم رحمت چهارم صولت پنجم خشم پادشاه اگر بیند که آواز تندر بوقت باریدن می شنید دلیل بود که در آن دیار خیر و برکت پدید آید و اگر بیند که باران و رعد و برق بود دلیل بود که مردم آن دیار را از پادشاه ترس و بیم بود اگر بیند که باران ژاله همی بارید دلیل بود که در آن دیار فتنه و عذاب و هلاکت پدید آید و اگر بیند که تندر سخت بغرید دلیل بود که بانگ و هیبت پادشاه در آن دیار گسترده گردد و اگر بیند که هم تندر بود و هم برق و هوا تاریک بود دلیل کرد پادشاه ستمگر پدید آید **تندیسها** ابن سیرین گوید که تندیسها که سایه آن بر زمین افتد چون بخواب بیند غم و اندوه بود خاصه که بگونه سیاه بیند و آنچه در دیوار نگاشته بیند حضرت صادق ع فرماید که تندیسها در خواب بر سه وجه بود اول غم و اندوه دویم نقصان قدر و جاه سیوم بی امانتی در کارها **تنگی** ابن سیرین گوید اگر بیند که از تنگی بفراخی آمد از جایگاهی و هم او بجایگاهی ایمنی شد دلیل بود که کارهای او بنظام شود و از رنج براحت و آسانی شود و اگر بخلاف این بیند بدو بود جابر گوید اگر بیند که در جایگاهی تنگ گرفتار شد دلیل کند که در کاری دشوار افتد و خلاصی نیابد و اگر بیند که در آنجا طعام تنگ بود دلیل بود که عیش در روزی بر او تنگ گردد و تنگی همه چیزها در خواب نیکو نباشد

تنور ابن سیرین گوید که تنور در خواب مهتر بود و کدخدای خانه و بعضی از معبران گویند که بانوی خانه بود اگر بیند که تنور در دست داشت دلیل کند بر تندرستی و نظام کار کدخدائی خانه و اگر بیند که تنور بیفتاد و خراب شد دلیل کند بر رنج و آفت و بیماری و آفت کدخدائی و بدی وی و اگر بیند که در تنور نان می پخت دلیل کند که بر قدر آن نانها روزی حلال یابد و کار بروی نیکو گردد و کرمانی گوید اگر بیند که در تنور لختی آتش است بی روشنائی و بر بالای تنور شعاع آتش میتافت و دود نه بود دلیل بود که بسفر بیت المقدس رود یا حج کند قوله تعالی من شاطئ الوادی الایمن فی البقعة المبارکة یعنی مکه و بیت المقدس و بعضی گفته اند که آن را خیر و منفعت رسد حضرت صادق ع فرماید که دیدن تنور در خواب بر دو وجه بود اول خیر و منفعت بود خاصه که نو بود دویم مردی با هیبت شود و شفقت **توبره** ابن سیرین گوید که توبره در خواب خیر و منفعت بود خاصه که نو بود اگر بیند که توبره داشت یا کسی بوی داد دلیل کند که از کسی خیر و منفعت بدو رسد و اگر بیند که توبرهای او ضایع گردید تاویلش بخلاف این بود **توبه کردن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که توبه کرد دلیل کند که از همه گناهان و معصیت پشیمان گردد و کردار نیکو کند که در آن خوشنودی خدا یتعالی بود و دست از دنیا بدارد و طلب آخرت کند حضرت صادق ع فرماید که توبه کردن در خواب بر چهار وجه بود اول پشیمانی از گناه دویم رضای خدا سیوم راه آخرت چهارم سعادت **توتیا** کرمانی گوید توتیا در خواب دیدن مال بود اگر کسی بیند که توتیا در چشم کشید و مقصود از توتیا روشنائی چشم بود دلیل بود که صلاح دین جوید و اگر مقصود وی بخلاف این بود دلیل کند که خود را بنفاق بدین داری بر مردم ظاهر کند تا او را ستایش کنند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که توتیا بدو دادند دلیل کند که بقدر آن دیرا مال حاصل گردد و اگر بیند که توتیا همی خورد دلیل کند که مستمند و غمگین گردد حضرت صادق ع فرماید اگر بیند که توتیا در زیر بغل داشت از برای دفع بوی ناخوش همی مالید دلیل کند که کاری کند که در آن او را مدح و ثنا و نیکوئی گویند **توت** توت شیرین خوردن در خواب روزی بود و خوردن خر توت غم و اندوه بود ابن سیرین گوید که توت شیرین بهنگام خود خوردن دلیل کند که بقدر آن از کسب خویش روزی یابد و اگر این خواب بهنگام رسیدن توت بیند نیکوتر بود و اگر نه بوقت آن بود دلیل بر غم و اندوه کند کرمانی گوید اگر بیند که توت شیرین میخورد دلیل بود که از مردی جوان مزد و صله و عطایا یابد اگر بیند که خر توت همیخورد دلیل است که غمگین و متفکر گردد حضرت صادق ع فرماید که توت در خواب بر سه وجه بود اول مال و دویم منفعت از کسب خویش سیوم منازعه بهر زن **توراة** ابن سیرین گوید اگر بیند که تورات همی خواند بظاهر دلیل کند که ویرا قوتی پدید آید از مردم محتشم و اگر بیند که تورات خواند بظاهر دلیل کند که با کسی خصومت کند و بروی ظفر یابد و مرادش حاصل گردد و اگر بیند که کسی را تعلیم بتورات میکرد دلیل کند که از آن کس خیر بدو رسد **تیر** دانیال گوید که تیر در خواب دیدن مرد لیست راست گو که از آن کس خبر بمردم رسد بقول بعضی از معبران غیبت بود و اگر بیند که کسی تیر بوی می انداخت دلیل کند که پیغامی بدو فرو رسد خاصه چون بیند که بغرض انداخت اگر بیند که تیر بغرض انداخت دلیل بود که نامه بدان کس فرستاد ✣ ✣

حرف الجیم من کتاب کامل التعبیر

چادر ابن سیرین گوید چادر در خواب دیدن ستر و پوشش زن بود اگر بیند که چون زنان چادر پوشیده بود دلیل که در آن کار خیر و شر بود لکن آن کار از ان مکروه دارند و اگر کسی بیند که چادر را برید یا بسوخت دلیل بود که در آن وقت ستر وی دریده گردد کرمانی گوید که چادر شب در خواب دیدن زن بود اگر بیند که چادر شب فراگرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که زن نو خواهد و اگر بیند که چادر نو بخرید دلیل کند که کنیزی بخرد و از فرزند آید و اگر این خواب را زنی بیند دلیل کند که او را شوهر آید و اگر زنی بیند که چادر شب او بسوخت دلیل بود که شوهرش بمیرد یا او را طلاق دهد حضرت صادق ع فرماید چادر در خواب بر سه وجه بود اول قدر و جاه دویم مرد را زن و زن را شوهر سیوم کد خدای سرای

جادوئی کردن ابن سیرین گوید که جادوئی کردن در خواب کار باطل بود اگر بخواب بیند که جادوئی میکرد دلیل کند که کاری کند بیهوده و باطل و بقول بعضی از معبران جادوئی فتنه بود آن کس را که از بهر او جادوئی کنند جابر مغربی گوید که جادوئی کردن در خواب از بهر کسی تعهد بود بدروغ که مردمان را بدو فریبد و جادوئی در خواب دشمن فریبنده بود حضرت صادق ع فرماید که جادوئی کردن در خواب بر شش وجه بود اول فتنه دویم فریب سیوم مکر چهارم سگالش بد پنجم باطل و دروغ ششم کاری که در آن اصلی نه بود

چهارپای ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که چهارپائی را فراگرفت و آن چهارپا مطیع و فرمانبردار بود دلیل بود که بقدر قیمت آن چهارپائی از مردی بیابانی او را منفعت رسد و اگر بیند که رمه چهارپایان دشتی پیش او حاضر بودند و مطیع او شدند دلیل کند که گروهی که مسکن ایشان در بیابان بود مطیع او شوند کرمانی گوید اگر بیند که چهارپایان دشتی را می پرستید دلیل کند که مردمان دنیا را خدمت کند جابر مغربی گوید اگر بیند که چهارپائی شده بود دلیل کند که از وعقل زایل گردد اگر بیند که چهارپائی با او سخن میگفت دلیل بود که بزرگی یابد و اگر بیند که چهارپائی گوشت میخورد دلیل بود که بقدر آن مال یابد

جاروب ابن سیرین گوید که جاروب بخواب دیدن خادم و خدمتکار بود و جاروب در شب خادمی بود که تقاضائی چیزها کند و اگر بیند که خانه را بجاروب میرفت دلیل کند که مالش ضایع گردد و اگر بیند که خانه کسی میرفت دلیل کند که مال کسی بدو رسد خاصه که بیند خاک رفته را بخانه خود آورد حضرت صادق ع فرماید که جاروب دیدن بخواب بر سه وجه بود اول خادم دویم منفعت سیوم متقاضی چیزها که با مردم بود و بدو رسد

جام کرمانی گوید اگر بیند که جام پر آب یا جلاب فراگرفت یا کسی بدو داد و از ان بخورد دلیل کند که زن خواهد یا کنیزک خرد و او را فرزندی پارسا آید که از و راحت بیند و اگر بیند که آب از جام بریخت و جام بماند دلیل کند که فرزندش بمیرد و مادرش بماند و اگر بیند که جام را بشکست و آب بماند دلیل کند که زنش بمیرد و فرزندش بماند و اگر جام بشکست و آب بریخت دلیل بر هلاک فرزند بود و مادر هر دو جابر مغربی گوید اگر بیند که جامها در خانه او در دیوار نشانده بود دلیل بود که بعد از آن جامها او را کنیزکان و زنان بودند و اگر جام سفید یا سبز بیند دلیل کند که او را زنان مصلح پارسا باشند و اگر جامهای سرخ بیند دلیل کند که او را

زنان معاشره مفسد بود و اگر جامها زرد بیند دلیل بود که زنان او بیمار و زردگون باشند و اگر جامها سیاه بیند دلیل بود که او را زنان اندوهگین و مصیبت زده باشند **جامه** دانیال ع گوید جامه در خواب کسب و کار مرد بود و اگر جامه خود را نیکو بیند دلیل که کسب و کارش بد شود و اگر پادشاه در خواب جامه خود را سیاه بیند دلیل بر نیکوئی حال او بود و اگر رعیت جامه خود را سیاه بیند دلیل بود بر غم و اندوه و جامه زرد در خواب بیماری بود و جامه سرخ در خواب خرمی بود و توفیق طاعت دلیل بر آنکه جامه سبز حله بهشتیان است آن نیز خوب بود قوله تعالی عَالِیَهُمْ ثِیَابُ سُندُسٍ خُضْرٌ وَاِسْتَبْرَقٌ و جامه سفید شسته ساختگی کار مردم بود و جامه کبود دلیل بر مضرت بود و جامه سوخته دلیل زنان بود از سبب پادشاه و جامه دریده دلیل ظاهر شدن راز بود و جامه پشمین و نمدین و پلاس از پشمین این جمله دلیل بر مال و خواسته او را حاصل گردد و جامه مرقع دلیل بر درویشی و تنگدستی بود و جامه چرکن از هر نوع که باشد دلیل بر اندوه و غم بود و جامه کاغذی دلیل بر ملامت و شناعت کند و جامه که از پوست چهارپایان بود دلیل بر خیر و منفعت بود که بدو رسد و جامه بیدرز بشکل کفن دلیل که شغلهای دی در دین تمام گردد ولکن عمرش بآخر رسیده باشد و اگر بیند که پوست خرپوشیده بود دلیل بود که عز و جاه یابد ابن سیرین گوید اگر بیند که جامه مهتری پوشیده است اگر از اهل آن جامه بود دلیل کند که کارش قوی گردد و اگر بیند که جامه وزیری پوشیده است دلیل که مال بسیار یابد اما از خلق ملامتش بود و اگر بیند که جامه حاجی پوشیده بود دلیل بود که از عطائی بزرگان محروم ماند اگر بیند که جوانی جامه عوانی پوشیده است دلیل کند که کسی او را یاری دهد بعطا رسانیدن بوی و اگر بیند که جامه جلادی پوشیده است دلیل است که منفعت یابد و اگر بیند که جامه صاحب ده پوشیده است دلیل است که با امانت و زبان آور گردد و به مهمات ساختن خلق مشغول گردد و اگر بیند که جامه صوفیان پوشیده است دلیل بود که دین او زیاده گردد و اگر بیند که جامه زاهدان پوشیده است دلیل بود که با امانت بود و اگر بیند که جامه بازرگان پوشیده است دلیل بود که کار و کسب دنیائی او نیکو گردد و اگر بیند که جامه اهل صلاح داشت دلیل بود که کار دینش بصلاح آید و اگر بیند که جامه اهل فساد پوشیده است دلیل بود که او را از اهل فساد غم و اندوه رسد و اگر بیند که جامه مزدور کارکن داشت دلیل بود که متفکر و رنجور گردد و اگر بیند که جامه طبیبان داشت دلیل بود که کارش نیکو گردد و در میان مردمان مشهور گردد و اگر بیند که جامه جهودان داشت دلیل بود که بمکر و حیله کسی را هلاک کند و سرانجام کارش بد شود و اگر بیند که جامه ترسایان داشت دلیل کند که کاری کند که بسبب آن از دوست ایمن نباشد و اگر بیند که جامه کشتی داشت دلیل بود که صاحب بدعت بود و میلش بکفر و ضلالت بود و اگر بیند که جامه مغان داشت دلیل بود که میلش بجانب بددینان و جاهلان بود و اگر بیند که جامه مبارزان پوشیده است دلیل بود که او را با کسی عداوت افتد و اگر بیند که جامه مرتدی پوشیده داشت دلیل بود که کسی عطائی بدو دهد و باز ستاند و اگر بیند که جامه بت پرستی داشت دلیل بود که بخدمت پادشاه مشغول گردد یا خدمت مهتری و اگر بیند که جامه زنی پوشیده داشت دلیل بود که از مهتر خویش دور گردد و اگر بیند که جامه مردان زندانی پوشیده داشت

دلیل بود کہ بسبب کاری غمگین و مستمند گردد و اگر بیند کہ جامہ حمائل پوشیدہ بود دلیل بود کہ امانت گذارشود و انگشت نمائی گردد و اگر بیند کہ جامہ گور کنی داشت دلیل کند کہ بخدمت مردی سفلہ دون ہمت مشغول گردد و اگر بیند کہ جامہ کشتیبانی پوشیدہ داشت دلیل بود کہ از کسی مصلح روزی حلال باو رسد و اگر بیند کہ جامہ قصابی داشت دلیل بود کہ ویرا زیانی واندوہی رسد و اگر بیند کہ جامہ باشکوہی پوشیدہ داشت دلیل بود کہ با زن صحبت دارد نہ براست کرمانی گوید اگر بیند کہ جامہ نو داشت و او را قصارہ نکردہ بود نیکو بود و جامہ تنگ و دون دیدن و جامہ جام از جامہ گازری کردہ بہتر بود و جامہ زربفت زن خردمند و کنیزک با فرہنگ بود و جامہ بردو مخطط خیر و منفعت بود و جامہ رسنی کہ مجہول بود زخم تازیانہ بود یا غمی سخت کہ بدو رسد و جامہ معین مال ذخواستہ بود جابر گوید کہ تاویل دیدن جامہ بردو گونہ است یک گونہ بدین تعلق دارد و یک گونہ بدینا و جامہ سفید دین است و جامہ نو عمامہ دینا اگر کسی بیند کہ جامہ سفید نو پاکیزہ داشت ہم دینا و ہم دین را نیکو بود و اگر جامہ ستبر و تنگ بیند ہم دین را بد بود و ہم دینا را و چون جامہ را چرکن و دریدہ بیند ہم فساد دین و ہم فساد دینا بود و جامہ سرخ زنان را نیکو بود در دینا و مردان را ہم نیکو بود و پیراہن و ازار و میلسان و قبا و دستار این جملہ مردان را غم و اندوہ بود یا جنگ و خصومت و جامہ زرد مردان را بیماری بود و بقول بعضے از معبران اگر بیند زنے کہ جامہ زرد پوشیدہ بود دلیل کند کہ او را شوہری آید و اگر دار دبیمار گردد و جامہ سبز زنان و مردان را دین بود و اگر بر زندہ بیند صلاح دین بود و اگر بر مردہ بیند دلیل رستگاری آخرت بود و جامہ سیاہ کبیر اگہ پیوستہ سیاہ پوشد نیکو بود اما آنکہ پیوستہ سفید پوشد جامہ سیاہ دیدن نیکو نباشد نہ دین و نہ دینا را و جامہ سیاہ بقول بعضے از معبران خطیب و قاضی و پادشاہ را نیکو بود اما رعیت را غم و اندوہ بود و جامہ کبود بہتان و غم و مصیبت بود اگر کسی بیند کہ جامہ ملوّن داشت یعنے سبز و سرخ و زرد دلیل بود کہ از پادشاہ یا والی آن ولایت سخنے سخت شنود کہ او را خوش نیاید اسمٰعیل اشعث گوید اگر کسے بخواب بیند کہ جامہ داشت کہ ردیش از رنگی و پشتش از رنگی دلیل بود کہ با اہل دین و دینا بمذلت زندگانی کند اگر بیند کہ جامہ خویش ہمی خورد دلیل کند کہ از مال خود نفقہ بسیار کند و اگر بیند کہ جامہ ریزہ پوشیدہ داشت دلیل بود کہ در سفر بماند یا از بہر کاری ویرا بر زندان کشند و اگر بیند کہ جامہ او ضایع گردید یا از وی بستدند و او برہنہ بماند دلیل بود کہ قدر و جاہش کم گردد و حقیر و خوار گردد اگر بیند کہ جامہ خویش را بدرید دلیل است کہ اندوہگین گردد و با زن خویش خصومت کند و اگر بیند کہ جامہ وی بدرید دلیل کند کہ از آن کس جدا شود و اگر بیند کہ جامہ خود را یا جامہ اہل خود را مومی کرد دلیل کند کہ او را با خویش خود خصومت افتد یا از دوستی و اگر بیند کہ جامہ او کسی بر بود و برہنہ بماند دلیل کند کہ از حرمت و منزلت بیفتد و اگر بیند کہ جامہ در نوشتہ از ہم باز کرد دلیل است کہ بسفر رود و اگر بیند کہ جامہ باز کردہ را در نوشت دلیل بود کہ غایبش از سفر باز آید و اگر بیند کہ جامہ زنان پوشیدہ داشت دلیل کہ مالش زیادہ گردد اما تر سی عظیم بدو رسد و بقولی او را غم و اندوہ رسد و بحیرت

گردد

گردد و اگر بیند که جامه مردان پوشیده داشت دلیل کند که خیر و نعمت بدو رسد و جامه یافتن در خواب سفر بود بقدر درازی و کوتاهی جامه در سفر بماند و اگر بیند که جامه را تمام کرد دلیل بود که از غم باز رهد اصفهانی گوید که بهترین جامها در خواب جامه ابیست که از پنبه بود و در وی قز یا ابریشم نباشد و جامه عنابی از پنبه و ابریشم بود و جامه خز هر دو دلیل بر مال حرام و فساد کند در دین و جامه دیبای حریر و ابریشم مردان را بد بود و زنان را نیک و جامه کهن غم و اندوه بود از قبل پادشاه و اگر کسی بیند که جامه کهنه فروشد نیک بود و اگر بیند که جامهٔ کهن می خرد دلیل بد بود و جامهٔ کهن پوشیدن بد است و جامهٔ کهن از تن بیرون کردن نیک است جابر مغربی گوید اگر بیند که جامه شسته بود و پوشید دلیل بود که با تب گردد و اگر بیند که جامه چرکن داشت در وی گردد و اگر بیند که جامهٔ رنگین داشت اگر زن بود یا سپاهی بود او را نیک بود و اگر بیند که جامهٔ باشگونه داشت دلیل بود که او را منکری پدید آید حضرت صادق ع فرماید که دیدن جامه نو در خواب بر چهار وجه بود اول زنی نیک دویم پادشاه سیوم مال چهارم خیر و منفعت و هم او گوید اگر کسی بیند که جامه خود را بمقراض بریدی دلیل کند که چیزی بدو رسد و اگر بیند که دزدان جامه او را بیرون کردند دلیل بود که فسادی در میان زنان وی افتد **جامهٔ خواب** ابن سیرین گوید که جامه خواب دیدن تاویل زن بود و اگر بیند که جامهٔ خواب سفید و پاکیزه بود دلیل که عیالش دیندار بود و مستور و اگر بیند که جامه خواب او سیاه بود دلیل بود که از عیالش اندوه و رنج بدو رسد و بعضی از معبرین گویند که جامه سیاه در خواب پادشاه را نیکو بود و رعیت را بد بود و اگر جامه خواب را کبود بیند دلیل بود که او را بسبب عیال غم و اندوه و مصیبت رسد و اگر بیند که جامه خوابش چرکن و دریده بود دلیل بود که زن او چرکن و پلید ناسازگار بود و اگر بیند که جامه خوابش ضایع گردید یا بدزدیدند دلیل بود که زن را طلاق دهد یا از وی مفارقت کند و اگر بیند که جامه خوابش بسوخت دلیل کند که عیالش بمیرد حضرت صادق ع فرماید که دیدن جامه خواب بر سه وجه بود اول زنی نیک دویم راحت و آسانی سیوم رنج و اندوه و مصیبت **جان** محمد بن سیرین گوید که جان بخواب دیدن فرزند بود یا مال یا عیال موافق اگر بیند که جان از تن وی بیرون شد دلیل بود که فرزند یا عیالش بمیرد یا مالش تلف گردد یا خود هلاک گردد و اگر جان خویش بصورت مردی نیکو بیند دلیل بود که وی را فرزندی نیکو بیاید و حالش نیکو گردد یا بخدمت پادشاه خوش طبع و جوان مرد پیوندد و حالش نیکو گردد و اگر جان خود را بصورت مردی زشت خوبیند بخلاف این بود که گفتیم **حکایت** در خبر آمده است که مردی پیش رسول خدا صلی الله علیه و آله و اصحابه وسلم آمد و گفت یا رسول الله در خواب چنان دیدم که جان از تن من بیرون آمد و مرا در کنار گرفت و بعد از آن بآسمان رفت رسول فرمود که وصیت کن که جان تو بمکان خویش رسید پس هم در آن روز آن مرد از دنیا رحلت کرد کرمانی گوید اگر کسی بیند که جان خود را در کف خود دید دلیل بود که بکار مخاطره مشغول گردد که در آن وی را بیم جان بود و اگر بیند که جان از کف او بآسمان شد دلیل است که زود بمیرد و اگر بیند که رنگ جان او زرد بود دلیل که در بیماری صعب بمیرد و اگر جان را بگوزن سرخ

ویا سفید بیند عاقبتش نیکو بود واز غم رستگاری یابد واگر بیند بگونه سیاه بود دلیل است که مستوجب عذاب حق تعالی بود
رح جابر مغربی گوید اگر بیند که مرده جان همی کند وخویشان او بروی نوحه وزاری میکردند دلیل بود که اهل بیت مرده را غم و
اندوه رسد واگر بیند که خویشان وی آهسته میگریستند دلیل بود که جانش در عقوبت بود چاه ابن سیرین گوید که چاه
در اصل تاویل زن بود اگر بیند که در جایگاهی چاه میکند دلیل بود که زن خواهد اگر بیند که بکندن چاه کسی او را مدد میکرد
دلیل کند که میان او و آن زن کسی متوسط است وخواهد که بمکر وحیله آن زن را بزنی وی دهد زیرا که کندن چاه مکر وحیله
بود ودر امثال گویند که فلان چاه برای فلان میکند یعنی با وی بدی ومکر خواهد کرد وآب چاه در خواب مال زن بود
اگر کسی بیند از چاهی آب خورد دلیل بود که مال زن بخورد واگر از چاهی آب خورد که از خشت پخته برآورده بود هم دلیل
بر مال زن کند واگر بیند که کسی چاه کند وآب برنیامد دلیل بود که زنی در دلش خواهد کرمانی گوید اگر بیند که آب چاه خوردن
بطعم خوش بود دلیل بود که مال زن بکراهیت بستاند واگر بیند که آب چاه گرم همی خورد دلیل بود که بجهت مال زن جفا یابد
وبقول بعضی از معبران بیمار گردد واگر بیند که آب چاه خنک وخوش بود دلیل بود که از زن خیر ومنفعت بیند واگر بیند که
آب چاه بسیار بود دلیل که زن جوانمرد وسخی بود واگر بیند که آب چاه اندک بود دلیل بود که زن سفله ودون بود واگر بیند که
چاه بکند وآب زود برآمد دلیل بود که زن بیمار گردد ومال خود در بیماری بخورد واگر از چاه آب سیاه برآمد یا کبود دلیل بود که
غم واندوه بدو رسد واگر بیند که از چاه آب سفید برآمد دلیل بود که میراث یابد واگر بیند که آب چاه بقعر فرو رفت وهیچ
نماند دلیل بود که زن هلاک گردد ومالش تلف شود واگر بیند که چاه در زیر زمین فرو رفت هم دلیل بود بر هلاک زن کرمانی
گوید اگر کسی بیند که دلو در چاه کرد تا آب برآورد دلو در چاه افتاد ورسمان گسسته شد دلیل بود که او را فرزندی
آید تا تمام حکایت درخبر است که مردی از عبد الله ابن عباس رض پرسید که بخواب دیدم که دلو در چاه کردم تا آب برآرم
رسمان بدو پاره گشت وآن دو پاره را یکی برآوردم ویکی در چاه بماند عبد الله رض گفت که تو از عیال خود غایب بودی و
ترا فرزندی آمد شش ماه که ویرا دفن کردند آن مرد گفت که مرا از این سخن عجب آمد دانیال ع گوید اگر کسی بیند که در جایگاهی
معروف چاهی می کند دلیل کند که با کسان خود مکر وحیله سازد ولقول بعضی از معبران کندن چاه وبرآمدن آب حکم نکاح
دارد اگر بیند که چاه از بهر کسی دیگر کند دلیل بود که او متوسط بود کسی را بنکاح کردن جابر گوید اگر بیند که آب از چاه
میکشید دلیل بود که بمکر وحیل مال جمع کند خاصه که چاه خود کنده باشد اگر بیند که بدلو آب همی کشید ودر سبو میریخت دلیل
بود که مال خود نیکو نگاهدارد واگر بیند که آن آب را برکشید وبر زمین ریخت دلیل بود که مال را نفقه کند بخیر واگر بیند که
در چاه افتاد دلیل کند که در مکر وحیل افتد واگر بیند که باغ را آب همیداد دلیل کند که بمالی که حاصل کرده است زن خواهد
یا کنیزک خرد واگر بیند که در آن باغ میوه بود دلیل بود که او را فرزندی آید وبعضی گویند که اگر بیند که باغ را آب همی
داد دلیل کند که با زن خود مجامعت کند واگر بیند که آب بر سر چاه آمد وروان شد دلیل کند که زنی توانگر بزنی خواهد

وازان زن او را مال و نعمت حاصل گردد حضرت صادق ع فرماید که دیدن چاه در خواب بر شش وجه بود اول زن دویم گنج
سیوم عالم چهارم توانگری پنجم مکر ششم مکر و حیله و مرد چاه کن در خواب مکر و حیل بود جبّه ابن سیرین گوید که جبه در خواب
زن بود و اگر بیند که جبه فراخ و پاکیزه داشت دلیل کند که زن او نیک رائی و نیک سیرت بود و اگر بخلاف بیند دلیل کند که
زن او بدخوئی و ناسازگار بود و اگر بیند که جبه او بدرید یا بسوخت دلیل که میان ایشان جدائی افتد حضرت صادق ع
فرماید که دیدن جبه در خواب که بیند در زمستان در تن داشت نیکوتر بود و آن بر چهار وجه بود اول زن دویم قوت سیوم شادی
چهارم منفعت وجبه کهن و چرکین غم واندوه بود جابر گوید اگر بیند که جبه نو داشت یا کسی بدو داد بر نگ سبز بود دلیل بود که زن
پاک دین بخواهد و اگر بیند که جبه سفید نو داشت زنی پارسا و با امانت بود و اگر زرد بیند زنی بیمار گون بود و اگر کبود بود زنی
متفکر و غمگین بود و اگر سرخ بیند زنی معاشر بود و با او سازگاری کم کند چتر ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر بالائی
سر او چتر میزدند دلیل بود که اگر از اهل آن بود پادشاهی یابد و اگر از اهل آن نباشد دلیل که بزرگی یابد و اگر بیند که چتر پادشاه
در دست داشت دلیل که مقرب حضرت پادشاه گردد حضرت صادق ع فرماید که دیدن چتر در خواب بر هفت وجه بود
اول سلطنت دویم عز سیوم مرتبه چهارم ریاست پنجم رفعت ششم ولایت هفتم صحبت با بزرگان **چراغ**
کرمانی گوید که چراغ در خواب خادم خانه بود و معبران گویند که کدبانوی خانه بود و اگر در خواب بیند که در خانه او چراغ پاکیزه
روشن بود دلیل که بانوی خانه زنی با صلاح و نیک سیرت بود و اگر بیند که چراغ تاریک میسوخت دلیل بود بر رنج کدبانوی
خانه یا زن یا خادم اگر بیند که چراغ فرو مرد دلیل بود که خانه بفتد و کدبانوی خانه بمیرد و جابر گوید اگر بیند که از آتش زنه چراغ
برافروخت دلیل که اگر زن دارد فرزندش آید و اگر غریب بود زن کند یا کنیزک خرد و اگر در سفر غایب دارد بسلامت
باز آید و اگر بیند که در شهر چراغ بسیار است دلیل بود که پادشاه ولایت عادل بود و قاضی منصف و مردم شهر را عشرت
و نشاط بسیار بود اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که چراغ بسیار در دست داشت دلیل بود که او را فرزندی آید که عزت و دولت
یابد و اگر بیند که خواب فاسق بود دلیل که بخدای تعالی باز گردد و توبه کند و اگر مشرک بود هدایت یابد و اگر مسلمان بود
توفیق طاعت یابد قوله تعالی وبشر المومنین بان لهم من الله فضلا کبیرا و اگر بیند که چراغ
بمرد دلیل بود که فرزندش هلاک گردد یا عزو دولتش نقصان پذیرد و اگر بیند که در هر دو دست او چراغ روشن بود دلیل
که مراد دینی و دنیائی او ساخته گردد و اگر بیند که در دست یک چراغ داشت که در وی دو سوراخ و دو فتیله افروخته بود دلیل
است که او را دو فرزند نیک بود که بیک شکم آیند حضرت صادق ع فرماید که دیدن چراغ در خواب بر چهارده وجه بود اول
پادشاه دویم قاضی سیوم فرزند چهارم عروسی پنجم ولایت ششم سلری هفتم مهتر هشتم شادی نهم علم دهم توانگری
یازدهم عیش خوش دوازدهم کنیزک سیزدهم منفعت چهاردهم آنچه بیند همچنان بود **چراغ پایه** ابن سیرین گوید که چراغ
پایه در خواب خدمتگار خانه بود اگر بیند که چراغ پایه داشت یا کسی به او داد دلیل بود که خادم او خوش طبع و مهربان بود

واگر چراغ پایه زنگ گرفته بود دلیل بود که زن خادمه متکبر و خودبین بود و دینش ضعیف بود و اگر بیند که چراغ پایه چوبین بود زن خادمه سفله و دون بود و بر قول او اعتماد نه بود **چراغدان** در خواب زن بود و معبران گویند که خدمت گار خانه بود و قبیله و چراغدان کارفرمای بود کرمانی گوید اگر بیند که چراغدان آهنین بود دلیل بود که اصل آن خدمتگار گبر بوده باشد و اگر سفالین بیند اصل آن خدمتگار مسلمان بود و دین دار و با امانت بود و اگر بیند که چراغدان از دست او بیفتاد و شکست دلیل بود که زن یا خدمتگار او بمیرد **چرغ** ابن سیرین گوید که چرغ در خواب پادشاه بود و اگر چرغ وحشی بیند دلیل فرزندی بود که بحد بلوغ و مردی رسد و اگر بیند که چرغ را بگرفت و بدو شکار میکرد دلیل بود که پادشاه بر او ستم و بیداد کند و اگر بیند که پادشاه چرغ بدو داد و شکار میکرد دلیل بود که از پادشاه حرمت و بزرگی یابد و بر دیگران ستم کند و اگر بیند که چرغ شکار میکرد و او را بگرفت دلیل بود که او را فرزندی آید نافرمان اگر بیند که از گوشت آن چرغ چیزی میخورد دلیل بود که از فرزند رنج و بدی بیند کرمانی گوید که چرغ بخواب دیدن دلیل مردی بزرگ بود که با هیبت و قوت بود و اگر بیند که چرغ در خانه وی یکبار یا دو بار بانگ میکرد دلیل بود که او را زیانی رسد و اگر سه بار بانگ کرد هیچ زیانش نرسد و بعضی از معبران گویند که چرغ مردی و رزد بود که بشب کارها کند **چرک** ابن سیرین گوید که هر که در خواب بیند که جامه چرکین داشت دلیل کند فساد کار بود و اگر کسی بیند که جامه او بچرک یا چیزی دیگر آلوده بود دلیل بود بر تباهی دین و دنیای او و اگر بیند که چرک جامه او سبب مردگان بود دلیل بر فساد دین و صلاح دنیا بود کرمانی گوید که چرک در خواب دیدن بر سر و تن غم و اندوه بود و دیدن چرک بر تن هیچ خیر و منفعت نباشد **جرغ** در خواب زنی بود مختلف حال و پراگندگی احوال و مولی زاده اگر بیند که جرغ داشت یا کسی بدو داد دلیل بود که زنی بدین صفت که گفتیم بخواهد و اگر بیند که جرغ او ضایع گردید دلیل بود که زنش بمیرد یا طلاق دهد جابر مغربی گوید که جرغ سفید روشن بود دلیل بود که زنی مستور با امانت و خوبروی بخواهد و اگر بیند که جرغ تیره و سیاه بود تا دلش بخلاف این بود **جستن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که از جای بجست دلیل بود که از حالی که دارد بحال دیگر شود و اگر جستن دور بود دلیل بود که سفری دور کند و اگر بیند که چوبی یا نیزه در دست داشت و بدان از جای بجای بجست دلیل بود بر مردی قوی اعتماد کند تا او را مددی دهد در کاری تا آنکار بمراد وی بر آید و اگر بیند که از دیواری فرو جست و بر ستور نشست دلیل بود که هلاک گردد و اگر بیند که بر بامی جست و خانه در زیر پایش فرو رفت و بمرد دلیل بود که زن از وی جدا گردد و باز پیش وی آید و اگر بیند که از زمین بهوا بر جست و روی بقبله آورد و بعد از آن خود را در حرم دید یا در مکه یا در مدینه این جمله دلیل حج کردن بود و اگر بیند که از سرای مجهول بسرای مجهول بر جست دلیل بود که هلاک گردد و اگر بیند که باشگونه همی جست و معلق همیزد دلیل بود که کاروی باشگونه بود و عیش بروی تباه گردد و اگر بیند که بهوا بر جست و مرغی را بگرفت دلیل کند که زن خود را بگذارد و زن دیگر خواهد و اگر بیند که بچوبی یا بعصای از جای بجای همی جست دلیل بود که از رنج و اندیشه برهد و کارش بنظام شود **چشم** ابن سیرین گوید که چشم بخواب دیدن مرد بینائی بود که بدان راه بدی یا بد چشم از رق

چراغدان — جرغ — جستن

بدعت بود و چشم شهلا فرزند بود و اگر بیند که نابینا شده است دلیل بود که از راه هدی گم شده بود یا فرزندی بمیرد و اگر بیند که یک چشمش کور شد دلیل بود که یک نیمه دین او رفته بود یا گناهی بزرگ کرده بود بکیدست یا بیک پای یا بیک اندام تن وی یا مصیبتی بوی رسد یا در کاری از آنِ وی کرانی گوید اگر بیند که در چشم مرمه کشید دلیل بود که صلاح دین جوید و اگر بیند که از مرمه مقصودش زینت و آرایش است دلیل بود که خویشتن را با امانت و دین دار بمردمان نماید تا عزیز گردد و اگر بیند که مرمه بوی داد تا در چشم کشید دلیل بود که بقدر آن مال یابد و اگر بیند که روشنائی چشم او ضعیف بود و بظاهر و باطن دوروی و منافق بود و اگر بیند که بر تن او چشم بسیار بود و همه چیزها را بکمال میدید دلیل بود بر زیادتی صلاح وی در دین و بجای آوردن سنت و فرایض شریعت و اگر کسی بیند که کسی چشم او بر کند دلیل بود که چیزی که چشم او بدان روشن بود از زن و فرزند و سرای و باغ از نظر او غایب گردد چنانکه دیگر باز نه بیند جابر مغربی گوید اگر بیند که چشم از آهن است دلیل بود که پرده او دریده گردد اگر بیند که هر دو چشم او آماسیده بود ند چنانکه چشم باز نمی تواند کرد دلیل بود که با مردی مخالف صحبت کند و اگر نور چشم را ضعف بیند دلیل بود که او را بطاعت کردن زیانی افتد و اگر هر دو چشم خود را کنده بیند دلیل بود که از دین شریعت بی بهره گردد و اگر بیند که در میان روی او یک چشم است دلیل بود که بر زبان او سخن ناسزا رود در باب دین و اگر بیند که چشمهای او روشن است و مردمان به پندارند که او کور است یا شب کور دلیل بود که باطن او در دین بهتر از ظاهر او بود و اگر بیند که چشم کسی سیاه بود و ازرق شد دلیل بدی و برگشتن حال او بود قوله تعالی ویحشر المجرمین یومئذ زرقا و اگر بیند که هر دو چشم او سفید شد و دیگر باره سیاه گشت دلیل بود که بیمار گردد یا با کسی خصومت کند و اگر بیند که همه چشم او سیاه گشت چنانکه سفیدی نداشت دلیل بود که متکبر گردد و اگر بیند که یک چشم او آفت رسید دلیل بود که فرزندان او را آفت رسد و اگر بیند که کسی دست فراز کرد و یک چشم او را بر کند دلیل کند که فرزند او را از راه ببرد و اگر بیند که کسی چشم او را بلب یا بدست بگرفت دلیل بود که فرزند او را زیادتی رسد یا مالش برود یا گناهی کند و اگر بیند که از دیده او خون همی رفت دلیل بود که بجهت فرزند غمی بوی رسد یا بنقصان مال او شود اسمعیل شعث گوید اگر کسی بیند که چشم او گوش گشت و گوش او چشم گشت دلیل بود که زنی خواهد که او را دختری بود و با هر دو مجامعت کند و اگر بیند که چشم بر کف دستش بود دلیل بود که مال یابد و اگر بیند که در چشم او سفیدی بود دلیل بود که او را غم و اندوه رسد قوله تعالی وابیضت عیناه من الحزن

حکایت

چنین گویند که مردی پیش دانیال ع آمد و گفت بخواب دیدم که چشم راست من بوسه بر چشم چپ من میداد گفت ای مرد از خدا بترس و توبه کن و بعد ازین بازن همسایه خیانت مکن تا از عقوبت حق تعالی ایمن گردی مرد گفت که توبه کردم که بعد ازین زن کنم حضرت صادق ع فرماید که چشم در خواب بر هفت وجه بود اول روشنائی دویم دین هدی سیوم اسلام چهارم فرزند پنجم مال ششم علم هفتم زیادتی در دین و مال چشمه ابن سیرین گوید که چشمه آب در خواب مهتری بود

وجوانمردی نخشنده چون آب خوش طعم وخوشبوی بود قوله تعالی فیهما عین جاریه واگر آبش تیره وگنده وناخوش بود دلیل بود که انجام غم وبیماری ومصیبت بود واگر بیند که ازان چشمه مسح همیکرد دلیل بود که از غمها فرج یابد واگر بیند که آب چشمه زیاده شد دلیل بود که جاه وعزت ودر آن دیار جوانمردی زیاده گردد واگر بیند که آب چشمه نقصان کرد تاویلش بخلاف این بود واگر بیند که آب چشمه خشک گردید دلیل بود که مهتری جوان مرد از آن دیار رحلت کند کرمانی گوید اگر بیند که در خانه او یا در دکان او چشمه آب پدید آمد دلیل بود که او را غم واندوه وگریستن بود بر قدر وقوت آن چشمه واگر آب را تیره وناخوش بیند غم واندوه بود صعب تر واگر بیند که در آن چشمه دست وردی می شست دلیل بود که اگر بنده بود آزاد گردد واگر غمگین بود از غم فرج یابد واگر بیمار بود شفا یابد واگر وام دارد وامش گذارده شود واگر گناهکار بود توبه کند واگر حج نکرده باشد حج کند رحمی گوید که آب چشمه بخواب دلیل بر عمر صاحب خواب بود بآن قدر که در چشمه آب بیند خاصه که دست در آن آب زند وآب ایستاده بتاویل ضعیف تر از آب روان بود وبعضی از معبران گویند که چون آب چشمه ایستاده بود بتاویل دلیل بر خیر وصلاح دین کند وچون روان بود دلیل بر غم واندوه بود حضرت صادق ع فرماید که دیدن آب چشمه در خواب پنج وجه بود اول مهتری جوانمرد دوم غم واندوه سیوم مصیبت چهارم بیماری پنجم عمر وزندگانی یافتن **چغانه** ابن سیرین گوید که چغانه در خواب سخن باطل ودروغ بود واگر بیند که چغانه میزد دلیل که سخن باطل ودروغ گوید یا او را غم واندوه رسد واگر بیند که پادشاه ویرا چغانه داد دلیل بود که از پادشاه ویرا غم واندوه رسد واگر بیند که چغانه را بشکست وبفگند دلیل بود که از دروغ وباطل توبه کند واگر بیند که چغانه بر سر میزد وچغانه نداند زد دلیل بود که اگر صاحب علم بود مردمان را تعلیم کند وازان علم فائده بمردمان رساند باشد که از شگونه علم گوید تفسیر وعلم حدیث وفقه واگر این کس جاهل بود شغلی پیشه کند که ازان شغل او را سرزنش کنند واگر بیند که با چغانه چنگ ونای ورقص بود دلیل بر غم واندوه ومصیبت کند **چغد** در خواب مردی بود ناکار وحسام وحرام بود واگر بیند که کسی چغد همی گیرد دلیل بود که او را با چنین مردی خصومت افتد ودیگر بهمه حال دیدن چغد در خواب مبارک نباشد کرمانی گوید اگر کسی بیند که آواز چغد همی شنید دلیل بود که در آنجا نوحه وشیون بود بقدر بانگ چغد واگر بیند که بچه چغد بود دلیل که فرزند او شوم وناخلف بود واگر بیند که گوشت چغد همی خورد دلیل بود که از مال مردی درد ناکار بقدر آن چیزی بخورد **چغندر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که چغندر در خواب دلیل بر غم واندوه بود واگر کسی بیند که چغندر همی خورد دلیل کند که بقدر آن غم واندوه خورد واگر بیند که چغندر از خانه بیرون انداخت دلیل بود که از غم فرج یابد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که چغندر در خواب منفعت اندک بود از جهت زنان وچغندر پخته هم از زنان منفعت یابد اندکی **چک** محمد ابن سیرین گوید که اگر چک مهره بوی داد یا مهره کرده بیافت دلیل بود که مال ومنفعت یابد اگر کسی بیند که کسی بر چک یا خط یا قبالا می نوشت

دلیل بود که حجامت کند جابر مغربی گوید اگر بیند که چک مهره کرد یا داشت مهر از وی برگرفت دلیل است که در مال او نقصان
افتد اگر بیند که چک از وی ضایع شد یا بسوخت دلیل بود که وی ضایع گردد **چکاوک** بفارسی قبره خوانند
و تاویلش در خواب فرزند یا غلام بود اگر در خواب بیند که چکاوک نر بگرفت یا کسی بوی داد دلیل است که غلامش یا
فرزندش آید چنانکه اگر چکاوک نر بود غلام پسر آید و اگر ماده بود غلام را دختری آید کرمانی گوید چکاوک در خواب
مردی بود شیرین سخن غریب و کم از وچرب زبانی اگر کسی بیند که چکاوکی وی را عطا داد یا بگرفت دلیل بود که با چنین مردی
او را صحبت افتد **جگر** ابن سیرین گوید که جگر در خواب مال پنهان کرده بود اگر بیند که جگر مردم بود دلیل بود که مال پنهان
کرده بیابد و هزینه کند و اگر بیند که بسیار جگر پخته یا بریان کرده او را حاصل گردید یا خام دلیل کند که گنج بیابد و جگر گاو و
گوسفند هم دلیل بر مال و نعمت بود و بعضی از معبران گویند که جگر بخواب دیدن دلیل بر فرزندان بود چنانکه رسول صلی الله
علیه و آله و صحابه و سلم فرمود او لاد نا اکباد نا کرمانی گوید که بیرون آمدن جگر پیدا شدن مال پنهان بود که پیدا گردد و جگر
بسیار اگر پخته یا خام بود دلیل کند بر یافتن گنج و بر علم غیب حضرت صادق ع فرماید که دیدن جگر در خواب بر سه وجه بود
اول فرزند و مال دویم دوست که بجای فرزند بود سیوم علم و اگر بیند که از خانه او جگر بیرون میکردند یا آتش جگرها را
میسوخت دلیل بود که بادشاه گنج و مال او بستاند و اگر این خواب را عالمی بیند دلیل بود که علمها را جمله فراموش کند
جماع دانیال ع گوید که جماع در خواب رواشدن حاجت بود خاصه چون بیند که منی از وی جدا گردید اگر کسی بیند که با کسی
جماع کرد دلیل بود که از آن کس نیکی یابد و حاجت او روا گردد و اگر بیند که کسی با او جماع کرد دلیل بود که خاندان او توانگر
گردند و اگر بیند که با زن خود مجامعت کرد چنانکه زن از بالا بود و مرد از زیر دلیل کند که زنی دیگر خواهد و از وی خیر و
منفعت بیند ابن سیرین گوید اگر بیند که با زن خود یا زن دیگر از راهی دیگر مجامعت کرد دلیل که مردی مبتدع بود بر طلب
کار ناسزا او در آن کار او را مصلحت نباشد و سنت رسول ص را نگاه ندارد و اگر بیند که با مادر یا با خواهر یا با کسی دیگر که
بروی حرام است مجامعت کرد دلیل بود که شفقت خویشی از وی بریده گردد و اگر زنده بود یا مرده دلیل بر غم و اندوه و
بعضی از معبران گویند که اگر زنده بود از وی خیر و نیکی بیند و باشد که حج اسلام کند اگر بیند که با زن که مرده بود مجامعت
کرد دلیل بود که غمگین و ستمند گردد و اگر بیند که با زن مرده بیگانه جماع کرد دلیل بود که کاری کند که از آن کار نومید شده باشد
تمامی نیابد مرده که بیگانه نبود اگر بیند که با جوان مجهول مجامعت کرد و میان ایشان خصومت بود دلیل بود که به محبت انجامد
و از وی خیر و نیکی بیند و اگر آن مرده جوان معروف بود بروی ظفر یابد و اگر بیند که جماع با مردی پیر میکرد دلیل بود که خیر و نیکی
از بخت خود بیند کرمانی گوید اگر بیند که دختری بد و شیرگی بستد دلیل بود که در آن سال زنی خواهد یا کنیزکی بخرد و اگر بیند که بحرم با دشاه
شد و مجامعت کرد دلیل بود که بر دشمن ظفر یابد اگر بیند که با وی جماع کرد همین دلیل کند و کارش بمراد شود و بعضی
گویند که از پادشاه ترس و بیم بوی رسد و اگر بیند که با مرغی مجامعت کرد دلیل کند که با کسی که بدان منسوب باشد

ظفر یابد اگر بیند که با ترسائی یا جهودی یا گبری مجامعت کرد دلیل بود که کارهای دنیائی او منظم شود و اگر مردی پیر که بکلی شهوتش زایل شده بود در خواب بیند که شهوتش غالب گردیده است چنانکه در جوانی بود دلیل کند که در کار دین نیک رغبت گردد و اگر بیند که با زنی نابکار جماع کرد دلیل کند که طالب دنیا شود و مال حرام و اگر این خواب زنی بیند همین تاویل دارد جابر مغربی گوید اگر بیند که با شتر جماع کرد دلیل بود که از سختی برهد و بر دشمن ظفر یابد و مالش بسیار و نامش بلند گردد و اگر بیند که با پادشاهی جماع کرد دلیل است که محرم و نزدیک او گردد و اگر بیند که با زن پادشاه جماع کرد دلیل بود که از و منفعت یابد و اگر بیند که با زن حایض مجامعت کرد دلیل که کارش بد شود و اگر بیند که با زن مجامعت کرد که مرده بود دلیل که کارش بد گردد یا با خویشان او پیوندد و وصلت کند و اگر آن زن زنده بود از خویشان او مفارقت کند و بعضی از معبران گویند که با زن حایض مجامعت کردن آسایش کارهای دنیائی بود اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که با زن او که کنیزک بود مجامعت کرد دلیل که از پادشاه خیر و منفعت بدو رسد و اگر بیند که با مردی معروف جوان جماع کرد دلیل است که از و خیری بدو رسد اگر بیند که با مردی مجهول جوان جماع کرد دلیل بود که از پادشاه حاجت او روا گردد و اگر بیند که با مردی مرده جماع کرد دلیل بود که از برای او دعائی یا خیراتی کند و اگر زنی بیند که با زنی دیگر جماع کرد دلیل بود که از و نیکی بیند و حاجتش روا گردد و حضرت صادق ع فرماید که در خواب جماع کردن که از و غسل واجب گردد تاویلش نباشد **جلاب** ابن سیرین گوید که جلاب خوردن مال حلال و دین پاک بود اگر کسی بیند که او را جلاب داد و بخورد دلیل بود که او را بقدر آن مال حاصل گردد و دلیل است بر دین پاک و اعتقاد درست او و اگر بیند که کسی با و جلاب داد دلیل بود که از ان کس خیر و منفعت یابد اگر بیند که جلاب زخورد و بر زمین ریخت تاویلش بخلاف این بود **جنازه** اگر کسی بیند که جنازه می برند دلیل بود که خداوندش را بر چندان مردمان که از پس جنازه بودند ایشان را فرمان روا گردد لکن بر ایشان ظلم کند و اگر بیند که او بمرد و او را در جنازه نهادند و او را میبردند و مردمان از پس جنازهٔ او میرفتند دلیل بود که شرف و بزرگی یابد و لکن دین او بفساد بود و با آن قوم که از پس او میرفتند او فرمان روا بود و اگر بیند که جنازهٔ مرده برداشت و میبرد دلیل بود که بخدمت پادشاه پیوندد و از و خیر و نیکی بیند و اگر بیند که قومی از پس جنازهٔ او میرفتند و در هوا میشدند دلیل که مردی بزرگ از آن شهر در سفر بمیرد و اگر خویشتن را در جنازه بیند که آن جنازه بر زمین همیرفت دلیل کند که بسفر شود کرمانی گوید اگر بیند که زنده را بر جنازهٔ میبردند و در پس جنازهٔ او کسی نبود دلیل بر نقصان عز و جاه و کار وی کند و اگر بیند که مردمان در پس جنازه او بودند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که بر جنازه گران بود دلیل که ستم بر مردمان کند و اگر بیند که بر جنازه سبک بود دلیل بود که بر مردمان سبکبار بود و حالش نیکو گردد و اگر بیند که از جنازه بیفتاد یا کسان که او را می بردند از جنازه بیفتادند دلیل بود که از عز و جاه بیفتد و کار او بسته گردد و حضرت صادق ع فرماید که جنازه در خواب دیدن بر سه وجه بود اول بزرگی دویم ولایت سیوم عز و جاه و رفعت **جنب بودن**

اگر بیند که جنب بود دلیل بود که در حرام آشفته و سرگشته شده باشد و بعضی از معبران گویند که سفر کند و مراد دنیا بیابد و کارش تباه گردد و اگر بیند که خود را از جنابت بشست و جامه بپوشید دلیل بود که سرانجام ازان کار رسته گردد و کار بسته گردد و اگر بیند که خود را به تمامی نشست دلیل بود که کارش بر تمام نگردد یعنی که تمام برنیاید کرمانی گوید اگر کسی در خواب جنب بیند خود را و برهنه دلیل بود که در کار خود متحیر و عاجز گردد و اگر بیند که خود را در گرمابه بشست و بیرون آمد و جامهٔ پاکیزه در پوشید دلیل بود که بخدا باز گردد و توبه کند **چنگال** اگر کسی خود را چون مرغان چنگال دار بیند دلیل کند که او را قوت بود در کسب معیشت و دشمنان را قهر کند و اگر بیند که چنگال مرغان در دست داشت دلیل بود که بقدر و قیمت آن مرغ خیر و منفعت بدو رسد حضرت صادق ع فرماید که چنگال در خواب بر سه وجه بود اول قوت و ناتوانی در کارها دویم معیشت سیوم کسب کردن **چنگاله** در خواب مردی بود بدکردار و عذاب کننده و چنگاله را بفارسی معلاق خوانند اگر بیند چنگاله داشت یا کسی بوی داد دلیل بود که با مردی بدین صفت او را صحبت و دوستی افتد و اگر بیند که چنگاله اندام او را بخست دلیل بود که او را از مردی بدکردار مضرت و زیان رسد و اگر بیند که چنگاله از دو ضایع گردید یا به بخشید دلیل بود که از صحبت مردی بدکردار جدا گردد **چنگ زدن** ابن سیرین گوید که چنگ زدن در خواب سخن دروغ بود اگر بیند که چنگ میزد دلیل بر سخن باطل و دروغ بود و او را ازان غم و اندوه و زیان رسد و اگر بیند که پادشاه او را چنگ داد دلیل بود که او را از پادشاه عطا و بزرگی رسد و اگر از اهل آن بود از غم و اندوه فرج یابد و اگر بیند که چنگ را بشکست یا بیفگند دلیل بود که از دروغ و باطل توبه کند و اگر بیند که کسی چنگ میزد و او سماع میکرد دلیل بود که شنونده در دروغ و باطل بود و بعضی از معبران گویند که چنگ زدن در خواب دلیل بر عمر دراز بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که چنگ میزد دلیل بود که بزنی بزرگ از مهتران پیوسته گردد و از وی عز و جاه یابد هم بمال و هم بسخن روایی و آخر کار آن زن را بنکاح بخواهد و اگر بیند با چنگ و چغانه و نائی در رقص هم ازینجمله دلیل بود بر غم و مصیبت جابر مغربی گوید اگر کسی در بیماری بیند که چنگ و چغانه میزد دلیل بود بر وفات او **جنگ کردن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که او جنگ کرد با مردمان یا حیوان دیگر چون هر دو از یک جنس باشند آنکه غالب بود بر دشمن ظفر یابد **جهود شدن** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که او جهود شد دلیل بود که بر راه بدعت بود و جهودان را یاری دهد و قول ایشان را راست دارد ابن سیرین گوید اگر بیند که او جهود شد یا ترسا یا مشرک یا بت پرست دلیل بود بر ضلالت و گمراهی او و بر خدای تعالی بهتان و دروغ گوید و اگر بیند که ازان کیش برگشت و مسلمان شد دلیل که گناهی بزرگ ازو در وجود آید و سرانجام توبه کند و بسوی حق تعالی باز گردد و اگر بخواب بیند که نداند از کدام دین است یا از کدام قبله نماز میباید کرد دلیل بود که سرگشته و متحیر و سرگردان شود و فرو ماند حضرت صادق ع فرماید اگر کسی بیند که جهود شد دلیل بود که صاحب خواب را کاری مشکل پیدا گردد و بر مخالف شریعت سنت یابد زیرا که یهود مشتق است از هدی و اگر مغنی را بخواب بیند دلیل بود که صاحب خواب را بکارهای

دنیا فریفته گردد و غافل بود از کار آخرت جابر رح گوید اگر جهودی بخواب بیند که مسلمان شد دلیل بود که زود بمیرد یا مسلمان
گردد جو کرمانی گوید اگر بیند که جو تر یا خشک یا پخته همی خورد دلیل بود که چیزی اندک بوی رسد و اگر کسی بیند که جو داشت
یا کسی بوی بخشید دلیل بود که بقدر آن خیر و نیکوئی بدو رسد و دلیل بر تندرستی بود و اگر بیند که جو در زمین میکشت
دلیل بود که ویرا مال جمع گردد و کاری کند که خدای تعالی ازو خشنود گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که جو در
خواب دیدن مال بود که آسان بدست آید و جو فروش بخواب دیدن مردی بود که دنیا را بر دین اختیار کند **جوال**
دوز ابن سیرین رح گوید که جوال دوز در خواب مردی بود که کارهای مردم بهم پیوندد خاصه کارهای کوچک اگر بیند که
جوال دوز فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل بود که او را با مردی بدین صفت که گفتیم صحبت افتد و اگر جوال دوز او شکست
یا ضایع شد دلیل بود بر هلاک آنمرد **جوان شدن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که جوان گردید و محاسن سفید سیاه
گردید دلیل بود که فرومایه گردد و اگر جوان مجهول را بیند دلیل بود که از دشمن خواری بیند و مراد وی برنیاید و اگر بیند که
جوانی پیر شده است دلیل بود که حرمتش زیاده گردد و زنان نیز در این معنی چون مردان باشند جابر مغربی گوید که اگر جوانی
در خواب بیند که پیر گردیده بود دلیل بود که علم و ادب آموزد و شرح آن در حرف میم بیان کنیم **چوب** کرمانی گوید که
چوب در خواب دیدن نفاق بود و بعضی از معبران گویند که چون چوب بیند در خواب مروی بود که در نفاق بود و اگر بیگانه
دهد آن کس با وی نفاق کند و چوب کج در خواب دیدن تاویل آن چون تاویل چوب راست بود و اگر چوب کج بود که سوختن
را شاید مرد منافق و دروغ زن بود **جوراب** ابن سیرین رح گوید که جوراب در خواب خادمی بود از شمار زنان اگر بیند که
جوراب نو از ابریشم یا از ریسمان پوشیده بود دلیل بود که او را خادمی بود اصلی و از او برخوردار گردد و اگر بیند که
جوراب ابریشمین یا نقشین داشت دلیل بود که کنیزکی خوبروی بخرد یا زنی با جمال بخواهد و اگر بیند که جوراب زرد داشت دلیل
که او را خادمی بیمار گون پیدا گردد و اگر بیند که جوراب او سرخ بود دلیل بود که او را خادمی شوخ بیشرم بود و اگر بیند که
جوراب او سیاه بود اگر ببیند مصلح بود نیکو بود و اگر مفسد بود بد بود و اگر بیند که جوراب کهن و چرکین بود دلیل بود که
خادمش را بفسادی متهم کنند و اگر بیند که جوراب ضایع شد یا بسوخت دلیل بود بر مرگ خادم و بعضی از معبران گویند
که جوراب در خواب مال و خواسته بود و اگر جوراب بوی دهد دلیل بود که زکوٰة مال بدهد و اگر بوی جوراب ناخوش بود دلیل
که زکوٰة مال ندهد و زبان مردم بروی دراز گردد کرمانی گوید اگر بیند که جوراب او از پوست بود و به بیند که از کدام پوست
است اگر از پوست شتر بود دلیل بود که خادم او بزرگ همت و اصل بزرگ بود و اگر از پوست گوسفند بود دلیل که خادم او از مردم
عامه بود و اگر از پوست اسپ بود دلیل بود که خادمش از اصل مهتر و سپاهیان بود و اگر بیند که از پوست پلنگ بود خادم
او از مردم بیابانی بود جابر مغربی گوید اگر بیند که جوراب در پای داشت دلیل بود که مال نگاهدار دارد اگر بیند که جوراب سفید
پاکیزه در پای داشت دلیل بود که زکوٰة مال داده بود حضرت صادق ع فرماید که جوراب پای مال مرد بود و نگاهدار مال

جوال دوز

جوان شدن

چوب

جوراب

زکوٰة

زکوٰة بود واگر بیند که از جوراب او بوئی خوش می آید دلیل بود که در مرگ و زندگانی او را ثنا گویند واگر بوئی ناخوش
کند او را ملامت و نفرین کنند واگر بیند که جوراب او ضایع شد دلیل بود که زکوٰة ندهد و مال او ضایع گردد **جوشن**
محمد بن سیرین گوید که پوشیدن جوشن در خواب پشت و پناه بود بقدر روشنی و پاکیزگی آن واگر بیند که جوشن داشت
دلیل است که او و اهل بیت او ایمن شوند از دشمنان واگر بیند که جوشن پوشیده است دلیل بود بر حصار تن او از شر
دشمنان که بروی ظفر نیابند واگر بیند که با جوشن دیگر سلاح داشت دلیل بود که از مکر منافق و از شر عامه ایمن گردد و بعضی
از معبران گویند که جوشن در خواب زیادتی دین او بود هر که جوشن در خواب بیند و دلیل که پوشیده در حفظ خدائے
عزوجل بود حضرت صادق ع فرماید که جوشن در خواب بر شش وجه بود اول بزرگی دویم پناه سیوم قوت چهارم مال
پنجم زندگانی ششم زندگانی و زیادتی در دین و جوشن در خواب دیدن مونس مردم بود **چوگان زدن** ابن سیرین
گوید اگر بیند که چوگان در دست داشت و گوئی میزد دلیل که آنچه میجوید بیابد و قدر و منزلتش بیابد اما در دین و طاعت
سست بود کرمانی گوید اگر چوگان را در خواب بدست پادشاهی دید دلیل بود که بر دشمنان ظفر یابد و چوگان چون در دست
مردم عامه بیند دلیل بود که با مردم جنگ و خصومت کند و سخن زشت شنود از قبل زنان و معبران تشبیه کرده اند گوئی را
بدهان و چوگان را بزبان **جولاهی** ابن سیرین گوید که جولاه در خواب مردی مسافر یا پیک بود که در عالم همیگردد
واگر بیند که جولاهی جامه همی بافت با کسی او را جنگ و خصومت افتد زیرا که کرباس بافتن تباویل جنگ و جدل بود کرمانی
گوید بافتن جامه خواب در حرف باد در بافتن چیزها بیان کردیم اگر بیند که جامه را تمام بیافت دلیل کند که اندوهگین گردد
جوهر بفارسی گوهر فردوش گویند ابن سیرین گوید اگر بیند که گوهر و مروارید میفروخت و آن گوهر ملک او بود دلیل بود که
خداوند علم و دین بود و با همه کس نیکی و احسان کند و اگر خداوند دین نباشد دلیل بود که خداوند غلامان گردد و بقدر
و قیمت گوهر او را مال حاصل گردد حضرت صادق ع فرماید اگر مصلح و مستور بود و دید که گوهر ها میفروخت دلیل بود که
او را علم و دین حاصل گردد **جوئ آب** ابن سیرین گوید که جوئ آب در خواب دیدن چون آب خوش طعم بود و پاکیزه
دلیل که زندگانی او خوش بود و اگر بیند که از جوئ مجهول آب صافی میخورد و این کس در سفر بود یا در جایگاهی بیگانه دلیل
بود که در کاری مجهول مشغول گردد و عمر خود در او را گذارد و بمقدار آن آب که در جوئ خورده بود منفعت یابد و اگر آب
جوئ شور و تلخ و ناخوش بود دلیل بود بر تلخی معیشت و زندگانی او ابن سیرین گوید که جوئ در خواب دیدن اصل جوئے
وکیل بود که مقبل گردد و اگر کسی آب جوئ روان و صافی بیند دلیل که مقبل گردد و اگر کسی آب جوئ را روان و صاف
بیند دلیل بود که کاروی روان کرده شود و اگر بیند که آب جوئ تیره بود دلیل بود که کارش تباه و بی نظام شود و بهر جائے
که آب جوئ بیند دلیلش بر دلیل ناحیه بود و هر زیاده و نقصان که در جوئ بود بوکیل باز گردد و اگر بیند که بر تختے نشسته
بود و در زیر آن تخت آب روان بود دلیل بود که دولت و اقبال روئ بوی نهد و احوال دو جهانی او نیکو گردد قوله تعالے

یتجری من تحتها الانهار لهم فیها ما یشاؤن واگر بیند که در جوی آب صافی نشست دلیل بود که از غم فرج یابد واگر بیمار بود شفا یابد واگر وام دار بود وامش گذارده گردد واگر در سفر بود زود باز آید و اگر بیند که جوی در تاویل مردی بود محتشم با منفعت اگر بیند که آب جوی برداشت دلیل است که بقدر آن از مردی محتشم مال یابد و جوی خرد زندگانی بود و الله اعلم

حرف الحاء من کتاب کامل التعبیر

بحقایق الامور

حبر ابن سیرین گوید که حبر در خواب طلب کردن معیشت و یافتن مال بود اگر بیند که حبر بخرید یا کسی بوی داد دلیل بود که معیشت بروی فراخ گردد و مرادش حاصل گردد و اگر بیند که حبر بریخت یا از وی ضایع شد تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید اگر بیند که حبر بر جامه او ریخت دلیل بود که او را زیانی رسد و اگر دبیر بود او را زیان ندارد اگر بیند که بحبر چیزی مینوشت اگر آنچه نوشت از قرآن یا از نام خدای تعالی بود دلیل بر خیر و صلاح او کند و اگر بخلاف این بود که بیند دلیل بر شر و فساد او کند **حب خوردن** ابن سیرین گوید که حب خوردن در خواب اگر بیند که از برای بیماری خورد و دید که خوردن او شفا و منفعت یابد دلیل بر خیر و منفعت کارها کند و اگر بیند که از دار و خوردن او را منفعت نبود تاویلش بخلاف این بود **حج گذاردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که بحج رفت حق سبحانه و تعالی حج گذاردن او را روزی گرداند و اگر بیماری این خواب بیند شفا یابد و اگر وام دار بیند وامش گذارده شود و اگر سفری بیند بسلامت بمقام خود برسد و اگر بخواب بیند که بحج رفت و حج از وی فوت شد دلیل که عمرش دراز گردد و کارش بنظام بود کرمانی رح گوید اگر بخواب بیند که بحج رفت و در حرم لبیک میزد دلیل که او را ترس و بیم بود و اگر بیند که حج بروی واجب شد لیکن در رفتن قصد نمیکرد دلیل که خیانت کند و اگر بیند که روز عرفه است دلیل که با کسی صلح کند و اگر بیند که در خانه کعبه نماز میگذارد دلیل که از بزرگان منفعت یابد و کارش نیکو شود حضرت جعفر صادق رضی الله عنه گوید حج گذاردن در خواب بر هفت وجه بود یکی تزویج کردن دویم کنیزک خریدن سیوم زیارت پادشاه دادگر کردن چهارم نیکوئی پنجم سعی نمودن در کار خیر ششم مزد ثواب یافتن هفتم بصحبت اهل علم رسیدن **حجر الاسود** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر حجر الاسود دست مالید دلیل که از اهل حجاز او را منفعت رسد و اگر بیند که حجر الاسود را بر کنده داشت دلیل که بد مذهب باشد و بی اعتقاد و ناپاک بود و اگر بیند که حجر الاسود را باز بجای خود نهاد دلیل که باز بر راه صلاح آید و اگر بیند که آب زمزم میخورد دلیل که چیزیکه از وی گم شده باشد باز بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حجر الاسود را بوسه میداد و بروی روی میمالید دلیل که خیر و صلاح دین وی زیاده شود و با علما پیوندد **حجامت کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حجامت او حجامی بیگانه در جای بیگانه کرد دلیل که امانتی در گردن خود کند و اگر بیند که حجامت کننده دوست بود دلیل که امانتی بدو سپارد و از شر دشمن ایمن شود و از غم فرج یابد اگر جوانی این خواب بیند همین تاویل دارد و اگر پیری بیند بزرگی یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید

اگر بیند که پیر را حجامت کرد دلیل که کارش نیکو شود و اگر بیند که پادشاه را حجامت کرد دلیل که مقرب پادشاه شود و اگر بیند که چون حجامت کرد خون از وی نیامد دلیل که زن از وی بناکام جدا گردد و یا او را طلاق دهد یا بمیرد مغربی رحمة الله علیه گوید که حجام پیر بخت بیننده خواب بود و حجام جوان دشمن او باشد و اگر بیننده خواب خداوند علم است دلیل که مستوفی شود یا دبیر پادشاه گردد و اگر جاهل بود در قرض غرق شود حضرت جعفر صادق ع فرماید که حجامت کردن در خواب بر هفت وجه بود یکی امانت گذاردن دویم شروط خواندن سیوم ولایت یافتن چهارم عز و بزرگی پنجم مرتبت ششم سنت پیغامبر علیه السلام هفتم آنکه اگر عامل بود از عمل معزول گردد و بعضی از معبران گویند اگر حجام جوان بود دلیل که محاسب خرج بود یا پیماینده چیزها و کار مردم بدست وی کشاده گردد **حدزدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حدزدن در خواب دلیل بر فراهم آمدن کار زنان باشد اگر بیند که او را حد میزنند دلیل که بقدر آن کار فراهم آورد و اگر بیند که او را کسی حد زد تا ولیش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی را از بهر گناهی حد زد اگر بیننده خواب مصلح بود بشغل دنیا مشغول شود و اگر بیننده خواب مفسد بود دلیل بر غم و اندوه بود حربه نیزهٔ کوتاه بود اگر بخواب بیند که حربه داشت دلیل که او را فرزندی آید و اگر زن ندارد مال یابد و اگر بیند که با حربه سلاحی تمام داشت دلیل که بزرگی و جاه یابد و اگر بیند که پادشاه حربه بدو داد دلیل که از پادشاه منفعت یابد و اگر بیند که حربه خود بکسی داد دلیل که از آن کس بدو چیزی رسد و اگر بیند که حربه بدست او بود و شکست دلیل که از دشمن نصرت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که حربه در خواب دیدن برشش وجه باشد یکی عجب دوم ولایت سیوم عمر دراز چهارم ظفر پنجم ریاست ششم منفعت **حرم** جائی ایمنی بود اگر بیند که در حرم کعبه بود دلیل که از آفات دنیا ایمنی یابد و او را حج روزی شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در حرم پادشاه یا بزرگی رفت دلیل که از همه شرها ایمن گردد و باشد که از پادشاه چیزی بوی رسد و بعضی معبران گویند که او را حاجت افتد با اهل آن حرم و اگر بیند که پادشاه او را در حرم خود خواند و آنجا مقیم شد دلیل که در کار پادشاه شروع کند و کاری کند که او را از آن کار بدنامی حاصل آید و اگر بیند که بجرم پادشاه ظالم رفت همین تاویل دارد **حریر و خز و دیبا** در حرف دال بیان کنیم **حساب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که حساب میکرد دلیل که در محنت و عذاب افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حق سبحانه و تعالی در قیامت حساب بادی آسان میکرد امید هست که رستگاری یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که در زحمت افتد حضرت جعفر صادق رضی الله عنه گوید حساب قیامت بخواب دیدن برشش وجه بود یکی عذاب پادشاه دوم مشغولی سیوم سختی و رنج چهارم بدحالی پنجم اندوه ششم عمر کوتاه

حصار اگر بیند که در حصاری شد دلیل که از شر دشمن ایمن گردد و اگر بیند که از حصار بیرون آمد دلیل که بر دشمن ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در حصاری محکم بود و آن حصار از آنِ او بود دلیل که از شر دشمن ایمن گردد و اگر بیند که از حصار بیرون آمد بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر خود را در حصار بیند دلیل که نعمت و روزی بروی

فراخ گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر تباهی احوال او و فرو بستگی کارها باشد **حصیر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که حصیر داشت یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن حصیر منفعت یابد و اگر بیند که حصیر بیافت دلیل که بزنی عاشق شود و اگر بیند که حصیر کم بها بود کرمی بافت دلیل که آن زن بی اصل و درویش بود و اگر بیند که حصیر قیمتی و پاکیزه بود دلیل که زنی محتشم با اصل بخواهد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حصیر بیافت و میفروخت دلیل که او را غمی رسد حضرت جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن حصیر در خواب بر سه وجه بود یکی زن دویم منفعت سوم خواستگاری که از آن او را نعمت بود **حقنه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حقنه در خواب درخشم شدن باشد از جای بجای شدن چنانکه از سختی آن بیهوش شود و بعضی از معبران گویند حقنه در خواب کاری بود بر مبنیده باز گردد حضرت جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که او را حقنه کردند و از آن رنج دید دلیل بر بدی احوال او بود و اگر بخلاف این بیند خیر و منفعت یابد **حقه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حقه در خواب زن باشد یا کنیزک اگر بیند که حقه نو فرا گرفت یا بخرید یا کسی بوی داد دلیل که زن خواهد یا کنیزک خرد و اگر بیند که حقه بشکست یا ضایع شد دلیل که زن از وی جدا شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حقه بزرگ منقش بست دلیل بود که زنی تو انگر بخواهد و از و منفعت یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که زنی زشت روی و درویش بخواهد **حکمت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که علم حکمت می خواند دلیل که قرآن خوان شود و اگر بیند که کتاب حکمت بسوخت دلیل بر تباهی دین وی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که اوراق کتاب حکمت میخورد دلیل که علم حکمت بسیار خواند و اگر می بیند که اوراق میدرید دلیل که مبنیده خواب نماز نگذارد و اگر بیند که کتاب حکمت میخواندند و او می شنید دلیل که علم خواند **حلاج** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که حلاج در خواب مردی قوی بود که کارهای مردم بر دست وی گشاده گردد و اگر بیند که حلاجی میکرد دلیل که با مردی چنین که گفتیم او را صحبت افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید حلاجی در خواب بر دو وجه بود یکی منفعت دویم گشایش **حلتیت** انگوزه بود در خواب دیدن وی بهمه حال غم و اندوه بود **حلوا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حلوا در خواب مالی بود که بر دست پادشاه گذشته بود و حرام گشته حضرت جعفر صادق رضی الله عنه فرماید حلوا در خواب مال بسیار بود و دین خالص و یک لقمه از حلوا بوسه بود که بفرزند دهد و یک لقمه بوزینه نیکو بود و حلوا یکه مغز بادام یا مغز جوز در و باشد منفعت بود که بدو رسد از مردی بخیل مغربی رحمة الله علیه گوید حلوا کردن در خواب دلیل که بقدر آن مال حلال روزی حلال یابد و اگر بیند که در وی زعفران بود بهتر بود و حلوا فروش در خواب مردی شیرین سخن بود **حمال** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حمال در خواب خداوند جاه و خطر بود و اگر بیند که بر پشت باری سبک داشت و آن بار ملک او بود دلیل که بقدر آن بار او را راحت و خیر و منفعت رسد و اگر بیند که آن بار بر پشت داشت چنان بود که او را از آن بار گزند نرسد دلیل که گنه کار و عاصی شود قوله تعالی لیحملوا اوزارهم

کاملة

کاملة یوم القیمة مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حمالی از بهر دیگران میکرد بی اجرت دلیل که با خلق خدای خیر و احسان کند و اگر بیند که حمالی میکرد و مزد میگرفت تاویلش غم واندوه بود حنا کرمانی علیه الرحمة گوید اگر بیند که بر دست و پای حنا نهاده دلیل که خویشتن را بیاراید ولیکن در دین کراهیت بود و بعضی معبران گویند که حال خویشان از و پوشیده نماند و اگر این خواب کس دیگر بیند که او را حنا بستن نشاید دلیل که غم بوی رسد و زود فرج یابد حضرت صادق رضی الله عنه گوید حنا بستن در خواب بر سه وجه بود یکی آرایش خویشان دوم ستر اهلبیت سیوم غم واندوه حنوط بوی خوش باشد که بر مرده کنند ابن سیرین رح گوید اگر بیند که حنوط بروی پراگندند دلیل که تائب گردد در پناه حق تعالی باشد و اگر این خواب کسی مصلح بیند از غم واندوه فرج یابد و از ترس ایمن گردد کرمانی رح گوید که حنوط خوشبوئیدن ستایش مردم بود باخطر بجهت آنکه بعضی از معبران گویند که نیک نامی بود بر اهل میت بر اندازه حنوط حوض ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اصل حوض در خواب علم و دانش بود اگر بیند در حوض آب پاک صافی خورد دلیل که بقدر آن از علم بهره یابد و اگر بیند که خود را آب حوض نمی شست دلیل که توفیق طاعت یابد و از عصیان باز ایستد و اگر بیند که آب حوض همه خورد دلیل که عمر بسلامت گذراند و مالش زیاده شود کرمانی رح گوید اگر بیند که جامه خود را در حوض بشست دلیل که اهلبیت او توبه کنند و براه دین در آیند و اگر بیند که جامه در حوضی می شست و پلیدی در زیر آب ظاهر شد دلیل که بعلم کار نکند و اگر بیند که بکناره حوض سبزه رسته بود دلیل که از علم خود منفعت گیرد و مردم از علم وی منفعت یابند خاصه که حوض ملک او بود و اگر بیند که آب حوض زیاده شد بی آنکه از جائی در حوض آب آید دلیل که مال و علم وی بقدر آن زیادت گردد و اگر بیند که آب حوض تیره و تلخ بود دلیل بر غم واندوه بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آب حوض میخورد دلیل که مال یابد از مردی تو انگر و عاقبت وی محمود بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن حوض در خواب بر چهار وجه بود یکی مردی با منفعت دویم مردی تو انگر سیوم مال جمع کردن چهارم عالمی که مردم از علم وی نفع یابند حوض کوثر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که قیامت برخاست و خلق را به نزدیک حوض کوثر طلب میکردند دلیل که پادشاهی پیدا شود که میان خلق عدل و داد پیدا کند و اگر بخواب بیند که از حوض کوثر یک جام آب خورد دلیل که مرگ وی بر مسلمانی بود و اگر بیند که پیرامن حوض کوثر می گشت و آب میخواست و او را آب ندادند دلیل که دشمن یاران پیغمبر صلی الله علیه و آله و اصحابه وسلم باشد و اگر بیند که پیغامبر صلی الله علیه و آله و اصحابه وسلم او را از حوض کوثر آب داد و بخورد دلیل که از شفاعت پیغمبر صلی الله علیه و آله و اصحابه وسلم بهره یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نام وی بر حوض کوثر نبشته بود و جامی بستند و آب میخورد دلیل که او را با عالمی صحبت افتد و از وی منفعت دو جهانی یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از حوض کوثر آب میخورد و آب تیره بود دلیل که بیننده خواب منافق بود و او را از قرآن و اخبار نصیب نه بود و اگر بخواب بیند که حوض کوثر بدان صفت بود که در اخبار آمده است و او از جمله آب کوثر بخورد دلیل که او را نزد باری

سبحانه وتعالی قدری و محلی باشد و از جمله بزرگان دین گردد **حیض** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حیض در خواب مردان را نقبا باشد در معیشت و زنان را زیادتی مال اگر بیند که حایض شد دلیل بر فساد و حرام باشد و معبران گویند اگر بخواب بیند که حایض شد دلیل بر اندوه و سختی بود و اگر زنی بیند که حایض شد دلیل که بقدر خون حیض مال حرام حاصل کند و اگر مردی بیند که زنش حایض شد دلیل که کار دنیا روی بسته شود و اگر بیند که صاحب خواب مستور بود دلیل که در دین متحیر گردد و اگر بیند که زنش از حیض پاک شد و غسل کرد دلیل که کارهای دنیا وی بروی کشاده گردد و الله اعلم

حرف الخاء

خاج ابن سیرین رح گوید اگر بیند که خاج بخرید یا کسی بوی داد دلیل که در دین وی خلل باشد و میلش بکافران بود و اگر بیند که خاج در گردن داشت دلیل که اعتقادش نادرست بود و اگر بیند که خاج می پرستید دلیل که در ذات خداوند تعالی مشرک گردد و اگر بیند که خاج بدو دادند و او شکست یا از خانه بیرون انداخت دلیل که دین اسلام در دل وی محکم و استوار گردد و کافران را دشمن گردد و اگر بیند که خاج را بوسه داد و عزیز داشت بخلاف این بود **خار** در خواب دام بود اگر بیند که خاری در اندام او شد یا کسی خاری بوی زد دلیل که از کسی وامی بستاند و بقدر رنج خار از وی سخن تلخ شنود و اگر بیند که او خار در اندام کسی زد دلیل که او کسیرا دام دهد و سخن تلخ آن کس را گوید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خار بسیار در داشت و پایش را از ان خارها گزند میرسید دلیل که دام دار شود و عاقبت وام ها بگذارد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید خار در خواب بر سه وجه بود یکی دام دوم دشنام سوم دشواری کارها **خارپشت** جابر مغربلی رحمة الله علیه گوید خارپشت در خواب دشمنی زشت دیدار بود اگر بیند که خارپشت را بکشت دلیل که دشمن را قهر کند و اگر بیند که گوشت خارپشت بخورد دلیل که بقدر آن مال دشمن میخورد و اگر بیند که خارپشت او را بگزید دلیل که او را از دشمن مضرت رسد خاصه چون بیند که از ان زخم خون میرفت **خارش تن** ابن سیرین رح گوید اگر بخواب بیند که خارش تن پدید آمد دلیل که طلب خویشان کند و از بهر ایشان غم و اندوه خورد کرمانی رحمة الله علیه گوید خارش اندام دلیل بر جستن احوال خویشان و اهلبیت و غم و رنج کشیدن از ایشان باشد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید خارش تن اگر زحمت دهد او را از خویشان مضرت رسد **خاشاک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خاشاک بخواب دیدن مال و نعمت بود مردم عامه را اگر بیند که خاشاک در خانهٔ ایشان بسیار بود و او در میان خاشاک مقیم شد دلیل که بقدر آن او را مال و نعمت حاصل شود و اگر بیند که خاشاک او را باد برد یا آتش بسوخت دلیل که پادشاه مال وی بستاند و اگر بیند که خاشاک در زیر دیگ یا زیر تنور می سوخت دلیل که مال خود هزینه کند و اگر بیند که خاشاک از صحرا می آورد و بخانه میبرد دلیل که بقدر آن مال از سفر حاصل کند و اگر بیند که در شهری یا در کوچه باد خاشاک می آورد دلیل که مردم آن شهر را بقدر آن

نیز

هزینه بروزن خزینه بمعنی خرج و نفقه عیال و بمعنی خزینه کردن و بمعنی همیشه ۱۲

نیز خیر و منفعت رسد **خاک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خاک در خواب دیدن اندک و بسیار درم بود و اگر بیند که در خانهٔ او خاک بود دلیل که بقدر آن خاک درم یابد و بلی رنج بوی رسد و اگر بیند که بر خاک میرفت یا خاک میخورد یا خاک جمع میکرد یا خاک برمیداشت ازینجمله دلیل برمال بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خاک از خانه میکشید و در بیرون خانه پراگنده میکرد دلیل که مال خود تلف کند و اگر بیند که خاک از دست می افشاند دلیل که بقدر آن مالش ضایع شود و معبران گویند که کار از مال تهیدست بماند جعفر صادق رضی الله عنه فرماید خاک در خواب پنج وجه بود یکی مال دوم منفعت سوم شغل چهارم فائده از قبل پادشاه پنجم فائده از قبل رئیس **خاکستر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خاکستر در خواب مال باطل بود از قبل سلطان که بر کسی باقی نباشد و معبران گویند که علمی حاصل کند که در وی خیر و منفعت نباشد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید خاکستر در خواب برنه وجه بود یکی علم ناپذیرفته دوم مال حرام سوم کار باطل چهارم خصومت پنجم فسق ششم مکر و حیلت

هفتم حسرت هشتم پشیمانی نهم کاریکه در آن خیر نه بود قوله تعالی مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ **خامه** قلم باشد اگر بیند که قلمی فراگرفت یا کسی بوی داد دلیل که علم حاصل کند و کارش راست شود و مرادش برآید و اگر بیند که بقلم چیزی می نبشت اگر آن نبشته خیر بود دلیل بر نیکوئی کند و اگر شر بود دلیل بر فساد کند اگر بیند که بدو قلم می نبشت دلیل که غایبی که در سفر دارد زود باز آید کرمانی علیه الرحمة گوید اگر کسی در دست خود قلم نبشتن بیند اگر از اهل علم بود دلیل که با علما و صلحا صحبت دارد و اگر بیند که بقلم چیزی می نبشت و میخواند دلیل بر مرگ وی بود قوله تعالی اِقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا و اگر آنچه نبشت موافق کتاب اهل سنت و جماعت بود دلیل که عز و جاه یابد و اگر بیند که قلم در دست وی بشکست اگر عالم بود دلیل که حرمتش کم شود و کارش بی رونق گردد و اگر بیند که بقلم شکسته می نبشت و اگر آنچه نبشت از شمار چهار پایان بود یا از شمار پرندگان تاویل آن بگوهر و صورت و طبع وی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید قلم در خواب بر هفت وجه بود یکی حکمت دوم فرمان سوم علم چهارم فرهنگ پنجم ولایت ششم راست شدن چیزها هفتم کام و مراد **خانه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خانه مرد را در خواب زن بود اگر بخواب بیند که خانه باستونها از جائی برداشت دلیل که زنی خواهد که با مروت و کرم بود و اگر بیند که در خانه نو شد دلیل که زن تواند گر خواهد و تواند گر شود و اگر بیند که خانه مفرد بگنج اندوده بود و ندانست که آن خانه از آن کیست دلیل که صاحب آن خانه از دنیا برود و اگر بیند که در خانه گرنجیته بود و در آن خانه غلق کرده بود و آن خانه بخانهای دیگر پیوسته دلیل که از رنج و سختی رسته گردد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر بیند که در خانه خود بشکست دلیل که مال هزینه کند و اگر بیند که خانه وی از ان بزرگ تر شد که بود دلیل که مال و نعمت بروی فراخ گردد و اگر بخلاف این بود دلیل که مال و نعمت بروی تنگ گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خانه او بیفتاد یا دیوار خانه دلیل که مال بسیار بوی رسد و اگر بیند که خانهٔ وی بی سببی خراب شد دلیل که مال و درمش حاصل شود و اگر بیند که خانهٔ آهنین است دلیل که

تو انگر گردد و اگر بیند که در خانه او سیمین بود دلیل کرا و را توبه باید کرد قوله تعالی لِمَنْ یَکْفُرُ بِالرَّحْمٰنِ لِبُیُوْتِهِمْ سُقُفًا
مِنْ فِضَّةٍ و اگر تو انگر بود نعمت وی زیادت شود و اگر بیند که پیرامن خانه وی هیچ خانه نبود دلیل که حالش تباه گردد
خرابی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرابی در خواب دیدن غم واندوه بود که در خرابی از بالا بزیر شدن است و اگر بیند
که در خرابی فرو شد دلیل که غمگین گردد و اگر بیند که در خرابی غسل کرد دلیل کرا زغمها فرج یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر در سرای یا در خانه خانهای بسیار پدید آمد دلیل که در آنجا غم واندوه و مصیبت بود **خالیسک** مطرقه بود دلیل
دیدن خالیسک در خواب بر قومی مهتری کند و اگر بیند که خالیسکی بسیار داشت یا کسی بوی داد دلیل کرا و را با مهتر قومی صحبت
افتد و از وی منفعت یابد و اگر بیند که بر خالیسک کسی را بزد مهتر را مهجور کند و اگر بیند که خالیسک او ضایع شد دلیل
که از مهتری جدا افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی آهنگری نداند و بیند که خالیسک بر سندان میزد دلیل که میانه دو مهتر
سخن چینی کند و دشمنی افگند **خایه مرغ** دانیال علیه السلام گوید خایه مرغ بخواب دلیل بر کنیزک بود اگر بخواب بیند که
ماکیان پیش او خایه کرد مجهول بیند و نداند که خایه چیست دلیل که زنی خواهد روزگاری دراز با آن زن بماند و اگر بیند که
خایه مرغ پخته میخورد دلیل که برنج و لعب مالی بدست آورد اگر بیند که خایه مرغ نیم پخته میخورد دلیل که مال حرام خورد و رنج
و غم بوی رسد و اگر بیند که خایه با پوست خورد دلیل که کفن مردگان ستاند کرمانی گوید اگر بیند که خایه همیکرد دلیل
که زن بسیار بخواهد و بجماع حریص بود و اگر بیند که بر خایه نشست چنانکه مرغان نشینند دلیل که با زنان نشیند
و فائده یابد و اگر بیند که خایه در زیر مرغ نهاد و مرغ آن خایه بیرون افگند دلیل که کار مرده او زنده گردد و بعضی گویند
او را فرزندی آید و مومن بود و اگر بیند که خایه شکست دلیل که دختر را دوشیزگی بستاند و اگر بیند که خایه بسیار داشت
دلیل که او را فرزندان بسیار حاصل آیند و خایه بط فرزند درویش و بیچاره بود و خایه بخشک دلیل بر خرمی بود **خایهٔ**
آدمی ابن سیرین گوید اگر بیند که خایهٔ او بزرگ شد دلیل که قوت و فرزند و مالش زیادت شود و اگر بیند که هر دو
خایهٔ او کوچک شدند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که خایهٔ او بریده است دلیل که دشمنان بروی ظفر یابند و اگر
بیند که خایه خود بکسی داد و بخشید دلیل که او را فرزندی حرامزاده بود که نسب وی از کسی دیگر باشد و اگر بیند که خایهاش
آماسیده بود یا باد پر شده بود دلیل که مال بسیار یابد و لیکن او را از دشمن بیم بود و اگر بیند که خایهاش دراز شد
چنانکه بر زمین میکشید دلیل که مال بسیار او را حاصل شود و اگر بیند که خایههای کسی بکشید دلیل که هر دو با زنان یکدیگر فساد
می کنند و اگر بیند که پوست خایه خود بکشید دلیل که کسی بر فرزندی وی ستم کند و اگر بیند که کسی خایه وی سخت بگرفت
دلیل که خبر مرگ فرزند شنود و اگر او را فرزند نباشد دلیل که جاه و حرمتش کم شود و اگر بیند که خایه ازبن ببرید دلیل که قوتش
بریده شود و اگر بیند که خایههای وی بریسمان یا بچیزی دیگر بسته بودند دلیل که کارها بروی بسته گردد مغربی رحمة الله
علیه گوید خایه مردم در خواب دلیل بر باز داشتن شدت دشمن از وی بود اگر بیند که خایه وی نقصان بود دلیل که دشمن بر وی

ظف

ظفر یابد و اگر بیند که خایه چپ وی بیرون کشیدند دلیل که هلاک شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خایه در خواب بر هفت وجه بود یکی فرزند دوم مال سوم اهلبیت چهارم عز پنجم بزرگی ششم طالب حاجت هفتم مراد یافتن

خایه مرغ آبی بر چهار وجه بود یکی مراد یافتن دوم زن خواستن سوم کنیزک خریدن چهارم فرزندان آوردن +

خبیه کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که خبیه کرد دلیل که غمگین شود و در عملی معزول گردد و اگر بیند که او کسی را خبیه کرد دلیل بر غم واندوه بود و بعضی از معبران گویند تنگ عیشی بود **ختنه کردن** ابن سیرین گوید اگر بخواب بیند که ختنه کرد دلیل که سنتی بجای آورد که او را پاک گرداند از گناهان و اگر بیند که بهنگام ختنه خون از وی روان شد دلیل که در آن سنت ثابت بود و از گناهان توبه کند و اگر بیند که چون ختنه میکرد دو نظر بر ختنه داشت دلیل که غم و اندوه وی را بسیار رسد کرمانی رح گوید اگر بیند که او را ختنه کردند دلیل که از گناهان پاک گردد و اگر ختنه نکرده باشند دلیل که راه مسلمانی و سنت پس پشت انداخته باشد لیکن معاش زیادت شود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید ختنه کردن در خواب بر پنج وجه بود یکی سنت بجای آوردن دوم فرزند سوم نیکوئی چهارم رهائش پنجم جدائی از زن و فرزند

خربزه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خربزه در خواب بیماری بود و سبزهٔ و شیرین عافیت و منفعت بود چون بوقت خود بیند و خربزه خرد نیکوتر از بزرگ بود کرمانی رحمة الله علیه گوید خربزه سبز در خواب دلیل بر زوال غم واندوه بود و اگر بیند که خربزه بسیار پیش وی نهاده بود دلیل که باندوهی گرفتار گردد مغربی رح گوید خربزه در خواب چون بوقت خود بیند زنی بود با منفعت بسیار و عیش خوش جعفر صادق رضی الله عنه گوید خربزه در خواب بر پنج وجه بود یکی بیماری دوم زن سوم غلام چهارم منفعت پنجم عیش خوش خاصه که چون خربزه شیرین بود **خرچنگ** در خواب دلیل بر مرد دون همت بود و اگر بیند که خرچنگی بگرفت دلیل که با کسی دون همت بدخوئی مصاحب گردد و اندک مایه از وی نفع یابد و اگر بیند که خرچنگی را بخشت یا دور انداخت دلیل که از بدخوئی دون همت جدا گردد و اگر بیند که گوشت خرچنگ میخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند کرمانی رح گوید اگر بیند که خرچنگی داشت دلیل که دوستی با مردی خوش طبع کند و خوشخوئی باشد که از وی نیکی باشد **خردانیال** علیه السلام گوید خر در خواب دیدن بخت و بزرگی بود و نیکی و بدی خر به بیننده خواب باز گردد اگر بیند که خری ملک وی شد یا در رواق وی آمد و او خر را بگرفت و ببست دلیل که در خیر بروی گشاده شود و از غم رسته گردد و اگر خر بسیار بیند دلیل که نعمت و مال او زیاده گردد و بهترین خرهائی که بخواب بیند آنست که مطیع او بود ابن سیرین گوید اگر بیند که بر خری سیاه نشسته بود دلیل که مهتری و بزرگی یابد و اگر بیند که بر خر سیاه نشست دلیل که عز و جاهش بیفزاید و اگر بیند که بر خری سبز نشست دلیل که عابد و زاهد گردد و اگر بیند که بر خری سرخ نشست دلیل بر عیش و عشرت بود و اگر بیند که بر خری زرد نشست دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که بر خر ماده آلبتن بنشست دلیل که خیر و خرمی بود و اگر بیند که گوشت خر میخورد دلیل که از تجارت مال بدست آورد و اگر بیند که خر خود بکشت و گوشت او بخورد

دلیل که مال خود در هزینه کند و اگر بیند که از نشست او خر بمرد دلیل که او بزودی بمیرد و اگر بیند که از خر خویش بیفتاد دلیل که در ولایش قحط و تنگ عیش شود و اگر بیند که از خر یکه ملک او نبود بیفتاد دلیل که از کسی مضرت و زیان یابد و اگر بیند که از خر فرود آمد و دیگری بر خر نشست دلیل که مال خود را نفقه کند و اگر بیند که از بهر کاری از خر فرود آمد دلیل که کاری و حاجتی که طلب کند زود مهیا گردد و کرمانی رح گوید اگر بیند که شیر خر میخورد دلیل که بیمار شود و زود شفا یابد و اگر بیند که خری خرید و بهای او نداد دلیل که راحتی یابد بسبب سختی که با بزرگی بگوید و اگر بیند که خری یک چشم داشت یا چشمش ضعیف بود دلیل که بدشواری طلب معیشت بود و اگر بیند که خری داشت و آن خر هر دو چشم داشت دلیل که مالیکه دارد ضایع شود و اگر بیند که دست و پای خری لبیار ربود و در ارشد دلیل که او را تبع لبیار شود و اگر بیند که خری بمرد و او بر خری دیگر نشست یا خر یکه داشت بفروخت و خری دیگر بخرید دلیل که معیشت وی از حالی بحالی گردد و اگر بیند که خری استر شد دلیل که معیشت وی از سلطان بود لیکن بظلم و اگر بیند که خری گوسفندی شد دلیل که مال حلال یابد و اگر بیند که خری مرغی شد دلیل که معیشت وی از چیزی باشد که بدان مرغ منسوب باشد و اگر بیند که خری دزد برد دلیل که زن وی بفساد شهوت یابد و کار او با زن بفراق انجامد و اگر بیند که خری قوی و توانا بود دلیل که کار و کسب دنیا بروی آسان گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که کار و کسب دنیا بروی تنگ شود و دشوار گردد و اگر بیند که بر خر خراری بار نهاد و او بالای بار نشسته بود دلیل که توانگر گردد و اگر بیند که با خری مجامعت کرد دلیل که مرادهای خود بیابد و اگر بیند که خر را بر پشت بگرفت و از آبی بگذرانید دلیل بر قوت حال و بزرگی بر بخت و اقبال بود و اگر بیند که خری بانگ کرد دلیل که نیکو نباشد قوله تعالی

اِنَّ اَنْکَرَ الْاَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِیْرِ معبر رح گوید اگر بیند که بر خری نشسته بود و آن خر زیر او بانگ میکرد دلیل که عیالش بدخوئی باشد و اگر بیند که خری داشت و با خر دیگر بدل میکرد و از خری بدتر بود دلیل که حالش بدتر گردد و اگر از خری بهتر بود حالش نیکوتر شود و مالش زیاده شود و اگر بیند که خر خود با اسپی یا استری بدل کرد دلیل که از پادشاه مال و منفعت یابد و اگر بیند که با دی بدل کرد دلیل که از پادشاه ستمگر چیزی بوی رسد و اگر بیند که خر خود با مرغی بدل کرد دلیل که بقدر و قیمت مرغ چیزی بوی رسد جعفر صادق گوید که دیدن خر در خواب برده و جه بود یکی بخت دوم دولت سوم فرمان روائی چهارم ریاست پنجم مال ششم زن یا کنیزک هفتم شادی هشتم اقبال نهم بزرگواری دهم مرتبت و خر بنده در خواب دیدن خداوند ولایت و تدبیر بود و رهبت کنندهٔ کارها و مهیا دارندهٔ معیشت خر گور ابن سیرین رح گوید اگر بیند که خر گوری بوی رسید دلیل که غنیمتی بوی رسد و اگر بیند که خر گور نشسته بود و آن خر گور مطیع او بود دلیل که عاصی و گنهکار بود و اگر بیند که خر گور با وی جنگ و نبرد میکرد دلیل بر سختی کار و رنجی بود که بوی رسد و اگر بیند که خر گور بسیار بگرفت دلیل بر خیر و منفعت بود و اگر بیند که دو خر گور با هم جنگ میکردند دلیل که دو مرد فاسق از بهر وی با همدیگر جنگ کنند و اگر بیند که خر گوری بخانه آورد دلیل که فاسقی را بخانه آورد کرمانی رحمة الله علیه گوید دیدن خر گور در خواب

مردی جاہل احمق بود او را علم و خرد نباشد قولہ تعالیٰ اُولٰئِکَ کَالْاَنْعَامِ بَلْهُمْ اَضَلُّ اگر بیند کہ گوشت خرگوری خورد دلیل کہ مال بسیار یابد و اگر بیند کہ بر خرگوری نشستہ بود و بمقصود دلیل کہ کاری طلب کند و بیابد و اگر بیند کہ بر خرگوری نابینا نشستہ بود دلیل کہ مالی بی اندازہ یابد مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید دیدن پوست و گوشت خرگور در خواب غنیمت و مال بود و عز و جاہ و اگر بیند کہ مغز خرگور یافت دلیل کہ ہزار درم یابد یا او را با مہتری صحبت افتد و از وی خیر و منفعت بیند و اگر بیند کہ سر خرگور میخورد دلیل کہ عبادت بسیار میکند و راہ دین ورزد و اگر بیند کہ خرگور از وی میگریخت دلیل کہ از مسلمانان مفارقت

خردل جوید ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید خردل در خواب دلیل بر اندوہ و اندیشہ باشد و اگر بیند کہ خردل خورد دلیل کہ نقصان مال بود یا رنج و بیماری گرفتار شود مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید خوردن خردل در خواب دلیل بر مصیبت و خصومت و بیماری بود

خرس ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید خرس در خواب دشمن فرومایہ و احمق بود اگر بیند کہ بر خرس نشستہ بود دلیل کہ از پادشاہ خواری یابد و اگر بیند کہ خرس را بکشت دلیل کہ بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند کہ گوشت خرس میخورد و پوست با خود داشت دلیل کہ بیمی بوی رسد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ خرس نر در خواب مردی بدبخت و دیوانہ باشد و خرس مادہ زنی بہمین شکل و خصلت بود و اگر بیند کہ خرس مادہ بگرفت دلیل کہ زنی بدین صفت بخواہد و اگر بیند کہ خرس بخانہ وی در آمد اگر زن بود مردی بدین صفت در خانہ او در آید و دیدن خرس در ہمہ حال نیکو نباشد

خرگاہ ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید خرگاہ بخواب دیدن نیکو بود و اگر بیند کہ بخرگاہ نشستہ بود دلیل کہ از متاع دنیا چیزی یابد و اگر بیند کہ خرگاہ ملک او بود دلیل کہ زنی خواہد و اگر خرگاہ سبز یا سپید بود دلیل بر خیر و نیکوئی بود و اگر خرگاہ معروف بود و سبز بود و در آن نشستہ بود دلیل کہ دیندار گردد و اگر خرگاہ مجہول بود دلیل کہ شہید گردد و خرگاہ سپید دلیل بر مال و نعمت کند و اگر خرگاہ سرخ بود دلیل کہ بلہو و طرب مشغول گردد و اگر بیند کہ خرگاہ کبود بود دلیل بر غم و اندوہ و مصیبت بود و خرگاہ سیاہ منفعت اندک بود و اگر خرگاہ از آن او بود تاویل بدو باز گردد

خرگوش ابن سیرین رح گوید اگر بخواب بیند کہ خرگوش گرفت یا کسی بوی داد دلیل کہ زنی بد بخواہد یا کنیزکی نابکار بخرد و اگر بیند کہ پوستین خرگوش پوشید یا گوشت او خورد دلیل کہ چیزی از زنی بوی رسد و اگر بیند کہ بچہ خرگوش داشت دلیل کہ او را مالی حاصل شود کہ در آن خیر بنود و بعضے گویند کہ رنج و بیماری و اندوہ وی از فرزند بود مغربی رح گوید خرگوش در خواب زنی پارسا و خاموش بود و اگر بیند کہ خرگوش او بمرد یا بکشت دلیل کہ سبب ہلاک زن او بود یا بسبب عیال او را زحمتی برسد و اگر بیند کہ گردن خرگوش از روی قفا در پیچید چنانکہ او را جنبہ کرد دلیل کہ زن خود را از راہی دیگر مجامعت کند

خرما ابن سیرین رح گوید کہ خرما در خواب مال و خواستہ بود اگر بیند کہ خرما خورد اگر از اہل علم است دلیل کہ علمش زیادہ گردد و اگر بازرگان باشد دلیل کہ مالش زیادہ شود و اگر بیند کہ خرما خورد و دانہ اش بیرون انداخت دلیل کہ احکام شریعت بجائی آورد و بعضے از معبران گویند اگر بیند کہ خرما خورد دلیل کہ میراث یابد و اگر بیند کہ خرما نارسیدہ خورد دلیل کہ میراث فرزند خود خورد و اگر بیند کہ در خانہ او درخت خرما بود و بار بسیار داشت دلیل کہ بازرگانی پیوستگی کند

وازوی منفعت یابد واگر بیند که آن درخت خرما از بن خشک شد دلیل که میان ایشان جدائی افتد واگر بیند که در سرای او خرما خشک بود و سبز گشت اگر بیمار بود دلیل که شفا یابد واگر بیند که بن خرما ببرید دلیل که کسی از اهل او بیمار گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خرما تازه داشت دلیل که مال بسختی حاصل کند و معبران گویند که خرما در خواب منفعت باشد که از مهتری بوی رسد واگر بیند که در خانه و منزل خود خرما بسیار داشت دلیل که بقدر خرما متاع و مال حاصل کند واگر بیند که خرما تازه یا خشک میخورد دلیل که حلاوت ایمان یابد و کارش بنظام گردد واگر بیند که بن خرما میبرید دلیل که کاریکه در دست دارد از دستش بریده شود مغربی رح گوید اگر بیند که خرما داشت دلیل که زنی تواند گرخواهد و بقولی دیگر مال یابد واگر بیند که از خرما انگور بسیار بود و فرا گرفت دلیل که از کنیزکی سیاه فرزندی آرد واگر بیند که از خرمای خشک خرمای تازه فرا گرفت دلیل که سخنی لطیف از مردی منافق شنود و بعضی گویند که از مردی جاهل سخن مفید شنود واگر صاحب خواب غمگین بود از غم فرج یابد قوله تعالی یجذع النخلة تساقط علیك رطبا جنیا جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خرما در خواب مال حلال از قبل رئیس کریم بود خرما خشک در خواب دلیل بر دین پاک و مال حلال باشد و خرمای تازه روشنائی چشم و مال حلال و فرزند نیکی بود

حکایت شخصی پیش ابن سیرین رحمة الله علیه آمد و گفت بخواب دیدم که بر در سرای سلطان چهل خرما یافتم گفت فردا ترا همانجا چهل چوب بزنند و هم چنان بود و سال دیگر همان مرد پیش ابن سیرین رح آمد و گفت بخواب دیدم که بر در سرای سلطان چهل خرما یافتم گفت چهل هزار درم بیابی گفت پارسال تعبیر این خواب بگونه دیگر بود امسال چون است که بخلاف آنست گفت پارسال خرما بر درخت بود تاویل آن چوب بود و امسال خرما بر درخت است و درختان سبز و تازه اند تعبیر آن چنین باشد بعد از یک هفته آن شخص چهل هزار درم یافت

خرمن گرفتن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرمن غله در خواب مردی بود که برنج و تعب مال حاصل کند و آن مال بگزاف هزینه کند واگر بیند که کشت و درود و خرمن درآورد دلیل که مال برنج حاصل کند کرمانی رح گوید اگر بیند که خرمن غله بخرید یا کسی بوی داد دلیل که زنی خواهد و بعضی گویند که او را با مردی صحبت افتد که مال برنج و تعب حاصل کند

خرنوت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرنوت در خواب مردی باشد که مال بسختی و برنج بدست آورده باشد اگر بیند که خرنوت خورد دلیل که مال خود برنج حاصل کرده باشد و بخورد واگر بیند که خرنوت از دست جمع میکرد دلیل که از مردی بخیل بقدر آن مال حاصل کند واگر بیند که خرنوت با آتش میسوخت دلیل که پادشاه مال و ملک بستاند

خروس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خروس داشت و دانست که ملک اوست دلیل که مرد عجمی که بنده زاده او بود او را قهر کند واگر بیند که خروس را کشت دلیل که بر بنده زاده ظفر یابد واگر بیند که با خروس جنگ میکرد دلیل که با مرد عجمی خصومت کند واگر بیند که از خروس او را گزندی رسید دلیل که از عجمی او را مضرت رسد واگر بیند که خروس بچه یافت دلیل که غلامی کوچک یا پسری از کنیزک او را حاصل آید واگر بیند که بانگ خروس می شنید دلیل که نیکی و خیرات گزیند واگر بیند که خروس بروی می جست دلیل که او را از کسی غم و اندوه رسد و خایه خروس در خواب غلام بود واگر بیند

که کسی خروس بچه بوی داد دلیل که علامی بوی بخشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند که خروسی داشت دلیل که او را پسری آید یا او را بامردی موذن صحبت افتد چنانکه رسول صلے الله علیه وآله وصحابه وسلم فرمود اَلدِّیکُ یُحِبُّنِی وَهُوَ یَدْعُوا اِلَی الصَّلٰوةِ یعنے خروس دوست منست که مردم را بنماز میخواند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که بر خروس دست یافت دلیل که بر مهتر زاده دست یابد و بروی غلبه کند و اگر بخواب بیند که تخم خروسی یافت و شکست دلیل که بر مهتری و یا خوردی دست یابد **خریدو فروخت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرید و فروخت در خواب نیک باشد زیرا که بدرم و دینار کنند و اگر کالای بکالائی معاوضه کنند دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد **خرما** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرما در خواب جبه و دستار و کلاه آنچه درین ماند جامه مردان را پسندیده باشد و رنگ این جامها اگر بر یک صورت بود نیکو بود و اگر نبود غم و اندوه بود و رنگ سبز بر جامها نیک بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خرما در خواب کسیرا که شرائی خرما بود بر پنج وجه بود یکی مال و منفعت دویم خیر و برکت سوم عز و جاه چهارم مرتبت باندازه و قیمت پنجم ریاست و بزرگی کرمانی رح گوید پوشیدن جامه خز در خواب دلیل بر مال حرام کند معبران گویند مردان را ابریشم در خواب دیدن بد باشد و زنان را نیک باشد و مرد خز فروش کسی باشد که دنیا را بدین اختیار کند **خسته کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که تن او را کسے بخست و از و خون بیرون آمد دلیل که خسته کننده او را سخنے زشت گوید چنانکه باشد که جواب نتواند کرد و اگر بیند که از ان جراحت خون نیامد دلیل که او را سخنے گوید که دروغ باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که تیغ برده و دو نیم کرد او را دلیل که پیش او سخنے گوید و بروطعنه زنند و اگر کسے در خواب خستگی بسیار بر تن خود بیند دلیل که از پادشاه منفعت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید خستگی بسیار بر تن نقصان مال بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید خستگی در خواب بر سه وجه بود یکی مال دوم منفعت سوم سخن ناخوش **خشت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خشت در خواب مال جمع و مجموع باشد چنانکه هر خشتی هزار درم نهاده اند اگر بیند که خشت بسیار جمع کرد دلیل که او را مال بسیار جمع شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خشت از دیواری تراشید دلیل که مال خداوند دیوار ببرد و اگر بیند که خشت پاره پاره کرد و پر آگنده دلیل که مال خود را پر آگنده و تلف کند مغربی رحمة الله علیه گوید خشت پخته در خواب بد بود زیرا که آتش بوی رسیده است بدان سبب دلیل بر غم و اندوه بود **خشم گرفتن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر کسے خشم از بهر دنیا بگرفت دلیل که کار دین را حقیر و خوار دارد و بدنیا مغرور شود کرمانی رحمة الله علیه میگوید اگر بیند که پدر و مادر بروی خشم گرفتند دلیل که از جائی بلند افتد قوله تعالیٰ وَمَنْ یَحْلِلْ عَلَیْهِ غَضَبِی فَقَدْ هَوٰی **خصومت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با کسے خصومت کرد و بر و غالب شد دلیل که سرانجام کار غالب گردد و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که دشمن بر و غالب شد تاویلش بخلاف این بود کرمانی علیه الرحمة گوید اگر بیند که با والی آن دیار خصومت کرد بر و غالب شد دلیل که از والی بدو خیر و منفعت رسد و اگر بخلاف این بیند از والی رنج بیند و اگر بیند که پیش پادشاه بخصومت رفت دلیل که

حاجتش روا گردد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با مردم بی سبب خصومت کرد دلیل که مردم ازوی اندوهگین گردند زیرا که آزار مردم جوید **خصی کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خود را خصی کرد دلیل که حاجتش روا گردد و بعضی از معبران گویند که فرزندش بمیرد والا بطاعت باری سبحانه و تعالی راغب باشد و توانگر شود و اگر کسی مجهول خصی بیند دلیل که آن کس پسندیده و صالح بود و نیز گویند که فرشته باشد که او را براه خیر و صلاح خواند یا بخیرات مژده دهد زیرا که فرشتگان را شهوت نیست و اگر بیند که در سخنش علم و حکمت نیست آن کس فرشته نباشد و اگر آن کس که دید خصی بود و معروف بود آنچه از نیک و بد دید تاویلش بروی باز گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خایهٔ وی بریده شد و بیفتاد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و بعضی معبران گویند بریدن خایه در خواب بر پدر دختران بود یعنی پس ازان او را دختری نبود زیرا که خایگان دختر بود و اگر بیند که خایه خود بدر آورد و بجای داد دلیل که دختران بجای دهد معبری علیه الرحمة گوید اگر بیند که بی سببی خصی شد دلیل که او را خواری و زیان رسد و اگر قضیبش از تن بریده شد همین تاویل دارد و نامش از میان مردم کم شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خصی در خواب بر سه وجه بود یکی دیدن مردم زاهد دوم فرشته سوم عبادت **خضاب کردن** دانیال علیه السلام گوید خضاب کردن بر لبش پوشیدن کارها باشد اگر بیند که سر را با ریش خضاب کرد و رنگ نه میگرفت دلیل که ظاهر بمردم نماید و اگر بیند که خضاب کرد دلیل که کارش نیکو شود اما کارهای او پوشیده بماند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خضاب چیزها میکرد که مردم آن را میکردند دلیل که خود را بچیزهای محال و کارهای ناپسندیده دهد و اگر بیند که دست و پای بحنا خضاب کرد دلیل که مال از دست رفته او باز آید و اگر بیند که هر دو دست را بحنا خضاب کرد دلیل که فرزندان خود را بیاراید آرایشی که خلاف شرع بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دست خود را نگار کرد و بحنا خضاب کرد دلیل که خداوند مکر و حیلت بود در کسب و عمل خویش و اگر بیند که نگاری بهم شده بود دلیل بود که او را عزیزی بمیرد و یا خود هلاک شود و اگر این خوابها زنی بیند شادی و خرمی بیند اسمعیل اشعث علیه الرحمة گوید اگر بیند که دست و پای خود بحنا خضاب کرد دلیل کاری کند که مردم بروی افسوس کنند و اگر بیند که سر انگشتان را خضاب کرد دلیل که تسبیح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید خضاب کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی کار شایسته دوم آرایش حال دنیا سوم طلب عز و جاه چهارم معروف شدن بدروغ **خطبه خواندن** ابن سیرین رحمة الله گوید اگر بیند که بر سر منبر خطبه میخواند و از اهل خطابت بود دلیل آن کس عز و بزرگی یابد و اگر از اهل خطابت نبود دلیل که بسفر رود و در رنگ بسیار کند و بیم و خطرش بود و گویند که اگر توانگر بود درویش گردد و اگر بیند که بی دینی خطبه میخواند دلیل که مسلمان شود یا بمیرد کرمانی رح گوید اگر بیند که پادشاهی بر سر منبر خطبه میخواند اگر پادشاه مصلح بود دلیل که عدل نماید و اگر مفسد بود دلیل که تائب گردد و اگر بیند که زنی بر سر منبر خطبه میخواند و مردم را پند میداد دلیل که شوهر او رسوا شود و فضیحت شود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در میان خطبه تزویج میخواند دلیل که با همه کس خیر و احسان کند و خیر و صلاح و منفعت یابد **خطمی** ابن سیرین رحمة الله علیه

خصی کردن

خضاب کردن

خطبه خواندن

گوید خطمی بوقت خود در خواب دیدن منفعت بود و بیوقت غم و اندوه بود و خوردن آن مضرت و نقصان بود و شستن آن دلیل بر توبه و پاک دینی بود **خفتن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خفتن در خواب مرده راو کسیرا کر پوشیده بود راحت و رستگاری بود و اگر بیند که بر تختی خفته بود دلیل که بزرگی یابد و از راه دین و پرهیزگاری بیخبر بود زیرا که خفتن غفلت بود در راه دین و اگر بیند که در جایگاهی بر بستر خوابیده بود دلیل بر حقارت و خواری بود کرمانی علیه الرحمة گوید خواب ترسنده را ایمنی بود و مرده را آمرزش و بیمار را شفا و زندانی را خلاصی بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در میان مردگان خفته بود و مردم او را دیدند دلیل که در میان مردم شهرت یابد بقول تعالی وتحسبهم ایقاظا وهم رقود **خلال کردن** ابن سیرین رح گوید خلال کردن در خواب نیکو نباشد زیرا که دندانها در خواب اهلبیت بود و خلال مانند حارب و کمال اهل بیت میرود بدو اگر بیند که خلال میکرد دلیل که بقدر آن از دندان بیرون می آید نقصان اهل بیت میباشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آنچه بخلال از بین دندان برون آورد و بکسی داد دلیل کر از مال اهلبیت خویش بناحق بستاند و به کسی دهد **خلعت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خلعت در خواب چون پاکیزه و خوب بود دلیل عزت یافتن و مرتبت ریاست و مملکت باشد و زن و کنیزک و حکم تاویل بقدر و قیمت خلعت دهنده بود کرمانی رح گوید اگر بیند که پادشاه بدو خلعت داد دلیل کر از ان پادشاه بقدر آن خلعت مال یابد و اگر بیند که عالمی ویرا خلعت داد دلیل کر از ان عالم ویرا علم و دانش حاصل گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که خلعتی بدو دادند سفید بود دادند سفید بود یا سبز دلیل که عز و جاه دینی یابد و اگر دیبا یا جامه ابریشمین بود دلیل که عز و جاه دین و دنیا یابد **خرقه** جامه کهنه و پوشیدن آن غم و اندوه بود و اگر بیند که جامه خرقان از تن خود بیرون کرد دلیل که غم و اندوه از وی دور شود و هر چیز نا نو بخواب دیدن نیکو باشد مگر موزه کهنه کر از نو بهتر باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی در خواب خرقه فروشی کند بد باشد و اگر جامه نو خود بفروشد نیکو باشد و خرقه فروش در خواب مردی بود که بدی از خود دور کند **خلم** مخاط باشد که از بینی بیرون می آید اگر بیند که از بینی او خلم می آید دلیل که وامش گذارده شود و از غم و اندوه رسته گردد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خلم در خواب دلیل بر فرزند بود و اگر بیند که خلم بر جامه وی افتاد دلیل که او را پسری آید و اگر بیند که خلم از بینی وی بر زمین افتاد دلیل که او را دختری آید و اگر بیند که خلم بر زمین انداخت دلیل که زنش آبستن گردد و فرزند از شکم بیندازد و اگر بیند که زنش خلم بروی انداخت دلیل که بر زن همسایه فساد کند و اگر بیند که خلم خورد دلیل که مال زندان را خورد بوجهی نیک **خلیفه** ابن سیرین رح گوید اگر کسی در خواب خلیفه روی کشاده بیند دلیل که خیر دینی و دنیاوی بوی رسد و اگر بیند که خلیفه او را کاری فرمود از کارهای خاص دلیل که عز و بزرگی و مرتبت یابد و اگر بیند که خلیفه او را ولایتی داد اگر از مسلمان بود دلیل که شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که در سرای خلیفه شد دلیل که از مقربان وی شود و اگر بیند که خلیفه از متاع دنیا چیزی بوی داد دلیل که منزلت یابد و میان بزرگان نامدار شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خلیفه با وی خصومت کرد از بهر کاری که بشرع تعلق دارد دلیل که حاجتش روا شود و بر دشمن ظفر یابد

واگر بیند که در بستر بجای خلیفه خفته بود دلیل که خلیفه او را زنی یا کنیزکی یا مال دهد واگر بیند که در پس اسپ خلیفه نشسته بود دلیل که در خلافت با او شریک بود واگر بیند که پیش خلیفه یا پهلوی خلیفه او میرفت دلیل که مقدم در شغلهای وی باشد واگر بیند که خلیفه با وی سرّش روئی بود دلیل که در دین وی خلل باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خلیفه شده است واو از اهل آن نباشد دلیل که او را بکاری فرستند واگر بیند که خلیفه او را بکاری فرستاد دلیل که وی خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر خلیفه مرده یا زنده بیند و شادمان بود و با وی سخن گفت دلیل که مراد وی حاصل شود و عزّ و دولت یابد و اگر خلیفه را غمگین بیند تاویلش بخلاف این بود **خم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خم در خواب زنی بود که از قبل او فایده بخانه برسد بقدر بزرگی خم کرمانی رحمة الله علیه گوید خم سیمی یافتن در خواب گنج بود و خم آب زن بود اما زن تو اگر باشد و اگر بیند که در خانه خود خم پر آب بود و از ان آب میخورد دلیل که مال بسیار یابد و در راه خیر خرج کند و خم سرکه در خواب مردی پرهیزگار بود و خم مسکه و روغن دلیل بر زیادتی مال حلال بود و خم آب کامه دلیل بر مردی بیمار بود و خم نفت دلیل بر مردی فرومایه و جوان بود و خم در خواب دیدن دلیل بر سلطان کند و ریاست اصحاب سلطان **خمیر کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرشتن آرد بتاویل درستی دین باشد و سرشتن آرد گندم مالی بود که از تجارت حاصل شده باشد و آنکه خمیر برجوانی بود دلیل بر فساد کند و سرشتن آرد گاورس در خواب نفع اندک که بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خمیر فرا گرفت یا بخرید یا کسی بوی داد اگر خمیر جوین بود دلیل بر درستی دین و صلاحیت بود و اگر خمیر گندم بود بقدر آن مال حلال از تجارت حاصل کند و اگر خمیر گاورس بود دلیل که منفعت اندک بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خمیر در خواب بر سه وجه بود یکی زیادتی در دین دوم منفعت سوم مال حلال **خنجره** در خنجره هم قول است بعضی گویند خادمه بود و بعضی گویند پیغام بشهرها ببرد و آورد و بعضی گویند زن بود و اگر بیند که خنجره آب گینه در خانه اوست دلیل که زن را طلاق دهد جابر مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خنجره داشت یا کسی بوی داد دلیل که زنی خادمه یا کنیزکی بقدر خنجره او را حاصل شود یا او را با زنی خادمه صحبت افتد و از وی منفعت یابد و اگر بیند که خنجره او ضایع شد تاویلش بخلاف این بود **خنجر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که خنجر در دست داشت دلیل که او را با کسی عداوت افتد و اگر بیند که خنجر او شکست یا ضایع شد دلیل که جنگ و خصومت و عداوت از میان ایشان برخیزد و بصلح انجامد و اگر بیند که خنجر در دست داشت دلیل که او را از کسی قوت باشد در آنکار که خواهد و اگر با خنجر سلاح بسیار داشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و کارش بنظام گردد **خنده** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خنده در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که بقهقهه می خندید دلیل که غمش زیاده گردد قوله تعالی فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا و اگر بیند که آهسته خندید دلیل که اندوهش کمتر بود کرمانی رحمة الله علیه گوید خندیدن در خواب آهسته دلیل یافتن مراد و بشارت باشد قوله تعالی فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا جعفر صادق رضی الله عنه گوید خنده آهسته در خواب دلیل بر فرزند بود قوله تعالی فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ و خنده قهقهه در خواب

دلیل بر غم واندوه بود و شگفت آمدن از کار ایزدی قوله تعالی آ فَمِنْ هٰذَا الْحَدِیْثِ تَعْجَبُوْنَ **خوان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خوانی داشت و در آن مائده بود از آن میخورد دلیل که بقدر آن غنیمت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید خوان آراسته در خواب نیک بود چون ناخورده بردارند غم واندوه باشد و بسیار خوردن طعام دلیل بر درازی عمر کند و اگر بیند که در خوان طعام سه گونه بود دلیل که روزی او فراخ شود قوله تعالی رَبَّنَآ اَنْزِلْ عَلَیْنَا مَآئِدَةً مِّنَ السَّمَآءِ و بعضی گویند عز و جاه و شادی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خوان در خواب بر پنج وجه بود یکی غنیمت حاضر دوم مردی شریف سوم قوت چهارم نظام کارها پنجم عز و حرمی **خود** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خود پولاد بر سر داشت دلیل که جاه و فرزندی بود و قوت او زیاده گردد بقدر روشنی خود و اگر بیند که خود بر سر داشت دلیل از مهتری قوت گیرد و اگر بیند که خود خود بکسی داد دلیل که آن کس را قوت و حشمت بود و اگر بیند که خود خود شکست یا ضایع شد دلیل که عمرش نقصان شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خود در خواب بر پنج وجه بود یکی قوت دوم مال سوم فرزند چهارم بقا و نکوئی پنجم خود را از مکر نگهداشتن **خوردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هر خورشی که بوی خوش دارد در خواب خوردن آن خیر و حرمی بود و اگر بوی ناخوش بود دلیل که شر و بدی بود و سیر و پیاز و گندنا خوردن غم واندوه بود و اگر بیند که خورشی تلخ و ناخوش بود دلیل بر درویشی و بیچارگی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید خورشش چون بطعم شیرین بود خرمی و شادی بود و چون ترشش و تلخ بود دلیل بر غم واندوه بود و خوردنی فروش در خواب تباویل خداوند سخن بود **خوشه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوشه در خواب دیدن چون تازه بود فرزند بود و برکت زیادتی مال و چون خوشه خشک بیند فرزندی بود بعمر دراز اما در آن سال تنگی و قحط باشد و خوشه خرما و خوشه انگور بهتر بود خاصه چون بوقت بیند کرمانی رحمة الله گوید اگر بخواب بیند که خوشه سبز میخورد دلیل که در آن سال او را فراخی عیش بود و اگر خوشها زرد و خشک بیند دلیل قحط و تنگی بیند جعفر صادق رضی الله عنه گوید خوشه سبز در خواب دلیل بر فرزندان و برکت بود قوله تعالی سَبْعَ سَنَابِلَ فِیْ کُلِّ سُنْبُلَةٍ الخ و خوشه خشک قحط بود **خوک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوک در خواب مردی توانگر بقوت بود و لیکن دون همت و بی خیر باشد و اگر بیند که خوکان در جائی نگه میداشت و رها نمیکرد که پراگنده گردند دلیل که مال بسیار جمع کند کرمانی رحمة الله علیه گوید محافظت کردن با خوک دنیا را نیک بود و دین را بد و بچه خوک در خواب غم واندوه بود و اگر بیند که خوک میخورد دلیل که ربا خورد و اگر بیند که خوکان را از جائی بجائی میبرد دلیل که احوال دنیای وی نیک گردد و احوال آخرت او نیک نباشد و اگر بیند که در میان خوکان میگردید دلیل که بجهت مالی که از حرام جمع کند خرم شود و گویند که خوردن شیر خوک در خواب غم واندوه و مصیبت بود و اگر بیند که در میان خوکان نشسته بود دلیل که دشمن غالب آید و اگر بیند که خوکی پس از وی در آمد و از پیش رویش بیرون شد دلیل که مرادی پلید او را حاصل آید و اگر بیند که پوست خوک یافت یا کسی بوی داد دلیل که مال حرام یابد و اگر

بیند که شبان خوکان بود دلیل که بر گروهی بد دنیان و بد فعل مهتر گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با خوک بصحرا جنگ میکرد دلیل که با مردی دون و ستمگار او را خصومت افتد و اگر بیند که موی خوک یا پوست یا استخوان خوک داشت دلیل که بقدر آن مال حرام یابد **خون آمدن** ابن سیرین رح گوید اگر بخواب بیند که بی جراحت خون از تن وی می آید دلیل که زیان رسدش و اگر بر تن خود جراحتی یابد دلیل زیان مال و غم و اندوه بود و اگر بیند که او را شبشیر زدند و خون روان شد دلیل که زیان بروی دراز گردد و او را در آن ثواب بود و اگر بیند که خون جراحت جامهٔ او آلوده کرد دلیل که مالی حرام حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که خون میخورد دلیل که مال حرام خورد یا خون ناحق کند و اگر بیند که در تن او سوراخی بود که از وی خون یا یم روان شد و جامهٔ او را آلوده کرد دلیل که بقدر آن مال حرام حاصل کند و اگر بیند که از قضیبش خون بیرون آمد دلیل که او را فرزندی مادهٔ بیفتد و اگر بیند که از مقعدش خون می آمد دلیل که بقدر آن مال حرام یابد و اگر بیند که از بن دندان او خون می آید دلیل که از خویشان غم و اندوه خورد و اگر بیند که در کوچهای شهر خون همیرفت دلیل بر خون ریختن بسیار بود در آن موضع و اینال علیه السلام گوید اگر بیند که خون بسیار از بینی وی آمد دلیل بر یافتن مال حرام بود خاصه چون جامه آلوده نگشت دلیل که درویش بود مالش نقصان پذیرد **خیار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خیار در خواب اگر در وقت خود بخواب بیند دلیل که سخن خوش شنود یا زنی بوی رغبت نماید و اگر بیند که از ان خیار بخورد دلیل که از ان زن مرادش حاصل آید و حکم خیار و بادرنگ هم بر این قیاس بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خیار در خواب بر سه وجه بود یکی پشیمانی از کار دوم شادی در آخر سوم منفعت از قبل خویشان و دوستان **خیک** ابن سیرین رح گوید دیدن خیک در خواب شیر و ماردی بود که بر دستش مال حرام خرج رود و خیک انگبین مرد عالم بود و دانش آموزو راه نماینده بود و اگر بیند که خیکی دوخت یا بخرید دلیل که او را با مردی چنین صحبت افتد و از وی خیر و منفعت بیند و اگر بخواب بیند که خیک از و بدزدیدند یا ضایع شد دلیل که از صحبت چنین مردی او را جدائی افتد **خیری** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خیری را بوقت خود بیند بخیر بود و اگر غیر وقت خود بیند همین تاویل دارد **خیمه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خیمه از بهر خود بزد یا از بهر او کسی بزد و آنجا بنشست دلیل که اگر خیمه سیاه بود و مال یابد بقدر بزرگی و کوچکی خیمه و اگر بازرگان باشد دلیل که سفر کند و مال یابد و اگر بزرگی این خواب را بیند دلیل بر غم و اندوه بود و اگر خیمه کهنه باشد مضرت بیشتر بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از خیمه بیرون رفت شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که پادشاه بر در خیمه نشسته بود دلیل که کارش نیکو شود و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که پادشاه او را در خیمه خود خواند و آنجا بنشست دلیل که از پادشاه قدر و بزرگی یابد و کارش بنظام شود **خیو** ابن سیرین رح گوید اگر بیند که خیو بر کسی انداخت دلیل که سخنی گوید که او را خلال نبود و اگر بیند که خیو در مسجد انداخت دلیل که سخن در دین گوید و هم چنین در هر موضع که خیو انداخت دلیل که سخن در اهل آن موضع گوید و اگر بیند که خیو در دیوار انداخت دلیل که مالی خرج کند که رضای خدای تعالی

خون آمدن

خیو بخواب دیدن اگر بد

جل وعلا در آن بنود واگر بیند که خیو در زمین انداخت ضیاع خود بیند واگر بیند که خیو در درخت انداخت دلیل که عهد بشکند وسوگند بدروغ خورد کرمانی رحمة الله علیه گوید که خیو گرم دلیل بر عمر درازی باشد وخیو سرد دلیل بر مرگ بود ومعکس بالعکس وخیو سیاه دلیل بر غم واندوه بود وخیو زرد دلیل بر بیماری بود وآب دهن چون از دهن بیرون آید بی آنکه جامه بیالاید دلیل که علمی باطل ودروغ تقریر کند واگر نه اهل آن باشد واگر بیند که بلغم از گلو بر آورد وبا آستین بگرفت دلیل که مال خود بر عیال خرج کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خیو کسی باخون در روی او انداخت دلیل که در اهل او طعنه زنند واگر بیند که خیو خون آمیخته بود دلیل که حرام خورد ودروغ گوید وبر وعده وفا ننماید

حرف الدال

دارو ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی از بهر بیماری دارو خورد او را موافق بود دلیل که صلاح دین جوید واگر بیند که دارو خورد وموافق نبود دلیل که صلاح دین از وی زایل شود واگر بیند که دارو از بهر تندرستی خورد دلیل که بقدر موافقت دارو صلاح دنیا طلب کند واگر بخواب بیند که از بهر مردمان دارو ساخت دلیل که بر خلق خدا بتعالی احسان کند واگر بیند که دارو خشک میشد دلیل که از غم واندوه خلاصی یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دارو بخورد واسهال بسیار آمد دلیل که او را مضرت رسد واگر بخلاف این بیند منفعت بود واگر بیند که دارو بخورد وعقل وهوش از وی برفت دلیل که از غم واندوه فرج یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید هر دارو که زرد بود بیماری در رنج باشد وآنچه بخوردن مکروه بود دلیل بر بیماری باشد

دارچینی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دارچینی خورد دلیل که غم واندوه شیرین شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دارچینی از بهر علت خورد او را سود داشت دلیل بر خیر ومنفعت باشد

داغ کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که داغ کردن در خواب مال وگنج بود واگر بیند که داغ کردند دلیل که بقدر آن مال در راه خدا بتعالی صرف کند ودر عقبی از عقوبت رستگاری یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از نشان داغ خون وریم می آید دلیل که در حضرت پادشاه مقیم شود اگر خون وریم نباشد دلیل که از پادشاه هیچ منفعت نیابد دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که داغی بر تن کسی نهاد تا ویلش سخن زشت باشد یا بروی تهمت نهند واگر بیند که بجهت علتی بر پشت وی داغ نهادند دلیل بر صلاح دین ودنیا باشد وبعضی معبران گویند داغ کردن بنیاد باشد در کار پادشاه جعفر صادق رضی الله عنه گوید داغ کردن در خواب منع زکوٰة بود ومشغولی با پادشاه قوله تعالیٰ یَوْمَ یُحْمٰی عَلَیْهَا

داس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که داس در دست داشت دلیل که آلتی سازد که او را از ان آلت مال حاصل آید اگر بیند که داس او ضایع شد دلیل که نقصان مال او بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که داس زرین یا سیمین داشت دلیل که از مال حرام چیزی حاصل کند واگر بیند که بدان داس چیزی زرین درود دلیل که مال ونعمت حاصل کند

دام ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دام در خواب

مکر و حیلت بود اگر بیند که پای او بدام گرفتار شد تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که جانوری را بدام گرفت آن کس که بدان جانور منسوب بود بمکر و حیلت بدست آورد **دانها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دانها در خواب اگر پخته یا خام بیند دلیل غم و اندوه بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که دانها بر زمین ریخته بود دلیل که نرخش ارزان گردد و هر چیز از دانها که دید و در خانه خود برد یاد جوال کرد دلیل که آنچیز گران گردد و اگر بیند که مردگان دانها بمردم میدادند دلیل که آن دانها ارزان شوند **دباغی کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دباغی کردن در خواب گذاردن شغل و فرمان بود اگر بخواب بیند که دباغی میکرد دلیل که پیشه دباغی کند کرمانی علیه الرحمة گوید دباغی بتاویل والی بود و پوست در خواب میراث باشد مغربی رحمة الله علیه گوید دباغ در خواب مردی باشد که صلاح کار میراث بوی باشد و به ابن سیرین رحمة الله علیه گوید به روغن در خواب مردی امین بود اگر بیند به روغن داشت یا کسی بوی داد دلیل که با مردی امین اورا صحبت افتد و از وی خیر و منفعت بیند بقدر آن به روغن و اگر به چرکین و کهنه بود دلیل که بیننده را مضرت رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دبه در خواب بر نه وجه بود یکی مرد امین دوم زن سوم خادم چهارم قوام دین پنجم صلاح تن ششم عمر دراز هفتم مال و نعمت هشتم خیر و برکت تهم میراث از جهت زنان **دبیری** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که دبیری میکرد دلیل که مال مردگان بحیلت ستاند و کارهای ناکردنی کند و اگر بیند که دبیری پادشاه میکرد دلیل که از قوم پادشاه منفعت یابد و اگر بیند دبیری مردم عام میکرد دلیل که دلهای مردم برخود گرم کند دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که نویسنده شد دلیل که بمکر و حیلت روزی از مردم بدست آورد و اگر دبیر دانا بود که دبیری میکرد دلیل که خیر و منفعت بسیار یابد و اگر بیند که خواب عملدار بود دلیل که معزول شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که جامع قرآن و حدیث می نبشت دلیل که خیر و منفعت آن جهانی یابد و اگر بیند که غزل و شعر می نبشت دلیل که بعیش و طرب مشغول گردد و اگر بیند که نامه می نبشت و مداد نیک بود دلیل که قبالها را بنویسد و اگر بیند که آنچه می نبشت خلاف شریعت بود دلیل که عاقبتش بد بود **دبیرستان** بخواب دیدن جائی اندوه بود و لیکن عاقبت بخیر بود و دلیل منفعت و بزرگی بود **دجال** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دجال را در جائی معروف دیدن دلیل که در آنجا فتنه افتد و در وی زنان آنجا جمع شوند و در آنجا خیر و برکت نباشد **دختر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دختر بخواب دیدن فرح و شادی بود اگر بخواب بیند که اورا دختری آمد یا کسی دختری بوی داد و یا بخشید دلیل که بقدر جمال و خوبی دختر اورا مال و خرمی و نعمت حاصل گردد و اگر بیند که دختر بمرد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دختر وی چرکین و ناقص بود دلیل بر غم بود و اگر بیند که دختر در برگرفته بود و میبرد دلیل بر خیر و منفعت بود و اگر بیند که دختر خود بکسی داد دلیل که از وی خرمی بر آن کس رسد **دخنه** اگر بیند که در زیر خود دود عود میکرد یا از بویهای خوش چیزی داشت دلیل که پیشه بیاموزد و از ان منفعت یابد و با مردم عیش خوش گذراند و اگر بوی ناخوش بود بخلاف این بود

جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ دختہ در خواب بر سہ وجہ بود یکی کسب و معیشت دویم خیر و منفعت سوم بنای نیک دوگان
ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ دوگان داشت جملہ خرشد ندیا یکی خرشد و یکی گاؤ یا یکی گوسفند دلیل کہ روزی
بروی فراخ شود لیکن او را زیان دارد و اگر بیند کہ چہار پایان وی دوگان شدند تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق
رضی اللہ عنہ گوید دیدن دوگان در خواب بر چہار وجہ بود یکی دشمن دوم پادشاہ ظالم سوم زنان سلیطہ چہارم ہمسایہ
مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ گوشت دوگان میخورد دلیل کہ مال مردم بحیلت بدست آرد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند
کہ بصورت دوگی شد دلیل کہ عقل از وی زایل گردد و اگر بیند کہ دوگان با وی سخن گفتند دلیل کہ پادشاہی یابد و اگر بیند کہ
دوگان را می کشت دلیل کہ بر دشمن ظفر یابد دراج ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید دراج در خواب زنی خوبروی
بود بد مہر کہ با شوہر سازگاری نکند و اگر بیند کہ دراجی بگرفت یا کسی بوی داد دلیل کہ زنی بدین صفت خواہد و اگر
بیند کہ گوشت دراج بخورد دلیل کہ مقدار آن مال زن بستاند مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ دراج بسیار داشت و دانست
کہ ملک اوست دلیل کہ بقدر آن زنان و کنیزکان او را حاصل آیند و اگر بیند کہ دراج از دست وی بپرید دلیل کہ زن را
طلاق دہد دراعہ ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ دراعہ نو و بزرگ و فراخ و سبز پوشیدہ بود دلیل کہ بقدر
آن او را جاہ و قوت و شرف در دین بود و اگر بیند کہ دراعہ چرکین و تنگ پوشیدہ بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی
رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ دراعہ سپید پوشیدہ بود دلیل کہ مال و نعمت و بزرگی یابد و اگر دراعہ سرخ پوشیدہ بود دلیل
کہ مصیبت بود و اگر سیاہ بود دلیل غم و اندوہ باشد لیکن دراعہ سیاہ قاضی و خطیب را زیان ندارد و اگر بیند کہ
دراعہ از تن وی بیرون کردند دلیل کہ از زن جدا شود جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن دراعہ در خواب بر ہفت وجہ
بود یکی فرح دوم قوت سوم محبت چہارم شرف و جاہ پنجم منزلت و ولایت ششم نظام کار ہا ہفتم زن در خواب
دیدن زن بود و اگر بیند کہ درہای بستہ از جائی معروف یا مجہول در برابرش کشادند و آن درہا کشادہ شد بر جانب
راہ بود دلیل کہ مالی کہ دارد خرج کند و اگر بیند کہ در سرائی در برابرش کشادہ شد دلیل کہ مالی از پادشاہ بیابد و بر
عیال نفقہ کند و اگر بیند کہ در سرائی او شکست دلیل مصیبت و رنج عظیم بود ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ
در سرائی او کندند و بردند و کس ندانست کہ کجا بردند دلیل بر محنت و مصیبت صاحب خانہ بود اگر بیند کہ در سرائی او انباشتند
دلیل بر مصیبت اہل سرای بود و اگر بیند کہ در وی کوچک بود دلیل کہ آفت بعیال او رسد و اگر بیند کہ در سرایش
چنان فراخ بود کہ ہیچ دری بدان فراخی نبود دلیل کہ قومی بی فرمان در سرائی او روند بقوت و مصیبت باخصومت
اگر بیند کہ حلقہ در سرائی او می جنبانید اگر جوابش دادند دلیل کہ دعائی او مستجاب گردد و باشد کہ گنجی بیابد و اگر بیند کہ
چون حلقہ بجنبانید زود در آن سرائی را بگشادند دلیل کہ خدا تعالی البتہ دعائی او اجابت فرماید و بر دشمن ظفر یابد
کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ در نو محکم بربست و قفلی بر نہاد دلیل کہ زنش بمیرد یا زن را طلاق دہد اگر بیند کہ

درود گری را فرمود تا در نو بر در خانه او نهادند دلیل که کنیزکی دوشیزه بخرد و اگر بیند که در خانه ویرا غلق نبود دلیل که زنی بیوه بخواهد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوان بر در خانه وی می جهیدند و بانگ میکردند دلیل که جوانان قصد عیال او کنند و اگر بیند که درِ آسمانها گشاده شد دلیل که بر مردم آن دیار درِ خیرات بگشایند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن در در خواب بر سه وجه بود یکی خداوند سرائی دوم زن سوم خادم

دروازه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هر که دروازه شهری بخواب بیند دلیل که حاجب و دربان پادشاه بود و دربان در خواب دیدن مردی بزرگ بود

دربانی کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند که دربانی میکرد دلیل که حاجتی که دارد زود روا شود و از مردی بزرگ عز و جاه یابد و اگر بیند که دربانی میکرد و در نبود دلیل که حاجت بردی بسبب کسی بود روا شود اما او جاه نیابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دربانی پادشاه میکرد دلیل که متقرب پادشاه گردد

دربرگرفتن شرح دربرگرفتن در حرف الف گفته ایم

درختان دانیال علیه السلام گوید درختی که پیش مردم عزیز است بخواب دیدن آن مردی شریف و بزرگوار بود اگر درختی بیند که پیش مردم خوار بود دلیل بر مردی فرومایه بود و هر درختی که میوه دار بود دلیل که مردی توانگر بود و درخت بی بر دلیل بر مردم درویش بود و درختی که در دیار عرب بود دلیل بر مردم بیابانی بود و هر درختی که در عجم باشد دلیل بر مردم عجمی باشد و درختی که در باغ بیند دلیل بر مال بود بخداوند باغ اگر بیند که درختی از بن بکند دلیل که مردی را از جاه و نعمت افگند

درخت خرما اگر درخت خرما بخواب بیند دلیل بر مردی شریف و عالم بود اگر بیند که درخت خرما در خانه داشت دلیل که با مردی بزرگ آشنا بود خرما چون بباغ بیند دلیل که تاویل او بخداوند خواب بازگردد

درخت آبنوس دلیل بر مردی فرومانده شود در کار خویش و بعضی گویند زن بود یا کنیزک

درخت آلو مردی طبیب بود که از وی نفع بهر کس رسد

درخت بادام زنی خوبروی صاحب جمال بود

درخت انار مردی توانگر بود با منفعت

درخت پلپل دلیل بر مردی شریف و بزرگ کند

درخت برگ دلیل بر مردی ساکن و آهسته بود

درخت ترنج دلیل بر مردی مخالف و خودرائی کند

درخت زیتون دلیل بر مردی با اصل و نسب باشد

درخت حنظل دلیل بر مردی درویش بدین کند

درخت زرد آلو دلیل بر مردی مبارک بود که نفع رساند

درخت سرو دلیل بر مرد عجمی خویش طبع کند

درخت سپیدار دلیل بر مردی سبک روح و محتشم باشد

درخت سیب دلیل بر مردی بیمارگون باشد

درخت شمامه دلیل بر مردی تیز دولت کند که زود هلاک شود

درخت شفتالو دلیل بر مردی بزرگوار بود که بشرم باشد

درخت عود دلیل بر مردی نیکو روی و خوش زبان باشد

درخت فستق دلیل بر مردی توانگر بخیل بود

درخت گل دلیل بر مردی شادکام باشد

درخت فندق دلیل بر مردی غریب سخت دل بود که بهود دوست دارد

درخت بلوط دلیل بر مردی بخیر منافق بود

درخت جوز دلیل بر مردی شریف و جوانمرد بود

درخت جوز هندی دلیل بر مرد عجمی بود که با مردم بخل کند و با عیال سختی کند و اگر بیند که بالای

درخت بود دلیل کہ با مردی بزرگ پیوندد و از و منفعت و بزرگی یابد **درخت لیمون** دلیل بر مردی بود کہ جادو کند یا منجم بود **درخت مورد** دلیل بر مردی گران طبع و ناسازدار بود **درخت نی** دلیل بر مردی بدخوی و سخن چین بود و سر درختی کہ میوہ دارد دلیل بر قیاس میوۂ او بود اگر بیند کہ از درختی میوہ دار میوہ میخورد دلیل کہ بقدر و قیمت آن میوہ مال و نعمت یابد و معبران گویند دیدن درخانہ خود درخت در خواب زن بود و سر درخت کہ در خانہ پادشاہ بیند دلیل کہ خدمت گار پادشاہ باشد و اگر درختان بیند کہ ساق ندارد ہمچون درخت خیار و خربوزہ تاویلش بر مردمان دون بود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر رگہای درخت قوی بیند دلیل کہ زکوٰۃ مال دادہ باشد و اگر نہ بخلاف این بود و پوست درخت دلیل بر روزی بود کہ خداوند درخت را بود و شاخ درخت برادران و خویشان و فرزندان بود و اگر بیند کہ درخت برگہا بسیار داشت دلیل کہ خداوند خویش طبع بود و اگر بیند کہ بارہای اندک دارد تاویلش بخلاف این بود و میوۂ درخت دلیل بر خداوندش کہ پرہیزگار و دین دار بود و اگر بیند کہ درخت ببرید و بیفتاد دلیل بر مرگ خداوندش بود مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ درختی بوی خوش دارد و میوۂ خوش طعم دلیل بر مردی مصلح و پاک دین بود و اگر بیند کہ درختی میوۂ ناخوش دارد و خار دارد دلیل بر مردی مفسد بی دیانت باشد و اگر بیند در سرای او یا در سرای دیگران کوتاہ درخت بود دلیل بر مصیبت بود کہ در آن سرای افتد و اگر بیند کہ در سرای خود تخمی میکشت دلیل کہ بقدر آن تخم چیزی بوی رسد و اگر بیند کہ درخت در زمین بیگانہ می نشاند دلیل کہ با مردم بیگانہ او را صحبت افتد و شرف و بزرگی یابد و اگر بیند کہ در سرای خود درختی می نشاند دلیل کہ دامادی آورد و اگر بیند کہ بر بالای درخت بلند می شد دلیل کہ کاروی بزرگ شود و اگر بیند کہ برگ درختان جمع میکرد دلیل کہ بقدر آن درم حاصل کند و اگر بیند کہ از درختان میوہ حاصل میکرد دلیل کہ فرزندان و نسل وی زیادت شود و اگر درختان میوہ دار بسیار بیند و داند کہ ملک اوست دلیل کہ او را عمری دراز بود و ظفر و بزرگی یابد و اگر بیند کہ درخت را میبرید دلیل کہ بیمار گردد یا از آن وی کسی بمیرد و اگر بیند کہ در وقت خزان در باغ مجہول بود و میدید کہ برگ از درختان می افتاد دلیل غم و اندوہ بود و اگر بیند کہ درخت با وی سخن گفت دلیل کہ کاری کند کہ مردم را از آن عجب آید و اگر بیند کہ درخت از جائی بکند دلیل کہ بیمار شود یا از آن موضع کہ درخت کند کسی بمیرد مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر درختان بریدہ یا خشک شدہ بیند دلیل کہ مردمان بدین باشد و ہر درختی کہ نیکوتر بیند دلیل کہ دین او نیکوتر باشد و ہر چہ در درخت نقصان بیند دلیل بر نقصان وی بود و اگر بیند کہ در سایۂ درخت نشستہ بود یا خفتہ بود دلیل کہ در سایۂ مردی رود کہ بدان درخت منسوب باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید درخت در خواب بردہ وجہ بود یحیی پادشاہ دوم زن سوم بازرگان چہارم مردم مبارز پنجم عالم ششم مومن ہفتم کافر ہشتم عوان نہم خصومت دہم مال شبہت **درواندا مہا** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر در خواب بیند کہ اندامہای وی درد میکرد دلیل کہ مال از دست وی برود و اگر بیند کہ سرش درد میکرد دلیل کہ گناہ بسیار کردہ بود توبہ کند و صدقہ دہد قولہ تعالیٰ

فمن کان منکم مریضًا او به اذًی من رأسه ففدیة من صیام او صدقة او نسک واگر بیند که پشیانی وی
درد میکرد دلیل بر فساد دین وغم واندوه بود واگر بیند که چشم خود درد کرد دلیل که او را کسی راه نماید بحق واگر بیند که
دوشش درد میکرد دلیل که از هر کس سخنهای زشت شنود واگر بیند که بینی وی درد میکرد و یا در زبان وی نقصان بود
دلیل که سخنی گوید که بوبال بازگردد واگر این خواب بازرگانی بیند دلیل که در تجارت دروغ گوید واگر زبان خود بریده
بیند دلیل که بر صلاح و پارسائی بود واگر بیند که کامش درد میکرد و آماس داشت دلیل که از حق کسی منکر شود واگر
بیند که دهانش درد میکرد دلیل که از خویشان اندوه یابد (تا لو ۲) واگر بیند که گردن او درد میکرد دلیل که امانتی در گردن وی
باشد و نگذارد واگر بیند که شکمش درد میکرد دلیل که مال حرام خورده واگر بیند که پشت او درد میکرد دلیل که از مهتر
خود آزرده گردد واگر بیند که پهلوئی او درد میکرد دلیل که بسبب خویشان درد بیند و رنجور شود واگر بیند که جگر او
درد میکرد دلیل که بر فرزندش مشفق بود واگر در دست بیند دلیل که برادر همسایه را جفا بکند واگر بیند که در دانگشت
داشت دلیل که کینه دار بود واگر در ذکر بیند دلیل که عیال را برنجاند واگر بیند که عورت او درد میکرد دلیل که بفساد
در آید واگر بیند که مقعد او درد میکرد دلیل که فساد و حرام کند واگر بیند که سیرین وی درد میکرد دلیل که بر خویشان و
دوستان جفا کند واگر بیند که پای وی درد میکرد دلیل که بر زیردستان شفقت نکند واگر بیند که تن وی را
داغ میکردند دلیل که مال یابد درم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید طبعهای مردم مختلف بود و مردی باشد که درم را
بخواب بیند دلیل بر حاصل شدن درم است در بیداری و بعضی معبران گویند هر که درم در خواب بیند دلیل که سخن خوش
شنود یا توحید باری سبحانه و تعالی گوید اگر بیند که درم سفید بود دلیل که خوب تر و اگر درم سیاه باشد و بدان نقش
و صورت بود دلیل بر جنگ و خصومت بود و بعضی از معبران گویند اگر بیند که درم کوچک یافت دلیل بر فرزند کوچک
بود و بعضی از معبران گویند اگر بیند که درم ضایع شد یا کسی از وی بدزدید دلیل که از فرزندی خُرد یا بر دل او آید و اگر
بیند که درم کوچک گم کرد و باز یافت دلیل که آن رنج از دل وی زایل گردد و اگر باز نیافت دلیل که فرزند او هلاک شود
کرمانی رحمة الله علیه گوید درم در خواب بدست داشتن سخن نیکو بود و درم شکسته سخن پراگنده و درم بسیار مال باشد و
اگر بیند که در خانه با عیال خود درمها در دست قسمت کرد دلیل که میان ایشان داوری افتد و اگر بیند که درم در خانه
بسیار داشت بقدر آن مال یابد و اگر بیند که درم بسیار جمع کرد دلیل که مردم را از حق و باطل باز دارد قوله تعالی جَمَعَ
مَالًا وَعَدَّدَهُ یَحْسَبُ اَنَّ مَالَهُ اَخْلَدَهُ اگر یک درم سپید در کف خود بیند دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که
آن درم از وی ضایع شد دلیل که فرزندش بمیرد و اگر بدرهای درم و دینار یافت دلیل که مال و نعمت حلال جمع کند
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر درم سفید در خواب بیند درم سیاه یابد و بسیار مردم در خواب درم بیند و در بیداری همان یابد
اسمعیل اشعث رح گوید درم نیک در خواب صفای دین بود و درم شکسته خصومت بود و اگر بیند که پادشاه او را درم داد

دلیل کراغم واندوه خلاصی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید درم درخواب بر یازده وجه بود یکی سخنهائی درست دوم گذاردن حاجت سوم ولایت چهارم مال مجموع پنجم دوست ششم فرزند هفتم فتنه هشتم روزی فراخ نهم ایمنی دهم کنیزک یازدهم درم یافتن خاصه که خداوند خواب مستور بود واگر مستور نبود دلیل کز حمت فرزندان وغم واندوه بود اما درم شکسته درخواب دیدن بر چهار وجه بود یکی سخن زشت دوم جنگ وخصومت سوم بند وزندان چهارم گفتگوی درمنه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید درمنه درخواب دیدن دلیل برغم واندوه بود وخوردن آن دلیل بر نقصان مال وعیال بود **دروغ گفتن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دروغ گفتن درخواب دلیل برفساد وتباهی دین بود واگر بیند که گواهی دروغ میداد دلیل که دین وی تباه شود ومغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که پادشاه دروغ گفت دلیل که مردم نکوهش وبدی او گویند وحرمت وآبروئی او برود **درودگری کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید درودگری درخواب نیکوخواه مردم بود ولیکن صحبت با مردم منافق وبدمذهب باشد وبه مراد ایشان رود زیرا که اهل چوب بخواب دیدن دلیل برنفاق باشد قوله تعالی کَاَنَّهُمْ خُشُبٌ مُسَنَّدَةٌ جعفر صادق علیه السلام گوید درودگر درخواب معلم کودکان باشد که مرد جاهل ونادان راه دانش وفرهنگ آموزد ومدبر ومصلح کارهای مردم باشد وراه نفاق وفساد از ایشان زایل گرداند مغربی رحمة الله علیه گوید درودگر معلم کودکان باشد **درویشی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید درویشی درخواب بهتر از توانگری بود خاصه که در راه دین وصلاح بود واگر بیند که درویش شده بود دلیل برصلاح دین بود واگر بیند که توانگر شده بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بادرویش مسلمان خیرات کرد دلیل که از غم وبرنج رسته گردد واگر بیند که بر دریا میگشت ونان میخواست دلیل که خیر ومنفعت بدو رسد **دریا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دریا درخواب پادشاه بود یا عالمی بزرگ اگر بیند که آب دریا روشن وصاف بود وخوش طعم دلیل که پادشاه پارسا وعادل وداد گر بود واگر بیند که آب دریا ناخوش وتلخ بود دلیل که پادشاه مفسد وظالم بود واگر بیند که آب دریا بخورد دلیل که از پادشاه جاه وبزرگی یابد یا از عالمی بهره مند گردد واگر بیند که آب دریا برمیگرفت ودر سبوی میکرد دلیل که بقدر آن از پادشاه اورا منفعت رسد واگر بیند که در دریا فرو شد چنانکه تن او بگل آلوده گشت دلیل که اورا از پادشاه غم واندوه رسد واگر بیند که تن خود را از گل شست دلیل که غم واندوه از وی زایل گردد واگر بیند که در آب دریا شنا کرد دلیل که پادشاه اورا محبوس دارد واگر بیند که از دریا باشنا بیرون آمد دلیل که از زندان خلاصی یابد واگر بیند که در دریا غرق شد وبمرد دلیل که در کار دین غرق شود واگر بیند که از دور دریا دید ونزدیک نرفت دلیل که بدانچه امید میدارد برسد واگر بیند که فراز دریا میرفت وپای او ترنمی شد دلیل که از آتش دوزخ ایمن گردد وکارهای دنیا بروی آسان گردد واگر بیند که در دریا بود بقول کرمانی رحمة الله علیه دلیل که بخدمت پادشاه رود ومطیع وفاضل گردد واگر بیند که درمیان دریا رفت دلیل که کاروی باخطر باشد واگر بیند که از دریا بیرون آمد دلیل که بغم شود واگر بیند که از دریا آب خورد وسرد بود وبیننده خواب عالم بود دلیل که بهره تمام یابد واگر بیننده

خواب عالم نبود بخلاف این بود قوله تعالیٰ قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي واگر بیند که خواب از مردان پادشاه باشد دلیل که از معتمدان پادشاه گردد واگر بیند که بآب دریا خود را بشست دلیل که از پادشاه ایمن گردد واگر بیند که آب دریا خورد و گرم بود دلیل که گناهی کند قوله تعالیٰ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ واگر بیند که آب دریا بخورد و گنده و ناخوش بود دلیل که او را خصمی بزرگ پیش آید چنانچه او را بیم بود قوله تعالیٰ يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ جابر مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند که در آب دریا میرفت دلیل که توفیق طاعت یابد و امانت گذارد و اگر بیند که از دریا بگذشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که آب دریا زیادت شد دلیل که لشکر پادشاه زیادت شود و اگر بیند که آب دریا خشک شد پادشاه و لشکر هلاک شوند و اگر بیند که آب دریا و رودها بهم جمع شدند در یک جائی دلیل که پادشاه آن دیار مال و خزانه خویش بیک جا جمع کند و اگر بیند که از جهان موجها برخاست و جهان از ابر تاریک شد دلیل بر گناه و عصیان اهل آن دیار باشد قوله تعالیٰ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ و اگر بیند که از دریا شکار میگرفت دلیل که روزی حلال یابد و عیش بر عیال او فراخ گردد قوله تعالیٰ أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ اگر بیند که آب دریا شور بود دلیل که کسب حرام کند و اگر بیند که آب دریا تیره بود از و شکار میگرفت دلیل بر هلاک وی باشد قوله تعالیٰ وَاسْأَلْهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ و اگر بیند که از دریا یاقوت و مرجان بر آورد دلیل که بعلم دین آموختن مشغول گردد و از اهل علم باشد حلمش زیادت شود و اگر بیند که از دریا نهنگی را بگرفت و بکشت دلیل که دشمن پادشاه بر دست وی هلاک شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دریا در خواب بر شش وجه بود یکی پادشاه دویم والی سوم رئیس چهارم مال پنجم عالم ششم کاری بزرگ **دژ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دژ بناء کرد دلیل بر صلاح وی بود و اگر بیند که دژ خود را خراب کرد دلیل بر تباهی و فساد دین وی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید دژ در خواب اگر بپیچ و آجر میکرد دلیل که صاحب دو زخی و اگر بیند که از گل و خشت میکرد دلیل که از اهل بهشت بود و اگر در دژ محکم مقیم بود دلیل بر صلاح دین بود و ثبات راه و اگر بیند که هر زمان از دژ بیرون آمد و باز درون میشد دلیل که در کار دین کامل نباشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر خود را در دژ بیند بقول مغربی دلیل بر صلاح دین بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بر تباهی و ضعف دین وی بود **دزدی کردن** اگر بیند که مال کسی دزدید و چیزی خرج کرد دلیل که او را بکشند و اگر بیند که نیت داشت که بدزدد اما ندزدید دلیل که بحسی مکروهی رساند و بعضی گویند که بیمار شود اما شفا یابد و اگر بیند که از خانه وی چیزی بدزدیدند دلیل که رنجی و آفتی بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که او در دست دزد اسیر شد دلیل که حال وی بد شود و در غم واندوه گرفتار شود و اگر بیند که دزدان بروی راه زدند دلیل که غم واندوه بیند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر دزدی کالا از کسان برد دلیل که عیش بر خداوند خواب تباه شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دزدی بخواب بیماری بود معبران گویند آنجا که دزدی کنند دلیل دامادی باشد یا پسری در وجود آید و اگر خداوند

خواب غایبی دارد بسلامت باز آید دانیال علیه السلام گوید دزد در خواب دیدن خیانت وحیلت بود **دستار** چه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دستار چه از کتان بر دست داشت دلیل که او را از مردی پارسا و مصلح خیر و منفعت رسد و اگر بیند که دستار چه از وی ضایع شد یا بسوخت دلیل که او را زیانی رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دستار چه در خواب بر سه وجه بود یکی منفعت دوم کنیزک سوم عطا اندک **دستار** سر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دستار بخواب دیدن دین بود و اگر بیند که دستار سفید یا سبز بود یا از کتان یا از پنبه بود دلیل صلاح دین بود اگر بیند دستار سفید و پاکیزه داشت دلیل صلاح دین و دنیا بود دستار قز و ابریشم دلیل نیکوئی حال این جهان بود و اگر بیند که با دستار وی دستار دیگر پیوسته شد دلیل که بزرگی و منزلتش بیشتر گردد و اگر بیند که دستار از وی بیفتاد و ضایع شد دلیل بر نقصان دین و بیخبر متی او باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر دستار خود دزدیده بیند دلیل بر نقصان قدر و جاه او بود و اگر بیند که دستاری پیچیده خوب داشت دلیل با صحاب دین و دنیا سازگاری کند و اگر بیند که دستار طراز داشت دلیل که در میان سفر در مردم مشهور گردد و اگر بیند که دستار و جامه اش جمله سبز بود دلیل که بشهادت از دنیا برود و مغربی رحمة الله علیه گوید هر چند که دستار بزرگتر باشد عز و جاهش بیشتر بود و اگر بیند که دستار خرد چرکین بود دلیل بر نقصان عز و جاهش بود و اگر دستار سرخ بیند دلیل که بر کسی ستم کند و اگر زرد بیند دلیل که بیمار شود و اگر کبود بیند دلیل که او را مصیبت رسد و اگر سیاه بیند دلیل که زیان و مضرت بیند مگر خطیب و قاضی و اگر بر سر دستار ابریشمین بیند دلیل که منصف و دادگر بود و مردم او را عزیز دارند و اگر بیند که دستار دراز پیچیده بود دلیل که از سفر زود باز آید و دستار ابریشمین دلیل بر فساد دین بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دستار در خواب بر هفت وجه بود یکی دین دوم ریاست سوم عمل چهارم ولایت پنجم مرتبت ششم توانائی هفتم سفر و دستار حمامی در حرف میم بیان کنیم انشاء الله تعالی **دست آس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دست آس در خواب از فکر رستن بود و اگر بیند که دست آس داشت دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد و اگر بیند که سنگ آس دست بشکست دلیل که خداوند آس دست هلاک شود یا در محنت افتد و اگر بیند که سنگ آس دست بدزدیدند دلیل که بیمار شود و اگر بیند که با آس دست حنا و غیره خرد میکرد دلیل بر خصومت بود **دست** دانیال علیه السلام گوید دست راست تاویل برادر بود و دست چپ خواهر بود و اگر بیند که دست راست وی دراز شد دلیل که کار برادرش یا انبازش نیکو گردد و اگر بیند که هر دو دستش باز کوته شده دلیل که برادر و خواهر از وی روی بگردانند و اگر بیند که هر دو دستش کوتاه شد دلیل که نفع از برادر و خواهر باز گیرد و اگر بیند که هر دو دستش بریده و افتاده بود دلیل که برادر و خواهر زندگی از وی جدا شوند و اگر بیند که هر دو دست بر سینه نهاده بود دلیل که بجهت دوستان خود غم خورد و اگر بیند که میان گروهی بود و دست میزدند دلیل که در آنجا عروسی کند و اگر بیند که تنها دست میزد و شادی میکرد دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند

کہ قاضی یا سلطان دست راست او ببرند بقول ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ دلیل کہ برادر یا خواہر یا فرزندش بمیرد و اگر ہر دو دستش بریدہ دلیل کہ از کسب و مراد خود باز ماند و اگر بیند کہ یکدست از دست دیگر پوست باز میکرد دلیل کہ بر کسان خود ظلم و بیداد کند و اگر بیند کہ دست خود را بکاردی میبرید دلیل کہ با کسی خصومت کند یا دل وی بحسبی مشغول بود قولہ تعالے

فقطعن ایدیھن و اگر بیند کہ کف دستہا بر یکدیگر میشوید دلیل کہ خویشی بنکاح آورد و اگر بیند کہ یکی دستش بریدند و او را بر دار کردند دلیل کہ امیران آن موضع معزول گردند و اگر بیند کہ مانند چہار پائی بچہار دست و پائی میرفت و باز گونہ روی بآسمان داشت دلیل کہ آرزوئی محال جوید و بدشواری برآید و اگر بیند کہ دست وی مادرزاد خشک بود دلیل کہ از صدقہ دادن و کار خیر فرو ماند کرمانی علیہ الرحمۃ گوید اگر بیند کہ دستہایش بسوزن نیک کردہ بود دلیل کہ ہمتش بر تعلیم علم و دانش بود و اگر بیند کہ دستش بریدہ بود و ندانست کہ دست راست یا دست چپ بود دلیل کہ او را مصیبتی رسد و اگر بیند کہ چون دستش بریدہ شد او قرآن میخواند دلیل کہ دستش از معصیت باز دارد و معبران گویند دست بریدہ دلیل کہ عمر دراز گردد و عصیان را ترک کردن و بکار خیر مشغول بودن و اگر بیند کہ دست راست او از بہر گناہی بریدہ اند دلیل کہ دروغگوئی بود و بی دیانت بود مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ دست خویش چون چنبر در گردن کردہ بود دلیل بر کردار نیک و نماز و طاعت و حج و غزا کردن و کردار نیک بجائی آوردن بود و اگر بیند کہ دست راست او بریدند دلیل کہ سوگند بدروغ خورد و اگر بیند کہ دست از تن وی تحویل کرد بر تن پادشاہ وقت اگر آن پادشاہ مصلح بود دلیل بر خیرات و صلاح دین بود و اگر آن پادشاہ مفسد بود و بیدین دلیل کہ شر و فسادش در دین بود و اگر بیند کہ یک دست وی از دست دیگر دراز تر شد دلیل کہ قوت و جاہ و آنچہ طلب میکند بیابد و اگر بیند کہ بر دو دست میرفت دلیل بر کار خود اعتماد نماند و معبران گویند کہ از خویشان منفعت یابد و اگر بیند کہ دست و پای سخن گفت باو دلیل کہ معیشت او نیکو شود و اگر بیند کہ از بہر دوست خود مروارید بستہ داشت دلیل کہ جملہ قرآن بظاہر بخواند اسمعیل اشعث رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ دستش چون دست سلطان شدہ بود دلیل کہ بزرگی و پادشاہی یابد و اگر بیند کہ دست راست او زرین شدہ بود دلیل کہ دولتش زایل گردد و اگر بیند کہ دست خود باشتان و صابون می شست دلیل کہ نا امید شود و اگر بیند کہ جانوری کہ در تاویل نیکو باشد از دست چپ او بیرون آمد و بدست راست بدر شد یا از دست راست بدر آمد و بدست چپ بیرون شد دلیل کہ از غم رستہ شود و عاقبتش محمود گردد و اگر آن جانور در تاویل بد باشد دلیل کہ بر ضیعے ستم کند و اگر بیند کہ دست وی خشک شد دلیل بر فساد صحبت کند و اگر بیند کہ دست وی در دست گرفت یا دست در گردن او زد و آن کس زندہ است یا مردہ دلیل کہ عمرش دراز بود و اگر بیند کہ بدست مشرکی دستہا میکرد دلیل کہ آن مشرک بدست وی مسلمان شود جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن دست در خواب بر دوازدہ وجہ بود یکی برادر دوم خواہر سوم انباز چہارم دوست پنجم فرزند ششم رفیق ہفتم قوت ہشتم توانائی نہم ولایت دہم مال یازدہم محب

دوازدهم پیشه و صنعت **دست اورنجن** ابن سیرین رحمة الله گوید دست اورنجن در خواب زنان را شوهر بود و مردان را غم واندوه بود و اگر بیند که دست اورنجن بسیمین داشت دلیل کراندوهش کمتر بود کرمانی رح علیه گوید اگر بیند که کسی دست اورنجن بدو داد دلیل کراورا فرزندی آید یا برادری و اگر این خواب زنی بیند دلیل کرشوهری کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند که هر دو دست اورنجن داشت دلیل کراورا مال و نعمت بسیار حاصل آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دست اورنجن در خواب پنج وجه بود یکی بناست دوم حکمت سوم مکر چهارم غم پنجم برادر یا فرزند **دست وروی شستن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دست و روی بآب صافی شست دلیل کراز غم فرج یابد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دار بود وامش گذارده شود و اگر بیند که دست و روی ناشسته نماز میگذارد دلیل که دینش ضعیف باشد و مالی که دارد از دستش برود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بهر دو دست روی می شست دلیل کراز دوستان خود یاری خواهد و اگر بیند که دست و روی می شست و اورا حدثی پدید آمد و وضویش باطل شد دلیل که در کار و کسب خود بیچاره گردد و اگر بیند که اورا حدث افتاد دیگر دست و روی شست و نماز آغاز کرد اما نماز تمام کرد دلیل که عمرش بآخر رسیده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که کسی دست و روی او را شست واو تامل در آن میکرد دلیل که مرادش حاصل آید **دستینه** در خواب مردان را بهتر از زنان باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دستینه از آهن در دست داشت دلیل که اورا توانگری و قوت بود و بر دشمن ظفر یابد خاصه که دستینه از پولاد بود و اگر دستینه از زرین یا سیمین باشد تاویلش چون دست اورنجن بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دستینه در خواب بر سه وجه بود یکی قوت و توانائی دوم ظفر یافتن بر دشمن سوم نظام کارهای دنیاوی **دشمن** اگر بخواب بیند که او بر دشمن غلبه کرد دلیل که مرادش حاصل آید و اگر دشمن بر وی غلبه کرد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که دشمن او را بخورد دلیل که در بلا و مصیبت افتد توبه باید کردن تا بلا دفع شود حضرت صادق رض فرماید دیدن دشمن در خواب بر سه وجه بود یکی بستگی کارها دوم غم واندوه سوم خسران مال **دشنام** ابن سیرین رح گوید اگر بخواب بیند که کسی او را دشنام میداد دلیل که او را حال نیکو بود و آنکس بر دشنام دهنده ظفر یابد کرمانی رح گوید اگر بیند که کسی او را دشنام داد دلیل که آنکس بر وی چیره و کامگار شود **دعا کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دعا کردن در خواب روائی حاجت بود و اگر بیند که خود را دعا کرد و آمرزش میخواست دلیل که خاتمه و کارش بخیر بود و حاجتش برآید و اگر بیند که مصلحی را دعا کرد دلیل که بظلم و فساد نگراید و امر معروف بجائی آورد و اگر بیند که خلق را دعا میکرد دلیل که نیک خواه خلق بود و حاجتهای وی روا گردد و اگر بیند که دعاء خاص میخواند دلیل که فرزندش آید قوله تعالی اِذ نادیٰ ربّه نداءً خفیًّا کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در تاریکی دعا میخواند اگر مصلح و پارسا بود دلیل کرحق تعالی او را بیامرزد و حاجت وی روا گردد و اگر ببیند آن خواب مفسد بود او را توبه دهند و اگر کافر بود اسلام آرد **دف زدن** ابن سیرین رضی الله عنه

گوید دف زدن در خواب دلیل امر معروف کردن است واگر بیند که دف میزد دلیل که ترک کار صلاح کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که دف زد استاد دار دلیل که زنی بدکردار بخواهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید آواز دف در خواب شنیدن نشاط بود و چون از کنیزکی و زنی شنود بهتر بود و اگر از مردی شنود دولت و بندگی یابد و چون از جوانی شنود دلیل ظاهر شدن کارها بود **دلالی کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دلالی کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی مصلحت کردن درمیان مردمان دوم راه راست سوم کردار نیک چهارم امر معروف بجای آوردن و دلال مردی بود که راه نمای مردمان باشد بخیر و اگر کسی بخواب بیند که دلالی میکرد دلیل کرد راه خیر نماید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دلالی کردن در خواب بر چهار وجه بود که بالا ذکر رفته است **دل** بدانکه دل پادشاه شهر تن است و تن بفرمان او قایم است و دل خزانه عقل است در نهان و آشکارا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دل بخواب دیدن جمع کردن مالیست که بوی رسد

واگر بیند که دل بیرون از تن وی بود دلیل بر صلاح و نکوئی بود قوله تعالی حتی اذا فزع عن قلوبهم قالوا ماذا قال ربکم قالوا الحق اگر بیند که دل وی تنگ شد دلیل که کارها بروی دشوار شود و اگر بیند که دل او شادمان بود دلیل که کارها بروی کشاده گردد و اگر دل را فروبسته بیند دلیل که از گناه توبه باید کرد قوله تعالی افلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها اگر دل را بر دست نهاده بیند دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که دل بهر دو دست گرفته بود دلیل که کارهای وی برآید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دلش درد میکرد دلیل که مالش زیاده گردد و اگر بیند که چشمهای دل وی گشاده بود دلیل که بکارهای هر دو جهان راغب و حریص بود و اگر بیند که از دل وی خون بیرون می آمد دلیل که از کار ناکردنی توبه کند و بخداوند باری تعالی باز گردد و اگر بیند که از دل وی صفرا بیرون آمد دلیل که بیمار شود و اگر بیند که بر دل وی خستگی رسید دلیل که بیغم شود و اگر بیند که از دل وی گوهر بیرون آمد و آن گوهر از دهن بیفکند دلیل که کافر گردد و اگر بیند که گوهر از زمین برگرفت و بخورد دلیل که باز مسلمان گردد و اگر بیند که گوهر از دل برآورد و گرد او مروارید بسته بود و مروارید بر زمین ریخت و گوهر فرو خورد دلیل که بترک پنج نماز بگوید معبری رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دل او پاره پاره شد دلیل که دل را به هوسهای محال مشغول گرداند و اگر بیند که دل وی روشن و منور بود دلیل بر صلاح دین کند و اگر بیند که دلش تاریک بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دل در خواب بر ده وجه بود یکی مال دوم ریاست سوم فرزند چهارم شجاعت پنجم جوانمردی ششم حرص هفتم قوت هشتم نصرت نهم شهوت دهم نهان داشتن احوال خویشتن **دنبال** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چون اسب و خر و گاو دم داشت دلیل که مالش زیاده گردد و زندگانی او براحت گردد اما در راه دین سست بود و اگر بیند که دم او چون دم سگ یا چون دم گرگ یا شغال بود دلیل که مال حرام یابد مردم او را ملامت کنند و اگر بیند که در دست دم اسب یا گاو یا خر داشت دلیل که بقدر آن مال و نعمت یابد و اگر بیند که در دست او دم حیوانی بود که گوشت او حرام بود دلیل که مال حرام یابد

جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دنبال بخواب دیدن بر چہار وجہ بود یکی بیع دوم باران سوم مال چہارم راحت و عیش
دنبل ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ دنبل داشت دلیل کہ مالش زیادہ شود بقدر دنبل و اگر بیند کہ دنبل
وی بشگافت و خون آمد دلیل کہ چندی از مال وی تلف شود مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ از دنبل خون و ریم می آمد
و می مکید دلیل کہ بقدر آن مال حرام یابد و اگر بیند کہ دارو بدنبل نہاد و جامہ از خون بشست دلیل کہ از حرام توبہ کند **دنبہ**
ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید دنبہ در خواب بدرہ کہ مال بود کہ یکی نگہ میدارد یا مال زن بود بر قیاس زیادت و کمی او و
اگر بیند کہ دنبۂ خام میخورد دلیل کہ مالِ شبہہ خورد و اگر بیند کہ دنبہ پختہ می خورد دلیل کہ دشمنش از مال وی بخورد کرمانی رحمۃ اللہ
علیہ گوید اگر بیند کہ او را چون گوسفند دنبہ بود دلیل کہ او را فرزندی آید کہ خداوند دولت و اقبال بود و روزی فراخ
گردد و جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دنبہ در خواب دیدن بدرۂ زر بود **دندان** دانیال علیہ السلام گوید دندان در خواب
دیدن اہل خاندان بود دندانہای بالا دلیل بر زنہ بود و دندانہای زیرین دلیل بر مادینہ بود و دندانہای پیشین دلیل بر
فرزندان و برادران و خواہران بود یا پدر و مادر و دندانہای کہ بر جنب آن باشند دلیل بر عم و عمزادگان بود و دندانہای
پسین دلیل بر خویشانِ دور بود و سفیدی و پاکیزگی دندان دلیل بر قوت و جاہ اہل بیت بود و بعضے معبران گویند
کہ دندانہای پیشین آنچہ از سوی راست است دلیل بر پدر و خویشان او بود و آنچہ از سوی چپ است دلیل بر مادر و
خویشان مادر بود و اگر بیند کہ دندانہای پیشین وی می جنبید دلیل بر ین جماعت کہ وصف کردیم یکی بیمار گردد ابن سیرین
رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ دندان پیشین او بر کف دست یا بر کنار یا بر زمین افتاد و بخاک آلودہ نگشت دلیل
کہ او را فرزندی آید یا برادری یا خواہری و اگر بیند کہ دندان وی در خاک افتاد یا ضایع شد دلیل کہ از ایشان کہ گفتیم
یکی بمیرد و اگر بیند کہ دندان وی بشکست یا بوسیدہ شد دلیل از ایشان کہ گفتیم بکبیرا آفتی رسد و اگر بیند کہ دندان پیشین او
کوفتہ شد دلیل کہ او را با چنین کسان خصومت افتد و اگر بیند کہ از دندان یکی بکندید دلیل کہ آن جماعت او را بسخنی
زشت بگویند و از وی مفارقت جویند و اگر بیند کہ دندان پیشین وی زیادہ شد دلیل کہ از ایشان کہ گفتیم یکی در خرمی
و راحت باشد و اگر بیند کہ در جنب دندان او دیگر بر ست اگر از زیر بود دلیل کہ او را دختری آید و اگر از بالا بود دلیل
کہ او را پسری آید و اگر بیند کہ دندان پیشین خود بر کند دلیل کہ تا وان خود از ایشان کہ گفتیم بستاند و اگر بیند کہ جملہ دندان
بیفتاد و در حال پدید شد دلیل بر ہلاک اہل خاندان او باشد و اگر بیند کہ دندانہا بر کف دست یا در کنارش افتاد
دلیل کہ اہل خاندانش بسیار گردند و اگر بیند کہ ہمہ دندان او از سوی زیر بود اگر بیننده خواب اہل صلاح بود دلیل بر خیر
و نیکوئی او بود و اگر از اہل شر بود دلیل بر شر و فساد او بود و اگر بیند کہ دندانہای زیرین او بیفتاد یا از آبگینہ بود یا از سفال
دلیل بر ہلاک او بود و معبران گویند کہ افتادن دندان گذاردن وام بود و بعضے گویند دلیل بر جنگ و خصومت کند
کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید دندان بالا کہ در مقابلہ چشم است دلیل بر زنہ کند و دندان زیر دلیل بر مادینہ کند

واگر بیند که جمله دندانهایش در کنار افتاد و جمله در کف دست بگرفت دلیل که خویشان خود را جمع کند و نگذارد که از وی جدا شوند واگر بیند از دندانها بوی خوش می آید دلیل که خویشانش ثنا گویند واگر بخلاف این بیند دلیل که غیبت وی کنند واگر بیند که دندانهایش درد میکرد دلیل رغم واندوه بود واگر بیند که دندانهایش زرد بود دلیل آن کس که بدان منسوب بود بیمار گردد واگر بیند که دندانهای او سیاه شد دلیل که او را غم واندوه رسد واگر بیند که دندانهایش افتاده بود و زکوه پاره بسته دلیل که عمرش دراز گردد چنانکه همه خویشان خود بگور کند معبر رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دندان وی درد میکرد و بدست خود بر کند و بهرد و دست بگرفت دلیل که مال فراوان یابد واگر بیند که از دهان کسی دندان خون آلود بدست بگرفت دلیل منفعت او را بود که دندان برگرفت اما او را مصیبت رسد واگر بیند که بعضی از دندانها پدید شد دلیل که بعضی از خویشان بغربت روند و بسلامت باز آیند واگر بیند که همه دندانهای او در میان زبان جمع شدند و دیگر هر دندانی بجای خود باز شد دلیل که از خویشان تشکی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دندان در خواب بر شش وجه بود یکی اهل بیت دوم مال سوم منفعت چهارم غم واندوه پنجم مفارقت ششم مضرت **دهان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دهان در خواب کلید کارها و خاتمه کاری وهر چه از دهان بیرون آید دلیل بر جوهر و کلام بود اگر نیک باشد واگر بد باشد آنچه در دهن بود دنیا وی بود واگر آن بگراهیت در دهان بود دلیل بر محنت و رنج بود در معیشت و آنچه در دهان شیرین بود و به آسانی فرو رود دلیل بر معیشت و راحت و عیش بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دهان وی سخت بسته بود دلیل که هلاک شود اگر بیند که دهانش از آرد جو یا گندم آگنده بود دلیل که اجلش نزدیک آمده باشد واگر بیند که دهان او فراخ شد چنانکه طعام بسیار در و گنجید دلیل که بقدر آن او را نعمت در روزی رسد واگر بیند که دهان او نیکو بود دلیل که سخنهای نیکو شنود واگر بیند که گوشت دهان او بفتاد دلیل که دیر از یابی رسد واگر بیند که از دهانش خون بیرون آمد دلیل که با کسی گفتگوی کند اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از دهانش کرم یا جانوری بیرون آمد دلیل که یکی از عیال او جدا شود واگر بیند که از دهان وی پلیدی بیرون آمد دلیل که هر چه بجای برده باشد بسبب سخت نهادن باطل شود واگر بیند که از دهان وی مروارید بیرون می افتاد و مردم برمیگرفتند دلیل که مردم از علم وی بهره یابند واگر بیند که از دهان خود پلیدی می انداخت و مردم ازان میگریختند دلیل که شاعر بود و مردم را هجو گوید واگر بیند که کسی در دهان وی مهر نهاد و ند است که کیست دلیل که رسوا شود قوله تعالی اَلْیَوْمَ نَخْتِمُ عَلٰی اَفْوَاهِهِمْ وَتُکَلِّمُنَا اَیْدِیْهِمْ وَتَشْهَدُ اَرْجُلُهُمْ حافظ معبر رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چیزی خوب از دهان وی بیرون آمد دلیل که سخنی گوید نیکو معنی دارد اگر بخلاف این بیند تاویلش بخلاف این بود واگر بیند که چیزی در دهان نهاد و آن چیز نیکو بود دلیل که چیزی حلال خورد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دهان در خواب بر هفت وجه بود یکی منزل دوم خزانه سوم کشایش کارها چهارم مال پنجم حاجت ششم وزیر هفتم دربان **دهل زدن** ابن سیرین

رحمة

رحمة الله علیه گوید دهل زدن در خواب کلام باطل و خبر مکروه و دروغ و کارهای بیهوده بود و تاویل این جمله زننده دهل بد باشد اگر بیند که با دهل نائی زدند و پائی کوفتند دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که دهل تنهائی زدند دلیل که کلام باطل بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دهل زدن در خواب خبرهای مختلف بود و در آن هیچ فائده نه بود **دهلیز** کرمانی رحمة الله علیه گوید دهلیز در خانه خادم بود اگر بیند که دهلیز آبادان بود و نیکو بود دلیل بر تندرستی بود و نظام خادم خانه بود و اگر بیند که دهلیز خراب است تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دهلیز خانه را دیوار از خشت و گل بود دلیل که اگر از خشت و گل بود خادم خانه مفسد و بیدین بود **دوال** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند دوال را دلیل خیر و منفعت بود و بقدر قیمت آن جانور که دوال از پوست وی بود باید و اگر بیند که دوال پاره پاره کرد ضایع شد دلیل که بقدر آن مضرت بیند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوال بسیار داشت و آن دوالها از پوست جانوری بود که گوشت وی حلال باشد دلیل که مال حلال یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که مال حرام یابد **دوختن جامه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند که جامه خود میدوخت دلیل که کارش بمراد شود و حالش بصلاح آید و اگر جامه عیال خود میدوخت همین تاویل دارد و اگر بیند که جامهٔ زنی بیگانه میدوخت دلیل که غمی و زیانی بدو رسد و اگر بیند که جامه مردی میدوخت دلیل که خیر و نیکی بیند و اگر بیند که سوزن در دست و جامه تمام دوخت دلیل بر شغلی که پیش گیرد تمام کند و اگر بیند که جامه دوخته در خانه بسیار داشت دلیل که عیش وی فراخ گردد و مال تمام از میراث یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که پیراهنی از بهر خود بدوخت و تمام کرد دلیل که با عیال سازگار بود و اگر بیند که شلواری بدوخت و نیفه آن تمام نکرد دلیل که زنی خواهد و عاقبت از وی جدا شود و اگر بیند که قبائی بدوخت دلیل که بخدمتی مشغول گردد و اگر بیند که جامه عیال میدوخت دلیل که بگفتگوی عیال درمانده شود و اگر بیند که از بهر جامهٔ شسته متنافت دلیل که عیال از جای بجای تحویل کند و اگر بیند که از بهر عیال خود جامهٔ ابریشمین دوخت دلیل که غمگین گردد و به تهمت گناهی افتد یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید در زی در خواب کسی بود که کالائی پراگنده بدست وی جمع شود و باصلاح آید **دود** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دود در خواب پادشاه ستمگر بود اگر بیند که از جانب مشرق یا مغرب دودی عظیم بود دلیل که مردم آن دیار از دست پادشاه جور و ستم کشند و اگر بیند که دود در عالم برخاسته بود و آتش زبانه میزد دلیل که فتنه در عالم افتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در شهری یا در ولایتی بی آنکه آتش بود دود بود دلیل که آن موضع را حق سبحانه و تعالی بیم بود و اگر بیند که از خانه یا از دهان وی دود می آید دلیل که پادشاه ظالم او را مضرت یا مصادره کند و مال وی بزور بستاند **دوزخ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در دوزخ بود و بیرون نیامد دلیل که عاصی و بدکردار باشد توبه باید کردن و اگر دوزخ را دید و از آن گزندی بوی نرسید دلیل که در رنج و غم گرفتار آید و عاقبت سلامتی یابد و اگر بیند که در دوزخ

مقیم بود و ندانست که کی آنجا رفت دلیل که پیوسته در دنیا در پی روزی بود و اگر بیند که طعام و شراب اهل دوزخ میخورد و در آتش میسوخت دلیل که در دنیا کردار بد کند و در آخرت وبال بود و اگر بیند که فرشته از موی پیشانی او را بگرفت و در دوزخ انداخت دلیل که بیننده خواب را علامت بدبختی باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر خود را در دوزخ بیند دلیل که بر گناه کردن دلیر بود و اگر بیند که از زقوم و حمیم خورد دلیل که بعلمی باطل مجهول مشغول گردد و اگر بیند که شمشیر برکشید و در دوزخ رفت دلیل که سخن فحش و منکر گوید و اگر بیند که در دوزخ چیزی میخورد دلیل که مال یتیم و ربا خورد و اگر بیند که نزدیک دوزخ آتش می افروخت دلیل که کاری صعب او را پیش آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که اورا کشان بدوزخ میبردند دلیل که عاقبتش بکفر کشد قوله تعالی یوم یسحبون فی النار علی وجوههم ذوقوا مس سقر و اگر بیند که بدوزخ رفت و بیرون آمد دلیل که از گناهی که کرده باشد توبه کند و اگر بیند که او را در دوزخ میبردند و فریاد همی تواانست کرد دلیل که بر کفر بود قوله تعالی اخسئوا فیها ولا تکلمون و اگر بیند که بانگ از دوزخ می شنید دلیل که هیبت و سیاست پادشاه بدو رسد و اگر بیند که نزدیک دوزخ قرار گرفت دلیل که جهان بروی تنگ شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دوزخ در خواب بر شش وجه بود یکی خشم حق تعالی دوم مبتلای گناه سوم جور سلطان چهارم تاشش مصیبت و برخ **دوشاب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دوشاب در خواب مال و نعمت بود و لیکن زیاده و اگر بیند که دوشاب میخورد دلیل که بقدر آن او را مال حاصل گردد و اگر بیند که دوشاب می ساخت دلیل که کاری کند که از آن خیر و منفعت یابد و اگر بیند که دوشاب در دهان نهاد دلیل که از کسی سخن خوش شنود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوشاب پسیده و پاکیزه میخورد دلیل که او را فرزندی خوبصورت آید **دوش** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دوش در خواب زینت مرد بود و اگر بیند که دوش او راست او ضعیف شد یا شکسته بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوش وی قوی و درست بود دلیل که امانتی در گردن وی بود و مال یابد از جائی که امید ندارد **دوشیزگی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوشیزگی زنی بنکاح بسته دلیل که مال حرام یابد و اگر زنی دوشیزه نباشد و در خواب بیند که دوشیزه است دلیل بر ستر و عفت وی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر مردی بیند که دوشیزگی بستد دلیل که در آن سال زن خواهد یا کنیزکی خرد **دوغ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خریدن دوغ در خواب غم و اندوه بود و خوردنش بیماری و معبران گویند که خوردن دوغ در خواب مال حرام بود زیرا که مسکا از وی بیرون کرده اند و اگر بیند که دوغ بکسی داده دلیل که آن کس غمناک گردد **دکان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که دکانی بنا کرد دلیل که زنی خواهد و اگر بیند که دکان را خراب کرد دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بیند که دکان بیفتاد دلیل که زنش بمیرد و اگر بیند که بر ضای خداوند دکان دار بر دکان نشست دلیل که بعیال مردم تصرف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دکان در خواب بر شش وجه بود یکی زن دوم عیش سوم عز و جاه چهارم نحوی پنجم بلندی ششم چون دکان نو بود مرتبت باشد **دوک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید

دوک در خواب دلیل بر دختر بود واگر مردی بیند که دوکی فراگرفت و در وی دو مهرهٔ دوک بود دلیل کند دختر بشوهر دهد واگر بیند که دوک وی بشکست دلیل کند دختر یا خواهر بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید دوک در خواب مردی مسافر بود اگر زنی بیند که دوکی فراگرفت یا کسی بوی داد دلیل کند مردی مسافر را شوئی کند واگر بیند که مهرهٔ از دوک وی بیفتاد دلیل کند مهرش از شوهر بریده شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر مردی بیند که دوک میریشت دلیل کند اندوهگین شود واگر این خواب زن بیند دلیل کند بیغم گردد و نیز گویند که دوک دلاله بود **دولاب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دولاب در خواب خزانه بود و خانه پر نعمت و آبادان اگر بیند که دولابی میساخت اگر از اهل آن بود دلیل کند خزانه از خانه او بسازند یا از اهل آن باشد که خزانه از خود بسازد اگر بیند که پادشاهی یا بزرگی ویرا دولابی داد دلیل کند از پادشاه یا از خانه خود بدو سپارد واگر بیند که از دولاب آب میخورد یا جمع میکرد دلیل کند از خزانه دار او را منفعت رسد **دلو** کرمانی رحمة الله علیه گوید دلو در خواب مردی بود که مالها ناشناخته بیرون آورد واگر بیند که دلو پُر آب کرد یا بدلو آب میکشید دلیل کند بقدر آن مال برنج و سختی بدست آرد واگر بیند که دلو پر آب صافی داشت یا کسی بوی داد دلیل کند او را مالی آسان بدست آید واگر بیند که بدلو آب از جوئی برمیگرفت دلیل کند بقدر آن مال یابد و آن مال بمکر و حیلت بدست آرد واگر بیند که آب از دلو بر زمین ریخت دلیل کند مال بخیری خرج کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که دلوی بزرگ داشت یا کسی بوی داد دلیل کند با مردی مالدار دوستی کند و از وی منفعت یابد **دوات** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دواتی داشت یا کسی بوی داد دلیل کند با کسی از خویشان خویش خصومت کند واگر بیند که دوات می نبشت دلیل کند بدی از وی به کفایت رسد واگر بیند که دوات بشکست یا بدزدیدند یا ضایع شد دلیل کند زن بیوه بکراهیت بخواهد واگر بیند که بقلم سیاهی در دوات میکرد دلیل کند او را فرزندی نرینه بشود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوات زرین بود دلیل کند متفکر شود و اگر بیند که دوات سیمین بود دلیل کند زن خواهد یا کنیزکی خرد واگر بیند که دوات او برنجین بود دلیل کند منفعت یابد و اگر دوات آهنین بود دلیل کند در کارها قوت یابد و اگر دوات مسین بود دلیل کند چیزی کمتر بوی رسد **دویدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که میدوید یا شتر میدوانید دلیل کند بسفر رود و هر چند دویدن او بلندتر بود سفرش دورتر بود واگر بیند که بر اسپ پالانی سوار بود و میدوانید دلیل کند با عیال بسفر رود و مال یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در دویدن بر کسی سبق بگرفت دلیل کند بحرص مال از وی بستاند واگر بیند که در دویدن مانده شد و آرام گرفت دلیل کند دنیا را ترک گیرد و قانع گردد **دیباج** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیباج در خواب خیر و صلاح این جهانی بود و اگر زنان بینند بهتر بود و اگر مردی بیند که قبائی دیباج پرنیان پوشیده بود و غرا کرد دلیل کند عز و جاه یابد در دین و دنیا مغربی رحمة الله علیه گوید اگر زنی بیند که جبه و لباجه اطلس سبز پوشیده بود دلیل کند آن زن دین دار و با دیانت بود و اگر بیند که اطلس سفید پوشیده بود دلیل بر پارسائی او کند و اگر اطلس کبود بود دلیل کند او را مصیبت رسد و اگر بیند که اطلس سیاه بود

دلیل که اندوهگین گردد و دیبا باف در خواب مردی مسافر بود با صلاح دنیا و فساد دین و تاویل پرنیان چون تاویل دیبا بود و دیگ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیگ نو در خواب زن بود و معبران گویند که دیگ کدخدائی خانه بود و اگر بخواب بیند که دیگ فراگرفت یا کسی بوی داد و برآتش نهاد و خوردنی می پخت دلیل کسبب کاری از پادشاه مال و منفعت بدو رسد و اگر بیند که دیگ مسین یا دیگ سنگین داشت دلیل که بقدر و قیمت دیگ فائده یابد و اگر دیگ سفالین بود دلیل که کاری کند که بدان کار از مهتر خانه چیزی بوی رسد و اگر دیگ برآتش نهاد و دروی هیچ طعام نه بود دلیل که مرد را بکاری بدارد که در آن کار او را کراهیت باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید دیگ در خواب کدخدائی خانه یا کدبانو بود اگر بیند که در دیگ گوشت و خوردنی بود دلیل که روزی بپرنج بوی رسد و اگر بیند که دیگ وی بشکست دلیل که کدخدا و کدبانو هر دو بمیرند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دیگ در خواب بپرنج وجه بود دیگی کدخدائی خانه دوم کدبانو سوم رئیس چهارم خادم پنجم موکل بر حوایج **دیگدان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیگدان در خواب بر دو وجه بود دیگی که خدا دوم کدبانو اگر بخواب بیند که دیگدانی فراگرفت یا کسی بوی داد دلیل که کدبانوئی بخانه آورد و اگر زنی بیند که دیگدان بشکست دلیل که کدخدائی خانه بمیرد مغربی رح گوید دیگدان کدخدائی خانه بود یا مردی قوی حال که از کسی نه اندیشد **دینار** دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که در دست دینار همی داشت که بعدد بیش از چهار بود دلیل که او را کراهیت رسد یا سخنی شنود که دیرا دشوار آید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر پنج عدد درم باشد دلیل که کاری پسندیده و نیکو کند و اگر بادی یک دینار بود یا هزار دینار دلیل که علمی اختیار کند که او را مال حاصل آید لیکن عدد دوی باید که جفت بود و اگر بیند که دینار بکسی داد یا ضایع شد دلیل که از جهت فرزند او را مصیبت رسد و اگر بیند که دینارهای بسیار داشت دلیل که رنجی بوی رسد و معبران گویند که دینارها در خواب امانتها بود گذاردنی قوله تعالی

وَمِنْهُمْ مَنْ اِنْ تَأْمَنْهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ اِلَيْكَ اگر در کف دست خود پنج دینار بیند دلیل که پنج نماز فریضه بجای آورد و اگر بیند که دینارهای بسیار داشت و بجای محکم نهاد دلیل که امانت مسلمانان نگهدارد و اگر بیند که دینارها مستمت کرد دلیل که میان مردم امر معروف کند و امانت گذارد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که یک دینار یافت دلیل که بروی قبالا نویسند از بهر امانتی که بدو سپارند و بسیار بود که در خواب دینار یابد و در بیداری هم دینار یابد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید که دینار در خواب دیدن دین بود و راه راست مادام که بدان دینار صورت نقش نکرده باشد و اگر بیند که دینار داشت و یک رویش نام خدائی عزوجل بود و بر روی دیگر صورت اگر بیند که صاحب خواب مسلمان بود دلیل که مرتد شود و اگر کافر بود مسلمان شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دینار در خواب بپرنج نماز بود اگر بیند که بعد دجفت بود دلیل که دین پاک و علم با منفعت بود و اگر بیند که بعد دطاق بود تاویلش بخلاف این بود حافظ معبر رحمة الله علیه گوید دینار در خواب زن و فرزند و کنیزک بود و دینار بسیار دلیل برمالی بود که برنج و خصومت بدست آرد و به ابن سیرین رحمة الله علیه

گوید اگر بخواب بیند که در دیهی بود و نام آن دیه نداند دلیل خیر و نیکی بود و اگر نام آن دیه داند دلیل بد بود باشد و اگر بیند که از دیه بیرون آمد دلیل بر نکوئی باشد و اگر بیند که در دیه رفت دلیل بد بود باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که از شهری بد بی آباد ان شد که در وی نعمت بود دلیل بر خیر و برکت و عز و اقبال کند و اگر بخلاف این بیند دلیل بر شر و ادبار بود و اگر بخواب بیند که در دیهی گم شده بود دلیل بر خیر بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که کسی دیهی مجهول بوی داد یا بخرید یا عمارت کرد دلیل که بقدر عمارت و دیه خیر و منفعت بیند و اگر بخلاف این بود دلیل که مضرت یابد **دیوار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که دیوار حال بیننده خواب باشد و اگر بیند که دیوار محکم و نیکو بود دلیل بر نیکوئی حال او بود در دنیا و اگر بیند که دیوار کهنه بود و خراب میکرد دلیل که مال یابد و اگر بیند که دیوار نو بود و خراب میکرد دلیل بر غم و اندوه بود بقدر خرابی دیوار و اگر بیند که دیوار سست و تنگ بود دلیل که حالش در دنیا ضعیف گردد و اگر بیند که بر دیوار بر پائی بود دلیل که حالش مستقیم باشد و اگر بیند که دیوار آونخته بود دلیل بر پراگندگی احوال و زوال عیش وی بود و اگر بیند که دیوار بیفتاد دلیل که از معیشت و صنعت بیفتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دیوار شهر یا دیوار مسجد جامع بیفتاد دلیل که والی آن شهر هلاک شود و اگر بیند که بدست خود دیوار از گل و خشت کرد بقول جعفر صادق رضی الله عنه دلیل بر پاک دینی بود و اگر از گچ و آجر بود دلیل بر تباهی حال او بود در دین و اگر دیوار از آهک و سنگ بود دلیل که بدنیا فریفته شود و طالب آخرت نباشد **دیو** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیو در خواب دشمنی بزرگ باشد فریبنده و مکار و اگر بیند که دیو او را وسوسه کرد دلیل که از کارهای ناصواب توبه باید کردن تا دشمن را بروی ظفر نباشد قوله تعالی إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ و اگر بیند که با وی جنگ کرد و او را غلبه کرد دلیل که دین وی درست باشد و اگر خلاف این بود دلیل که از ضعف دین باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر دیو را خرم بیند دلیل که بهوا و شهوت مشغول گردد و اگر دیو را غمگین بیند دلیل که بعبادت و صلاح دین مشغول گردد و اگر بیند که دیو جامه از تن وی بکشد اگر عامل بود دلیل که از عمل معزول گردد و اگر این خواب دهقانی بیند دلیل که او را مضرت رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دیو از پی او فرار شد دلیل که دشمن بروی ظفر یابد و اگر بیند که او بدست دیو اسیر شد و او را برد دلیل که بر سوائی مشهور گردد و اگر بیند که با دیو صحبت کرد دلیل که گناهی بزرگ از وی صادر شود و اگر بیند که با دیو گفتگو میکرد دلیل که با دشمن باصلاح یکی شود و ایزد تعالی اجل و علامرا د ایشان بدید قوله تعالی إِنَّمَا النَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که با دیو طعام و شراب میخورد دلیل که براه فسق و فساد در آید و مطاوعت دیو کند و اگر بخلاف این بیند دلیل براه خیر و صلاح باشد و قانع براه دین بود و اگر بیند که دیو را بگرفت یا در شکم دیو در رفت دلیل که از راه فساد دور شود و توبه کند و بطاعت مشغول گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دیو در خواب بر شش وجه بود یکی دیدار دشمن دوم فساد سوم شهوت و معصیت

وهوای نفس چهارم از طاعت دور بودن پنجم از اهل خیر وصلاح دوری جستن ششم چیزهای حرام دیوانگی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیوانگی در خواب مال حرام بود بیننده خواب بقدر دیوانگی کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دیوانه بود دلیل که بحرام افتد و رباخورد قوله تعالی اَلَّذِیْنَ یَاْکُلُوْنَ الرِّبٰوا لَا یَقُوْمُوْنَ اِلَّا کَمَا یَقُوْمُ الَّذِیْ یَتَخَبَّطُهُ الشَّیْطٰنُ مِنَ الْمَسِّ مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با دیوانه هم صحبت بود دلیل که با مردی رباخوار مفسد مصاحب گردد و او را ملامت و بدنامی حاصل گردد ✣ ✣ ✣ ✣

حرف الذال

ذکر دانیال علیه السلام گوید قضیب در خواب فرزندی مبارک و نام آور باشد و اگر کسی بخواب بیند که او را دو قضیب بود دلیل که او را فرزند بود و هم بزرگی میان مردم یابد و اگر بیند که قضیب وی بریده شد دلیل که فرزندش بمیرد و اگر بیند که قضیب وی خود ببرید دلیل که فرزندش نباشد و اگر بیند که قضیب وی سست شد دلیل که فرزندش بیمار شود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید بزرگی قضیب دلیل بر بسیاری فرزند و نام آوری بود و کوچکی قضیب بخلاف این بود و اگر بیند که قضیب وی چون قضیبهای دیگر مانند شاخها پدید آمد دلیل بر بسیاری فرزند و فرزندزادگان باشد و اگر بیند که از قضیب وی ماهی بیرون آمد دلیل که او را دختری آید از زنیکه آن زن از کنار دریائی مشرق باشد و اگر بیند که از قضیب وی گربه بیرون آمد دلیل که او را فرزندی دزد و راهزن پدید آید و اگر بیند که از قضیب او مرغی بیرون آمد تاویلش از جوهر آن مرغ باشد و اگر بیند از قضیب او موشی بیرون آمد دلیل که او را دختری نابکار آید که در وی خیر نباشد اگر بیند که از قضیب او ماری بیرون آمد دلیل که او را فرزندی آید که او را دشمن باشد و اگر بیند که از قضیب او کژدم بیرون آمد همین تاویل راه دارد و اگر بیند که از قضیب او کژدم و مور بیرون آمد دلیل که او را فرزندی آید دون همت و فرومایه و ضعیف ترکیب بود و اگر بیند که از قضیب او نان بیرون آمد دلیل که فرزند و عیال او گرسنه و تنگدست شوند و اگر بیند که از قضیب او کنجد بیرون آمد دلیل که کسی پنهانی عیال او را دوست میدارد و اگر بیند که از قضیب او ریم بیرون آمد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که از قضیب او منی بیرون آمد دلیل که او را بقدر آن مال دوخواسته باشد و اگر بیند که خون بیرون آمد دلیل که با زن حایض جماع کند و اگر بیند که از قضیب او آتش بیرون آمد و نیمه بطرف مشرق رفت و نیمه بطرف مغرب دلیل که او را فرزندی آید که پادشاهی مشرق و مغرب کند و اگر بیند که از قضیب او سیر گین بیرون آمد دلیل که میلش بلواطت بود و اگر بیند که قضیب وی برخاست و سخت شد دلیل که بخت و اقبال او قوی گردد و اگر بیند که قضیب وی سخت و دراز شد دلیل که او را فرزندان بسیار شوند و اگر بیند که پیرامن قضیب وی پر مارسته بود دلیل که نامش در آن دیار مشهور گردد و حرمت و جاهش بیفزاید و اگر بیند که بدست خود خایه بیرون کشید و باز بجای خود نهاد

دلیل کہ فرزندش بمیرد او را فرزندی دیگر آید و اگر بیند کہ قضیب خود در دہان کسی نہاد و می نگرید دلیل کہ از وی بدان کس منفعت رسد و اگر بیند کہ بر قضیبش موی رستہ بود دلیل کہ بجہت فرزند شادمان گردد مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ قضیب از وی جدا شد دلیل کہ فرزندش بمیرد یا مالش تلف شود و حرکت قضیب در خواب دلیل بر قوت و فراخی نعمت کند و اگر بیند کہ قضیب وی بشگافت و خون روان شد دلیل بر زیان مال و مرگ فرزند بود و اگر بیند کہ قضیبش آماس گرفت دلیل کہ مالش زیادت شود و اگر بیند کہ گروہی بر قضیب وی زدند دلیل بر تباہی عیش وی بود و اگر بیند کہ قضیب در میان بستہ بود دلیل کہ گواہی کہ دار دندہد و اگر بیند کہ زنی قضیب داشت اگر آن زن آبستن بود دلیل کہ پسری آرد ولیکن بمیرد و اگر آبستن نبود دلیل کہ آبستن گردد و اگر بیند کہ قضیب او باریک بود بہمین تاویل دارد و اگر بیند کہ قضیب وی رخنی بریدہ بود دلیل کہ فرزندش بمیرد یا مال و جاہ وی کم شود و اگر بیند کہ از سوراخ قضیب وی مروارید یا جواہری بیرون آمد دلیل کہ او را فرزندی عالم و پارسا آید جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن قضیب در خواب بر ہفت وجہ بود یکی فرزند دوم اہل خانہ سوم مال چہارم عمر پنجم بزرگی ششم طلب حاجت ہفتم جاہ و حرمت و نیکوئی حال ✣ ✣

حرف الراء

رازیانہ ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید رازیانہ در خواب در وقت دیو وقت غم و اندوہ بود و خوردنش مضرت باشد و اگر بیند در زمینی کہ ملک او بود رازیانہ بسیار بود دلیل کہ در غم و اندوہ گرفتار شود راسو ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید راسو در خواب دزد بود و اگر بیند کہ راسو را بگرفت یا بکشت دلیل کہ دزد را بگیرد و بر وی ظفر یابد و اگر بیند کہ گوشت راسو میخورد یا چیزی از اندامہای وی در دست داشت دلیل کہ مال دزدیدہ از دزد بستاند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ راسو او را بگرفت و بگزید دلیل کہ بیمار گردد و عاقبت شفا یابد و اگر بیند کہ با راسو جنگ میکرد و بر وی غالب آمد دلیل کہ بر دزد چیرہ گردد و او را قہر کند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید راسو در خواب دیدن بر سہ وجہ بود یکی دزد دوم غم و اندوہ سوم بیماری ران ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید ران در خواب قوت خویشان وی باشد و اگر بخواب بیند کہ ران او بشکست یا بیفتاد دلیل کہ وی از خویشان جدا شود و بتن ضعیف گردد و بغربت ہلاک شود و اگر بیند کہ ران کسی بدرید آن کس را بمین تاویل باشد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید ران راست دلیل بر خویشان پدری کند و ران چپ دلیل بر خویشان مادری کند و اگر بیند کہ ران وی باریک شد دلیل کہ کار خویشان وی ضعیف شود و اگر بیند کہ ران وی بریدہ شد دلیل کہ از خویشان جدائی جوید و اگر بیند کہ ران وی بشکست دلیل کہ از مہتری ذل و خواری بدو رسد و اگر بیند کہ گوشت رانہای وی افتادہ بود دلیل کہ مال خویشان وی ضایع شود مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ رانہایش بر سیمان بستہ بود دلیل کہ از خویشان جدا نشود و پیوستگی بنگاہ کند و اگر بیند کہ گوشت ران خود میخورد دلیل کہ

بقدر آن مال خویشان بخورد حکایت چنین گویند که مردی پیش ابن سیرین رحمة الله علیه آمد و گفت بخواب دیدم که ران مرا سوراخ شده بود و بر وی موئی رسته بود یکسی گفتم که موی ران من بر آتش ابن سیرین رحمة الله علیه گفت که تو وامی داری و از خویشان تو کسی وام ترا بگذارد و هم در آن ماه کسی از خویشان آن شخص پیدا آمد و دد لیست دنیا روم بگذارد جعفر صادق رضی الله عنه گفت دیدن ران در خواب بر چهار وجه بود یکی اهل بیت آدم دوستان که بر ایشان اعتماد باشد سوم مال چهارم خشم **راه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید راه بخواب دیدن دلیل دین و استقامت بود و جستن راستی در راه دین و اگر بیند که در شاهراه میرفت دلیل که براه دین بود و اگر بیند که گروهی را براه راست رهبری میکرد دلیل که قومی را براه راست و صلاح دین رهبری کند و راه نماید و اگر بیند که در راه سرگشته و متحیر شد دلیل که در راه دین یا در کار دنیا سرگشته و حیران گردد و اگر بیند که دزدان کالای او را از راه ببردند دلیل که بقدر آنچه ببردند غرامت کسی دیگر بگذارد و اگر بیند که در راهی میرفت و مانده نمی شد دلیل که حق خود بدشواری از کسی بستاند و اگر بیند که کسی او را از راه راست براه کج برد دلیل که بمعصیتی مشغول گردد و از راه صواب دور شود و اگر بیند که شب تاریک میرفت در راه برد مشکل بود و گمان آن داشت که راه راست است دلیل که استقامت و راه راست یابد و اگر راههای بیند و نداند که از کدام راه باید رفت دلیل که در دین خود متحیر بود و صحبت با مردمان بد دین دارد و اگر بیند که راه بروی مشکل شده ندانست که کجا میرود و بقول پیغامبر صلی الله علیه و آله و اصحابه وسلم جانب دست راست گرفت دلیل که راه حق بروی پوشیده گردد و اگر بیند که بقصد از راه راست یک سو میرفت دلیل که بر دشمن مکر و حیلت سازد و اگر بیند که براه راست میرفت و از آن بازی حشمت کسی باز گشت دلیل که کاری کند که دین را زیان دارد و به محالات مشغول شود و بسبب معیشت خویش و اگر بیند که در راه میرفت و زنی پیش آمد و بسبب آن زن از راه گشت و بیک سو رفت دلیل که خلل در دین او پیدا شود و بدنیا فریفته شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در راه وی سبزه بود و نباتهای نیکو دلیل بر نیکوئی و پاک دینی وی بود و اگر بیند که در راهی پوشیده بگمان میرفت دلیل که در دین بدعت آورد یا در کار خود سرگشته شود قوله تعالی إِنَّ هٰذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ و اگر بیند که کسی را از راه ببرد دلیل بر فساد دین وی بود و قد خاب من دسّاها اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید راه راست در خواب مسلمانی بود و راه کج بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن راه در خواب بر پنج وجه بود یکی دنیا دوم راهش سوم کار نیکو چهارم خیر و برکت پنجم آسانی در رحمت

راهزن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید راهزن در خواب مردی بود که با مردم جنگ کند و اگر بیند که راهزن مال وی بستد دلیل که با مردی پیوندد که او را عزیز و گرامی کند و از وی فائده یابد بقدر آنچه راهزن برده باشد و اگر بیند که راهزنان بروی جمع شدند و از وی چیزی نتوانستند برون دلیل که اگر بیمار شود شفا یابد کرمانی علیه الرحمة گوید اگر بیند که راهزنان از وی چیزی بدزدیدند دلیل که آن رهزن باوی دروغ گوید و اگر بیند که راهزنان کلاه او را بردند دلیل که بمعصیتی آلوده گردد

مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که راهزنی کرد و کالائی کسی را برد دلیل که آن کس باوی خشم گیرد و اگر خود راه زد و کالائی کسی را برد دلیل که آن کس بیمار گردد و شفا یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید راهزنی در خواب بر سه وجه بود یکی جنگ دوم خصومت دوم و دروغ گفتن سوم تباهی عیش و بیماری

ربها ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ربها در خواب دیدن آنچه خوش طعم و خوشبوی بود دلیل بر خیر و برکت بود و آنچه بخلاف این بود دلیل بر مضرت و رنج و اندوه بود و نخیتن رب در خواب چون شیرین بود دلیل بر کار خیر و منفعت بود و چون ترش بود تاویلش بخلاف این بود در

رباب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رباب در خواب دلیل بر سخن باطل و لهو و دروغ گفتن باشد و اگر بخواب بیند که رباب میزد دلیل که سخن دروغ گوید و کسی را مدح و ستایش بدروغ کند و اگر بیند که در پیش وی رباب میزدند دلیل که بسخن باطل رضا دهد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با رباب چنگ و چغانه و نائی بود اینجمله دلیل بر غم و مصیبت بود و اگر بیند که رباب بشکست یا ضایع شد دلیل که از دروغ توبه کند و اگر بیمار بیند که رباب میزد دلیل که بمیرد یا بیماری بروی سخت شود ÷

رخسار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رخسار در خواب روشنائی بود و مشرف مردم باشد و اگر بخواب بیند که رخساره او مسخ بود و پاکیزه دلیل که در میان مردم روشنائی گردد و اگر بیند که رخساره سیاه یا زرد گشته بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید رخساره در خواب آرایش مردم و کد خدائی بود و اگر رخساره چلپی بیند دلیل که نقصان کد خدائی بود و اگر بخلاف این بود دلیل نیکی کد خدائی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید رخساره در خواب دیدن دلیل بر نیکوئی حال و شادی مردم بود در شتی رخساره دلیل بر غم و اندوه و بیماری کند

رز ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رز در خواب دلیل بر زنی کریمه نیکوکار بود و اگر بیند که رزی داشت که درختان سبز و پاکیزه بود در هنگام وی دلیل که زنی نیکوکار بزنی کند و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که درختان رز را هیچ برگ نبود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که برگهای رز زرد گشته بود دلیل که بیمار شود و اگر ملک او نبود تاویلش بخداوند رز گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید رز در خواب دیدن بر سه وجه بود یکی زن کریمه نیکوکار دوم منفعت سیوم رنج و اندوه و اگر رز را خراب بیند دلیل بر بدی حال خداوند رز بود

رستخیز ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیامت آمنا و صدقنا برخاست دلیل که حق تعالی جل و علا در آن دیار عدل انگیزاند و اگر پادشاه آن دیار ظالم باشد دلیل که بلائی و آفتی بدیشان فرستد و اگر مظلوم باشد دلیل که ایشان را بر ظالمان نصرت دهد و اگر بیند که اهل آن دیار پیش خدا تعالی ایستاده اند دلیل که خشم خدا تعالی بدیشان فرستد کرمانی رحمة الله گوید اگر بیند که قیامت برخاست دلیل که مظلوم بر ظالم دست یابد و اگر در غم و محنت و اندوه باشد دلیل که خلاصی یابد و اگر بیند که علامتی از علامتهای قیامت پیدا شد چنانچه آفتاب از مغرب برآمد یا یاجوج یا دجال علیهم اللعنة پیدا شدند تاویلش اینکه توبه کند و بحق تعالی باز گردد و اگر بیند که بشمارگاه رفت نشان غفلت باشد قوله تعالی اِقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِی غَفْلَةٍ مُعْرِضُونَ و اگر بیند که باوی

شمار کردند دلیل که او را زیانی رسد قوله تعالیٰ فَحَاسَبْنَاهُ حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهُ عَذَابًا نُكْرًا واگر بیند که کردار
وی میسنجیدند و نیکی او زیادت برآمد دلیل که سرانجام او نیکو شود قوله تعالیٰ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
واگر بیند که بدی وی زیادت شد دلیل که جایش در دوزخ باشد قوله تعالیٰ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِمَا
كَانُوا الآیة واگر بیند که نامه کردار بدو دادند و بدست راست بگرفت دلیل که بدست راست رود و امیدرهش در راه دین
راست باشد قوله تعالیٰ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ واگر بیند که نامهٔ کردار او را بدو دادند و گفتند که این را بخوان
چون از اهل صلاح بود دلیل که کارش نیکو گردد و اگر از اهل فساد بود کارش در خطر باشد قوله تعالیٰ اِقْرَأْ كِتَابَكَ
كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا واگر خود را بر صراط دید دلیل که بر راه راست باشد و اگر بیند که بر صراط نتوانست
گذشت دلیل که بر راه خطا بود و توبه باید کردن تا حق سبحانه و تعالیٰ از وی خوشنود گردد **رسن** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید رسن در خواب عهد و پیمان بود اگر بیند که دست در رسن زده بود و از هوا معلق آویخته بود دلیل که بقدر بلندی
رسن منزلت یابد و اگر بیند که رسن در دست او بماند و او بیفتاد دلیل که از قدر و منزلت بیفتد کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که رسنی از آسمان آویخته بود و او دست در آن زده بود دلیل که پیمانی بود میان او و حق تعالیٰ چنانکه مثلاً اگر
بیمار بود و بگوید اگر خدای تعالیٰ مرا شفا بخشد چنین کنم و اگر بیند که بر رسن بر پای ایستاده بود دلیل کند آن پیمان بود
که با وی حق سبحانه و تعالیٰ کرده باشد و اگر بیند که دست در رسن زده بود دلیل که دست در دین زده باشد قوله تعالیٰ
وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا بعضی از معبران گویند که رسن پیمان بود که با حق سبحانه و تعالیٰ کرده باشند و هم با خلق
خدا تعالیٰ و اگر بیند که رسن در گردن وی کرده بودند دلیل پیمانی که با کسی کرده باشد و در گذاردن وی تاخیر میکند
و اگر بیند که مشعبدبازی میکرد دلیل که در اعتقادش خلل بوده و اگر بیند که از بام یا از جای بلند خود را بر رسن فرو هشت
دلیل که بترک مقصود و حاجتی که دارد بگوید از ترس جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن رسن در خواب بر چهار وجه بود یکی عهد
و پیمان دوم دین سوم امانت چهارم روائی حاجت **رضوان** بدانکه رضوان دربان بهشت باشد ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که رضوان بخواب دید دلیل که از عذاب ایمن گردد و اگر بیند که رضوان در بهشت ایستاده بود دلیل که از دنیا
برود و بعضی معبران گویند که رضوان در خواب دلیل خزینه دار سلطان بود که بوی صحبت افتد زیرا که رضوان خازن بهشت است
اگر بیند که او را رضوان یاقوت و گوهر مروارید داد دلیل که او را فرزندی آید دانا و عالم چنانکه نامش بعلم مشهور گردد در فتن
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از شهر خود میرفت و ندانست که کجا میرود دلیل که بیچاره و سرگشته گردد و اگر زن
و فرزندان همراه داشت دلیل که مجموع سرگشته و حیران گردند اگر بیند که مانند اشتری میرفت دلیل که سعادت دنیا یابد و اگر بیند
مانند ددی میرفت دلیل که تاویلش بد باشد و اگر بیند که مانند کژدم میرفت تاویلش همین بود و اگر مانند مرغان شکاری
میرفت دلیل بر خیر و نیکی بود و اگر مانند کسیکه از تاریکی بود بروشنائی میرفت دلیل که از راه باطل براه حق گراید و اگر

از خرابی به آبادانی میرفت دلیل که از تنگی به فراخی رسد و اگر بیند که از آبادانی بخرابی میرفت دلیل بخلاف این بود و اگر بیند که بجایگاهی بد رفت بد بود و اگر بجایگاهی نیک میرفت دلیل بر خیر و نیکی بود **رفو کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رفو کردن در خواب جامه را و دیگر چیزها را دلیل بر جنگ و خصومت بود و اگر بیند که جامه یا مقنعه خود را رفو کرد دلیل که او را با کسی از خویشان خصومت افتد یا با دوستی که در وی خیر نباشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که جامه خود را رفو میکرد دوستی دلیل که از جهت عیال خود غم و اندیشه کند و رفو کردن در خواب خداوند جنگ و خصومت بود و بهبود کار خود را باصلاح آرد و از خصومت برهد **رقص کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید پای کوفتن در خواب غم و اندوه و مصیبت بود و بعضی معبران گویند که بیماری بود و بعضی گویند که مردان را از زندان خلاصی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید رقص کردن در خواب زنان را رسوائی بود و مردان را مصیبت اما صوفیان را و کسانیکه رقص بسیار کنند ایشان را غم و اندوه نبود و رقاص در خواب مردی باشد که پیوسته در مصیبت خود و دیگران باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید رقص کردن در خواب غم و مصیبت بود **رگ کشادن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را رگ کشادند دلیل که از دوستی سخنی شنود و یا مالش تلف شود و اگر بیند که رگ کشاد و خون از وی بیرون آمد دلیل که از سلطان او را زحمتی رسد و اگر بیند که خون اندک بود دلیل که اندک زحمت باشد و بقدر خون زحمت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عالمی او را رگ زد و خون بسیار آمد و در جائی کرد دلیل که بیمار شود و مال خود را در بیماری خرج کند اسماعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رگ از دست راست کشاد دلیل بر زیادتی مال و خواسته بود و اگر از دست چپ کشاد دلیل بر زیادتی مال دوستان بود و اگر بیند که معروفی او را رگ کشاد اگر زنش آبستن نبود دلیل که آبستن شود و اگر آبستن بود دلیل که دختری آرد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رگ زد و خون از تن وی بیرون آمد دلیل که او را سخنی حق گویند جعفر صادق رضی الله عنه گوید رگ زدن در خواب دلیل بر چهار وجه بود یکی کشادن کار دوم سفر سوم خصومت چهارم از جهت مال بازی کردن و اگر بیند که رگ زد و خون بیرون نیامد دلیل بر خصومت بود و اگر بیند که خون بیرون آمد چنانکه در تن خون نماند دلیل بر خصومت بود و اگر بیند که بجراحتی خون آلوده گشت دلیل که چیزی بوی رسد و معبران گویند که رگ زدن در خواب اگر بیننده خواب مستور بود دلیل بر خرمی و شادی بود و اگر مستور نبود دلیل بر شر و فساد کند **رگها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رگهای تن دلیل بر اهلبیت و خویشان بود و اگر بیند که رگی را از اندام وی آفتی رسید دلیل که خویشان وی غم و اندوه خورند و هر رگی که معین است که یکی تعلق دارد بر رگها و پیشانی دلیل بر مهتران کند و رگهای دست و بازو دلیل بر فرزندان و رگهای شکم دلیل بر خویشان مادر و رگهای پشت دلیل بر خویشان پدر کند و رگهای ران دلیل بر اهلبیت و زن و دوستان و رگهای ساق دلیل بر مال و منفعت کند و اگر بیند که رگها بگشاد و بر پهنا رود بریده شد یا خشک شد دلیل که از خویشان وی یکی که بدان تعلق دارد از دنیا برود و بعضی از

معبران گویند که غمی و اندوهی بخویشان وی رسیده باشد که در عقوبت افتد و از خویشان جدا ماند و اگر بیند که کسی او را رگ زد دلیل که از خویشان خود سخنی درشت شنود و بعضی گویند که بقدر آن خون که از وی رفته باشد مال یکی از خویشان خود تلف کند و انبیال علیه السلام گوید اگر بیند که رگ قیفال بگشاد دلیل که کار وی بسته گردد و اگر بیند که رگ باسلیق گشاد همین تاویل دارد و چون سایل گوید که از رگ من خون می آید دلیل که هر که باشد مال یابد و اگر گوید از دست من خون همی رفت دلیل که او را زیانی رسد و معبر باید که در لفظ گوینده خواب نگاه کند و بتعبیر بر موجب لفظ او کند و اگر بیند که رگ او بتهی و کبود بود دلیل که او را اندوهی رسد

رکاب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که رکاب از زرین جدا بود دلیل بر فرزندی یا غلام بود و اگر رکاب بازرین بود دلیل فرزندی بود که در وی هیچ خیانت نباشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رکاب او زرین بود دلیل که فرزندی خویشتن بین و متکبر آورد و اگر بیند که رکاب سیمین بود دلیل که فرزند بمال دنیا فریفته شود و اگر بیند که رکاب مسین بود یا برنجین دلیل بر فرزند دون همت بود و اگر رکاب آهنی بود دلیل که بقدر روشنی و پاکی او را قوت در کار دنیا بود و اگر رکاب او چوبین بود دلیل که فرزند او بدرای و فرومایه بود و رکابدار در خواب نیکو بود زیرا که او به مهتران نزدیک است

رنگها ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رنگ سفید بخواب دیدن در جامه و غیر آن دلیل بر پاکی دین او بود و رنگ سرخ مردان را کراهیت و رنج بود و زنان را نیک بود و رنگ سبز زنان را و مردان را نیک باشد در دین و دنیا و رنگ سیاه مصیبت باشد مگر کسانیکه پوشند و رنگ کبود زنان را و مردان را نیک نباشد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید رنگ سبز و سفید دلیل بر خیر و برکت کند و دین پاک زیرا که لباس اهل بهشت است

روباه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید روباه در خواب مردی فریبنده باشد یا زن یا کنیزک دروغگو اگر بیند که روباه در بر او بود دلیل که او را با مردی خصومت افتد و اگر بیند که روباه مهیب دلیل که از پریان ترسنده شود و اگر بیند که با روباه بازی میکرد دلیل که زنی او را دوست دارد و دوستی او ضعیف بود کرمانی علیه الرحمة گوید اگر بیند که روباهی شانه میکرد دلیل که با کسی حیلت کند و او را بفریبد و اگر بیند که روباهی پیش او چاپلوسی میکرد دلیل که غریبی با او مکر و حیلت کند و پوست روباه مالی بود که بحیلت بدست آرد و شیر روباه بخواب خوردن دلیل شفا از بیماری بود و شادی از غم و اندوه و خلاصی از زندان باشد و بعضی از معبران گویند که شیر روباه خوردن دلیل بر بیماری بود یا ترسی که بوی رسد مغربی رحمة الله علیه گوید روباه در خواب دیدن زن دروغگو باشد و اگر بیند که روباه بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که زنی فریبنده و دروغ زن خواهد و اگر بیند که روباهی در خانه وی آمد و قرار گرفت دلیل که زنی خواهد که دوستدار او بود و اگر بیند که روباه از وی بگریخت دلیل که وام دار او بگریزد

رود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رود بزرگ در خواب مردی بزرگ بود و اگر بیند که در رود بزرگ صافی شد دلیل که با مردی بزرگ با دیانت پیوندد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که از رود بیرون آمد دلیل که از بلا و غم رسته گردد و اگر بیند که در رودی بزرگ رفت

وآبش تیره بود دلیل که با مردی بزرگ ستمگر پیوندد واگر بیند که در آن رود غرق شد دلیل که تا مرگ از ان رستگاری یابد
وانیال علیه السلام گوید رود بزرگ وزیر بود واگر بیند که رود بزرگ خشک شد دلیل که وزیر معزول گردد واگر آب رود
زیادت بیند دلیل که از وزیر عطا یابد واگر آب رود تیره بیند دلیل که مال حرام یابد واگر آب تلخ بود دلیل که رشوت
ستاند واگر آب رود گنده بیند دلیل که بیمار گردد واگر آب رود سرد و خوش بود دلیل که از وزیر نواخت یابد
واگر بیند که در جوئی خون بود و میرفت دلیل که در آن دیار خون ریزش بسیار شود واگر بیند که آب رود سیفند و
خوشش بود دلیل که مردم عام ثنای وزیر گویند واگر بیند که آب رود بر زمین فرو رفت و هیچ نماند دلیل بر عقوبت
باشد در آن دیار قوله تعالی قل ارایتم ان اصبح ماؤکم غورا فمن یاتیکم بماء معین واگر بیند که
بآب رود خود را بشست دلیل که از شر پادشاه و وزیر ایمن گردد واگر بیند که زیر آب غوطه میخورد دلیل که از راز
وزیر آگاه شود واگر بیند که جامه خود را بشست دلیل که او را و اهل بیت او را از پادشاه و وزیر ایمنی بود واگر بیند که
در رود میرفت و جامه آلوده گشت دلیل که از قبل بازارگانی غم خورد واگر رود دجله بخواب بیند بقول کرمانی رحمة الله علیه
خلیفه بود در رود جیحون پادشاه خراسان بود و رود سیحون پادشاه هند بود و فرات پادشاه شام بود و بعضی گویند
پادشاه روم بود و رود نیل پادشاه مصر بود و رود دگر پادشاه ارمنه بود و آب خوردن و شستن خود را در ان
خیر و منفعت بود و بقدر آن آب از ان پادشاه چیزی بوی رسد که خورده باشد واگر خود را در رودی از شیر بیند
دلیل که در فتنه افتد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن رود در خواب بر هفت وجه بود یکی حج دوم بندگی سوم
پادشاهی چهارم تجارت پنجم مال ششم ریاست هفتم ظفر و علم **رود بار** وادی را گویند اگر بیند که در رود باری
شد دلیل که در غمی واندوهی گرفتار شود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر از رود باری بیرون آمد دلیل که از غم واندوه
بیرون آید کرمانی رحمة الله علیه گوید رود بار در خواب حج اسلام بود قوله تعالی بواد غیر ذی زرع عند بیتک المحرم
مغربی رحمة الله علیه گوید رود بار در خواب دلیل بر گفتن شعر بود والشعراء یتبعهم الغاوون الم تر انهم فی کل
واد یهیمون **رودهٔ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که رودهٔ فرا گرفت و بخورد دلیل که از خویشان
خیر و منفعت بیند واگر بیند که رودهای وی از درون پیدا شد دلیل که فرزندی از خویشان وی مهتر گردد واگر بیند
که رودهٔ کسی میخورد دلیل که بقدر آن مال کسی بخورد کرمانی رحمة الله علیه گوید آشکارا شدن رودگان در خواب
مال نهاده بود که پیدا گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رودها از دهانش بیرون آمد دلیل که مرگ بر فرزندان او
بود واگر بیند که رودهٔ کسی بیرون آورد دلیل که بقدر آن مال نهان کردهٔ کسی را بیابد جعفر صادق رضی الله عنه
فرماید رودهٔ در خواب بر شش وجه بود یکی مال حرام دوم سخنهای ناخوش سیوم دشنام چهارم فرزند پنجم زندگانی
ششم کار کردن خویش **روزها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که روز آدینه بود و روز شنبه بود دلیل که

کاری شروع کند و پندارد که در آن کار خیر است و در آن شر بود و اگر بیند که روز شنبه بود و روز آدینه بود بخلاف آن بود و اگر بیند که شب است و روز باشد دلیل بر نیکی باشد و اگر بیند که روز شنبه بود دلیل که دوست جهودان باشد و اگر یکشنبه بخواب بیند دلیل که دوست ترسایان باشد و اگر شنبه را آدینه پندارد دلیل که هواخواه اهل نعمت و توانگر باشد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید بهترین روزها روز آدینه بود و روز شنبه و روز پنجشنبه بعد از آدینه و روز هر چند روشن تر و صافی تر باشد بهتر بود **روزه داشتن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که روزه میداشت و تسبیح و تهلیل و قرآن میخواند دلیل که از گناه و حرام توبه کند و اگر بیند که روزه داشت و غیبت مردم میکرد و یا فحش میگفت دلیل که او طاعت بریا میکند و در راه دین صادق نیست کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماه روزه بود دلیل بر گرانی و تنگی طعام بود و بعضی گویند که دلیل بر درستی دین بود و از غم فرج یافتن باشد و گذاردن وام خاصه که چون در ماه رمضان بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید روزه داشتن در خواب بر ده وجه بود یکی بزرگی دوم ریاست سوم تندرستی چهارم مرتبت پنجم توبه ششم ظفر هفتم نعمت هشتم حج نهم غزا دهم پسر امار روزه کشادن بفراموشی دلیل بر نیک مردی و روزی حلال بود و چون روزه بقصد کشاید دلیل که در سفر بلا کشد یا بیمار گردد و اگر بیند که دو ماه روزه داشت دلیل که از گناه توبه کند و اگر بیند که روزه تطوع میداشت دلیل که از بیماری ایمن گردد و اگر بیند که یک سال تمامی و پیاپی روزه داشت دلیل که حج بگذارد و اگر بخواب بیند که روزهٔ عاشوره داشت دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد **روستا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر روستا خود را در جایگاهی مجهول دید دلیل بر خیر بود و اگر در جایگاهی معروف بیند دلیل نیک نباشد و اگر بخواب بیند که از روستائی بشهرستان رفت انشاء الله تعالی از فتنه و عذاب ایمن گردد و کارش بنظام شود و اگر بیند که از شهر بروستا میرفت تاویل آن بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در روستائی ملک او بود یا کسی بوی داده بود دلیل که بقدر آن آبادانی روستا خیر و نیکی بدو رسد و اگر روستا خراب بیند تاویلش بخلاف این بود **روشنائی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید روشنائی در خواب دین هدی بود اگر بیند که روشنائی فراگرفت یا کسی بوی داد دلیل که کسی را علم دین بیاموزد و راه راست نماید و تاریکی در خواب گمراهی و بددینی بود قوله تعالی الله ولی الذین امنوا یخرجهم من الظلمات الی النور کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که روشنائی بسینهٔ او فتاده بود دلیل که پارسا و با دین بود قوله تعالی افمن شرح الله صدره للاسلام فهو علی نور من ربه اگر بخواب بیند که پیرامن وی روشنائی بود دلیل بر خیر و عافیت بود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن روشنائی در خواب بر چهار وجه بود یکی دین بدی دوم علم سوم راه راست چهارم اعتقاد پاک **روغن** دانیال علیه السلام گوید روغن در خواب مال و نعمت بود و بعضی گویند که میراث باشد و اگر بخواب بیند که روغن گاو داشت و از آن بخورد دلیل که بقدر آن مال و نعمت یا بد و میان مردم عزیز شود و اگر روغن گوسپند بیند همین تاویل دارد اما روغن گاو

بهتر از روغن دنبه و روغن بادام و روغن کنجد مال و نعمت بود و روغنهای دیگر گرانمایه چون روغن بلسان و روغن بنفشه و روغن زیتون دلیل که جمله منفعت بود از دهقان و روغن زیتون منفعت باشد از عرب و روغن نرگس منفعت باشد از روستا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که همه تن وی بروغن آلوده بود دلیل که بیمار شود و اگر بیند که روغن بر سر میمالید دلیل بر آرایش بود و اگر بیند که روغن خوشبوئی بود چون بنفش و یاسمین دلیل بر آرایش دنیا بود و همه روغنها چون خوش بود دلیل بر نیکوئی بود و اگر بوی او ناخوش و گنده بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید روغن زیت در خواب مال و نعمت بود و اگر بیند که مردی بر سر مردی روغن می مالید دلیل که باوی مکر و حیلت سازد مغربی رحمة الله علیه گوید روغن در خواب بر خود مالیدن دلیل کرآرایش بود ولیکن غم و اندوه بود و اگر بیند که بر روغن سینه چرب میکند دلیل که سوگند بدروغ خورد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید روغنها همه بتاویل بد بود مگر روغن زیت که بخوردن دلیل مال و بمالیدن غم و اندوه بود و اگر بیند که جامه او بروغن آلوده شد دلیل که اندوهگین گردد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید روغن خوشبو بخواب بر شش وجه بود یکی زن خوب روی دوم کنیزک سوم ثنای نیکو چهارم منفعت پنجم سخنهای خوش ششم طبعهای نیکو و روغن گنده دلیل بر سه وجه بود یکی زن روپسی دوم فسق سیوم سخنهای زشت

روناس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید روناس در خواب دیدن دلیل بر آرایش دنیا (دنیی) بود و خوردنش دلیل بر مضرت و رنج بود و اگر بیند که جامه خود بروناس سرخ کرد دلیل که بعشرت دنیا مشغول گردد و راه دین فرو گذارد

روی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی روی بخواب بیند بجمال تر از آن که هست دلیل که شرف و منزلت او زیاده گردد و اگر روی خود زشت و ناخوش بیند منزلتش کم گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر گونه روی خود سرخ و پاکیزه بیند دلیل که روشناس گردد و اگر بیند که گونه روی او سفید شد دلیل بر قوت دین وی بود وَاَمَّا الَّذِیْنَ ابْیَضَّتْ وُجُوْهُهُمْ فَفِیْ رَحْمَةِ اللّٰهِ هُمْ فِیْهَا خَالِدُوْنَ (این آیه در سورهٔ عمران است ۱۲) و اگر بیند که گونه روی او زرد شد دلیل که بیمار گردد و اگر گونه روی او سیاه بود دلیل که در میان خلق رسوا گردد و اگر بیند که با سیاهی روی جامه سفید پوشیده بود دلیل که او را دختری آید قوله تعالی وَاِذَا بُشِّرَ اَحَدُهُمْ بِالْاُنْثٰی ظَلَّ وَجْهُهٗ مُسْوَدًّا وَّهُوَ کَظِیْمٌ (این آیه در سورهٔ نحل است ۱۲) اگر بیند که با سیاهی روی او گرد آلوده بود دلیل که مشرک بود و اگر بیند که رویش خون آلوده بود یا زرد آب از رویش می آمد و او را بروی جراحت بود دلیل که زیان مال او بود و اگر بیند که روی او کج شده بود دلیل بر تباهی حال وی بود و اگر بیند که پیش روی او خال بود دلیل که وامدار شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر روی خود را بخواب نیکو بیند در آب یا در آئینه پاک او را بگوید که روی تو خوب است دلیل که کار وی نیکو شود و اگر زشت بود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که روی او سرخ بود دلیل که او را بکسی مناظره افتد و خشم فرو خورد و اگر روی خود سپید و روشن بیند دلیل که توفیق طاعت یابد و اگر روی خود سیاه بیند دلیل غم و اندوه بود و مخاطره کفر بود قوله تعالی وَاَمَّا الَّذِیْنَ اسْوَدَّتْ وُجُوْهُهُمْ اَکَفَرْتُمْ

بعد ایمانکه واگر بر روئی خود جراحتی بیند دلیل که بقدر آن غم واندوه یابد واگر روئی خود خراشیده بیند دلیل که در رکار وکد خدائی وی خلل افتد واگر خود را دو روئی بیند دلیل منافق بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن روئی در خواب بر هشت وجه بود یکی شرف و بزرگی دوم خواری وحقارت سیوم نظام کارها چهارم دین و دیانت پنجم اندوه و رسوائی ششم و هم هفتم نیکوئی هشتم توفیق طاعت **ریحان** اگر بیند که ریحان سبز و خوشبوی بود دلیل بر فرزند بود دکندن ریحان از زمین دلیل گریستن واندوه بود ابن سیرین رح گوید اگر ریحان در جایگاه خود بیند دلیل که خداوند خواب کارهای نیکو کند دانیال علیه السلام گوید ریحان بخواب دیدن اگر خوشبوئی بود دلیل که خداوند خواب کارهای نیکو کند و توفیق بکار خیر یابد جعفر صادق رضی گوید دیدن ریحان بخواب بر هفت وجه بود یکی زن دوم کنیزک سیوم دوست چهارم فرزند پنجم سخن خوش ششم مجلس علم هفتم کردار نیک اگر بیند که در سرای یا باغ او ریحان بود دلیل بر خیر و منفعت کند مغربی رحمة الله علیه گوید ریحان فروش در خواب بوقت خود بغایت نیکو بود **ریسمان** در خواب سفر بود اگر بیند که از پشم یا موی ریسمان میرشت چنانکه زنان ریسمان ریسند دلیل که کاری حلال کند واگر ریسمان بچولاهه برد تا جامه بافد دلیل که در تدبیر کاری باشد که او را از ان حضومت بود کرمانی علیه الرحمة گوید اگر بیند که زنی مانند موی ریسمان از پشم یا موی میرشت دلیل که او را غایبی از سفر بیاید واگر بیند که بوقت رشتن ریسمان گسسته شد دلیل که غایبش در سفر دیر بماند واگر بیند که ریسمان بسیار داشت دلیل که عمرش دراز بود و بقدر ریسمان خیر و منفعت از خویشان یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید ریسمان در خواب پنج وجه بود یکی سفر دوم مزد کار سوم عمر دراز چهارم منفعت بسیار پنجم حاجت و کسب حلال **ریواس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ریواس بخواب اندوه بود بقدر خوردن آن اگر بیند که ریواس بیند اخت دلیل که از غم واندوه رسته گردد و اگر بیند که ریواس شیرین بود دلیل که مضرت کمتر بود والله اعلم **ریش** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ریش در خواب آرایش مردم و کد خدائی او باشد و در خبر آمده است که حق سبحانه و تعالی را فرشته ایست که تسبیح او اینست سُبْحَانَ مَنْ زَیَّنَ الرِّجَالَ بِاللِّحَی وَالنِّسَاءَ بِالذَّوَائِبِ یعنی پاک است آن خدائی که بیاراست مردان را بریش و زنان را بگیسو واگر بیند که ریش او دراز شد دلیل که کار کد خدائی او ساخته گردد اما چون بدرازی از ناف گذشته باشد دلیل غم واندوه بود واگر بیند که ریش خود را بناخن بیاراست دلیل که کد خدائی خود را بیارا بیند واگر بیند که ریش خود را خضاب کرد دلیل که حال خود را بمردمان بنماید و بپوشد واگر بیند که ریش خود بزمین می کشید دلیل که اجلش نزدیک بود واگر بیند که ریش او بریده بود دلیل که زیان مال و خواسته و جاه او بود واگر ریش او سپید گشته بود دلیل که بردباری و آهستگی او زیادت شود لیکن غمگین شود واگر بیند که ریش بدندان میبرید دلیل که اهل بیت او را زیان رسد واگر بیند که ریش او از بیماری فرو ریخت دلیل که او را از مرگ مفاجات بیم باشد و مال و آبروی بیش برود واگر بیند که ریش را شانه کرد و بخور و گلاب بر و ریخت دلیل که شغلی کند که مردم شکر کنند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ریش او دراز شد

چنانکه بر زیر ناف بود دلیل کرمان یابد واگر بیند که دست بر ریش فراگرفت و پارهٔ ریش بدست او بماند و آنرا بیند اخت
و دلیل که مال از دستش برود واگر بیند که پاره ریش در چیزی نهاد و نگاهداشت دلیل که مال نگاهدارد واگر بیند که ریش او
کوچک و کوتاه بود اگر وام دارد دلیل که وامش گذارده شود واگر غمگین بود دلیل که بغم گردد واگر بیند که ریش او بر
زمین افتاده بود دلیل که بمیرد واگر بیند که ریش او کنده شد دلیل که حرمتش یکبار برود واگر بیند که موی سپید
از ریش خود بر کند دلیل که او مخالف سنت پیغامبر صلی الله علیه وآله واصحابه وسلم باشد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که او را در حرم بموسم حج سر تراشیدند اگر وام دارد دلیل که وامش گذارده شود واز غم خلاصی یابد واگر
بیند که سر و ریش را یکبار بستر د دلیل که حرمت و آبروی او یکبار برود واگر بیند که بی سبب اندک اندک ریش او
می افتاد و نقصان در وی ظاهر شد دلیل که از رنج و سختی فرج یابد واگر بیند که ریش وی تمام سفید شد دلیل که اندکی
در حرمتش نقصان شود واگر زنی بیند که او را ریش بود دلیل غمگین شود و کاری کند که از آن رسوا گردد و اگر
مردی بیند که او را ریش بر آمد دلیل که او را هرگز فرزند نباشد واگر فرزند آید محتشم و قوی گردد واگر کودکی نابالغ
خود را با ریش بیند دلیل که در غم و اندوه افتد واگر بیند که ریش کسی بگرفت و میکشید دلیل که آن کس مال او
بمیراث بستاند جعفر صادق رضی الله عنه فرماید ریش در خواب بر ده وجه بود یکی بیع دوم عز و جاه سیوم مرتبت
چهارم هیبت پنجم مروت ششم نیکوئی هفتم تزویج هشتم مال نهم فرزند دهم گرامی شدن قوله تعالی ولقد کرمنا
بنی آدم امام ریش ستردن بخواب حاجیان را و زندانیان را نکو باشد ریگ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ریگ
در خواب دلیل بر صلاح و خیر و منفعت بود واگر بیند که در میان ریگ میشد دلیل که از بهر کسب بشغلی مشغول گردد بقدر
کم و بیش واگر بیند که ریگ میخورد یا جمع میکرد دلیل که بقدر آن از مردم خیر و منفعت بیند جعفر صادق رضی الله عنه گوید
ریگ در خواب بر چهار وجه بود یکی مشغول بودن دوم مال سیوم منفعت چهارم رفعت لیکن بارنج ریش ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که بر تن وی ریشی بود و در آن ریم جمع شده بود دلیل که بقدر آن ریم او را مال
حاصل شود واگر بخلاف این بیند دلیل که مال او را نقصان شود واگر بیند که ریم از تن وی بیرون آمد و باز بجای خود می شد
دلیل بر نقصان مالش بود و عاقبت نیک شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که ریم میکند و میخورد دلیل که
مال حرام خورد فی الجمله جمع شدن ریم در اندام دلیل جمع مال بود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از تن وی ریم
می آمد دلیل که بقدر آن مال او نقصان شود و ریم در تن اگر جمع شود دلیل که مال بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب
بیند که جملهٔ اندامهای ریش بود دلیل که غم و اندوه بود ریم ابن سیرین رح گوید ریم در خواب مال بود بر خداوند خواب اگر
بیند که از تن او ریم می آمد دلیل که مال او نقصان شود واگر بیند که ریم از تن او بیرون می آمد و باز بجای خود میرفت دلیل
که نقصان مال بود و عاقبت نیک شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ریم می یکند و میخورد ریم و سیم و آهن و غیره

دلیل بر غم واندوه بود ریوند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ریوند بسیار داشت دلیل که در غم واندوه گرفتار شود واگر بیند که از بهر علاجی ریوند خورد واز ان تندرستی حاصل شد دلیل بر صحت وتندرستی وخیر وصلاح بود واگر بخلاف این بیند دلیل بر رنج وبیماری بود والله اعلم بالصواب

حرف الزاء

زن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر زنی بخواب بیند که او را دختری بود یا دختری داشت دلیل که چیزی بوی رسد واز خویشان خرّم شود واگر بیند که مردی پسری زاد او را وزنش آبستن نبود دلیل که او را دختری آید واگر بیند که دختری زاد دلیل که او را پسری آید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر زنِ پادشاهی بیند که دختری بزاد او را دلیل که شوهرش گنجی یابد واگر بیند که پسری بزاد دلیل بر غم واندوه بود واگر بیند که دختری بزاد دلیل که غمگین شود واگر بیند که پسری بزاد دلیل که کارش خوب شود واگر دختر دوشیزه بیند که دختری بزاد دلیل که تا دیل آن زن دارد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید اگر کسی بخواب بیند که پسری بزاد وهم در آن روز با وی سخن گفت دلیل بر مرگ بیننده بود واگر بیند که دختری بزاد دلیل که فرزندی از نسل وی آید که مهتر قوم گردد

زاغ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زاغ در خواب مردی فاسق بد دین ودروغ زن بود واگر بیند که زاغی را بگرفت دلیل که یکی بد دین پیوندد که صفت او چنین باشد وبکار باطل مشغول گردد واگر بیند که زاغی را بکشت دلیل که در آنجا دزدان وفاسدان وفاسقان گرد آیند واگر بیند که زاغی شکار کرد دلیل که از جائی بباطل مال یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر زاغ را بخواب بیند کنیزک هندی تاویل آن باشد وزاغهای بسیار در خواب دیدن لشکر بود اگر بیند که زاغی را پوست بر کند دلیل که با زنی غریب زنا کند واگر بیند که زاغی را بکشت دلیل که اهلیت او را مضرت رسد واگر بیند که زاغهای بسیار در هوا می آمدند ومیگذشتند دلیل که در آن دیار لشکری پدید آید بقدر آن زاغها مغربی رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند که زاغ وتذرو هر دو در شلوار بودند دلیل که با کنیزک فساد کند واگر بیند که باز اغی مجامعت میکرد دلیل که مردی درزد را بند کند

زاکها ابن سیرین رحمة الله علیه گوید از جمله زاکها زاک سبز بهتر بود ودیگر زاک سپید وزاک زرد بیماری بود وزاک سیاه مصیبت بود وخوردن زاک دلیل بر مرگ بود ورنگ جامه وغیره بدین تاویل باشد وردین زاک هیچ منفعت نبود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید زاک در خواب بر چهار وجه بود یکی غم واندوه دوم بیماری سیوم مصیبت چهارم خصومت بسبب زنان

زاله ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند در شهری یا در مقامی زاله میبارید دلیل که مردم آن شهر را از پادشاه رنج رسد واگر بیند که باران یا رعد یا برق ویا زاله بود دلیل که در آنجا قحط وتنگی ومضرت بود کرمانی رحمة الله علیه گوید زاله با باران بخواب دیدن دلیل بر نعمت وفراخی وایمنی بود جعفر صادق

رضی اللہ عنہ گوید زلہ در خواب دیدن پنج وجہ بود یکے بلا دوم خصومت سیوم لشکر چہارم قحط پنجم بیماری زلو جانور است
کہ در آب میباشد بپارسی اورا دیو چہ گویند ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید زلو در خواب دیدن دشمن طماع بود و اگر بیند
کہ زلو خون از اندام می مکید دلیل کہ دشمن بروی چیرہ گردد بقدر خونی کہ خوردہ باشد از مال وی نقصان شود و اگر بیند کہ
زلو در گلوئی وی شد دلیل کہ دشمن از درون خانہ باوی مجالست کند و اگر بیند کہ زلو از اندام خود جدا کرد و بخشت دلیل
کہ بر دشمن ظفر یابد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید زلو عیالی باشد کہ مال دیگران خورد اگر بیند کہ زلو بسیار جمع شدند و خون ویرا
می مکیدند دلیل کہ مال وی نقصان شود بقدر آن خون مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ زلو بر اندام وی بود و خون
می مکید دلیل کہ از دشمن او را مضرت رسد زانو ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اصل زانو در خواب معیشت بیننده خواب
بود و اگر بیند کہ زانوئی او قوی و بزرگ بود دلیل کہ کاروی قوی گردد و عیش بروی فراخ شود و اگر بیند کہ زانو براہ میرفت
دلیل کہ کار او ضعیف گردد و معیشت بروی تنگ شود و اگر بیند کہ چشمۂ زانوئی وی ضعیف یا شکستہ بود دلیل کہ
کاروی تباہ گردد و اگر بیند کہ چشمۂ زانوئی او افتاد دلیل کہ مایہ کہ دارد از دست او برود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید زانو در خواب
کسب معیشت مردم بود و اگر بیند کہ زانوی وی سخت و قوی گشت دلیل کہ کسب و معیشت وی زیادت گردد و اگر بیند
کہ زانوی او ضعیف بود دلیل کہ کسب و معیشت وی ضعیف شود و منقطع گردد مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید زانو در خواب
جایگاہ رنج و عنا باشد و جائی اندوہ و ہر چہ زیادت و نقصان در زانو بیند تاویلش چنین بود کہ یاد کردیم **زباد**
ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ زباد با خود داشت یا کسی بوی داد دلیل کہ با ادب و فرہنگ بود و مردمان مدح و
ثنائی او میگویند و اگر بیند کہ از زباد بوئی خوش می آمد دلیل کہ مردمان نکوہش وی کنند و اگر بیند کہ از زباد ہیچ
بوی نیامد دلیل کہ با کسی نیکوئی کند کہ از وہیچ منت ندارد و اگر بیند کہ زبادہ میخورد دلیل کہ فرزندان وی با ادب و فرہنگ
باشند جعفر صادق رضی اللہ عنہ فرماید زباد در خواب بر چہار وجہ بود یکے ادب دوم فرہنگ سیوم نام نیکو چہارم
کردار پسندیدہ **زبان** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ زبانش بریدہ شد و ناقص گشت بی آنکہ با کسی خصومت
داشت و بوقت حجت زبانش بستہ شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند کہ زبانش در طول و عرض زیادت شدہ بود
دلیل کہ زبانش بوقت حجت زیادت شود و بر خصم روان گردد و ظفر یابد و اگر بیند کہ زبان وی دراز شد نہ بجنگ دلیل کہ سخن
گفتن دراز شود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ او را دو زبان بود دلیل کہ حق سبحانہ و تعالیٰ او را علم و دانش روزی
کند و اگر بیند کہ زبان خود برید مقصد از سخن نگوید دلیل کہ از گفتن باطل توبہ کند و اگر بیند کہ بر زبانش خطا رفت دلیل کہ
سخنے گوید کہ حق سبحانہ و تعالیٰ جل و علا در آن راضی نباشد و اگر بیند کہ کسے زبان در دہان وی نہاد دلیل کہ او را از کسے
قوتے و حجتے باشد در سخن و اگر بیند کہ زبان کسی می مکید دلیل کہ از ان کس علم و دانش حاصل کند مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید
اگر بیند کہ زبانش گنگ شدہ بود دلیل بر فساد دین و دنیائی وی بود و اگر بیند کہ زبان درویشے برید دلیل کہ چیزے

بدرویش دهد و اگر بیند که زبان زنی ببرید دلیل که بیمرش کند و رازش آشکارا کند و اگر بیند که زبانش بکام گرفته بود
دلیل که وام دار شود و دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که زبان وی قوی و مطبر شد دلیل که بر خصم غلبه کند و اگر بیند که زبانش
ریش گشت دلیل که بر کسی بهتانی بندد یا دروغگوید و اگر بیند که بر زبان وی موئی بر آمده بود دلیل که از سبب گفتارش
در بلائی افتد و اگر بیند که زبان وی آماسیده بود دلیل که بسبب گفتارش مالی حاصل آید اسمعیل اشعث رح گوید اگر بیند که زبان وی دو شاخ شده بود دلیل
کر منافق بود و اگر بیند که زبان ندارد دلیل که از همه شغلها فرو ماند و اگر کسی بیند که سر زبان ندارد و بریده بود چنان که سخن نتوانست گفت دلیل که
شغل وی بدست وکیل برآید و اگر بیند که زبانش خشک شده بود دلیل که در تاویل بد باشد جعفر صادق رضی الله عنه
فرماید دیدن زبان در خواب بر شش وجه بود یکی حکمت دوم ریاست سیوم ترجمان چهارم حاجت پنجم وکیل ششم یار
و سخن گفتن در زبانها در حرف سین یاد خواهیم کرد **زبرجد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زبرجد در خواب دیدن دلیل بر
خیر و عافیت کند و اگر بیند که زبرجد بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند و اگر بیند که زبرجد از وی
ضایع شد دلیل که در مال وی نقصان شود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن زبرجد در خواب بر سه وجه بود یکی
خرمی دوم مال سیوم منفعت **زبور** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که زبور میخواند دلیل که بخداوند
تبارک و تعالی باز گردد و بکار خیر رغبت نماید و اگر بیند که زبور را بظاهر میخواند دلیل که زهد و تقوی و خیرات بریا و نفاق کند
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زبور مینوشت دلیل که بکاری مشغول گردد که از آن منفعت یابد و اگر بیند که زبور میخواند
دلیل که کار و کردار او نیکو گردد **زرچه** فال گرفتن بیانگ مرغان بود و اگر بیند که بیانگ مرغان فال میگرفت تاویلش
غرور و باطل دنیا باشد و در خواب و بیداری از راه تاویل نکوهیده بود ابن سیرین رح گوید اگر بیند که بیانگ مرغان فال
میگرفت دلیل که بباطل دنیا مایل بود و در راه دین ضعیف باشد مغربی رح گوید اگر کسی بیانگ مرغان فال میگرد اگر فرد
باشد دلیل که نیکو بود و اگر بعدد زوج باشد دلیل که بیمار گردد و شفا یابد **زخم** ابن سیرین گوید اگر بیند که بر تن زخم داشت و اثر خون پیدا نبود دلیل
که بر زخم زننده ظفر یابد و خیر و منفعت یابد و اگر بیند که از زخم او خون روان بود و اندام او آلوده شد دلیل که مال حرام
یابد و اگر بیند که اندامش آلوده بگشت دلیل که زننده او را بگناهی یا تهمتی متهم گرداند و اگر بیند که زخم خورد و تن او
خون آلوده گشت بقول کرمانی رحمة الله علیه که در مال وی نقصان افتد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید زخم در خواب
دیدن بر سه وجه بود یکی ظفر یافتن دویم خیر و منفعت سیوم نقصان مال **زدن** دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که او را
تازیانه زدند چنانکه اثر زدن پدید آمد یا او را بستون بستند و چندان زدند که خون از وی بیرون آمد تاویلش بد باشد
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که او را تازیانه زدند دلیل که مالی حرام بحاصل او آید خاصه چون بیند که از
اندامش خون آمد و اندامش آلوده گشت و اگر خستگی بر تن وی پیدا شد دلیل که بقدر آن از هر کسی فایده یابد
و بعضی از معبران گویند که جامه نو پوشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که تازیانه بر پشت وی زدند و خون بیرون آمد

دلیل کہ آن کس مال حرام یابد واگر بیند کہ بر پشت خود تازیانہ دیدو ندانست کہ او را کہ زد دلیل کہ شغل دین و دنیای وی نیکو باشد واگر بیند کہ تازیانہ بر کسی زد چندانکہ تازیانہ پارہ پارہ گشت دلیل کہ اہل خاندان وی پراگندہ گردند واگر بیند کہ کسے او را تازیانہ بسیار زد دلیل کہ او را غمی رسد واگر کسے در خواب او را تازیانہ زد دلیل کہ غمگین شود بسبب مردی بد دین و منافق واگر بیند کہ محتسب او را بدرّہ بزد دلیل کہ سلطان او را عمل دہد و کارش نیکو گردد واگر بیند کہ کسے او را بکلوخ زد دلیل کہ از آن کس منفعت یابد واگر بیند کہ کلوخی بر پشت وی زدند دلیل کہ کسے او را فضیحت کند واگر بیند کہ طپانچہ بر روی وے بزد دلیل کہ از کسے سختی زشت شنود مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ مردہ او را میزد دلیل کہ در سفر منفعت یابد یا مال از دست رفتہ باز یابد واگر بیند کہ مردہ بود و او را میزدند دلیل کہ قوت دین بود جعفر صادق رضی اللہ عنہ فرماید زدن در خواب بر شش وجہ بود یکی منفعت و دوم مجادلہ سیوم روشن شدن کار مشکل چہارم سفر پنجم شرف و بزرگی ششم مال حرام زرارہ ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید زر بخواب دیدن مردان را دلیل غم و اندوہ بود و زنان را نیکی و پسندیدگی باشد و اگر بیند کہ زر یافت یا کسی بوی داد دلیل کہ بقدر آن مال وی ضایع شود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ زر یا سیم میگداخت دلیل کہ در زبان مردم افتد و اگر بیند کہ زر میفروخت و میخرید دلیل کہ او را غمی و اندوہی رسد و اگر بیند کہ زر بجز دار بخانہ برد دلیل کہ مال یابد و اگر بیند کہ زر میخورد دلیل کہ بقدر آن مال بر عیال خرج کند مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید زر سیم در خواب مردان را بد بود اگر کسے زر و سیم بیک جا بہم یابد دلیل کہ عز و جاہ یابد و اگر کان سیم بیند دلیل کہ دختری بزرگی خواہد و گویند زر گر بخواب مردی باشد دروغ زن و اگر بیند کہ پیش زرگری نشست و با وی معاملت میکرد دلیل کہ او را با دروغگوی سر و کار افتد **زرد آلو** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید زرد آلو بوقت خود چون شیرین بود بہر زرد آلوئے کہ خوردہ باشد دلیل کہ دینداری حاصل کند و اگر زرد آلو ترش بود دلیل بیماری و غم بود و بعضے معبران گویند کہ زرد آلو بخواب دیدن کنیزک بود یا مال کرمانی علیہ الرحمۃ گوید اگر بیند کہ استخوان بشکست و تلخ بود دلیل کہ اندوہی بوی رسد جعفر صادق رضی اللہ عنہ فرماید زرد آلو بوقت بیماری بود و بیوقت ترش غم و اندوہ بود و اگر شیرین باشد منفعت یابد **زردیہا** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید زردیہا در خواب دیدن بیماری بود از میوہا خوردن و جامہا از **زرشک** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید زرشک در خواب غم و اندوہ بود و خوردن آن ہم چنین و اگر بیند کہ زرشک از درخت جمع میکرد دلیل کہ او را با مردی بخیل خصومت افتد **زرنیخ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ زرنیخ میخورد دلیل بر بیماری و ہلاک بود و اگر بیند کہ زرنیخ فروخت یا بکسے داد دلیل کہ از بیماری ایمن گردد مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ زرنیخ یافت دلیل کہ مال بسیار بدست آرد و بہ بیماری بخورد و اگر بیند کہ زرنیخ در جائی جمع کرد دلیل کہ در سفر بیمار گردد **زرہ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ زرہ پوشیدہ بود دلیل کہ از دشمن ایمن گردد و اگر بیند کہ زرہ ضایع شد دلیل کہ دشمن بروی چیرہ گردد و اگر بیند کہ کسے زرہے بوی داد و او پوشید دلیل کہ با او

بدرویش دهد و اگر بیند که زبان زنی ببرید دلیل که بیسرتش کند و رازش آشکارا کند و اگر بیند که زبانش بکام گرفته بود
دلیل که وام دار شود دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که زبان وی قوی و سطبر شد دلیل که بر خصم غلبه کند و اگر بیند که زبانش
ریش گشت دلیل که بر کسی بهتانی بندد یا دروغگوید و اگر بیند که بر زبان وی موئی برآمده بود دلیل که از سبب گفتارش
در بلائی افتد و اگر بیند که زبان وی آماسیده بود دلیل که بسبب گفتارش مالی حاصل آید اسمعیل اشعث رح گوید اگر بیند که زبان وی دوشاخ شده بود دلیل
که منافق بود و اگر بیند که زبان ندارد دلیل که از همه شغلها فرو ماند و اگر کسی بیند که سر زبان ندارد و بریده بود چنان که سخن نتوانست گفت دلیل که
شغل وی بدست وکیل برآید و اگر بیند که زبانش خشک شده بود دلیل که در تاویل بد باشد جعفر صادق رضی الله عنه
فرماید دیدن زبان در خواب بر شش وجه بود یکی حکمت دوم ریاست سیوم ترجمان چهارم حاجت پنجم وکیل ششم یار
و سخن گفتن در زبانها در حرف سین یاد خواهیم کرد زبرجد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زبرجد در خواب دیدن دلیل بر
خیر و عافیت کند و اگر بیند که زبرجد بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند و اگر بیند که زبرجد از وی
ضایع شد دلیل که در مال وی نقصان شود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن زبرجد در خواب بر سه وجه بود یکی
خرمی دوم مال سیوم منفعت زبور ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که زبور میخواند دلیل که بخداوند
تبارک و تعالی باز گردد و بکار خیر رغبت نماید و اگر بیند که زبور را بظاهر میخواند دلیل که زهد و تقوی و خیرات بریا و نفاق کند
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زبور مینوشت دلیل که بکاری مشغول گردد که از آن منفعت یابد و اگر بیند که زبور میخواند
دلیل که کار و کردار او نیکو گردد زجر فال گرفتن بیانگ مرغان بود و اگر بیند که بیانگ مرغان فال میگرفت تاویلش
غرور و باطل دنیا باشد و در خواب و بیداری از راه تاویل نکوهیده بود ابن سیرین رح گوید اگر بیند که بیانگ مرغان فال
میگرفت دلیل که بباطل دنیا مایل بود و در راه دین ضعیف باشد مغربی رح گوید اگر کسی بیانگ مرغان فال میگرد اگر فرد
باشد دلیل که نیکو بود و اگر بعدد زوج باشد دلیل که بیمار گردد و شفا یابد زخم ابن سیرین رح گوید اگر بیند که بر تن زخم داشت و اثر خون پیدا نبود دلیل
که بر زخم زننده ظفر یابد و خیر و منفعت یابد و اگر بیند که از زخم او خون روان بود و اندام او آلوده شد دلیل که مال حرام
یابد و اگر بیند که اندامش آلوده بگشت دلیل که زننده او را بگناهی یا تهمتی متهم گرداند و اگر بیند که زخم خورد و تن او
خون آلوده گشت بقول کرمانی رحمة الله علیه که در مال وی نقصان افتد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید زخم در خواب
دیدن بر سه وجه بود یکی ظفر یافتن دویم خیر و منفعت سیوم نقصان مال زدن دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که او را
تازیانه زدند چنانکه اثر زدن پدید آمد یا او را بستون بستند و چندان زدند که خون از وی بیرون آمد تاویلش بد باشد
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که او را تازیانه زدند دلیل که مالی حرام بحاصل او آید خاصه چون بیند که از
اندامش خون آمد و اندامش آلوده گشت و اگر خستگی بر تن وی پیدا شد دلیل که بقدر آن از هر کسی فایده یابد
و بعضی از معبران گویند که جامهٔ نو پوشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که تازیانه بر پشت وی زدند و خون بیرون آمد

دلیل کہ آن کس مال حرام یابد و اگر بیند کہ بر پشت خود تازیانہ دید و ندانست کہ او را کہ زد دلیل کہ شغل دین و دنیای وی نیکو باشد و اگر بیند کہ تازیانہ بر کسی زد چندانکہ تازیانہ پارہ پارہ گشت دلیل کہ اہل خاندان وی پراگندہ گردند و اگر بیند کہ کسی او را تازیانہ بسیار زد دلیل کہ او را غمی رسد و اگر کسی در خواب او را تازیانہ زد دلیل کہ غمگین شود بسبب مردی بد دین و منافق و اگر بیند کہ محتسب او را بدرّہ بزد دلیل کہ سلطان او را عمل دہد و کارش نیکو گردد و اگر بیند کہ کسی او را کلوخ زد دلیل کہ از آن کس منفعت یابد و اگر بیند کہ کلوخی بر پشت وی زدند دلیل کہ کسی او را نصیحت کند و اگر بیند کہ طپانچہ بر روی وی بزد دلیل کہ از کسی سختی زشت شنود مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ مردہ او را میزد دلیل کہ در سفر منفعت یابد یا مال از دست رفتہ باز یابد و اگر بیند کہ مردہ بود و او را میزدند دلیل کہ قوت دین بود جعفر صادق رضی اللہ عنہ فرماید زدن در خواب بر شش وجہ بود یکی منفعت دوم مجادلہ سیوم روشن شدن کار مشکل چہارم سفر پنجم شرف و بزرگی ششم مال حرام **زر** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید زر بخواب دیدن مردان را دلیل غم و اندوہ بود و زنان را نیکی و پسندیدگی باشد و اگر بیند کہ زر یافت یا کسی بوی داد دلیل کہ بقدر آن مال وی ضایع شود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ زر یا سیم میگداخت دلیل کہ در زبان مردم افتد و اگر بیند کہ زر میفروخت و میخرید دلیل کہ او را غمی و اندوہی رسد و اگر بیند کہ زر بجز وار بخانہ برد دلیل کہ مال یابد و اگر بیند کہ زر میخورد دلیل کہ بقدر آن مال بر عیال خرج کند مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید زر سیم در خواب مردان را بد بود اگر کسی زر و سیم بیک جا بہم یابد دلیل کہ عز و جاہ یابد و اگر کان سیم بیند دلیل کہ دختری بزرگی خواہد و گویند زر گر بخواب مردی باشد دروغ زن و اگر بیند کہ پیش زرگری نشست و با وی معاملت میکرد دلیل کہ او را با دروغگوی سر و کار افتد **زرد آلو** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید زرد آلو بوقت خود چون شیرین بود بہر زرد آلوئے کہ خورده باشد دلیل کہ دینداری حاصل کند و اگر زرد آلو ترش بود دلیل بیماری و غم بود و بعضی معبران گویند کہ زرد آلو بخواب دیدن کنیزک بود یا مال کرمانی علیہ الرحمۃ گوید اگر بیند کہ استخوان بشکست و تلخ بود دلیل کہ اندوہی بوی رسد جعفر صادق رضی اللہ عنہ فرماید زرد آلو بوقت بیماری بود و بیوقت ترش غم و اندوہ بود و اگر شیرین باشد منفعت یابد **زردیہا** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید زردیہا در خواب دیدن بیماری بود از میوہا خوردن جاہا از **زرشک** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید زرشک در خواب غم و اندوہ بود و خوردن آن ہم چنین و اگر بیند کہ زرشک از درخت جمع میکرد دلیل کہ او را با مردی بخیل خصومت افتد **زرنیخ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ زرنیخ میخورد دلیل بر بیماری و ہلاک بود و اگر بیند کہ زرنیخ فروخت یا بکسی داد دلیل کہ از بیماری ایمن گردد مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ زرنیخ یافت دلیل کہ مال بسیار بدست آرد و بہ بیماری بخورد و اگر بیند کہ زرنیخ در جائی جمع کرد دلیل کہ در سفر بیمار گردد **زرہ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ زرہ پوشیدہ بود دلیل کہ از دشمن ایمن گردد و اگر بیند کہ زرہ ضایع شد دلیل کہ دشمن بروی چیرہ گردد و اگر بیند کہ کسی زرہے بوی داد و او پوشید دلیل کہ با او

قهر کند یا بقهر کردن دشمن باوی یار گردد و مدد و نصرت وی خواهد و بعضے معبران گویند که زره حصن دین است کرمانی زهر
علیه گوید اگر بخواب بیند که زره داشت دلیل که او را و اهل بیت او را ایمنے بود از شر دشمنان و اگر بیند که زره با سلاح
پوشیده بود دلیل که از شر عامه و منافق ایمن گردد حضرت جعفر صادق رضی الله عنه گوید زره در خواب دیدن بر شش وجه
بود یکی ایمنی از دشمن دوم حصن دین سوم قوت چهارم مال پنجم زندگانی ششم نیکوئی و زره گر در خواب مردی بود که
مردمان را ادب آموزد **زعفران** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسے بخواب بیند که زعفران داشت دلیل که مردم را
مدح و ثنا گوید و اگر بیند که زعفران بر تن و جامهٔ او بود دلیل که بیمار شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زعفران ناکوفته
بود که بوی دادند دلیل که زنے تو نگر خواهد و اگر بیند که زعفران بخروار داشت و میخورد دلیل که او را مال و نعمت حاصل گردد **زغن**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زغن در خواب دلیل بر پادشاه آن موضع کند و اگر بیند که زغن مطیع او گشت دلیل که او را علمے
باشد و به بزرگی رسد و اگر این خواب زنی آبستن بیند دلیل که پسری آورد که مقرب پادشاه گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر بخواب بیند که زغن از دست بپرید اگر زنش آبستن بود دلیل که فرزند مرده آورد یا از دنیا برود جعفر صادق رضی الله
عنه گوید زغن در خواب بر چهار وجه بود یکی متواضع بودن دوم بزرگواری سیوم فرزند چهارم مال **زفت** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید زفت در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که زفت داشت یا کسی بوی داد دلیل که در رنج و اندوه گرفتار
آید و اگر بیند که زفت میخورد دلیل که غم و اندیشه او را از بهر عیال باشد و اگر بیند که زفت را بفروخت یا بکسے داد
یا از خانه بیرون افگند دلیل که از غم و اندوه رستگاری یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زفت در جراحت نهاد
و درست شد دلیل که از کسے خیر و راحت بیند و اگر بیند که جامهٔ وی بزفت آلوده گشت دلیل که از وی کاری آید که
او را از ان رشتی و بدنامی حاصل آید **زکوٰة** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زکوٰة مال میداد دلیل که مالش
زیادت شود و اگر بیند که زکوٰة فطر میداد دلیل که نماز و روزه و تسبیح زیاده کند و رستگاری یابد و اگر وام دارد
گذارده شود و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر دشمنے دارد بروی ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زکوٰة مال
میداد دلیل که مال او در حصن او آید و بلا از وی دفع شود بقول حضرت رسول صلے الله علیه وآله واصحابه وسلم حصنوا
اموالکم بالزکوٰة یعنی حصن سازید مالهائی خود را بزکوٰة دادن مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زکوٰة مال میداد
دلیل بر فزون شدن مال باشد قوله تعالیٰ وَمَا اٰتَیْتُمْ مِنْ زَکٰوةٍ تُرِیْدُوْنَ وَجْهَ اللّٰهِ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُوْنَ
جعفر صادق رضی الله عنه گوید زکوٰة و صدقه دادن در خواب بر هشت وجه بود یکی بشارت دوم خیر و برکت سیوم روشن
شدن کار مشکل چهارم قضاء حاجت پنجم روشنائی ششم فراغ از غم هفتم زیادتی هشتم ظفر یافتن بر دشمن
زنگار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زنگار در خواب دیدن مال حرام بود و اگر بیند که زنگار از کسے بستد دلیل که بقدر
آن مال حرام حاصل کند و اگر بیند که زنگار بر آتش نهاد و آتش نیک افروخت دلیل که با پادشاه معاملت کند و از وی

فائده یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید زنگار در خواب دلیل بر مال و خواسته بود و اگر بیند که جامه یا اندامش بزنگار شد دلیل که
او را از سلطان مضرت رسد و اگر بیند که زنگار میخورد دلیل که مال حرام خورد و سرانجام او را از پادشاه غم و اندوه رسد زکام
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را علت زکام بود دلیل که چند روز بیمار شود و هر چند که زکام بیشتر بود بیماری بیشتر
بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را زکام بود دلیل که بر کسی خشم گیرد و زود صلح کند جعفر صادق رضی الله عنه
گوید که زکام در خواب بر سه وجه بود یکی بیماری اندک دوم خشم گرفتن سیوم منفعت یافتن زلابیه ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید زلابیه در خواب دلیل بر کوشش بیرون از اندازه و یافتن مال بسیار و شادی بود و اگر بیند که زلابیه داشت
دلیل که بقدر آن او را مال حاصل آید و اگر بیند که اندک زلابیه بوی داد یا در دهان وی نهاد دلیل که از کسی سخن خوش
شنود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زلابیه با زعفران میخورد دلیل که بقدر آن مال یابد و اگر بیند که با زعفران میخورد
دلیل بیماری بود زلزله ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زمین می جنبید دلیل که مردم آن دیار را از پادشاه رنج
و ملامت رسد بقدر جنبیدن زمین و معبران گویند که آفت بمردم رسد و در آن دیار بیماری افتد و اگر بیند که زمین
برگردید و زیر و بالا شد دلیل که در آن دیار فتنه و بلا افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زمین آهسته جنبید
و یک نیمه فرو رفت دلیل که در آن دیار پادشاهی آید و اهل آن دیار را عذاب کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن

زلزله در خواب و خسف زمین فرو شدن محنت و بلای عظیم از قبل پادشاه بود قوله تعالی فخسفنا به و بداره
الارض بهمه حال زلزله در خواب دلیل بر عقوبت و ملامت بود با اهل آن دیار زمرد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زمرد
در خواب دلیل بر فرزند و برادر باشد یا مال حلال اگر بیند که زمرد داشت یا کسی بوی داد دلیل که او را فرزندی آید یا برادری که
از و منفعت یابد و اگر بیند که زمردی ضایع شد دلیل که فرزندش بمیرد یا مال او تلف شود کرمانی رحمة الله علیه گوید زمرد در
خواب دیدن دلیل بر مذهب و دین پاک بود و هر زیادت و نقصانی که در زمرد بود تاویل آن بمذهب پاک او باز گردد مغربی
رحمة الله علیه گوید زمرد بخواب دیدن سخن نیکو بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید زمرد در خواب بر پنج وجه بود یکی فرزند
دوم برادر سیوم مال حلال چهارم کنیزک پنجم غلام نیکو و هر چند که زمرد نیکوتر باشد این دلیلها که گفته شد بهتر بود زمستان
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زمستان در خواب پادشاه بود اگر بخواب بیند که زمستان بود چنانکه مردمان را از ان مضرت
میرسد دلیل که اهل آن دیار را از پادشاه مضرت رسد و اگر بیند که زمستان بود و هوا سرد بود و کسیرا مضرت نمیرسید
و کسیرا زیانی نمیداشت دلیل که مردم آن دیار را از پادشاه خیر و منفعت یابند و زمستان در خواب بوقت خود دیدن دلیل
نصرت و ظفر باشد زمین دانیال علیه السلام گوید زمین در خواب زن بود و اگر بیند که زمینی داشت فراخ و نیک
و بزرگ خاک پاک دلیل که او را زنی باشد بسزا و صلاح چنانکه میان اقربا او را افضل و منزلت باشد بقدر بزرگی و فراخی
زمین اگر بیند که در آن زمین سبزه و نبات مجهول بود و داند که از آن اوست دلیل که آنکس دیندار و مسلمان باشد و سبزه

درخواب اسلام بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در زمین سبزه و نبات بود و جائی معروف بود دلیل که او را فضل و دیانت باشد و اگر در زمین بنائی نهاد و عمارتی کرد دلیل که او را فضل دین و دنیا باشد و سرانجام ثواب راه آخرت یابد و اگر بیند که او را در میان صحرا زمینی بود مانند بیابان و آن زمین را نشناخت دلیل که سفری دور کند و اگر بیند که زمین می کند و میخورد دلیل که بقدر خوردن خاک مال یابد و اگر بیند که در زمینی فرو رفت بی آنکه چاهی یا مغاکی در آن جا بود و در آنجا ناپدید شد دلیل که بمیرد و اگر بیند که زمین را مانند چاه و سردابه میکند دلیل که در اندوه و مصیبت افتد یا از قبل آن مالش تلف شود و اگر بیند که در زمینی فراخ بود و زمینی تنگ شد و میرفت در آنجا دلیل که در آنجا از کاری نیک بکاری مجهول افتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند که زمین با وی سخن گفت و بخیر و صلاح او را مژده داد دلیل که در دنیا نیکی بسیار کند و بعد از وفات او را به نیکی یاد کنند و اگر بیند که زمین او را فراخ و بزرگ شد دلیل بر درازی عمر و فراخی معیشت او کند و اگر بیند که زمین می پیمود دلیل که بسفر رود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زمین از بهر کشت می شگافت دلیل که بشغلی بزرگ مشغول گردد و از قبل زن منفعت یابد و اگر بیند که زمین خویش را آبادان میکرد دلیل که کارش آبادان و نیکو گردد و اگر زمین را خراب بیند تاویلش بخلاف این بود و او را با کسی خصومت افتد و اگر خود را در زمین کشته بیند دلیل که او را با کسی انبازی بود یا زنی را بنکاح در آورد و اگر بیند که آبی آمد و زمین را غرقه کرد و آن کشته را تباه کرد دلیل که از پادشاهی ملامت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید زمین را در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی زن دوم دنیا سیوم مال چهارم ولایت **زنان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زن جوان در خواب شادی بود و زن پیر دنیا و شغل این جهانی و نیز دیدن زنان در خواب بقدر خوبی و جمال فربهی و لاغری بود و بهترین زن که در خواب بیند زنی باشد معروف و زن فربه و معروف فراخی روزی بود زن زشت و لاغر قحط و تنگی بود و زنان شادمان و آراسته مراد این جهانی بود و پیره زن چرکین دلیل بر نامرادی و بدحالی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر زنی بیند که او را قضیب بود همچون مردان دلیل که فرزندی آورد و آن فرزند بر قوم و خاندان بزرگ و سرور گردد و اگر زنی جوان بیند که پیر شده بود دلیل بر خیر و صلاح دین دنیا کند و اگر زنی بیند که قضیب داشت و مجامعت کرد دلیل که حرمت و بزرگی او کم شود و اگر بیند که زنی جامه مردانه پوشیده بود اگر آن زن مستوره بود دلیل بر خیر و صلاح بود و اگر مفسده بود دلیل بر شر و فساد بود مغربی رحمة الله علیه گوید دوستی زنان در خواب اهل دنیا را زیادتی مال بود و اهل صلاح را علم و زن غریب را تاویل بهتر از زن آشنا باشد و اگر بیند که بر زن وی کسی دست درازی کرد دلیل که اهل آن زن تو انگر شوند و اگر بیند که زن وی بفساد نزدیک بیگانه رفت دلیل که پسری آورد و خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن زنان در خواب بر شش وجه بود یکی شادی دوم دنیا سیوم شغل این جهانی چهارم فراخی نعمت پنجم قحط ششم تو انگری **زنار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زناری در دست داشت دلیل که در دین ضعیف بود و اگر بیند که زنار بر میان

بسته بود اگر ببیند مستور نبود دلیل که کافر شود و اگر ببیند مستور بود انصاف خصم بستاند و اگر بیند که زنار بر بدو بیرون انداخت دلیل که از کار بد توبه کند و بخدا یتعالی باز گردد و راه صلاح اختیار کند **زنبور** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زنبور در خواب مردی دون و سفله بود اگر بیند که زنبور او را بگزید دلیل که از مردی دون او را رنجی رسد و اگر بیند که زنبور بسیار بروی جمع شدند دلیل که میان مردم دون گرفتار گردد خاصه چون زنبور او را بگزید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زنبور گزید دلیل که او را با زنان دون سخن چین کار افتد و اگر بیند که زنبور را بکشت دلیل که بر دشمنان ظفر یابد و اگر بیند که از هوا زنبوران بسیار بقیاس گرد آمده بودند دلیل که در آن دیار لشکری بر سد جعفر صادق رضی الله عنه گوید زنبور در خواب بر شش وجه بود یکی غوغا دوم مرد دون سیوم لشکر چهارم ملخ پنجم دشمن ششم فرزندان +

زنبیل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زنبیل در خواب زن بود یا کنیزک و اگر بیند که زنبیلی داشت دلیل که او را خادمی حاصل شود و بعضی گویند که زنبیل مال و نعمت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن زنبیل در خواب بر شش وجه بود یکی زن دوم خادم سوم کنیزک چهارم قوام دین پنجم صلاح تن ششم عمر دراز هفتم مال و نعمت هشتم خیر و برکت

زنجبیل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زنجبیل در خواب دلیل بر غم و اندوه و خوردن آن مضرت و زیان و بعضی معبران گویند زنجبیل در خواب دلیل بر حکمت و گفتگوی کند و دیدن خوردن زنجبیل در خواب دلیل بی نفعی بود **زنجیر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زنجیر در خواب معصیت و گناه بود اگر بیند که زنجیر بشکست و بیند جست دلیل از گناه توبه کند و بخدا یتعالی باز گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زنجیر در گردن داشت دلیل که در مال کسان دست درازی کند و از حرام نیندیشد و اگر بیند که زنجیر در پایها داشت دلیل که در خانهای مردم معصیت کند و دیدن زنجیر در خواب مردی عاصی و گنهگار بود **زنخ** در خواب مهتر خانه بود و خداوند عقل بسیار و اگر بیند که زنخ او بزرگ شد دلیل که از بهر اهل خانه خوار گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی با زنخ بر زنخ او میزند دلیل که مهتر خاندان با وی سخن گوید که از ان رنجور شود و اگر بیند که از زنخ وی خون بیرون شد دلیل که بقدر آن از مهتران خاندان او را زیان رسد و بعضی از معبران گویند که در کسب و کارش نقصان افتد **زندان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در زندان بود و اهل زندان هرگز ندیده بود دلیل بر هلاک وی بود و اگر زندان معروف بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که زندان بر پای داشت دلیل که بر عملی که دارد دیر بماند و در غم و فکر بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیننده خواب مستور نباشد از شغلهای دینی و دنیی و را غم و اندوه رسد و اگر بیند که مردی با پای بند میرفت دلیل که کار بسته او بگشاید جعفر صادق رضی الله عنه گوید زندان در خواب دیدن چون معروف باشد دلیل بر یافتن مراد و عاقبت نیکو بود قوله تعالی قال رب السجن احب الی مما یدعوننی الیه و چون زندان مجهول بود کور باشد و غم و اندوه بود چنانکه مهتر یوسف علیه السلام فرمود السجن قبر الاحیاء و منزل البلوی و تجربة الاصدقاء و شماتة الاعداء یعنی زندان

بخواب گور زندگانست ومنزل بلاست وآزمایش کردن دوستان است وخرم کردن دشمنان است اگر بیند که در زندان
شد وزود بیرون آمد دلیل کمراد تمام بیابد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زندان درخواب گور بود زنگله ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید زنگله درخواب جنگ وخصومت بود واگر بیند که زنگله داشت دلیل که باکسی جنگ کند واگر بیند که کسی آشنا
زنگله زرین یا سیمین بوی داد دلیل که با تو انگری خصومت کند واگر بیند که زنگله سیمین بود یا برنجین دلیل که ویرا باکسی عام
خصومت افتد زمار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در زمار نگریست وپنداشت که هرگز موی نه بود
دلیل که کار روی بسته شود واگر بیند که بر زمار وی رنجی بود یا دردی دلیل که بقدر رنج اورا زحمت رسد جعفر صادق رضی
عنه فرماید دیدن زمار درخواب بر دو وجه بود یکی زن دوم مال وهر زیادت ونقصان که در زمار بود تاویل آن بر زن
ومال باز گردد زهر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زهر درخواب خوردن مال حرام بود یا خون بباطل وناحق ریزد واگر بیند
که از خوردن زهر تن وی آماس گرفته بود دلیل که مال حرام حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که تن وی زهر آلوده
بود دلیل که در کاریکه بود سخت حریص بود وبعضی از معبران گویند که سخنی گوید وبدان اقدام نماید واگر بیند که تن اورا از
زهر گزندی رسید یا آماس داشت دلیل که بقدر آماس اورا غم واندوه رسد واگر بیند که زهر خورد دلیل که از کسی خشم
فرو خورد زهره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زهره مردم میخورد دلیل که خشم فرو خورد واگر بیند که زهرهٔ
چهارپای میخورد دلیل که بدخوئی وخشمناک شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که تن وی بزهرهٔ مردمان آلوده گشت دلیل که آزار
مردمان جوید واگر بیند که تن وی بزهرهٔ چهارپایان آلوده گشت دلیل که لباس حرام بپوشد واگر بیند که تن وی بزهره دادن
آلوده گشت دلیل که صحبت باکسی دارد که بدخوی وناسازگار بود زوبین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند
که زوبین در دست داشت وچیزی دیگر غیر زوبین باوی نبود دلیل که اورا فرزندی آید واگر بیند که باز دبین سلاحهای دیگر
داشت دلیل که از پادشاه اورا خیر ومنفعت رسد وبر دشمن ظفر یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زوبین انداخت دلیل
که کسی را سخن بد گوید واگر بیند که بزوبین کسیرا مجروح گردانید دلیل که بر کسی بهتان نهد زیتون ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید زیتون درخواب غم واندوه بود واگر بیند که زیتون داشت یا کسی بوی داد ومیخورد دلیل که بقدر آن غم واندوه خورد
کرمانی رحمة الله علیه گوید روغن زیتون درخواب دلیل خیر وبرکت باشد واگر بیند که روغن زیتی پالود ومیخورد دلیل
که بقدر آن غم واندوه خورد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زیتون تلخ نبود وبانان میخورد دلیل که اورا منفعت
بسختی حاصل شود زیره باج ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زیره باج درخواب چون ترش نباشد ومیل بشیرینی دارد دلیل
بر خیر ومنفعت باشد وچون میل بتلخی دارد دلیل بر غم واندوه بود وچون در وی زعفران بود دلیل بر بیماری بود وبعضی
از معبران گویند که خوردن زیره باج درخواب دلیل بر مصیبت وغم واندوه بود زیلو ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زیلو
درخواب چون گسترده باشد دلیل بر درازی عمر وساختگی کار دنیا کند وهر چند زیلو دراز باشد بهتر بود وچون زیلو پیچیده

باشد دلیل بر نقصان عمر کند و اگر بیند که بر زیلوئی کوچک نشسته بود و آن زیلو در زیر وی فراخ شد دلیل که عیش و روزی فراخ شود و اگر زیلو بدست خود پیچید و در کنج خانه نهاد دلیل که عز و دولت خود را تباه کند و اگر بیند که زیلو بر پشت نهاد دلیل که امانت مردم بر گردن وی باشد و اگر بیند که زیلو پیچیده و بجای دیگر داد دلیل که عمرش بآخر رسیده باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زیلوئی سبز داشت و پاکیزه بود دلیل که نعمت بروی فراخ گردد و اگر بیند که زیلوئی کهنه و دریده بود دلیل که عیش بروی دشوار شود و اگر بیند که زیلوئی مجهول افگنده بود دلیل که آنچه در دست دارد از دست او برود و اگر بیند که زیلوئی نو بدو دادند و در خانه بگسترد دلیل که دولت و اقبال یابد و عمرش دراز گردد حضرت جعفر صادق رضی الله عنه فرمایند دیدن زیلو در خواب بر شش وجه بود یکی ساختگی کار دوم عمر دراز سیوم روزی فراخ چهارم عز و دولت پنجم دشواری عیش ششم گناه **زیره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زیره در خواب چون بسیار بیند دلیل منفعت دین و دنیائی وی باشد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید زیره در خواب چون اندک بیند منفعت کمتر بود **زین** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زین بخواب چون بر پشت چهار پائی نباشد زن بود و اگر بیند که بر پشت چهار پائی بود دلیل که حکم نیک و بد آن بر راکب باشد و اگر بیند که زینی بخرید یا کسی بوی داد دلیل که کنیزکی بخرد یا زنی بخواهد و خداوند مال بسیار شود و باشد که میراث یابد و اگر بیند که زین وی بشکست دلیل که زن بمیرد و یا بیمار شود و اگر بیند که زین وی بر روی آراسته بود دلیل که زنش خویشتن بین و متکبر بود و اگر بیند که زین وی سیاه بود و هیچ آرایش نداشت دلیل که زنش پارسا و دیندار بود و زین گر در خواب زنِ دلاله بود و دلالی کار او بود و الله اعلم بالصواب

حرف السین

سار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سار مرغی است و اگر بخواب بیند که ساری داشت دلیل بمردی مکار باشد که سفر بسیار کند و اگر بیند که ساری بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که بام وی مسافر او را صحبت افتد و اگر بیند که گوشت سار می خورد دلیل که بقدر آنچه خورده بود او را خیر و منفعت رسد مغربی رحمة الله علیه گوید دیدن سار در خواب مردی کافر بود که سخن دروغ بسیار گوید و اگر بیند که سار بسیار بروی جمع شدند دلیل که میان کافران گرفتار شود **ساطور** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ساطور در خواب مردی شجاع و دلیر بود و اگر بخواب بیند که ساطور داشت دلیل که با چنین مردی (چهری ۱۲) او را صحبت افتد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که ساطور بشکست یا ضایع شد دلیل که از چنین مردی او را جدائی افتد مغربی رحمة الله علیه گوید ساطور در خواب مردی بود که کارهای دشوار بسبب او آسان گردد خاصه که ساطور بزرگ بود **ساعد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ساعد دست دوست و انباز معتمد بود اگر بیند که ساعد دستش قوی بود دلیل که او را از انبازان و دوستان خیر و منفعت رسد و اگر بیند که ساعد وی بشکست دلیل که انباز و دوست از وی جدا شوند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر ساعد

دست وی موئی بسیار بود دلیل کہ دوستان از وی جدا شوند و غمگین گردند و اگر بیند کہ موئی از ساعد خود بستر د دلیل کہ
وامش گذارده شود **ساق** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید ساق در خواب مال و معیشتی کہ مردم را بدان اعتماد بود
و معبران گویند کہ ساق مردم را عز و جاہ باشد و اگر بیند کہ ساق وی قوی بود دلیل کہ کارش نیکو شود و اگر ساقش ضعیف
بود دلیل کہ حال و کارش ضعیف و بی نظام بود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ ساقش آہنین یا رویین بود
دلیل کہ عمرش دراز شود و مالش باقی بماند و اگر بیند کہ ساق او شکست دلیل کہ بر تن او بد باشد مغربی رحمۃ اللہ علیہ
گوید دیدن ساق در خواب مرد را زن بود و زن را شوئی اگر بیند کہ ساقہای وی بر یکدیگر می پیچید دلیل بیم ہلاک
بود و اگر بر ساق او موئی بسیار بود دلیل کہ وامدار گردد و اگر بیند کہ موئی از ساق بستر د دلیل کہ وامش گذارده شود
جعفر صادق رضی اللہ عنہ فرماید دیدن ساق در خواب بر چہار وجہ بود یکی مال دوم معیشت سوم عمر دراز چہارم مر زن را
زن و زنان را شوئی **سایہ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید سایہ در خواب بزرگی و ہیبت بود و سایۂ پادشاہ در تاویل
ہم پادشاہ بود و سایۂ دیوار مردی بزرگ بود و سایۂ درخت بی بر دلیل بر فساد کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند
کہ در جائی زیر سایہ نشستہ بود دلیل کہ مرگش نزدیک بود قولہ تعالیٰ الم تر الی ربک کیف مد الظل ولو شاء
لجعلہ ساکنا جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید زیر سایہ نشستن در خواب بر پنج وجہ بود یکی بزرگی دوم ہیبت سوم پناہ
چہارم منفعت پنجم مرگ **سایہ بان** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید سایہ بان در خواب پادشاہ فرومایہ بود و اگر بیند کہ
زیر سایہ بان نشستہ بود دلیل کہ خدمت پادشاہ چنین کند و اگر بیند کہ سایہ بان بروی افتاد و او را گزندی نرسید دلیل
کہ پادشاہ بروی خشم گیرد مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ سایبان پشمین یا کرپاس بود و لون آن سبز یا سپید بود
دلیل کہ خدمت پادشاہِ ظالم کند **سپر** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید سپر در خواب در دست داشتن دلیل کہ از کسان پادشاہ
او را پناہ بود و اگر بیند کہ با سپر سلاح دیگر بود دلیل بر مردی بود کہ دوستان و برادران را از شر نگاہدارد و اگر بیند کہ
سپر بر زمین نہاد دلیل کہ او را با مردی فاضل صحبت افتد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن سپر در خواب بر شش وجہ بود
یکی برادر دوم یار سوم قوت چہارم پسر پنجم ایمنی ششم پشت و پناہ بقدر بزرگی سپر سپر را ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید
سپر زر در خواب دیدن مال و شادی بود و اگر بیند کہ سپر زر گاو داشت دلیل کہ او را در آن سال چیزی حاصل گردد و اگر بیند کہ
سپر زر داشت دلیل کہ وی را از مردی بزرگ مال حاصل آید و اگر بیند کہ سپر ز چہار پای دشتی داشت دلیل کہ او را از مردی
غریب مال حاصل شود و اگر سپر زر دان داشت دلیل کہ بقدر آن مال از وی بیابد جعفر صادق رضی اللہ عنہ فرماید دیدن سپر زہای
مجموع در خواب مال بود و سپر ز جانور یکہ گوشت او حلال بود مال حلال باشد و آنچہ گوشت وی حرام باشد مال حرام بود
سبزہ ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید سبزہ در خواب دین بود خاصہ کہ در وقت خویش باشد اگر کسی بخواب بیند کہ زمینی
داشت و در آن سبزہ بسیار بود دلیل بر صلاح و پاک دینی وی بود و اگر بیند کہ در آن زمین گیاہ مجہول بود و او آن گیاہ را

نشناخت و تعجب در آن می نگریست و دانست که در آن زمین ملک ولیست اینجمله دلیل بر دین و دیانت بیننده کند و اگر بیند که در آن زمین گیاه معروف بود دلیل بر فراخی نعمت و مال وی بود و معبر لی رحمة الله علیه گوید سبزه در خواب چون بوقت بیند دلیل از زهد و ورع بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سبزه زار در خواب نیک بود اگر بیند که در سبزه زار مقیم شد دلیل که در راه دین مقیم شود و اگر بیند که مرده در میان سبزه زار مقیم بود دلیل بر عاقبت و ثواب آخرت او بود کرمانی علیه الرحمة گوید اگر سبزه زار پاکیزه و خرم بیند و داند که ملک ولیست دلیل بر دین پاک و ورع و دیانت او باشد و اگر سبزه زار زرد و پژمرده بیند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که در میان سبزه زاری بود که ملک دیگران بود دلیل که صحبت او با مردمان پارسا با دیانت باشد و اگر بخلاف این بیند دلیل که صحبت او با مردمان مفسد بود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید سبزه در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی راه اسلام دوم دین سوم اعتقاد پاک چهارم پرهیزگاری **سبل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چشمهای وی سبل داشت چنانکه نمی تواست دیدن دلیل که بقدر تاریکی در دین وی نقصان باشد و اگر چشمهای ازرق بود و سبل در آن بود دلیل که در راه بدعت بماند و اگر چشمهای شهلا داشت و سبل در آن بود دلیل که فرزندش بیمار بود و اگر بیند که سبل از چشم وی برگرفتند دلیل که توبه کند و بعضی گویند که فرزندش از بیماری شفا یابد و اگر در غربت بود دلیل که بسلامت در وطن خود باز رسد

سبو ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سبو در خواب مرد منافق بود که بر دست وی مال ضایع شود کرمانی رحمة الله علیه گوید سبو در خواب کنیزک یا خادم بود اگر بیند سبوی نو فراگرفت یا بخرید دلیل که کنیزک بخرد یا خادمی او را حاصل شود و اگر بیند که سبو ضایع شد یا بشکست دلیل که کنیزک یا خادم او بمیرد و اگر بیند که سبوی او را سوراخ شد دلیل که کنیزک یا خادم او بیمار شود و اگر بیند که سبو از آب صافی پر بود دلیل که از کنیزک یا خادم منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید سبو در خواب دیدن پنج وجه بود یکی مزد و منافق دوم زن سیوم خادم چهارم کنیزک پنجم قوام دین

سبوس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سبوس در خواب دلیل بر نیازمندی بود و اگر بخواب بیند که مردی نان سبوس میخورد دلیل که در آن دیار قحط و تنگی افتد و اگر بیند که سبوس را از خانه بیرون ریخت دلیل بر نعمت و فراخی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید سبوس در خواب بر سه وجه بود یکی نیازمندی دوم قحط سیوم تنگی معیشت

سپیداب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سپیداب بخواب دیدن دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که سپیداب داشت یا کسی بوی داد دلیل که با کسی گفتگو کند و پیوسته غمگین باشد و اگر بیند که سپیداب بر روی داشت دلیل که بقدر او را متاع دنیا حاصل شود کرمانی رحمة الله علیه گوید سپیدروی خدمتگار بود و بعضی از معبران گویند که کدخدای خانه بود دنیک و بد آن بکدخدای خانه باز گردد

سپیدمهره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سپیدمهره بدید دلیل که راز نهان وی ظاهر گردد و اگر بیند که سپیده نتوانست زدن دلیل که کاری کند

که آنکار ندانند مغربی رحمة الله علیه گوید سپید مهره در خواب دیدن مردان را رنج و سختی بود و زنان را رسوائی و
ظاهر شدن راز بود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید سپید مهره در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی خبر مکروه دوم
سخن دروغ سیوم ظاهر شدن راز چهارم رنج و سختی **ستارگان** دانیال علیه السلام گوید ستارگان در خواب
دلیل بر بزرگان و امیران و آفتاب بر پادشاه و ماه دلیل بر وزیر بود اگر زحل را بخواب بیند دلیل که او را با مردم دنائت
شغل افتد و او را مال و نعمت از وحاصل آید و اگر مشتری را بخواب بیند دلیل که او را با مهتری پارسا و مصلح و نیک خواه
کار افتد و اگر مریخ را بخواب بیند تاویل آن بر زنان خویشی محتشم و خادمان به پیوندد و از ایشان خیر و راحت یابد و اگر
عطارد را بخواب بیند دلیل که او را با مردم حکیم متکلم پیوستگی افتد و از وفائده یابد و اگر بیند که بعضی از ستارگان با وی
سخن گفتند دلیل که بزرگی و منزلت یابد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ستارگان تا سه چون عیوق و عقیق و سهیل
و کلیل که بعضی از مشرکان می پرستیدند اگر یکی از ایشان بخواب بیند دلیل که او را با مشرکان صحبت افتد و اگر بیند که
ستاره روشن بر زمین افتاد و ناپدید شد دلیل عالمی از آن دیار از دنیا برود قوله تعالی وعلامة وبالنجم هم یهتدون
و اگر بیند که ستارگان میگردند دلیل که فتنه و آشوب در بزرگان افتد و اگر بیند که ستاره بدست گرفت دلیل که
او را پسری آید و مقرب پادشاه گردد و اگر در خانه خود ستاره بیند دلیل که او را فرزندان بسیار شوند کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که ستارگان در آسمان متفرق شدند دلیل که تفرقه در میان پادشاه افتد و اگر بیند که ستارگان سعد هم
جمع شدند دلیل که حالش نیک شود و اگر بیند که ستارگان از خانه وی بر آمدند دلیل که فرزندان وی مقرب پادشاه گردند
و اگر بیند که ستارگان مطیع وی شدند دلیل که پادشاهی یابد و اگر بیند که ستارگان سخن میگفتند دلیل که پادشاه وقت
داد گر باشد و اگر خلاف این بیند دلیل که پادشاه ظالم و ستمگار بود و اگر بیند که ستارگان با هم جنگ میکردند دلیل که
در آن دیار جنگ و کارزار باشد و اگر بیند که ستارگان در آستین خود نهاد دلیل که مال بسیار حاصل کند معبری رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که از ستارگان یک ستاره در برابر او متحرک شد و در کنار وی افتاد دلیل که ویرا فرزندی عزیز و گرامی آید و اگر
بیند ستاره که خداوند طالع اوست و در منزلت خویش است دلیل که لشکرش زیاده شود و اگر بیند که ستاره میپرستید
دلیل که خدمت بزرگی یا عالمی کند اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید ستارگان که مردم در بیابان بدو راه میبرند در خواب
دیدن دلیل بر خیر و منفعت کند و ستارگانیکه مردم آن را می پرستند دلیل بر شر و مضرت بود جعفر صادق رضی الله عنه
فرماید دیدن ستارگان در خواب بر نه وجه بود یکی فقها دوم علما سیوم قضات چهارم خلفا پنجم وزرا ششم دیران هفتم
خزانه دار هشتم مردمان جنگجو نهم شاگردان **حکایت** آورده اند که در بغداد مردی بخواب دید که ستاره روشن
بر زمین افتاد و معبران گفتند عالمی بمیرد و در آن هفته امام اعظم رح از دنیا رحلت کرد **ستون** ابن سیرین رح گوید ستون در خواب
خداوند اقبال و دولت بود اگر بخواب بیند که ستونی داشت و قوی بود دلیل که از مردی مقبل مالی حاصل کند و اگر بیند

ستون

کستون خانهٔ وی بیفتاد یا بشکست دلیل بر هلاک او بود کرمانی رحمة الله علیه گوید ستون در خواب اسلام بود اگر بیند که ستون خانه بیفتاد یا بشکست دلیل که خداوند خانه هلاک شود و اگر بیند که ستون خانه وی باریک بود دلیل بر ضعف دین وی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید ستون در خواب پرنج وجه بود یکی خداوند دولت دوم مرگ سیوم مرد محتشم چهارم قوت در کارها پنجم ولایت **سجاده** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سجاده در خواب دیدن بخیر بود اگر بیند که در مسجدی بر سر سجاده نشسته بود دلیل که بسفر حجاز رود قوله تعالی واتخذوا من مقام ابراهیم مصلی خاصه چون بیند که در مسجدی معتکف شد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سجادهٔ پشمین یا پنبه داشت دلیل که بطاعت و عبادت مشغول گردد و اگر بیند که سجادهٔ او بسوخت تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که سجادهٔ وی پشمین بود دلیل که طاعت وی ریائی بود **سجده** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که باری سبحانه و تعالی را سجده کرد دلیل که پر مردی بزرگ ظفر یابد و اگر بیند که غیر خدا یتعالی را سجده کرد دلیل که مراد یکه وارد برنیاید جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که مهتر را سجده کرد دلیل که او را از سلطان زحمت رسد قوله تعالی فتعبدون من دون الله مالا ینفعکم ولا یضرکم **سخن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که تراز و در دست داشت و چیزی می سنجید دلیل که میان مردم داوری کند و اگر بیند که راست می سنجید دلیل که حکم براستی کند قوله تعالی وزنوا بالقسطاس المستقیم اگر بیند که راست سنجید اگر از اهل علم بود دلیل که قاضی گردد و اگر عالم نبود دلیل که بقاضی محتاج گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید راست سخن در خواب بر چهار وجه بود یکی حکم راست دوم نیکوئی سیوم محتاج شدن بداوری چهارم حاکم شدن و اگر آن کج سنجد تاویلش بخلاف این بود **سخن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سخن گفتن در خواب شنیدن بتاویل بر زبانها مختلف بود و اگر بیند که بزبان عربی سخن گفت دلیل که از مهتران عزوجاه یابد و اخبارها حضرت رسول صلی الله علیه وسلم استماع کند و اگر بزبان پارسی سخن گفت یا شنید دلیل که با مهتران او را صحبت افتد و از ایشان نیکی یابد و اگر بزبان عبری سخن گفت یا شنید دلیل که میراث یابد و اگر بزبان هندی سخن گفت یا شنید دلیل که با مردم بی اصل دون همت و بیراکاری افتد و اگر بزبان ترکی سخن گفت یا شنید دلیل که او را با دباقین صحبت افتد و اگر بزبان خوارزمی سخن گفت یا شنید دلیل که خبری مکروه شنود و اگر بزبان سقلابی سخن گفت یا شنید دلیل که با مردم بی انصاف او را شغلی افتد و اگر بزبان یونانی سخن گفت یا شنید دلیل که به معقولات مشغول گردد و اگر بزبان رومی سخن گفت یا شنید دلیل که او را از صحبت نادانی غم و اندوه رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بهمه زبانها سخن گفت یا شنید دلیل که در همه کارها شروع کند و او را از ان منفعت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که بهر زبان که در خواب سخن گوید و شنود اگر خواب خیر و صلاح بود تاویل آن خیر و صلاح باشد و اگر شر و فساد گوید تاویل آن بدان موجب باشد و اگر بیند که براندامی از اندامهای خویش سخن گفت دلیل که بر خویشتن گواهی

رہست دہد قولہ تعالیٰ یوم تشہد علیہم السنتہم وایدیہم وارجلہم بما کانوا یعملون وہر اندامی کہ بدان سخن
گوید دلیل بر ستم وبیداد باشد **سراب** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید سراب در خواب خصومت وداوری بود اگر بیند کہ
سراب دہشت یا کسی بوی داد دلیل کہ با کسی خصومت کند واگر بیند کہ سراب میخورد ہمین تاویل دارد مغربی رحمۃ اللہ علیہ
گوید اگر بیند کہ سراب زرد شدہ بود ومیخورد دلیل کہ بیمار گردد واگر بیند کہ سراب بکسے داد یا از خانہ بیرون افگند دلیل کہ
از جنگ وخصومت خلاصی یابد ودر دیدن سراب بخواب ہیچ نفع نباشد **سر** دانیال علیہ السلام گوید سر بخواب دیدن
مہتر قوم بود واگر بیند کہ سر بریدہ بستد دلیل کہ مہتر را دوست دارد واز وی خیر ومنفعت یابد واگر بیند کہ بے زخم تیغ سرش
از تن جدا کردند اگر وام دار باشد دلیل کہ وامش گذاردہ شود واز غم فرج یابد واگر این خواب بندہ بیند دلیل کہ آزاد
گردد واگر رنجور بیند شفا یابد واگر مہتری بیند ولایت یابد واگر آزاد بیند دلیل کہ زنے خواہد اما توانگر باشد ابن سیرین
رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر کسے سرہائے بریدہ بسیار بیند دلیل کہ مہتران آنجا بسیار جمع شوند واگر بیند کہ از ان سرہا موئے یا
پوست یا مغز ہا برداشت دلیل کہ از ان مہتران مال یابد واگر بیند کہ پوست سرہا میخورد دلیل کہ از مہتران ورئیسان مال
حاصل کند واگر بیند کہ پوست سرہائے مردم میخورد دلیل کہ مہتری باوی عتاب کند واگر بیند کہ سر مردی معروف میخورد دلیل
کہ سرمایہ خود را بخورد واگر بیند کہ سر چہار پائے وحشی میخورد دلیل کہ مال یابد واگر بیند کہ سر مردی مجہول میخورد دلیل کہ سرمایہ کسی بخورد
واگر بیند کہ سر مرغی میخورد دلیل کہ بقدر آن مال پادشاہ بخورد واگر بیند کہ مردی سری یا سرہا پیش او آورد دلیل کہ
سرور آن گروہ گردد واز ایشان خیر ونیکی بیند واگر در خواب زنی بیند دلیل کہ از زنان توانگر راحت یابد واگر بیند کہ
سر گوسپندی میخورد دلیل کہ عمرش دراز گردد ومال حلال یابد واگر بیند کہ سر گاوی میخورد دلیل کہ آن سال مال ونعمت یابد
کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر در خواب سر خود بزرگ بیند دلیل کہ جاہ ومرتبت یابد واگر بیند کہ او را دو سر بود دلیل کہ
کارش قوی گردد واگر سر خود بریدہ بیند دلیل کہ از شغلیکہ دارد بیفتد وغمگین شود واگر بر سر خود جراحتی بیند کہ از ان خون
می آمد دلیل کہ با کسی داوری افتد واگر بیند کہ از سروی مغز بیرون آمد وبر زمین افتاد دلیل کہ سرمایہ از دست وی برود
واگر بیند کہ مغز باز جای خود نہاد دلیل کہ مایہ باز بدست آورد واگر بیند کہ سروی چرب بود دلیل کہ کارہائے خیر کند واگر
بیند کہ سر بریدہ در دست دہشت دلیل کہ مال بسیار یابد ودر ولایتی مہتر گردد وفرمان رواگردد واگر بیند کہ سروی سخن
نیکو گفت دلیل کہ نیکوکار باشد ودر کارہا انصاف نگاہدارد واگر سخن بد گفت تاویلش بخلاف این بود واگر سر خود را
بدو نیم بیند چنان کہ یک نیمہ در دست راست داشت ویک نیمہ در دست چپ داشت دلیل کہ مادر وپدروی بمیرند واگر
بیند کہ سر خود در دست خود داشت دلیل کہ از مہتری خیر ومنفعت یابد مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ سروی چون سیر یا
شد دلیل کہ ولایت یابد واگر بیند کہ سروی چون سر اشتر شد دلیل کہ بفساد حرام گراید واگر بیند کہ سروی چون سر اسپ
شد دلیل کہ از پادشاہ مال یابد واگر بیند کہ سروی چون سر خر شد دلیل کہ از بخت خود کامگاری یابد واگر بیند کہ سر وی

چون سرگاؤ شد دلیل کہ نزد خلق خوار گردد و اگر بیند کہ سروی چون سرگوسفند شد دلیل کہ جہل بروی غالب گردد و اگر
سر خود چون سر شیر بیند دلیل کہ فرمان روائی یابد و دشمن را قہر کند و اگر سر خود را چون سر سگ بیند دلیل کہ ذلت و خواری یابد
و اگر بیند کہ سر وی چون سر خوک شد مسلش بکفر باشد نعوذ باللہ منہا و اگر بیند کہ سروی آبگینہ شد دلیل بر ہلاک وی بود و اگر
بیند کہ سر او زرین یا سیمین شد دلیل کہ مال یابد و اگر بیند کہ سر او آہنین یا سنگین بود دلیل کہ خدمت مہتری سفلہ
کند و اگر بیند کہ سر او چوبین بود دلیل کہ اجلش نزدیک رسیدہ باشد و اگر بیند کہ سر او سفالین بود دلیل کہ خدمت
مردی لاف زن کند و اگر بیند کہ سروی چون سر مرغان شد دلیل کہ بسفر رود و اگر بیند کہ سر خود بریدہ داشت دلیل
کہ او را بردار کنند و اگر بیند کہ سر او از تن جدا کردند و باز بر جای نہادند و درست شد دلیل کہ عاقبت درجہ شہدا یابد
و اگر بیند کہ سری داشت و زینش آلبستن بود دلیل کہ او را پسری آید و اگر زنی خود را سر تراشیدہ بیند دلیل کہ شوہرش
بمیرد و اگر بیند کہ سر بریان میخورد دلیل کہ مال یابد و اگر بیند کہ سر بریان بخرید یا کسی بوی داد و از آن بخورد دلیل کہ
از مہتری فائدہ یابد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید سر بریان تبادیل رئیسی یا مہتری کردن باشد و اگر بیند کہ سر خام
میخورد دلیل کہ مہتری را غیبت کند و سر پختہ بہتر از خام بود حافظ معبر رحمۃ اللہ علیہ گوید سر مردم بخواب پدر بود یا
مہتر یا پسر و اگر سر خود را بریدہ بیند دلیل کہ از پدر و مادر بریدہ شود و اگر سر خود را بدست خود بیند دلیل کہ بالیشان
پیوندد و اگر سر خود را باز بگردن خود بست دلیل کہ از کسی بصناعت بستاند یا دوام کند و اگر بیند کہ سرہائی بریدہ در پیش
داشت و رقص میکردند دلیل کہ مہتر آن دیار را غم واندوہ و مصیبت رسد و اگر سر پادشاہ بردوش خود بیند دلیل کہ
دہ ہزار درم یابد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید سر مردم بخواب دیدن بر دوازدہ وجہ بود یکی رئیس دوم مہتر سیوم
پدر چہارم مادر پنجم امام ششم مؤذن ہفتم عالم ہشتم دہ ہزار درم نہم پسر دہم غلام یازدہم زن دوازدہم
توانگری اگر بخواب بیند کہ سر بزرگ کرد و جامہ پاک پوشیدہ بود دلیل کہ او را با مہتران صحبت افتد و اگر جامہ چرکین بود
کہ پوشید دلیل کہ از مہتری غم واندوہ یابد و اگر بیند کہ سرہا در تنور نہاد دلیل کہ از مہتران و خادم کارش افتد
سراب تاویلش سخن باطل باشد و علمی کہ در و منفعت نبود ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ در زمین سرابی
مقیم شد دلیل کہ بعلم باطل و سخنی کہ در و خیر نباشد مشغول گردد و اگر بیند کہ از زمین سراب میخورد دلیل کہ از علم
باطل نان جمع کند سراپردہ ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر خود را در سراپردہ بیند داند کہ ملک او بود دلیل
کہ بزرگی و منزلت یابد و باشد کہ مہتر لشکر شود و اگر بیند کہ در سراپردہ پادشاہ مقیم شد دلیل کہ از پادشاہ حرمت و جاہ
یابد و اگر بیند کہ سراپردہ پادشاہ بیفتاد دلیل کہ زوال مملکت وی بود و اگر بیند کہ سراپردہ پادشاہ بسوخت
دلیل کہ پادشاہ بمیرد و اگر بیند کہ پادشاہ او را از سراپردہ بیرون آورد دلیل کہ پادشاہی بیابد و ملک بستاند
جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن سراپردہ در خواب بر پنج وجہ بود یکی سلطنت دوم ریاست سوم ولایت

چهارم دولت پنجم سرهنگی سر اد انیال علیه السلام گوید اگر کسی بخواب بیند که در سرای بیگانه شد و هیچ نشناخت و در آنجا مردگان دید دلیل که آن سرای آخرت است و صاحب خواب را وقت اجلش باشد و اگر بیند که در آنجا شد و بیرون آمد دلیل بر بیماری او بود دلیکن شفا یابد و اگر بیند که بسرای معروف شد و بنیادش از گل بود دلیل که روزی حلال یابد و اگر بیند که بنیادش از گچ و آجر بود دلیل که مال حرام یابد و اگر بیند که آن سرای بزرگ و فراخ بود دلیل که روزی بروی فراخ گردد و اگر سرای کوچک بود تا ویلش بخلاف این بود ابن سیرین رح گوید اگر بیند که سرای خود میکند دلیل که راه صلاح بر خود ببندد و عبادت نکند و اگر بیند که سرای کهنه را میکند دلیل که در خیرات بروی گشاده شود و اگر بیند که سرای نو و پاکیزه بود دلیل بر تندرستی و عمر دراز مادر و پدر کند مغربی رح گوید اگر بیند که بسرای نو و پاکیزه در شد و دانست که ملک ولیست دلیل که روزی بروی فراخ گردد و عز و جاه یابد جعفر صادق رض گوید دیدن سرای در خواب بر هفت وجه بود یکی مرد را زن و زن را شوی دوم توانگری سیوم ایمنی چهارم عیش پنجم مال ششم ولایت هفتم امانت و عزت **سرب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که سرب داشت دلیل که از متاع دنیا چیزی دون او را حاصل شود و اگر بیند که سرب میگداخت دلیل که بدی در زبان مردم افتد **سرخی جامه** بدانکه در جامهٔ مردان سرخی کراهیت بود و برخ و اندیشه و زنان را خیر و خرمی و اگر مردی بیند که همه جامه وی سرخ بود دلیل که فتنه و خون ریختن را دوست دارد و بر مردم ستم کند بقدر سرخی جامه **سرخچه** در خواب دیدن دلیل بر زیادتی مال بود و اگر بیند که بر تن وی سرخچه بیرون آمد دلیل که مالی برنج و سختی بدست آورد و اگر بیند که سرخچه از تن او ناپدید شد تا ویلش بخلاف این باشد **سرفه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرفیدن در خواب پرنج وجه بود یکی سرفهٔ تر دوم سرفهٔ خشک سیوم سرفهٔ بلغم چهارم سرفهٔ که خون برآرد پنجم سرفهٔ که صفرا برآرد اگر بخواب بیند که بناگاه سرفیدن بلغم برآورد دلیل که پیش کسی شکایت کند از بلائی که بوی رسد یا بسبب مالی که از وی ضایع شود و اگر بیند که سرفهٔ خشک داشت دلیل که شکایت وی از محال و بیهوده بود و اگر بیند که سرفهٔ تر داشت دلیل که شکایت وی از خویشان بود و اگر بیند که سرفهٔ خون داشت دلیل که شکایت وی از فرزندان بود و اگر بیند که سرفهٔ صفرا داشت دلیل که مردی بود که از همه شکایت کند و اگر بیند که مهتری می سرفید دلیل که غمخوار دین بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند که او را سرفه می آمد دلیل بر ناتوانی باشد و اگر بیند که سرفه در گلوی او بماند دلیل که وقت مرگش باشد و اگر بیند که او را سرفه پیران پدید آشد چنان که بلغم می انداخت دلیل که از غم و محنت فرج یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بخواب بیند که می سرفید دلیل که از پادشاه بوی آفت رسد **سرکه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرکه در خواب مال حلال بود با برکت و خوردنش تا ویل هم نیک باشد چنانکه حضرت رسول الله علیه الصلوٰة والسلام فرمودند خیر الادام خل و بعضی معبران گفته اند که سرکه ترشش در خواب غم و اندوه بود و سرکه فروش در خواب مردی خصومت طلب بود **سرگین** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرگین اسپ و گاو در خواب مال و نعمت بود اگر بیند که سرگین بسیار جمع آورد دلیل که او را مال و نعمت حاصل شود و اگر بیند که سرگین

مردم بود دلیل بر مال حرام بود و اگر بیند که در آب خانه سیرگین می انداخت دلیل که مکروهی بوی رسد و نقصان مال وی بود
و اگر بیند که در بستر پلیدی بکرد دلیل که از مال خود بعضے بعیال دهد و اگر بیند که سیرگین افگند و آن سیرگین را بخاک پوشید
دلیل که مال در زمین پنهان کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سیرگین مردم میخورد دلیل که مال حرام خورد و اگر بیند که
بجایگاهی مجهول سیرگین افگند دلیل که مال خود بجائی خرج کند و اگر بیند که تن خود را بسیرگین بیالود دلیل که در گناه افتد
و اگر بیند که اسهال پیدا شد دلیل که مال باسراف خرج کند و انیال علیه السلام گوید سیرگین مردم مال حرام بود و سیرگین
چهارپایان مال حلال بود و سیرگین ددان مالی باشد که بظلم بدست آید مغربی رحمة الله علیه گوید هر پلیدی که از مردم جدا
شود دلیل زیان باشد و اگر بیند که در میان پلیدی میرفت و غرق شد دلیل که او را از پادشاه غم و اندوه رسد و اگر بیند
که پائی بر پلیدی نهاد و بیفتاد و جامه و اندامش آلوده گشت دلیل که از حاکم مضرت بیند جعفر صادق رضی الله عنه
گوید سیرگین در خواب بر چهار وجه بود یکی مال حرام دوم کشایش سیوم نفقه کردن با عیال چهارم زوال غم **سیرگین گردان**
یعنے جعل باشد مردی بود که مال جمع کند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که جعل بگرفت دلیل که او را با مردی حرام خوار
صحبت افتد و اگر بیند که جعل را بکشت دلیل که مردی حرام خوار را بکشد و اگر بیند که بخورد دلیل که مال حرام خوار بخورد **سرما**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرما در خواب رنج و مضرت بود اگر بیند که سرما بیافت دلیل که بقدر سرما درویشی و تنگدستی
او را بود و اگر بیند که سرما او را مضرت رسانید دلیل که از خویشان او را مضرت رسد **سرمه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
سرمه در خواب مال بود اگر بیند که سرمه در چشم کشید دلیل که صلاح دین جوید و اگر بیند که سرمه کسی بوی داد دلیل که بقدر آن مال
یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید سرمه در خواب مال و جاه بود مرد و زن را و بعضے معبران گویند که سرمه در خواب یافتن راه حق
و صواب بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید سرمه فروش در خواب مردی بود که صلاح دین جوید زیرا که چشم دین بود و سرمه
روشنائی باشد **سرمه دان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرمه دان در خواب زنی بود که پیوسته با خدا تعالی باشد
و مردان را براه دین خواند اگر بیند که سرمه دان وی بشکست دلیل که زن وی بمیرد مغربی رحمة الله علیه گوید سرمه دان
در خواب زن دیندار بود اگر بیند که سرمه دان وی ضایع شد دلیل که از صحبت زنے جدا شود و اگر بیند که سرمه دانی
بخرید دلیل که کنیزک دیندار بخرد **سرنج** کرمانی رحمة الله علیه گوید سرنج در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که سرنج داشت یا کسے
بوی داد دلیل که غمگین و متفکر شود و اگر بیند که سرنج میخورد دلیل که بیمار شود و اگر بیند که سرنج مکسی داد یا بفروخت دلیل که از غم
رسته گردد **سرود** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرود در خواب دلیل بر سخن باطل و مصیبت بود و اگر بیند که سرود
با نواهای دیگر چون دف و چنگ و نائی میزدند دلیل که اندوه و مصیبت بیشتر بود و اگر بیند که سرود می شنید دلیل که
سخن باطل شنود کرمانی رحمة الله علیه گوید چون بخواب بیند که سرود میگفت اگر در بازار بود دلیل که توانگران را رسوائی
باشد و درویشان را غم بود معبران گویند سرود گفتن در خواب یا شنیدن بر شش وجه بود یکی کلام باطل دوم غم و اندوه

سیوم مصیبت چهارم رسوائی پنجم جنگ ششم علم و حکمت **سرونها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرو نها بخواب دیدن سرونها
همه نیک باشد اگر از آن بد باشد از بزرگی خیر و منفعت بیند و اگر سرون گاؤ ماده بیند دلیل که در آن سال او را منفعت
بسیار بود و اگر بزرگ تر باشد حاصل بیشتر باشد و اگر بیند که سروئی در هوا معلق آویخته بود دلیل که بمردم آن دیار
خیر و منفعت رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که بر سر خود دو سرون داشت دلیل که از بزرگی قوت یابد
و اگر بر سر خود سرونهای بسیار بیند دلیل بر غم و اندوه بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که یک سرون داشت دلیل
که صلاح در کارش باز پدید آید و عمر در خرمی بگذراند و اگر بیند که مردم را بدان سرون میزد دلیل که بمردم بدی رساند
جعفر صادق رضی الله عنه گوید سرونهای چهارپایان دشتی دلیل بر خیر و منفعت بود و سرون چهارپایان شهری دلیل
بر خلاف این بود **سرشیش** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرشیش در خواب دلیل بر غم و اندوه بود و خوردن آن سرشیش
مضرت و نقصان باشد و اگر بیند که بر سرشیش چیزی می چسپاند دلیل که کاری کند که باز بصلاح آورد **سرشیم**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سرشیم داشت یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن ویرا راحت رسد و
اگر بیند که سرشیم میخورد دلیل که بسبب عیال کاری کند که محکم و استوار باشد **سیرین** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید سیرین در خواب دیدن یکی از خویشان بود و بعضی گویند که سیرین راست دلیل بر سپر کند و سیرین چپ دلیل بر دختر کند
و اگر بیند که سیرین وی محکم و قوی بود دلیل که فرزندش نیک حال بود و اگر سیرین ضعیف و کوچک بیند تاویلش بخلاف
این بود و اگر بیند که سیرین وی بشکست دلیل که فرزندش بمیرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سیرین در خواب
بر چهار وجه بود یکی فرزند دوم قوت سیوم باغ چهارم یکی از خویشان **سطل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سطل در خواب سطل
دلیل بر خدمتگار بود و اگر بیند که سطلی نو بخرید دلیل که کنیزک بخرد و اگر بیند که سطل وی سوراخ شد دلیل که عیبی بر کنیزک
ظاهر شود **سعتر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سعتر در خواب غم و اندوه بود خوردن آن خصومت و بعضی گویند که خوردن سعتر
آن نقصان مال باشد و دیدن سعتر در خواب خیر نباشد **سفر کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سفر کرد سفر کردن
و دانست که آن مقام بهتر از این است که بود دلیل که حالش نیکو شود و الا بخلاف این بود و اگر بیند که سفر کرد و ندانست
که کجا رفت دلیل که از عیال خود دور گردد و یا از آن سرای نقل کند و اگر بیند که بوداع قومی میرفت یا گروهی بوداع
او می آمدند دلیل که مدتی حال و کار بروی متغیر گردد و باز بحال خویش آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با برگ
و ساز تمام بسفر رفت دلیل که کارش نیک شود و اگر بخلاف این بیند کارش بد شود **سفره** ابن سیرین رحمة الله علیه سفره
گوید اگر بیند که سفره نو و پاکیزه داشت یا بخرید دلیل که کنیزک زشت روئی بود و اگر بیند که سفرهٔ پرنان و نعمت بود
دلیل که از آن کنیزک منفعت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید سفره بخواب سفری با منفعت بسیار باشد اگر سفره کوچک
و تهی باشد دلیل که منفعت کمتر بود و اگر بیند که سفرهٔ او بسوخت یا ضایع شد دلیل که کنیزکش بمیرد یا مالش تلف شود

جعفر

جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید سفرہ در خواب بر چہار وجہ بود یکی کنیزک دوم خدمتگار سوم سفر چہارم کسب معیشت **سفوف** خوردن آن در خواب غم واندوہ بود ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ سفوف خورد و از خوردن آن خیر و منفعت یافت دلیل بر خیر بود **سقا** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید سقا مردی بود کہ بر دست وی خیرات بود خاصہ اگر بیند کہ بر مردمان آب بی طمع میداد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ سقائی میکرد بی طمع دلیل کہ بکار آخرت راغب باشد و اگر بیند کہ مشک پر آب کرد و بکسے نداد دلیل کہ مال جمع کند و الا راحت ازان نیابد و اگر بیند کہ آب بخانہ کسان میبرد دلیل کہ بجہت کسان مال جمع کند و او را ازان ہیچ تمتع نباشد **سقنقور** ماہی است کہ در میان ریگ میباشد ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سقنقور داشت دلیل کہ او را کارہای نیک حاصل شود و بکام دل برسد اما در دین ضعیف بود و معبران گویند کہ ماہی سقنقور در خواب مکروہ باشد **سقمونیا** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید سقمونیا در خواب دلیل بر غم واندوہ و نقصان مال بود و اگر بیند کہ از بہر علتے خورد و ازان شفا یافت دلیل بر خیر و منفعت بود و اگر بیند کہ از خوردن سقمونیا مضرت یافت دلیل بر نقصان مال بود **سگ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید سگ در خواب دشمنی فرومایہ بود و مہربان باشد و سگ سیاہ دشمنی از عرب بود و سگ سفید دشمنی از عجم باشد و اگر بیند کہ سگے او را بگزید دلیل کہ از دشمن گزندی یابد و اگر بیند کہ جامۂ او بآب دہنِ سگ آلودہ شد دلیل کہ از دشمن بسخن خستہ گردد و اگر بیند کہ سگ جامۂ او بدرید دلیل کہ در مال او نقصان آید و اگر بیند کہ گوشت سگ میخورد دلیل کہ دشمنی را دفع کند و اگر بیند کہ نان بسگ داد دلیل کہ روزی بروی فراخ شود و اگر بیند کہ سگے باوی نزدیکی کرد دلیل کہ دشمنی بوی طمع کند و اگر بیند کہ سگ بروی تکبیر کرد دلیل کہ بر دشمنی فرومایہ اعتماد کند و اگر بیند کہ شیر سگ میخورد دلیل کہ ترسی و بیمی بوی رسد و اگر بیند کہ سگ از وی میگریخت دلیل کہ دشمنی پرحذر باشد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ مادہ سگے در خانہ وی آمد دلیل کہ زنی دون ہمت و فرومایہ بزنی کند اسمٰعیل اشعث رحمۃ اللہ علیہ گوید سگ شکاری دشمن ظاہر باشد اگر بیند کہ بسگ شکاری شکار میکرد دلیل کہ او را از دشمن کرد عوی دانش کند خیری بدو رسد و اگر بیند کہ گوشت سگ شکاری میخورد دلیل کہ میراث یابد و اگر بیند کہ سگ شکاری از وی دور گشت دلیل کہ از دشمن با منفعت جدا شود جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن سگ در خواب بر چہار وجہ بود یکی دشمن دوم پادشاہ طامع سیوم دانشمند چہارم مرد غماز **سکبا** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید سکبا اگر بگوشت گوسپند و جوایج نیکو پختہ بود دلیل بر عیش خوش و عز و جاہ بود و اگر بگوشت گاو پختہ بود دلیل بر یافتن مال و خواستہ بود و اگر بگوشت مرغ پختہ بود دلیل بر عیش خوش و بزرگی و فرمانروائی بود **سکورہ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ سکورۂ نو بدو دادند دلیل کہ سخنے لطیف شنود و اگر بیند کہ سکورہ بشکست یا ضایع شد دلیل کہ سخن باطل شنود و بعضے از معبران گویند کہ سکورہ در خواب کنیزک بود و اگر بیند کہ سکورۂ نو خرید دلیل کہ کنیزک نو بخرد و اگر بیند کہ سکورہ بشکست دلیل کہ کنیزک او ہلاک شود جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ سکورہ در خواب بر نہ وجہ بود یکی زن دوم خادم

سیوم کنیزک چهارم قوام دین پنجم صلاح تن ششم عمر دراز هفتم مال هشتم سخن خوش نهم میراث از جهت زنان **سکنجبین**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سکنجبین در خواب چون شیرین بود دلیل بر مال و روزی حلال بود که آسان بدست آید و اگر
ترش بود دلیل بر غم و اندوه بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیماری بیند که سکنجبین خورد اگر شیرین بود دلیل که شفا یابد
و اگر ترش بود دلیل که بیماری او دراز شود **سلاح** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سلاح پوشیده در میان خلقی
بیگانه بود دلیل که عوام زبان بروی دراز کنند و لیکن مکروهی بوی نرسد و اگر بیند که گروهی آشنا بودند دلیل بر
دشمنان ظفر یابند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی خود را با تیر و کمان بیند دلیل که بزرگی یابد و اگر بیند که از ان آلتهای
که بدان جنگ کنند چیزی بشکست یا ضایع شد دلیل بر نقصان بزرگی وی بود و اگر بیند که با کسی جنگ و نبرد میکرد
دلیل که در جنگ و خصومت افتد و اگر بیند که کسی او را بود دلیل که آن کس را مضرت رساند مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که کسی او را زخمی بزد و نداند که آن کس که بود دلیل که او را مضرت رسد و اگر بیند که در آن زخم ریم جمع شد
دلیل که بقدر آن مال جمع شود و اگر بیند که بدان زخم که زد گوشت و استخوان ببرید دلیل که از آن کس مال و نعمت رسد
و اگر بیند که در حرب دست کسی ببرید دلیل که او را سخنی سخت گوید و میان ایشان جدائی افتد و اگر بیند که سر یکی ببرید
دلیل که مالش بستاند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سلاح در خواب بر شش وجه بود یکی قوت دوم بزرگی سیوم
دولت چهارم ولایت پنجم ریاست ششم حصن و سلاح گر در خواب پادشاه بزرگ داد گر بود **سلام کردن**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوستی بروی سلام کرد دلیل که آن دوست از وی شادی بیند و اگر بیند که
دشمنی بروی سلام کرد دلیل که دشمن دوست وی شود و اگر بیند که کسی مجهول بروی سلام کرد که او را ندیده بود دلیل که غریبی
باوی دوستی و آشنائی گیرد و اگر بیند که پیری بروی سلام کرد که او را ندیده بود دلیل که از عذاب حق تعالی ایمن گردد و اگر
بیند که پیری آشنا بروی سلام کرد دلیل که زنی خوبروی خواهد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوستی بروی سلام کرد
و جواب سلام او باز نداد دلیل که میان ایشان جدائی افتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زنی جوان بروی سلام
کرد دلیل که اقبال دنیا یابد و اگر بیند که در نماز بود و سلام بجانب چپ داد دلیل که کارش شوریده گردد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید سلام در خواب بر چهار وجه بود یکی ایمنی دوم شادی سیوم اقبال چهارم منفعت مال **سلطان** ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سلطان در سرائی یا در مسجدی یا در شهری یا در دیهی شد دلیل که رنجی و مصیبتی
بدان مقام رسد قوله تعالی ان الملوک اذا دخلوا قریة افسدوها اگر بیند که در جنگ با سلطان غلبه کرد دلیل آنکه
حاجتی که دارد روا شود و به مقصود برسد و اگر بیند که سلطان دست راستش ببرید دلیل که سوگندش دهند و اگر بیند که
سلطان از تخت بیفتاد یا تخت بشکست یا اسپ او را لگد زد یا شمشیر وی بشکست یا گاوی سرونی بروی زد و او را
مجروح گردانید این همه دلیل بر زوال مملکت وی بود و اگر سلطان داد گر بیند دلیل بر شرف و بزرگی وی بود بقدر

آنکه عدل کند و اگر بیند که سلطان لباطی بزرگ بگستردد دلیل که ملک دنیا او را شود و عمرش دراز گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر سلطان کار خویش نیکو بیند دلیل که عمر و جاهش زیادت گردد و اگر سلطان مرده را کشاده روئی و خرم بیند و با وی سخن گفت دلیل که کار او نیکو شود و شغلهای مرده او زنده گردد **سماروغ** گیاهیست که او را کماغ خوانند دیدن وی بخواب زنی بود که در وی خیر نباشد و اگر زیاده از سماروغ بیند دلیل بر مال و نعمت بود که از زنی بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر سماروغ بزرگ بود دلیل که او را پسری آید و اگر کوچک بود او را دختری آید **سماق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سماق در خواب دیدن دلیل بر جنگ و خصومت بود و اگر بیند که سماق خورد دلیل که با کسی گفتگو کند و در خوردن سماق هیچ خیر نبود **سمانه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سمانه در خواب پسر غلام بود و اگر بخواب بیند که سمانه بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که غلامش را فرزندی آید و اگر بیند که سمانه در دست وی پرید فرزند و غلامش بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید سمانه در خواب مال و روزی حلال بود قوله تعالی وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ اگر بیند که گوشت سمانه میخورد دلیل که روزی حلال یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید سمانه در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند غلام دوم روزی حلال سوم منفعت چهارم خیر و مال **سمور** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سمور در خواب مردی کافر و ظالم و راهزن بود و اگر بیند که با سمور نبرد میکرد دلیل که با مردی بدین صفت خصومت کند و قوت او را بود که غالب آید و اگر بیند که گوشت سمور میخورد دلیل که مال مردی ظالم بخورد کرمانی رحمة الله علیه گوید سمور در خواب مردی غریب توانگر بود و گوشت و پوست و موی وی در خواب مال و خواسته بود و اگر بیند که سمور را بکشت و گوشت او بر زمین بنهاد دلیل که مال مردی غریب تلف کند **سنان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سنان بر تن خصم زد و او را بیفگند دلیل که خصم را بحجت غلبه کند و بر وی ظفر یابد و اگر بیند که سنان وی بشکست یا ضایع شد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سنان پولاد در فشنده داشت اگر از اهل آن باشد دلیل که ولایت یابد و اگر از اهل آن نباشد از بزرگی منفعت بیند و اگر بیند که سنانش زنگ گرفته بود دلیل که نفعش اندک بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سنان در خواب بر شش وجه بود یکی حجت دوم ولایت سوم عمر دراز چهارم ظفر پنجم ریاست ششم منفعت بقدر قیمت سنان **سنب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سنب در خواب فرزند بود و اگر بیند که سنبی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که سنبی داشت و از وضایع شد دلیل که فرزندش غایب شود یا بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید سنب خرد در خواب مال بود و اگر بیند که سنبها فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که بر پای او سنب بود دلیل که عمرش بخوشی و خرمی گذرد و اگر بیند که سنب بنهاد تاویلش بخلاف این بود **سنبل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب دید که سنبل داشت دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند و اگر بیند که سنبل خشک داشت تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سنبل تازه میخورد دلیل که مال حلال بدست آرد یا فرزندی آیدش که در آن دیار مشهور گردد

واگر بیند که سنبل بر آتش میسوخت دلیل بر نقصان مال بود **سنجاب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سنجاب در خواب مردی غریب دلتوانگر و نامیزنده بود دوپوست و موی او استخوان وی مال وخواسته بود دگوشت وی مال غریبی بود واگر بیند که سنجاب را بکشت و گوشت او بخورد و بفگند و پوست او پاره کرد دلیل که مال مردی غریب تباه کند و یا نغصب بستاند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سنجاب را خفه کرد و از گردنش خون روان شد دلیل که دوشیزگی دختر برد **سنجد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سنجد در خواب مال صالح بود که برنج بدست آرد واگر بیند که سنجد خرید یا کسی بوی داد دلیل که مال بسیار حاصل کند واگر بیند که سنجد میخورد دلیل که مال را بر عیال نفقه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید سنجد در خواب بر سه وجه بود یکی مال برنج دوم مال برنج سیوم منفعت از مردم بدخوی **سندان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سندان بخواب دیدن رئیس بزرگ بود اگر بیند که سندان فرا گرفت یا کسی بوی داد دولت است که ملک اوست دلیل که از رئیسی خیر و منفعت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید سندان در خواب دلیل که با مهتری صحبت افتد و ازوی راحت یابد واگر بیند که سندانی بکسی داد یا ضایع شد دلیل که از صحبت مردی بزرگ جدا شود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن سندان در خواب برنج وجه بود یکی مهتری دوم منفعت سیوم قوت چهارم ولایت پنجم اقبال در کارها **سنگها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید در خواب دیدن سنگها بر دو وجه بود یکی مال دوم مهتری و هر سنگی که نرم بود منفعت بیشتر باشد اگر بیند که سنگی سپید بگرفت دلیل که با مهتری خوش خلق اورا صحبت افتد و ازوی منفعت یابد واگر بیند که سنگی سیاه بگرفت دلیل که با مهتری از عجم اورا صحبت افتد واگر بیند که سنگی سرخ بگرفت دلیل که از مهتری مفسد اورا راحتی باشد واگر بیند که بر کوهی برفت و سنگهای بسیار در دامن کوه بگرفت و بیاورد و بنگرید اگر آن سنگها سپید یا سیاه بود دلیل بر منافقی کند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن سنگها در خواب سختی باشد واگر بیند که سنگ از زیر آب جمع میکرد دلیل که مال بمکر و حیلت جمع کند واگر بیند که سنگ از کوه میتراشید دلیل که مال از بزرگی جمع کند واگر بیند که سنگ از بیابان جمع میکرد دلیل که از سفر مال جمع کند و اگر بیند که سنگ بر کسی انداخت دلیل که بکراهیت از مال خود بکسی چیزی دهد واگر بیند که کسی سنگ بر و انداخت دلیل که بقدر آن مال یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر کسی سنگ انداخت دلیل که بروی تهمت کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سنگ در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم مهتری سوم سختی در کارها چهارم کسب برنج **سنگ خواره** مرغیست که سنگ ریزه میخورد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سنگ خواره گرفت دلیل که در کار دشواری افتد و ازان خبر نیابد یا او را با مردی ابله کار افتد واگر بیند که سنگ خواره از دستش بپرید یا در دستش بمرد دلیل که از کاری دشوار بزودی خلاصی یابد واگر بیند که گوشت سنگ خواره خورد دلیل که از کسب بدشواری چیزی بدست آرد **سواری کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سواری میکرد دلیل که از پادشاه اسپ و سلاح و نعمت یابد واگر بیند که با سواران میگشت و سواران مطیع او بودند دلیل که برگردهی فرمان روائی یابد واگر بیند که سواران مجهول از متاع دنیا چیزی بوی

دادند دلیل کہ او را از کسے غریب منفعت رسد و اگر بیند کہ سواران معروف چیزی بوی دادند دلیل کہ او را از آشنائی یا دوستی منفعت رسد و اگر سواران را با جامۂ کبود و برہنہ لاغر و چرکین بیند تاویلش بخلاف این بود **سورہ ہائے قرآنی**

خواندن در خواب **سورۃ الفاتحہ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الفاتحہ میخواند دلیل کہ عمرش دراز باشد و خاتمت کارش با ایمان بود **سورۃ البقر** اگر بخواب بیند کہ سورۃ البقر میخواند ہمین تاویل دارد و از شر دشمنان ایمن گردد جعفر صادق رضی اللہ عنہ فرماید میان خلق راستگوئی باشد و اگر درویش باشد تونگر گردد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر غمگین بود شاد گردد و اگر بندہ بود آزاد گردد **سورۃ آل عمران** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ سورۃ آل عمران میخواند دلیل کہ از ہمہ بدیہا ایمن گردد و پاک شود و عاقبت بخیر گردد جعفر صادق رضی اللہ عنہ فرماید اگر بیند کہ آیہ شہد اللہ میخواند دلیل کہ بقضائے حق تعالیٰ راضی باشد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر وامی دارد بگذارد و مردم او را عزیز دارند ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ آیہ قل اللّٰھم مالک الملک در خواب میخواند دلیل کہ بزرگی و عز و جاہ یابد و حاجتہائے او روا گردد **سورۃ النسا** ابن سیرین رحمۃ اللہ گوید اگر بیند کہ سورۃ النسا میخواند دلیل کہ میراث یابد و خویشان و اہل بیت او بسیار شوند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید مال و نعمت او بسیار شود **سورۃ المایدہ** جعفر صادق رضی اللہ عنہ فرماید اگر بیند کہ سورۂ مائدہ میخواند دلیل کہ شرف و بزرگی یابد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید خواندن سورۂ مائدہ دلیل بر زیادتی مال و نعمت بود و معبران گویند کہ خواندن سورۂ مائدہ در خواب دلیل بر صحت و سلامتی بود **سورۃ الانعام** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر کسی بخواب بیند کہ سورۃ الانعام میخواند دلیل کہ سعادت دنیا و آخرت یابد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید چہارپایان بسیار حاصل کند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ باحسان و سخاوت توفیق یابد **سورۃ الاعراف** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الاعراف میخواند دلیل کہ دیندار و مؤمن بود عاقبتش محمود گردد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید خواندن سورۂ اعراف در خواب دلیل کہ کوہ طور را زیارت کند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید خواندن سورۂ اعراف در خواب دلیل کہ ہمہ خلق از وی خوشنود گردند و امانت نگاہ دارد **سورۃ الانفال** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الانفال میخواند دلیل کہ بخیر و صلاح بود **سورۃ التوبہ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ التوبہ میخواند دلیل کہ از گناہ توبہ کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید سرانجام کارش بخیر باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید در راہ دین یگانہ بود **سورۃ یونس** ابن سیرین رح گوید اگر بخواب بیند کہ سورۂ یونس میخواند دلیل کہ روزی او فراخ گردد و کارش بمراد شود کرمانی رح گوید کہ مکر کافران و کید حاسدان از وی دفع شود و بر دشمن غالب گردد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید لفظ و عبارتش نیکو شود **سورۃ ہود** ابن سیرین رح گوید اگر بیند کہ سورۂ ہود میخواند دلیل کہ روزی او از کشت و زرع بود کرمانی رح گوید کارش نیکو گردد و در کارہا اقبال یابد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید

که در راه دین یگانه شود سورة یوسف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورهٔ یوسف میخواند دلیل
که سفر بسیار کند و مال یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید پس از رنج و محنت عز و بزرگی یابد و کارش بالا گیرد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید راست قول و با امانت باشد سورة الرعد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که
سورة الرعد میخواند دلیل که پیوسته بعبادت و قرآن خواندن مشغول گردد کرمانی رح گوید که بکار خیر و طاعت راغب گردد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دلیل که عمرش کوتاه باشد سورة ابراهیم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب
بیند که سورهٔ ابراهیم میخواند دلیل که مدام بطاعت و کارهای خیر مشغول باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید نزد حق تعالی
جلشانه عزیز و گرامی بود و عاقبتش محمود گردد سورة الحجر ابن سیرین رح گوید اگر بیند که سورة الحجر میخواند دلیل که نزد
حق تعالی جل و علا پسندیده بود کرمانی رح گوید که هر امیدی که دارد حاصلش آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید حضرت
باری سبحانه و تعالی او را علم روزی گرداند و حاجتش بیفزاید سورة النحل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب
بیند که سورة النحل میخواند دلیل که روزی حلال یابد و دوستدار اهل دین باشد کرمانی علیه الرحمة گوید که از محنت و
آفت ایمن گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید حق سبحانه و تعالی او را علم روزی کند سورة بنی اسرائیل
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورهٔ بنی اسرائیل میخواند دلیل که نزد حق تعالی اقرب یابد و در دنیا جاه
و منزلت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید بر دشمن ظفر یابد و بکام دل برسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دین و اعتقادش
پاک شود سورة الکهف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الکهف میخواند دلیل که از همه بلاها
ایمن گردد و در راه دین یگانه و مخلص بود کرمانی رحمة الله علیه گوید عمرش دراز گردد و سعادت عقبی یابد جعفر صادق رضی الله عنه
فرماید که چندان عمر یابد که بمراد رسد سورة مریم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورهٔ مریم میخواند دلیل
که در قیامت از عذاب در کنف باری تعالی باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید راه خیرات گیرد و سنت پیغامبر صلی الله علیه
و آله و اصحابه وسلم بجای آورد سورهٔ طه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورهٔ طه میخواند دلیل که با دشمنی
سخنی گوید و دشمن را قهر کند کرمانی رحمة الله علیه گوید نامش در دیار بخیرات منتشر گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
در راه دین یگانه و نامدار گردد سورة الانبیا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سورة الانبیا میخواند دلیل که
حق تعالی جل و علا او را سیرت انبیا بخشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اقبال دو جهانی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
عالم و دانا شود و از مشقت آسانی یابد سورة الحج ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند که سورة الحج میخواند
دلیل که مال خود را در راه خدا تعالی صرف کند کرمانی رحمة الله علیه گوید کردارهای پسندیده اختیار کند جعفر صادق
رضی الله عنه فرماید در زهد یگانه و در راه دین مجتهد بود سورة المومنون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب
بیند که سورة المومنون میخواند دلیل که با مومنان در بهشت رود کرمانی رحمة الله علیه گوید در جات دینش قوی گردد

سورة یوسف — سورة الرعد — سورة ابراهیم — سورة الحجر — سورة النحل — سورة بنی اسرائیل — سورة الکهف — سورة مریم — سورة طه — سورة الانبیا — سورة الحج — سورة المومنون

وسیرت پسندیدہ اختیار کند **سورۃ الفرقان** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الفرقان میخواند دلیل کہ بر راستی حق از باطل جدا شود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید میان خلق منصف وداد گر گردد جعفر صادق رضی اللہ عنہ فرماید از راہ باطل براہ حق گراید **سورۃ النور** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ النور میخواند دلیل کہ دلش بعلم وحکمت منور گردد **سورۃ الشعرا** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الشعرا میخواند دلیل کہ در پناہ حق تعالیٰ باشد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید از گناہ پاک شود و در راہ دین مجتہد گردد جعفر صادق رضی اللہ عنہ فرماید باری سبحانہ وتعالیٰ او را از فواحش نگاہدارد **سورۃ النمل** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ النمل میخواند دلیل کہ بزرگی یابد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید دولت بختش مساعد گردد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید مال ونعمت فراوان یابد **سورۃ القصص** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ القصص میخواند دلیل کہ مال و نعمت یابد و بذکر حق تعالیٰ مشغول گردد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید پیوستہ در راہ دین وصلاح کوشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ فرماید درہائی رحمت بروی کشادہ گردد **سورۃ العنکبوت** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ العنکبوت میخواند دلیل کہ تا بوقت مرگ در امان خدا تعالیٰ باشد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید از رنج وبلا ایمن گردد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ خلق را از صلاحیت ونعمت او نصیب بود **سورۃ الروم** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الروم میخواند دلیل کہ بر دست وی شہری از روم کشادہ گردد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کار دین وغزا و جہاد مجتہد گردد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ مردم را از دین وصلاح وی بہرہ باشد **سورۃ السجدہ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ السجدہ میخواند دلیل کہ در سجدہ باشد کہ از دنیا برود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ سجود حق تعالیٰ بسیار کند جعفر صادق رضی اللہ عنہ فرماید کہ عاقبت کارش محمود باشد **سورۃ الاحزاب** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الاحزاب میخواند دلیل کہ مال یابد و تخصیم دہد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ سورۃ الاحزاب میخواند دلیل کہ صد دینار یابد و جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید اگر بیند کہ سورۃ الاحزاب میخواند متابعت باری سبحانہ وتعالیٰ یابد **سورۃ سبا** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ سبا میخواند دلیل کہ زاہد وعابد گردد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید پیوستہ در عبادت باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ سیرت صلحا گزیند **سورۃ فاطر** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۂ فاطر میخواند دلیل کہ عاقبتش محمود گردد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید پیوستہ در طاعت مشغول گردد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ در نعمت بروی کشادہ گردد **سورۂ یٰسین** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۂ یٰس میخواند دلیل کہ عاقبتش بخیر باشد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ عمرش دراز باشد از حق تعالیٰ جل وعلا رحمت یابد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ دوستی حضرت رسول صلے اللہ علیہ وآلہ واصحابہ وسلم در دلش مستقیم شود **سورۃ الصافات** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید

اگر بخواب بیند کہ سورۃ الصافات میخواند دلیل کہ بہدایت دین از باری سبحانہ و تعالیٰ توفیق یابد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید
کہ براہ صلاح در آید جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ فرزندی صالح آید **سورۃ ص** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب
بیند کہ سورۃ ص میخواند دلیل کہ مالش زیادہ گردد و بزرگ شود **سورۃ الزمر** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب
بیند کہ سورۃ الزمر میخواند دلیل کہ حق سبحانہ و تعالیٰ گناہش عفو کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید خاتمت کارش بخیر باشد
جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دینش قوی گردد **سورۂ مومن** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۂ
مومن میخواند دلیل کہ مومن مخلص بود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید شریعت نگاہدارد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید رحمت و
غفران باشد **سورۂ فصلت** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۂ فصلت میخواند از مقربان
حق گردد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید پیوستہ در صلاح دین گردد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید داعی بود بحق و اجابت
کند ویرا **سورۂ حٰمٓ عسق** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۂ حٰمٓ عسق میخواند دلیل کہ در آخرت
از عذاب رستہ گردد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید تاویلش ہمین باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید عمرش دراز گردد
سورۃ الزخرف ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الزخرف میخواند دلیل کہ نماز و طاعت بسیار
کند و پیوستہ روزہ دارد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید راست قول و خوب افعال بود **سورۃ الدخان**
ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الدخان میخواند دلیل کہ شب طاعت کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید
راست کوشی باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید توانگر گردد **سورۃ الجاثیہ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب
بیند کہ سورۃ الجاثیہ میخواند دلیل کہ توبہ کند و بخداوند تعالیٰ باز گردد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید اگر بزہ کار بود توبہ
کند **سورۃ الاحقاف** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الاحقاف میخواند دلیل کہ فرمان
مادر و پدر بجای آورد کرمانی رح گوید با مادر و پدر چنان کند و عجایبہا بسیار بیند **سورۂ محمد** علیہ السلام ابن سیرین
رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۂ محمد علیہ السلام میخواند دلیل کہ بر دشمنان ظفر یابد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید
از آفت و بلا ایمن گردد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید در جہان توفیق یابد **سورۃ الفتح** ابن سیرین رحمۃ اللہ
علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الفتح میخواند دلیل کہ در ہمہ باب او را فتح و نصرت باشد **سورۃ الحجرات** ابن
سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الحجرات میخواند دلیل کہ مردم را بالقاب خواند و غیبت نکند کرمانی رح
علیہ گوید کہ آزار کس نجوید جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ با مردم پیوندد **سورۃ الذاریات** ابن سیرین رحمۃ اللہ
علیہ گوید اگر بیند کہ سورۃ الذاریات میخواند دلیل کہ بطاعت و عبادت مشغول گردد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ با خلق
خدای جود و احسان کند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ بروی روزی فراخ گردد **سورۃ قاف** ابن سیرین
رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۂ قاف میخواند دلیل کہ حق سبحانہ و تعالیٰ او را بکارہای خیر و صلاح توفیق بخشد

سورۃ ص سورۃ الزمر سورۂ مومن سورۂ فصلت سورۂ حٰمٓ عسق سورۃ الزخرف سورۃ الدخان سورۃ الجاثیہ سورۃ الاحقاف سورۂ محمد سورۃ الفتح سورۃ الحجرات سورۃ الذاریات سورۃ قاف

کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ کارہائی دشوار بروی آسان گردد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ از کسب خود بہرہ یابد **سورۃ الطور** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الطور میخواند دلیل کہ بر دشمن ظفر یابد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ حق تعالیٰ جل وعلا او را یاری دہد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ در مکہ مجاور شود **سورۃ النجم** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ النجم میخواند دلیل کہ حق تعالیٰ جل وعلا در رحمت بروی کشادہ گرداند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ بر دشمن ظفر یابد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ حق سبحانہ وتعالیٰ او را پسری صالح دہد **سورۃ القمر** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ القمر میخواند دلیل کہ بر دشمن ظفر یابد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کارہائی دشوار بروی آسان گردد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ جادو بروی کار نکند **سورۃ الرحمٰن** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الرحمٰن میخواند دلیل کہ از دروغ وحرام اجتناب کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ سیرت نیکو وراہ دین گزیند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دین جہان مال یابد ودر آن جہان نعمت **سورۃ الواقعہ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الواقعہ میخواند دلیل کہ از گناہان توبہ کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ توفیق طاعت یابد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ در طاعت سبقت کند **سورۃ الحدید** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الحدید میخواند دلیل کہ روزی برنج وسختی یابد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ راہ آخرت گزیند ورضائی حق تعالیٰ جوید جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ در راہ دین ستودہ گردد **سورۃ المجادلہ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ المجادلہ میخواند دلیل کہ او را با زنان خصومت افتد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ در راہ دین با خلق مجادلہ کند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید با اہل خود خصومت کند **سورۃ الحشر** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الحشر میخواند دلیل کہ حشروی با مخلصان باشد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ صحبت او با دینداران واہل صلاح باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ بر دشمن ظفر یابد **سورۃ الممتحنہ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الممتحنہ میخواند دلیل کہ آزمایش کار برراستی کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ صحبت او با اہل صلاح باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ بمحنتی گرفتار شود کہ ہلاک او در آن باشد **سورۃ الصف** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الصف میخواند دلیل کہ در راہ خدائی عزوجل غزا کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ پیوستہ در رضائی خدا یتعالیٰ باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ آخر عمر شہادت یابد **سورۃ الجمعہ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الجمعہ میخواند دلیل کہ حق سبحانہ وتعالیٰ او را توبہ روزی کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ توفیق خیرات یابد **سورۃ المنافقون** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ المنافقون میخواند دلیل کہ منافق باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ از منافقی توبہ کند **سورۃ التغابن** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ التغابن میخواند دلیل کہ صدقات بسیار دہد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ

گوید کہ دستگیری ضعیفان بکند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ راست قول و مقیم احوال باشد **سورۃ الطلاق** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الطلاق میخواند دلیل کہ باز نان گفتگوی کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ سیرت حق نگاہدارد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ گفتگوئی از بہر کار دین کند **سورۃ التحریم** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ التحریم میخواند دلیل کہ در خانہ خود سخن بنفاق کند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید از حرام توبہ کند و دور باشد **سورۃ الملک** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الملک میخواند دلیل کہ او را عذاب گور نباشد کرمانی رح گوید کہ عاقبتش محمود باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ شرف و بزرگی یابد **سورۃ القلم** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ القلم میخواند دلیل کہ صدقہ و خیر کردن دوست دارد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید با ہمہ کس احسان کند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ خدای عزوجل او را علم روزی کند **سورۃ الحاقۃ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الحاقۃ میخواند دلیل کہ فریضہای خدا تعالیٰ بگذارد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ سیرت حق گزیند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ بر جادۂ شرع باشد **سورۃ المعارج** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ المعارج میخواند دلیل کہ خیر و نیکی بسیار کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ بخیرات و حسنات گراید جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ از ترس بیم ایمن گردد **سورۃ نوح** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ نوح میخواند دلیل کہ توبہ کند و عاقبتش محمود گردد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ تاویلش ہمین بود جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید امر معروف کند **سورۃ الجن** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الجن میخواند دلیل کہ توبہ کند و از آفت جن ایمن باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ دیو و پری مضرت او را نرساند **سورۃ مزمل** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ مزمل میخواند دلیل کہ نماز شب دوست دارد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ توفیق طاعت یابد **سورۃ مدثر** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ مدثر میخواند دلیل کہ عمل صالح کند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ سیرت پاک و راہ راست یابد **سورۃ القیمۃ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ القیمۃ میخواند دلیل کہ بشہادت از دنیا برود جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ تائب گردد **سورۃ الانسان** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الانسان میخواند دلیل کہ درویشان را طعام دہد رضای حق تعالیٰ عزوجل جوید کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ بر سخاوت و شکر نعمت توفیق یابد **سورۃ المرسلات** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ سورۃ المرسلات میخواند دلیل کہ از دروغ گفتن توبہ کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ راہ راست جوید جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ روزی بروی فراخ گردد **سورۃ النبا** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ النبا میخواند دلیل کہ ترسکار و متوکل بود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ کار خیر می کند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ کارش بزرگ شود **سورۃ النازعات** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر

سورۃ الطلاق سورۃ التحریم سورۃ الملک سورۃ القلم سورۃ الحاقۃ سورۃ المعارج سورۃ نوح سورۃ الجن سورۃ مزمل سورۃ مدثر سورۃ القیمۃ سورۃ الانسان سورۃ المرسلات سورۃ النبا سورۃ النازعات

بخواب

بخواب بیند کہ سورۃ النازعات میخواند دلیل کہ بوقت جان کندن از مرگ نترسد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ توبہ کند واز عقوبت ایمن گردد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ دلش از مکر وحیلت وخیانت پاک گردد **سورۃ عبس** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۂ عبس میخواند دلیل کہ بر مردم روی ترش کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ روزہ بسیار دارد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ خیرات کند **سورۃ التکویر** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ التکویر میخواند دلیل کہ از درد چشم نترسد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ سفر بسیار کند از جانب مشرق جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ از آنچہ میترسد ایمن شود **سورۃ الانفطار** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الانفطار میخواند دلیل کہ از خدا یتعالی اترسد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ میل وی بمال دنیا باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ نزدیک ملوک عزیز ومحترم باشد **سورۃ المطففین** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ المطففین میخواند دلیل کہ کیل وپیمانہ راست دارد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ راستی جوید جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ باہمہ کس منصف بود **سورۃ الانشقاق** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الانشقاق میخواند دلیل کہ در قیامت نامۂ اعمال وی در دست راست وی دہند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ حساب وشمار قیامت بر آسان وصد قنا بروی آسان گردد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ نسلش بسیار گردد **سورۃ البروج** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ البروج میخواند دلیل کہ در دنیا اندوہگین باشد وعاقبت کارش محمود گردد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ در آخرت رفیع الدرجات باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ از غمہا فرج یابد **سورۃ الطارق** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الطارق میخواند دلیل کہ او را فرزندی صالح آید کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید او را فرزندی خوبروی آید جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ بسبب فرزند مقبل وخرم شود **سورۃ الاعلی** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الاعلی میخواند دلیل کہ بتسبیح وتہلیل بسیار خواند کرمانی رح گوید زبانش بذکر حق مشغول وجاری گردد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ کار دشوار بروی آسان گردد **سورۃ الغاشیہ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الغاشیہ میخواند دلیل کہ از ہول قیامت ترسد وتوبہ کند وازان ترس ایمن گردد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ در رضای حق تعالی عزوجل ثابت بود جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ قدر ومحل او بزرگ شود **سورۃ الفجر** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الفجر میخواند دلیل کہ بکارہای نیکو مشغول گردد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ حج اسلام بگذارد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ ہیبت وشکوہ او کم شود **سورۃ البلد** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ البلد میخواند دلیل کہ صدقہ دادن بر وواجب باشد ودوست دارد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ باہمہ کس احسان کند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ البلد میخواند دلیل کہ از آفات وبلیات ایمن گردد **سورۃ الشمس** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند

سورۃ عبس
سورۃ التکویر
سورۃ الانفطار
سورۃ المطففین
سورۃ الانشقاق
سورۃ البروج
سورۃ الطارق
سورۃ الاعلی
سورۃ الغاشیہ
سورۃ الفجر
سورۃ البلد
سورۃ الشمس

سورۃ اللیل
سورۃ الضحیٰ
سورۃ الم نشرح
سورۃ التین
سورۃ العلق
سورۃ القدر
سورۃ البینۃ
سورۃ الزلزال
سورۃ العادیات
سورۃ القارعۃ
سورۃ التکاثر
سورۃ العصر
سورۃ الہمزۃ

که سورۃ الشمس میخواند دلیل که بر دست او کاری فاسد رود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از بلاها ایمن گردد **سورۃ اللیل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورۃ اللیل میخواند دلیل که سایلان را منع نکند و زکوة مال دهد **سورۃ الضحیٰ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورۃ الضحیٰ میخواند دلیل که چیزی بخواهندگان بدهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که غریبان را عزیز دارد **سورۃ الم نشرح** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورۂ الم نشرح میخواند دلیل که دشواری بروی آسان گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید که کارهای بسته بروی کشاده گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مراد و جهانی یابد **سورۃ التین** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورۃ التین میخواند دلیل که نیک سیرت و خوبروی و خوب کردار گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید که خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از سختی فرج یابد **سورۃ العلق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورۃ العلق میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالیٰ او را علم و قرآن روزی کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که عالم و فصیح گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که متواضع و نیکوخصال بود **سورۃ القدر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورۃ القدر میخواند دلیل که از دنیا بیرون رود تا ثواب شب قدر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید که عمرش دراز گردد و مراد یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که جاه و قدرش عالی گردد **سورۃ البینۃ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورۃ البینۃ میخواند دلیل که با توبه از دنیا برود کرمانی رحمة الله علیه گوید که مردم را راه خیر و صلاح دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از بهین تاویل دارد **سورۃ الزلزلہ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورۃ الزلزلہ میخواند دلیل که او را با کسی کاری افتد و عدل و انصاف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که قومی از کافران هلاک کند **سورۃ العادیات** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورۃ العادیات میخواند دلیل که اهلبیت او را دوست دارند کرمانی رحمة الله علیه گوید که بغزا رود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که غزا کند و مظفر گردد **سورۃ القارعۃ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورۃ القارعۃ میخواند دلیل که در قیامت ترازوی اعمال وی از کردار نیک گران آید کرمانی رحمة الله علیه گوید که در کار خیر کوشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مردم را گرامی دارد **سورۃ التکاثر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورۃ التکاثر میخواند دلیل که زیارت جمعی صالحان کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که او را با قومی دروغ زن صحبت افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دست از دنیا بدارد **سورۃ العصر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورۃ العصر میخواند دلیل که در کارها صابر و شکیبا گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید که او را زیانی رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از تجارت کارش نیک شود **سورۃ الہمزۃ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورۃ الہمزۃ میخواند دلیل که سخن بسیار گوید و پیش مردم روشناس گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید که بمال حریص بود و از عاقبت نیندیشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که

سورۃ الفیل

سورۃ القریش

سورۃ الماعون

سورۃ الکوثر

سورۃ الکافرون

سورۃ النصر

سورۃ تبت

سورۃ اخلاص

سورۃ الفلق

سورۃ الناس

در راہ خدا یتعالی مال نفقہ کند **سورۃ الفیل** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الفیل میخواند دلیل کہ ظالم را یاری دہد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ بر دشمن ظفر یابد و مرادش حاصل گردد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ بدست او فتحی بر آید و بر دشمن ظفر یابد **سورۃ القریش** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ القریش میخواند دلیل کہ از ترس و بیم ایمن گردد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ با کسی صحبت دارد کہ او را نصیحت کند در راہ دین جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ با خلق احسان کند **سورۃ الماعون** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الماعون میخواند دلیل کہ نماز گذارد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ حذر باید کردن از صحبت بد دینی جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ بر دشمن ظفر یابد **سورۃ الکوثر** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الکوثر میخواند دلیل کہ مال و نعمت یابد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ از بزرگان عطا یابد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ خیرات بسیار کند **سورۃ الکافرون** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الکافرون میخواند دلیل کہ براہ بدعت رود و بدنیا مغرور گردد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ اگر در غم بود فرج یابد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ اجل او فرا رسیدہ باشد زیرا کہ چون این سورۃ نازل شد حضرت رسول صلے اللہ علیہ وآلہ واصحابہ وسلم را آخر عمر بود **سورۃ النصر** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ النصر میخواند دلیل کہ در راہ خدا یتعالی متوکل گردد **سورۃ تبت** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ تبت میخواند دلیل کہ مکار و فریبندہ بود و از عقوبات خدا یتعالی در خطر باشد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ او را زنی بد کردار باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ گروہی بہ بدی وی کوشند **سورۃ اخلاص** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ اخلاص میخواند دلیل کہ در راہ دین موحد و یگانہ گردد و توفیق طاعت یابد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ پاک دین و نیک اعتقاد باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ مراد دو جہانی یابد و عیش بروی خوش گردد **سورۃ الفلق** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الفلق میخواند دلیل کہ جادو بروی کار نہ کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ از شر بد کردار ان ایمن گردد **سورۃ الناس** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الناس میخواند دلیل کہ او را حق تعالیٰ از چشم بد نگاہ دارد و روزی بروی فراخ گردد و اگر بیند کہ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ میگفت دلیل کہ مال خواستہ یابد و اگر بخواب بیند کہ آیتی از قرآن میخواند کہ تاویل آن بحرف قاف بیان کنیم انشاء اللہ تعالیٰ **سوزن** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سوزن داشت و چیزی دوخت دلیل کہ شغلہای پراگندۂ وی جمع شود و حاجتش روا شود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ جامہ میدوخت دلیل کہ احوال او نیکو گردد و اگر بیند کہ سوزن او گم شد دلیل کہ احوالش بد بود مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر کسے بیند کہ کسے سوزنی بوی بخشید دلیل آن کس مشفق احوال او باشد و اگر بیند کہ سوزن بسیار داشت دلیل بر خیر و

وصلاح کار او بود **سوسمار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوسماری را بگزید دلیل که مضرت یابد و اگر بیند که سوسمار را بکشت دلیل که بر دشمن قهر کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که خوردن گوشت سوسمار در خواب دلیل بر منفعت بود که بوی رسد و اگر بیند که سوسمار در خانه وی بانگ کرد دلیل که از خانه وی آواز نشنود برآید **سوسن** ابن سیرین رح گوید سوسن در خواب بوقت خود دیدن دلیل که چیزی بوی رسد و او را فرزندی آید و بیوقت دیدن دلیل بر غم و اندوه بود و اگر زنی بیند که سوسن از درخت بکند و بغلام داد دلیل که غلامش بگریزد کرمانی رح گوید اگر بیند که کسی دسته سوسن بوی داد دلیل که میان ایشان گفتگوی خیر دهد مغربی علیه گوید که درخت سوسن در خواب کنیزک بود **سوگند** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سوگند خورد دلیل که کاری نیک بر دست وی برآید یا امانتی گذارد یا خیراتی کند و از آنچه میترسد ایمن گردد و اگر بیند که سوگند بدروغ خورد دلیل بر خشم خدای تعالی بود و در زحمت افتد مگر توبه کند و در وام غرق شود و از پادشاه زیان بیند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سوگند راست خورد دلیل که او را توبه باید کرد از گناه و خطا تا رستگار شود و اگر بیند که سوگند

دروغ خورد دلیل که دینش تباه شود و اعتقادش خلل پذیرد قوله تعالی ویحلفون علی الکذب وهم یعلمون مغربی رح رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوگند براست خورد دلیل که اندوه و مضرت بیند **سوراخ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوراخی بود و در آن سوراخ شد دلیل که از راز پادشاه آگاه گردد و اگر بیند که در اندام وی سوراخی بود و از آن خون میرفت دلیل که او را زیانی رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در شکم وی سوراخی بود دلیل که از عیال خود نا ایمن بود و اگر بیند که در سنگی سوراخ میکرد دلیل که در مسلمانی پایدار بود و اگر بیند که در درختی سوراخ میکرد تاویلش بخلاف این بود و معبران گویند که بقدر آن سوراخ مال او نقصان شود **حکایت** در خبر است که مردی پیش امیر المومنین ابوبکر صدیق رضی الله عنه آمد و گفت بخواب دیدم که از سوراخی کوچک گاوی بزرگ بیرون آمد و هر چند خواست که باز بسوراخ رود نتوانست رفت گفت آن سوراخ دهن است و آن گاو سخن است چون گفته شد باز بجای خود نرود **سوهان** در حرف میم بیان کنیم **سیب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سیب بخواب دیدن چون سبز باشد دلیل بر فرزند بود چون سرخ باشد منفعت از پادشاه بود و چون سفید بود منفعت از بازرگان بود و چون زرد و ترش بود دلیل بر بیماری بود و اگر بیند که سیبی سپید بدو نیم کرد دلیل که شرکت با کسیکه دارد از وی جدا شود و اگر بیند که سیبی سرخ از درخت باز کرد و خورد دلیل که او را دختری آید کرمانی رحمة الله علیه گوید سیب در خواب دلیل خیر بود و اگر سیب ترش بود دلیل خبر ناخوش باشد و اگر بیند که سیب شیرین بود دلیل که خبر خوش شنود دانیال علیه السلام گوید اگر بخواب بیند که سیب داشت و خورد دلیل که نفع یابد و سیب همت بیننده خواب باشد در شغل و صفت وی اگر پادشاه سیب بخواب بیند دلیل که مملکت یابد و اگر بازرگان بیند دلیل که تجارت نیک بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید سیب در خواب بر هفت وجه بود یکی فرزند دوم منفعت سوم بیماری چهارم کنیزک پنجم مال ششم فرمان روائی

سوسمار — سیب — سوهان

هفتم همت خداوند خواب دیدن خبر غایب و حاضر سیر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوردن سیر در خواب مال حرام بود کرمانی رح گوید خوردن سیر در خواب خبر زشت بود کز پس مردم گویند اگر بیند که سیر پخته خورد دلیل کز سخن زشت توبه کند مغربی رح گوید که سیر در خواب رنج و گرانیتن باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سیر در خواب پنج وجه بود یکی مال حرام دوم سخن زشت سیوم غم و اندوه چهارم گرانیتن پنجم سختی دیدن **سیری** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خود را در خواب سیری بیند دلیل کز بی نیاز شود و لیکن در راه دین ضعیف بود و اگر خود را گرسنه بیند دلیل که معصیت کند کرمانی رحمة الله علیه گوید بهترین خواب آنست که خود را نه گرسنه و نه سیر بیند زیرا که هر دو خلاف طبع اند و آنچه خلاف طبع بود از وی فراخ پرخ آید **سبز** ابن سیرین رح رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سبزی داشت دلیل که نامش بخیر و نیکی منتشر گردد اگر بیند که در زمین او سبزه بود بوقت خود دلیل بر خیر و منفعت کند و اگر خلاف این بیند دلیل بر مضرت باشد **سیکی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سیکی در خواب مال حرام بود و اگر بیند که در میان سیکی شد دلیل که در فتنه افتد و اگر بیند که سیکی میخورد دلیل که بقدر آن مال حرام یابد و اگر بیند که سیکی می پخت و می خورد دلیل که مالی حرام پرنج و سختی بدست آورد و اگر بیند که در خانه سیکی بسیار داشت دلیل که بقدر آن از دهقان منفعت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سیکی می آمیخت و میخورد دلیل که مالی یابد که بعضی حلال باشد و بعضی حرام بود و اگر بیند که سیکی میفروخت دلیل که چیزی حرام فروشد در باد هد و در سیکی خوردن خیر نباشد و والی را دلیل بر عزل بود و سیکی خرما غم و اندوه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سیکی در خواب بر سه وجه بود یکی مال حرام دوم تزویج کردن سیوم نعمت این جهانی و سیکی فروش در خواب مردی بود که جنگ و فتنه طلب کند **سیل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سیل در خواب دشمنی بزرگ باشد یا پادشاه ظالم بود اگر بخواب بیند که سیل را از خود دفع کرد و بجای دیگر افتاد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و غم و اندوه وی کم شود و اگر بیند که از سیل میگریخت دلیل که از دشمن بگریزد کرمانی رحمة الله علیه گوید که سیل در خواب در دریا سرد سیر غم و اندوه بود در دریا گرم سیر دلیل بر منفعت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر جهان پر سیل بیند و نداند که این سیل از کجاست دلیل که حق سبحانه و تعالی عذابی بدان دیار فرستد قوله تعالی فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ و بعضی از معبران گویند که چون بخواب بیند که سیل جای خراب میکند دلیل که مردم آنجا را از پادشاه ترس و بیم مصادره بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سیل در خواب بر چهار وجه بود یکی دشمن بزرگ دوم پادشاه ستمگر سوم لشکر غایب چهارم بلا و فتنه و سختی **سیماب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که در معدن سیماب درون شد یا از آنجا سیماب برگرفت دلیل که زنش در کار بد افتد و اگر بیند که سیماب بفروخت یا بکسی داد دلیل که از مکر و حیلت زن ایمن گردد و اگر بیند که در چشمه سیماب غرق شد دلیل که زنان بروی جادو کنند **سیم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید بسیار مردم باشند که در خواب سیم بینند و در بیداری سیم یابند و بسیار بود که در خواب سیم بینند و در بیداری غم و اندوه بود بسبب طبیعتهای

مختلف کرمانی رحمة الله علیه گوید سیم در خواب خبر راست باشد و سیم شکسته خبر دروغ باشد اگر سیم در کیسه بود دلیل که کسی پیش او ودیعتی نهد و انبیال علیه السلام گوید اگر کاسه یا آفتابه یا طشت سیمین بخواب بیند که بی اندازهٔ آلات سیمین بیافت دلیل که بقدر آن گنج یابد و اگر بیند که از معدن سیم پارهٔ بیافت دلیل که از آن دیار زنی خواهد و سیم پاره در خواب مردی بود که در حق او سخن زشت گوید **سیمرغ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در خواب سیمرغ زر بیند دلیل که با مردی خوش طبع و بزرگوار دوستی کند و اگر سیمرغ ماده بیند دلیل که زنی باجمال و خوبروی بود و اگر بیند که سیمرغ باوی سخن گفت دلیل که وزیر پادشاه گردد و اگر بیند که با سیمرغ جنگ میکرد دلیل که با مردی بزرگ خصومت کند و اگر بیند که گوشت سیمرغ میخورد دلیل که بقدر آن از مردی بزرگ مال یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سیمرغ ماده کشت دلیل که دوشیزگی دختری بستاند و اگر بیند که سیمرغ از دست وی پرید دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بیند که بچه سیمرغ بگرفت دلیل که او را فرزندی ابله آید مغربی رحمة الله علیه گوید سیمرغ در خواب پادشاه بود اگر بیند که سیمرغ در کوچه فرود آمد و اهل کوچه سیمرغ را بکشتند دلیل که پادشاه آن دیار هلاک شود و اگر بیند که از سیمرغ میتر سید دلیل که پادشاه او را عطا دهد **سینه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سینه در خواب شریعت بود قوله تعالی اَفَمَنْ شَرَحَ اللّٰهُ صَدْرَهٗ لِلْاِسْلَامِ اگر بخواب بیند که سینهٔ وی فراخ شد دلیل که کارهای وی ساخته گردد و اگر بیند که سینهٔ وی تنگ شد دلیل که در دینش خلل بود و اگر بیند که بر سینهٔ وی خطی سبز نبشته بود دلیل که حق با وی کرامت کند و اگر بیند که بر سینهٔ وی خطی کبود نبشته بود دلیل که در دین او خلل افتد و بی شهادت بمیرد و اگر بیند که از سینهٔ موی سترده بود دلیل که وامش گذارده شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سینهٔ وی دم گرفته بود چنانکه دم نتوانست زدن دلیل که دین و دنیا بروی کشاده شود و اگر بیند که سینهٔ وی گرم بود و باقی اندام سرد دلیل که دل او متعلق بکسی بود و انبیال علیه السلام گوید اگر بیند که سینهٔ او تنگ بود دلیل که تنگدل گردد و اگر سینهٔ خود فراخ بیند دلیل که خرم و شاد گردد و بعضی معبران گویند اگر کافر سینهٔ خود را فراخ بیند دلیل که مسلمان شود فَمَنْ یُّرِدِ اللّٰهُ اَنْ یَّهْدِیَهٗ یَشْرَحْ صَدْرَهٗ لِلْاِسْلَامِ جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سینه در خواب بر هفت وجه بود یکی علم و حکمت دوم سخاوت سیوم ایمان چهارم کفر پنجم امان ششم مرگ هفتم بخل

حرف الشین

شادی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر شادی در خواب بیند غم واندوه بود و اگر بیند که کسی شادمان شد دلیل که از ان کس غم واندوه رسد و اگر مرده را در خواب شاد و خرم بیند دلیل که حالش نیکو گردد و خاتمتش بسعادت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بخواب بیند که بی سبب شادمان بود

دلیل که اجلش فرا رسیده بود قوله تعالی حتی اذا فرحوا بما اوتوا اخذناهم بغتة **شادروان** ابن سیرین رح رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شادروان و فراخ در خواب گسترده بود دولت است دلیل که ملک اوست دلیل که بقدر بزرگی و فراخی آن عیش و عمر دراز یابد و اگر بیند که شادروان با دوستان در شهر خود یا جای بیگانه نشسته بود دلیل بر مال و نعمت و درازی عمر و روزی بود و اگر بیند که در جایگاهی بیگانه از بهر او شادروان گسترده بودند و نداند که شادروان از آنِ کیست دلیل که احوال بروی متغیر گردد و در غربت بمیرد و اگر شادروان کوچک در خواب بیند دلیل بر روزی اندک و عمر کوتاه بود و اگر بیند که شادروانی پیچیده بر خود گرفته بود دلیل که از جای خود بجای بیگانه رود و اگر بیند که بر شادروان صورت مردی نگاشته بود و آن مرد را می شناخت و با وی سخن گفت دلیل که آن مرد را بدرویغ تمالیش کند و اگر بیند که شادروان بفروخت یا ببسی داد تاویلش بد بود دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که شادروان گسترده بود دلیل بر درازی عمر و ساختگی کار او بود و اگر بیند که شادروان کوچک بود در زیر او فراخ شد دلیل که روزی بروی فراخ گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که روزی او تنگ شود و اگر بیند که شادروانی فراخ گسترده بود و بدست خود در نوشت و بکنج خانه نهاد دلیل که دولت و اقبال خود تباه کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شادروان کهنه و دریده بود دلیل که بعشرت و نیا مشغول گردد و اگر بیند که شادروان سیاه یا کبود بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که شادروان زرد بود دلیل بر بیماری بود و اگر شادروان سپید بیند دلیل بر نعمت و فراخی روزی حلال بود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شادروانی مجهول در جایگاهی مجهول افگنده بود دلیل که آنچه دارد از دستش برود و اگر بیند که شادروان معروف در خانه کسی گسترده بود دلیل که خداوند خانه را روزی و نعمت بود و اگر بیند که در خانه مجهول شادروانی انداخته بود و او بر آن نشسته بود دلیل که بسفر رود و در آن سفر مال و نعمت حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شادروان در خواب بر چهار وجه بود یکی روزی حلال دوم عمر سوم منفعت چهارم معیشت

شاخ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن شاخها در خواب بر خداوند خواب دلیل بر برادران و فرزندان و خویشان بیننده خواب کند و اگر بیند که شاخهای درخت بسیار و انبوه بود دلیل که خویشان او بسیار بوند و اهل بیت او بسیار گردند و اگر بیند که بخلاف این بود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که شاخ از درخت خود ببرید دلیل که از اهل بیت خود کسی را دور کند و اگر بیند که شاخ درخت وی خشک شد دلیل که از خویشان او یکی هلاک شود و اگر بیند که درخت از آنِ دیگران بود و تاویلش بدیگران باز گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شاخ درخت خرما بوی دادند یا بیافت دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که از شاخ چیزی بخورد دلیل که بقدر آن مال فرزند خورد شانه ابن سیرین رح گوید شانه در خواب مردی بود که او را حسب و نسب نبود در دین او نفاق باشد و اگر بخواب بیند که سر و ریش را شانه میکرد دلیل که از غمها فرج یابد و وامش گذارده شود و بمراد برسد کرمانی رح گوید اگر بخواب بیند که ریش را شانه میکرد و یگان موی بروی می آورد دلیل که زکوة مال بدهد مغربی رح گوید شانه در خواب یاران موافق در کار خیر باشند

وموئی راشانه کردن یافتن مراد بود وشانه تراشش مردی بود که غم واندوه از دلش ببرد ووام بگذارد وبعضی معبران گویند که مردم خوبروئی باشند که از دیدارشان چشم روشن گردد **شانه آدمی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شانه در آدمی درخواب دیدن زن بود واگر بیند که شانه وی قوی وبزرگ بود دلیل که زنی میخواهد واگر بیند که شانه گاؤ یا گوسفند یافت هم اورا زنی حاصل شود واگر بیند که دوشش وی بشکست دلیل که زنش بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت شانه باز میکرد ورگها پدید بود دلیل که در آن سال رنج بسیار بود واگر بخلاف این بود واگر بیند که در آن شانه سیاهی بود دلیل که در آن سال آفت وبلا باشد واگر در آن شانه سرخی ویا سیاهی بیند دلیل در آن سال نرخها ارزان باشند واگر در آن شانه زردی بیند دلیل بر بیماری بود واگر بر کنارهٔ او خطهای بسیار بیند دلیل که در آن سال مرگ بسیار بود **شاه رود** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شاه رود در خواب دلیل بر لهو وطرب دنیا وسخن دروغ ومحال بود واگر بیند که شاه رود میزدند دلیل که بدروغ رضا دهد واگر بیند که باشاه رود چنگ وچغانه ونای بود دلیل بر مصیبت بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شاه رود نشکست یا بیفگند دلیل که از سخن دروغ توبه کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شاه رود میزد دلیل که بازنی بزرگ پیوندد واز وی عز و جاه یابد **شاه اسپرغم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شاه اسپرغم سبز و پاکیزه وخوشبوئی بود دلیل بر بزرگی باشد واگر زود پژمرده بود دلیل بر بیماری بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید شاه اسپرغم درخواب بر شش وجه بود یکی عز وبزرگی دوم فرزند سیوم دوست چهارم سخن خوش پنجم مجلس علم ششم نام نیکو وثنا ومدح **شاهین** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که شاهین را بگرفت یا کسی بوی داد وآن شاهین مطیع او بود دلیل که اورا از پادشاه یا از بزرگی ظالم منفعت وجاه رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید شاهین درخواب مردی بسیار دانا بود واگر بیند که شاهین بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که او را با مردی دانا صحبت افتد واز وی خیر ومنفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شاهین درخواب بر چهار وجه بود یکی قدر ومنزلت دوم فرزند سوم مال ونعمت چهارم فرمان روائی **شب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که شب تیره وناخوش بود تاویل آن غم واندوه بود واگر بخواب بیند که شب روشن ومهتاب بود دلیل که عیش وخرمی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که درشب تیره میرفت وراه بروی مشکل بود وبنیت راه راست میرفت دلیل که او را در دین استقامت بود **شب یمانی** که آن را زاک سپید گویند دیدن آن درخواب غم واندوه بود وخوردن آن دلیل بر هلاک بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر شب یمانی را روشن چون آفتاب درخشنده بیند دلیل بر خیر وگشایش در کارهای وی بود واگر بخلاف این بود دلیل بر مضرت وبستگی کارها بود **شبان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که شبانی گاؤ وگوسفند واسپ وخر ومانند آن کرد هر چیز را بقدر وی تاویل بود شبان اسپ دلیل بر ولایت وبزرگی بود وشبان خر دلالت

برتخت کند و شبان گاو دلالت بر سالت و نعمت و فراخی بود و شبان گوسفند دلیل بر روزی حلال و مال و نعمت بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شبانی میکرد و گرگ از گله وی گوسفندی ربود دلیل که پادشاه آن دیار را خراب کند و احوال رعیت تباه گردد و آنیال علیه السلام گوید شبانی گوسپند کردن دلیل که بر عدد آن گوسفندان او را بر جمعی مهتران مهتری بود و اگر بیند که شبانی چیزی بوی داد دلیل که او را از بزرگی فائده رسد و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شبان در خواب مردی ناصح بود و حافظ مال مردمان باشد چنانکه صواب کار ما بهر کسی باز نماید **شب بازی کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شب بازی کردن در خواب لهو و طرب اما دروغ و محال باشد و اگر بیند که شب بازی با بربط و نائی میکرد دلیل بر غم و اندوه بود **شب برگ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شب برگ در خواب مردی گمراه و محروم بود و اگر بیند که شب برگ داشت دلیل که او را با گمراهی صحبت افتد و اگر بیند که شب برگ میخورد دلیل که از کار آن کس بر و نفع شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شب برگ از درخت وی ببرید یا ببرد دلیل که از صحبت مردی گمراه او را جدائی افتد و صلاح او در آن باشد **شپش** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که شپش را بکشت دلیل که دشمن را قهر کند و اگر بیند که شپش بیگانه بود دلیل که دشمن او ضعیف باشد و اگر بیند که شپش بسیار بروی جمع شدند او را میگزند دلیل که در زبان مردم افتد یا او را نقصان مال بود اگر شپش خون مردم میخوردند خون تباه دلیل مال بود **شپشه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شپشه جانوری بود که در تابستان در جامه پشمین و پوستین افتد و تباه کند و بر سوسن هم خواهند دیدن وی همسایه بود و اگر بیند که شپشه جامه وی بخورد دلیل که در مال او نقصان افتد و اگر بیند که شپشه اسباب پشمین تباه کرد دلیل که از خانه وی دزد چیزی ببرد و اگر بیند که شپشه را بکشت دلیل که دزد را بگیرد و مال بستاند **شبه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که شبه داشت یا بخرید و سوراخ کرده بود دلیل که او را دختری آید و اگر دختر نیاید غمناک شود و دیدن شبه کبود و سیاه خیری نبود مغربی رحمة الله علیه گوید شبه سپید و سبز بخواب دیدن دلیل بر خیر و منفعت کند و بعضی گفته اند که شبه زرد دلیل بر بیماری بود **شتافتن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بکاری می شتافت دلیل که از آن کار پشیمانی یابد و اگر بیند که از آن پشیمان شد و شتافتن دلیل که در آن کار شتاب کند مغربی رحمة الله علیه گوید در همه کاری شتافتن دلیل و رنگ بود و در رنگ دلیل بر شتافتن بود **شتالنگ** یافتن در خواب جنگ و خصومت بود اگر بخواب بیند که با شتالنگ بازی میکرد و بانگ و شغب میداشت دلیل که او را خصومت افتد و اگر بهنگام بازی خاموش بود مال حرام یابد **شراب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوردن شرابهای که بطعم شیرین بود چون شراب سیب و شراب انار و شراب ترنج و مانند این بر شش وجه بود یکی دین دوم منفعت سوم علم مفید چهارم عمر دراز پنجم عیش خوش ششم ذکر حق تعالی اما شرابهای که بوی آن ترش بود چون شراب ریواس و شراب لیمون و شراب نارنج و مانند آن خوردن آن در خواب غم و اندوه بود

اما شرابہا کہ تلخ باشد چون شراب مورد و شراب زوفا خوردن آن در خواب دلیل بر فائدۂ دین و دنیا بود و اما شرابہائے کہ بطعم معتدل و خوشبوئی بود چون شراب عود و شراب بنفشہ و شراب گل خوردن آن در خواب دلیل بر خیر و خرمی بود دستایش کند مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید شرابہائیکہ از برای دارو خورند در خواب خیر و صلاح دینی بود و آنچہ بجہت دارو بکار ندارند دلیل بر صلاح و خیر دنیاوی کند **شرائی** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ شرائی بخرید دلیل کہ کنیزک بخرد و معبران گویند کہ شرائی در خواب خادم خانہ بود و اگر بیند کہ شرائی وی بشکست یا ضایع شد دلیل کہ کنیزک یا خادم او بمیرد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن شرائی در خواب بر نہ وجہ بود یکی زن دوم خادم سوم کنیزک چہارم قوام دین پنجم صلاح دنیا ششم عمر دراز ہفتم مال و نعمت ہشتم خیر و برکت ہم مال از قبل زنان **شرم** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید شرم از ایمان باشد چنانچہ حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ واصحابہ وسلم فرمود اَلْحَیَاءُ مِنَ الْاِیْمَانِ مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ در کاری شرم داشت دلیل کہ در آن کار خیر و صلاح بود و زیادتی ایمان و شرم داشتن از کاریکہ در آن شر و فساد بود دلیل بر نقصان ایمان بود **شستن** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید شستن در خواب آب جوی و کاریز و حوض و دریا دلیل است بر نجات از غم و اندوہ و اگر این خواب محبوس بیند دلیل کہ از زندان خلاصی یابد و اگر وام دارد وامش گذارده شود و اگر بیمار بیند شفا یابد و اگر تن خود تمام نشست دلیل کہ کارش تمام نشود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ مردہ خود را شست دلیل کہ خویشان او از غم واندوہ خلاصی یابند و اگر بیند کہ بہ آب شور خود را می شست دلیل کہ بخی بوی رسد و اگر بیند کہ جامۂ پاک بآب چرکین می شست دلیل بر تباہی کار و فساد دین بود و اگر بیند کہ بآب سرد یا آب چرکین خود را می شست دلیل کہ توبہ کند مغربی رح گوید شستن بآب سرد بر چہار وجہ بود یکی توبہ دوم عافیت سوم خلاصی از زندان چہارم ایمنی از ترس و شستن بآب گرم غم واندوہ بود و دست و روی شستن در خواب بر ہشت وجہ بود یکی حصول مراد دوم شفا از بیماری سوم یافتن مال چہارم حج پنجم فرج ششم ایمنی ہفتم دین پاک ہشتم روا شدن حاجت **شش** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید شش در خواب شادی و خرمی بود و اگر بیند کہ کسے شش بدو دارد و آن کس معروف بود دلیل کہ از وی خرمی بیند و اگر او شش بکسے داد دلیل کہ خیر بدان کس رساند مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ شش خام یا پختہ میخورد و از جانوریکہ گوشت وی حلال بود دلیل کہ بقدر آن مال حاصل کند **شطرنج** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید شطرنج باختن در خواب بہتان و سخن دروغ بود و اگر بیند کہ شطرنج باخت و خصم را غلبہ کرد دلیل کہ بباطل کسے را غلبہ کند و بہتان نہد کرمانی رح گوید اگر بیند کہ شطرنج می باخت دلیل کہ جنگ و منازعت کند و معبران گویند شطرنج باختن خیر و منفعت نبود **شعر** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ شعر یا غزل میخواند یا مدح کسی یا ہجوی میخواند دلیل کہ سخنی باطل گوید قولہ تعالی والشعراء یتبعہم الغاوون اما اگر توحید یا نعت یا سخن حکمت میخواند پسندیدہ بود و بزہ کار نہ شود **شغال** ابن سیرین رح گوید اگر بیند کہ بطلب شغال میگشت و متحیر بود دنو البست گرفت

دلیل که بیمار شود و اگر بیند که شغال با وی بازی کرد دلیل که بر زنی عاشق شود و اگر بیند که گوشت شغال میخورد دلیل که بیمار شود و شفا یابد و اگر دام دارد و امش گذارده شود و موی و پوست و استخوان شغال در خواب همه مال بود **شفتالو** ابن سیرین رح گوید شفتالو در خواب اگر زرد بود دلیل بر بیماری بود و اگر بوقت باشد مضرت کمتر بود و اگر بیند که شفتالو شیرین بود و زرد نبود کنیزک باشد و اگر بوقت خود بود مالی باشد که بوی رسد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید شفتالو در خواب بر پنج وجه بود یکی کنیزک دوم پسر سیوم علت چهارم مال پنجم منفعت از قبل مردی غریب و اگر بیند که استخوان شفتالو بشکست و بخورد تلخ بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر شیرین بود دلیل که از مردی بی اصل بقدر آن مال و منفعت باشد **شکار کردن** ابن سیرین رح گوید اگر بیند که گوسفندان یا گاو و کوهی یا خرگور یا مانند این شکار میکرد و گوشت وی میخورد همه دلیل نیکوئی بود و اگر بیند که شکار بنگیرند دلیل که غنیمتی یابد کرمانی رح گوید شکاریکه بدام گیرند یا بجاه طلبند دلیل که زیان بود و بعضی معبران گویند که شکار گیرد در خواب جویندهٔ معاش بود **شکر** ابن سیرین رح گوید پاره شکر در خواب سخنی لطیف بود یا بوسه که بکسی بدهد چون فرزند و برادر و دوست و اگر شکر بسیار بود دلیل بر مال و روزی حلال بود مغربی رحمة الله علیه گوید شکر بسیار مکروه بود در فروختن آن نیک باشد اما یافتن و خریدن آن بد باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شکر در خواب بر پنج وجه بود یکی سخن لطیف دوم بوسه دادن سیوم منفعت چهارم فرزندان پنجم مال **شکر گذاردن** ابن سیرین رح گوید اگر بیند که شکر خدای تعالی گذارد دلیل بر درستی دین و قوت و جاه و مال و سعادت دو جهانی بود قوله تعالی لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ **شکستن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چیزی بشکست دلیل که بقدر آن اورا زیان رسد و اگر آن چیز که شکست از آن دیگری بود دلیل که مضرت آن بر بیننده باز گردد و اگر بیند که اندامی از اندامهای وی بشکست دلیل بر غم و مصیبت خویشی که بدان اندام تعلق دارد بود و اگر بیند که از آلات چون چنگ و رباب و طنبور و نای چیزی بشکست دلیل بر خرمی بود **شکم** در تعبیر معبران سه قول است دانیال علیه السلام گوید شکم ظاهر و باطن مال بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فرزند بود کرمانی رحمة الله علیه گوید شکم در خواب دلیل بر خویشان باشد اگر بیند که شکم وی بزرگ شد دلیل بر زیادتی مال و فرزند و یا خویشان کند و اگر بیند که شکم وی کوچک بود و از پوست وی چیزی نقصان شد دلیل بر نقصان مال و فرزند بود و اگر بیند که هر چه در شکم بود جمله بیرون آمد و بشست و باز بجای نهاد دلیل که حال او نیکو شود و مقصدش حاصل گردد و اگر مردی بیند که از شکم وی فرزندی بیرون آمد دلیل که از قبل وی کسی پدید آید که اهل بیت او را جاه و حشمت بیفزاید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی شکم خود را آماسیده بیند دلیل که او را مال بسیار حاصل شود و اگر کسی شکم خود را شگافته بیند دلیل که او را مصیبتی رسد و اگر کسی بر شکم خود موی رسته بیند دلیل که او را از قبل عیال دام افتد و اگر کسی از شکم خود موی سترده بیند دلیل که بغم گردد و دوا ش گذارده شود و اگر کسی بیند که سوراخی در شکم داشت دلیل که عیال مال او بخورد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شکم در خواب بر چهار وجه بود یکی جای علم دوم خزینه سوم نظام عیش چهارم

فرزند **شبگنه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شبگنه در خواب از جانوری که گوشت او حلال بود دلیل بر مال حلال بود و اگر بیند که شبگنه پرگین بود دلیل بر مال حرام بود و اگر بیند که شبگنه پخته خورد دلیل که خیر و منفعت بیند **شبگنجه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شبگنجه در خواب دلیل بر خواری و بیچارگی بود و اگر بخواب بیند که او را از شبگنجه الم رسید دلیل بر همین بود و اگر بیند که او را از شبگنجه زحمت نرسید تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که پادشاه او را در شبگنجه کرد دلیل که از پادشاه گزند بیند **شگوفه درختان** تاویل بوقت خویش بهتر بود و شگوفه زرد تاویل کمتر از سرخ و سپید بود و گلنار در خواب عروسی نیکو بود و شگوفه درختان بقدر کوتاهی و بلندی درخت سخن لطیف بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بهنگام شگوفه درختان میخورد از گروهی که بدان درختان نسبت دارند سخنی لطیف شنود و از ایشان خیر و منفعت بیند و اگر بیند که شگوفه می بوئید دلیل که مردم او را مدح و ثنا گویند **شل شدن** ابن سیرین رح گوید اگر بیند که اندامی از آن او شل شد و بکنج خانه افتاده بود و نتوانست برخاست دلیل که از کارهای بد توبه کند و شر خود از مردم باز دارد و اگر بیننده خواب مفسد بود تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که اندامی از اندامهای او خسته بود دلیل آنکس را از خویشی که بدان نسبت دارد آفتی رسد **شلغم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شلغم در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که شلغم بکسی داد دلیل که بدان کس رنج رساند مغربی رحمة الله علیه گوید شلغم پخته در خواب به از خام بود کرمانی رح رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شلغم از خود دور کرد دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد **شلوار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شلوار در خواب کنیزک عجمی بود یا زنی دون که بخواهد و اگر بیند که شلوار نو بخرید و بپوشید دلیل که کنیزک عجمی بخرد و اگر زنی بیند که شلوار پوشیده بود دلیل بر زنی ستیزه بود و اگر بیند که او را شلوار بخشیده اند دلیل که او را خادمی زیادت شود و اگر بیند که شلواری نو یافت دلیل که خادمی نو یابد و اگر بیند که شلواری چرکین داشت دلیل که عقوبت از حق تعالی جل و علا یابد قوله تعالی سرابیلهم من قطران و تغشی وجوههم النار اگر بیند که شلوار سرخ در پای داشت دلیل که زنی با حرمت یابد و اگر بیند که شلوار زرد داشت دلیل که بیمار شود و اگر بیند که شلوار سبز داشت دلیل که مردم او را ملامت کنند و زنان را شلوار رنگین نیکو باشد اگر زنی بیند که شلوار نو خرید دلیل که شوهر کند و اگر بیند که شلوار وی گم شد دلیل که کنیزک یا خادم او بگریزد و اگر بیند که شلوار زنی در پای داشت دلیل که او را از زنی خواری رسد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید شلوار در خواب بر سه وجه بود یکی زن دوم کنیزک سوم خادم خانه **شلوار بند** دلیل بر عورت مردم بود اگر بیند که شلوار بند سخت و محکم داشت دلیل بر سختی و محکمی قضیب کند و اگر شلوار بند کهنه بیند دلیل بر ضعیفی قضیب باشد **شمار کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با کسی شمار میکرد دلیل که در محنت افتد مغربی رحمة الله علیه گوید هر شماریکه آسان تر بود محنتش کمتر بود تاویل عددها از یکی تا صد و هزار در حرف عین بیان خواهیم کرد **شمشیر** دانیال علیه السلام گوید شمشیر در نیام بودن زن باشد و بی نیام مال و خواسته و فرمان روائی بود و اگر بیند که شمشیر در دست

داشت دلیل کہ او را پسری آید و اگر بیند کہ شمشیر از نیام بیرون بود تاویلش ہم چنین بود و اگر بیند کہ شمشیر در نیام بود و نیام بشکست و شمشیر بسلامت بود دلیل کہ فرزند بسلامت بود و مادرش بمیرد و اگر بیند کہ شمشیر برہنہ در دست داشت و بالا برد تا بکسی زند دلیل کہ از سخنی اندیشیده بود کہ بکسی گوید و اگر بیند کہ شمشیر بکسی زد و کارگر نہ بود دلیل کہ زبان در حق آن کس گشاده باشد و اگر بیند کہ شمشیر بکسی زد و کارگر بود دلیل کہ آن کس کہ زخم خورده باشد نسلش منقطع شود و اگر بیند کہ شمشیر در گردن حمایل داشت دلیل کہ ولایتی در گردن او بود و اگر حمایل شمشیر دراز بود دلیل کہ احتمال ولایت ندارد و اگر بیند کہ حمایل شمشیر کوتاہ شد دلیل کہ آن ولایت بدو سپارند و اگر حمایل شمشیر کوتاہ بود و گسست دلیل کہ آن ولایت از دست وی برود و اگر بیند بے آنکہ جنگ بود کسی را شمشیر زد دلیل کہ آن کس مشہور گردد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ بدست خود شمشیر آویختہ بود دلیل کہ او را فرزندی آید و اگر فرزند نبود فرمانروائی یابد و اگر بیند کہ کسی او را شمشیر ہا داد دلیل کہ توانگر گردد و اگر بیند کہ شمشیر با نیام ہر دو بشکست دلیل کہ فرزند و مادر ہر دو بمیرند و اگر بیند کہ کسی او را شمشیر زد و خون از وی روان شد و جامۂ وی آلوده گشت دلیل کہ او را بمال حرام تہمت کنند و اگر بیند کہ شمشیر از وی بستیدند دلیل بر علمے کہ دارد از وی بستانند و اگر بیند کہ شمشیر بر میان بست دلیل کہ عمرش دراز گردد مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ شمشیر آہنین داشت دلیل کہ کارش قوی گردد و اگر بیند کہ شمشیر از بلور داشت دلیل کہ از زنی بزرگ خیر یابد و اگر بیند کہ شمشیر از مروارید داشت دلیل کہ از علمہائے اہل دین قوت یابد و اگر بیند کہ شمشیر از چوب داشت دلیل کہ کارش ضعیف شود و اگر بیند کہ شمشیر از سفال داشت دلیل کہ از زنانِ پادشاہ قوت یابد و اگر بیند کہ نیام آن شمشیر شکستہ بود دلیل کہ یکی از اہل بیت او بمیرد و اگر بیند کہ شمشیر وی دو روی بود دلیل کہ کارش روان گردد و اگر بیند کہ شمشیر لاجورد بود دلیل کہ کارش پایدار باشد و اگر بیند کہ شمشیر او چون آئینہ بود و میدرخشید دلیل کہ از مہتری نوخت و حرمت یابد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن شمشیر در خواب بر پنج وجہ بود یکی فرزند دوم ولایت سوم حجت چہارم منفعت پنجم ظفر یافتن بر دشمن و شمشیر گر در خواب مردی بود قوی و فصیح زبان شمع ابن سیرین گوید شمع در خواب دولت و عز و جاہ و فراخی عیش و نعمت بود و اگر بخواب بیند کہ شمع افروختہ داشت دلیل کہ دولت و نعمتش زیادت شود و اگر بیند کہ شمع افروختہ در خانہ خود نہادہ بود و ہمہ خانہا از وی روشن بود دلیل کہ در آن سال نعمت بروی فراخ گردد و تجارت وی روانہ شود و بعضے گویند کہ او را زنی باجمال ستوده باشد و اگر بیند کہ شمعی افروختہ او را دادند دلیل کہ عز و دولت یابد و اگر بیند کہ او را شمعے با شمعدانِ سیمین بود دلیل کہ زنے یابد کہ اصل نیک باشد و اگر بیند کہ شمعدان زرین بود دلیل کہ زنے از نزدیکان پادشاہ بخواہد و اگر شمعدان از ارزیز بود دلیل کہ زنے از قبیلۂ متوسط خواہد و اگر بیند کہ شمعدان از مس بود دلیل کہ زنے بی اصل خواہد و اگر بیند کہ شمعدان بزنج بود دلیل کہ زنی از اصل کبار خواہد و اگر بیند کہ شمعدان از آہن بود دلیل کہ زنی

از اصل قوی خواهد و اگر بیند که شمعدان از سفال بود دلیل که زنی از مردمان عامه باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شمع افروخته و بر دست داشت ناگاه بمرد زنش بمیرد و اگر بیند که شمع افروخته در دست داشت و کسی بکشت دلیل که آن کس حسد برو برد و اگر بیند که روشنی شمع کم شد دلیل که عز و جاه و دولت او کم شود و انبیال علیه السلام گوید اگر بیند شمع افروخته در دست داشت دلیل که اگر زن دارد او را پسری آید و اگر در شهری شمعهای افروخته بسیار بیند دلیل که پادشاه آنجا عادل و دادگر باشد و قاضی منصف و دانشمند و زاهد و خرمی در آن شهر بسیار بود و اگر در مسجد شمع بسیار بیند دلیل که مردمان آن موضع بطاعت و تعلم علم مشغول باشند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شمع در خواب بر چهارده وجه بود یکی پادشاه دوم قاضی سوم فرزند چهارم عروس پنجم فرمان روائی ششم مهتری هفتم سرائی هشتم شادی نهم توانگری دهم علم یازدهم عیش دوازدهم کنیزک سیزدهم زن چهاردهم دلیل بر بینده

شناوکردن

کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شناوکردن در خواب در آب صافی طلب معیشت کردن بحیلت و تدبیر بود و اگر بیند که در آب صافی شناوکرد و غرق شد دلیل که در مال دنیا غرق شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در دریا شناوکرد و بکنار نتوانست رفت دلیل که پادشاه او را از عمل باز دارد و اگر بیند که شناوکردن بر وی آسان بود دلیل که کار وی آسان گردد و اگر بیند که شناو بر وی دشوار بود دلیل که کار وی دشوار گردد و اگر کنارهٔ دریا نمی دید دلیل که در حبس افتد و اگر بیند که آب غلبه کرد و او در میان آب بمرد دلیل که در دست حشمان هلاک شود و اگر بیند که از غرق شدن ایمن یافت دلیل که از شغلهای این جهانی سلامتی یابد و در کار آخرت در آید و اگر بیند که آب او را از زمین فرو برد دلیل که او را غمی پیش آید و اگر بیند که از زیر آب بر زمین آمد از غم فرج یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از دریا بشناو بیرون آمد و جامه در پوشید دلیل که از شغلهای پادشاه خلاصی یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که تاویلش باز گونه بود و اگر بیند که از رودی بزرگ بشناو بکنار آمد دلیل که از شغلی بزرگ رسته گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که در آن شغل بماند

شنگرف

شنگرف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شنگرف در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که شنگرف داشت دلیل که اندوه یابد و اگر بخواب بیند که شنگرف خورد دلیل که بیمار شود و اگر بخواب بیند که بشنگرف صورت می نگاشت دلیل بلهو باطل و نیافریفته شود و اگر بیند که بشنگرف چیزی می نبشت اگر قرآن یا دعا یا توحید بود دلیل نیکوئی بود و اگر بخلاف این بیند دلیل که مضرت یابد

شهادت

شهادت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شهادت برمی آورد دلیل که از غمها فرج یابد و عاقبت کارش محمود بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر مصلح بود و بیند که شهادت برمی آورد دلیل که بوقت مرگ شهادت یابد و اگر بیننده مفسد بود دلیل که توبه کند و از گناه پشیمان شود و اگر بیننده بخواب مشرک بود دلیل که مسلمان گردد و عاقبتش بخیر بود

شاه بلوط

شاه بلوط ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شاه بلوط داشت و میخورد دلیل که غمگین گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شاه بلوط داشت یا بکسی داد دلیل که بقدر آن از مردی بخیل منفعت یابد شهداب ابن سیرین رحمة الله علیه

گوید

گوید اگر بیند که شهد با موم بود تاویل میراث بود یا غنیمت حلال بود اگر بیند که شهد داشت دلیل که بقدر آن از جائی میراث حلال یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شهد داشت دلیل که بقدر آن علم و دانش حاصل کند و اگر بیند که از آن شهد مردم را میداد و میخوردند دلیل که مردم از علم او فایده یابند و اگر بخلاف این بیند منفعت نیابد و معبران گویند که شهد دلیل بر قرآن کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید در خواب شهد دلیل بر پنج وجه بود یکی میراث دوم غنیمت سوم علم چهارم قرآن پنجم روزی فراخ بود **شهرستان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بشهرستان اندر شد دلیل که دین وی استوار بود و عاقبتش محمود گردد و اگر بیند که در شهرستانی ساکن شد دلیل که بخدمت پادشاه شود و خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شهرستان در خواب بر هفت وجه بود یکی پادشاه دوم رئیس سیوم عامه چهارم قوت دین پنجم ایمنی ششم ظفر یافتن هفتم دلیل بر استواری کارها **شهر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در شهری شد دلیل که دینش قوی گردد و اگر کاری در پیش دارد تمام شود و بمراد برسد و اگر بیند که از شهر بیرون آمد یا او را کسی از شهر بیرون کرد دلیل که تاویلش بخلاف این بود اگر کسی خود را بر کنگره یا بر روی شهر بیند دلیل بر هلاک او بود و اگر بیند که از شهری بشهری او را کردند دلیل که زن را طلاق دهد و زن او شوی دیگر بکند و اگر بیند که در شهری مقیم شد دلیل که زن او از وی جدا شود و اگر بیند که از شهر مسلمانان بشهر کافران تحویل کرد دلیل که از دین راست بدین باطل گراید و باشد که زنی کافره بزنی کند و اگر در شهری گرم سیر برف و یخ بیند دلیل بر قحط و تنگی بود و اگر در شهری سرد سیر بیند دلیل بر فراخی و ارزانی نعمت بود و اگر بیند که در شهری رفت و آن شهر او را خوش آمد دلیل که عز و جاه یابد و اگر بیند که از روستا بشهری رفت دلیل که خیر و منفعت بدو رسد و اگر بیند که از شهر بروستا میرفت دلیل که مرادش برنیاید قوله تعالی رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هٰذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا و اگر در شهری گم شده بود تاویلش نیکو بود و اگر بیند که زنان در شهری رفتند دلیل که در آن شهر فتنه و بلا افتد و اگر بیند که زنان آراسته بشهری رفتند دلیل که در آن دیار نعمت و فراخی بود و اگر بیند که زنان بشهر درون شدند دلیل که غلامان پادشاه آنجا روند بر اهل آنجا ظلم و بیداد کنند و اگر بیند که روی بسته بشهری درون شدند دلیل که در آن شهر خبرهای ناخوش رود و اگر در خواب در شهری جانب مشرق بیند دلیل که بهتر باشد از جانب مغرب مغربی رحمه گوید اگر در خواب خود را بشهر سندوستان بیند دلیل که بد باشد و اگر خود را در شهرهای ترکستان بیند دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر خود را در شهرهای بلغار و سقلاب بیند دلیل که بروی خیانت بود و کارها بروی پوشیده گردد و اگر خود را در شهرهای ماوراء النهر بیند دلیل که عز و جاه و ایمنی یابد و اگر خود را بخوارزم بیند دلیل که کارش بسته گردد و اگر خود را در شهرهای عراق بیند دلیل که دولت و کامرانی یابد و اگر خود را در شهرهای خراسان بیند کارها بآسانی تمام گردد و اگر خود را در شهر فارس بیند دلیل که صحبت او با مردمان پارسا بود و اگر خود را بشهرهای کرمان بیند دلیل که عیالش بسیار شود و اگر خود را در شهرهای حجاز بیند دلیل که حج کند و اگر خود را در شهر یمن بیند دلیل بر سلامتی و ایمنی بود

واگر خود را در شهرهای مصر بیند دلیل که شادمان و خرم گردد واگر خود را در شهرهای آذربایگان بیند دلیل که در آن کارها
رنج و بلا کشد واگر خود را در شهر ارمینیه بیند دلیل که مرادش برآید واگر خود را بشهرهای مغرب بیند دلیل که در کارش
نقصان افتد واگر خود را در شهرهای فرنگ بیند دلیل که کار دنیائی او نیک گردد اما در دین ضعیف باشد واگر خود
را در شهرهای شیروان بیند دلیل که کار او نیکو باشد **شهرهای مفرد دیدن** کرمانی رح گوید اگر خود را در
مکه بیند دلیل که عز و جاه و نصرت یابد واگر خود را در مدینه بیند دلیل که او را با نجار صحبت افتد و از ایشان منفعت یابد
واگر خود را در شهر یمن بیند دلیل که از ترس و بیم ایمن گردد واگر خود را بطایف بیند دلیل که سفر بسیار کند و نیک باشد
واگر خود را به بصره بیند دلیل که از علما بهره مند گردد واگر خود را بواسطه بیند دلیل که دیندار و پارسا شود واگر خود را بکوفه
بیند دلیل که از عام نیکوئی یابد واگر خود را به بغداد بیند دلیل که توانگر شود و بازرگانی او را خیر رساند واگر خود را بحلوان بیند
دلیل که معیشت خوش گذارند واگر خود را باصفهان بیند دلیل که او را با بزرگی صحبت افتد واگر خود را بموصل بیند
دلیل که بمراد برسد واگر خود را بدمشق بیند دلیل که روزی بروی فراخ گردد واگر خود را بحلب بیند دلیل که از بزرگی منفعت
یابد واگر خود را بانطاکیه بیند دلیل که از مهتری منفعت یابد واگر خود را به بیت المقدس بیند دلیل که عز و کامرانی یابد
واگر خود را باخلاط بیند دلیل که کارش شوریده شود واگر خود را به قیصر بیند دلیل که منفعت یابد واگر خود را در دژ قید
بیند دلیل که کارش بسته گردد واگر خود را به تفلیس بیند دلیل که کارش نقصان گیرد واگر خود را بگنجه بیند دلیل که نعمتش
زیادت گردد واگر خود را بجوی بیند دلیل که مالش کم شود واگر خود را بمراغه بیند دلیل که امان و راحت یابد واگر خود را
به تبریز بیند دلیل که از رنج رسته گردد واگر خود را برگان بیند دلیل که اندوهگین شود واگر خود را بهمدان بیند دلیل که
جاه و منفعت یابد واگر خود را بقزوین بیند دلیل که او را با مهتری صحبت افتد واگر خود را در ری بیند دلیل که او را
سوگند افتد واگر خود را بگرگان بیند دلیل که او را خصومت افتد واگر خود را بدهستان بیند دلیل که متفکر شود واگر
خود را به بطام بیند دلیل که خرمی یابد واگر خود را بساوه بیند دلیل که مالش نقصان یابد واگر خود را بمرو بیند دلیل بر
شغلی که ساخته بود بجائی بماند واگر خود را به نیشاپور بیند دلیل که بمردی بزرگ او را صحبت افتد واگر خود را بطوس بیند
دلیل که خیر و منفعت یابد واگر خود را به بلخ بیند دلیل که بر دشمن ظفر یابد واگر خود را بسمرقند بیند دلیل که در میان مردم
نامدار شود واگر خود را بغزنی بیند دلیل که از بزرگان خیر و منفعت یابد واگر خود را بکاشغر بیند دلیل که اندوهگین شود
واگر خود را باسکندریه بیند دلیل که کاری در پیش گیرد از آن پشیمان شود واگر خود را باندلس بیند دلیل که با وی خیانت
کنند واگر خود را در حصاری بیند دلیل که کارش فرو بندد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شهرها در خواب بر چهار وجه
بود یکی دین دوم آشکارا شدن سیوم عیش خوش چهارم زنی که جفت وی باشد **شوربا** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید شوربا در خواب اگر گوشت باشد و طعم و بوی خوش داشته باشد دلیل بر منفعت بود و اگر بخلاف این بود دلیل بر غم

واندوه بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر شور با با گوشت باشد و خوب پخته باشد نیکو باشد و اگر بگوشت غلیظ باشد دلیل که غم واندوه بود **شونیز** ابن سیرین رح گوید شونیز در خواب دلیل بر غم واندوه کند و خوردنش دلیل بر مضرت کند و نقصان بود و اگر بیند که شونیز بسیار داشت دلیل که در اندوه گرفتار شود **شیراز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شیراز در خواب غم واندوه بود و هر چه ترش بود دلیل که اندوه صعبتر باشد و اگر بیند که شیراز بفروخت یا بکسی داد و از ان هیچ نخورد دلیل که خرسی بیند کرمانی رح گوید خوردن شیراز در خواب سخنی بد بود که از ان بر نجد **شیر** دانیال علیه السلام گوید شیر در خواب هر چند که تازه تر و خوبتر و شیرین تر باشد دلیل بر زیادتی مال کند و چون ترش بود تاویلش بخلاف این باشد و اگر بیند که شیر تازه میخورد دلیل که بقدر آن مال حلال یابد و اگر زنی بیند که شیر در پستان وی جمع شد دلیل که او را فرزندی آید و اگر مردی بیند زنی که شیر وی ریخت دلیل که او را فرزندی آید و اگر مردی بیند که شیر میدوشید و عوض وی شیر خون می آمد دلیل که مال حرام یابد و اگر بیند که از پستان خود شیر میخورد دلیل که در کسب و معیشت خود زیان کند و اگر مردی بیند که کودک شده بود و شیر میخورد دلیل که مرادش برنیاید و اگر زنی بیند که کودکی را شیر میداد دلیل که از پادشاه مال یابد و اگر زنی بیند که کودک از شیر باز گرفته بود و باز شیر داد دلیل که زیان کند کرمانی رحمة الله علیه گوید شیر چهارپای دشتی در مال اندک بود و اگر بخواب بیند که شیر گور خر میخورد دلیل بر نوبت و صلاحیت کند و اگر بیند که شیر شتر میخورد دلیل که از بزرگی مال یابد و اگر بیند که شیر آهو میخورد دلیل که روزی بر وی فراخ گردد و اگر بیند که شیر بز میخورد دلیل که از زن مال و نعمت یابد و اگر بیند که شیر پلنگ میخورد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که شیر ببر میخورد دلیل که از مردی بزرگ مال حرام یابد و اگر بیند که شیر گاومیش میخورد دلیل که مال یابد و اگر بیند که شیر خر میخورد دلیل که بیمار شود و شفا یابد و اگر بیند که شیر خرگوش میخورد دلیل که از زنی منفعت یابد و اگر بیند که شیر خوک میخورد دلیل که ابله و بی خرد گردد و اگر بیند که شیر روباه میخورد دلیل که با کسی مکر و حیلت سازد و اگر بیند که شیر گرگ میخورد دلیل که عیالش با وی خیانت کند و اگر بیند که شیر گوسپند میخورد دلیل که مال حلال یابد مغربی رحمة الله علیه گوید شیر دوشیدن در خواب از جانوریکه گوشت او حلال بود دلیل بر مال حلال کند و جز انیکه گوشت او حرام بود دلیل بر غم واندوه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید شیر در خواب بر سه وجه بود یکی روزی حلال دوم مال و فرزند سوم غم واندوه **شیره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شیرهٔ انگور در خواب خیر و منفعت دنیاوی بود قوله تعالی یغاث الناس وفیه یعصرون اگر بیند که شیرهٔ انگور می فشرد دلیل که بپادشاهی بزرگ نزدیک شود و اگر بیند که شیرهٔ تازه میخورد دلیل که بقدر آن روزی حلال یابد و اگر بیند که شیرهٔ بطعم ترش بود دلیل که روزی برنج و محنت آورد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شیره داشت دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بیند که انگور و شیره می دوشید و تلف میکرد دلیل که مال بسیار یابد و شیره هر چند که تازه تر و شیرین بود منفعت آن بیشتر باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیره در خواب بر چهار وجه بود یکی مال حلال دوم نعمت بسیار سوم علم و حکمت

چهارم منفعت بی رنج **شیرینیها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شیرینیها در خواب شادی و خرمی و روزی حلال باشد و اگر بیند که کسی شیرینی بوی داد دلیل که از آن کس روزی یابد و اگر بیند که شیرینی خورد دلیل که منفعت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید شیرینی در خواب کنیزک نیکو بود و اگر بیند که شیرینی سفید بود دلیل که پارسا بود و اگر شیرینی سرخ بود دلیل که طرب و عشرت دوست دارد و اگر زرد بود دلیل که کنیزک بیمار صفت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیرینی در خواب بر چهار وجه بود یکی منفعت دوم مال حلال سوم علم و ادب و فرهنگ و حکمت و ثنای نیکو چهارم کنیزک خوبروی

شیر ابن سیرین رح گوید شیر در خواب دشمن بود و اگر بیند که با شیر جنگ میکرد دلیل که با دشمن خصومت کند و از هر دو آن را که ظفر بود غالب او باشد و اگر بیند که بر اثر شیر میرفت دلیل که از پادشاه بترسد و اگر بیند که از شیر میگریخت و شیر او را طلب میکرد دلیل که از آنچه میترسد ایمن گردد و اگر بیند که گوشت شیر میخورد دلیل که از پادشاه مال یابد و بر دشمن مظفر گردد و اگر بیند که گوشت شیر میخورد دلیل که از پادشاه خلعت یابد کرمانی رح گوید شیر در خواب پادشاه بود و اگر بیند که از اندام شیر چیزی بیافت یا کسی بوی داد و خورد دلیل که از مال دشمن چیزی بخورد و اگر بیند که با شیر مجامعت میکرد دلیل که از سختیهای بدرسته گردد و مراد یابد و اگر بیند که شیر را در برگرفت دلیل که با دشمنی آشتی کند و اگر بیند که شیر زبادی مجامعت کرد دلیل که از پادشاه خواری بیند و اگر بیند که شیر از پس او در آمد و از پیش وی بیرون شد دلیل که از پادشاه او را مضرت رسد دانیال علیه السلام گوید اگر بخواب بیند که سر شیر یافت دلیل که پادشاهی یابد و اگر بیند که پادشاهی او را شیر داد دلیل که پادشاهی خود بدو دهد یا ولایتی از آنِ خود او را پادشاه گرداند و اگر بیند که بر سر شیر نشست دلیل که دولت و مرتبت او را زیادت گردد مغربی رحمة الله علیه گوید شیر نر در خواب پادشاه بود و شیر ماده زن پادشاه بود اگر بیند که شیر شیر مید و شید دلیل که دبیر پادشاه گردد و اگر زنی پیر این خواب را بیند دلیل که دایهٔ پسرِ پادشاه شود و اگر بیند که شیر را بر پشت گرفته بود دلیل که دشمن بردی ظفر یابد و اگر بیند که شیر او را بگزید دلیل که از دشمنی مضرت رسد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شیر او را در برگرفت دلیل که مقرب پادشاه گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر خشم پادشاه بود و اگر بیند که با شیر طعام خورد دلیل که معتمد پادشاه شود اما پوست و گوشت و استخوان شیر در خواب جمله دلیل بر دشمن بود و اگر بیند که گوشت شیر میخورد دلیل که دشمن را بآسانی بدست آرد و اگر بخلاف این بیند تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیر در خواب بر سه وجه بود یکی پادشاه دوم مرد دلیر سوم دشمن قوی

شیر خورشت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شیر خورشت در خواب روزی حلال بود اگر در خواب بیند که شیر خورشت جمع میکرد دلیل که از سفر مال حاصل کند و اگر بیند که شیر خورشت میخورد دلیل که مال بر عیال نفقه کند و عوض باز یابد و اگر بیند که شیر خورشت داشت دلیل که مال از بازرگانی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیر خورشت در خواب بر سه وجه بود یکی مال حرام دوم فراخی عیش سیوم کام دل یافتن

شیشه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید

شیشه در خواب زن باشد و گویند خادمی بود که خدمت زنان کند ولیکن ثباتش نباشد و اگر بیند که شیشه خالی بود. که بوی دادند دلیل که زنی درویش خواهد و اگر بیند که در آن شیشه روغن گل و بنفش دلیل بر زنی دیندار باشد مغربی رحمة الله علیه گوید زن تو انگر باشد و اگر بیند که از ان روغن چیزی بسر مالید دلیل که از مال زن چیزی بوی رسد و اگر بیند که از شیشه شرابی میخورد چون شراب سیب و شراب انار وغیره دلیل که بقدر آن مال زن خورد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شیشه آبگینه داشت و سپید و پاکیزه بود دلیل که زنی خوبروئی و پارسا خواهد و اگر بیند که شیشه شکست دلیل که زن او هلاک شود و اگر بیند که شیشه ضایع شد دلیل که زن را طلاق دهد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شیشه داشت و در وی حلاب یا چیزی شیرین بود دلیل که زنی سازگار خوش طبع خواهد و اگر حلاب ترش بود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که در شیشه چیزی خوش بود دلیل که زنی مستوره و خوبروی خواهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیشه در خواب بر سه وجه بود یکی زنی با جمال دوم کنیزک سیوم خادم خانه شیطرج دارو میت که در

خوردن آن	**حرف الصاد**	هیچ ضرر نباشد

صابون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که جامه خود را بصابون می شست دلیل که از کارهای بد باز گردد و اگر بیند که جامه کسی بصابون می شست دلیل که کسی را از کرد ار بد باز دارد و اگر بیند که صابون میخورد دلیل که مال حرام خورد و اگر بیند که صابون بکسی داد که بخورد دلیل که مال خود را بخورد کسی دهد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صابون بسیار داشت و جامه خود را بشست دلیل که او را خواسته حاصل گردد و اگر بیند که دست خود بصابون بشست دلیل که از مردمان باز ماند مغربی رحمة الله علیه گوید صابون در خواب خریدن به از فروختن بود اگر صابون سپید بود و از آنش بوی خوش می آمد بغایت نیکو بود و صابون گر زنی مهتر بود **صرافی کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید صراف در خواب عالم بود و اگر کسی بخواب بیند که صرافی میکرد و معبر نگاه کند تا سایل را چه مراد است اگر ببیند مستور و دیندار بود دلیل که آنچه که موافقت دین بود آن را اختیار کند و اگر سایل چیزی بشستن نداند تاویلش آنست که مردی متحیر باشد بخرافات مشغول بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که صرافی میکرد دلیل که بخیانت و غیبت مردم مشغول بود و گویند صراف در خواب مردی خرافات گوئی باشد که همه آن کند که او زیان دارد **صاروج** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صاروج کرد دلیل که با مردم سخن لطیف گوید و صاروج گر در خواب مردی خوش بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صاروج از بهر کسی کرد دلیل که آن کس را امداد کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید صاروج کردن در خواب بر سه وجه بود یکی سخن لطیف دوم امداد کردن سیوم رضائی آن کس جستن **صاعقه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید صاعقه آتشی بود که از ابر جهد اگر بخواب بیند که از ابر صاعقه افتاد دلیل که بقدر آن صاعقه عذاب خدا تعالی با اهل آن مقام رسد قوله تعالی وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا

شیطرج — صابون — صرافی کردن — صاروج — صاعقه

مِنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا اهل آن دیار را توبه باید کرد تا عذاب از ایشان دفع شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آتشی از هوا مانند باران میبارید دلیل بر بلاء فتنه وخون ریختن از جهت پادشاه بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صاعقه بفتاد واورا بسوخت دلیل که از عقوبت پادشاه هلاک شود **صبح** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صبح صادق بدمید وجهان روشن شد دلیل که اهل آن دیار را ایمنی حاصل شود واگر بیند که بعد از صبح تاریکی پیدا شد تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صبح دمید وسرخ بود چنانچه زمین از عکس آن سرخ شد دلیل که در آن دیار قتل وخون ریختن شود واگر رنگ صبح زرد بود دلیل بیماری بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن صبح در خواب دلیل برقوت وصلاح دین مردم آن دیار بود **صبر** در خواب عالمی بود که غرض از علم وجذب مال بود اگر بیند که صبر میخورد دلیل که عالمی بدین نوع شود واگر نخورد تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید صبر خوردن در خواب دلیل برغم واندوه بود که بوی رسد **صحبت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر صحبت با مردم مصلح وپارسا میدانست دلیل بر دیانت وصلاح زندگانی او باشد واگر بخلاف این بیند دلیل بر فساد وتباه کاری او باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که همراهی با پادشاه میکرد دلیل که از پادشاه او را خیر ومنفعت برسد واگر بیند که همراهی با مردی عالم میکرد دلیل که علم ودانش یابد وکارش بنظام شود واگر بیند که با مشرکی همراهی میکرد توبه باید کرد واگر بیند که با بزرگی همراهی میکرد دلیل که بدنیا مغرور شود **صحرا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن صحرا در خواب خرمی ونیکوئی بود از قبل پادشاه بقدر بزرگی صحرا اگر صحرائی بی اندازه بیند ودر آن خار وخس بسیار باشد واو در آنجا میگشت دلیل که او را با پادشاه ستمگری ظالم صحبت افتد ومقرب وی شود واگر صحرائی بیند که در وسبزه بود دلیل که با مرد فاضل وعالم صحبت افتد وفائده یابد **صحف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که صحف ابراهیم علیه السلام میخواند دلیل که او را کسی راه صواب نماید واز خطا منع کند خاصه که از کتاب خواند واگر بیند که صحف از ظاهر میخواند دلیل که صحبت او با مردم نفاق وریا باشد مغربی رح گوید اگر بیند که مسلمانی مصحف واکرد وصحف ابراهیم علیه السلام میخواند دلیل که اعتقادش در دین مسلمانی بود وگبران وجهودان را دوست دارد ومیل تمام با ایشان بود **صحیفه** سه معنی دارد یکی نامه دوم کاغذ سوم پرده ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر صحیفه چیزی مینوشت دلیل که میراث یابد واگر بیند که بر صحیفه کسی از بهر خود چیزی مینوشت دلیل که از مردی دیندار با امانت چیزی یابد واگر بیند که بر صحیفه بخط سبز چیزی نبشت دلیل که از مصیبت رسته چیزی یابد واگر بر صحیفه چیزی نوشت دلیل که بمیراث نرسد **صدف** کرمانی رحمة الله علیه گوید صدف در خواب زن بود اگر بخواب بیند که صدفی داشت دلیل که زنی خواهد یا کنیزکی خرد واگر بیند که صدف ضایع شد دلیل که خادم او بگریزد **صدقه دادن** خلاف است معبر از ادریس ابن سیرین رح گوید اگر بخواب بیند که عالمی صدقه میداد دلیل که از علم وی بجرم نفع رسد واگر بیند که پادشاه صدقه داد دلیل که منفعتش بسیار بود واگر بیند که پیشه وری صدقه داد دلیل که شاگردان را

صحبت صحرا صحیفه صدف صدقه دادن

کار آموزد کرمانی رحمة الله علیه گوید صدقه دادن در خواب ایمنی بود و خلاصی از رنج و سختی یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر وام داری
بیند که صدقه داد دلیل که وامش گذارده شود اگر بنده بیند که صدقه داد دلیل که آزاد گردد و اگر زندانی بیند که صدقه داد دلیل
که خلاصی یابد و اگر ملحد بیند که صدقه داد دلیل که مسلمان شود و فی الجمله صدقه دادن در خواب دلیل بر سعادت و در جهانی باشد
صراط ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که بر صراط ایستاده بود دلیل که کارهای کج بر دست وی
راست گردد زیرا که صراط راه راست است قوله تعالی وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا اگر بیند که از صراط بگذشت دلیل که
از بلائی بزرگ و مرگ ایمن گردد و اگر بیند که از صراط در دوزخ افتاد دلیل که در رنج و بلا و مصیبت افتد کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که از صراط بگذشت دلیل که راه آخرت گزیند و عمل صالح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن صراط
در خواب بر شش وجه بود یکی راه راست دوم صعبی کار سوم ترین چهارم رحمت از قبل سلطان پنجم گناه ششم نفاق
صفه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید صفه در خواب مادر و پدر بود اگر کسی بیند که صفه سرایش نو و پاکیزه و بلند بود دلیل
بر درازی عمر و سلامتی نفس مادر و پدر باشد و اگر بیند که صفه بیفتاد و خراب شد دلیل بود بر هلاک پدر و مادر مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که صفه از جانب راست خلل کرد و در آن رخنه افتاد دلیل که پدر بیمار شود و اگر بیند که رخنه از جانب چپ بود
دلیل که مادرش بیمار شود و اگر مادر و پدر ندارد دلیل که او را غم و اندوه رسد **صلوات** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
بخواب بیند که صلوة بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و اصحابه وسلم میداد دلیل که حاجتهایش روا گردد و روزی بروی فراخ
گردد و خاتمت کارش بسعادت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صلوات بسیار میفرستاد دلیل که حج کند و اگر پیغامبر
صلی الله علیه علی آله و اصحابه وسلم را بخواب بیند دلیل که سنتهای پیغامبر صلی الله علیه و آله و اصحابه وسلم بجای آورد
صمغ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که صمغ از درخت آنچنان است که فضلهٔ آن خورد اگر بخواب بیند که صمغ داشت یا بوی
کسی داد دلیل که بقدر آن از فضلهٔ مال کسی بخورد و اگر بیند که صمغ بکسی داد دلیل که از فضلهٔ مال خود چیزی بکسی دهد مغربی
رحمة الله علیه گوید صمغ در خواب منفعتی اندک بود که از مردی بوی رسد که بدان درخت منسوب است چنانچه اگر صمغ بادام خورد
دلیل که از مردی بخیل منفعت یابد اگر صمغ زرد آلو خورد دلیل که از مردی بیمار منفعت یابد و اگر صمغ مغیلان داشت دلیل
که از مردی بیابانی منفعت یابد **صنبح** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید صنبح در خواب مکروه و کلام باطل و دروغ بود و اگر بیند
که در پیش او صنبح میزدند دلیل که بدروغ و باطل رضا دهد و اگر بیند که صنبح یا چنگ و چغانه میزدند دلیل بر غم و اندوه و مصیبت
بود که با اهل آن موضع رسد و اگر بیند که صنبح بشکست یا بیند خست دلیل که از کلام باطل و دروغ توبه کند جعفر صادق رضم
رضی الله عنه گوید صنبح زدن در خواب پنج وجه بود یکی خبر مکروه دوم کلام باطل سوم متاع چهارم دنیا پنجم غم و اندوه
صندل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صندل داشت یا کسی بوی داد دلیل که مدح و ثنائی او گوید و اگر بیند که
صندل سپید داشت دلیل که از مردی بزرگوار عطا یابد و هر چند که بوی صندل بیشتر بود منفعت او بهتر باشد جعفر صادق

رضی اللہ عنہ گوید دیدن صندل درخواب بر چہار وجہ بود یکی ثنا و آفرین دوم خیر و برکت سوم جاہ و منزلت چہارم منفعت
و صندل سپید بہتر از صندل سرخ بود **صندوق** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید صندوق درخواب زن بود و بعضے معبران
گویند کہ عز و جاہ بود و اگر بخواب بیند کہ صندوق بزرگی نو بخرید یا کسی بوی داد دلیل کہ بقدر آن عز و جاہ یابد و اگر بیند کہ
صندوق وی ضایع شد یا بشکست دلیل کہ جاہ وی کم شود مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ صندوقی پاکیزہ داشت
دلیل کہ زنی خوبروئی و پاکیزہ بود و اگر بیند کہ صندوق کہنہ بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید
دیدن صندوق درخواب بر سہ وجہ بود یکی عز و جاہ دوم بلندی قدر و مرتبت سوم زن بود **صورت** ابن سیرین
رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ چہرۂ او بصورت دیگر بدل گشت دلیل کہ احوالش بدانکہ دیدہ باشد بگردد و اگر بیند کہ
بصورت خود باز گشت دلیل کہ بخداوند تعالیٰ باز گردد و اگر درخواب صورت خود باز گونہ بیند دلیل کہ ہر کس روی از وی
بگرداند مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ صورت آدمی یا صورت جانوری شد دلیل کہ بد مذہب و دروغ زن بود جعفر
صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ صورت درخواب کسی بیند کہ بر خداوند تعالیٰ دروغ گوید **صوف** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید
جامۂ صوف درخواب خیر و منفعت دنیا بود خاصہ کہ مردم مصلح را و اگر بیند کہ از بدن صوفیان بیرون آمد دلیل کہ میل او
بخطا و گناہ بود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ صوفی شد و مرقع پوشید و در میان صوفیان مقام داشت دلیل کہ
ہمین بہ بیداری بیند و اگر بیند کہ صوفیان او را از میان خویشتن بیرون کردند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند کہ
صوفی شد یا با صوفیان بنشست دلیل کہ طاعت بنفاق کند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید صوفی شدن درخواب
بر چہار وجہ بود یکی دست از دنیا برداشتن دوم از خلق کنارہ گرفتن سوم پیوستہ بعبادت مشغول بودن چہارم
طمع کسی نداشتن **صیقل** درخواب پادشاہ بود و بعضے گویند وزیر پادشاہ بود و اگر بیند کہ صیقلی میکرد اگر از اہل
صلاح بود دلیل کہ پادشاہی یابد یا مقرب پادشاہ شود جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ صیقل گر درخواب مردی باشد
کہ بدست خود حق از باطل جدا کند **صینی** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید صینی آلت زن خادمہ بود و اگر صینی روشن و
پاکیزہ بیند دلیل کہ زن خادمہ باجمال بود و اگر تیرہ بیند دلیل کہ زن خادمہ زشت روی بود و اگر بیند کہ آلات صینی
داشت یا فراگرفت دلیل کہ زنی خادمہ بخانہ آورد یا کنیزک یا زن بمیرد یا بگریزد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید صینی آلت
درخواب بر سہ وجہ بود یکی زن خادمہ دوم کنیزک سوم منفعت از زنان ✣ ✣

حرف الضاد

ضرابی ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید ضرابی درخواب مردی باشد کہ سخنان خود را بیاراید و بہ فخر باز گوید و اگر بخواب
بیند کہ ضرابی میکرد دلیل کہ سخنے چند بی اصل بیاراید و لطیف و شیرین بگوید و اگر بیند کہ درم در وی میزد دلیل

ضعیف

برنخان درشت و ناخوش بود که مردم از ان سخنان برنجند **ضعیف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ضعیفی در خواب نقصان جاه بود و اگر بیند که سروی ضعیف شد دلیل که قدر و جاهش کم شود و اگر بیند که چشم وی ضعیف شد دلیل که در دین ضعیف باشد و اگر بیند که گوشت وی ضعیف شد دلیل که زنش یا خادمش بیمار شود و اگر بیند که بینی وی ضعیف شد دلیل که جاه و منزلتش کم شود و اگر بیند که دینش ضعیف شد دلیل که سخنان باطل بگوید و اگر بیند که گردنش ضعیف شد دلیل که امانت کم گذارد و اگر بیند که قفای وی ضعیف شد دلیل که غیبت مردم کند و اگر بیند که دست وی ضعیف شد دلیل که زنش رنجور شود و اگر بیند که ساعدش رنجور شد دلیل که مادر یا فرزندش بیمار شود و اگر بیند که بازوی وی ضعیف شد دلیل که تدبیر و رای او محال گردد و اگر بیند که پستان او ضعیف شد دلیل بهمین تاویل دارد و اگر بیند که انگشتش ضعیف شد دلیل که دخترش بیمار شود و اگر بیند که شکم وی ضعیف شد دلیل که آنکس که پشت و پناه او باشد ضعیف گردد و اگر بیند که سرین وی ضعیف شد دلیل که حال قهری از خویشان وی بدگردد و اگر بیند که ران وی ضعیف شد دلیل که کسی از خویشان وی بیمار گردد و اگر بیند که زانوی وی ضعیف شد دلیل که مال او نقصان پذیرد و اگر بیند که تن وی ضعیف شد دلیل که اندوهگین گردد

ضیاع

ضیاع زمینها را مالک بود اگر بیند که در زمین خود تخم میکاشت دلیل که احوالش نیکو باشد و اگر بیند که ضیاع وی بوقت خود درست بود دلیل که در راه دین نیکو باشد و اگر بیند که جمله ضیاع خود بفروخت و بها بست دلیل که در رنج و غم افتد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر خیر و صلاح بود و اگر بیند که ضیاع خود آبادان میدهشت دلیل که بقدر عمارت مال دنیا حاصل کند و اگر بخلاف این بیند دلیل که او را نقصان مال بود و اگر بیند که سیل ضیاع او را خراب کرد دلیل که از قبل پادشاه مضرت رسد

حرف الطاء

طاس

طاس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید طاس در خواب زن خادمه بود یا کنیزک خدمت خانه کند اگر بیند که طاسی داشت یا کسی بوی داد دلیل زن خادمه بخانه آورد یا کنیزکی بخرد و اگر بیند که طاس وی بشکست دلیل که آن زن از وی جدا شود یا بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید طاس در خواب کنیزک بایست بود و اگر بیند که طاس آب بوی دادند و بخورد دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که طاس بشکست و آب بماند دلیل که کنیزک بمیرد و فرزندی که باشد بماند و اگر بیند که آب ریخت و طاس بسلامت بود دلیل که فرزند بمیرد و کنیزک بماند جعفر صادق علیه السلام گوید که طاس در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم کنیزک سوم فرزند چهارم منفعت از زنان

طابع

طابع ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طابع بدو دادند تا خزانه خود مهر کند دلیل که عز و جاه و شرف یابد زیرا که تاویل طابع بهتر و قوی تر از انگشتری بود کرمانی رح گوید اگر بیند که پادشاه یا امیری طابع بدو داد که خزانه را مهر کند دلیل که مال خود بدو سپارد و اگر بیند که سزاوار نبود دلیل که

بقدر خود جاه و بزرگی یابد جعفر صادق ع گوید دیدن طابع در خواب بر سه وجه بود یکی بزرگی و جاه دوم خزانه سوم مال جمع کردن **طاعون** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که طاعون دلیل بر فتنه و بلا باشد و اگر بخواب بیند که بر تن وی علت طاعون بود دلیل که در فتنه و بلا افتد مغربی رحمة الله علیه گوید طاعون در خواب جنگ و کارزار بود **طاؤس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید طاؤس زر در خواب پادشاه عجم بود و اگر بیند که طاؤس نر داشت دلیل که از پادشاه جاه و مال حاصل کند و اگر بیند که طاؤس ماده بود و داند که ملک اوست دلیل زنی عجمی بزرگ یا جمال بخواهد و از و مال و فرزندان حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طاؤس با کبوتر جفت شد دلیل که قوادی کند دانیال علیه السلام گوید که طاؤس در خواب زنی مفسده بود و اگر بیند که طاؤس نر با وی سخن گفت دلیل که ولایت یابد و اگر بیند که نر و طاؤس باهم بودند دلیل که بیگانه با عیال او فساد کند و اگر بیند که طاؤس از خانه وی بپرید دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بیند که طاؤس را بکشت دلیل که از دختری دوشیزگی بستاند و اگر بیند که طاؤس در دست داشت دلیل که مال و نعمت یابد و اگر بیند که بچه طاؤس را بگرفت دلیل که او را دختری آید و اگر بیند که طاؤس نر از دست وی بپرید دلیل که از پادشاه جدا افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید طاؤس در خواب بر دو وجه بود یکی پادشاه عجم دوم خزینه و مال **طباخ** در خواب مردی حریص بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طباخی میکرد و آن طبخ بطعم خوش بود دلیل که خیر و نیکی بیند و اگر بخلاف این بیند دلیل که مضرت یابد **طبق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید طبق در خواب خادمی بود که کار مجلس سازد وقت شادی و هر که ویرا به بیند شاد گردد و اگر بیند که طبقی بزرگ داشت دلیل که بدین صفت او را خادمی حاصل آید و اگر بیند که طبق بشکست دلیل که خادم او بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طبق در آتش افتاد و بسوخت دلیل که کنیزکی و یا پرستارش بیمار شود و بطاعون و سرسام گرفتار آید جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن طبق در خواب بر چهار وجه بود یکی خادم خانه و مجلس دوم کنیزک سوم فائده چهارم هدیه **طبل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید طبل در خواب سخن دروغ و باطل بود و اگر بیند که با طبل نائی و رقص بود دلیل بر غم و مصیبت باشد و اگر بیند که طبل مفرد میزند دلیل که سخنی باطل گوید یا چیزی مشهور بدو رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طبل میزند دلیل که کاری باطل کند و طبال در خواب مردی بود که دروغ آراسته کند **طبیب** ابن سیرین گوید اگر بیند که طبیب بیمار را علاج کرد و درست شد دلیل که بخیر از راه فساد براه صلاح آورد و اگر بیند که بیماری بر آن کس صعبتر شد تا ویلش بخلاف این بود و اگر بیند که مردم را دارو داد و نافع آمد دلیل که علم گوید و پند دهد و مردم پند وی پذیرند و بعلم وی کار کنند و اگر دارو ی وی نافع نبود تا ویلش بخلاف این بود و طبیبی کردن در خواب مردم مصلح را دین و راه راست آخرت بود و مردم مفسد را اصلاح تن و کسب معیشت بود **طعام** دانیال علیه السلام گوید هر طعام و شراب که آنرا رسیده باشد تا ویلش بد بود مگر پاپوده و ذخیره زیرا که جواهر حلوا از اصل روغن و انگبین باشد

واین هر دو در تاویل مال بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید بر طعام که بخوردن دشوار و بمیزه باشد با تاویل رنج و اندوه بود و بر چه رنگش باشد دلیل بر بیماری بود و طعام شیرین عیش خوش بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طعام از زر و سیم بستد دلیل بر زیان مال باشد و اگر بیند که طعامی در خانه داشت و همه بخورد دلیل که عمرش بسر آمده باشد و اگر بیند که چندان طعام بخورد که طاقت نداشت که برخیزد دلیل بر مرگ وی بود و اگر بیند که مرده طعام میخورد دلیل که آن طعام گران شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که در دیشی را طعام داد دلیل که از غم و رنج و ترس و بیم رسته گردد و اگر بیند که کافر را طعام داد دلیل که در کار دشمنان حق تعالی او را یاری دهد **طعنه** نیزه زدن بود اگر بیند که کسی را نیزه زد و نیزه در تن وی در رون شد دلیل که این کس بقدر آن زخم دشمنی این کس در دل دارد مغربی رحمة الله علیه گوید طعنه زدن در خواب سخن زشت گفتن باشد و اگر بیند که بسیار طعنه زد و جای او راست دلیل که از سخنی که در حق وی بگوید او را در حاصل آید و اگر در نکرد تاویلش بخلاف این بود **طلاق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زن را طلاق داد و او را یک زن بود دلیل که از شرف و بزرگی افتد و اگر او را زنی دیگر بود بغیر این زن دلیل که شرف و جاه بعضی نقصان پذیرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که زن را طلاق داد دلیل که کاری کند که از آن پشیمان شود و خلع کردن در خواب تو انگری بود قوله تعالی وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ **طلع** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید طلع بار خرما بود اگر بیند که یک طلع یا دو یا سه فراگرفت دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که طلع خورد دلیل که مال و نعمت بسیار حاصل کند و اگر بیند که طلع بسیار داشت و از آن نه میخورد و بکسی نمیداد دلیل که پادشاه مالش بستاند و عاقبت خوشنود شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید طلع در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند دوم رحمت سوم منفعت چهارم ستدن مال بغصب **طلق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید طلق اندک مایه سختی بود در کارها زیرا که جوهری از سنگ است اگر بیند که از جائی طلق بسیار جمع میکرد دلیل که او را بکر و حیلت از سفر مال حاصل گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طلق محلول بر تن بمالید و در میان آتش رفت و از آتش هیچ رنج بوی نرسید دلیل که شر پادشاه از وی دفع شود و اگر بیند که طلق میخورد دلیل که مال رنج و سختی حاصل کند و اگر بیند که طلق از وی ضایع شد دلیل که مالش تلف شود **طنبور** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در خانه و منزل خود طنبور میزد دلیل که در آنجا غم و مصیبت بود و اگر بیند که طنبور وی بشکست دلیل که توبه کند و اگر بیمار بیند که طنبور میزد دلیل که مرگش نزدیک بود و اگر کسی بیند که آواز طنبور می شنید دلیل که بسخن باطل شنیدن رضا دهد **طوطی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید طوطی در خواب فرزند یا غلام بود اگر کسی بخواب بیند که طوطی از دست وی بپرید دلیل که فرزند یا غلام او بسفر رود و اگر بیند که طوطی با وی سخن گفت دلیل که سخنی گوید یا کاری کند که مردم را از آن عجب آید و طوطی ماده دختر دوشیزه بود و طوطی نر مردی پاک دین بود یا غلامی جلد پارسا بود اگر بیند که طوطی ماده را بکشت دلیل که دوشیزگی دختری ببرد و اگر بیند که طوطی از دهان یا از مقعد او بیرون آمد دلیل که او را فرزندی

آید که در شان وی سخنان ناخوش گوید جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن طوطی در خواب بر سہ وجہ بود یکی فرزند و غلام دوم دختر و شیرہ سوم شاگرد پارسا **طوق** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ در گردن او طوق بود از زر یا از سیم دلیل کہ بقدر آن ولایت یابد و در آن انصاف نگاہدارد و اگر بیند کہ از آہن بود دلیل بر بی امانتی و فساد دین بود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر طوق در گردن خود بیند دلیل کہ دعوی بدروغ کند مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر در گردن خود طوق زرین بیند دلیل کہ ولایت یابد و اگر از مس یا از آہن بود دلیل کہ با کسی خصومت کند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن طوق در گردن در خواب بر شش وجہ بود یکی حج دوم ولایت سیوم حضومت چہارم امانت پنجم غلام ششم کنیزک و اگر طوق در گردن اسپ خود بیند دلیل کہ از پادشاہ مال و بزرگی یابد **طیلسان** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید طیلسان در خواب قدر و بزرگی و جاہ بود اگر بیند کہ طیلسان نو و پاکیزہ بود دلیل کہ قدرش نیکو بود و اگر بخلاف این بیند دلیل کہ قدرش کم شود و اگر بیند کہ طیلسان بدرید یا بسوخت دلیل کہ عزیزی از آنِ او بمیرد دانیال علیہ السلام گوید دیدن طیلسان در خواب امانت و دیانت و قوت دین بود و اگر بیند کہ طیلسان پاکیزہ بود دلیل کہ امانت بگذارد و اگر طیلسان چرکین بود دلیل کہ امانت در گردنش بماند و اگر بیند کہ طیلسان زرد بر درد دلیل کہ او را غمی سخت افتد مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید طیلسان سپید در خواب فرزند مصلح بود و اگر سرخ بود دلیل کہ فرزندش معاش و طرب دوست دارد اگر سیاہ بشد فرزندش عالم یا قاضی یا خطیب شود جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن طیلسان در خواب بر دہ وجہ بود یکی عز و جاہ دوم ولایت سوم فرزند چہارم دولت پنجم بزرگی ششم مال ہفتم منفعت ہشتم علم نہم دین دہم شمشیر

حرف الطاء

ظلم کردن ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ بر وظلمی رفت دلیل کہ بر ظلم کنندہ نصرت یابد و اگر بیند کہ او بر کسے ظلم کرد دلیل کہ آن کس بروی ظفر یابد و اگر بیند کہ پادشاہ بروی ظلم کرد دلیل کہ پادشاہ بروی محتاج شود و اگر بیند کہ او بر پادشاہ ظلم کرد دلیل کہ از پادشاہ مضرت یابد اسمعیل اشعث رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بزرگی بیند کہ بر بیچارہ ظلم کرد دلیل کہ آن بیچارہ را نفرین کند و اگر خواجہ بیند کہ بر بندہ ظلم کرد دلیل کہ از خواجہ او را بلا و محنت رسد **ظلمات** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ در ظلمات بود و بروشنائی بدل شد دلیل کہ راہ دین بروی کشادہ گردد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ در ظلمات بود و بروشنائی آمد و باز در ظلمات رفت دلیل کہ منافق باشد قولہ تعالیٰ وَاِذَا اَظْلَمَ عَلَیْهِمْ قَامُوْا وَلَوْ شَاءَ اللّٰهُ الایہ مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید ظلمات در خواب غم و اندوہ بود و اگر بیند کہ در دیاری ظلمات ظاہر شد دلیل کہ در آن دیار غم و اندوہی صعبتر پدید آید جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید ظلمات در خواب بر پنج وجہ بود یکی کفر دوم تحیر سوم فرو بستن کارہا چہارم بدعت پنجم ضلالت اگر تو انگر بیند کہ بدروشنی آمد

دلیل کہ مال زیادت شود و اگر درویشی بیند کہ بتوانگری رفت دلیل کہ کارش بد بود و اللہ اعلم بالصواب ✣ ✣

حرف العین

عاج ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید عاج در خواب دولت بود اگر بیند کہ عاج داشت دلیل کہ از پادشاہ مال یابد و اگر بیند کہ عاج از وی ضایع شد دلیل کہ مالش ضایع شود مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ عاج در صندوقی داشت دلیل کہ یکی از خویشان وی زنی بزرگ خواہد و اگر بیند کہ دواتی از عاج داشت دلیل کہ پادشاہ او را کنیزی عطا دہد و جاہ یابد و اگر بیند کہ عاج بشکست یا ضایع شد دلیل کہ زن یا کنیزک او ہلاک گردد ہر چند کہ عاج سپیدتر و پاکیزہ تر باشد مال بیشتر بود **عاریت کردن** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ کسی چیزی بکسی عاریت داد اگر آن چیز از نوعی بود کہ دوست دارند دلیل کہ ثابت شود بر وی و اگر چیزی بود کہ دوست ندارند تاویلش بخلاف این بود **عاشق** ابن سیرین رح گوید اگر بخواب بیند کہ عاشق است و حریص بود دلیل بر فساد و بدی کند و اگر چیزی حلال بود و خوب بود دلیل بر خیر و صلاح باشد و اگر بیند کہ بر کسی خود بروی عاشق شدہ بود اگر در آن عشق نیت حرام بود دلیل بر شر و فساد کند و اگر در آن عشق نیت حلال بود دلیل بر خیر و صلاح بود اسمٰعیل اشعث رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ از معشوقی کام دل یافت دلیل بر خیر و منفعت بود **عالِم** اگر بیند کہ عالِم یا فقیہ شد و در اصل جاہل بود دلیل کہ مردم سخن نکنند و در زبان مردم افتد بہ بدی و اگر عالم یا فقیہ بود دلیل کہ علمش زیادت شود و اگر بیند کہ قاضی یا حکیم یا خطیب بود یا عالمی زندہ یا مردہ از موضعی بگذشت کہ در آنجا ترس و بیم بود دلیل کہ مردم آن موضع از ترس و بیم ایمن شوند و پادشاہ ایشان عادل گردد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ مردم را علم میگفت اگر از اہل علم نبود دلیل کہ از آن دیار بگریزد و اگر عالم بود دلیل کہ عزد جاہ یابد و اگر بیند کہ بعلم گفتن عطا بستد دلیل کہ او را رشوت دہند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید عالم در خواب بر چہار وجہ بود یکی دولت دوم قاضی سوم حکیم چہارم خطیب **عبادت** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ عبادت خدا تعالیٰ میکرد تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ عبادت در مسجد یا در صومعہ میکرد دلیل کہ خیریت ایشان یابد و اگر بیند کہ جای عبادت کرد کہ مکروہ بود تاویلش بخلاف این بود **عجوزہ** پیر شدن است در حرف کاف بیان کنیم **عدد** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ یکی از درم یا از دینار یا از جامہ یا غیر آن بوی دادند دلیل کہ خیر و نیکوئی بیند قولہ تعالیٰ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا یعنی یک طاعت را دہ پاداش است بنابرین معبران گویند کہ اصل دہ از یکی است کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید عدد یکی نیکو بود و دو غم و اندوہ ولیکن بر دشمن فیروز گردد ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ اگر عدد شمار بیند بد باشد و از کاریکہ در آن بود برخورداری نیابد بقولہ تعالیٰ قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ و لفظ سہ دلالت بر فرقت کند زیرا کہ طاق است و اگر عدد چہار بیند نیکو باشد

چون چیزی دیگر و مضاف نباشد مَا یَکُونُ مِنْ نَجْوَی ثَلٰثَةٍ اِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ واگر عدد پنج باشد نیکو بود و قتیکه صاحب
خواب پنج نماز بر پای دارد واگر عدد شش بیند نیک باشد خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ فِیْ سِتَّةِ اَیَّامٍ واگر عدد هفت
بیند بد باشد سَبْعَ سَمٰوَاتٍ طِبَاقًا وچون یا هفت یا هشت باشد بد بود قوله تعالیٰ سَبْعَ لَیَالٍ وَثَمَانِیَةَ اَیَّامٍ حُسُومًا
واگر عدد نه بیند بد باشد قوله تعالیٰ تِسْعَةُ رَهْطٍ یُفْسِدُوْنَ واگر عدد ده باشد نیکو باشد و مراد دین و دنیا او را حاصل گردد
قوله تعالیٰ تِلْکَ عَشَرَةٌ کَامِلَةٌ واگر عدد یازده بیند دلیل آنست شغلهای وی بروزگار برآید واگر عدد دوازده بیند نیکو
باشد قوله تعالیٰ اِنَّ عِدَّةَ الشُّهُوْرِ عِنْدَ اللّٰهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا واگر عدد سیزده بیند بد باشد و آخر کارش
بد شود واگر عدد چهارده بیند نیک باشد واگر عدد پانزده بیند کارهای پراگنده وی برآید واگر عدد شانزده بیند
حاجتش دیر برآید واگر عدد هفده بیند بد باشد واگر عدد هیجده بیند امیدش برنیاید واگر عدد نوزده بیند او را با مردم
کار افتد قوله تعالیٰ لَوَّاحَةٌ لِلْبَشَرِ عَلَیْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ واگر عدد بیست بیند نیک باشد و بر دشمنان ظفر یابد قوله تعالیٰ
عِشْرُوْنَ صَابِرُوْنَ واگر عدد سی بیند او را با کسی داوری فصل گردد قوله تعالیٰ وَوَاعَدْنَا مُوْسٰی ثَلٰثِیْنَ لَیْلَةً
وَاَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ واگر عدد چهل بیند کارش بسته گردد واگر پنجاه بیند دلیل بر رنج و سختی بود قوله تعالیٰ اَلْفَ سَنَةٍ
اِلَّا خَمْسِیْنَ عَامًا فَاَخَذَهُمُ الطُّوْفَانُ واگر شصت بیند دلیل کند او را سوگند بگردن افتد و او را دو ماه پیوسته روزه
باید داشت یا شصت درویش را طعام باید داد قوله تعالیٰ شَهْرَیْنِ مُتَتَابِعَیْنِ مِنْ قَبْلِ اَنْ یَّتَمَاسَّا ذٰلِكَ لِتُؤْمِنُوْا
بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ واگر عدد هفتاد بیند دلیل کند تا خیر برآید واگر عدد هشتاد بیند دلیل کند او را تهمت کنند و چوب بزنند
قوله تعالیٰ فَاجْلِدُوْا ثَمَانِیْنَ جَلْدَةً واگر عدد نود بیند دلیل کند چند زن را از بزرگان بنکاح کند قوله تعالیٰ تِسْعُ وَ
تِسْعُوْنَ نَعْجَةً وَلِیَ نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ واگر عدد صد بیند دلیل کند نصرت و ظفر یابد قوله تعالیٰ مِائَةٌ یَّغْلِبُوْا مِائَتَیْنِ
واگر سلطان خود را بیند که صد سوار با وی بود دلیل کند بر دشمنان ظفر یابد واگر کسی بیند که ویرا صد درم دادند دلیل کند تهمتی
بزنا بروی نهند و او را صد چوب بزنند قوله تعالیٰ فَاجْلِدُوْا کُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ واگر بیند که کسی او را صد
دانه گندم یا جو یا چیزی از دانها داد دلیل کند او را خیر و برکت بود و عیش بروی فراخ گردد قوله تعالیٰ فِیْ کُلِّ سُنْبُلَةٍ مِّائَةُ
حَبَّةٍ وَاللّٰهُ یُضٰعِفُ لِمَنْ یَّشَآءُ واگر عدد دویست بیند دلیل کند دشمنان بروی ظفر یابند واگر عدد سیصد بیند
دلیل کند بروزگار مرادش حاصل شود قوله تعالیٰ وَلَبِثُوْا فِیْ کَهْفِهِمْ ثَلٰثَ مِائَةٍ سِنِیْنَ وَازْدَادُوْا تِسْعًا واگر عدد
چهارصد بیند دلیل کند بر خصمان ظفر یابد چنانکه حضرت رسول صلی اللّٰه علیه وآله واصحابه وسلم فرمود که خَیْرُ الْجُیُوْشِ
اَرْبَعَةُ اٰلَافٍ یعنی بهترین خوابها چهارصد و بهترین لشکرها چهارصد هزار واگر عدد پانصد بیند دلیل کند کارش موقوف باشد
واگر عدد ششصد بیند دلیل کند شاد شود و به مقصود رسد واگر عدد هفتصد بیند دلیل کند کارش سخت گردد و عاقبت
برآید واگر عدد هشتصد بیند دلیل کند بر دشمن ظفر یابد واگر عدد نهصد بیند دلیل کند دشمن بروی ظفر یابد واگر عدد هزار

بیند دلیل کہ بزرگی یابد و بر دشمن قہر کند قولہ تعالیٰ وَاِنْ یَکُنْ مِنْکُمْ اَلْفٌ یَغْلِبُوْا اَلْفَیْنِ بِاِذْنِ اللّٰہِ واگر عدد دو ہزار بیند دلیل کہ بد باشد واگر عدد سہ ہزار بیند دلیل بر فیروزی بود قولہ تعالیٰ وَبِثَلٰثَۃِ اٰلَافٍ مِنَ الْمَلٰٓئِکَۃِ مُنْزَلِیْنَ واگر عدد چہار ہزار بیند دلیل بر قوت و نصرت باشد واگر عدد پنجہزار بیند دلیل کہ مبارک و فرخندہ بود واگر عدد شش ہزار بیند ہمین تاویل دارد واگر عدد ہفت ہزار بیند دلیل کہ کارہای او کشادہ گردد واگر عدد ہشت ہزار بیند دلیل کہ کارش بنظام شود واگر عدد نہ ہزار بیند دلیل کہ بد باشد واگر عدد دہ ہزار بیند دلیل کہ نصرت و فیروزی بود و اگر عدد بیست ہزار بیند ہمین تاویل دارد واگر عدد سی ہزار بیند دلیل کہ نصرت و ظفر بر رنگ یابد واگر عدد چہل ہزار بیند دلیل کہ نصرت و ظفر یابد واگر عدد پنجاہ ہزار بیند دلیل کہ رنج و سختی و عجز فرو ماندہ شود قولہ تعالیٰ وَمِقْدَارُہٗ خَمْسِیْنَ اَلْفَ سَنَۃٍ واگر عدد شصت ہزار بیند دلیل کہ خرم و شادمان گردد واگر عدد ہفتاد ہزار بیند دلیل کہ دشمن بر وی ظفر یابد واگر عدد ہشتاد ہزار بیند دلیل کہ کارہا بر وی پوشیدہ گردد واگر عدد نود ہزار بیند دلیل کہ دشمن بر وی ظفر یابد واگر عدد صد ہزار بیند دلیل کہ بر دشمن ظفر یابد قولہ تعالیٰ وَاَرْسَلْنَاہُ اِلٰی مِائَۃِ اَلْفٍ اَوْ یَزِیْدُوْنَ

عدس معبران را در تاویل عدس خلاف است ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید خوردن عدس در خواب نیک است زیرا کہ حضرت ابراہیم علیہ السلام او را دوست داشتی گرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید خوردن عدس در خواب بد ست زیرا کہ چون قوم بنی اسرائیل را از من و سلوی ملال گرفت از حق جل و علا عدس و سیر و پیاز خواستند مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید خوردن عدس در خواب مال بود کہ از زنان بوی رسد خاصہ کہ پختہ بود و اگر خام بود دلیل بر مضرت و اندوہ باشد

عراوہ ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ عراوہ در شہر کافران می انداخت دلیل کہ کافران را سخت دشمن دارد و اگر بیند کہ عراوہ در شہر مسلمانان می انداخت دلیل کہ در دین مسلمانان سخنان ناہموار گوید و باشد کہ اہل اسلام را دعای بد کند و اگر بیند کہ عراوہ می انداخت دلیل کہ اہل آن موضع را غیبت کند یا دشنام دہد

عرش ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید عرش در خواب امیری بزرگ یا مال خواستہ بسیار بود و اگر بیند کہ عرش آراستہ بود دلیل کہ او را با مردی بزرگ صحبت افتد و عزت و نصرت یابد و اگر عرش را حقیر بیند دلیل کہ پیش مردم خوار گردد و اگر خود را بر عرش نشستہ بیند دلیل کہ او با مردی بزرگ پیوندد و از وی حرمت و جاہ بیند و اگر بیند کہ از عرش بزیر آمد تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن عرش در خواب بر پنج وجہ بود یکی صاحبی بزرگ دوم رفعت سوم مرتبت چہارم عزت پنجم بزرگواری

عرعر ابن سیرین رحمۃ اللہ گوید اگر کسی بخواب بیند کہ عرعر درخت عرعر تاویل مردی باشد کہ نیکی کمتر کند

عرق کردن اگر کسی بخواب بیند کہ عرق از تن وی روان شد دلیل کہ بقدر عرق وی را زیان افتد خاصہ اگر عرق وی بزمین میچکد ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر کسی بخواب بیند کہ جامہ وی از عرق تر شدہ بود دلیل کہ بقدر آن مال بر عیال خرج کند و اگر بیند کہ عرق خود میخورد مال خود بخورد و اگر بیند کہ عرق سپید بود و بوی خوش داشت دلیل کہ مالش

حلال بود و اگر بخلاف این بیند دلیل کہ مالش حرام بود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید عرق کردن در خواب دلیل بر حاجت روائی
کند و اگر بیند کہ عرق میکرد دلیل کہ حاجتش روا شود و اگر بیمار بیند کہ عرق کرد دلیل کہ شفا یابد **عروسی** ابن سیرین رحمۃ اللہ
علیہ گوید اگر کسی بخواب بیند کہ عروسی بخوہست ولیکن او را ندید و نامش ندانست دلیل کہ بمیرد یا کشتہ شود و اگر بیند کہ عروسی
بخانہ آورد و با وی بخفت دلیل کہ بزرگی یابد و چیزی کہ ملک او نباشد ملک او شود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید عروسی
کہ در آنجا چنگ و چغانہ و نائی باشد دلیل بر مصیبت بود مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر زنی بخواب بیند کہ عروسی شد
و او را نبرد شوہر می برد ند دلیل کہ عمرش بآخر رسیدہ باشد و اگر بیند کہ شوہر او را بستد و با وی نیکی کرد دلیل کہ خیر و
منفعت یابد **عزل** دور کردن از کاری بود اگر بیند کہ پیر را معزول کردند دلیل کہ خواری و بیحرمتی بیابد و اگر بیند کہ
جوانی را معزول کردند تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ مہتر را معزول کردند دلیل بر صلاح
دین بود و اگر از کاری کرد دلیل بر کسب معیشت کند تاویلش نقصان معیشت وی باشد و اگر کارش عملی بد بود کہ او را
عزل کردند دلیل کہ دست از بدی کوتاہ کند و راہ صلاح گیرد **عسس** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ با
عسس میگشت و ایشان مردمان مصلح بودند دلیل کہ او را خیر و منفعت رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر شرف و مضرت بود
و اگر بیند کہ عسس او را گرفت و گزند رسانید دلیل کہ از مردم پادشاہ بوی رنج رسد و اگر بیند کہ از آن عسس بوی
ملالت نرسید دلیل بر خیر و نیکی کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ عسس جامۂ وی بر کند یا وی را بزندان کرد دلیل
کہ از مردم پادشاہ او را زیان رسد و بحیرمتی بیند و اگر بیند کہ از عسس بگریخت و کسی او را نتوانست گرفت دلیل کہ اندک
رنج بوی رسد **عصار** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ عصاری میکرد دلیل کہ بکاری مشغول گردد کہ او را
ثنا گویند و نام نیکی و خیر بود **عصا** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید عصا در خواب مردی بزرگوار باقدر بود و اگر بیند
کہ عصا بر دست داشت یا کسی بوی داد دلیل کہ او را از مردی بزرگ قدر و جاہ پدید آید و اگر بیند کہ عصای وی ضایع
شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند کہ تکیہ بر عصا کردہ دلیل کہ بمعاونت مردی بزرگ آنچہ میجوید بیابد کرمانی رحمۃ اللہ
علیہ گوید اگر بیند کہ عصا در دست دراز شد دلیل کہ بمراد رسد و اگر کوتاہ شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند کہ
عصای خود بکسی بخشید دلیل کہ ہلاک شود و اگر بیند کہ عصا با وی سخن گفت دلیل کہ او را فرزندی آید و از وی منفعت یابد
جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن عصا در خواب بر سہ وجہ بود یکی مردم بزرگوار دوم پادشاہ سوم قوت **عصیدہ**
ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید عصیدہ نوعی از حلواہا است و آن بہتر کہ زعفران نبود و دیدن او در خواب مالی بود کہ بہ مشقت
در وی بدست آید و اگر بیند کہ لقمہ از عصیدہ در دہان گذاشت دلیل کہ سخنی خوش شنود و اگر بیند کہ عصیدہ بسیار خورد
دلیل کہ مال بخصومت حاصل کند **عطا** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر کسی بخواب بیند کہ چیزی او را عطا دادند معبر باید کہ
بپرسد او را از این عطائی کہ دادند چہ نوع بود زر و یا سیم یا جامہ بود و عطا دہندہ معروف بود یا مجہول زن یا مرد بود

چون جمله نیکو بدانست آنکه تعبیر کند اگر نیکو باشد آن چیز مردم آزاد دوست میدارند دلیل که از آن عطائی که بوی داد نیکی بوی
رسد و اگر عطا دهنده مجهول بود دلیل که بسبب دنیا او را خواری رسد و اگر عطا بوعده خطا بود انچه در دروغ بود و اگر بیند
که عطا بستد و دیگر باز داد دلیل که نیک و بد آن بعطا دهنده باز گردد و اگر بیند که او را میوه یا جامه یا چیزی شیرین
عطا دادند دلیل که بآن کس پیوستگی کند و اگر عطا دهنده جهود یا ترسا بود و آن عطا چیزی نیکو بود و او بر غبت ستد دلیل
که ایمان او پر خطر باشد و اگر جهود یا ترسا بخواب بیند که مسلمانی ایشان را عطا داد و بر غبت بستند دلیل که مسلمان شود
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را عطا داد و او شکر گفت دلیل که زیادتی مال و سندرستی بود و اگر شکر نه گفت
تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عطا چیزی نیک بود و عطا دهنده دون بود تاویلش بد بود

عطر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با خود بوئی خوش داشت و او عالم بود دلیل که مردم را از علم وی منفعت
بود و اگر تو انگر بود دلیل که از مال نفع رساند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که با خود عطر داشت دلیل که مردم او را
آفرین کنند و ثنا گویند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عطر در خواب بر نه وجه بود یکی ثنای نیکو دوم سخن خوش
سیوم علم با نفع چهارم طبع نیکو پنجم مجلس علم ششم مرد کریم هفتم مرد با فرهنگ هشتم دین پاک نهم خبر خوش

عطار اگر بخواب بیند که عطاری میکرد دلیل که مردم او را شکر گویند و اگر بیند که بمردم بوئی خوش می فروخت دلیل
که وعده دهد و لیکن خلاف کند اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با مردم عطار دوستی و آشنائی شد دلیل که
مردم او را مدح و ثنا گویند و نامدار شود

عطسه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که عطسه داد و الحمد لله
گفت دلیل که اگر بیمار هست او را طبیب احتیاج افتد و اگر تندرست بیند دلیل که کسی حاجتش روا کند و بروی منت
نهد و اگر بیند که سه بار عطسه داد دلیل بر نیکی و خرمی بود و اگر بیند که عطسه بسیار داد دلیل که مرادش بدشواری بر آید
و اگر بیند که عطسه داد و آب بینی باز گشتن گرفت دلیل که فرزندش آید و اگر بیند که چون عطسه داد و مخاط از بینی باز
گرفت و روان شد دلیل که دروی سخنی زشت گویند و اگر بیند که عطسه آمد و جهنده او بیرون آمد دلیل که از جوهر آن
جهنده او را فرزندی آید که بدان حیوان منسوب باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر عطسه در خواب بآسانی داد دلیل
که مال بآسانی بدست آید و اگر عطسه بدشوار داد دلیل که مال بدشواری بدست آورد

عقل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر عقل خود را بصورت آدمی بیند چنانکه گوید که من عقل توام و داند که عقل ولیست اگر بیند که بخواب اهل آن باشد
دلیل که او را با فرزند پادشاه صحبت افتد و از وخیر بیند و پادشاه زاده او را دوست دارد کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر کسی عقل خود را بدین صورت بیند دلیل که بخت روی بوی نهد و عز و جاه یابد و توانگر شود دانیال علیه السلام گوید
عقل در خواب بخت و دولت بود و اگر عقل خود را بصورت آدمی بیند چنانکه گوید من عقل توام دلیل که بخت و دولت
یار او شود مغربی رحمة الله علیه گوید عقل و جان در خواب مادر و پدر بود و اگر غایب باشند و زنده بودند دلیل که دیدار

الیشان باز بینید واگر مرده باشند دلیل کرد عاو صدقات ازدی بدلشیان رسد و در خبر است که مردی پیش حضرت رسول صلے اللہ علیہ و آلہ و اصحابہ وسلم آمد و گفت بخواب دیدم کہ مال و جان من از من جدا شدند و هر دو بصورت آدمی بودند و بخانہ من در آمدند ما هر سہ بنشستیم و بشراب مشغول گشتیم رسول اللہ صلے اللہ علیہ و آلہ و اصحابہ وسلم فرمود کہ عقل قسمت این جهان است و جان قسمت آن جهان کار تو بمراد شود و اگر بینید کہ عقل و جان بستیزه و لجاج میکردند دلیل کہ با سلطان ولایت منازعت کند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید عقل و جان در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی بخت و دولت دوم مادر و پدر سوم فرزند پادشاه چهارم مال و نعمت **عقیق** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ عقیق داشت یا کسے بوی داد دلیل کہ بابزرگی مصاحب شود و از وخیر یابد و اگر بیند کہ عقیق از وضایع شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند کہ بخرد از عقیق داشت و از وچیزی بخورد دلیل کہ او را فرزندی آید کہ شرف و بزرگی وجاه یابد **علک** کندر بود اگر بیند کہ علک بر آتش نهاد دلیل کہ بقدر آن در مال او نقصان شود و اگر بیند کہ علک میخائید دلیل کہ مالی بخصومت و گفتگو یابد **علم** در خواب مردی دانا یا امام زاہد بود یا شخصے کہ مردم بوی اقتدا کنند و اگر بیند کہ علم در دست داشت دلیل کہ از این نوع مردم کہ صفت کردیم با کسے آشنا شود و از وی راحت یابد و اگر بیند کہ علم از دست وی بیفتاد یا ضایع شد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید دیدن علم در خواب دلیل بر سفر بود اگر بیند کہ علمے بوی دادند یا لشکری بروی جمع شوند جاه و بزرگی یابد خاصه کہ علم سپید یا سبز باشد مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ علمی سپید بزرگ در دست داشت دلیل کہ با مردی توانگر صالح او را صحبت افتد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند کہ علمی سبز داشت دلیل کہ زاہد و دیندار شود و اگر بیند کہ علمی سیاه داشت دلیل کہ قاضی یا خطیب شود جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن علم در خواب بر چهار وجه بود یکی مهتر دوم سفر سیوم جاه چهارم نیکی احوال **عمارت** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر کسے بیند کہ در جایگاهی خراب عمارت چون مسجد و مدرسه و خانقاه کرد دلیل بر صلاح دین و ثواب آن جهان بود و اگر بیند کہ بر زمین خراب شده بود و از بهر خود عمارت میکرد چون سرائی و دکان و مانند این دلیل کہ فائده اینجهانی یابد و اگر بیند کہ جائی معروف بود و خراب شد دلیل کہ در بلا و مصیبت افتد مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ در جائی معروف و مشهور و معمور مقیم شد دلیل کہ از ان مقام خیر و صلاح و منفعت بقدر عمارت آن مقام یابد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن عمارت در خواب بر چهار وجه بود یکی صلاح اینجهانی دوم خیر و منفعت سوم کامرانی چهارم برکت و گشایش کارهائی بسته **عماری** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ در عماری نشسته بود و عماری بر استر یا بر اسپ بود و میرفت دلیل کہ قدر و بزرگی یابد و اگر بیند عماری بیفتاد و یا از عماری بیرون شد تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمۃ اللہ گوید اگر بیند کہ کسے او را در عماری نشاند دلیل کہ بابزرگی پیوندد و کارش بالا گیرد و قدر و جاه او زیادت گردد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن عماری در خواب بر هفت وجه بود یکی بزرگی دوم عزت سوم مرتبت چهارم

ریاست پنجم رفعت ششم ولایت هفتم پیوستن بامهتری **عمود** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید عمود درخواب مردی درست
درست بود و معبران گویند که سخنهای سخت باشد و اگر بیند که عمودی بر کسی زد دلیل که سخنی سخت بکسی بگوید و اگر بیند که
عمود آهنین داشت دلیل که او را از پادشاه قوت و یاری بود و اگر بیند که عمود از دست وی بستدند تاویلش بخلاف
این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عمود درخواب بر سه وجه بود یکی مرد راست دوم سخنهای سخت و زشت سوم
مهتری بزرگ **عناب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عناب داشت و میخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند
و اگر بیند که عناب بکسی داد دلیل که از و بدانکس مال رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عناب از درخت جمع میکرد دلیل که
بقدر آن مال برنج حاصل کند **عنبر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که عنبر داشت دلیل که بقدر آن منفعت یابد
و اگر بیند که عنبر بسیار جمع میکرد و باز بیافت دلیل که بقدر همت خویش ولایت یابد و اگر بیند که عنبر بکسی داد دلیل که از و بدان
کس منفعت رسد و اگر بیند که عنبر از وی ضایع شد دلیل که مال وی نقصان پذیرد و اگر بیند که بر عارض کسی عنبر مالید دلیل
که بجای او نیکی کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عنبر درخواب بر چهار وجه بود یکی منفعت دوم ولایت سوم کامرانی
چهارم ثنای نیکو **عنقا** نوعی از نوها بود چون چنگ و بربط و مانند این ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عنقا
میزد دلیل که بباطل و سخن محال رضا دهد و اگر بیماری بیند که عنقا بشکست یا بیفگند دلیل که از دروغ و محال توبه کند
و اگر بیند که عنقا میزد دلیل که زود بمیرد **عنکبوت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید عنکبوت درخواب مردی ضعیف
و گمراهی و عاصی بود و بعضی معبران گویند که جولاهه بود و اگر بیند که عنکبوت از وی دور شد دلیل که از مردی جولاهه دور شود
عود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عود زیر کسی می سوخت دلیل که از وخیر و منفعت یابد و عود درخواب مردی
خوب روی و لطیف طبع بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عود خام داشت و یا کسی بوی داد دلیل که از پادشاه خلعت
یابد و هر چند که عود خوشتر باشد عطا بیشتر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید عود درخواب بر چهار وجه بود یکی مردی
خوبروی دوم سخن خوش سوم ثنا و آفرین چهارم مال و منفعت **عود سوز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید عود سوز درخواب
کنیزک بافرهنگ یا غلام زیرک و دانا بود و اگر عود سوز سپید روی باشد دلیل که غلام یا کنیزک از اهل ترسا باشد
و اگر ازمس بود دلیل که از اهل جهود باشد اگر از آهن بود از اهل گبران باشد و اگر بیند که عود سوز شکست یا ضایع شد
دلیل که غلام یا کنیزک هلاک شود **عورت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که عورتش تمام ظاهر شد
چنانکه مردم او را میدیدند دلیل که ستر او در میان مردم ظاهر شود و اگر بیند که عورت خود زود باز پوشید دلیل که ستر او زود
پوشیده گردد و معبران گویند اگر بیند که بعضی از عورت خود برهنه بود و پوشید و کسی ندید دلیل که اگر بیمار بود شفا یابد و اگر
وامدار دلیل که وامش گذارده شود و اگر ترسان دارد دلیل که ایمن گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند که عورت
او برهنه بود و بیدار شد و از آن شرمنده شد دلیل که از حال بد بحال نیک آید و اگر بیند که قصداً عورت خود برهنه کرد

دلیل که کاری کند که از آن مستوجب عقوبت گردد یا آفتی بوی رسد که باعث عبرت خلق گردد **عید** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عید قربان بود دلیل که او را بامردی عاقل کار افتد و اگر بیند که عید رمضان بود دلیل که او را بامردی عابد زاهد صحبت افتد و منفعت دینی باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند که عید بود و مردم آراسته بیرون آمدند دلیل که اگر زندانی بود خلاصی یابد و اگر از اهل عز و شرف بود دلیل که شرف او زیادت گردد **عاشورا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی روز عاشورا بخواب بیند دلیل که کامگاری یابد قوله تعالی اَکْمَلْتُ لَکُمْ دِیْنَکُمْ وَ اَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِیْ و اگر در خواب سر سال و ماه و روز بیند سال و ماه و روز بروی خجسته و مبارک بود دلیل بر خیر و صلاح بود

حرف الغین

غار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در غاری رفت و در آنجا مقیم شد دلیل که در کاری سخت گرفتار شود و اگر بیند که در غار شد و زود بیرون آمد دلیل که در کاری صعب گرفتار شود و خلاصی یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در غار شد و آن غار روشن بود دلیل که او را بزندان کنند و بعضی گویند در کاری سخت گرفتار شود و اگر بیند که از غار بیرون آمد دلیل که رنجور شود و شفا یابد **غارت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مال و نعمت وی غارت کردند دلیل که غم و مصیبت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لشکر اسلام دیار کفر را گرفت و غارت کرد دلیل که اهل کفار را غم و مصیبت بود و اگر بیند که لشکر کفار اهل اسلام را غارت کردند دلیل که غم و اندوه مسلمانان را رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن غارت در خواب بر چهار وجه بود یکی جنگ دوم زیان سیوم غم و اندوه چهارم نرخ ارزان **غالیه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غالیه در خواب فرهنگ و نام آور بود و اگر بیند که غالیه بکسی داد دلیل که آن کس را از وی ادب و فرهنگ آموزد کرمانی رحمة الله علیه گوید غالیه نشان حج بود و معبران گویند که غالیه مالی باشد که از مهتر بدو رسد و اگر بیند که غالیه یافت دلیل که از زنی یا از مردی بازرگان منفعت یابد و اگر بیند که کسی بر چشم وی غالیه مالید دلیل که بجای وی حق گذاری کند و مردم او را دعا گویند و اگر بیند که کسی بر بناگوش وی غالیه مالید دلیل که او را متهم بدروغ گوئی کنند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن غالیه در خواب بر پنج وجه بود یکی ادب و فرهنگ دوم ثنا و آفرین سوم حج اسلام چهارم مال و خواسته پنجم خیر و منفعت **غائب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که غایبی از سفر نزدیک وی آمد دلیل که نامه و یا خبر آن غایب برسد و اگر از خانه خود غایب شد دلیل که نامه و خبر نزد خویشان وی برسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که غایبش از سفر باز آمد دلیل که کار بسته بروی گشاده گردد و اگر بیند که غایبش تر شروئی و متفکر بود تا ولیش بخلاف این بود و اگر بیند که غایبش سواره از سفر باز آمد دلیل که غایبش زود با نعمت و مال باز آید و اگر غایب را پیاده و عاجز و برهنه بیند دلیل که در راه غایب را قطاع الطریق بزنند و مفلس شده باز آید **غبار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید

اگر

اگر بیند که غبار بر چیزیکه ملک او بود نشست دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که غباری بر روی آسمان و زمین میشد
دلیل که مردم آن موضع از آن کار که دارند بیرون آیند و اگر بیند که بر چیزیکه ملک او بود نشست دلیل که بقدر آن مال
حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که روی او پر غبار بود دلیل که او را رنجی و عقوبتی رسد قوله تعالی وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ
عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ و اگر بیند که بر زمینی که ملک اوست غبار بود دلیل که بقدر آن مال حاصل کند **غربال**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غربال در خواب خادمی بود مهین و اگر کسی بخواب بیند که غربال داشت دلیل که او را خادمی
حاصل آید و اگر بیند که غربال وی بشکست دلیل که خادم وی بگریزد یا بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند غله بغربال
پاک میکرد دلیل که کاری کند که مردم را ازان منفعت باشد و او را مضرت رسد و اگر بیند که آنچه پاک میکرد از بهر خود
میکرد دلیل که منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید غربال در خواب بر سه وجه بود یکی خادم دوم یار سوم شاگرد
غرق شدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در دریا غرق شد و بمرد دلیل که پادشاه او را هلاک
کند و اگر بیند که آب او را فرو برد و باز بالا آمد و نمرد دلیل که از کار دنیا دست بدارد و صلاح دین در راه آخرت جوید
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چهار پائی در سرای یا دکانی یا باغی غرق شد دلیل که بکار صعب درماند و سرانجام رهائی یابد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید غرق شدن در خواب بر چهار وجه بود یکی مال بسیار دوم اقبال سوم صحبت با مردم بد مذهب
چهارم منفعت **غزا کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که در راه خدا تعالی غزا میکرد دلیل که کار
خویشان و عیال او نیکو شود و بی نیازی یابند قوله تعالی وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ
مُرَاغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً اگر بیند که از غزا روی بگردانید دلیل که از خویشان روی بگرداند قوله تعالی هَلْ عَسَيْتُمْ
إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بغزا رفت دلیل
که دولت نعمت و بزرگی یابد قوله تعالی وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا و اگر بیند که مردم
آن دیار بغزا بیرون شدند دلیل که عز و جاه یابد و مردم را قهر کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با کافران تنها
جنگ میکرد دلیل که بر دشمنان ظفر یابد و روزی حلال بدو رسد و عمرش دراز گردد قوله تعالی وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ
قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ
جعفر صادق رضی الله عنه گوید غزا کردن در خواب بر شش وجه بود یکی خیر و برکت دوم سنت رسول الله صلی الله علیه وآله
و اصحابه وسلم گذاردن سوم بر دشمن ظفر یافتن چهارم شفا از بیماری پنجم طاعت پادشاه داشتن ششم غنیمت یافتن +
غسل کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که در اصل دریا غسل میکرد دلیل که غم و اندوه وی کم گردد و اگر
بیمار بود شفا یابد و اگر وام دارد وامش گذارده و از ترس ایمن گردد و اگر محبوس باشد خلاصی یابد و اگر بیند که آب کم
غسل میکرد و آنکه دست در وی بشست دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بیند که دست بآب و استنجا شست اگر دوستی دارد

دلیل کر درمیان ایشان فرقت افتد واگر بیند کر خود را از جنابت بشست دلیل کر شغلش تمام شود مغربی رحمة الله علیه گوید غسل کردن در خواب از جنابت دلیل بر پاکی از دروغ بود و هر زیادت و نقصان کر بشستن از جنابت پدید آید دلیل بر دین دروغ شود **غل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن غل در خواب کفر باشد و میلش بناحق بود و اگر بیند کر غل در گردن داشت دلیل کر کافر میرد و اگر بیند کر غل وی گردن بند سگ شده بود دلیل کر منافق بود و اگر بیند کر غل در گردن و بند بر پای داشت دلیل کر کافر بود و دعوی مسلمانی بدروغ کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند کر غل بر دست نهاد داشت دلیل بر بخل او کند قوله تعالی وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللّٰهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا و مقصود از غل بخل است ابن عباس رضی الله عنه گوید معبران گویند چون مرد صالح غل در گردن بیند دلیل کر دست از کار شر بدارد

غلاف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غلاف در خواب زن بود اگر بیند کر غلاف شمشیر بشکست و شمشیر او بسلامت بماند دلیل کر فرزند بسلامت از مادر بیرون آید و مادر هلاک شود و غلاف کارد همین حکم دارد **غلام** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند کر غلام شده بود دلیل کر بکاری سخت افتد و در آن رنجور شود و اگر بیند کر غلامی بگرفت یا بخرید دلیل کر در آن کار نیکوئی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید غلام در خواب شادی بود قوله تعالی وَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ و در جای دیگر فرموده یَا بُشْرَىٰ هٰذَا غُلَامٌ جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند کر غلام یا کنیزک میفروخت دلیل کر نیک بود و اگر بیند کر منیجر پدید باشد و از بهای غلام و کنیزک اگر زر و سیم ستاند بد بود و اگر اجناس ستاند نیکو باشد **غلبه کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند کر بر خصم غلبه کرد دلیل کر بر خصم غالب شود و اگر بخلاف این بیند دلیل کر خصم بروی غالب شود

غم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غم در خواب فرح و شادی بود و اگر بیند کر غمگین شده بود دلیل کر فرح یابد و بمراد برسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند کر اندوهگین شده بود دلیل کر بقدر آن مال یابد و اگر بیند کر از غم رسته بود تاویلش بخلاف این بود **غنیمت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غنیمت یافتن در خواب اگر مال کافران بود دلیل کر زخمها گران گردد و اگر بیند کر مسلمانان از دیار کافران غنیمت آوردند دلیل کر در آن دیار کر غنیمت آنجا برند غمت شود و زخمها ارزان شود و اگر بیند کر کافران از دیار مسلمانان غنیمت آوردند دلیل کر بقدر آن او را منفعت حاصل شود **غواص** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند کر بدریا فرو رفت و مروارید بدر آورد دلیل کر بقدر آن علم و دانش آموزد و از مال سلطان راحت یابد و اگر بیند کر بدریا رفت و هیچ نیاورد دلیل کر بعلم آموختن مشغول گردد و لیکن فائده نیابد و اگر بیند کر گوهری از قعر دریا بر آورد دلیل کر عالم و فاضل شود و از پادشاه منفعت یابد **غوره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند کر غوره بوقت خود میخورد دلیل کر بقدر آن چیزی برنج و مشقت بدست آورد و لیکن پایدار بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند کر غوره میخورد دلیل کر اندوهگین شود و اگر بیند کر غوره بفروخت یا بکسی داد و از آن هیچ نخورد دلیل کر اندوهش کمتر بود و اگر غوره بگوشت پخته بود بهتر باشد غوک و زغ در حرف واو شرح آن گفته شود +

حرف الفاء

فاخته ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فاخته در خواب زنی ناقص دین بدمهر بود که با کسی سازگاری نکند و اگر بیند که فاخته داشت دلیل که زنی بد دین بدینسان بخواهد و اگر بیند که بچه فاخته بگرفت دلیل کرا و را فرزندی آید و اگر بیند که گوشت فاخته میخورد دلیل که بقدر آن مال زن بستاند و حج کند کرمانی رحمة الله علیه گوید فاخته فرزندی دروغ زن بود و اگر بیند که فاخته بر بام وی بانگ یکبار کرد دلیل که خبر غایب شنود و اگر دو بار بانگ کرد بهتر بود و اگر سه بار بانگ کرد بغایت نیکو بود و اگر بیند که فاخته باز اغ سر وی بخانه وی درآمدند دلیل که دزد در خانه وی درآید و کالای او ببرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن فاخته در خواب بر سه وجه بود یکی زن دوم فرزند سوم خادم **فال گرفتن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فال گرفت و فال نیک آمد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که فال گیری میکرد دلیل که آن کس جوزهندی بسیار خورد جعفر صادق رضی الله عنه گوید فال گرفتن در خواب بر سه وجه بود یکی بر دشمن ظفر یافتن دوم مراد سوم حاجت روا شدن اگر فال نیک بود و اگر بد باشد تاویلش بخلاف این بود **فالوده** اگر زعفران بود بیماری بود دیدن فالوده رنج و خصومت بود بقدر آن آتشی که بروی رسیده باشد اگر بیند که فالوده در دهان نهاد دلیل که سخنی لطیف گوید و اگر بیند که لقمه فالوده بکسی داد دلیل که بآن کس سخنی خوش گوید یا از بهر وی کاری کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید فالوده در خواب بر چهار وجه بود یکی سخن خوش دوم مال سوم منفعت چهارم با جنگ کار یکه برآید بدشواری بود **فام** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فام بروی بود دلیل که حج کند و اگر نمازش فوت شده باشد قضا کند و اگر امانتی در گردن دارد باز رساند و اگر وام دارد دلیل که بگذارد **فتنه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فتنه از جایگاهی زایل شد دلیل که اهل آن دیار بخداوند تبارک و تعالی باز گردند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر آزده چیزی بیند دلیل در آن دیار فتنه و بلا افتد یکی تاریکی دویم آتش سوم باد سرد چهارم باد گرم پنجم سیاهی آفتاب و ماهتاب ششم غبار هفتم باران هشتم برکندن درختان نهم ابر سرخ یا سیاه دهم جامهٔ سرخ و زرد پوشیدن **فراخی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از جایگاهی تنگ بفراخی آمد یا از سختی بآسانی رسید دلیل که از غم بغم شود و از اندوه فرح یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خانه بروی فراخ شد دلیل که روزی بر عیال وی فراخ گردد و اگر بیند که خانه بروی تنگ شد دلیل که روزی بروی و عیالان وی تنگ گردد و اگر بیند که خانه بروی تنگ شد و باز فراخ شد دلیل که راه دین و شریعت بروی مستقیم شود فی الجمله فراخ شدن چیزهای تنگ دلیل بر گشایش کارها بود و برکت در چیزها **فراش** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فراش در خواب دلالت بود که از بهر کسی زن خواهد **فرج** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که او را هیجون زنان فرج بود دلیل که خوار و بیچاره گردد و اگر بیند که کسی با وی مجامعت کرد دلیل که حاجت از وی روا شود و اگر دو زن بیند که ایشان را یک فرج است دلیل که دو زن از یک کس باشند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر زنی بیند که

که فرج وی از آهن یا آهنس بود دلیل که از یافتن مراد ما نومید شود و اگر مردی بیند که فرخ رنش از سوی پس بود دلیل
که آن زن چیزی دوست دارد که رضای حق تعالی در آن نباشد و اگر زنی بیند که فرج وی بریده شد دلیل که
بر دشمن ظفر یابد و اگر زنی بیند که از فرجش ماهی بیرون آمد دلیل که او را دختری آید و اگر زنی بیند که از فرج او گربه
بیرون آمد دلیل که او را فرزندی دزد و راهزن پدید آید و اگر زنی بیند که از فرج او ماری بیرون آمد دلیل که او را دختر
نابکار آید و اگر زنی بیند که از فرج او ماری نر بیرون آمد دلیل که او را فرزندی آید که دشمن او گردد و اگر بیند که از فرج وی گردم
بیرون آمد دلیل که او را همین تاویل دارد و اگر بیند که از فرج او کرم یا موری بیرون آمد دلیل که او را فرزندی دون همت آید
و اگر بیند که از فرج وی نان بیرون آمد دلیل که مفلس و تنگدست گردد و اگر بیند که از فرج وی کنجد بیرون آمد دلیل که شوهرش
او را دوست دارد و اگر بیند که از فرج او خون بیرون آمد دلیل که شوهرش در حالت حیض با وی مجامعت کند و اگر بیند که
از فرج وی ریم بیرون آمد دلیل که او را فرزندی صالح پارسا آید و اگر بیند که از فرج او آبی تیره بیرون آمد تاویلش بخلاف
این بود و اگر بیند که از فرج وی تی بیرون آمد دلیل که بقدر آن مال یابد و اگر بیند که از فرج وی آتش بیرون آمد دلیل
که فرزندانش ملک جهان بگیرند و اگر بیند که کسی فرج ویرا بدرید دلیل از آن کس منفعت یابد اسمعیل اشعث رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که بر فرج وی موئی رسته بود و بسیار بود دلیل که بسبب فرزند خود اندوهگین شود و اگر بیند که بر فرج وی
موئی نبود دلیل که شاد شود و اگر بیند که فرج وی آماسیده بود دلیل که مال یابد و اگر زنی بیند که او را بجای فرج قضیب بود
اگر آبستن بود دلیل که پسر آرد و نماند و اگر آبستن نبود دلیل که پسرش بمیرد و اگر بیند که از فرج وی گوهر و یا مروارید بیرون آمد
دلیل که او را فرزندی عالم و پارسا آید **فرجی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که فرجی پاکیزه داشت دلیل که
از غم فرج و بزرگی یابد و اگر فرجی چرکین و کهنه بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فرجی از دیبا
بود که پوشیده بود دلیل که نیک باشد ولیکن با جردم پارسا بود و دیبای رنگ ازملون بود و فرجی کرپاس و ابریشم
دلیل بر زیادتی دین بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فرجی زنان پوشیده بود دلیل که او را ملامت رسد و اگر بیند
که در آن فرجی با کسی مجامعت کرد دلیل که حاجتش روا شود از آنکس که با وی مجامعت کرد اسمعیل اشعث رح گوید اگر بیند
که فرجی سرخ پوشیده بود دلیل که بر دینداری و امانت و پارسائی کند و اگر بیند که فرجی سیاه پوشیده بود اگر عالم بود
دلیل بر راحت و منفعت بود و اگر عالم نبود دلیل که خوب نباشد و اگر فرجی زرد پوشیده بود یا در بر داشت دلیل بر مصیبت
و غم و اندوه بود **فرزند** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند او را دختری آمد دلیل که خیر و راحت یابد و از اهل
بیت شادمان شود و اگر بیند که پسری آمد دلیل که دختری او را آید و اگر بیند که دختری آمد دلیل که پسری آید مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که او را فرزندی بود و فرزند او را کسی بستد دلیل که بیمار شود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
در جای طفل افگنده بیافت یا کسی بوی داد دلیل که از جائی که امید ندارد چیزی بوی رسد **فرعون** ابن سیرین رح علیه

گوید

گوید اگر بیند که یکی از فرعونیان با تقدم یا از پادشاهی متقدم ستمگر در شهری در آمد و در آن شهر مقام گرفت دلیل که سیرت فرعون علیه اللعنة در آن دیار ظاهر گردد و اگر بیند که از پادشاه متقدم یکی در شهری رفت دلیل که سیرت عدل آن پادشاه در آن دیار ظاهر گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فرعون عطائی بوی داد یا خلعتی او را بخشید دلیل که بقدر آن از پادشاه ظالم مال حاصل کند یا از مردی بزرگ مالی حرام یابد **فرمودن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را بگوید دیگ بپز دلیل که در کاری که هست استادگی نماید و اگر کسی گوید که دیگ بگردان تا نسوزد یعنی پرهیز باش و اگر بیند که بدو گفتند که نان بشکن یعنی برادران را خوش دارد اگر بیند که کسی گوید که گندم بفروش یعنی نان بده و اگر بیند که گوید میان را در بند یعنی فائده بر گیر از کار و اگر بیند که گویند توقف کن یعنی بر دشمن ظفر خواهی یافت و اگر بیند که کسی گوید آتش کم باش یعنی مال نگهدار تا در ویش نشود و اگر بیند که گویند چراغ برافروز یعنی مال خرج کن و اگر بیند که گویند که بستر بگستر دیعنی بخواه و اگر گویند تخم بکار یعنی با خلق خدای نیکوئی و اگر بیند که کسی گوید غسل کن یعنی توبه کن و بخدای تعالی باز گردد و اگر بیند که گویند چیزی بخور یعنی لقمه حلال بخور **فرود آمدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از کوهی فرود آمد یا از جایگاهی فرود آمد دلیل که شرف و بزرگی او زایل گردد و مالش نقصان شود و اگر بیند که از پایه بزرگی بزیر آمد دلیل که در دینش نقصان شود خاصه که نردبان از گل بود و اگر نردبان از گچ و سنگ باشد دلیل که مالش نقصان شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از کوه فرود آمد اگر پیش پادشاه بود دلیل که از وجاه او شود و در حرمت و جاهش نقصان پذیرد و اگر از تل فرود آمد دلیل که بقدر بلندی اندر نعمت او نقصان شود **فروختن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هر چه در شرع و راه دین عزیزتر بود فروختن آن بد بود و اگر بخواب بیند که مصحف کلام الله را فروخت دلیل که دین مسلمانی نزد او خوار بود و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بندهٔ خود را بفروخت دلیل که حرمت و بزرگی او از زمان باشد و زشت نام گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چیزی بفروخت آن چیز حقیر شود **فزونی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر فزونی خیر و صلاح بود نیک بود و لیکن چیزهائی که در آن شر و فساد باشد بد بود کرمانی رحمة الله علیه گوید فزونی در تن دیدن چون تن را زیان ندارد نیک بود و هر چند که فزونی بیند دلیل که مال و نعمت بیش یابد و اگر در فزونی تن او را مضرت رسد دلیل که نقصان و رنج و بیماری بود **فستق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فستق در خواب مال و نعمت بود اگر بیند که مغز فستق داشت و بخورد دلیل که بقدر آن مال و نعمت بود و اگر بیند که مغز فستق داشت دلیل که از مردی بخیل منفعت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مغز فستق بدو دادند دلیل که مال و نعمت یابد **فقاع خوردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فقاع خوردن در خواب دلیل بر خیر و منفعت بود از قبل خادمیکه بوی رسد و اگر بیند که فقاع میخورد دلیل که از خادمی خیر و منفعت یابد اگر بیند که فقاع بکسی داد دلیل که بآن کس منفعت رساند و اگر بیند که کوزهٔ فقاع بیفتاد و بشکست دلیل که او را زیانی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید فقاع خوردن در خواب خدمت کردن مردم بود و اگر بیند که فقاع

خورد دلیل کہ خدمت مردی سفلہ کند واگر بیند کہ فقاع خورد و شیرین بود دلیل کہ از و منفعت یابد واگر ترش و ناخوش بود دلیل کہ او را زیان و مضرت رسد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید فقاع خوردن در خواب بر چہار وجہ بود یکی منفعت دوم بوسہ سوم خدمت کردن چہارم مرد سفلہ **فقیہ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ فقیہ و فاضل شدہ بود و سخن او نزد خلایق قبول بود دلیل کہ شرف و بزرگی یابد و نامش در آن دیار بہ نیکی منتشر گردد مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر مردی امی خود را بخواب فقیہ بیند دلیل کہ عوان شود و اگر خود را بخواب عالم تمام بیند دلیل کہ قاضی شود **فلاخن** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ فلاخن بکسی انداخت دلیل کہ بدان کس نفرین کند و اگر بیند کہ کسے سنگ فلاخن بروی انداخت دلیل کہ آن کس بروی نفرین کند و اگر بیند کہ اندام از سنگ فلاخن خستہ شد دلیل کہ از نفرین آفتی بوی رسد و رنجور گردد **فلوس** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید فلوس در خواب جنگ و خصومت بود و اگر بیند کہ فلوس داشت دلیل کہ با کسی خصومت کند و اگر بیند کہ فلوس بسیار داشت دلیل کہ در غمی سخت گرفتار شود و اگر بیند کہ فلوس ہا از خانہ بیرون انداخت دلیل کہ از غم و اندوہ رستہ گردد مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید فلوس در خواب دیدن دلیل بر مفلسی بود **فندق** در خواب دیدن مال بود اگر کسے بخواب بیند کہ فندق داشت دلیل کہ از مردی بخیل منفعت یابد و اگر بیند کہ بخروار فندق می داشت دلیل کہ او را با کسے خصومت افتد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ مغز فندق شیرین بود کہ داشت دلیل کہ مال حلال یابد **فنک** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید فنک در خواب مردی غریب توانگر و آمیزندہ باخلق بود و پوست و موی او استخوان دی مال و خواستہ بود و گوشت وی مال مردی غریب و توانگر بود و اگر بیند کہ فنک مطیع وی بود دلیل کہ فائدہ نیابد و اگر بیند کہ فنک را کشت و پوست دیرا بر کند و گوشت وی را بفگند دلیل کہ مال مردی غریب تلف کند و اگر بیند کہ فنک را خبہ کرد و از گردن او خون روان شد دلیل کہ دوشیزگی دختری غریب بستاند و اگر بیند کہ فنک بسیار بروی جمع شدند و از ایشان گزندی دید دلیل کہ در میان گروہی افتد و از ایشان منفعت یابد و اگر بخلاف این بیند مضرت یابد **فواق** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر کسے بیند کہ فواق آمد دلیل کہ خشم گیرد و دشنام دہد و سخن ناسزا گوید کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ بہنگام نان خوردن او را فواق پدید آمد دلیل کہ بیمار شود و اگر بیند کہ او را فواق پیاپی می آید دلیل کہ بی حجتے بر کسی خشم گیرد و اگر بیند کہ فواق او بانگ او بلند بود دلیل کہ در دروغ گوید و بدان در دروغ او را ملامت رسد و اگر بیند کہ فواق نرم و آہستہ بود دلیل کہ بر کسے خشم گیرد و لیکن زود باز آید و اگر بیند کہ فواق میکرد و ہر چہ بود بر آورد دلیل کہ اجلش نزدیک رسیدہ باشد **فودہ** خمیر خشک باشد کہ از ان آبگامہ سازند دیدن وی در خواب غم و اندوہ بود و اگر بیند کہ فودہ میخورد دلیل کہ بسبب کاری متفکر گردد و فودہ در خواب جنگ و خصومت با خویشان بود جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن فودہ در خواب بر پنج وجہ بود یکی بیماری دوم غم و اندوہ سیوم خصومت چہارم نجات پنجم ناسازگاری بر عیال **فوطہ** ابن سیرین

رحمة الله علیه گوید فوطه و جامه فوطه در خواب شادی و آسانی بود و اگر بیند که فوطه از پنبه بود که داشت دلیل که در راحت دینی و دنیاوی بود که یابد خاصه چون نو و فراخ بود و اگر فوطه کهنه و دریده بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید فوطه در خواب لباس مردم صالح است و اگر بیند که جامه فوطه پوشیده بود و بیننده مستور بود دلیل بر زیادتی ستر او بود و اگر بیننده خواب مفسد بود دلیل که توبه کند و راه صلاح جوید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر جامه فوطه پادشاه بیند دلیل که عدل و داد آورد و اگر قاضی بیند که جامه فوطه پوشید دلیل که حکم براستی کند و اگر مشرک بیند مسلمان شود و اگر فاسق بیند تایب گردد و اگر زنده بیند توبه کند و راه صلاح جوید ✣ ✣

حرف القاف

قاضی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که قاضی شده و در میان خلق داوری میکرد و از اهل قضا بود دلیل که در رنج و بلا گرفتار شود و مالش از دست برود و اگر بسفر رفته باشد او را قطاع الطریق بزنند و مالش تلف شود و اگر عالم و دانا بود قاضی شود و اگر بیننده خواب عالم بود و جوان بود از سفر بسلامت باز آید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی قاضی معروف بخواب بیند دلیل که بمنزلت علما و بزرگان دین برسد و اگر قاضی مجهول بیند که نشسته بود و داد و بخشی داوری داشت و در میان ایشان حکم کرد هر حکمی که رفته باشد آن بود قوله تعالی والله یحکم لا معقب لحکمه و در جائی دیگر فرموده یقضی الحق و هو خیر الفاصلین مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قاضی بروی حکم کرد همان بود که دیده باشد و اگر بیند که قاضی ترازوئی در دست داشت دلیل که در میان خلق حکم براستی کند و اگر بیند که قاضی به مهر و شفقت بر او نگاه کرد و با وی بلطف و مدارا سخن گفت دلیل که او را نزد اهل علم حرمت و جاه بود و خوار و فرومایه باشد **قافله** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با قافله سوی خانه می آمد دلیل که کار بسته وی گشاده گردد و از خویشان دور شود **قالب** کالبد بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر قالب کفش یا موزه در خواب بیند دلیل که زن و خادم بود که کارهای وی راست دارند و اگر بیند که قالبی داشت دلیل که خادمی او را حاصل آید و اگر بیند که قالب شکست یا بسوخت دلیل که آن خادم خانه او هلاک شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قالب بسیار داشت دلیل که او را از خادمان خیر و منفعت رسد و اگر بیند که کفش دوز یا موزه دوز بود دلیل که بهتر باشد **قالی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قالی بزرگ از بهر وی افگنده بود و دانست که ملک و ثیست دلیل بر درازی عمر و فراخی روزی بود و اگر بیند که بر قالی نشسته بود در جای بیگانه و ندانست که آن جایگاه کیست دلیل که دنیا بروی متغیر گردد و در غربت بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر قالی تنگ و کوچک نشسته بود دلیل که عمرش کوتاه و روزی تنگ بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قالی در پیچیده بود و بر دوش داشت دلیل که از جائی بجائی دیگر رود و عمرش اندکی مانده بود و هر چند که

قالی بزرگتر و فراخ تر باشد معیشت در وزی بیشتر و بهتر بود و اگر بیند که بر قالی کوچک نشسته بود و زیر وی فراخ شده دلیل که عیش و روزی فراخ گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که عیش و روزی بروی دشوار گردد و اگر بیند که قالی گسترده بود و بدست خود در نوشت و در کنج خانه نهاد دلیل که دولت و اقبال خود تباه کند و اگر بیند که قالی بر پشت نهاده و میبرد دلیل که بزه بسیار کند و انبیاء علیه السلام گوید اگر بیند که قالی کوچک و سبز بود دلیل که روزی بروی تنگ شود اما عمرش دراز شود و اگر بیند که قالی سبز و پاکیزه داشت دلیل که روزی بروی فراخ شود و اگر بیند که قالی در خانه کسی افگنده بود دلیل که خداوند آن خانه را دولت و اقبال بود و اگر بیند که در خانه مجهول قالی افگنده بود دلیل که سفر کند و مال و نعمت یابد **قبا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قبای کرپاس در خواب پناه و قوت سفر بود و اگر بیند که قبای کرپاس فراخ پوشیده بود دلیل که از غمها فرج یابد و اگر بیند که قبای حریر پوشیده بود در خواب مکروه بود مگر که با سلاح پوشیده بود اما از مردی بزرگ شرف و منزلت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند قبا پوشیده بحرب میرفت بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که قبای سبز پوشیده بود دلیل که روشنائی یابد و اگر کبود بود مصیبت باشد و اگر سیاه بود غم و اندوه باشد و اگر ملون بود کارش بنظام گردد و اگر قبای کهنه و دریده بود دلیل که زنرا طلاق دهد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قبای عنابی داشت اگر اهل آن قبا باشد دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که قبای پوستین سیاه و پلید پوشیده بود دلیل که زنی توانگر بزنی کند و اگر بیند که قبا از پوست روباه بود دلیل که زنی پارسا بزنی کند و اگر قبا از پوست سمور بود دلیل که زنی توانگر خواهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید قبا در خواب بر شش وجه بود یکی پناه دوم قوت سوم حجت چهارم منفعت پنجم حکمت ششم ریاست **قبالة** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که قبالة و خط داشت دلیل که بقدر خط و قبالة او را حکمت حاصل شود و اگر بیند که پادشاه خط و قبالة بوی داد دلیل که او را والی و ولایت گرداند و اگر بیند که قاضی قبالة بوی داد دلیل که علم شرع او را حاصل شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید قبالة در خواب بر شش وجه بود یکی ریاست دوم حکمت سیوم منفعت چهارم ولایت پنجم حجت ششم قوت **قبان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قبان در خواب مردی خونخوار بود کفه قبان در خواب شنوائی بود و زبانه اش فزونی بود بوقت گذاردن حکم مغربی رحمة الله علیه گوید قبان در خواب قاضی بود اگر بیند که قبانی داشت دلیل که با وکیل قاضی او را صحبت افتد و اگر بیند که بقبان چیزی می سنجید دلیل که قاضی را با او صحبت افتد **قبله** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قبله بگذاشت و بجانب مشرق نماز گذارد دلیل که براه حضرت رسول علیه السلام میل ندارد و اگر بیند که قبله نشناخت دلیل که در راه دین سرگشته و متحیر گردد **قبه** گنبد بود و در حرف کاف بیان کنیم **قدح** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که قدح آب با جلاب داشت و از ان بخورد دلیل که زن بخواهد یا کنیزک خرد و فرزند صالح و پارسا آورد و اگر بیند که آب بر بخیت و قدح بماند دلیل که فرزند بمیرد و زن بسلامت باشد و اگر بیند که قدح شکست و آب بر بخیت دلیل که فرزند و زن هر دو بمیرند و اگر بیند که قدحی بود از آن بخورد دلیل که او را فرزندی بدکردار آید و از وی محنتی بدو برسد و اگر قدحی تهی بخواب بیند دلیل که او را

فرزندی نیاید جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید قدح در خواب بر سہ وجہ بود یکی زن دوم کنیزک سوم خادم کہ مشترک جوابہ خانہ بود **قدید** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید قدید در خواب اگر گوشت گوسپند بود دلیل بر غنیمت بود و اگر گوشت اسپ بود دلیل کہ غنیمت مردم سپاہ بود و اگر گوشت چارپایان دشتی بود غنیمت مردم بیابانی بود و خوردن گوشت قدید خیر نباشد **قرآن خواندن** در خواب دلیل بر حاکم است اگر بخواب بیند کہ آیت رحمت و بشارت بود از حق سبحانہ و تعالیٰ پس واجب بود کہ خیرات کند و شکر حق تعالیٰ جل و علا بگذارد و اگر بیند کہ آیۃ عذاب میخواند دلیل کہ بر خشم و غضب خدا تعالیٰ عزوجل بود توبہ کردن باید و بخداوند تبارک و تعالیٰ باز گردیدن و اگر بیند کہ آیت از قصص و امثال میخواند دلیل کہ معیشت کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ نیمہ قرآن میخواند دلیل کہ یک نیمہ از عمر گذشتہ بود و اگر بیند کہ حافظ قرآن شد دلیل کہ امانت نگہدارد و اگر بیند کہ آواز قرآن می شنید دلیل کہ کارش در راہ دین نیکو گردد و اگر بیند کہ کسی قرآن وی میخواند و او از آن ہیچ فہم نمیکرد دلیل کہ غم و اندوہ بخاطر وی رسد مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ جملہ قرآن ختم کرد دلیل کہ مرادہا بیابد و بعضے از معبران گویند عمرش بآخر رسیدہ باشد و اگر بیند کہ قرآن بآواز بلند میخواند دلیل کہ کارش بلند شود و میان مردم معروف گردد و اگر بیند کہ یاد دارد کہ کدام آیہ میخواند دلیل کہ تفسیر آیۃ بتعبیر وی باشد اسمٰعیل اشعث رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ چہار یک قرآن میخواند دلیل کہ کاردی نیکو گردد و اگر بیند کہ از اعراف تا مریم بخواند دلیل کہ در میان خلق مشہور گردد و اگر بیند کہ از زمر تا سورۃ الناس خواند ہمہ حاجات وی بر آید و اگر بیند کہ تمام سیپارۂ قرآن خواند دلیل کہ سال و ماہ بروی مبارک باشد و اگر بیند کہ ہفت سیپارۂ قرآن خواند دلیل کہ از غم و اندوہ رستہ گردد و اگر کسی قرآن خوان نبود و بخواب بیند کہ قرآن میخواند دلیل کہ اجلش نزدیک رسیدہ باشد قولہ تعالیٰ اقرء کتابک کفیٰ بنفسک الیوم علیک حسیبا اگر بیند کہ برہنہ بود و قرآن میخواند دلیل کہ ہوادار بود و اگر بیند کہ بجایگاہ پاک و پاکیزہ نہ میخواند دلیل کہ در اعتقادش خلل پیدا شدہ باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید قرآن خواندن در خواب بر چہار وجہ بود یکی سلامتی یافتن از آفتہا دوم توانگری بعد از درویشی سوم مراد و کام دل یافتن چہارم بیداری و پرہیزگاری فرمودن کسانی را کہ مستور باشند روز قیامت حجت مر ایشان را بعذاب و عقوبت **قربان کردن** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر کسی بخواب بیند کہ اشتر یا گاو یا گوسپند قربان کرد دلیل کہ اگر بندہ بود آزاد شود و اگر در رنج و بلا و زحمت گرفتار بود شفا یابد و اگر در بند بود خلاصی یابد و اگر درویش بود تونگر گردد و اگر ترسی دارد ایمن گردد و اگر وامی دارد ادا گذارده شود و اگر حج نکرده باشد بگذارد و اگر بیند کہ بصحرا بجہت قربان رفتہ بودند دلیل کہ آن قوم اگر از چیزی ترسند ایمن گردند و اگر محبوس باشند خلاصی یابند و اگر قحط و تنگی بود بفراخی مبدل شود خاصہ کہ این خواب نزدیک عید قربان باشد تا ویلش زود تر اثر کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ گوشت قربانی بمردم قسمت میکرد دلیل کہ مردی محتشم آنجا بمیرد و مالش را قسمت کنند و اگر بیند کہ گوشت بدزدیدند دلیل کہ بر خداوند تعالیٰ عزوجل دروغ گوید و قربان

درخواب بشارت بود قوله تعالی وبشرناه باسحٰق نبیاً من الصالحین وبارکنا علیه وعلی اسحٰق اگر خداوند
خواب زن بود حاملہ پسر صالح آرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید تاویل قربان درخواب برشش وجه بود یکی ایمنی از ترس دوم
حاصل شدن مراد وحاجات سوم خیر وبرکت چهارم ناشستم زوال قحط وتنگی **قرابه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قرابه درخواب
گنده پیری بود که مال وخواسته بدو سپارند واگر در قرابه آب یا جلاب یا چیزیکه خوردنش حلال بود بیند دلیل که آن
گنده پیر حلال خوار بود واگر بیند که در قرابه چیزی بود که مستی کند دلیل که آن گنده پیر حرام خوار بود معبر لی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که قرابه داشت دلیل که اورا با گنده پیری صحبت افتد واگر بیند که از قرابه آب یا جلاب خورد دلیل که اورا
از گنده پیر خیر ومنفعت رسد واگر از قرابه چیزی ترش خورد دلیل که غم واندوه خورد واز قرابه تهی، هیچ خیر وشر نرسد
واگر بیند که قرابه بشکست دلیل که از آن گنده پیر جدا گردد **قرنفل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قرنفل درخواب ثنائے
نیکو بود واگر بیند که قرنفل بسیار داشت وبهر کس عطا داد دلیل که اهل آن دیار بروی ثنا گویند ونامش بنیکی منتشر گردد و
اگر بیند که قرنفل میخورد دلیل که اورا غم واندوه ومصیبت رسد **قز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قز وابریشم چون سپید
باشد دلیل بر نعمت ایمنهائی باشد واگر زرد بود دلیل بر بیماری کند ودیدن ابریشم پخته بهتر از خام بود واگر بیند که ابریشم
یا قز او بسوخت یا ضایع شد دلیل که ویرا زیانی رسد واگر بیند که قز وابریشم داشت وسفید بود وملک وی بود دلیل که
خیر ومنفعت یابد واگر سبز بود بهتر باشد واگر سرخ بود مردانه باشد واگر سیاه یا کبود بود دلیل بر غم واندوه باشد
واگر بیند که از هر رنگی ابریشم داشت دلیل که او را از هر رنگے متاع حاصل شود وابریشم مردان را در دین مکروه بود وزنان
را نیک باشد **قسط** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قسط در زیر خود می سوخت ودود میکرد دلیل که مردم آن ولایت
اورا مدح وثنا گویند ونامش در آن دیار بنیکی منتشر گردد واگر دود گنده وناخوش بود تاویلش بخلاف این بود معبر لی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قسط میخورد دلیل که غمگین شود **قسمت کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند میان
گروهی چیزی قسمت میکرد دلیل که میان خلق انصاف نگاهدارد واگر بیند که مال خود بخیر وصلاح قسمت کرد دلیل که اورا فرزندان
آیند ومال بر ایشان قسمت کند واگر بیند که مال خود بشر وفساد قسمت میکرد دلیل که مال وی تباه شود واگر بیند که مال کسی برضائے
او قسمت میکرد اگر بصلاح یا فساد بود دلیل که خیر وشر آن بوی باز گردد **قصاب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قصاب
چون مجهول باشد ملک الموت بود واگر بیند که قصاب در سرائے یا در کوچه آمد دلیل که در آنجا کسے بمیرد واگر بیند که او قصاب است
وقصاب نبود دلیل که کسیرا بکشد واگر بیند که با قصاب همراهی کرد دلیل که اورا با ظالمی صحبت افتد کرمانی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که قصابی کرد وقصاب نبود دلیل که غم واندوه از وی زایل شود واگر بیند قصاب بود خون حق ریزد معبر لی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که قصاب مجهول در خانه وی در آمد یا در کوچه در آمد دلیل که در آن موضع مرگ مفاجات پیدا شود
قصه گفتن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسے بخواب بیند که قصه مجهول میخواند دلیل که از ترس وبیم ستمگاران ایمن شود

قولہ تعالیٰ فَلَمَّا جاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قالَ لا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ مردم را قصہ میگفت دلیل بر خیر و صلاح بود اگر نیک میگفت و اگر بد میگفت دلیل بر شر و فساد کند مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ قصہ میگفت دلیل کہ کارش نیکو شود و مرادش حاصل گردد و قصہ گوی در خواب مردی نیک محضر بود **قضیب** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید قضیب شاخ درخت بود کہ در خواب بیند اگر کسی بخواب بیند کہ شاخ درخت تازہ و باریک بود و بدو دادند و آن کس معروف بود دلیل کہ او را از آن کس بقدر آن خیر و منفعت رسد و اگر بیند کہ شاخی باریک و خشک بود دلیل کہ چیزی بوی نرسد مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ شاخ درختی کہ ترشش میوہ او بود و بدو دادند دلیل کہ از آن کس بدو غم و اندوہ رسد و اگر از درخت شیرین بود دلیل کہ خیر و منفعت یابد **قطایف** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ قطایف لشکر و بادام کسی بوی داد و از آن بخورد دلیل کہ او را مال و نعمت آسان بدست آید و اگر مغز جوز و دوشاب بود دلیل کہ منفعت اندک بود جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید قطایف در خواب بر چہار وجہ بود یکی سخن خوش دوم مال حلال سوم منفعت چہارم منفعت **یخ قطران** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید قطران در خواب مال حرام بود و اگر بیند کہ قطران داشت و از آن یکی خورد دلیل کہ بقدر آن مال حرام حاصل کند و اگر بیند کہ تن یا جامۂ وی بقطران آلودہ بود دلیل کہ لباس حرام پوشد و بعضے گویند بسبب مال در بلا و محنت افتد و اگر بیند کہ قطران از خانہ بیرون انداخت دلیل کہ توبہ کند **قفا خوردن** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر کسی بخواب بر قفای خود موئی بیند دلیل کہ وامدار شود و اگر بیند کہ موئی از قفا سترده بود دلیل کہ وامیکہ دارد گذارده شود و اگر بیند کہ بر قفای او سیلی کسی زد چنانکہ آماس گردد دلیل کہ هم او را او هم کسان او را منفعت بود و اگر بیند کہ بیگانہ بر قفای او سیلی زد دلیل کہ منفعت از بیگانہ یابد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ کسے چندان سیلی بر قفای او زد کہ خون روان شد دلیل کہ او با کسی داوری کند و زیانش رسد و اگر بیند کہ قفای خود بدرید دلیل کہ عیالش بر وی خیانت کند و اگر بیند کہ بر قفای خود حجامت کرد دلیل چیزی کہ خریدہ باشد قبالہ نویسد مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ رویش بقفا گشت دلیل کہ با مردم منافقی کند **قفص** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ قفصے داشت دلیل کہ در جائی گرفتار شود و معبران گویند کہ او را با کسی از خویشان در زندان کنند و اگر بیند کہ قفص شکست یا ضایع شد دلیل کہ از تنگی زندان خلاصی یابد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید قفص در خواب بر سہ وجہ بود یکی زندان دوم جای تنگ سوم سرای نخاس **قفل** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید قفل در خواب دلیل بر راست شدن کارہای دینی و دنیاوی بود و اگر بیند کہ قفل زود بگشاد دلیل کہ کارہا بر وی گشادہ شود و شاید کہ حج اسلام بگذارد و اگر بیند کہ قفل نتوانست گشود دلیل کہ کارش دیر گشادہ شود مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ قفلے محکم بر جائی نہادہ دلیل کہ مال خود بہ مصلح سپارد و اگر بیند کہ قفلش سست و ضعیف بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن قفل در خواب بر شش وجہ بود یکی ساختن کار دوم

قوت سوم حجت چهارم منفعت پنجم زن ششم اعتماد بر کسی مصلح داشتن **قلعه** ذر بود در حرف دال ذکرش رفته است **قلم** معبران در تاویل قلم خلاف کرده اند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قلم امر حق است و خدا یتعالی را بقلم و لوح محفوظ نیازمنیست مغربی رحمة الله علیه گوید قلم فرشته ایست که بفرمان خدا یتعالی جل و علا کار کند و اگر کسی قلم را بدان صورت که هست بیند دلیل که او را با پادشاهی عاقل کار افتد و حق تعالی جل و علا قلم را یاد کرده است ن والقلم و ما یسطرون اگر بیند که قلم بر دست گرفت دلیل که او را فرزندی فاضل آید اسمعیل شعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر آن قلم که بر دست داشت چیزی نبشت دلیل که علم آموزد قوله تعالی علم الانسان ما لم یعلم جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن قلم در خواب پرنج وجه بود یکی امر حق تعالی دوم فرشته سوم توانگری چهارم حقیقت کردار پنجم قلم را خامه گویند و شرح آن در حرف خا یاد کردیم **قلیه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قلیه که با پخته باشد بهتر از آن که بی آب پخته باشند و هر چند که قلیه بطعم خوشتر بود منفعت آن بهتر باشد و اگر قلیه از گوشت گاو فربه باشد و خورد دلیل که در آن سال از ترس و بیم ایمن بود و اگر از گوشت برّه یا بزغاله خورد دلیل که مالی اندک یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قلیه از گوشت اسپ بود و خورد دلیل که مال از پادشاه برنج و سختی بدست آرد و اگر از گوشت اشتر خورد دلیل که مال از مردی بزرگ بدست آرد و اگر قلیه از گوشت ماهی خورد دلیل که از جهت زنان بمکر مال بدست آرد و اگر خداوند خواب مفسد بود دلیل بر غم و اندوه کند و اگر بیند که قلیه از گوشت چهارپائی خورد که گوشت وی حرام است دلیل که مال حرام خورد **قمع** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قمع کوچک در خواب غلام و کنیزک بود و قمع بزرگ وی مرتد پرکننده بود و اگر بیند که قمع کوچک بخرید یا کسی بوی داد دلیل که غلام یا کنیزک کوچک بخرد و اگر بیند که قمع او شکست یا ضایع شد دلیل که او را از صحبت چنین مردی مفارقت افتد و اگر بیند که قمع او سیمین بود دلیل که او را با مردی نیک رای و خردمند صحبت افتد و اگر بیند که قمع او آهنین بود دلیل که با مردی قوی رای و شجاع صحبت افتد و از وی خیر و منفعت یابد **قند** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قند خورد دلیل که بتجمیل کاری کند که از آن کار پشیمان شود و اگر بیند که کسی پارهٔ قند در دهان او نهاد دلیل که او را بوسه دهد و اگر بخرد و قند داشت دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که قند میفروخت دلیل که او را زیان رسد و خریدن قند بهتر از فروختن بود **قندیل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قندیل افروخته توفیق عبادت بود خاصه که روشن بود و اگر کسی بخواب بیند که در خانه وی قندیل افروخته آویخته بود دلیل که زنی صالحه یابد یا بخواهد و اگر این خواب زنی بیند طاعت و عبادت بسیار کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید قندیل افروخته در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی زن خواستن دوم توفیق سوم عز و دولت چهارم کشایش در کارهای بسته و قندیل ناافروخته دیدن منفعت اندک بود **قنوت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی در خواب بیند که قنوت خواند دلیل که مردم مدح و ثنا گویند و حاجتش روا گردد و اگر مرد مصلح و پارسا در خواب خواند دلیل که همه حاجتش روا شود و اگر بیند که مصلح بود از درگاه حق تعالی حاجتهای او برآید و اگر بیند که مفسد بود دلیل که از بزرگی کارهای دنیا بوی برآید **قینه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قینه

درخواب خادمی بود که کلید خانه بدو سپارند اگر کسی بخواب بیند که قنینه داشت و در وی آب بود یا جلاب یا چیزی که خوردن او حلال بود و آن میخورد دلیل که مال حلال یابد و اگر در قنینه چیزی حرام بود و از ان میخورد دلیل کز او را زان خادم چیزی حاصل شود و اگر بیند که قنینه بشکست یا ضایع شد دلیل که خادم او بگریزد کرمانی رحمة الله علیه گوید قنینه درخواب خادمی بود که چیزها بر دست وی باشد **قیامت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که قیامت بود دلیل که حق سبحانه و تعالی در آن دیار عزر گسترده گرداند و اگر اهل آن دیار ظالم باشند دلیل که آفتی و بلائی بدیشان رسد و اگر اهل آن دیار مظلوم باشند دلیل که حق تعالی عزوجل ایشان را نصرت دهد و اگر بیند که اهل آن دیار پیش حق جل و علا ایستاده بودند دلیل بر خشم و عذاب حق تعالی جل و علا باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیامت برخاست اگر مظلوم باشد دلیل که بر ظالم دست یابد و از غم رسته گردد و اگر بیند که علامتی پیدا شد چنانچه آفتاب از مغرب برآمد یا دجال و یاجوج و ماجوج پیدا شدند باید که توبه کند و بحق تعالی گراید و اگر بیند که گورها بشکافت و مردمان بیرون آمدند دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که او را برانگیختند باید که از گناه توبه کند و رضای حق تعالی جل و علا جوید و اگر بیند که در شمارگاه بود دلیل که در غفلت بود قوله تعالی اِقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُعْرِضُونَ اگر بیند که با وی شمار کردند دلیل که او را زیان برسد قوله تعالی فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُكْرًا و اگر بیند که کردارها بسنجید و از آن وی نیکی زیادت آمد دلیل که سرانجام کار وی نیکو شود قوله تعالی فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ و اگر بیند که بدی وی بیشتر از نیکی بود دلیل که سرانجام کار وی بد بود قوله تعالی وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ اگر بیند که ترازوی وی سنگین بود و نامه وی بدست راست داشت دلیل که وی براه راست بود قوله تعالی وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ و اگر بیند که نامه کردار وی دادند و گفتند که برخوان اگر از اهل صلاح بود کارش نیکو شود و اگر از اهل فساد بود بر خطر باشد قوله تعالی اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ اگر بیند که بر صراط است دلیل که براه راست میرود و اگر بیند که بر صراط نتوانست گذشت هم براه راست بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید قیامت در خواب اهل صلاح را بر چهار وجه بود یکی رستگاری دوم فرح از غم سیوم ظفر یافتن بر دشمنان چهارم اقبال و خاتمت باسعادت و اهل فساد را بخلاف این بود **قیر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که قیر داشت دلیل که بقدر آن بنعمت و روزی یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیر بسیار داشت و بخانه برد دلیل که بقدر آن بنعمت بخانه برد و اگر بیند که قیر از خانه بیرون افگند تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که در قیر او آتش افتاد و بسوخت دلیل که پادشاه او را مصادره کند و مالش بستاند و اگر بیند که قیر می خورد دلیل که چیزی حرام خورد و بعضی معبران گویند که او را غم رسد **قی کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که قی میکرد و آسان بر می آمد دلیل که توبه کند و اگر بیند که قی نتوانست کردن یا در وقت برآمدن باز جای رفت دلیل که از توبه باز گردد و سرانجام عقوبت یابد و بعضی گویند که او را مصیبت و زیان افتد و اگر بیند که قی میکرد و میخورد دلیل که

از بخل چیزی بر عیال نفقه نکند کرمانی علیه الرحمة گوید اگر بیند که قی میکرد و طعم او ترش و ناخوش بود دلیل که بعد از توبه بر گناه رود و اگر بیند که بهنگام قی کردن چیزی از شکم وی بزبان آمد دلیل که بیمار شود و اگر بیند که بلغم برآورد دلیل که از بیماری شفا یابد و اگر بیند که خون بسیار برآورد دلیل که مال یابد و اگر بیند که صفرا برآورد دلیل که از رنج ایمن شود و اگر هر چه در شکم بود برآورد دلیل که هلاک شود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید قی کردن در خواب بر شش وجه بود یکی توبه دوم پشیمانی سوم نصرت چهارم از غم رستن پنجم امانت باز دادن ششم کارهای بسته کشاده شدن و اگر بیند که قی کرده و بخورد دلیل که چیزی بکسی بخشد و ازان کس باز ستاند +

حرف الکاف

کاجی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کاجی بروغن کنجد و شکوفه ورد غن بادام خورد دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد و اگر بیند که بروغن و انگبین میخورد دلیل که بقدر آن راحت یابد و اگر بیند که کاجی بروغن و ماست میخورد دلیل که از کسی بوی اندک منفعتی رسد و اگر بیند که کاجی بچربی ترش میخورد دلیل برغم و اندوه و اندیشه بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کاجی بچربی شیرین میخورد دلیل که او را مال بآسانی بدست آید و اگر بیند که بچربی ترشش میخورد دلیل که غم و اندوه بود بقدر ترشی **کارد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کارد فرزند باشد و نیام کارد زن بود اگر کسی بخواب بیند که کارد در دست داشت و دانست که از آن وی است دلیل که او را فرزند آید اگر بیند که با کارد سلاح دیگر داشت دلیل که بزرگی و منزلت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سلاحی پوشیده و کاردی در دست داشت دلیل که او را از کسی پناه و قوت بود و بعضی گویند که غلام کاردگری آموزد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کارد از نیام برکشید دلیل که زنش پسری آورد و اگر بیند که کارد در نیام شکست دلیل که پدر او یا یکی از خویشان پدرش بمیرد و اگر بیند که اندام خود را بکارد بخست دلیل که بقدر خستگی اندام او را زیان رسد و اگر بیند بکارد چیزی تر تراشید دلیل که از ان خیر و منفعت یابد و اگر بیند که در کارد او خسته افتاده بود یا زنگ گرفت یا عیبی در وی ظاهر شد دلیل که نقصان مال او بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کارد در خواب بر هفت وجه بود یکی حجت دوم فرزند سیوم ظفر چهارم پناه پنجم برادر ششم توانائی هفتم ولایت **کارزار کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کارزار کردن در خواب علت طاعون بود اگر کسی بخواب بیند که کارزار میکرد دلیل که او را از علت طاعون بیم بود و اگر در کارزار دشمن را قهر کرد دلیل که از علت خلاصی یابد و اگر در کارزار دشمن بروی چیره گشت دلیل که بعلت طاعون هلاک شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کارزار با کسی بشمشیر جنگ میکرد و یکی از ایشان فرصت یافت دلیل بر خصومت بود و آن را ظفر بود که فرصت یافته بود و اگر کارزار به نیزه میکرد همین تاویل دارد و اگر بتیر و کمان کارزار میکرد دلیل که میان ایشان بزبان گفتگوئی شود **گازری کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که

گازری کردن

گازری میکرد و گازر نبود دلیل بر توبه کند و توفیق خیرات یابد زیرا که چرک جامه تباویل غم و اندیشه بود و گازر پاک کنندهٔ چرک است پس دلیل بازگشتن بخداوند تعالی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که جامه در شستن بدرید دلیل که توبه بشکند و اگر بیند که جامه دریده را بدوخت دلیل که باز توبه کند و اگر بیند که او بشستن سفید شد دلیل که از توبه خلاصی و رستگاری یابد و اگر بیند که جامه می شست و سپید نمی شد دلیل که همواره در گناه بماند مغربی رحمة الله علیه گوید گازر در خواب مردی باشد که بر دست وی خیرات و حسنات هر دو برود از بهر کفارت گناهان جعفر صادق رضی الله عنه گوید گازر در خواب مردی باشد که غم و اندوه از دل مردم ببرد ازین سبب معبران گویند چون کسی بخواب بیند که جامه می شوید دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و از گناهان توبه کند خاصه که جامه را سپید شوید **کار دنیا کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کار دنیا میکرد دلیل بر فساد و نقصان دین وی بود و اگر بیند که کار دین میکرد دلیل بر صلاح دین بود و بر احوال آن جهانی نیک بود و اگر بیند که کارهای دنیاوی آراسته شد دلیل که اجلش نزدیک باشد و اگر بخلاف این بود عمرش دراز باشد و اگر بیند که بکاری مشغول بود که او را و غیر او را از آن منفعت نبود دلیل که بکاری مشغول شود که در آن خیر و منفعت نباشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که با مردی بکاری می شد و در راه بنشست دلیل که مخالف دین بود قوله تعالی فرح المخلفون بمقعدهم خلاف رسول الله ۴ **کاروان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که با کاروان در راه بود و اهل آن کاروان مصلح و پارسا بودند دلیل بر خیر و صلاح کار وی بود و اگر بیند که مردم کاروان مفسد و بدخوی بودند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که سوار بود و برگ تمام داشت دلیل که او را نعمت حاصل شود و اگر بیند که در کاروان پیاده بود و برگ نداشت تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با کاروان بخانه می آمد دلیل که کارها بروی گشاده گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که کارها بروی بسته گردد **کاریز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی در خواب بیند که در جایگاهی معروف کاریزی میکند دلیل که با کسان خود مکر و حیلت سازد و این تاویل وقتی بود که بکندن کاریز آب پیدا نشود و چون آب پدید آمد و روان گشت حکم کاریز کندن معین نگاهدارد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از کاریز آب می ستد دلیل که بمکر و حیلت مال جمع کند خاصه که کاریز وی کنده باشد منفعت بقدر آن که از و بر دارد بوی رسد و اگر بیند که آب از کاریز برداشت و در خم ریخت یا در سبو کرد دلیل بر مالی باشد که خرج کند و اگر بیند که در کاریز افتاد دلیل که در مکر و حیلت افتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که باغ را از کاریز آب میداد دلیل که بازن خود مجامعت کند و کاریز دیدن در خواب مردی بود که کارهای دنیا بمکر و حیلت سازکند **کاسه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کاسهٔ چوبین چون در وی خوردنی بود و بخورد بقدر آن از سفر روزی حلال یابد و کاسهٔ سفالین در خواب روزی بود و کاسهٔ خالی فرو ماندگی و بیچارگی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید کاسه طعام خادمی بود یا برکت و منفعت که بر دست وی خیرات رود و مال بوقت صلاح قسمت کند و کاسهٔ زرین و سیمین که در وی خوردنی بود روزی حرام باشد

وکاسه سفید روئی وقلعی روزی اندک بود که شبهتی بود وکاسه آبگینه دلیل بر آن کند وکاسه تهی دلیل بر مفلسی بود معزلی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کاسه خود چیزی خوردنی خوش طعم وشیرین داشت دلیل که نعمتی ومالی یابد واگر چیزی زشت و ناخوش بیند دلیل بر غم واندیشه بود **کاغذ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کاغذ در خواب مال وبزرگی بود اگر بیند که کاغذ سفید وپاکیزه داشت دلیل که بقدر آن مال وبزرگی یابد واگر بیند که کاغذی در آب زیان رفت یا بسوخت دلیل که بقدر آن از بزرگی ومال ونقصان شود کرمانی رحمة الله علیه گوید کاغذ در خواب علم ودانش بود اگر خداوند خواب پارسا بود واگر بیند که کاغذ بسیار داشت دلیل که در فضل وعلم شهرت یابد واگر خداوند خواب مفسد وجاهل بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کاغذ در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم بزرگی سوم دولت چهارم مکر وحیلت **کافور** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کافور در خواب دلیل بر نفس پاک وراست بود در راه حق اگر بیند که کافور میسوخت واز آن بوی ناخوش می آمد دلیل که نیکوئی کند با کسی واز آن منت ندارد واگر بیند که اندکی کافور یافت دلیل که بشارت شادی یابد واگر کافور بسیار یافت دلیل که مال ومنفعت بسیار یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کافور در خواب بر هفت وجه بود یکی مرد عالم دوم زن سوم دوست چهارم کنیزک خوبروی پنجم مال بسیار ششم ثنا وآفرین وسخنهای خوب هفتم راستی نفس **کافور سرغم** نباتیست که شکوفه او زرد بود واز وی بوی کافور آید واگر بیند که در زمین او رسته بود دلیل که مدح وثنای او در زبان مجموع مردم باشد واگر بیند که کافور سرغم از جائی برکند دلیل که از آن موضع ثنای او منقطع شود واگر بیند که کافور سرغم میخورد دلیل که اورا غم واندوه رسد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن کافور سرغم در خواب بوقت خویش بر سه وجه بود یکی ثنا وآفرین دوم نفع اندک سوم سخن لطیف شنیدن وگفتن **کافر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کافر شده است دلیل که او را بملت کفر میل باشد واگر بیند که گبر شد وآتش می پرستید دلیل که بخدا وند تعالی عاصی شود واگر بیند که آتش نور وشعاع نداشت دلیل که مال حرام جوید ودین خود را بمال حرام بفروشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کافر در خواب بر سه وجه بود یکی میل بکفر داشتن دوم صحبت با مردم داشتن وبا بد اعتقادان نشست وخاست کردن سوم خذلان خداوند تبارک وتعالی بروی **کام** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کام وی چنان دراز شد که گلوی از درازی او بسته شد دلیل که بدنیا حریص بود ومردم را غیبت کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کام بالای وی بزیرین لب بود دلیل که کارهای بروی بسته گردد واگر بیند که کام او دراز شده بود وبسر در بیند اخت دلیل که بترک حرص وآز بگوید ومردم را غیبت نکند **کامه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کامه در خواب جمله دلیل بر غم ومصیبت بود واگر بیند که کامه میخورد دلیل که بقدر آن رنج واندوه بوی رسد واگر کامه بچیزی داد واو بخورد دلیل که آن کس از وی رنجور دل گردد وغم واندوهش کمتر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کامه در خواب خوردن بر سه وجه بود یکی غم واندوه دوم مضرت سوم خصومت وگفتگوی **کاه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کاه

درخواب مال ونعمت بسیار بود خاصه که کاه گندم باشد واگر بیند که کاه بسیار داشت و در خانه میکشید دلیل کرمال ونعمت حلال بسیار حاصل کند واگر بیند که کاه جو بود آنچه گفتیم کمتر ازان باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کاه دانی رفت و داند که ملک اوست دلیل که توانگر شود و مراد دو جهانی یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آتش در کاهدان افتاد و کاه او بسوخت دلیل که پادشاه اورا مصادره کند و مال خواسته ازوی بستاند واگر بیند که چهارپائی کاه میخورد دلیل که بجهد مال خود تلف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کاه در خواب بر سه وجه بود یکی مال حلال دوم کسب معیشت سوم کام دل وشادی **کاهو** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کاهوئی شیرین بوقت خود میخورد دلیل برغم واندیشه بود واگر بیند که کاهوئی تلخ بود دلیل که مضرت وزیان بیند واگر بیند که کاهوئی تلخ ونیکو نبود دلیل که با کسی گفتگوئی کند **گاورس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گاورس میخورد دلیل که مال وخواسته یابد واگر بیند که گاورس بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال برنج حاصل کند واگر بیند که گاورس بفروخت دلیل که او را مضرت رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گاورس بود دلیل که مالی اندک یابد وخیر ونفع در او اندک باشد **گاو** دانیال علیه السلام گوید اگر کسی بخواب بیند که بر گاو نشسته بود و گاو از آنِ او بود دلیل که از پادشاه عمل گیرد و نفع بسیار ازوی بیابد خاصه چون گاو سیاه باشد واگر گاو زرد بیند دلیل که بیمار بود واگر بیند که گاوی نر از درِ خانهٔ وی درآمد دلیل که حق تعالی در خیر و روزی بروی گشاده گرداند لیکن اندوهش بسر وی نگردد واگر بیند گاوان نر بسیار داشت دلیل که غلامان بسیار زیر دست وی شوند و او در کار ایشان سعی کند واگر بیند که گاوی نر او را بیرون برد و از منزلش بیرون برد دلیل که از غلامان او را مضرت رسد و او خود را معزول بگرداند واگر بیند که گاو او را سه سر بود و هر سر دو تا بموضع سر بود دلیل که بعدد هر سر وی غلامش یک سال عمل وی کند واگر در اندامی از اندامهای وی افزون بیند دلیل که عمل او افزون شود واگر نقصان بیند تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید گاو نر در خواب عمل بود و پوست او میراث عامل بود و دم گاو بخرید و فروخت نیز عامل بود واگر بیند که دنبال گاو نر در سرای درآمد دلیل که مال بسیار یابد و روزی او فراخ شود واگر در کوچهٔ خویش گاوان بسیار بیند دلیل که مهتر گردد و در کار او خیرات و برکت پدید آید واگر گاوی نر او را بیرون بزد و بیند خشت اگر بیننده خواب صاحب عمل بود دلیل که معزول گردد واگر بازرگان بود دلیل که زیان کند واگر پادشاه بود از ملک بیفتد واگر بیند که گاو بیرون بزد و او بنگیاد دلیل که کسی بروی شرف و بزرگی کند و در عزل وی کوشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گاوی نر از میان گاوان بگشتند و قسمت کردند و گاوان عامل بود دلیل که مردی بزرگ ازان کوچه بگشتند واگر بیند که گاو را بگشت و گوشت او بخورد دلیل که خداوند گاو را هلاک کند و مالش بستاند واگر بیند که گاوی بگشت که نه گاو او بود دلیل که مردم محتشم در آن موضع بمیرند واگر گاوان بسیار نر و ماده مختلف بیند که در آن موضع آمد و شد میکردند دلیل که مردم آن موضع در آن سال بیماری کشند چون لاغر باشند واگر گاو فربه باشد دلیل فراخی

دار زانی بود و اگر بیند که گاوان زمین را می شگافتند دلیل که او را مالی بی اندازه بدست آید اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با گاو جنگ میکرد دلیل که او را با مهتری جنگ افتد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گاو در خواب سال بود و اگر ماده گاو بیند دلیل که در آن سال فراخی و نعمت بود و اگر ماده گاو لاغر باشد تاویلش بخلاف این بود و گوشت ماده گاو مال و فراخی در آن سال بود و پوست وی ذخیره باشد و اگر بیند که ماده گاوی را میدوشید و از و شیر میخورد دلیل که مالش افزون گردد و اگر این خواب بنده بیند آزاد گردد و اگر درویش بیند تونگر گردد و اگر آزاد بیند از مردم بی نیاز شود و اگر خواری بیند عزیز گردد و اگر بیند که ماده گاوی او را بستن بود دلیل بر امید واری بود حافظ معبر رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت گاو فربه بخرید دلیل که در آن سال زنی تونگر بزنی کند و اگر بیند که ماده گاوی بدوشید و از ان شیر میخورد دلیل که مال بسیار جمع کند و از ان چیزی نخورد و اگر بیند که ماده گاوی با وی سخن گفت دلیل که عیش بروی فراخ گردد و اگر بیند که ماده گاوی پیش آمد دلیل که سال بروی مبارک بود و اگر بیند که ماده گاو از وی رو بگرداند دلیل که آن سال بروی بد باشد و اگر بیند که بر ماده گاوی نشسته بود و بیفتاد دلیل که حال بروی متغیر گردد و اگر بیند که با ماده گاو جنگ میکرد دلیل که در آن دیار با زنی خصومت کند و اگر بیند که ماده گاو در آن زمین مراغه میکرد دلیل که در آن سال مال و نعمت یابد و اگر بیند که ماده گاو او را بگزید دلیل که عیالش با وی خیانت کند و اگر بیند که ماده گاو ناگاه در خانه او در آمد دلیل که ناگاه مال یابد و بینم گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ماده گاو در خواب بر شش وجه بود یکی فرمان روائی دوم مال سوم بزرگی چهارم ریاست پنجم نیکوئی ششم سال نیکو **گاو دشتی** کرمانی رحمة الله علیه گوید گاو دشتی در خواب مردی توانگر بود با مال بسیار و اگر بیند که در شکار گاو دشتی بگرفت دلیل که بقدر آن مال و نعمت یابد و اگر بیند که دو گاو دشتی با یک دیگر جنگ میکردند دلیل که دو فاسق با هم جنگ کنند و ماده گاو دشتی تباویل زن بود و اگر بیند که گوشت ماده گاو دشتی می خورد دلیل که از جهت زنان مال حاصل کند و اگر بیند که بچه گاو دشتی بگرفت دلیل که او را فرزندی آید مغزلی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت گاو دشتی میخورد دلیل که قوت و دولت یابد و اگر بیند که گاو دشتی شاخهای بسیار داشت دلیل که بهر شاخی او را دولتی و قوتی بود **گاو میش** ابن سیرین رح گوید که گاو میش در خواب مردی با قدر بود که از و بمردم منفعت رسد خاصه چون مطیع بود **گاو چشم** گیاهیست دیدن آن در خواب کنیزک نیکو بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر زنی بیند که شگوفه گاو چشم از درخت بکند و بشوهر داد دلیل که او را طلاق دهد و اگر بیند که شگوفه گاو چشم کند و بغلام داد دلیل که غلام بگریزد مغزلی رحمة الله علیه گوید اگر گاو چشم بوقت خویش بر درخت بیند دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیوقت بیند بد باشد و اگر پژمرده بیند فرزندش بیمار شود و اگر فرزند نبود غمگین شود و باشد که او را زیان رسد **گاو زبان** از انواع بنالست و برگهای وی درشت باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوردن گاو زبان در خواب جنگ و خصومت بود و در خوردن و دیدن آن خیر نه بود **گوشت پخته** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گوشت پخته

گاو دشتی
گاو میش
گاو چشم
گاو زبان
گوشت پخته

درخواب بهتر از گوشت کباب بود اگر بیند که کباب از گوشت گوسپند میخورد دلیل که بقدر آن مال برنج و سختی بدست آورد واگر کباب گوشت گاؤ بود دلیل که از ترس و بیم ایمن گردد و اگر کباب از گوشت میخورد دلیل که از مردی بزرگ منفعت یابد واگر بیند که از گوشت چهارپائی دشتی کباب میخورد دلیل که او را منفعت و خیر از بزرگان پیائی برسد کرمانی رحمة الله علیه گوید گوشت کباب و بریان در خواب دلیل بر منفعت کند **کبر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کبر جمع میکرد دلیل که اندوهگین شود خاصه که بهنگام خود نبود و اگر بیند که کبر میخورد دلیل که غم و اندوهش صعبتر بود و در خوردن کبر هیچ منفعت نبود **کبر شدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کبر شد دلیل که خواستگار دنیا بود نه طالب آخرت مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کبر شده در کشت جای گرفت دلیل که صحبت با اهل بدعت و بددینان دارد و تابع اهل فساد و هوای نفس باشد و اگر بیند که از کبری پشیمان شده و مسلمان شد دلیل که توبه از گناه کند و بخدای تعالی باز گردد و بکار خیر مشغول شود **کبک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کبک در خواب زنی خوبروی بود و یا کنیزک با جمال و اگر بیند که کبکی را بگرفت دلیل که زن خواهد و اگر بیند که کبکی را بدو بخشیدند دلیل که از بهروی زنی خوبروی بخواهند و اگر بیند که کبکی بشکار بگرفت دلیل که کنیزکی خوب بدست آورد و اگر بیند که گوشت کبک میخورد دلیل که او را لباس نو حاصل شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گلوی کبکی ببرید دلیل که دوشیزگی کنیزک ببرد مغربی رحمة الله علیه گوید کبک نر پسر باشد و کبک ماده زن و کنیزک ناموافق و اگر بیند که کبک از دست وی بپرید دلیل که زن را طلاق دهد و یا کنیزکش بگریزد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کبک در خواب بر چهار وجه بود یکی پسر دوم دوست سوم راهش چهارم کام دل و مراد **کبوتر** دیدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کبوتر در خواب زن بود یا کنیزک اگر کسی بخواب بیند که کبوتر بگرفت دلیل که زن خواهد و او را دختری آید و اگر بیند که کبوتر بسیار بگرفت دلیل که بعدد کبوتر زنان خواهد یا کنیزک بخرد و اگر بیند که گوشت کبوتر میخورد دلیل که از مال زنان فایده یابد و اگر بیند که کبوتر بچگان بگرفت دلیل که از زنان منفعت یابد و بعضی معبران گویند که کبوتر بچه غم و اندوه بود از قبل زنی که بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که کبوتر بسیار در خانه او بودند دلیل که او را فرزندان بسیار شوند و نیز گویند که او را مال بسیار از جهت زنان حاصل شود مغربی رحمة الله علیه گوید که کبوتر در خواب زنانِ آزاد بوند اگر بیند که کبوتر کسان بحیلت بگرفت دلیل که بقدر آن مال بمکر و حیلت حاصل کند و اگر بیند که کبوتر از هوا پیش وی آمد و مطیع وی شد دلیل که از جائی که امید ندارد بدو منفعت رسد و اگر بیند که کبوتری را طعام داد دلیل که زنی را سخن تلقین کند و اگر بیند که کبوتران بسیار جمع شدند و دانست که ملک اوست دلیل بر ریاست و سروری کند و بهترین کبوتران در خواب آن باشد که سفید بود و اگر سبز فام باشد و خداوند خواب زن باشد دلیل که شوهری کند یا او را دختری زاید و کبوتربازی در خواب کار باطل بود و نیز گویند کبوتر خانه در خواب جای زنان باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کبوتر در خواب بر پنج وجه بود یکی زن دوم کنیزک سوم مال چهارم نامه غایب پنجم ریاست و معبران گویند

کبوتر در خواب هر کبوتری درم بود که بیابد **کتاب خواندن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی در خواب بیند که کتاب تفسیر میخواند دلیل که در راه دین و زهد گراید و کارهای بسته بروی گشاده گردد و اگر بیند که کتاب فقه میخواند دلیل که از کارهای ناکردنی باز ایستد و اگر بیند که کتاب اخبار میخواند دلیل که نزد پادشاه صاحب رائی شود و اگر بیند که کتاب اصول میخواند دلیل که بکاری مشغول شود که منفعت برنج حاصل کند و اگر بیند که کتاب توحید میخواند دلیل که به علمائی دین مشغول شود و علمی گزیند که در آن فایدهٔ دینی باشد و اگر بیند که کتاب فضایل میخواند و تسبیح و تهلیل میخواند دلیل که بر زبان وی سخن خیر و صلاح رود و اگر بیند که کتاب قصص میخواند دلیل که بر سخن اولیا و انبیا حریص بود و اگر بیند که کتاب نجوم میخواند دلیل که صلاح این جهانی او را حاصل شود و اگر بیند که کتاب نحو و آداب میخواند دلیل که بشغل دنیا مشغول گردد و مردم او را شکر و ثنا گویند و اگر بیند که کتاب رسایل میخواند دلیل که بصلاح کد خدائی مشغول گردد و اگر بیند که کتاب طبایع می خواند دلیل که در طلب چیزها و بشناختن چیزها مشغول گردد و اگر بیند که کتاب شعرها میخواند اگر غزل و مدح بود دلیل که بکاری مشغول شود که مردم او را ملامت کنند و اگر لغت و توحید میخواند دلیل که نیک باشد و اگر بیند که کتاب تعبیر میخواند دلیل که بحدیثی بزرگ بر مهتری منت نهد و از وی چیزی یابد و اگر بیند که کتاب هدایه میخواند دلیل که بعلمی مشغول شود که مردم او را دانا خوانند و لیکن دین را سود ندارد و اگر بیند که کتاب مصاحف قضا میخواند دلیل که بسفر رود و از ان سفر منفعت یابد و اگر بیند که کتاب حساب میخواند دلیل که همواره اندوهگین بود و اگر بیند که کتاب مضاحک و فسانه میخواند دلیل که کاری کند که از ان زشت نباشد و اگر بیند که کتاب هجو و عیب میخواند دلیل که عیب مردمان کند و در میان مردمان بدنام گردد **کتان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کتان در خواب مال حلال بود بقدر آنکه دیده باشد و منفعت کمتر از پنبه باشد چنانکه در حرف جیم یاد کردیم جامه کتان در خواب مبارک بود و اگر بیند که تخم کتان میخورد دلیل که مالی تمام حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کتان در خواب بر سه وجه بود یکی مال حلال دوم منفعت سوم شر **کتف** در خواب آهستگی مرد و جمال وی بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کتف وی درست بود دلیل بر زیادتی مال و جمال باشد و اگر کتف شکسته و ضعیف بیند تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کتف را درست و قوی بیند امانت گذارد و اگر ضعیف بیند در امانت گذارده ماند و اگر بر کتف های وی موی بسیار بود دلیل که امانت و حق مردم در گردن او باشد و اگر کتف از موی پاک بیند دلیل که امانت بگذارد و بعضی معبران گویند اگر بیند که بر کتف موی دارد از جائی که خبر ندارد مال یابد **کتیرا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کتیرا داشت یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن فضلهٔ از مردی بخیل بوی رسد و اگر بیند که کتیرا میخورد دلیل که مالی بخورد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کتیرا در خواب بر سه وجه بود یکی فضلهٔ مال مردم دوم نفع اندک سوم کاری بود که اندک منفعت بخداوند خواب برسد **کچ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که کچ در خواب جنگ و خصومت بود اگر بیند که کچ داد دلیل که در جنگ و خصومت افتد و اگر بیند که کچ کسی داد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید کچ در خواب

سختی باشد و هر بیناد که از گچ درست بیند همه بد باشد زیرا که همه بالش پخته اند و اگر بیند که گچ میخورد دلیل که بیم هلاک او بود

کحال هر که کحال را بخواب بیند دلیل بر صلاح کار گذشتها کند و راه نمودن بکارهائی که در آن گمراه باشند و اگر بیند که کحالی میکرد و داروئی او بر چشمها نافع بود دلیل که خلق را براه صلاح خواند و گمراهان را راه نماید و مردم را از وی منفعت حاصل شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کحالی میکرد دلیل که دوستانی که از هم جدا باشند جمع کند و میان مردم صلاح جوید و اگر داروئی وی نافع نبود تاویلش بخلاف این بود

گدائی کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که گدائی میکرد و چیزی میخواست دلیل که او را خیر و منفعت بسیار برسد و با هر کس زندگانی لطف کند الا مردم او را ملامت کنند و اگر بیند که از در ها چیزی میخواست و کسی او را چیزی نداد دلیل که کار بروی بسته گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید گدائی کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی خیرات دوم منفعت سوم معیشت چهارم عز و جاه کدو ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کدو بوقت خود اگر کسی بخواب بیند که در خانه او درخت کدو بود دلیل که جاه و رفعتش افزون شود اگر بیمار بیند شفا یابد و اگر بنده بیند آزاد گردد و اگر کافر بیند مسلمان گردد و اگر مسلمان بیند بسلامت بوطن خود برسد و اگر فاسق بیند توبه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که کدوئی داشت دلیل که از زنی پارسا منفعت یابد و اگر بیند که درخت کدو از بن برکند دلیل که از زنی بزرگ منفعت یابد و اگر بیند که کدوئی پخته می خورد دلیل که حاجتش روا گردد و توفیق طاعت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید کدو در خواب بر سه وجه بود یکی عز و جاه دوم نعمت و مال سوم نظام کارها

گربه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گربه مال و خواسته بود اگر کسی بخواب بیند که بر تن وی گربه پدید آمد و او را اندک خارشی میکرد و در گریم بود دلیل که مال بنج و سختی حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گربه داشت و جمله از تن وی فرو ریخت و ناپدید شد دلیل که مال جمع کرده او تلف شود و بعضی معبران گویند که اگر اندام وی تیره و سیاه بود دلیل بر مالی که جمع کند از حرام بود گربا سو جانوریست دیدن وی در خواب مردی بود که در میان خلق و مردم فساد اندازد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که گربا سو را گرفت دلیل که مردی بزرگ بخویشتن نزدیک کند و اگر بیند که گربا سو از وی بگریخت دلیل که آن مفسد از وی بگریزد و اگر بیند که گربا سو را بکشت دلیل که آن مفسد را حالی تباه شود و اگر بیند که گوشت گربا سو میخورد دلیل که بقدر آن مال از مردی مفسد خورد گربه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گربه در خواب دزد مفسد بود اگر کسی بخواب بیند که گربه معروف بخانه وی در آمد دلیل که دزدی معروف بخانه او در آید و اگر گربه مجهول بود دزدی بیگانه بود و اگر بیند که از خانه چیزی بخورد یا ببرد دلیل که دزد از خانه وی چیزی ببرد و اگر بیند که گربه را کشت دلیل که دزد را قهر کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت گربه بخورد و پوست از وی بستد دلیل که بقدر آن مال دزدی او را حاصل شود و اگر بیند که با گربه جنگ میکرد و گربه او را بخراشید دلیل که بیمار شود و اگر گربه را قهر کرد دلیل که از بیماری شفا یابد و اگر گربه او را بگزید دلیل که بیماری روی در از گردد و بعضی از معبران گویند گربه تاویل خادم بود و انیال علیه السلام گوید کسی نباشد که گربه بخواب بیند بعد از صبح الا شش روز بیمار شود و اگر بنده

بخواب بیند کہ گرگ بہ بدو شید و شیر وی بخورد دلیل کہ آزاد گردد و از آن خانہ کہ آزادی یافتہ باشد زنی را بزنی کند و اگر آزادی بیند کہ شیر گرگ بہ خورد دلیل کہ او را با کسی خصومت افتد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن گرگ بہ در خواب بر ہفت وجہ بود یکی دزد دوم غماز سوم خادم چہارم بیماری پنجم زنی مشفق ششم حسود ہفتم جنگ و خصومت کرتہ جامۂ کوتاہ باشد کہ مردم آنرا قرطق خوانند و پوشیدن آن در خواب قوت سفر بود و اگر کرتہ وی سبز بود از مردی پناہ و قوت یابد ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر کسی در خواب بیند کہ کرتہ سفید پوشیدہ بود دلیل کہ از غم و اندوہ خلاصی یابد و اگر بیند کہ کرتہ زرد پوشیدہ بود دلیل بر بیماری بود و اگر بیند کہ کرتہ کبود پوشیدہ بود دلیل کہ او را مصیبت رسد و اگر سرخ بود دلیل کہ بر عشرت دنیا مشغول گردد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ کرتۂ ابریشمین پوشیدہ بود دلیل کہ از مردی بزرگوار شرف و بزرگی یابد اما در دین ضعیف بود اگر بیند کہ کرتہ بسوخت یا ضایع شد دلیل کہ در پناہ و قوتش نقصان شود جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید پوشیدن کرتہ در خواب بر چہار وجہ بود یکی قوت دوم پناہ سوم سفر چہارم نظام کارہا گردد ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ گرد بر چیزی کہ ملک او بود نشست دلیل کہ بقدر آن او را مال حاصل شود و اگر بیند کہ میان آسمان و زمین گرد جمع شدہ بود دلیل کہ کاری پوشیدہ در آن موضع بود کہ از آن چگونہ بیرون آید کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ روی او گرد آلودہ بود دلیل کہ او را رنج و عقوبت رسد و اگر بیند کہ گرد و خاک بر زمینی کہ ملک او بود نشست دلیل کہ بقدر آن مال خواستہ یابد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید گرد در خواب دیدن بر سہ وجہ بود یکی مال دوم بلا و فتنہ سوم عقوبت حق تعالیٰ **گردن** دانیال علیہ السلام گوید گردن در خواب دیدن جایگاہ امانت و جای دین بود اگر بیند کہ گردن آن ستبر شد دلیل کہ او را قوت در امانت گذاردن و صلاح دین و نگاہ داشتن دیانت بود و اگر بیند کہ گردن او کوتاہ و ضعیف بود دلیل کہ در امانت گذاردن عاجز بود و اگر بیند کہ ماری در گردن وی حلقہ شدہ بود دلیل کہ زکوٰۃ مال ندہد قولہ تعالیٰ سیطوقون ما بخلوا بہ یوم القیمۃ اگر بر گردن خود گرانی بیند بی آنکہ چیزی بر گردن داشتہ باشد دلیل کہ بیمار شود و اگر باری بر گردن خود بیند و بسیج گرانی پیدا نبود دلیل بر درستی دین و درازی عمر وی بود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ گردن وی ستبر و قوی شدہ بود دلیل کہ امانت نیکو گذارد و کارش قوی گردد و اگر گردن خود را دراز بیند دلیل کہ امانت در گردن وی دیر بماند و از گواہی دادن خود باز بماند و اگر گردن خود کوتاہ بیند دلیل کہ امانتہا از گردن خود زود دور کند و اگر گردن خود سیاہ بیند دلیل کہ در امانت خیانت کند و اگر گردن خود شکستہ بیند دلیل کہ از مراد خود باز ماند و در دین وی خلل افتد زیرا کہ امانتی بزرگتر از دین نیست و اگر گردن خود را کوتاہ بیند دلیل کہ در امانت خیانت کند و اگر بر گردن خود موی بیند دلیل کہ او را از جہت امانت گذاری وامی افتد و اگر موی از گردن خود بستر دد دلیل کہ وامش گذاردہ شود و اگر گوشت از گردن بریدہ بیند دلیل کہ مال کسی با وی بود و ضایع شود و اگر گردن خود را کوتہ بیند دلیل کہ مالی در پیش وی نہادہ باشند

خیانت کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت گردن وی میخورد تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که بر گردن کسی نشسته بود
دلیل که بر دشمن ظفر یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گردن در خواب پرنج وجه بود یکی امانت دوم توانائی سوم خیانت
چهارم وام پنجم بیماری **گردن بند** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گردن بند از مروارید سفید داشت دلیل که حق سبحانه
عزوجل اورا علم و کلام خود روزی گرداند و هر چند که جوهر گردن بند قوی تر بود علم و دانش او بیشتر بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که گردن بند وی از زر بود یا از سیم مرصع بگوهرهای گرانمایه دلیل که بقدر آن شرف و بزرگی یابد و باشد که امانتی در گردن
گیرد و اگر گردن بند او دراز شد دلیل که امانت بگذارد و اگر کوتاه بود تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که گردن بند خود بجواهر مرصع کرده بود یا مرصعه در گردن داشت دلیل که جاه و ولایت یابد و اگر گردن بند وی دراز بود دلیل که
منزلت یابد و اگر کوتاه بود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که گردن بندهای بسیار داشت دلیل که در علم بسیار کامل شود جعفر
صادق رضی الله عنه گوید دیدن گردن بند زرین در خواب بر شش وجه بود یکی حج دوم ولایت سوم جنگ و خصومت
چهارم امانت پنجم معالجت ششم کنیزک و هم او گوید گردن بند زرین حج باشد و از آن سیمین کنیزک **گردن زدن**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را گردن زدند و سرش از تن جدا شد اگر بنده بود دلیل که آزاد شود و اگر بیمار
بود شفا یابد و اگر وام دار بود وامش گذارده شود و اگر خوف دارد ایمن گردد و اگر کافر بود مسلمان شود و اگر بوقت
گردن زدن سرش از تن جدا نشد تاویلش بخلاف این بود و اگر آن کس که گردن زد معروف باشد آن چیزها که گفته شد
از گردن زننده بدو رسد و اگر گردن زننده کودک و نابالغ بود دلیل که اگر بیمار بود بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
آن کس که گردن او زد تندرست است و آزاد و توانگر بود دلیل که از نیک بختی به بدحالی افتد و مال و نعمتش نماند و درویش
شود و سرانجام کارها هلاک شود علی الجمله گردن زدن در خواب مرد درویشان و خداوندان محنت را نیک بود و مر تونگران
و خداوندان نعمت را بد باشد **گرده** در خواب مال نهان کرده باشد که بیابد و خرج کند و اگر بیند که گرده پخته یا بریان کرده
بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال نهان کرده بیابد و اگر گرده از جانوری که گوشت او حلال بود داشت دلیل بر
یافتن مال حلال بود و اگر از جانوری که گوشت او حرام باشد دلیل که مال حرام بود کرمانی رحمة الله علیه گوید گرده یافتن در
خواب مال نهان کرده بود و بعضی معبران گویند که گرده در خواب فرزند بود بسبب آنکه مایهٔ فرزند منی است و از و بوجود
می آید اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گردهٔ اسپ داشت و پخته میخورد دلیل که از مردی بزرگوار مال یابد و اگر بیند که
گردهٔ گاو داشت دلیل که در آن سال مال و نعمت حاصل کند و اگر گردهٔ گوسپند داشت دلیل که در آن سال مال و نعمت حلال
یابد از قبل دشمن و اگر بیند که گردهای خام میخورد دلیل که مال حرام یابد و اگر بیند گرده ها داشت و نخورد از آنچه گفتیم کمتر بود **گردون** ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر گردون نشسته بود و گردون نیک میرفت دلیل که شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که گردون از
بی گاوان ایستاده بود و او در گردون بود دلیل که در رنج و سختی و بیماری افتد و اگر بیند که پادشاه از گردونهای گردون

بد و داد دلیل کرا از پادشاه منزلت و بزرگی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گردون در خواب دلیل بر بهشت و جه بود یکی
ولایت دوم عز و جاه سوم مرتبت چهارم بزرگی پنجم هیبت ششم خرمی هفتم رفعت هشتم آسانی در کارها گرسنگی ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید گرسنگی در خواب بهتر از سیری بود و سیری آب بهتر از تشنگی بود و اگر بیند که گرسنه شده بود و چیزی نداشت
که بخورد دلیل کرحرص و آرزش در مال دنیا کمتر باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گرسنه بود دلیل که بقدر گرسنگی او را مصیبت
بود و اگر بیند که گرسنه بود و چیزی خورد و سیر شد دلیل که از گناه توبه کند و اگر آنچه خورد بطعم شیرین و خوش بود دلیل که
بر توبه ثابت قدم بود و اگر ترش و ناخوش بود دلیل که بر توبه ثابت قدم نماند و توبه بشکند و بر سر معصیت رود جعفر صادق
رضی الله عنه گوید گرسنگی در خواب بر چهار وجه بود یکی مضرت دوم حرص و آرزو سوم معصیت و گناه چهارم طمع داشتن بمردم
کرسی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن کرسی بخواب علم است و از راه خرد چنین واجب کند که ایزد تبارک و تعالی اجل و
علا در کلام قدیم بیان فرموده است وَسِعَ کُرْسِیُّهُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ ابن عباس رضی الله عنه گوید وسع یعنی علم و
ابراهیم کرمانی رحمة الله علیه گوید کرسی احاطت و قدرت خدا تعالی است و بعضی معبران گویند تاویل کرسی آن بود که کامل
و عاقل باشد مغربی رحمة الله علیه گوید تاویل کرسی امام مطیع بود یا زاهد یکه تقوی بکمال دارد و یا پادشاهی عادل و پرهیزگار
و افی دانا چنانکه در اخبار آمده است دلیل که اهل دین و علما را نیک بود و بیننده خواب از سلطان عادل خیر و نیکی بیند
و مالش زیاده گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کرسی در خواب بر ششش وجه بود یکی عدل دوم انصاف سوم عز و
شرف چهارم مرتبت پنجم ولایت ششم قدر و جاه و اگر کسی بیند که بر آسمان بکرسی نشسته بود دلیل که کار او بالا گیرد و قدر
و مرتبت و جاه یابد و بهمه مراد ها برسد و در میان مردم بزرگ و عزیز و مکرم شود و عدل و انصاف در میان خلق پیدا شود
و اگر این کرسی که رود گرمسیار زد و در خواب بیند دلیل که زن باشد و اگر بیند که کرسی بزرگ و پاکیزه بستد و بر و بنشست
دلیل که زن خواهد و از آن مال و نعمت حاصل کند و اگر بیند که بر کرسی نشست دلیل که دختر دوشیزه بخواهد و اگر بیند که در زیر دی
کرسی بشکست دلیل که زن وی بمیرد و اگر بیند که کرسی وی کوچک و کهنه بود دلیل که زن وی درویش و حقیر و درمانده بود
و اگر بیند که کرسی داشت اما بر و ننشست دلیل که از بهر خدمت کردن زنی بخانه آورد **کرفس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بخواب بیند که کرفس بخورد و بوقت خود بود دلیل که غمگین شود و بعضی از معبران گویند که چیزی مکروه خورد و اگر بیند که
کرفس داشت اما نخورد آنچه گفتیم کمتر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کرفس در خواب بر سه وجه بود یکی غم و اندوه دوم
خصومت گفتگوی سوم خوردن چیزی مکروه **کرک** مرغی بود بقدر کبوتر و تاویل آن بزن کنند اگر کرک در خواب بیند
و غریب بود دلیل که زن کند و اگر نه کنیزک خرد و اگر بیند که از دست وی بپرید دلیل که زن را طلاق دهد و اگر کنیزک دارد بگریزد
و اگر بیند که او را بکشت و گوشت او بخورد دلیل که بقدر آن میراث زن یابد **کرگدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کرگس بهتر
مرغان بود و قوی و تیز بین و دراز عمر از مرغان بود و اگر بیند که کرگس داشت دلیل که از مردی بزرگ منفعت و بزرگی یابد

واز پادشاه مال وخواسته حاصل کند واگر استخوان یا ریان گوشت گرگس دارد همین تاویل دارد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که گرگس اورا گرفت ودر هوا برد نزدیک آسمان رسید دلیل که سفری دور کند واز ان سفر مال ونعمت بسیار حاصل کند
اما دین وی بفساد بود بسبب آنکه نمرود بگرگس بآسمان برفت واگر بیند که گرگس اورا از هوا بزیر افگند ویا خود از چنگال
گرگس بیفتاد دلیل که از شرف وبزرگی بیفتد وکارش خراب شود واگر بیند که گرگس اورا بآسمان برد وآنجا مقیم ماند دلیل
بسفر رود ودر آن سفر بمیرد واگر مقیم نشد باز بزمین آمد از پادشاه بزرگی یابد واگر از اهل پادشاه بود یا از اهل و
خویشان خود بزرگی یابد وگرگس بی چنگال درخواب دیدن فرشته بود زیرا که فرشتگان حملة العرش بصورت گرگسان
اند واگر بیند که گرگسی بالای سروی شکار میکرد دلیل که بیننده خواب بازرگانی کند واگر بیند که با گرگس جنگ میکرد واو بر
گرگس غالب شد دلیل که با مردی بزرگ خصومت کند وبروی غالب شود واگر بخلاف این بیند دلیل که دشمن اورا قهر کند
واگر درخواب بچه گرگس بیند اگر زن دارد دلیل که اورا فرزندی آید واگر زن ندارد دلیل که دختری دوشیزه بزرگ کند
واگر بیند که گرگس بروی نشسته بود دلیل که اورا بردار کنند وابتیال علیه السلام گوید اگر بیند که در آن کوچه که گرگس فرود
آمد دلیل که پادشاهی بهمان کوچه فرود آید واگر بیند که در آن کوچه که گرگس بگشتند دلیل که پادشاه آن دیار معزول گردد
یا هلاک شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گرگ درخواب بر شش وجه بود یکی بزرگی دوم فرمان سوم ریاست چهارم
ثنا وستایش پنجم مرتبت ششم امر ونهی کردن گرگ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گرگ درخواب پادشاه دروغ زن
ستمگر بود واگر بیند که با گرگ جنگ ونبرد میکرد دلیل که اورا با پادشاه یا با کسی دشمنی بود وخصومت کند واگر بیند که شیر گرگ
میخورد دلیل که ترس وبیم رسد یا کاری از وی کفایت شود واگر بیند که گوشت گرگ میخورد دلیل که از پادشاه ستمگر بقدر آن
مال یابد کرمانی علیه الرحمة گوید اگر بیند که گرگ را بکشت دلیل که اهل اسلام از وی روی بگردانند وروی هیچ خیر نباشد
وبعضی گویند دشمن را قهر کند واگر بیند که سر گرگ بیافت ویا کسی بوی داد دلیل که شرف وبزرگی یابد بقدر وی واگر
بیند که گرگ در خانه وی در آمد وزیانی انداخت دلیل که اورا از پادشاهی مضرت رسد واگر بیند که زیانی نکرد دلیل
که پادشاه مهمان او آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گرگ در بستر او کمین کرد دلیل که پادشاه باعیال وی فساد
کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گرگ درخواب بر سه وجه بود یکی پادشاه ظالم دوم زن دروغ زن سوم مخالف
ضعیف چون گرگ ماده باشد گرمابه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گرمابه درخواب غم واندوه بود وخوشتن شستن
شادی وخرمی بود وآب نیم گرم نیک بود وآب سخت گرم بد باشد واگر بیند که در گرمابه رفت وغسل کرد وخود را پاک شست
دلیل که از رنج وفکر رستگاری یابد واگر بیند که در گرمابه رفت وخود را نه شست دلیل غم واندوه بود که بدل وی رسد
بسبب زنان کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در گرمابه رفت وآهک بر خود مالید وخود را پاک نشست دلیل که اگر ترسی دارد
ایمن شود واگر غمگین بود شاد گردد واگر بیمار بود شفا یابد واگر وامدار بود وامش گذارده شود واگر بیند که توانگر است

ازین چیزها که گفتیم خالی ماند نیز در مالش نقصان شود و اگر بیند که آهک بخود مالید و خود را شست دلیل که کارش تمام نه گردد
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بگرمابه رفت و دست و روی و سر و تن را شست دلیل که از غم بیرون آید و اگر بیند
که در کوچه یا در خانه گرمابه بود دلیل که در آن مقام زنی روسپی پدید آید و اگر بیند که بگرمابه شد بی آنکه بشستن محتاج بود دلیل که غمگین
و وام دار شود و اگر بیند که در گرمابه جامه او دزد برد و او برهنه بماند دلیل که بسبب کاری غمگین و رسوا شود جعفر صادق رضی الله عنه
گوید دیدن گرمابه در خواب بر شش وجه بود یکی زن دوم غم و اندوه سوم دین چهارم نابکاری پنجم دوست ششم دام و گرمابه بان تاویل
زن بود و بعضی معبران گویند که کدخدای سرای بود و گرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گرمابه بانی میکرد اگر مرد بود دلیل که زن محتشم
خواهد و شغلهای زن مشغول شود و اگر زن بود دلیل که شوهری بدین صفت کند **کرمان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی
بخواب بیند که کرمان بسیار در شکم وی شدند و طعام در شکم میخوردند دلیل که عیالان دیگر از مال دیگری خواهد و اگر بیند که کرمان
دراز در تنش می افتادند و نیز بر تن و جامهٔ وی کرمان بسیار بودند دلیل که مال و عیال و حشمت بسیار او را حاصل شود و اگر بیند که
کرمان از تنِ خود بر زمین می افگند دلیل که عیالان خود را از خود دور کند و تیمارشان ندارد گرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
بعضی از اندامهای او کرمان خوردند دلیل که عیال از مال وی خورند و اگر بیند که از کرمان تن وی را مضرت میرسید دلیل که او را
از عیالان رنج و مضرت رسد و اگر بیند که از سوراخ بینی یا از گوش یا از دهن و یا از مقعد کرم بیرون می آمد دلیل که بقدر آن
مالش یا عیالش زیادت شود و اگر بیند که کرمان از تن وی می افتادند و می مردند دلیل که عیالان وی هلاک شوند یا از وی جدا
گردند و اگر بیند که کرمان بسیار از چوب خانهٔ وی وغیره بر میریختند دلیل که بقدر آن مال و خدم و حشم او را حاصل آید جعفر
صادق رضی الله عنه گوید دیدن کرمان در خواب بر سه وجه بود یکی عیال دوم خدم و حشم سوم مال و خواسته **گره افگندن**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر ریسمان گره افگند دلیل که از کاریکه دور بود بر آن تکیه کند و اگر بیند که گره ریسمان
باز کشود دلیل که بر آنکار اعتماد نه کند و اگر بیند که چیزی محکم بسته و گره زد دلیل که روزگاری در شغل آنچیز بسته بماند چنانکه
کشودن نزودی نتواند و اگر آنچیز تعلق بدین دارد یا بدنیا گرمانی رحمة الله علیه گوید بستن گره در خواب دلیل بر بستگی کارها
کند و هر چند که گره سخت تر بود بستگی کار او سخت تر بود و اگر بیند که گره کشودن نتوانست دلیل که کاروی بسته بماند گرو
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در جای گرو است یا تن خود را بچیزی گرو نهاد دلیل که از گناهان بسیار بر تن خود میترسد
که کرده است و اگر بیند که عیال و فرزندان خود بکسی گرو کرد دلیل که بروی ستم و بیداد کند و اگر بیند که خود را پیش کسی گرو
نهاد دلیل که آن کس مظلوم باشد و باشد که کسی بروی ستم کند گرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خود را گرو کرد دلیل بر فساد
دین کند کل نفس بما کسبت رهینةٍ و اگر بیند که چیزی از متاع دنیا پیش کسی گرو کرد دلیل که با کسی از بهر متاعی گفتگو کند
و مضرت یابد گروبه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گروبه داشت دلیل که غمگین و متفکر شود و اگر بیند که گروبه میخورد
دلیل که با کسی جنگ و خصومت کند و اندوهی بوی رسد زیرا که بطعم تلخ و ناخوش بود و هر چه تلخ و ناخوش باشد در تاویل

غم واندوه بود گریختن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گریختن درخواب رستگاری بود واگر کسی بخواب بیند که از دشمن یا ازجانوری گزنده میگریخت دلیل که از شر وخوف ایمن گردد وبرخصم مظفر شود زیرا که موسیٰ علیه السلام درخواب دید که از فرعون علیه اللعنة میگریخت پس از شر فرعون رستگار شد وسرانجام بروی ظفر یافت کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از دشمن پنهان میگریخت چنانکه دشمن اورا میدید دلیل که متفکر شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردمان میگریختند دلیل که اورا از بزرگی تهمت رسد قوله تعالیٰ یوم ترونها تذهل کل مرضعة عما ارضعت اگر بیند که مردمان از زنان میگریختند اگر زنان مصلح وپارسا بودند دلیل که بد باشد واگر مفسد بودند نیک باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید گریختن درخواب شادی بود چنانکه بانگ مصیبت واندوه بود در آن موضع **گریستن** اگر بیند که از گریستن بر روی وی نشان بود دلیل که بکردار نیک اورا طعنه زنند کرمانی علیه الرحمة گوید گریستن درخواب شادی بود وآمرزش از حق سبحانه وتعالیٰ اگر درخواب بیند برگناه گریست یا در مجلس علم یا در قرآن خواندن وآنچه بدان ماند دلیل برکرم باریتعالیٰ باشد که بفضل خود بروی رحمت کند وگناهان وی عفو کند واگر بیند که میگریست واشک از چشم وی نمی آمد دلیل که ناکردن از کاری گذشته حسرت خورد وتوبه کند واگر از بهر معصیتی میگریست که کرده است بی نوحه وزاری دلیل که شادی وخرمی بیند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که میگریست وبعد ازان بخندید دلیل که اجلش فرارسیده باشد قوله تعالیٰ هو اضحک وابکیٰ **گری** درخواب درویشی وبدحالی وفروبستگی کارها بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گری درخواب تباهی دین وغم واندوه بود وکارها بروی بسته گردد ومرادش برنیاید قوله تعالیٰ صم بکم عمی فهم لا یرجعون کرمانی رحمة الله علیه گوید گری درخواب دلیل برمینوائی وبستگی کارها کند واگر بیند که گوش وی بشنود دلیل که کار بسته بروی گشاده شود وبمراد وکام دل برسد واز رحمت حق تعالیٰ نصیب یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید گری درخواب برچهار وجه بود یکی درویشی دوم تباهی دین سوم غم واندوه چهارم بستگی کارها ونامرادی گرز درخواب مردی منافق وبیخیر بود وبعضی از معبران گویند دیدن گرز درخواب روزی حلال باشد که بی منت خلق بدو رسد قوله تعالیٰ وانزلنا علیکم المن والسلویٰ اگر بیند که گرز انگبین بسیار داشت وبخورد وبکسی نداد دلیل که مالی حلال بوی رسد وازان خیر بیند واگر بخلاف این بیند دلیل که ازان مال خیر وراحت بوی رسد گرز اگندن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که گرز اگندی پوشیده بود دلیل که زنی بخواهد وبر دشمنان چیره گردد واگر این خواب زنی بیند دلیل که شوهر کند واز شوهر خیر ومنفعت بیند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قز اگندی نو پوشیده بود دلیل که زنی توانگر وپارسا بزنی کند واگر بیند که قز اگندی سبز پوشیده بود دلیل که آن زن مصلح ودیندار بود واگر بیند که قز اگندی سرخ پوشیده بود دلیل که زنی معاشر وطرب دوست بود واگر قز اگند سیاه پوشیده بود وبیننده قاضی یا خطیب بود دلیل که نیک باشد واگر قز اگند نو بود دلیل که آن زن خداوند معصیت بود واگر گز اگند کهنه بود دلیل که

آن زن پلید و ناپاکار بود کژدم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کژدم در خواب دشمنی ضعیف بود که مردم را میرنجاند و دوست و دشمن نزد او یکسان است اگر کسی بخواب بیند که کژدم او را بگزید دلیل که دشمن او را سخت گوید و از آن رنجور دل شود و اگر بیند که کژدم را بکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که بعد از کشتن کژدم کژدم زنده شد و باز قصد وی کرد دلیل که بعد ازین بر دشمن ظفر یابد و دیگر باره دشمن قصد وی کند و اگر بیند که در دست او کژدم بود دلیل که او مردم آزار بود و از پس مردم را بد گوید مردم را در یک دگر اندازد و فتنه انگیزد و اگر بیند که کژدم پخته یا بریان کرده میخورد دلیل که بقدر آن مال دشمن خورد و اگر بیند که کژدم را در دهان نهاد و بخورد دلیل که دشمن را بخانه دارد و با وی مجالست و خفت و خیز کند و اگر بیند که کژدم در درون جامه داشت همین تاویل دارد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از کژدم ترسید و کژدم او را بگزید دلیل که از دشمن گزند یابد و بعضی از معبران گویند با زن مجامعت نتواند که کند و اگر بیند که کژدمی در پیراهن وی بود دلیل که از دشمن او را مضرت رسد و اگر بیند که در شلوار وی کژدم بود دلیل که دشمنی با عیال وی یا با کنیزک وی فساد کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کژدم در خواب بر سه وجه بود یکی دشمن دوم حاسد سوم سخن چین **کژدم خواره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کژدم خواره در خواب چیزیست که در خورستان در میان آب پیدا شود و دم بر زمین می کشد و چون کسی زخم آن یافت در حال هلاک شود کرمانی رحمة الله علیه گوید دیدن کژدم خواره در خواب دشمنی باشد باجرد و حلیم و آرمیده و فروتن و شیرین سخن و در دشمنی صعب بود و اگر بیند که کژدم خواره او را بگزید دلیل که از چنین دشمنی که صفت کردیم بلا و محنت بدو رسد و اگر بیند که او را از کژدم خواره گزندی نرسید دلیل که از دشمن ایمن گردد و اگر بیند که چیزی مانند کژدم خواره بود و از دمیتر سید دلیل که از کسی اندیشه دشمنی دارد و او نه دشمن وی باشد گزر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گزر در خواب غم و اندیشه بود و اگر کسی بخواب بیند که گزر بست و بخورد دلیل که اندوه بسیاری بوی رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گزر شیرین بود دلیل که غم و اندوه کمتر باشد و اگر گزر در گوشت پخته باشد دلیل بر منفعتی بود که برنج و سختی بدست آید و بعضی معبران گویند خوردن گزر در خواب بیماری بود و اگر گزر بریان بیند هم نیک نباشد و بهتر آن بود که بگوشت پخته بود **گزیدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که کسی او را گزید دلیل که مهر و هوای آن کس در دل وی زیادت گردد و اگر بیند که کسی او را بخشم و کینه بگزید دلیل که بقدر آن از وی زیانش برسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را خری بگزید دلیل که کارش از بخت در خطر بود و اگر بیند که اشتر او را بگزید دلیل که او را از سفر زیان رسد و اگر بیند که گاو او را بگزید دلیل که در آن سال مضرت بیند و گزیدن جمله دد کان در خواب بر چهار وجه بود یکی مضرت دوم دشمن سوم خصومت چهارم جاه و مال **کشتی گرفتن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با کسی کشتی میگرفت و آن کس را بینداخت دلیل که حال او نیکو گردد و بر آن کس غالب شود و اگر بیند که خود بیفتاد تاویلش بخلاف این بود و اگر هر دو قایم بودند دلیل که احوال هر دو در خیر و شر میانه باشد اما بظاهر با همدیگر دوستی کنند **کاسنی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوردن کاسنی در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که کاسنی بوی دادند و بخورد دلیل که اندوهگین شود مغربی رحمة الله علیه

گوید خوردن کاسنی در خواب مضرت و خصومت بود **کشت** و رز ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کشت ورز در خواب توکل بخدا تعالی
جل و علا بود و روزی حلال طلب کردن و نیکی و نیز مردی فاضل و نیک محضر باشد و اگر بیند که از بهر تخم کشتن زمین بشگافت دلیل که خیرات و
صدقات کند و استادان این صنعت رحمهم الله گویند اگر بیند که کشاورزی میکرد دلیل بر بیماری بود کرمانی رح گوید اگر بیند که زمین بشگافت
و تخم می انداخت و بارش جمع میکرد دلیل که بزرگی و جاه و نعمت یابد و اگر بیند که کشته بود و بار ش میخورد از آنچه گفتیم بهتر و نیکوتر بود و
اگر بیند که از ان کشته چیزی حاصل نشد و ندانست که بارش چگونه است دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که گندم میکشت دلیل که از پادشاه خیر
و نیکی بوی رسد و اگر بیند که جو میکشت دلیل که اورا مال بسیار حاصل شود و اگر بیند که گاورس میکشت دلیل که مال اندک یابد
و ابنیال علیه السلام گوید اگر بیند که در زمین خود تخم می کشت دلیل که زن خواهد و کارش ساخته گردد و اگر باز رگانی زمین خود
ناکشته بیند دلیل که زیان بیند یا با کسی خصومت کند و اگر بیند که بجایگاهی مجهول زمین می شگافت و تخم می انداخت دلیل که
بر غزا و صدقات و خیرات کردن رغبت بود و اگر در زمین خود که ملک او بود کشت بیند دلیل که نعمت بروی فراخ گردد و اگر
گندم یا جو یا درخت در زمین خود کشت دلیل بر عز و جاه کند بقدر آنکه کشته باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کشاورزی
در خواب پنج وجه بود یکی روزی حلال طلبیدن دوم خیر و منفعت سوم بیماری چهارم عز و جاه پنجم معیشت **کشته زار**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کشته زار چون معروف بود در جائی معروف بوقت خود بیند دلیل بر فرزندان مردم بود
و اگر بیند که کشته همی درود دلیل که مردم در جنگ کشته شوند و ابنیال علیه السلام گوید اگر بیند که در کشته زاری معروف بود
دلیل که عملی کند که در دین و دنیا نیکو باشد و اگر بیند که کشت کرد و درود و درخرمن افگند دلیل امیدی که دارد بر آید و اگر
بیند که در میان کشت زار میرفت دلیل که با غازیان بغزا رود مغربی رحمة الله علیه گوید کشت و درو بخواب دلیل بر حرب
و خصومت بود و بعضی از معبران گویند اگر بیند که در میان کشت زار رفت و هنوز سبز بود و میدرویید دلیل که در میان
مصاف رود و اگر بیند که آتش در میان کشت زار افتاده بود و همه بسوخت دلیل که در آن دیار قحط پیدا شود و اگر بیند که
کشت زار خود در آب میداد دلیل که کاری از دست وی بر آید که دنیا و عقبی را منفعت دهد و اگر بیند که آتشی بیامد و کشت
و زار را بسوخت دلیل که او را از پادشاه مضرت رسد و اگر بیند که در میان کشت زاری رود بزرگ می آمد دلیل که در آن دیار
قحط و تنگی پیدا شود و اگر بیند که از خوشهای گندم دانها بر زمین می افتاد دلیل که بقدر آن خداوند کشت را زیان رسد
و اگر نداند که آن موضع از ان کیست دلیل که زیان آن خداوند خواب بود قوله تعالی نساؤکم حرث لکم فاتوا حرثکم
انی شئتم و اگر کشت زار در وقت خویش سبز بیند دلیل که در آن دیار نعمت فراخ گردد و اگر زمین ملک او بود دلیل که حاجتش
روا گردد و اگر بوقت خویش کشته را بدرود و خوشه بخانه برد دلیل بر مصیبت بود و اگر بیند که در میان کشت زار با یاران
میرفت دلیل که بغزا رود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کشت و درو دن خوشه رسیده در خواب بوقت خود دلیل بر
نیکوئی و منفعت کند و چون نارسیده و سبز بود دلیل بر باد بیماری بود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید کشت درو دن

بوقت خویش دلیل کار امر خدا یتعالی بجای آورد و توفیق یابد تا در حق درویشان خیرات کند قوله تعالی وَاٰتُوا حَقَّهٗ یَوْمَ حَصَادِهٖ اگر این چیز که میدید و میدرود دلیل کرد عاقبت کارش محمود باشد **کشتن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی را بکشت بی آنکه سرش را ببرید دلیل کرد از مردی تواند کرد خیر و نیکوئی بوی رسد و معبران گویند که کشنده بر کشته ظلم اندیشد و اگر بیند که ویرا بکشتند دلیل کرد عمرش دراز بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی ویرا بکشت دلیل کرد خیر و منفعت بیند و اگر بیند که گروهی را بظلم بکشتند دلیل کرد عمرش دراز بود و از سلطان خیر و منفعت بدو رسد قوله تعالی وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِیِّهٖ سُلْطَانًا فَلَا یُسْرِفْ فِّی الْقَتْلِ و اگر بیند که کسی را بظلم بکشت دلیل کرد عاصی و ظالم باشد و حق تعالی جل و علا کسی را بر وی گمارد تا او را بر نجاند قوله تعالی وَلَا تَقْتُلُوْا اَوْلَادَكُمْ الآیة و بعضی گویند که ستم بر فرزند کردن بهر باب عزد نیا باشد و اگر بیند که کسی را بکشت و خون از تن وی روان شد دلیل کرد بقدر آن مال یابد و اگر تن خود خون آلوده بیند دلیل کرد از مال خود چیزی بوی دهد و اگر بیند که خون روان شد دلیل کرد دین کشنده برود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که ستوری یا چیزی از حشرات بکشت دلیل کرد بر خصم خود ظفر یابد و کسیکه بر آن جنس منسوب باشد قهر کند و کشنده خون آلوده دیدن غدار و بیداد گر باشد **کشتی** دانیال علیه السلام گوید کشتی دیدن در خواب غم و اندیشه بود یا زندان یا کاری کند که از ان رنج و بلا بدو رسد خاصه که از دریا کشتی بیرون نیامده باشد یا کشتی در دریا فرو مانده بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که در کشتی بود و بسلامت از آنجا بیرون آمد دلیل کرد از رنج برهد قوله تعالی فَاَنْجَیْنٰهُ وَمَنْ مَّعَهٗ فِی الْفُلْكِ الْمَشْحُوْنِ اگر بیند که بدریا کشتی هلاک شد دلیل کرد بدست قومی هلاک شود و اگر بیند که کشتی وی بزمین بماند دلیل کرد در رنج و بلا گرفتار شود و رستگاری دیر دست دهد و اگر بیند که کشتی غرق شد و او بسلامت بماند دلیل کرد مالش تلف شود و او بسلامت بماند و اگر بیند که کشتی بشکست و جمله غرق شد دلیل بر مصیبتی عظیم کند که بدو رسد و اگر بیند که در کشتی بر جائی بلند نشسته بود و کشتی در میان آب میرفت دلیل کرد او را از پادشاه و بزرگواران قربتی و منزلتی پیدا شود و اگر بیند که در میان دریا کشتیها و گازها میرفت دلیل کرد بسفر رود قوله تعالی وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنْشَاٰتُ فِی الْبَحْرِ كَالْاَعْلَامِ و اگر بیند که کشتیها ایستاده بودند دلیل کرد در سفر رود و دیر بماند بلکه در آن سفر مقیم شود و اگر بیند که در کشتی نشسته بود و بادی خوش می آمد و کشتی را خوش میبرد دلیل کرد از غم و اندوه فرج یابد و اگر بیند که کشتی ایستاده بود و از همه جانب بکشتی موج می آمد دلیل کرد او را سختی پیش آید که بیم هلاک وی باشد قوله تعالی وَجَآءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ اگر بیند که کشتی از پیش همیرفت و او نتوانست رسیدن دلیل کرد در کاری دشوار افتد و عاقبت خلاصی یابد قوله تعالی فَاَنْجَیْنٰهُ وَاَصْحٰبَ السَّفِیْنَةِ اگر بیند که در پهلوی کشتی در دریا رفت دلیل کرد بسفر رود و او را منفعت بسیار حاصل شود قوله تعالی یُزْجِیْ لَكُمُ الْفُلْكَ فِی الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوْا مِنْ فَضْلِهٖ اگر بیند که در میان کشتیها چیزی نبود دهنی میرفتند دلیل کرد پادشاه رسولان را بجائی فرستند و اگر بیند که کشتیها

غرق شدند دلیل که آن رسولان را باز دارند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کشتی بدریا غرق شد و دانست که آن کشتی ملک او نبود دلیل که او را از هلاک اندیشه نبود و اگر بیند که در کشتی نشسته بود و از پادشاه میتر سید دلیل که مقرب پادشاه شود و بقدر بزرگی کشتی او را منفعت رسد و اگر در کشتی ایمن نشسته بود دلیل که او را از پادشاه بیم بود و اگر بیند که در دریا کشتیها بجاهای ملون آراسته بود دلیل که پیش پادشاه مقرب شود و اگر بیند که کشتی در قعر دریا فرو شد دلیل که او را از پادشاه قوتی عظیم باشد و اگر بیند که کشتی نمیرفت تاویلش بخلاف این بود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کشتی کوچک نشسته بود و در دریا نمیرفت دلیل که او را غم و اندوه زیادت شود و اگر بیند که کشتی در آب روان بود دلیل که بسفر رود و زود باز آید و اگر کشتی خود را در خشک ایستاده بیند دلیل که بکاری در ماند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کشتی در خواب بر شش وجه بود یکی فرزند دوم پدر سوم زن چهارم مرکب پنجم فرج ششم ایمنی هفتم عیش هشتم توانگری **کشف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کشف سنگ پشت را گویند و کشف آبی در خواب دیدن مردی زاهد عالم باشد و از صحبت او منفعت رسد اگر کسی بخواب بیند که کشف داشت یا بخانه او در آمد دلیل که او را یا زاهدی صحبت افتد و اگر بیند که گوشت کشف میخورد دلیل که بقدر آن علم حاصل کند کرمانی رح گوید اگر بیند که کشفی در سر گین دانی بیافت دلیل که بصحبت عالمی رسد و اگر بیند کشفی در مسجد یا در جای عزیز بیافت دلیل که زاهد شود و بنزدیک بزرگان و علما او را حرمت باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کشف در خواب بر سه وجه بود یکی زاهد دوم مردی عالم سوم مردی صانع در کارها **کشکاب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کشکاب عناب و بنفشه با شکر میخورد دلیل که او را مالی حلال اندک بدست آید و رنج و غم از دلش برود و اگر بیند که کشکاب بمی تو انست خوردن تاویلش بخلاف این بود **کشمش** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کشمش در خواب دلیل بر مال و نعمت کند و اگر بیند که کشمش داشت یا کسی بوی داد و بخورد دلیل که بقدر آن خیر و منفعت بدان کس رساند و اگر بیند که آب کشمش جدا کرد و بخورد اگر عالم بود دلیل که علمش زیادت شود و اگر بازرگان بود مالش زیادت شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کشمش بخروار داشت اگر عالم بود دلیل که مال زیادت شود و اگر پیشه کار بود دلیل که مال تمام از کسب حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید کشمش در خواب خوردن بر سه وجه بود یکی منفعت دوم مال حلال سوم کسب **کشنیز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کشنیز در خواب دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که کشنیز داشت و خورد دلیل که بقدر آن او را غم و اندوه بود **کعب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن کعب بخواب بتاویل مقام بود اگر بیند که با کعب بازی میکرد دلیل بر جنگ و خصومت کند و اگر بیند که کعب بسیار داشت دلیل که بقدر آن غم و اندوه رسد و اگر بیند که کعب پای او بشکست دلیل که فرزند او بمیرد یا غمی بوی رسد که بتاویل منازعت بود و کعبتین خصومت و مکر و حیلت باشد مغربی رحمة الله علیه گوید بازی کردن با کعبتین دلیل بر دشمن حقیر و جنگ و خصومت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کعب در خواب بر پنج وجه بود یکی مقام دوم زن سوم فرزند چهارم مال پنجم گفتگوی قوله تعالی وَکَوَاعِبَ اَتْرَابًا وَکَاْسًا دِهَاقًا اگر بیند که کعب جانوری داشت

کرگوشت وی حلال بود دلیل برمال حلال کند واگر حرام بود دلیل برمال حرام بود **کعبه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کعبه درخواب بیند خلیفه بود وهر کسیکه قبلهٔ وی کعبه بود هر زیادت ونقصان که درکعبه بیند دلیل برخلیفه بود واگر بیند که طواف کعبه میکرد دلیل برصلاح دین وی بود واز خلیفه راحت یابد واگر بیند که احرام گرفته بود وروی بکعبه داشت دلیل برزیادتی صلاحیت او بود واگر بیند که سرائی او کعبه شده بود ومردم زیارت میکردند دلیل که امانت نیکو نگهدارد وحرمت ومنزلت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر پادشاه بیند که بکعبه میرفت دلیل که از خلیفه بزرگی یابد واگر بیند که کعبه بیفتاد یا آتش بسوخت دلیل که احوال خلیفه بدگردد واگر بیند که از کعبه چیزی برگرفت دلیل که اورا از خلیفه فایده برسد واگر بیند که درکعبه نماز میگذارد دلیل که از خلفا کارش نیکو گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اصل کعبه ایمانست ومسلمانی بود واگر خود را درکعبه بیند دلیل که از شر دشمن ایمن گردد ودعایش مستجاب گردد قوله تعالی وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ اٰمِنًا اگر بیند که روی بحجر الاسود نهاده بود وبوسه میداد دلیل که حج گذارد واگر بیند که بزیارت قبر حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله واصحابه وسلم بود یا درمقام ابراهیم علیه السلام دید دلیل که بحج رود وبسلامت بازآید واگر خود را بربام کعبه بیند دلیل که بدمذهب بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کعبه درخواب برچهار وجه بود یکی خلیفه دوم امام سوم ایمان ومسلمانی چهارم ایمنی از بیم **کفتار** (چڑیل ۱۲) درخواب زن زشت و پلید وبدکردار باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کفتار بسته بود دلیل که زنی زشت پلید بخواهد واگر بیند که گوشت کفتار میخورد دلیل که بروی جادو کنند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شیر کفتار میخورد یا از پوست یا از استخوان او چیزی داشت دلیل که از آن زن فایده یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کفتار باوی سخن گفت دلیل که زن باوی زبان درازی کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کفتار درخواب بد باشد **کفچه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کفچه درخواب کارفرمای خانه بود اگر بیند که کفچه نو وپاکیزه داشت دلیل که خادم وی پارسا باشد واگر کفچه کهنه وشکسته بود تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کفچه وی بشکست دلیل که خادم وی بمیرد یا بیمار شود واگر ضایع شد یا بسوخت نیز خادم بمیرد **کفچه آتش** انظام گوید سلاطین وملوک چون بیند دلیل که نایب وی باشد وآن کس که غیر ازین دو بیند دلیل برخدمتگاری خانه واهل وی باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کفچه آتش داشت دلیل که اورا خدمتگاری حاصل شود واگر انظام بشکست یا ضایع شد دلیل که خدمتگارش بمیرد یا برود **کفش** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کفش درخواب زن باشد اگر بیند که کفش نو داشت ودرپای کرد دلیل که زن خواهد یا کنیزک خرد واگر بیند که کفش دیگر درپای کرد دلیل که زنی بیوه بخواهد واگر کفش سیاه بود دلیل که زنی ستیزه کار بود واگر کفش سرخ بود دلیل که زنی معاشره وطرب دوست دارد واگر کفش زرد بود دلیل برزنی بیمارگون بود واگر کفش سفید بود دلیل که زنی خوبروی خواهد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کفش ازپوست گاؤ بود دلیل که زنی باصل بخواهد واگر ازپوست گوسپند بود دلیل که زنی از اصل عرب بود که بخواهد واگر بیند که کرمک کفش از پای وی بیفتاد وضایع شد دلیل برغم واندوه بود وبحیرمتی بیند واگر کفش درپای او تنگ بود دلیل که زن او

بتباه کار بود و نیز گویند کفش کهنه در خواب دیدن بهتر از کفش نو باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کفش در خواب بر هفت وجه بود یکی زن دوم خادم سوم کنیزک چهارم قوت پنجم معیشت ششم مال هفتم سفر و کفشگر در خواب مردی بود که مصلحت میر انها کند **کف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چیزی در کف داشت دلیل که بقدر آن چیزی بوی رسد و اگر بیند که کفها دست بر هم می بودند دلیل که آنجا عروسی و شادی بود و اگر بیند که کفها او خسته یاریش بود دلیل که از سفر و تحویل باز ماند و اگر بیند که کفهائی وی گشاده روی بود دلیل بر فراخ دستی بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بر نامرادی و تنگدستی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کف در خواب بر شش وجه بود یکی دست فراخی دوم مال سوم ریاست چهارم فرزند پنجم دلیری ششم بازن بحرام در شدن **کف دریا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کف دریا در خواب منفعت از پادشاه یا از مردی بزرگوار بود **کفن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از بهر مرده یا زنده کفن بساخت اگر آن کس معروف بود دلیل که از ان کس بوی رنجی رسد و اگر بیند که کفن مرده معروف کند دلیل که در دنیا طریق آن مرده جوید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کفن مرده میدرید معبران گویند اگر بیننده صالح و پارسا بود و طالب علم باشد و سخنهای باریک گوید دلیل که دنیا روی بوی نهد و مال حرام جمع کند و اگر بیند که مردگان را کفن میکند و از جائی بجائی میبرند دلیل که مالهای حرام بدست وی روانشود و اگر بیننده منافق و غماز باشد و بفساد مردم گواهی دهد **کلاب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کلاب در خواب تندرستی بود و اگر بیند که کلاب بردی رنجیت دلیل که تندرست بود و مردم او را مدح و ثنا گویند و اگر بیند که کلاب بهر کس میداد دلیل که نامش در آن دیار منتشر گردد و اگر عالم بود دلیل که خلق از علم وی بهره مند گردند **کلازه** مرغیست و آن را عقعق گویند در خواب دیدن وی دلیل بر مردی بی وفا و بد دین بود و اگر بیند که کلازه بگرفت دلیل که با مردی بدین صفت که گفته شد یاری و دوستی گیرد و اگر بیند که با کلازه نبرد میکرد دلیل که با مردی بدین صفت که گفتیم خصومت کند و اگر بیند که کلازه از دست وی بپرید دلیل که ترک صحبت آن مرد کند و اگرچه کلازه را بکشت و گوشت وی بخورد دلیل که دشمن را قهر کند و بقدر آن مال وی بخورد **کلاغ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کلاغ در خواب مردی فاسق و بد عهد بود اگر کسی بیند که کلاغی را بگرفت دلیل که غنیمتی از کسی بحیلتی و دروغ حاصل کند و اگر بیند که بر سر شاخ درختی نشسته بوده و بانگ میکرد دلیل بر وبال وی باشد اگر دو کلاغ بیند دلیل بر رنج و مشقت بود و در دیدن کلاغ در خواب خیر نبود **کلاه** دانیال علیه السلام گوید کلاه در خواب دیدن عز و جاه بود بقدر قیمت کلاه اگر بیند که کلاه غازیان بر سر داشت دلیل که بر خصم چیره شود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کلاه ترکان بر سر داشت دلیل که بسختی منفعت یابد و اگر بیند که کلاه مغان بر سر داشت دلیل که عزا یخهانی یابد و الا در دین ضعیف باشد و اگر بر سر کلاه پادشاه بیند دلیل که حرمت و جاه یابد و اگر بیند که کلاه عنابی داشت دلیل که شادمان گردد و منفعت یابد و اگر کلاه رومی بر دست داشت دلیل که خیر دینی و دنیاوی حاصل کند و اگر کلاه بر سر دستار نهاده دید دلیل که او را کاری افتد که

آنکار از مردمان پنهان باید داشت واگر کلاه ابریشمین داشت دلیل کہ منفعت بیند واگر بیند کہ کلاہی از زر بر سر داشت دلیل کہ از مردم منفعت یابد واگر از مروارید بیند دلیل کہ پیش مردم عزیز گردد وصحبت با کسی دارد کہ دین دار و غازی بود واگر از آہن بود دلیل کہ از پادشاہ عز و جاہ و قوت بیند و یابد واگر از چوب بود دلیل کہ خود را از مردمان خوار پندارد دروغ و محال گوید کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ کلاہ تابستانی بزمستان بر سر نہاده دلیل کہ خیر و منفعت یابد واگر بخلاف این بیند دلیل کہ از مراد باز ماند واگر بر سر کلاہ سیاہ بیند و در بیداری ہمان پوشید دلیل کہ خیر و منفعت یابد واگر کلاہ از سر وی بیفتاد دلیل کہ از عمل معزول گردد یا غمی سخت بوی رسد واگر بیند کہ کلاہی ازین کلاہہا کہ صفت کردیم بر سر کش نہادند دلیل کہ بقدر و قیمت آن کلاہ از مہتری جاہ و منزلت یابد واگر بیند کہ کلاہ از سر وی بر گرفتہ بود دلیل کہ از عز و جاہ بیفتد واگر زنی بیند کہ کلاہی دوگوشہ بر سر نہاده دلیل کہ آن زن را پسری آید و آن پسر پادشاہ شود واگر بیند کہ کلاہ وزیر بر سر وی نہادند دلیل کہ آن کس بدین بود اما پادشاہان را نیک بود مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ کلاہے پوشیده داشت دلیل کہ شرف و منزلت او زیادت گردد واگر بیند کہ کلاہ دریده و کہنہ بود دلیل کہ اندوہگین شود واگر بیند کہ بیگانہ کلاہ از سر وی در ربود دلیل کہ از مردی بزرگ دور شود واگر کلاہش از پوست سمور بود یا از پوست روباہ یا مانند این دلیل کہ شرف و بزرگی یابد از مردی کہ کامل در دین نباشد واگر بیند کہ کلاہی بر سر داشت کہ در بیداری ہرگز نہ پوشیده بود اگر سفید باشد دلیل بر نیکوئی وی کند واگر سبز بود دلیل بر بداو کند مگر آنکہ ازین نوع کلاہ داشتہ باشد در بیداری واگر کلاہ سرخ بود دلیل بر بیماری باشد اسمٰعیل اشعث رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ کلاہی مرصع پوشیده بود دلیل کہ بقدر و قیمت آن کلاہ شرف و بزرگی یابد لیکن در دین او نقصان بود واگر بیند کہ کلاہی آتشی افتاده بود دلیل کہ پادشاہ او را مصادره کند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کلاہ در خواب دلیل بر شرف و بزرگی کند و دیدن آن در خواب بر شش وجہ بود یکی ولایت دوم ریاست سوم بزرگی چہارم عز و جاہ پنجم مقدار ششم منزلت کلاہ دوز در خواب کسی بود کہ خدمت بزرگان کند **گل شدن** (گنجا ہونا ۱۲) ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ سروی گل شده بود دلیل کہ مال و خواستہ بسیار یابد و بعضی معبران گویند کہ غم و اندوہ از وی زایل گردد واگر وامدار دوامش گذارده شود واگر بیند کہ او را با مردی گل صحبت بود دلیل کہ با مردی توانگر دوست و آشنا شود واگر بیند کہ سروی گل بود و بعد ازان موی بر آورد دلیل کہ مال وی تلف شود و وام دار شود **گل** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید حکم برگی در خواب بر دو نوع بود یکی آنکہ گل بر درخت بود و یکی آنکہ گل از درخت شده باشد و گلی کہ آن را بقائی نہ بود دلیل بر غم و اندوہ بیننده خواب بود اگر کسی گل سرخ بوقت خویش بر درخت بیند دلیل کہ او را فرزندی آید و چون بیوقت بیند دلیل کہ بسبب فرزند او را مصیبت بود و درخت گل در خواب مہتری و سخن روائی بود و درخت گل زرد زنی بود با زرگان حاجت روا کننده و درخت گل سفید دلیل بر عز و دولت و جاہ بود اگر در سرای خویش درخت گل بیند دلیل کہ دختر را بنکاح آورد واگر در سرای خود گل صد برگ بیند

دلیل کہ بسبب فرزند شاد شود و اگر گلہا از ہر گونہ شگفتہ بیند دلیل کہ از خویشان و اہل بیت شادمان شود و اگر بیخ درخت گل از زمین کشتہ بیند دلیل کہ مردم سرایش کاہل باشند مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید گل در خواب مرد دون ہمت و بدعہد بود کہ باکس وفا نکند و اگر بیند کہ گل بکسے داد یا از دست بیفگند دلیل کہ از صحبت چنین مردی دور افتد اسمعیل اشعث رحمۃ اللہ علیہ گوید گل در خواب نامہ بود کہ از غایبی بدو رسد یا آمدن غایب بود جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن گل در خواب بر شش وجہ بود یکی فرزند دوم دوست سوم مرد دون ہمت چہارم کنیزک پنجم غلام ششم نامہ غایب **گل شکر** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید گلشکر در خواب و گل انگبین در خواب غنیمت و مال حلال بود بقدر آنکہ خوردہ باشد و اگر بیند کہ گلشکر با گل انگبین داشت و از آن بخورد اگر تونگر بود دلیل کہ مالش زیادت شود و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر غمگین بود شادمان گردد و اگر وام دار بود وامش گذارده شود **گل خوردن** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ گل میخورد دلیل کہ از پس مردگان بد میگوید و اگر بیند کہ گل با خاک می خورد دلیل کہ مال خود بر عیال نفقہ کند و اگر بیند کہ از خاک تربت حضرت محمد مصطفی صلی اللہ علیہ و آلہ و اصحابہ وسلم میخورد دلیل کہ حج گذارد و اگر بیند کہ خانہ بگل می اندود دلیل کہ غمگین شود مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید دیدن گل سفید و سبز در خواب مال حلال بود و گل زرد بیماری بود و گل سرخ لہو و طرب بود و گل سیاہ غم و اندوہ و اندیشہ بود و گل آب تیرہ دلیل بر غم و اندوہ بود و اگر بیند کہ در میان گلی غرق شدہ بود دلیل کہ در محنتے عظیم افتد کہ رہائی نیابد و اگر بیند کہ از میان گل بیرون آمد و خود را و جامہ خود را پاک بشست دلیل کہ از غم و اندوہ رہائی یابد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن گل در خواب در سر دسیر صعبتر بود کہ در گرم سیر **کلبتین** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید کلبتین در خواب خادمی بود کہ بخوبی مال از دست پادشاہ بدر آرد و بر مردم نفقہ کند و اگر بیند کہ کلبتین در دست داشت دلیل کہ او را مال و نعمتے حاصل شود و اگر بیند کہ کلبتین وی ضایع شد دلیل کہ او را زیانی رسد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ بکلبتین چیزی از میان آتش بیرون آورد دلیل کہ بقدر آن از پادشاہ راحت یابد **کلم** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر کسی بخواب بیند کہ کلم داشت و بخورد دلیل کہ از زنے منفعت یابد و چون بی گوشت خورد دلیل کہ منفعت کمتر بود مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر گوشت و کلم باہم پختہ خورد دلیل کہ منفعت بسیار یابد و اگر خام خورد منفعت کمتر باشد و اگر کلم بوقت میخورد دلیل بر غم و اندیشہ بود و اگر شیرین بود منفعتش بیشتر باشد **گلنار** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید دیدن گلنار در خواب عروسی پاکیزہ خوب خاصہ کہ بہنگام خود بر درخت بیند اگر بیند کہ گلنار از درخت افتاد دلیل کہ از دیدار عروس پاکیزہ یا کنیزک جدا ماند **کلنگ** در خواب مردی غریب بود ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ کلنگے بگرفت یا کسی بوی داد دلیل کہ با مردی غریب پیوندد و باوی نیکوئی کند و اگر بیند کہ پر کلنگ یا گوشت او داشت دلیل کہ از مردی غریب راحت بیند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ کلنگان را میچرانید دلیل کہ بر گروہی غریبان و درویشان مہتر گردد و اگر بیند کہ خاصہ کلنگ داشت دلیل کہ درویش شود **گلو** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر کسے بخواب بیند کہ گلوئی وی بسلامت است

وهیچ المی ندارد دلیل کرامانت ووام بگذارد واگر بیند که رنج وآفتی در گلوئی وی پدید آمد تاویلش بخلاف این بود واگر گلوی خود را فراخ بیند دلیل کروزی بروی فراخ گردد واگر تنگ بیند بخلاف این بود واگر گلوئی خود را درست وقوی بیند دلیل کر امانتها را نیک نگهدارد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گلوئی او را ببرند دلیل که بزنده بروی ظلم کند یا در دین او طعنه زند وهر جانوری که کشتن او روا نباشد چون بیند که گلوئی او را ببرند دلیل بر مردی بود که بدان نسبت دارد که بدان مردم راستم کند واگر بیند که بهیمه را گلو ببرید دلیل که کار بروی دشوار گردد واگر بیند که گلوش را بعنف ببرند و گوشتش بخورد اگر گوشت آن جانور حلال باشد دلیل کر مال حلال یابد واگر حرام بود مال حرام یابد واگر بیند که گلوئی آدمی ببرید دلیل بر آنکس بیداد وستم کند یا در دین او طعنه زند واگر بیند که گلوئی کسی ابفشرد وخفه کرد دلیل کر از شرف وبزرگی معزول گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید گلو در خواب دلیل بر دخل وخرج مردم کند اسمٰعیل اشعث رحمة الله علیه گوید گلو فشردن در خواب دلیل بر تنگ شدن عیش مغلوب بود **کلیچه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کلیچه در خواب دلیل بر عیش خوش ونعمت ومال کند که بدست آورد واگر بیند که کلیچه میخورد دلیل که او را مال ونعمت آسان بدست آید واگر بیند که کلیچه بخر وارد اشت دلیل که مال ونعمت بسیار حاصل کند واگر بیند که کلیچه در دهان نهاد ونتوانست خوردن دلیل که مال ونعمت او قسمت دیگران باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید خوردن کلیچه در خواب بر چهار وجه بود یکی مال حلال که بآسان بدست آید دوم روزی فراخ سوم نعمت چهارم عیش خوش **کلید** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کلید در خواب مردی کشاینده کار بود اگر کسی بخواب بیند که قفلی را بکلید باز کرد ودر بگشاد دلیل که کارهای بسته بروی گشاده شود وبر دشمن ظفر یابد واگر بیند که در دست کلید بسیار داشت دلیل که بزرگی ومنزلت یابد قوله تعالیٰ لَهٗ مَقَالِیْدُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ الایه کرمانی رحمة الله علیه گوید کلید در خواب کشایش در خیر بود وبستن شر وبعضی گویند کلید در بستن تزویج بود واگر بیند که کلیدهای در بهشت در دست داشت دلیل که در دین سلطان بوده عاقبت کارش نیکو ومحمود بود دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که کلید آهنین داشت دلیل بر قوت ونیکوئی بود واگر بیند که کلید برنجین یا مسین داشت دلیل که او را سخن روائی بود واگر بیند که کلید چوبین داشت دلیل بر نیکوئی کمتر بود واگر کلید زرین یا سیمین داشت دلیل که سخن او روائی یابد ونیز گویند که گنج یابد مغربی رحمة الله علیه گوید چندانکه کلید بسیار بود مال بیشتر بود ونیز گویند که کلید دعا واستغفار وحاجت خواستن از درگاه باری سبحانه وتعالیٰ بود واگر بیند که کلید بر قفلی نهاد ودر را باز کرد دلیل که حاجتش روا گردد وکار بسته او گشاده شود واگر بیند که کلید در کلیدان بشکست دلیل که دعائی وی خالص نباشد واگر بیند که بیک کلید دو قفل را بگشاد ودرها باز کرد دلیل که زنی خوبروی بخواهد حافظ معبر گوید اگر کسی دست خود را کلید بیند دلیل که نماز گذارنده بود واگر بیند کلید وی بنقیاد دلیل که کاهل نماز بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کلید در خواب برهشت وجه بود یکی گشادن کارها دوم فراغ از غم سوم شفا از بیماری چهارم یافتن مراد پنجم قوت دین ششم گذاردن حج هفتم اجابت هشتم دانستن علم **کلیدوان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که

کلید دان زود بکشاد و زحمت نداد دلیل کہ کارہائی دینی و دنیاوی وی کشادہ گردد و اگر بیند کہ کلید دان بدشواری بکشاد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند کہ کلید دان نتوانست کشود و دربستہ بماند دلیل کہ کارہا بروی بستہ گردد و از حال نیک بحال بد افتد مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ کلید دان زود باز کرد اگر غمگین بود دلیل کہ زود فرج یابد و اگر بیمار بود زود شفا یابد و اگر بندہ بود آزاد بگردد و اگر حاجتی دارد روا شود و اگر دعا کند مستجاب شود و کارہاش بنظام گردد

کلیسا ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ در کلیسا رفت و در آنجا سوئی قبلہ نماز گذارد دلیل کہ آنکس از گناہ توبہ کند و در دین قوی شود از بہر آنکہ کلیسا جای عبادت است کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ در کلیسا بود دلیل کہ میل او با پرستان باشد خاصہ چون نماز سوئی قبلہ ایشان بگذارد جعفر صادق رضی اللہ عنہ فرماید اگر بیند کہ در کنشت شد اگر بیننده خواب پارسا باشد دلیل بد بود خاصہ کہ بیند در آنجا مقیم شد **گلیم** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید گلیم در خواب رئیس و سرور بود اگر بیننده خواب مہتر بود دلیل کہ بزرگی و جاہ او بیفزاید و بعضی معبران گویند مردی صالح و گزیدہ بود و از درویشانِ دیندار بود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ گلیمی بیافت دلیل کہ زنی تواند گرفت و اگر این خواب زنی بیند دلیل کہ شوہر کند و از وخیر و منفعت بیند و اگر بیند کہ بر گلیمی کوتہ نشستہ بود دلیل کہ زنی خوبروئی و پارسا و موافق بزنی کند و اگر بیند کہ گلیمی سبز بود دلیل کہ زنی ستیزہ کار و دیندار بود و اگر بیند کہ گلیم سرخ بود زنی معاشر و طرب دوست بود و اگر گلیم زرد بود زنی بیمارگون باشد و اگر گلیم سیاہ بود آن زن کہ باشد زاہد و عابدہ بود و اگر گلیم ملون بود این ہمہ کہ گفتیم در زن موجود بود و اگر بیند کہ گلیمی پوشیدہ بود دلیل کہ در پناہ مہتری پارسا بود و از و منفعت یابد و اگر گلیم از خود دور افگند و ضایع شد تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن گلیم در خواب پرسخ وجہ بود یکی مرد رئیس دوم مہتر و پارسا سوم زنی تواند گرفت چہارم کنیزک پنجم خیر و منفعت **کمان** دانیال علیہ السلام گوید اگر بیند کہ کمان رابی تیر می کشید دلیل کہ بسفر رود و با فائدہ باز گردد و اگر ہنگام کشیدن زہ کمان ببرید دلیل کہ سفرش تمام نشود و باشد کہ در راہش زیان رسد و اگر بیند کہ کسی کمانی بوی داد دلیل کہ پسر یا برادر آرد و اگر بیند کہ کمان وی بشکست دلیل کہ از شرف و بزرگی افتد یا چیزی از مال او تلف شود و اگر بیند کہ از کمان تیر می انداخت دلیل کہ از بزرگی نامہ بدو رسد ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ از کمانی تیر می انداخت دلیل کہ سخن حق و باطل گوید بسبب راست و کجرفتن تیر و اگر بیند کہ از بہر خود کمانی ساخت دلیل کہ او را از پادشاہ عجمی شرف و بزرگی حاصل شود یا زن عجمی بخواہد و او را پسری آید و اگر بیند کہ از کمان تیر نتوانست انداخت دلیل کہ او را از پادشاہ یا از ان زن فائدہ نباشد و اگر بیند کہ کمان را بفروخت یا بکسی داد دلیل کہ نقصان شرف و بزرگی او باشد و بعضی گویند کہ کمان تاویل درازی عمر بود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ کمانی نو و پاکیزہ داشت دلیل کہ زن خواہد و اگر بیند کہ کمان بکشید دلیل کہ زن پایدار بود و اگر بیند کہ کمان ضایع شد دلیل کہ از زن جدا شود و اگر بیند کہ کمان او سخت بود و در وقت کشیدن نرم باشد

دلیل کہ زنی بنکاح بخواہد و کار او آسان برآید و اگر سفری کند مبارک باشد و از آن سفر بمراد برسد و اگر بیند کہ کمان سست بود و سخت شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند کہ کمانی بدست خویش از بہر خود می ساخت دلیل کہ کار او ساختہ گردد و اگر بیند کہ کمان بفروخت و از بہائی او درم و دینار بستد دلیل کہ دنیا را بر دین اختیار کند و اگر بیند کہ بہائی کمان جز درم چیزی دیگر بستد دلیل کہ مراد وی حاصل شود و اگر بیند کہ کمانی عطا بوی دادند دلیل کہ زود زن را خواہد و بر دشمن ظفر یابد اگر بیند کہ کمان خمیدہ کشیدہ بوی دادند بی آنکہ کمان را بکشید دلیل کہ عمر وی دراز بود و اگر بیند کہ کمان در کمان دان نہاد دلیل کہ از دنیا برود و اگر بیند کہ کمانہای بسیار داشت دلیل کہ او را دوستان بسیار باشند کہ بگاہ سختی بفریاد وی رسند و اگر بیند کہ کمانی پاکیزہ و نیکو داشت دلیل کردارہای نیکو و خیرات و طاعات و حسنات کند و حج گذارد و آنچہ بدین ماند بخداوند تعالی نزدیک بود قولہ تعالی فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن کمان در خواب برشش وجہ بود یکی سفر دوم فرزند یا برادر سوم زن چہارم قوت پنجم کردارہای نیک ششم مرد درست در کارہا **کمان حلاجی** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید کمان حلاجی در خواب شناعت زننده بود و اگر بیند کہ کمان حلاجی در دست داشت دلیل کہ منافقی کند و اگر بیند کہ کمان حلاجی داشت و ندانست کہ ملک اوست دلیل کہ شفیع خواہد **کمانہ آسمان** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر کسی بخواب بیند کہ کمانہ آسمان زرد بود دلیل بر بیماری مردم آن دیار بود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ سبزی کمانہ آسمان بیشتر از سرخی بود دلیل کہ در آن دیار نعمت فراخ گردد و اگر بیند کہ سرخی بیشتر از سبزی بود تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ بر آسمان علامت سرخی بکردار عمود شد دلیل کہ پادشاہ آن دیار را قوت و کامگاری رسد و اگر عمودہای سیاہ بیند تاویلش بخلاف این بود **کمان کروہہ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید کمان کروہہ در خواب کار پادشاہ بود با غم و اندوہ و اگر بیند کہ کمان کروہہ در دست داشت و کلامی ناخوش دلیل کہ کسی را سخن زشت گوید و دشنام دہد زیرا کہ کمان کروہہ در راہ دین ناپسندیدہ بود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ کمان کروہہ کلامی بمردم انداخت دلیل کہ بسبب آزار مردم غمگین شود و اگر بیند کہ کمان کروہہ وی بشکست یا ضایع شد دلیل کہ آزار کس نجوید **کمربند** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ در میان کمربندی بستہ بود دلیل کہ از مردم او پشت و پناہ بود و بعضی گویند کہ او را پشت و پناہ فرزند بود یا خویشان و اگر بیند کہ کمربند بدر و جواہر مرصع بود دلیل کہ بقدر قیمت آن مال حاصل کند و بدان پشت و پناہ وی قوی گردد و باشد کہ فرزند آرد و محتشم قبایل گردد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند سہ چہار بار کمربند بر میان بستہ داشت دلیل کہ او را مال و حشم بسیار باشد و نیز گویند کہ عمرش دراز باشد و اگر بیند کہ کمربندی بدو دادند و در میان بست دلیل کہ بسفر رود و اگر بیند کہ کمربند بشکست و بیفتاد و ضایع شد دلیل کہ در مال و بزرگی او نقصان شود مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ کمربندی بجواہر مرصع بود دلیل کہ مہتر قومی شود و اہل بیت وی بسبب وی توانگر شوند و اگر بیند کہ کمربند شمشیر آہن یا مس آراستہ بود دلیل بر خواستہ بود و لیکن کمتر و اگر بیند کہ کسی او را کمربند و شمشیر بخشید دلیل کہ از بہر پادشاہ

سفر کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کمر بند در خواب بر شش وجه بود یکی منفعت از قبل پدر یا برادر یا خویشان
دوم فرزند سوم بزرگی و پناه چهارم عمر دراز پنجم الضاف دادن و یافتن مراد ششم پاکی دین و اگر بیند که کمر بند بر میان بسته
داشت دلیل که اضاف از خصمان بستاند امانیه عمر گذشته بود **گم شدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند
که گم شده دلیل که در آن موضع که او بود ضایع شود زیرا که او را بمعرفت نشناسند و قرب او ندانند و اگر بیند که عیال
یا فرزند او گم شد دلیل که از جهت ایشان اندوهگین شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چیزی از وی گم شد اگر آن چیز
بتاویل نیک بود دلیل که بقدر آن غم و اندوه و مضرت وی زایل شود و کارش بنظام گردد و اگر آن چیز بتاویل بد بود غم و
مضرت از وی زایل نشود و کارش بنظام نشود **کمند** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کمندی بیند اخت
و مردی را بگرفت دلیل که باندازهٔ کمند از بزرگی یاری خواهد دا گر بیند که کمندش از رسن بود دلیل که از مردی مومن یاری خواهد و
اگر بیند که کمند از موئی خوک بود دلیل که از مردی کافر یاری خواهد و اگر بیند که کمند انداخت و در گردن مردی آمد دلیل که از مردی
ضعیف یاری خواهد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کمند در دست آن مرد افتاد دلیل که از مردی مسافر یاری خواهد و اگر بیند که کمند
انداخت و خصم را نتوانست گرفت دلیل که هیچکس او را یاری ندهد **کنار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کنار در خواب مال
بیش بود و از میوها هیچ میوهٔ را خاصیت آن نبود و گویند که میوهٔ مهتر آدم علیه السلام در بهشت کنار بود دا گر بیند که
کنار بخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند خاصه چون بوقت خویش باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کنار در خواب
مال حلال بود و روزی فراخ باشد و اگر بیند که بخروار کنار داشت دلیل که مال بسیار یابد **گناه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که گناه میکرد و ندانست که آن گناه چه بود دلیل که در گناه و فتنه افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید گناه کردن در
خواب هم معصیت و گناه بود و توبه باید کرد تا از عقوبت حق تعالی عز و جل ایمن شود و کارش بصلاح آید **گنبد** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید گنبد در خواب زن بود و اگر گنبدی پاکیزه بیند و داند که ملک اوست دلیل که زنی خوبروی خواهد کرمانی
رحمة الله علیه گوید گنبد در خواب شرف و بزرگی بود اگر بیند که در گنبدی بزرگ بود دلیل که خیر و منفعت بدو رسد جعفر
صادق رضی الله عنه گوید دیدن گنبد در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم کنیزک سوم منفعت چهارم عز و جاه **گنج**
ابن سیرین رحمة الله گوید اگر بیند که گنج بیافت دلیل که بیمار گردد و یا رنجی بدل او رسد و اگر بیند که گنج او ضایع شد تاویلش
بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید گنج یافتن در خواب در جایگاه خراب بیمار یا هلاک شود و اگر بیند که در جایگاه
آبادان یابد دلیل که بیمار شفا یابد **گنجد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گنجد در خواب مالی بود که هر روز زیادت باشد
و اگر بیند که گنجد داشت و میخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که گنجد یکسر داد دلیل که بقدر آن از مال خود او را
منفعت رساند و اگر بیند که گنجد خورد و طعم آن ناخوش بود دلیل که بقدر آن مال حرام یابد و بعضی از معبران گویند که او را
غم و اندوه رسد **گنده پیر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گنده پیر در خواب دنیا باشد و گنده پیر مسلمان که بجاه

آراسته باشد دلیل کرمال حلال یابد وگنده پیر که بجامه چرکین باشد وکافر بود تاویل مال حرام بود وگنده پیر خوبروی ونیکو جامه تاویل اینچنان وآن چنان باشد واگر بیند کرگنده پیر فربه ومسلمان بزنی خواست ودانست که ملک اوست دلیل که مال حاصل کند واگر بیند که زنی پیر داشت واورا از خانه بیرون کرد یا طلاق داد دلیل که ترک دنیا بکو شد وراه آخرت جوید واگر بیند که باگنده پیری مجامعت کرد دلیل که مراد اینچنانی او را حاصل شود **کندرو** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کندرو میخورد یا می خاید دلیل که با کسی خصومت کند یا شکایت بود بقدر خاییدن مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کندرو داشت دلیل که غمگین شود زیرا که تلخ است ودر تاویل اندوه بود **کندس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کندس بسیار داشت دلیل که بیماری دراز کشد وعاقبت شفا یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کندس میخورد دلیل که در رنج وبلا گرفتار شود واگر بیند که کندس به بینی فرا گرفت وعطسه داد دلیل که حاجتش بدشواری برآید **گندم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گندم در خواب مال حلال بود که برنج بمردم رسد واگر بیند که گندم میخورد دلیل که صالح ودیندار بود واگر پخته میخورد دلیل که غمگین شود واگر بیند که دهان تا شکم اوپر از گندم خشک شده بود دلیل که عمرش بآخر رسیده باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خوشهای گندم میخورد دلیل که در آن دیار قحط وتنگی پدید آید قوله تعالی سَبْعَ سُنْبُلَاتٍ خُضْرٍ وَّاُخَرَ یَابِسَاتٍ واگر بیند که گندم میکشت دلیل که در آن دیار حق سبحانه وتعالی نرخ غله ارزان کند جعفر صادق رضی الله عنه فرماید گندم در خواب برسه وجه بود یکی معزول شدن از ولایت دوم نصرت سوم غریبی اسمعیل الشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گندم بریان میخورد دلیل که بهیچ منفعت نیابد واگر بیند که گندم بوقت خود میدرود دلیل که مالی بسیار برنج حاصل کند وگندم فروشش در خواب دیدن مردی بود که دین بدنیا اختیار کند **گندنا** دانیال علیه السلام گوید گندنا در خواب مردی بود که مردم اورا بدوستی یاد کنند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گندنا در خواب مال حرام بود وگفتار زشت بود واگر بیننده خواب مستور ومصلح نباشد دلیل که مال حرام حاصل کند وپیوسته سخنان زشت گوید ودر خوردن گندنا هیچ منفعت نباشد **گندوا** گمس انگبین بود اگر بیند که گندوائی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که رسولی پیش او در آید واورا شادمان کند وکرامت یابد وبعد از چهار روز از قبل زنان مقصود ومراد یابد خاصه که بوقت روز دیده باشد **گنشت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در گنشت نشست واز سوی قبله نماز گذارد دلیل که عاقبت توبه کند وبخداوند تعالی باز گردد وبدین قوی گردد لبیب آنکه گنشت جای عبادت است واگر نماز سوی قبله جهودان گذارد دلیل که هوای جهودان دارد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر خود را در گنشت بیند دلیل که بگفتار مردم بدین کار کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گنشت وکلیسا در خواب مردم مصلح را خیر ونیکولی بود ومردم مفسد را شر وفساد بود **گنگر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بوقت خود گنگر میخورد دلیل که غم واندوه بوی رسد وخوردن گنگر در خواب نفع نبود واگر بیند که گنگر داشت ونمیخورد دلیل که غم واندوه کمتر باشد **گنگی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که گنگ شده بود

دلیل کہ درویش و بدحال گردد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر کسے خود را در خواب گنگ بیند دلیل بر تباہی و نقصان دین وی بود چنانکہ حق سبحانہ و تعالیٰ فرمودہ قولہ تعالیٰ صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید گنگی در خواب بر ہفت وجہ بود یکی درویشی دوم بدحالی سوم غم و اندوہ چہارم نقصان عیش پنجم مصیبت ششم نقصان مال ہفتم نقصان دین و اگر گنگے بخواب بیند کہ زبانش کشادہ شد دلیل کہ کار بستہ بروی بگشایند کنہ ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید کنہ در خواب عیال مردم بود و اگر بیند کہ کنہ اندام او میخورد دلیل کہ بقدر آن عیال از مال او بخورند و اگر بیند کہ کنہ بسیار بر چہار پایہ بود دلیل کہ مردم از چہار پایان او فایدہ بینند مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ کنہا از خود دور می انداخت دلیل کہ عیال از خود دور کند و اگر بیند کہ کنہ از چہار پائی خود میگرفت و می انداخت دلیل کہ ہیچکس را فایدہ نرساند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن کنہ در خواب بر سہ وجہ بود یکی عیال دوم خدم و حشم سوم مال و خواستہ فراوان و اگر بیند کہ کنہا میکشت دلیل بدان چیزہائی کہ گفتیم نقصانی بود **کنیزک** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید کنیزک در خواب خیر و نیکی بود بقدر جمال او اگر کسے بخواب بیند کہ کنیزک خوبروی فربہ داشت دلیل کہ چیزی پنہان بوی رسد و از ان چیز متفکر گردد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کنیزک در خواب مال بود و اگر بیند کہ کنیزکی بخرید دلیل بر خیر و نیکی بود و اگر بیند کہ کنیزک بفروخت و بہائی او بستد دلیل کہ او را غم رسد و اگر بیند کہ کنیزک بخرید دلیل کہ خرم و شادمان گردد و مال و نعمت یابد و اگر بیند کہ کنیزک برہنہ بود دلیل کہ زیانی بدو رسد و اگر بیند کہ کنیزک خوبروئی بستہ بود و در خانہ وی در آمد دلیل کہ شادی و منفعت بدو رسد **کہربا** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید کہربا در خواب بیماری بود اگر کسی بخواب بیند کہ کہربا داشت دلیل کہ بیمار شود و زود شفا یابد و بعضے گویند کہ بیماری او دراز کشد **گوارش** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید گوارش در خواب چون شیرین بود دلیل بر منفعت و خیر و شادی کند و اگر تلخ و ناخوش باشد دلیل بر غم و اندوہ و رنج و فساد بود و ہر گوارش کہ بوی خوش بود دلیل بر مدح و ثنا بود و ہر چہ بوئی او ناخوش باشد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید گوارش شیرین خوردن غم و اندوہ بود و گوارش دارو ما خوشبو خوردن دلیل بر ستایش کند **گوال** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید گوال در خواب دلیل بر مردی عالم باشد و چیزہائی کہ در او از خیر و شر بود بدو منقول دلیل از امیر المومنین علی کرم اللہ وجہہ می آرند چنانکہ فرمودہ انّ القلوب وعیۃ مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید گوال چون بزرگ و نو و پاکیزہ و فراخ بود دلیل بر منفعت بسیار بود والا منفعت اندک باشد **گوداب** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید گوداب ہا کہ در خواب بیند بہتر از گوداب خرما بود و بعد ازان گوداب جیض بادام و بعد ازان گوداب نان و بعد ازان گوداب خشخاش را بتاویل منفعت از ینہا کمتر باشد و اگر بیند کہ گوداب جیض میخورد دلیل کہ بقدر آن مال از مردی بخیل بدست آرد و اگر بیند کہ گوداب خشخاش میخورد دلیل کہ بقدر آن مال حاصل شود اما فائدہ اش کمتر بود و اگر بیند کہ گوداب نان میخورد دلیل کہ بقدر آن مال و نعمت از مردی پارسا او را بدست آید و اگر بیند کہ از ین گوداب ہا

که گفتیم داشت واز آن چیزی میخورد آنچه گفتیم بدو رسد مغربی رحمة الله علیه گوید گوداباها آنچه شیرین وخوش طعم بود دلیل بر نیکی کند و آنچه تلخ وناخوش بود دلیل بربدی کند **گور** رویانیال علیه السلام گوید گور تاویل زندان بود واگر بیند که گوری از بهر خود کند دلیل کراحوال بروی تنگ شود وبعضی از معبران گویند در آن موضع که گور باشد از بهر خود سرای نوسازد واگر بیند که اورا در گور کردند دلیل کراحوال بروی دشوار شود قوله تعالی ثُمَّ اَمَاتَهُ فَاَقْبَرَهُ ثُمَّ اِذَا شَاءَ اَنْشَرَهُ اگر بیند که اورا در گور کردند وخاک برسراو کردند دلیل که دین ویرا نقصان بود وبی توبه از دنیا برود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خودرا در گور نهاد دلیل کراورا در زندان کنند واگر بیند که در گور بمرد دلیل که در زندان بمیرد واگر بیند که بربام او گوری میکنند دلیل که زندگانی او دراز باشد واگر بیند که بر سر گوری ایستاده بود دلیل که بر گناه مقیم وایستاده بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر خودرا در گور مرده دید ومنکر ونکیر ازو سوال کردند دلیل که پادشاه آن دیار اورا مطالبه کند واگر جواب منکر ونکیر خطا داد دلیل که در عذاب پادشاه عاجز ماند واگر بیند که اورا از گور بیرون آوردند وبر دار کردند ودیگر باره در گور نهادند دلیل که پادشاه اورا بنوازد وخلعت بپوشاند وبعد ازان بزندان کند اما اگر این خواب بازرگان دیده باشد حساب او با بازرگانان بود وشمار هر کس باجنس خود ومعبران باید قیاس از چیزهای نیک بداند تا خطائی نیفتد **گورستان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گورستان در خواب دیدن صحبت باجاهلان بود که دین ودنیای ایشان بفساد گردد وغم وپشیمانی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که اهل گورستان را زیارت میکرد دلیل که اهل زندان را زیارت کند واگر بیند که در گورستان باران بارید دلیل که اهل گورستان را رحمت از حق سبحانه وتعالی بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر تو انگر بیند که در گورستان میرفت وبر گورها سلام میکرد دلیل که درویش گردد واز مردمان گدائی کند زیرا که گورستان جائی مفلسان است واگر بیند که در گورستان معروف بود ومردگان از گور برخاسته بودند دلیل که اهل آن جایگاه را بلا ومحنت رسد واگر بیند که در گورستان گورها باز میکردند بعضی مرده دید وبعضی زنده دلیل که در آن ولایت محنت وتنگی پدید آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید گورستان در خواب بر سه وجه بود یکی زندان دوم غم سوم محنت وبلا **کوز** در خواب مالی بود که بمحنت وبلا ورنج وسختی حاصل گردد واگر بیند که باکوز بازی میکرد یا کوز در دست داشت دلیل بر جنگ وخصومت بود کرمانی رح گوید کوز که مغز آن تباه شده باشد دلیل که مال حرام بدو رسد بقدر کمی وبسیاری واگر مغز کوز بطعم خوش بود مال حلال بدو رسد واگر بیند که کوز می شکست دلیل که از مردی عجمی مال گیرد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کوز داشت دلیل که اورا جنگ وخصومت افتد واگر بیند که کوز تلخ وناخوش بود دلیل که از مردی بخیل سخن ناخوش شنود واگر بیند که از مغز کوز روغن بیرون آورد دلیل که از مردی بخیل اورا منفعت رسد **کوزهندی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی کوزهندی بوی داد دلیل که سخن فال گیرد ومنجم شود واگر بیند که کوزهندی میخورد دلیل که سخن ایشان راست پندارد

وبعضے از معبران گویند کوز هندی در خواب مردی دون یا کنیزکی هندی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کوز هندی میخورد دلیل که سخنانِ مبخمان راست پندارد و اعتقاد بر آن داشته باشد کوز بو یا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کوز بو یا در خواب صلاح دین بود و دانستن علم شرع و اگر بیند که کوز بو یا خورد دلیل که مصلحت راه دین اختیار کند و علم شریعت بیاموزد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کوز بو یا بسیار داشت و میخورد و بمردم میداد دلیل که در علم و حکمت یگانه شود و ازان علم او را و دیگران را منفعت بود و اگر بیند که کوز بو یائی داشت و ازان بکسی نداد دلیل که از آن علم منفعت نه او را و نه دیگران را باشد و بعضے گویند که خوردن کوز بو یا دلیل بر تعلیم علم نجوم کند **گوی زمین** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گوی زمین در خواب مالی بود که بمکر و حیلت بدست آورد و اگر بیند که بگوی پنهان بود که از انجا او را بیرون آمدن نبود دلیل که بمکر و حیلت خود را در کاری افگند که از آن بدشواری برآید و هر چند که گوی دور تر بود کار صعبتر بود و اگر بیند که آن گوی مانند سرا به بود دلیل که در دزدی از وی چیزی ببرد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوی یا چاهی کند دلیل که از بهر کسی مکر و حیلت سازد و اگر بیند که ازان گوی آب بیرون آمد دلیل که در آن گوی بمکر و حیلت چیزی بدست آورد و بدان معیشت کند و اگر بیند که گوی از بهر کسی دیگر بود دلیل که آنچه گفتیم آن کس را باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در گوی افتاده بود و ازان بیرون نتوانست رفت دلیل که در کاری مستور مانده باشد و از آن خلاصی نیابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که رستگاری یابد **کوزه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کوزه از سپید رویین یا آرنس بود در خواب خادم باشد و اگر سفالین بود داشت دلیل که او را کنیزکی حاصل شود بقدر خوبی کوزه و اگر بیند که از کوزه آب خورد دلیل که با کنیزک جماع کند و اگر بیند که کوزه بشکست دلیل که کنیزک کش بمیرد مغربی رحمة الله علیه گوید کوزه در خواب مال و نعمت باشد و اگر بیند که کوزه زرین داشت یا سیمین او را مال خواسته حاصل شود اما در آن مال تهمت باشد و اگر بیند که کوزه سفید رویین یا قلعی داشت دلیل بر مال و نعمت باشد و اگر کوزه آهنین داشت دلیل بر مال بود اما کمتر جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن کوزه در خواب بر نه وجه بود یکی زن دوم خادم سیوم کنیزک چهارم قوام دین پنجم صلاح تن ششم عمر دراز هفتم مال هشتم خیر و برکت نهم میراث از قبل زنان و کوزه آویز را برادره خوانند تاویلش بخواب زنی بزرگ زاده و مهتر بود **گوسالہ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که گوسالہ نر فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که او را پسری آید و اگر بیند که گوسالہ ماده بود دلیل که او را دختری آید و اگر بیند که گوسالہ بخانه بردو بر دست مالید دلیل که اندوهگین شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوسالہ در منزل او در آمد و شد میکرد دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که گوسالہ دشتی فرا گرفت دلیل که او را پسری آید و اگر بیند که بر پشت گوسالہ سوار بود دلیل که پادشاه عجمی پیوندد و از و بزرگی یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوسالہ وی بمرد دلیل که فرزندش بمیرد و اگر گوسالہ وی ضایع شد دلیل که فرزندان از وی مفارقت جویند و اگر بیند که گوسالہ داشت و از گوشت وی بخورد دلیل که میراث فرزند

بخورد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوسالهٔ سپید بود دلیل که فرزندش مبارک و مستور و توانگر بود و اگر بیند که گوسالهٔ ابلق بود دلیل که میانه بود و اگر گوسالهٔ وی قوی و فربه بود دلیل که فرزندش تندرست و نیک حال بود و اگر ضعیف و لاغر بود تاویلش بخلاف این بود **گوسپند** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گوسپند در خواب غنیمت بود و اگر بیند که گوسپند میچراند دلیل که بر گروهی بزرگی و مهتری یابد و اگر بیند که گوسپندان بعضی سپید و بعضی سیاه بود دلیل که آن گروه بعضی عرب باشند و بعضی عجم و اگر بیند که گوسپند بسیار جمع شدند و دانست که ملک اوست دلیل که اورا مال بسیار حاصل آید و اگر بیند که گوسپندی بر گردن گرفته بود دلیل که مؤنت کسی بر گردن گیرد و اگر بیند که گوشت گوسپند پخته میخورد دلیل که بقدر آن اورا غنیمت باشد و اگر بیند که گوشت بریان کرده میخورد دلیل بر غم واندوه باشد و اگر بیند که از بهر خوردن گوسپند را بکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و مال وی بخورد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زرمیشی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که اورا با مردی بزرگ صحبت افتد و از وی بزرگی و مال یابد و اگر بیند که زره میشی را گلو ببرید دلیل که بر مردی بزرگ ظفر یابد و مالش بستاند و خرج کند و اگر بیند که بر زرمیش نشست و مطیع و فرمانبردار او بود دلیل که بر مردی بزرگ چیره گردد و اگر بیند که زرمیش بروی غالب بود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که سر و پای زره میش بشکست دلیل که بر آن مرد که وصف کردیم غالب شود و اگر بیند که سر و پای زره میش دراز و قوی بود دلیل که آن مرد قوی و توانا شود و اگر بیند که پشم بر تن زره میش دراز بود دلیل که بقدر آن مال و نعمت زیادت شود و اگر بیند که پشم زره میش بسیار حاصل شد و دانست که ملک اوست دلیل که بقدر آن بر مردم فرمان دهد و ایشان را زیر دست خود گرداند و از ایشان مال و نعمت بسیار یابد و بعضی گویند که بعدد هر زره میشی او را سالی بزرگی و شرف حاصل شود مغربی رحمة الله علیه گوید ماده میش در خواب زنی بزرگ و کریمه بود چنانکه حق سبحانه و تعالی در کلام مجید خود در قصهٔ داود علی نبینا و علیه السلام فرموده قوله تعالی ان هذا اخی له تسع و تسعون نعجة ولی نعجة واحدة اگر بیند که ماده میشی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که زنی بدین صفت که گفتیم اورا محب و خواستگاری شود و از وی مال حاصل کند و اگر بیند که ماده میش ضایع شد دلیل آن زن از وی جدا شود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماده میشی را گلو ببرید دلیل که زنی مستوره را بهتان کند و اگر ماده میش سیاه بود دلیل که آن زن از عرب بود و اگر سفید بود از عجم باشد و پوست گوسپند غنیمت و مال حلال بود و دیدن گوسپند در خواب پرنج وجه بود یکی مهتری دوم زنی بزرگ سوم مال چهارم فرمان پنجم جاه و منفعت **گوشتها** دانیال علیه السلام گوید گوشتها تبادیل هر چند پخته خورد دلیل بر مال و منفعت کند که آسان بدست آید و گوشتهای که خام خورد دلیل که مال برنج و سختی بدست آید و حزید و فروخت گوشتها در خواب غم واندوه بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوردن گوشت پخته بهتر از بریان باشد و خوردن گوشت بریان بهتر از خام باشد و اگر بیند که گوشت تن خود را میخورد دلیل که غیبت اهل خانه کند و بعضی از معبران گویند کاری کند که از آن کار پشیمانی خورد و اگر بیند که گوشت مردم میخورد دلیل که غیبت

مردم نباحق کند قوله تعالی ایحب احدکم ان یاکل لحم اخیه میتا فکرهتموه واگر بیند که مردیرا بردار کرده بودند
واو گوشت او میخورد دلیل که مال حرام خورد واگر بیند که گوشت گوسپند فربه و پخته بود و میخورد دلیل که مال و نعمت یابد
واگر بیند که گوسپندی مسلوخ بخانه آورد دلیل که کسی بزرگوار در آنجا بمیرد واگر بیند که برخی از اندام گوسپند در خانه آورد
دلیل که در آنخانه کسی هلاک شود مغربی رحمة الله علیه گوید که گوشت فربه بهتر از گوشت لاغر بود واگر بیند که بگوشت
تازه کیسرا همی زد دلیل که اورا از زبان رنجور گردانند یا اورا غیبت کند واگر بیند که گوشت بریان میخورد دلیل که بقدر آن
روزی باغم واندوه یابد واگر بیند که از قصاب گوشت بخرید و بهایش بداد و بمنزل خود برد دلیل که هلاک شود واگر
بیند که گوشت اژدها میخورد دلیل که بقدر آن مال دشمن بستاند و خرج کند و دشمن را قهر کند واگر بیند که گوشت اسپ
میخورد دلیل که در میان خلق نیک نام شود و از پادشاه چیزی بدو رسد واگر بیند که گوشت اشتر میخورد دلیل که بقدر
آن مال دشمن بدست آورد و بخورد واگر بیند که گوشت اشتر بچه میخورد دلیل که بقدر آن مال یتیمی بخورد و بعد ازان بیمار
شود و شفا یابد و بعضی از معبران گویند که از مردم پادشاه اورا منفعت رسد واگر بیند که گوشت اشتر مرغ میخورد
دلیل که بقدر آن از مردم بیابانی اورا منفعت رسد واگر بیند که گوشت آله میخورد دلیل که از پادشاه ستمگر اورا درم
و دنیار حاصل شود واگر بیند که گوشت آهو میخورد دلیل که بقدر آن از زنی خوبروی اورا مال حاصل آید واگر بیند که گوشت بز
میخورد دلیل که اورا منفعت مال دشمن بدست آید و خرج کند واگر بیند که گوشت پرستو میخورد دلیل که اورا مصیبت رسد
یا بیمار شود و بعضی از معبران گویند که مال دشمن بخورد واگر بیند که گوشت بط میخورد دلیل که بقدر آن مال و نعمت یابد واگر
بیند که گوشت پلنگ میخورد دلیل که در جنگ نام آور باشد و شرف و بزرگی یابد واگر بیند که گوشت کبخشک میخورد دلیل که
از مال مردی ثروت یا از مال فرزند بقدر آن او را حاصل شود واگر بیند که گوشت بوزینه میخورد دلیل که بیمار شود واگر بیند که
گوشت پیل میخورد دلیل که بقدر آن از سلطان مال یابد واگر بیند که گوشت چرغ میخورد دلیل که از پادشاه ستمگر اورا
منفعت رسد واگر گوشت تذرو میخورد دلیل که مال مردی غدار خورد واگر بیند که گوشت چغد میخورد دلیل که مال دزدیده
خورد واگر بیند که گوشت چکاوک میخورد دلیل که چیزی از مال بنده خورد واگر بیند که گوشت خر میخورد دلیل که مال حرام یابد
واگر بیند که گوشت خرگوش میخورد دلیل که از مال زن چیزی اندک بیابد و بعضی از معبران گویند که میراث یابد واگر بیند که گوشت
خروس میخورد دلیل که بقدر آن از مردی عجمی منفعت یابد واگر بیند که گوشت خرچنگ میخورد دلیل که بقدر آن مال حرام خورد و در
طاعت سستی کند واگر بیند که گوشت دراج میخورد دلیل که مال زن بستاند و خرج کند واگر بیند که گوشت رهو میخورد دلیل
که بیمار شود و اگر نترس و بیم یابد واگر بیند که گوشت زاغ میخورد دلیل که بقدر آن از مال فاسقی بخورد واگر بیند که گوشت
سنگ خاره میخورد دلیل که از مال مردی ابله منفعت یابد واگر بیند که گوشت سوسمار میخورد دلیل که از مردی که سفر بسیار
کند خیر و منفعت یابد و بعضی گویند خوردن گوشت سوسمار دلیل بر کمال و زینت این جهانی یافتن باشد واگر بیند که گوشت

سگ میخورد دلیل کر بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند کہ گوشت سنجاب میخورد دلیل کہ مال مردی غریب خورد و اگر بیند کہ گوشت سیمرغ میخورد دلیل کہ مال مردی بزرگوار بدو رسد و اگر بیند کہ گوشت شاہین می خورد دلیل کہ از مال مردی ستمگر نفع یابد و اگر بیند کہ گوشت برہ میخورد دلیل کہ با کسی گمراہ محروم پیوندد و اگر بیند کہ گوشت شیر میخورد دلیل کہ بسبب تجارت با خویشان خصومت کند و اگر بیند کہ گوشت طاؤس میخورد دلیل کہ مال و نعمت یابد و اگر بیند کہ گوشت طوطی میخورد دلیل کہ علم آموزد و دیرا منفعت نہ کند و اگر بیند کہ گوشت فنک میخورد دلیل کہ بقدر آن مال زن بستاند و اگر بیند کہ گوشت قمری میخورد دلیل کہ از زنی خوب منفعت یابد و اگر بیند کہ گوشت مادہ گاو میخورد دلیل کہ مالی فراوان حاصل کند و کارش بنظام گردد و اگر بیند کہ گوشت گاو دشتی میخورد دلیل کہ بقدر آن او را از مال زن یا کنیزک نفع رسد و اگر بیند کہ گوشت کبوتر میخورد دلیل کہ از مال زن او را بہرہ برسد و اگر بیند کہ گوشت گربہ میخورد دلیل کہ منفعت یابد و اگر بیند کہ گوشت گرگ میخورد دلیل کہ از پادشاہ ظالم مال حرام یابد و اگر بیند کہ گوشت کشف میخورد دلیل کہ از عالمی علم حاصل کند و اگر بیند کہ گوشت کفتار میخورد دلیل کہ پیرہ زنی بر وی جادو کند و اگر بیند کہ گوشت کلاغ میخورد دلیل کہ مال مردی بیابانی خورد و اگر بیند کہ گوشت گورخر می خورد دلیل کہ مال و منفعت یابد و اگر بیند کہ گوشت ماکیان میخورد دلیل کہ او را مال از کنیزک یا از خادم جمع شود و اگر بیند کہ گوشت ماہی میخورد دلیل کہ چیزی از مال زن خورد و اگر بیند کہ گوشت مرغابی میخورد دلیل کہ بزرگی و ولایت یابد و اگر بیند کہ گوشت مردہ میخورد دلیل کہ آن مردہ را بہ بدی یاد کند و اگر بیند کہ گوشت نہنگ میخورد دلیل کہ رنج و بلا بدو رسد و اگر بیند کہ گوشت ہدہد میخورد دلیل کہ از مردی زیرک و بزرگ منفعت یابد و اگر بیند کہ گوشت ہمای میخورد دلیل کہ از پادشاہ او را راحت رسد و کارش بلند گردد و اگر بیند کہ گوشت ہزار دستان میخورد دلیل کہ از مال زن یا فرزند یا غلام او را منفعت رسد و اگر بیند کہ گوشت واشہ میخورد دلیل کہ از مال دشمن بخورد و اگر بیند کہ گوشت یوز میخورد ہم از مال دشمن خورد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید گوشت جانوران دیدن بر چہار وجہ بود یکی مال دوم میراث سوم توانگری چہارم مصیبت و اندوہ

گوش ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر کسی بخواب بیند کہ گوش او بیفتاد یا بریدہ شد دلیل کہ زن را طلاق دہد یا دخترش بمیرد یا از ہم جدا شوند و بعضی معبران گویند کہ اجلش نزدیک رسیدہ باشد و اگر بیند کہ او کر شد چنانکہ ہیچ نشنید نمیتواند دلیل بر فساد دین و دیانت او بود جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن گوش در خواب بر ہشت وجہ بود یکی زن دوم خیر سوم دوست چہارم رفتن پنجم پسر ششم غلام ہفتم مال و خواستہ ہشتم زن و بیم

گوشوارہ ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ در ہر دو گوش گوشوارہ داشت دلیل کہ او را پیش آرایش و جمال افزون گردد و اگر بیند کہ در ہر دو گوش مروارید گرانمایہ آویختہ بود دلیل کہ علم و قرآن بیاموزد و عالم و دانا شود و اگر بیند کہ در یک گوش مروارید بود و در دیگر نبود دلیل کہ علم و قرآن بیاموزد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ ہر دو گوشوارہ ہا داشت دلیل کہ بزرگی و جاہ یابد و اگر مردی زن خود را بیند کہ دو حلقہ در گوش داشت یکی از زر و یکی از سیم دلیل کہ زن را طلاق دہد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن

گوشواره در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند با جمال و آرایش دوم آموختن علم و قرآن سوم بزرگی چهارم غم و اندوه لسبب طلاق دادن زن **گوشک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که در گوشکی شد دلیل که او را مال خواسته حاصل آید خاصه که گوشک از خشت خام و گل بود و اگر بیند که از گل و آجر بود دلیل که مال یابد اما در دین او نقصان بود و اگر بیند که پادشاه گوشکی بوی داد دلیل که از پادشاه مال حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشک او خراب شد دلیل که مال او تلف شود و اگر بیند که در گوشک او آتش بفتاد دلیل که پادشاه از و مصادره کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گوشک در خواب بر هشت وجه بود یکی نعمت دوم ولایت سوم مرتبت چهارم ریاست پنجم بزرگواری ششم پادشاهی هفتم رامش هشتم شادی و خرمی بقدر بلندی و نیکوئی گوشک **گوگرد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گوگرد در خواب غم و اندوه بود و در دین گوگرد خیر و منفعت بود **کودک** دانیال علیه السلام گوید که کودکی در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که کودک شده بود و در کتاب چیزی پیش معلم میخواند دلیل که در غم و اندوه گرفتار گردد زیرا که کودک صلاح از فساد نداند و معبران گفته اند که اگر خود را کودک بیند دلیل که کارش ضعیف شود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کودکی بریان کرده پیش وی نهادند و میخورد دلیل که از وی خیر بسیار یابد و آن کودک با حشام بسیار برسد کرمانی رحمة الله علیه گوید کودک خوردی تاویل فرشته بود و کودک زشت روی منفعت باشد و اگر مردی بیند که شیر خواره شده بود دلیل که از مقصود باز ماند و اگر مردی بیند که کودکی را شیر میداد دلیل که در وقت زادن بسلامت بود **کوه** دانیال علیه السلام گوید اگر خود را بکوهی بلند بیند و داند که آن کوه ملک اوست دلیل که مردی بزرگ او را در پناه خود گیرد و اگر بیند که کوه را از جای خود بر کند دلیل که مردی بزرگ را قهر کند و اگر بیند که بر کوه مقام کرد دلیل که از مردی بزرگ عز و جاه یابد و اگر بیند که بر بالای کوه همی شد دلیل که بزرگی و جاه یابد و بعضی از معبران گویند اگر بیند که شواری بر بالای کوه میشد دلیل که غم و اندوه بدو رسد و اگر بیند که از کوه بزیر آمد دلیل که بزرگی و جاه او نقصان شود و اگر بیند که بر سر کوهی مقام ساخت دلیل که از پادشاه حرمت یابد و مقرب شود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر سر کوهی نماز میگذارد و یا بانگ نماز میداد دلیل که کار او نیکو شود مغربی رحمة الله علیه گوید بالای کوه و کوشک رفتن در خواب دلیل بر مقصودی که دارد بیابد و اگر بزیر آمد تا دلیلش بخلاف این بود و اگر بیند که بر دامن کوه بنشیند دلیل که اندوهگین شود و اگر بیند که بر دامن کوه نماز میگذارد دلیل که کاری کند که موافق دین باشد و اگر بیند که در کوه مردی از کسان پادشاه بادی بود دلیل که از پادشاه حرمت یابد و اگر بیند که کوه بجنبید و بعد از آن قرار گرفت دلیل که از مردی بزرگ در آنجا رنجور شود و شفا یابد و اگر بیند که کوه را میکند و کوه کندن بروی آسان بود دلیل که بزودی عطا یابد و اگر بیند که کوه از خاک بود دلیل که او را با مهتری خسیس طمع باشد و اگر بیند که بر کوه قاف نشسته بود دلیل که اجلش فرا رسیده باشد و اگر بیند که بر کوه طور سینا بود دلیل که پادشاه را بروی اعتماد بود و مرادش حاصل آید و اگر بیند که بر کوه عرفات بود دلیل که توبه کند و از گناه پشیمان شود و اگر بیند که

برکوه لبنان بود دلیل که با علما و صلحا صحبت دارد و اگر بیند که بر کوهی تاریک بود دلیل که او را بیم هلاک باشد و اگر بیند که بدره شد دلیل که اجلش نزدیک آید یا زندان گرفتار آید و اگر بیند که بر کوهی روشن بود دلیل که مال یابد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کوهی خراب بود که در و سنگها افتاده بود و بدشواری میرفت و تیر می انداخت دلیل که او را از پادشاه ستمگر بیم بود و اگر بیند که میان دو کوه میرفت و تیر می انداخت دلیل که میان دو مرد بزرگ توسط کند و اگر بیند که در کوه سوراخی بود و در آن سوراخ شد دلیل که از راز پادشاه آگاه شود و اگر بیند که از آن سوراخ چیزی بیرون آورد دلیل که از آن پادشاه عطا یابد جافظ معبر رح گوید اگر بیند که بر کوهی بالا میرفت دلیل که بخدمت مردی بزرگ مشغول گردد و اگر بیند که از کوهها سنگ میگرفت و هر یک بجای می انداخت و او بر میگرفت و بر کوه می نهاد دلیل که مالها بقهر جمع کند و اگر بیند که از کوهها در کنار گرفته بود دلیل که خود را بکسی بزرگ بندد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که از کوه بزیر افتاد دلیل که مرادش برنیاید و اگر بیند که بر کوه نردبانی از گچ و آجر بسته بود و بدان نردبان بر سر کوه شد دلیل که مرادش زود حاصل شود و اگر بیند که نردبان از گل و خشت خام بود دلیل که بهتر باشد و اگر از مس بود بد باشد و اگر از رنج بود مرادش برنیاید و اگر بیند که بر سر کوهی بلند ایستاده بود دلیل که خاص مقرب پادشاه گردد و مال بسیار یابد حضرت جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن کوه در خواب پرنج وجه بود یکی پادشاهی دوم دبیری سوم ظفر چهارم بلندی پنجم رئیسی یافتن گوهر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن گوهر بخواب زن باجمال تو انگر بود و اگر بیند که گوهری داشت دلیل زنی که دارد طلاق دهد و اگر بیند که گوهر بسیار داشت دلیل که مال بسیار حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوهر میفروخت دلیل که بشغل زنان مشغول گردد و دلالی کند و اگر بیند که بعضی گوهرها سوراخ داشت و بعضی نداشت دلیل که دلالی دختران دوشیزه و زنان بیوه کند مغربی رحمة الله علیه گوید گوهر سفید در خواب فرزند بود و اگر بیند که گوهر سفید داشت دلیل که او را فرزندی آید جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن گوهر در خواب پرهشت وجه بود یکی مال دوم علم سوم فرزند معروف چهارم چیزی گران بها پنجم زنان باجمال ششم سخن مفید هفتم خیر و برکت هشتم کار نیکو کردن و چون خداوند خواب مستور نباشد دلیل بر پشیمانی بود و گوهر فروش در خواب خداوند علم و حکمت بود کوچه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که در کوچه آبادان بود دلیل که خیر و منفعت بوی رسد خاصه که در و مردم مصلح باشند و اگر بخلاف این بیند دلیل که شر و مضرت بدو رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کوچه فراخ مقیم شد دلیل که غم و اندوه بوی رسد کیکیر اگر کسی بخواب بیند که کیکیر داشت یا کسی بوی داد دلیل که اندوهگین شود و اگر بیند که کیکیر خورد دلیل بر غم و اندوه صعبتر بود و اگر بیند که کیکیر بکسی داد دلیل که غم و اندوه بوی رساند و در دیدن کیکیر هیچ منفعت نباشد و الله اعلم

حرف اللام

لباچه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید لباچه در خواب دیدن نیکوئی و پایندگی دین بود خاصه که سبز باشد و اگر بیند که لباچه سمور یا سنجاب داشت دلیل که پناه مردی با دیانت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لباچه سبز داشت دلیل که او را از مردی با امانت منفعتی رسد و اگر بیند که لباچه سفید بود دلیل که از مردی مصلح توانگر او را نفعی رسد و اگر لباچه سرخ بود و پوشید دلیل که از مردی معاشر بقدر بهای آن او را منفعت رسد و اگر لباچه زرد داشت دلیل که بیمار گردد و اگر لباچه کبود بیند که پوشیده بود دلیل که اندوه و مصیبت یابد و اگر لباچهٔ سیاه پوشیده بود اگر قاضی یا خطیب بود دلیل که خیر و نیکی یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که مضرت و بی حرمتی یابد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید لباچهٔ دیبا مردمان را نقصان دین بود و زنان را شادی بود و لباچه عنابی مردان را و زنان را نیک باشد خاصه که سفید و فراخ بود دلیل بر خیر و نیکی بود و تنگی لباچه در خواب نقصان مال بود جعفر صادق رض گوید لباچه کرباس زنان را و مردان را نیک بود و لباچه در خواب بر چهار وجه بود یکی زنان دوم امانت داری سوم صلاح کارها چهارم خیر و منفعت

لباس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لباس تابستان بزمستان پوشیده بود دلیل که مالش زیادت شود اما ترس و بیم عظیم بوی رسد لیکن انجامش نیکو باشد و اگر زنی بیند که لباس مردان پوشیده بود دلیل که بشوهرش چیزی رسد کرمانی رح علیه گوید اگر کسی لباس خود را بدرد ترازان بیند که در بیداری بود دلیل که کارش بد شود و اگر بهتر بیند نیکو شود و اگر بر خود لباس مهتران بیند دلیل که مهتر شود و اگر بر خود لباس فاسقان بیند دلیل که گناه بسیار کند و اگر بیند که لباس سلاطین داشت دلیل که از پادشاه خیر و منفعت یابد و اگر بیند که لباس علما پوشیده بود دلیل که از علم بهره یابد و اگر بیند که لباس صوفیان داشت دلیل که از دنیا دست بدارد و اگر بیند که لباس توانگران داشت دلیل که جمع کردن مال حریص بود و اگر بیند که لباس جهودان یا ترسایان داشت دلیل که دلش با ایشان مایل بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لباس در خواب بر هفت وجه بود یکی دین پاک دوم توانگری سوم عز و جاه چهارم منفعت پنجم عیش خوش ششم عمل نیکو هفتم عدل خواهد **لبها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید لبها در خواب دیدن دلیل بر بر آمدن حاجات بود و لب زیرین بهتر از لب بالا باشد و بعضی از معبران گویند لب در خواب خویش و قرابات بود و اگر بیند که لب بالای وی از جای زایل شد دلیل که مال وی در زوال شود و لب زیرین همین تاویل دارد و اگر بیند که لب بالای وی ببرید دلیل که زن را طلاق دهد یا زن او را هلاک کند و اگر هر دو لب افتاده بیند دلیل که او را مصیبتی رسد از جهت مادر و پدر و نیز گویند که غمناک بود و اگر لبهای خود را دردمند بیند دلیل که غمگین شود و اگر بیند که لبهایش بهم دوخته بود چنانکه باز نتوانست کشود دلیل که کارش بسته گردد و اگر زنی بر لب خود خالی سیاه بیند دلیل که عز او زیادت گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لب خود را بدندان گرفت و خسته کرد دلیل که در میان وی خصومت افتد چنانکه بیم هلاک او بود و اگر بیند لبهایش آماسیده بود دلیل که مال وی زیادت شود و اگر بیند که لبهایش سرخ شده بود دلیل که فرمان روا گردد و اگر بیند که لبهایش سبز یا سفید بود دلیل که بسبب دوستان غم خورد و اگر بیند که لبهایش سست و ضعیف بود دلیل که حالش بد بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید لب بالا دلیل بر پسران بود و لب زیرین

دلیل بر دختران بود **لحاف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید لحاف در خواب زن بود اگر کسی بخواب بیند که لحاف نو داشت دلیل که زن خواهد و اگر بیند که لحاف نو بخرید دلیل که کنیزکی دوشیزه بخرد و اگر بیند که لحاف او ضایع شد دلیل که زن را طلاق دهد و اگر لحاف دریده و چرکین بود دلیل که عیالش سلیطه و ناسازگار بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لحاف نو داشت دلیل که زنی دیندار و توانگر خواهد و اگر بیند که لحاف سفید بود دلیل که زنی توانگر و پارسا او را بود و اگر بیند که لحاف سرخ بود دلیل که زنش طرب را دوست دارد و اگر لحاف زرد بود دلیل بر زنی بیمارگون باشد و اگر لحاف او ملون بود دلیل که زنش مکاره و فریبنده بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لحاف در خواب چون نو باشد بر سه وجه بود یکی زن عالمه دوم دختر دوشیزه سوم کنیزک دوشیزه **لرزیدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گردنش میلرزید دلیل که در امانت داری ضعیف بود و اگر بیند که سروی میلرزید دلیل که از حاکمش زیان رسد و اگر بیند که قفایش میلرزید دلیل که زینت و آهستگی ندارد و اگر بیند که دستهائی وی میلرزید دلیل که نیک معیشت بود و اگر بیند که سینهٔ وی میلرزید دلیل که سخنی بشنود که اندوهگین شود و اگر بیند که شکم وی میلرزید دلیل که از مردی که قوت او بود و پناه او بود رنجی بوی رسد و اگر بیند که پایش می لرزید دلیل که در سفر رنجی بوی رسد و اگر بیند که اندامش می لرزید دلیل که بسبب مرادی که در پی آن بود در رنج و سختی بیند و اینال علیه السلام گوید لرزیدن اندامها در خواب ترس و بیم بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید لرزیدن اندام در خواب بر چهار وجه بود یکی ضعف احوال دوم ترس سوم غم و اندوه چهارم مضرت و بیماری **لرزیدن چیزها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که آسمان لرزید دلیل که در آن دیار فتنه و ظلم و فساد بسیار شود و اگر بیند که آفتاب و ماه لرزید دلیل که پادشاه آن دیار را رنج و مضرت رسد و اگر بیند که ستارگان لرزیدند دلیل که آشوب در نزدیکان پادشاه افتد و اگر بیند که زمین میلرزید دلیل بر فتنه و آفت بود و اگر بیند که کوه می لرزید دلیل که پادشاه آن دیار را مضرت رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عرش میلرزید دلیل بر فساد دین و بی دیانتی علما بود و اگر بیند که لوح و قلم میلرزید دلیل بر بدحالی دبیران و اهل علم بود و اگر بیند که هفت آسمان لرزید دلیل که عذاب و خشم باری سبحانه و تعالی بسبب فساد بر اهل آن دیار بود و اگر بیند که ماه و آفتاب بر جهت ستارگان می لرزیدند دلیل بر جنگ و خصومت پادشاه آن دیار تقتیل و خون ریختن بود و اگر بیند که کوشک یا سرای پادشاه لرزید دلیل که محنت و آفت بر اهل آن موضع برسد و اگر بیند که تن وی لرزید دلیل بر مصیبت و فساد بود **لشکر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لشکر در جایگاهی بود یا فرا رسید دلیل که اهل آن موضع را گزندی رساند و اگر لشکر آراسته بیند دلیل بر قوت و نصرت آن دیار که لشکر بود و نیز قوت آن پادشاه بود که لشکر از آنِ او بود و اگر لشکری بی صلاح بود دلیل بر ضعف و عجز آن پادشاه و مردم آن شهر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لشکر در خواب بر پنج وجه بود یکی ملخ دوم سیل سوم باد سخت چهارم جنگ و خصومت پنجم بلا و محنت **لعل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید لعل در خواب زنی با جمال و توانگر

بود اگر بیند کہ لعل آتشے فرا گرفت یا کسے بوی داد یا بخرید دلیل کہ بدین صفت کہ گفتیم زنی بخواہد یا کنیزک پاکیزہ خرد و اگر زنش باشد دختری با جمال لطیف صورت زاید و اگر بیند کہ لعل بسیار داشت دلیل کہ بقدر آن مال حاصل کند لیکن در دین مکروہ بود مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ کسے آشنا پارۂ لعلے بوی داد دلیل کہ بقدر و قیمت آن زنی تواند از خویشان خود خواہد و اگر بیند کہ بیگانہ او را پارۂ لعل داد دلیل کہ زنی مجہول بدین صفت خواہد و اگر بیند کہ جوانی پارۂ لعل بدو داد دلیل کہ مال حاصل کند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن لعل در خواب بر چہار وجہ بود یکی زن دوم کنیزک سوم منفعت چہارم مال دنیا و دختران **لعوق** لیسیدن بود ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ طعم آن شیرین و خوشبوی بود دلیل بر خیر و منفعت کند و اگر بیند کہ چون لعوق انار و لعوق چلغوزہ و لعوق خشخاش و آنچہ بدان ماند و اگر تلخ و ترشش بود و بوی ناخوش داشت دلیل بر شر و مضرت باشد مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید لعوق در خواب آنچہ شیرین بود دلیل بر خیر و منفعت باشد و آنچہ بر ترشش بود تاویلش بخلاف این بود **لفاح الشمامہ** دستنبویہ را گویند ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ دستنبویہ میخورد دلیل کہ بیمار شود و اگر بکسے داد آنکس بیمار گردد و اگر بیند کہ لفاح را بوی میکرد دلیل کہ سخنہای خوش شنود و اگر بیند کہ لفاح بسیار داشت دلیل کہ مال و خواستہ یابد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید لفاح در خواب بر شش وجہ بود یکی سخن خوش دوم مال سوم فرزند چہارم دوست پنجم رفیق ششم غلام **لقلق** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید لقلق در خواب مردی باحسب و نسب و آزاد و عاقبت اندیش بود و اگر بیند کہ لقلقے بگرفت یا کسے بوی داد دلیل کہ او را با کسی بدین صفت صحبت افتد و اگر بیند کہ لقلقے را بکشت دلیل کہ دشمنی بزرگ بر دست وی ہلاک شود و اگر بیند کہ لقلقے با وی سخن گفت دلیل کہ کاری کند کہ مردم را از آن عجب آید و از مہتری او را منفعتے رسد و اگر بیند کہ لقلقے بر بام وی بنشست دلیل کہ مہتری در خانہ وی در آید و اگر بیند کہ لقلق از دست وی بپرید دلیل کہ از صحبت مردی دہقان جدا ماند و اگر بیند کہ گوشت لقلق میخورد دلیل کہ بقدر آن مال دہقان خورد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید لقلق در خواب بر چہار وجہ بود یکی مردم دہقان دوم پادشاہ ضعیف سوم پاسبان چہارم غریبی و درویشی بود **لقمہ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ لقمۂ شیرینی از طعام کسی در دہان او نہاد دلیل کہ آن کس سخن خوش بدو گوید و اگر آن لقمہ غلیظ و ترشش بود تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ لقمۂ لذیذ و شیرین در دہان وی نہاد اگر مصلح بود دلیل کہ مال حلال یابد و اگر بیند کہ لقمۂ شیرین گرم در دہان وی نہاد دلیل کہ از سخن کسے در بلا افتد و اگر لقمہ در دہان وی آسان شد تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید لقمہ در دہان نہادن بر سہ وجہ بود یکی آنکہ بسہ دادن دوم سخن لطیف گفتن سوم منفعت بقدر لقمہ **لقوہ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر کسے بخواب بیند کہ روی از علت لقوہ کج شدہ بود دلیل کہ نزد مردم حقیر و خوار شود و اگر بیند کہ رویش پاکیزہ و نیکو بود دلیل کہ نزد خلق عزیز و گرامی باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید لقوہ در خواب دلیل بر منافقی بود کہ میان مردم سخنان نفاق گوید و اگر بیند کہ لقوہ شدہ بود دلیل بر آشکارا شدن علت

دلیل بر دختران بود **لحاف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید لحاف در خواب زن بود اگر کسی بخواب بیند که لحاف نو داشت دلیل که زن خواهد و اگر بیند که لحاف نو بخرید دلیل که کنیزکی دوشیزه بخرد و اگر بیند که لحاف او ضایع شد دلیل کز زن را طلاق دهد و اگر لحاف دریده و چرکین بود دلیل که عیالش سلیطه و ناسازگار بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لحاف نو داشت دلیل که زنی دیندار و توانگر خواهد و اگر بیند که لحاف سفید بود دلیل کز زنی توانگر و پارسا او را بود و اگر بیند که لحاف سرخ بود دلیل که زنش طرب را دوست دارد و اگر لحاف زرد بود دلیل بر زنی بیمارگون باشد و اگر لحاف او ملون بود دلیل که زنش مکاره و فریبنده بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لحاف در خواب چون نو باشد بر سه وجه بود یکی زن عالمه دوم دختر دوشیزه سوم کنیزک دوشیزه **لرزیدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گردنش میلرزید دلیل که در امانت داری ضعیف بود و اگر بیند که سروی میلرزید دلیل کز جاهش زیان رسد و اگر بیند که قفایش میلرزید دلیل که زینت و آهستگی ندارد و اگر بیند که دستهائی وی میلرزید دلیل که نیک معیشت بود و اگر بیند که سینهٔ وی میلرزید دلیل که سخنی بشنود که اندوهگین شود و اگر بیند که شکم وی میلرزید دلیل کز مردی که قوت او بود و پناه او بود رنجی بوی رسد و اگر بیند که پایش می لرزید دلیل که در سفر رنجی بوی رسد و اگر بیند که اندامش می لرزید دلیل که بسبب مرادی که در پی آن بود رنج و سختی بیند دانیال علیه السلام گوید لرزیدن اندامها در خواب ترس و بیم بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید لرزیدن اندام در خواب بر چهار وجه بود یکی ضعف احوال دوم ترس سوم غم و اندوه چهارم مضرت و بیماری **لرزیدن چیزها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که آسمان لرزید دلیل که در آن دیار فتنه و ظلم و فساد بسیار شود و اگر بیند که آفتاب و ماه لرزید دلیل که پادشاه آن دیار را رنج و مضرت رسد و اگر بیند که ستارگان لرزیدند دلیل که آشوب در نزدیکان پادشاه افتد و اگر بیند که زمین میلرزید دلیل بر فتنه و آفت بود و اگر بیند که کوه می لرزید دلیل که پادشاه آن دیار را مضرت رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عرش میلرزید دلیل بر فساد و بی دیانتی علما بود و اگر بیند که لوح و قلم میلرزید دلیل بر بدحالی دبیران و اهل علم بود و اگر بیند که هفت آسمان لرزید دلیل که عذاب و خشم باری سبحانه و تعالی بسبب فساد بر اهل آن دیار بود و اگر بیند که ماه و آفتاب بر جهت ستارگان می لرزیدند دلیل بر جنگ و خصومت پادشاه آن دیار بقتل و خون ریختن بود و اگر بیند که کوشک یا سرای پادشاه لرزید دلیل که محنت و آفت بر اهل آن موضع برسد و اگر بیند که تن وی لرزید دلیل بر مصیبت و فساد بود **لشکر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لشکر در جایگاهی بود یا فرا رسید دلیل که اهل آن موضع را گزندی رساند و اگر لشکر آراسته بیند دلیل بر قوت و نصرت آن دیار که لشکر بود و نیز قوت آن پادشاه بود که لشکر از آنِ او بود و اگر لشکری بی صلاح بود دلیل بر ضعف و عجز آن پادشاه و مردم آن شهر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لشکر در خواب بر پنج وجه بود یکی ملخ دوم سیل سوم باد سخت چهارم جنگ و خصومت پنجم بلا و محنت **لعل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید لعل در خواب زنی با جمال و توانگر

بود اگر بیند که لعل آتشی فرا گرفت یا کسی بوی داد یا بخرید دلیل که بدین صفت که گفتیم زنی بخواهد یا کنیزک پاکیزه خرد و اگر زنش باشد دختری با جمال لطیف صورت زاید و اگر بیند که لعل بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال حاصل کند لیکن در دین مکروه بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی آشنا پارهٔ لعلی بوی داد دلیل که بقدر و قیمت آن زنی تواند گرفت از خویشان خود خواهد و اگر بیند که بیگانه او را پارهٔ لعل داد دلیل که زنی مجهول بدین صفت خواهد و اگر بیند که جوانی پارهٔ لعل بدو داد دلیل که مال حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لعل در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم کنیزک سوم منفعت چهارم مال دنیا و دختران **لعوق** لیسیدن بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طعم آن شیرین و خوشبوی بود دلیل بر خیر و منفعت کند و اگر بیند که چون لعوق انار و لعوق چلغوزه و لعوق خشخاش و آنچه بدان ماند و اگر تلخ و زشت بود و بوی ناخوش داشت دلیل بر شر و مضرت باشد مغربی رحمة الله علیه گوید لعوق در خواب آنچه شیرین بود دلیل بر خیر و منفعت باشد و آنچه بر عکس بود تاویلش بخلاف این بود **لفاح الشمامه** دستنبویه را گویند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دستنبویه میخورد دلیل که بیمار شود و اگر بکسی داد آنکس بیمار گردد و اگر بیند که لفاح را بوی میکرد دلیل که سخنهای خوش شنود و اگر بیند که لفاح بسیار داشت دلیل که مال و خواسته یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لفاح در خواب بر شش وجه بود یکی سخن خوش دوم مال سوم فرزند چهارم دوست پنجم رفیق ششم غلاف **لفلق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید لفلق در خواب مردی باحسب و نسب و آزاد و عاقبت اندیش بود و اگر بیند که لفلقی بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که او را با کسی بدین صفت صحبت افتد و اگر بیند که لفلقی را بکشت دلیل که دشمنی بزرگ بر دست وی هلاک شود و اگر بیند که لفلقی با وی سخن گفت دلیل که کاری کند که مردم را از آن عجب آید و از مهتری او را منفعتی رسد و اگر بیند که لفلق بر بام وی بنشست دلیل که مهتری در خانه وی در آید و اگر بیند که لفلق از دست وی بپرید دلیل که از صحبت مردی دهقان جدا ماند و اگر بیند که گوشت لفلق میخورد دلیل که بقدر آن مال دهقان خورد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لفلق در خواب بر چهار وجه بود یکی مردم دهقان دوم پادشاه ضعیف سوم پاسبان چهارم غریب و درویشی بود **لقمه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لقمه شیرینی از طعام کسی در دهان او نهاد دلیل که آن کس سخن خوش بدو گوید و اگر آن لقمه غلیظ و زشت بود تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لقمه لذیذ و شیرین در دهان وی نهاد اگر مصلح بود دلیل که مال حلال یابد و اگر بیند که لقمه شیرین گرم در دهان وی نهاد دلیل که از سخن کسی در بلا افتد و اگر لقمه در دهان وی آسان شد تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید لقمه در دهان نهادن بر سه وجه بود یکی آنکه بدو دادن دوم سخن لطیف گفتن سوم منفعت بقدر لقمه **لقوه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که روی از علت لقوه کج شده بود دلیل که نزد مردم حقیر و خوار شود و اگر بیند که رویش پاکیزه و نیکو بود دلیل که نزد خلق عزیز و گرامی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لقوه در خواب دلیل بر منافقی بود که میان مردم سخنان نفاق گوید و اگر بیند که لقوه شده بود دلیل بر آشکارا شدن علت

ونقصان دین بود **لگام** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لگام شکست یا ضایع شد دلیل که شرف و بزرگی او نقصان شود و اگر بیند که لگام بر سر داشت چنانچه اسپان را باشد دلیل که روزه دارد و از گناه توبه کند و امیر المومنین علی کرم الله وجهه فرمود که هر کسیکه نا کار و بد سگال تر بود لگام در دهانش رود مغربی رحمة الله علیه گوید لگام در خواب بر سر بنده نیکو بود که پیوسته بفرمان خواجه باشد و بر سر آزاد نیکو نبود و گویند که بیننده خواب با ادب و فرهنگ باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لگام در خواب بر سه وجه بود یکی شرف و بزرگی دوم روزه داشتن سوم ادب و فرهنگ و لگام فروش در خواب مدبر کارهای ولایت باشد **لگد زدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کسی را لگد زد دلیل که از وی یا از خویشان وی او را زیان رسد و اگر بیند که اسپ او را لگد زد دلیل که در شرف و بزرگی او نقصان پدید آید و بعضی از معبران گویند بفساد مشغول گردد مغربی رح گوید اگر بیند که زنی او را لگد زد دلیل که بسبب زنی اندوهگین شود و اگر بیند که گنده پیری لگد زد دلیل که مالش تلف شود و اگر بیند که اشتر او را لگد زد دلیل که از مردی محتشم او را زیان رسد و اگر بیند که خری دیرا لگد زد دلیل که در سفر او را زیان و مضرت رسد و اگر بیند که گاؤ او را لگد زد دلیل که در آن سال او را زیان رسد جعفر صادق رض گوید لگد زدن در خواب بر چهار وجه بود یکی نقصان دوم مضرت سوم غم و اندوه چهارم فساد عیال **لک** ابن سیرین رح گوید اگر کسی بخواب بیند که لک داشت دلیل که از کسی فرومایه او را منفعت رسد و اگر بیند که لک را بر آتش نهاد و دود میکرد دلیل که زنش در آن دیار به نیکی منتشر گردد و اگر بیند که لک میخورد دلیل که غمگین شود و اگر بیند که کارد در دست وی بود و لک محکم می کرد دلیل که در میان دو کس مصلح پیوند کند **لوبیا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که لوبیا در خواب اگر کسی بوقت خود بیند نیکو بود و اگر بیوقت پخته یا خام دلیل غم و اندوه بود **لوح محفوظ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که لوح محفوظ تاویل عام با امانت بود که مال خود را در راه خدا تعالی صرف کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که لوح محفوظ تاویل علم و حکمت و قرآن باشد و اگر بیند که لوح محفوظ کوچک و حقیر بود دلیل که حال وی بد بود و اگر بیند که بقلم بر لوح محفوظ چیزی مینوشت دلیل که کارش نیکو گردد و اگر بیند که بر لوح میرفت دلیل که او را با پادشاهی بزرگ شغل افتد و در آن فرمان روا گردد و اگر بیند که نام وی بر لوح محفوظ نبشته بود دلیل که اجلش رسیده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لوح محفوظ در خواب بر شش وجه بود یکی زیادت دوم پسر سوم علم چهارم هدایت پنجم فرمان روائی ششم علم و حکمت **لوزینه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که لوزینه بشکر در دهان نهاد دلیل که از کسی سخنی لطیف شنود و اگر بیند که لوزینه بسیار خورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که لوزینه بکسی داد دلیل که او را سخنی خوش گوید یا از بهر او کاری نیکو کند مغربی رحمة الله علیه گوید لوزینه خوردن در خواب دلیل بر مال و نعمت بود و اگر بیند که لوزینه خورد یا خرید یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن مال و نعمت از حلال یابد و خرج کند و اگر بیند که لوزینه بکسی داد دلیل که از وی بر آن کس مال و نعمت رسد و اگر بیند که لوزینه ضایع شد یا بدزدیدند دلیل که آن نقصان مال بود **لنگ شدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لنگ شده بود دلیل که کارها

طلب کند از خیر و شر و سست و ضعیف بود و توانائی ندارد و بعضی از معبران گویند اگر کسی خود را لنگ و حقیر بیند دلیل کز چشم مردمان خوار و حقیر گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی خود را لنگ بیند دلیل کز دین و دنیا شکسته بود و مقصودش برنیاید و اگر بیند که خود را بعمداً لنگ ساخت دلیل کز کسی بجهت کار معیشت خویش یاری خواهد و اگر بیند که لنگ شده بود و بعصا میرفت دلیل کز کسی یاری خواهد که مردم بروی اعتماد کنند و مرادش حاصل نشود و اگر بیند که قصد خود را لنگ ساخت دلیل که بظاهر بر کسی اعتماد کند و اعتقادش حقیقی نبود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی خود را بدو پائی لنگ بیند چنانکه بدو دست چوب گرفته بود و میرفت دلیل که بشغل کد خدائی درویش و عاجز و دردمند بود و اگر بیند که از بهر خاری که در پائی او رفته بود درست نمی تواند رفت دلیل که از شر آن کس ایمن گردد و اگر بیند که در هر دو پائی وی خار بود و آماسیده بود و نمی لنگید دلیل که دشمن بروی حسد برد و مال و جاه وی زیادت شود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر لنگ بخواب بیند که پائی او درست شد چنانکه نمی لنگید دلیل که کارهای بسته بروی گشاده گردد و از مرادی که نومید شده باشد بیابد و کارش بنظام گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لنگی در خواب پنج وجه بود یکی سستی در کارها دوم نامرادی سوم درویشی چهارم غم و اندوه پنجم نقصان عیش لوید در خواب خدمتکار خانه که اصلش ترسا بوده باشد و اگر بیند که در دست لویدی نو و بزرگ بود دلیل که خدمتکارش با امانت بوده باشد و اگر لویدی کهنه و چرکین و کوچک بود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که لوید بفتاد و بشکست دلیل که خدمتکارش بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لویدش سوراخ شده بود دلیل که خدمتکارش بیمار شود و اگر بیند که لوید پر از آب صافی بود دلیل که خدمتکار او را منفعت رسد و اگر بیند که لویدش پر از خوردنی بود دلیل که بقدر آن او را خیر و منفعت رسد و اگر بیند که لویمو خورد دلیل که از خدمتکار خیر و منفعت رسد لیمو ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن لیمو در خواب بوقت خود یا بیوقت چون زرد بود دلیل بر بیماری و درد و رنج بود و چون سبز بود غم و اندوه کمتر باشد و دیدن و خوردن لیمو خیر و منفعت بود و الله اعلم بالصواب

حرف المیم

مار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن مار در خواب دشمن بدخواه پنهانی بود و اگر بیند که در خانه وی مار بود دلیل بر دشمن خانگی بود و اگر در صحرا بیند دلیل بر دشمن بیگانه بود و اگر بیند که با مار جنگ و نبرد میکرد دلیل که با دشمن خصومت کند و اگر بیند که مار روی چیره شد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که مار او را بگزید دلیل کز دشمن مضرت یابد و اگر بیند که مار را بکشت دلیل که دشمن را قهر کند و اگر بیند که گوشت مار خورد دلیل که بقدر آن مال دشمن خورد و خیر و خرمی بیند و اگر بیند که ماری را بدو پاره کرد دلیل کز دشمن وا خود بستاند و اگر بیند که هر دو نیمه را فرا گرفت دلیل که مال دشمن فرا گیرد و اگر بیند که مار با وی لطف بسخن گفت دلیل که وی را عجب کاری پدید آید که از آن شاد و خرم گردد و اگر بیند که مار بروی به تندی و درشتی

سخن بگفت دلیل که دشمن بردی ظفر یابد و اگر ماری مرده بیند دلیل که حق سبحانه و تعالی شر و آفت از وی بگرداند بلی آنکه رنجی
بوی رسد و اگر بیند که مار مطیع او بود دلیل که جاه و بزرگی یابد و اگر بیند که مار از وی بگریخت و نتوانست گرفت دلیل بر
ضعف دشمن بود و اگر بیند که ماری سبز بود دلیل که دشمنی دیندار و با امانت بود و اگر بیند که ماری سیاه و ماران دیگر بودند
دلیل بر لشکری بود و اگر ماری زرد بود دلیل بر دشمنی بیمارگون باشد و اگر سرخ بود دلیل بر دشمنی طرب دوست و معاشر بود
و اگر بیند که مار پایها داشت دلیل که دشمن او قوی و دلاور باشد و اگر بیند که مار بسیار در پیش وی جمع شده بودند و گزند
او را برسانیدند دلیل که او را دشمن از خویشان خود بود و بسیار باشند و لیکن از ایشان مضرت نه بیند و اگر بیند که ماران
سر و نها و دندانها داشتند دلیل که دشمن او کینه دار و بدسیرت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماری از بینی یا از
گوش یا از پستان یا از قضیب یا از مقعد او بیرون آمد دلیل که فرزندش دشمن او باشد و اگر بیند که مار از دهان او
بیرون آمد دلیل که سخنی گوید که وبال او آن و بال باشد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید مار سفید دشمن بود و مار سیاه
سرهنگ لشکری باشد و اگر بیند که از مار میگریخت و مار او را ندید دلیل که رهائی و خرمی یابد و اگر بیند که مار او را بگرفت
و گزندی نکرد دلیل که بزرگی یابد و از دشمن ایمن گردد خلف اصفهانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماری سبز او را مطیع شد
دلیل که گنجی یابد و اگر بیند که از آستین او ماری بیرون آمد دلیل که فرزندش دشمن او باشد و اگر بیند که ماری را بکشت و خورش
در خود مالید دلیل که مال دشمن یابد و اگر بیند که بر بستر خود ماری بخفت دلیل که زنش بمیرد و اگر بیند که مار از گریبان یا از دهان
او بیرون آمد و بزمین فرو شد دلیل که هلاک گردد و خار مار در خواب دشمن ضعیف بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن
مار در خواب بر ده وجه بود یکی نهادنی دوم زندگانی سوم سلامت چهارم پادشاهی پنجم سپهسالاری ششم زن
هفتم دولت هشتم مرگ نهم پسر دهم سیلاب **مار چوبه** اگر بیند که مار چوبه از زمین جمع میکرد بوقت خود دلیل که بقدر آن
او را منفعت رسد و اگر بیند که مار چوبه خام میخورد دلیل بر مضرت و رنج بود **مار قشیشا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
مار قشیشا در خواب دلیل بر رنج و مضرت و بیماری بود دیدن او در خواب خیر نباشد **مازو** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که از درخت مازو جمع کرد دلیل که بر رنج و سختی مال حاصل کند و اگر بیمار بیند که نخورد و از مازو داشت دلیل که مال مکروه
بود و اگر بیند که مازو میخورد دلیل که مال حرام خورد و اگر مازو زرد بود دلیل بر بیماری بود و اگر سبز و سیاه بود دلیل بر غم و
اندوه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مازو در خواب بر چهار وجه بود یکی مال مکروه دوم غم و اندوه سوم بیماری چهارم
رنج و سختی **مار زیون** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مار زیون در خواب در وقت دیبوقت دلیل غم و اندوه بود و خوردن
آن نقصان مال و هلاک تن بود و دیدن وی خیر نباشد **ماست** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ماست شیرین در خواب
دلیل خیر و منفعت و ترش غم و اندوه بود دانیال علیه السلام گوید ماست مالی بود که در سفر حاصل شود و اگر بیند که ماست
بخورد دلیل که مال از سفر حاصل کند خاصه که شیرین بود و اگر بیند که از ماست مسکه بیرون آورد دلیل که بقدر آن او را مال حاصل شود

مار چوبه
مار قشیشا
مازو
مار زیون
ماست
مالی

کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماست شیرین میخورد دلیل که مال حلال بدست آرد و ماست ترش غم واندوه بود **ماش** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ماش در خواب اگر پخته بود دلیل که اندک خیر بدو رسد و اگر خام خورد اندوهگین شود و اگر بیند که ماش در خانه گذاشت و بمردم داد دلیل که بغم گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید دیدن ماش در خواب چه خشک و تر و خام یا پخته دلیل غم واندوه باشد **ماکیان** مرغ خانگی بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ماکیان در خواب دلیل بر خادم و کنیزک بود اگر بیند که مرغ خانگی بخرید یا کسی بوی داد دلیل که کنیزک بخرد و یا خادمی بمزدگیرد و اگر مرغهای خانگی بسیار و بیقیاس داشت دلیل که ریاست و سروری یابد و اگر بیند که گوشت ماکیان خورد دلیل که بقدر آن مال و نعمت از خادمان یابد و اگر بیند که ماکیان را بکشت دلیل که کنیزک را دوشیزگی بستاند و اگر بیند که بچهٔ ماکیان را بکشت دلیل که فرزند او یا فرزند غلامش یا کنیزک او بلائی گرفتار شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خایهٔ ماکیان را یافت دلیل که او را دختری آید یا مالی از خادمان حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید ماکیان در خواب زنی باجمال بود و ماکیان سیاه بهتر از ماکیان ابلق بود و اگر بیند که ماکیان در خانهٔ وی همچون خروس بانگ کرد دلیل که سخن ناخوش شنود **اسمٰعیل** شعث رحمة الله علیه گوید بچه ماکیان در خواب بر سه وجه بود یکی زن باجمال دوم کنیزک سوم خادم **ماهیرا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ماهیرا در خواب دلیل بر بیماری کند که ویرا از ان خیر و ثواب حاصل شود **ماهیثا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ماهیثا در خواب اگر بوقت یا بیوقت بیند دلیل بر غم واندوه بود و دیدن ماهیثا بخواب خیر نباشد **ماه** دانیال علیه السلام گوید ماه در خواب وزیر پادشاه بود و اگر بیند که ماه از آسمان فرا گرفت یا او را ملک خود دید دلیل که نزدیک پادشاه شود یا وزیر گردد و اگر بیند که با ماه جنگ و نبرد میکرد دلیل که با وزیر خصومت کند و اگر بیند که بجایگاه ماه مقیم شد دلیل که او وزیر پادشاه گردد و اگر بیند که نور ماه بستد دلیل که وزارت یابد و اگر بیند که ماه آسمان فرا گرفت و نور و شعاع نداشت و نیز تاریک و تیره بنمود دلیل که از غمها فرج یابد و اگر بیند که تیره و تاریک بود و بجای خود نبود دلیل که وزیر پادشاه بکاری محتاج وی گردد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ماه در خواب دیدن پادشاه بود خاصه که بدر بود و اگر بیند که ماه بدو نیم شد دلیل که وزیر یا پادشاه هلاک شود و اگر بیند که ماه با وی سخن گفت دلیل که مردم از وی تظلم کنند و داد خود خواهند و اگر بیند که ماه با وی سخن گفت دلیل که ولایت یابد و اگر بیند که دو ماه با یک دیگر جنگ میکردند دلیل که دو پادشاه با همدیگر جنگ کنند و اگر بیند که از ان دو ماه یکی بیفتاد یا پاره پاره و نقصان شد دلیل که از ان دو پادشاه یکی از پادشاهی بیفتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماه در دست یا در کنار گرفته بود دلیل که زن خواهد و اگر ماه هلال بود دلیل که آن زن به اصل و نسب از وی کمتر باشد و اگر ماه با یک نیمه شد دلیل که زن از اصل مولازادگان باشد و اگر ماه بدر بود دلیل که آن زن با اصل و نسب از وی بهتر بود و اگر این خواب زنی بیند دلیل که شوهری بدین صفت بخواهد و اگر بیند که ماه روشن و پاکیزه بود و در خانه وی تافت دلیل که از آن خانه زن خواهد و منفعت از وی یابد و اگر بیند که

چیزی ماه را بپوشاند دلیل که پادشاه بروزیر متغیر شود و اگر بیند که ماه منخسف شده بود دلیل که حال وزیر بد باشد
و معزول گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر ماه بدرو منور بیند بموضع خویش و نورش مقابله خانه وی تافت دلیل
که اهل آن خانه از پادشاه یا وزیر خیر و منفعت بینند و اگر ماه بدر بود و تاریک بیند دلیل که او را رنج و کراهیت رسد
و اگر ماه هلال از مطلع خویش برآمد لیکن نه باول ماه نورش زیادت شد یا بدر گشت دلیل که او را فرزندی آید که پادشاه
یا وزیر گردد و اگر ماه هلال نه از موضع خود برآمد دلیل که از وی فرزندی آید یا او را کاری صعب افتد که مردم را ازان
غم و اندوه باشد و بعضی از معبران گفته اند که اگر کسی ماه را بخواب بیند دلیل که پادشاه آن دیار را پسری آید و اگر نور ماه زاید
بیند دلیل که آن پسر را زندگانی دراز بود و اگر ماه را بدر بیند دلیل که عمرش میانه بود و اگر ماه را نقصان بیند دلیل که بخدمت
پادشاه یا وزیر مشغول شود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماه را بدست گرفت یا بکنار روی آمد دلیل که
فرزندی عالم و دانا او را آید و اگر این خواب کسی از مقربان پادشاه بیند دلیل که او پادشاه شود و اگر بیند که ماه و آفتاب
و جمله ستارگان فرا گرفت و همه تیره و سیاه بودند دلیل که بیننده خواب هلاک شود و اگر مصلح بود در غم و اندوه افتد
یا بیننده بیمار گردد و عاقبت شفا یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ماه در خواب بر هفت ده وجه بود یکی پادشاه
دوم وزیر سوم ندیم چهارم رئیس پنجم شرف و جاه ششم دوست هفتم کنیزک هشتم غلام نهم کار باطل دهم والی یازدهم
عالم مفسد دوازدهم مهتر بزرگوار سیزدهم پدر چهاردهم مادر پانزدهم زن شانزدهم فرزند هفتدهم بزرگواری ماهی
دانیال علیه السلام گوید ماهی در خواب در دریای گرم سیر بلا و سختی بود و در سرد سیر تاویلش بخلاف این بود چون ماهی
تازه و بزرگ بسیار دید دلیل بر مال و غنیمت کند و اگر ماهی خرد بیند غم و اندوه یابد و اگر در شکم ماهی مروارید یافت
دلیل که او را پسری آید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماهی خشک یا شور کسی بوی داد دلیل که از پادشاه یا بزرگی
او را مضرت رسد و اگر ماهی شور خورد دلیل که غلام بوی مضرت رساند و بعضی گویند که ماهی شوربریان کرده تاویل سفر
در طلب علم یا صحبت مردی باشد و در خوردن ماهی خرد خصومت باشد و اگر بیند که چیزی از اندام ماهی چون خون و
استخوان و آنچه در شکم ماهی باشد بیافت دلیل که بقدر آن مال خیر و برکت باشد یا غلام خرد و اگر بیند که در دریا
ماهی بگرفت و بزرگ بود دلیل که از اهل کسی زنی بخواهد که او را مال بسیار باشد مغربی رحمة الله علیه گوید ماهی تازه و بریان
کرده بخواب مال و نعمت باشد زیرا که ماهی تازه از جمله طعامهای بهشت است و برخوان بود که از بهر عیسی علیه السلام
از آسمان آورده اند قوله تعالی رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ اگر بیند که از دهان ماهی بیرون آمد دلیل که
سخنی دروغ در کاری گوید و اگر ماهی از قفیب وی بیرون آمد دلیل که او را دختری آید و اگر زنی بیند که از دهان وی
ماهی بیرون آمد دلیل که اندوهگین شود و اگر بیند که از دریا ماهی بگرفت دلیل که از مردی بزرگوار مال و نعمت یابد
و اگر بیند که ماهی تازه میخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماهی فروشی میکرد

دلیل کہ او را و کسان او را خیر و منفعت رسد و اگر بیند کہ ماہی از حوض یا از جوی میگرفت دلیل کہ از مردی عامہ بمکر و حیلت چیزی بستاند و اگر بیند کہ ماہیان دریا با او سخن در آمدند دلیل کہ راز از پادشاہ آشکارا گردد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن ماہی در خواب بر شش وجہ بود یکی وزیر دوم لشکر سوم دختر دوشیزہ چہارم غنیمت پنجم غم و اندوہ ششم کنیزک ہندو بود **ماہی خوارہ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید ماہی خوارہ در خواب زن بود اگر بیند کہ ماہی خوارہ را بگرفت یا کسی بوی داد دلیل کہ زن خواہد و اگر بیند کہ ماہی خوارہ از دست وی بپرید یا ضایع شد دلیل کہ زن را طلاق دہد و اگر بیند کہ گوشت ماہی خوارہ میخورد دلیل کہ بقدر آن مال صرف کند مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید ماہی خوارہ بتاویل غم و اندوہ باشد **مبرد** سوہان باشد ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ مبردی داشت و زنگ بدان میزدود دلیل کہ کاری مشکل بروی گشادہ گردد خاصہ کہ آہن ملک او باشد و اگر بیند کہ آہن روشن و پاکیزہ را در آنجا بچیزی میزدود دلیل کہ کاری کند کہ در آن مضرت و زیان بیند و بعضے گفتہ اند کہ مبرد سخن نرم باشد و اگر بیند کہ مبرد او شکست یا ضایع شد دلیل کہ کاری طلب کند و بدست وی باصلاح نیاید مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ کسے از آلتہا مسین خانہ بمبرد روشن میکرد دلیل کہ چیزی از وی بخادم خانہ وی رسد یا شغل خادمش بسبب او باز خلاصی یابد **مطہرہ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ مطہرۂ نو داشت دلیل کہ از سفر او را خیر و منفعت رسد و اگر بیند کہ مطہرہ کہنہ و دریدہ بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید مطہرہ در خواب بر سہ وجہ بود یکی سفر دوم مال سوم زندگانی **مشہ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ بمشہ چوبی یا درختے سوراخ میکرد دلیل کہ بمکر و حیلت چیزی ازوی بستاند و بعضے از معبران گویند کہ مقصودش حاصل شود مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ بمشہ اندام کسی را سوراخ میکرد دلیل کہ بمکر و حیلت و کید کسی را بلا افگند **مجلس علم** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ در مجلس علم نشستہ بود و عالم بر کسی قرآن میخواند و تفسیر قرآن و اخبار و توحید می گفت دلیل کہ اگر آن جایگاہ را عمارت محکم کند کہ خلاف شریعت باشد مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ در مجلس علم میگریست دلیل کہ بکار دنیا مشغول شود و از ان شادمان گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل کہ غمگین شود و اگر او را در مجلس علم حالی پدید آمد و بیہوش گشت چنانکہ عقل از وی برمید دلیل کہ او را کاری پیش آید کہ در آن کار سرگشتہ و متحیر شود اما سرانجام آن بخیر بود **مجلس شراب** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ بہ مجلس شراب بود و شراب نہ میخورد دلیل کہ بفساد و حرام مشغول نشود اما رضا دہد و اگر بیند کہ در مجلس شراب مطرب و چنگ و چغانہ بود دلیل کہ او را غم و اندوہ باشد یا با کسے خصومت کند **مجمرہ** عود سوز بود و شرح آن در حرف عین گفتہ ایم **مجبرہ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر مجبرہ در خواب بیند دلیل بزنی پاک دین و عالمہ بود و اگر بیند کہ مجبرہ داشت دلیل کہ زنے عالمہ بزنی کند دارد و خیر و منفعت یابد و اگر بیند کہ مجبرہ بشکست یا ضایع شد دلیل کہ زنش بمیرد و اگر زن ندارد از خویشان او یکی بمیرد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید

اگر بیند که بمجبره چیزی می نوشت اگر آنچه نوشت قرآن یا نامهای خدا تعالی باشد دلیل بر صلاح و منفعت بود و اگر بخلاف این باشد دلیل بر شر و فساد بود **محراب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در محراب نماز میگذارد دلیل که او را بفرزند صالح بشارت بود چنانکه حق تعالی در قصهٔ مهتر زکریا علیه السلام فرموده وهو قایم یصلی فی المحراب الی آخر الآیة اگر بیند که نماز بوقت خویش گذارد دلیل که او را فرزندانش صالح بوند و اگر بیند که در محراب نشسته بود دلیل که در نماز کاهل بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که محراب را عمارت میکرد دلیل که او را فرزند عالم و امام بود و بعضی گویند که مال خود را صرف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن محراب در خواب بر پنج وجه بود یکی امام دوم پادشاه سوم قاضی چهارم محتسب پنجم میانجی مردمان بود **مخنث** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مخنث شده بود و بزینت زنان خود را بیاراست دلیل که بقدر آن او را ترس و بیم افتد و بلا رسد و اگر بیند که جامهٔ زنان از تن بیرون کرد و جامهٔ مردان بپوشید و بحال مردان باز آمد دلیل که ترس و بیچارگی و بلا از وی زایل گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مجالست با مخنثان داشت دلیل که با مفسدان اختلاط کند و اگر بیند که در میان ایشان او مقیم شد دلیل که از صحبت مفسدان جدا شود **مداد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مداد بخواب دید دلیل که معیشت بر وی فراخ گردد و اگر بیند که مداد از وی ضایع شد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مداد بر جامهٔ وی ریخت دلیل که او را زیانی برسد و اگر دبیر بود مهتری یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مداد در خواب بر چهار وجه بود یکی مهتری دوم رهنمای سوم معیشت چهارم شادی **مذکر** پند دهنده و ناصح باشد اگر بیند که مردم را پند میداد دلیل که او را شادی رسد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر دشمن دارد قهر کند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردم را پند میداد دلیل که در آن پند صلاح دین و رستگاری آخرت بود و بشارت خیر دینی و دنیاوی باشد و اگر بیند که مردم را پند دهنده بود دلیل که او را بخداوند تبارک و تعالی پناه باید گرفت و توبه باید کردن تا او را از شر و فتنه نگاهدارد **مذی** آب نشاط بود چون کسی شهوت بازی کند اول آب مذی از قضیب او فرو آید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن مذی در خواب شادی و خرمی بود بقدر آنچه دیده باشد **مرجان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مرجان در خواب فرزند بود اگر سرخ بود فرزند خوبروی بود و اگر مرجان با جواهرهای بسیار بیند دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید مرجان در خواب بر چهار وجه بود یکی زن یا فرزند دوم زینت سوم جمال چهارم مال از جهت خادم **مرد معروف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر مردی معروف را بخواب بیند در بیداری هم چنان بیند با هم نام او یا کسی که مانند باشد و اگر مجهول و جوان بود دلیل که دشمن وی باشد و اگر پیری مجهول بیند دلیل که بخت وی باشد و خیر و بزرگی یابد و اگر جوانی بیند که مویش سپید شده بود دلیل بر دیانت و آهستگی دین وی بود و اگر پیری معروف بیند که مویش سیاه شده بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر در خواب پیر را بیند

دلیل بر زیادت دیانت و آهستگی و نیکوئی او در دین بود و اگر مردی جوان را بیند دلیل کند از بزرگی رحمت و کرامت رسد و اگر مردی ضعیف بیند که با وی سخن سرد میگفت دلیل که با مردی بدان صفت در خصومت افتد و بر وی ظفر یابد و اگر مردی بیند که کودک شده بود دلیل که کاری بجهل کند که او را همه مردم ملامت کنند و اگر مردی بیند که زن وی را قضیب بود چنانکه مردان را باشد دلیل که او را پسری آید که مهتر اهل بیت گردد و اگر مردی دید که او را فرج بود دلیل بر ذل و خواری و بدحالی وی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مرد پیر در خواب دولت و بخت بود مردم را و دیدن مرد جوان مکر و حیلت و چیزی مکروه بود **مرد اسنک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مرد اسنک در خواب بیماری بود و اگر بیند که مرد اسنک میخورد دلیل که بیمار شود چنانکه بیم هلاک باشد و اگر بیند که مرد اسنک بحبسی بخشید یا بفروخت دلیل که از رنج و بیماری ایمن شود و مرد اسنک زرد بیماری و اندوه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مرد اسنک در خواب بر سه وجه بود یکی رنج دوم بیماری سوم عقوبت و شکنجه **مردن در خواب** دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که بمرد و مردم بروی میگریستند و زاری میکردند یا او را بستند و در کفن پیچیدند یا بر جنازه نهادند و بگور کردند این جمله دلیل بر فساد او در دین بود مگر آنکه بیند که او را از گور برانگیختند و بیرون آوردند بعد ازان که دفن کرده بودند و اگر بیند که او را دفن کردند و گورش از خاک پر کردند و مردم از سر گور وی باز گشتند دلیل که دنیش هرگز باصلاح نیاید و بعضی گویند اگر بیند که بمرد و زود بر جنازه نهادند و حمّال جنازه اش برداشتند و خلق بسیار از پس جنازه وی میرفتند دلیل که شرف و بزرگی یابد و فرمان روا گردد و امارت ایشان ظلم کند و اگر بیند که مرده بود و زنده شد دلیل که گناهی که کرده بود ازان توبه کند و بعضی گویند که عمرش دراز باشد و اگر بیند که کسی او را گفت که تو هرگز نمیری دلیل که شهید در غزا شود و اگر بیند که بمرد و کسی بروی نگریست و از پس جنازه او کسی نبود دلیل که آنچه از خانه او خراب شده باشد هرگز آبادان نشود و اگر در خواب خود را در میان مردگان بیند و او را التفوت باشد که دیر است که او مرده است دلیل که با مردمان جاهل سفر کند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که هر که خواهد که بداند که حال وی نزدیک اهل صلاح چگونه است اگر مردگان صلاح وی را در خواب بشارت میدادند و با وی سخنان نیکو میگفتند و گشاده روی بودند دلیل که حال وی نزدیک حق سبحانه و تعالی نیکو بود و اگر بیند که مردگان با وی سخن ناخوش گفتند و روی از وی بگردانیدند دلیل که حال وی نزدیک بار تعالی بد باشد مغربی رحمة الله علیه گوید مرگ مفاجات در خواب دیدن دلیل بر راحت مومن و عذاب کافر بود و اگر مفاجات نبود فساد دین بود و هر چند که جان کندن خود سخت تر بیند عذاب و عقوبت صعبتر بود و اگر بیند که بمرد و کسی او را می شست دلیل که تائب گردد و اگر بیند که از پس جنازه وی قومی در هوا میرفتند دلیل که بزرگی از ان شهر در سفر بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بمرد و او را در جنازه نهادند و خلق در پس جنازه او میرفتند دلیل که بقدر خویش ولایت و بزرگی یابد و اگر مرده بر جنازه گران بود دلیل که

بر مردم قهر و ستمگار بود و اگر بیند که بر جنازه سبک بود دلیل که با خلق نیکوئی کند و اگر بیند که مرده را بر کف برداشت و می برد دلیل که مال حرام یابد و اگر بیند که زنده بمرد و او را بر تخت خوابانیدند و آن تخت بر کف نهادند دلیل که بخدمت پادشاه رود و از وی منفعت و راحت یابد و اگر بیند که بمرد و زنده شد دلیل که آن شهر خراب گردد و اگر بیند که دیگر باره بمرد دلیل که از فرزندان او کسی بمیرد و اگر بیند که فرزندی از آن او بمرد دلیل که توانگر شود و نیز گویند که از دشمن ایمن شود و اگر بیند که پدر و مادر وی بمردند دلیل که کارش شوریده شود و اگر زنی بیند که آبستن بود و بمرد و مردم بروی میگریستند دلیل که او را پسری آید اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده بار دیگر بمرد و بمرگ گریه نبود بلکه آهسته میگریستند دلیل که از اهلبیت وی بیرا بزنی کند و شادی و خرمی بود و اگر بیند که بمرگ وی زنان و مردان فغان برداشتند و نوحه میکردند دلیل که اهل بیت او را غمی و اندوهی رسد و اگر زنی بیند که بمرد و او را شستند و بر جنازه نهادند دلیل که سخن بنیکو گوید و اگر بیند که او را دفن کردند دلیل که بد باشد

مرده زنده شدن کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده زنده شد دلیل که حال وی بنیکو شود خاصه که مرده را شاد و گشاده روی بیند و اگر زنده را مرده بیند دلیل که حال بروی بد باشد خاصه که ترشروی بود و اگر کسی بیند پدر خود را که مرده است زنده و خرم و گشاده روی و جامه پاکیزه بیند دلیل که دولت و اقبال یابد و کارش ساخته گردد و اگر مادر را زنده بیند دلیل که از غم فرج یابد و اگر زنی بیند که پسری زنده شد دلیل که غایبش از سفر بیاید و اگر بیند که مرده بیگانه زنده شد دلیل که احوال خویشان آن مرده بنیکو شود و اگر بیند که زنده بمرد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که مرده را زنده کرد دلیل که کافر بدست وی مسلمان شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی مادر و پدر خود را ترشروی و غمگین و باجامهای چرکین بیند دلیل که دولت و اقبال وی نقصان گردد زیرا که در سرای حق است بهر صفت کسی مرده را در خواب بیند دلیل بر احوال زنده بود و اگر کسی پدر خود را یا پدر و مادر خود را گشاده روی باجامهای پاکیزه بیند دلیل که نعمت بسیار یابد و اگر برادر خود را بدین صفت که گردیم زنده بیند دلیل که شرف و بزرگی و جاه یابد و اگر بخلاف این بیند تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی مرده را در خواب دید و پرسید که تو مرده گفت نه بلکه زنده ام دلیل که سخن مرده بنیکو در آن جهان باشد و حق سبحانه و تعالی از وی خوشنود باشد قوله تعالی وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ و این آیه دلیل است بر آن که هر چه مرده گوید راست گوید و اگر بیند که مرده خرم و شادمان بخانه خود در آمد و نشست دلیل که صدقه و دعا بدو میرسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که مرده بخانه خویش در کنار گرفت دلیل که تندرست و بسلامت بود و اقبال و دولت یابد و اگر آن مرده از خویشان او بود دعا و صدقه از وی چشم دارد و اگر کسی مرده از اهل بیت خود شادمان بیند دلیل که حال اهل بیت وی بشادی و خرمی بود و اگر مرده را ترشروی و غمگین بیند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که

مرده از اهل بیت خود بروی جست و باوی مناظره میکرد یا روی از وی بگردانید دلیل که آن مرده وصیت کرده باشد
و وصیت او بجا نیاورده باشد و اگر بیند که مرده شاد و خندان بنزدیک وی آمد دلیل کرد عا و صدقه بوی رسیده است
و اگر بخلاف این بیند دلیل که در حق وی تقصیر کرده باشد و اگر بیند که مرده باوی نیکو گفت دلیل که حال وی نیکو گردد
و اگر سخن بد گفت یا او را وصیت کرد تا ولیش بد باشد و اگر مرده باوی سخن از علم و حکمت گفت یا او را موعظه کرد و پند
داد دلیل بر خیر و صلاح دین و دیانت خداوند خواب بود و اگر مرده را بهتر و نیکوتر بیند از آنکه در زندگانی بود و جامه پاکیزه
داشت دلیل که خاتمت کارش بخیر و سعادت بود و اگر بخلاف این بیند دلیل که مرده از عذاب خدای تعالی ایمن باشد
و عاقبت محمود بود حافظ معبر گوید اگر بیند که مرده دست در گردن او در آورد و در کنار گرفت دلیل که عمرش
دراز بود و اگر بیند که مرده التفات نکرد و سخن نگفت دلیل که بیننده را از بهر وی صدقه باید داد و او را بدعا یاد کند
و اگر مرده را ترش روی و غمناک بیند دلیل که عاصی و گنهکار بود و اگر مرده بخندید و باز بگریست دلیل که آن مرده مسلمان
نه مرده باشد و اگر مرده را سیاه رو بیند دلیل که کافر مرده باشد قوله تعالی فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ
أَكَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ و اگر مرده را ورمانده و بیجامه بیند دلیل که حال
مرده بد باشد اسمعیل شعث رحمة الله گوید اگر بیند که مرده در نماز بود دلیل که آن مرده در زندگی استغفار بسیار
کرده باشد و معبران گفته اند که مرده را بجای طاعت ثواب است دلیل که بیننده خواب بطاعت و نماز کاهل باشد
و اگر مرده را در جائیکه بزندگی نماز کردی در نماز دید دلیل که پاک دینی مرده و صلاح عاقبت زنده بود **مرده چیزی**
دادن دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که مرده وی را چیزی از متاع دنیا داد دلیل که از آنجا که امید ندارد چیزی
بوی رسد و اگر بیند که مرده چیزی از خوردنی و آشامیدنی بوی داد و بخورد دلیل که روزی حلال یابد و اگر نه خورد
تا ولیش بخلاف این بود و اگر بیند که مرده از جامه خود چیزی بوی داد و در پوشید دلیل که او را از مال و نفس غم و
اندوه رسد و اگر جامه نپوشید و همچنان مرده در پوشید دلیل که از دنیا رحلت کند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که مرده دو جامه بستد و بدو داد و از آن جامه در پوشید و باز بیرون کرد و بمردم داد دلیل که او را هیچ زیان نبود
بلکه مالش زیادت گردد و اگر بیند که جامه خود بمردم داد و گفت که جامه بدوز یا بسوز یا نگاهدار دلیل که او را غم و اندوه رسد
و اگر بیند که مرده جامه خود را بعاریت بدو داد و دیگر باره از وی طلب میکرد دلیل که آن مرده را کرداری بد باشد و اگر
مرده جامه کهنه بدو داد دلیل که خداوند خواب درویش گردد و اگر جامه نو بود که بوی داد دلیل که عزت و بزرگی یابد و
اگر مرده او را جامع کلام الله یا کتاب فقه و آنچه بدین ماند داد دلیل که توفیق خیرات و طاعات یابد و اگر مرده جامه
میفروخت دلیل که آنجا مه گران گردد و اگر چیزی بمرده می بخشید و قبول نکرد دلیل که او را مضرت و زیان رسد
مرده نالیدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی مرده را بد حال و نالنده بیند دلیل که از کردار بد که در دنیا

کرده باشد از وی سوال کنند و اگر مرده را بیمار بیند دلیل که او را از دین و ایمان سئوال کنند و اگر مرده از درد سر مینالید دلیل که از کبری که در دنیا کرده باشد او را سئوال کنند و بعضی گفته اند که تقصیر یکه در حق مادر و پدر کرده است او را سئوال کنند و اگر از درد دندان مینالید دلیل که از غیبتی که در حق مردم کرده باشد او را سئوال کنند و اگر از درد چشم مینالید دلیل که نظر بد بر عیال مردم در دنیا کرده باشد از ان سئوال کنند و اگر از درد گوش مینالید دلیل که سخن فحش شنفته باشد در دنیا او را از ان سئوال کنند و اگر از درد دست مینالید دلیل که از انچه در دنیا در حق زنان و برادران کرده باشد از وی سئوال کنند و اگر از درد پهلو مینالید دلیل که انچه در دنیا در حق زنان کرده بود از وی سئوال کنند و اگر از درد پشت مینالید انچه در حق مادر و پدر کرده باشد از وی سئوال کنند و اگر از درد عورت می نالید دلیل که انچه در دنیا از زنا و فساد کرده باشد از وی سئوال کنند و اگر از درد سرین مینالید دلیل که انچه در حق خویشان از سفر و حضر کرده باشد از وی سئوال کنند و اگر از درد ساق و پایها مینالید انچه در دنیا کرده باشد از وی سئوال کنند

گفته اند

مجامعت کردن بامرده جعفر صادق رضی الله عنه گوید اصل این خواب انست که اگر با مرده مجامعت کند و آب منی از وی بیرون نیاید و جدا نشود تاویل آن خواب بر صواب و درست آید و چون غسل واجب شد تاویلش باطل باشد و اگر بیند که با مرده مجامعت کرد دلیل که از جائی که امید ندارد امیدش بر آید و اگر با مادر و خواهر که مرده بودند مجامعت کرد دلیل که از جائی که صدقه و ثواب بدان مرده برسد و اگر بیند که با مرده که اهل حرمت بود مجامعت میکرد دلیل که از ان مرده چیزی بوی رسد و اگر مرده را بشهوت بوسه میداد دلیل که زن خواهد و از بهر مرده خیری کند یا او را بدعا یاد کند و اگر با مرده مجامعت کرد دلیل که از مال مرده چیزی بوی رسد

مجامعت کردن با مرده

از پس مرده شدن کرمانی رحمة الله علیه گوید از پس مرده شدن دلیل که اگر مصلح و پارسا بود راه او گزیند و اگر فاسق بود راه و سیرت او گیرد و اگر نداند که مرده مصلح بود یا مفسد و از پی وی می شد دلیل که بیمار شود و عاقبت شفا یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده وی را بانگ جواب داد و مرده را ندید دلیل که از دنیا زود برود و اگر بیند که در پس مرده بسرائی مجهول در شد دلیل که بمیرد و اگر مرده را گفت که فلان وقت پیش من بیا او گفت که بیایم دلیل که در فلان وقت رحلت کند و قتیکه مرده مصلح و راستگوی بوده باشد و اگر بیند که مرده او را بهم پیش خود خواند و او را منع نتوانست کرد دلیل بر وفات او بود و اگر بیند که مرده را بسرائی خود خواند و او در سرائی مرده رفت دلیل که بیمار شود و شفا یابد و اگر بیند که مرده او را به بازار برد دلیل که کسب و معیشت او نیکو گردد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر کسی خود را در میان مردگان بیند دلیل که امر معروف و نهی منکر کند و از وی نشنوند و اگر بیند که با مرده دوستی گرفت دلیل که بسفر رود و در آن سفر دولت و اقبال و شادی و خرمی یابد و اگر بیند که میان مردگان بود چنانکه جز او میان ایشان کسی دیگر زنده نبود دلیل که با گروهی مجالست کند که دین ایشان بفساد بود و اگر بیند که او نیز همچو ایشان مرده است دلیل که در دین او نیز فساد بود و اگر بیند که گروهی مردگان طعام خوردند دلیل که

از پس مرده شدن

در آن دیار طعام گران شود حافظ معبر رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند که پاره از تن مرده میخورد دلیل که از زمین گنجی یابد و نیز اگر بیند که مردگان مجهول را بشمشیر گردن همیزد اگر مصلح بود دلیل که مردم بدست وی توبه کنند و از کردار بد باز آیند و بعضی معبران گویند که با مرده مباحثه و مناظره کند و همه را بدلیل و حجت غلبه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که مرده او را راه می نمود دلیل که راه شریعت دریابد و اگر بیند که مرده خود را می شست دلیل که خویشان او از غم رسته گردند و اگر بیند که مرده را بر زمین می کشید دلیل که از کسب حرام حوزد و مال بسیار یابد و اگر بیند که مرده را برداشت دلیل که مال حرام یابد و اگر بیند که مردگان را زنده میکرد دلیل که دباغی کند و اگر بیند که با مرده در یک خانه خفته بود دلیل که عمرش دراز بود **مرده را جامها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده جامه سبز پوشیده بود دلیل که با شهادت از دنیا رفته باشد و اگر بیند که جامه سپید داشت دلیل که درجه او نیکو باشد و اگر بیند که جامه سیاه پوشیده بود دلیل که حالش بد باشد و جامه دوزخیان سیاه باشد و اگر بیند که جامه سرخ پوشیده بود دلیل که بد باشد و اگر بیند که جامه زرد یا کبود پوشیده بود دلیل که بیننده خواب را غم و مصیبت بود و اگر جامه رنده پوشیده بود دلیل که بوقت زندگانی بیننده را با او خصومت باشد حق بجانب مرده بود و اگر بخلاف این بیند حق بجانب زنده بود و بعضی از معبران گویند زنده در خواب چون مرده را جامه بپوشانید دلیل که اجلش رسیده باشد **تاویل کفن مرده** کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردهٔ معروف را کفن کند دلیل که در دنیا طریق آن مرده بجوید و اگر عالم بود بعلم و اگر مالدار بود بمال و اگر بخواب بیند که مرده را کفن برکند دلیل که آن مرده در گور زنده بود و حال آن مرده در گور نیک بود و اگر بیند که مرده را کفن کرد دلیل که از خویشان آن مرده یکی را جامه کند جعفر صادق رضی الله عنه فرماید مرده در خواب بر سه وجه بود یکی مال دوم ظاهر شدن کار مشکل سوم فساد دین و اگر بیند که مرده نگریست دلیل که عمرش دراز بود ولیکن در پیرانش خرابی افتد و اگر بیند که مرده زنده شد دلیل که کار مشکل بروی ظاهر گردد چنانچه اگر معزول بود عمل یابد و اگر پادشاه بود علم و حکمت زیادت گردد و امید یکه دار در واگردد و اگر از شغلی تردد بود باز یابد قوله تعالی فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ الآیة مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مهتری یا عالمی زنده شده بود دلیل که مذهب یا سیرت او زنده شود و اگر نیک باشد یابد باشد و اگر بیند که مرده او را در آغوش گرفت دلیل که عمرش دراز شود و کارش بالا گیرد و اگر بیند که چیزی بمرده داد دلیل که آن چیز عزیز گردد و نرخ او گران شود و نیز گویند که مرده آمرزیده و شهید بود و اگر بیند که مرده از وی طعام میخواست دلیل که مرده از وی صدقه چشم دارد **مرزنگوش** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرزنگوش می بوئید دلیل که او را پسری آید مبارک و مومن که از خداوندان علم و فرهنگ باشد و اگر بیند که مرزنگوش از جای خود برکند دلیل که پسرش بیمار گردد و اگر فرزند ندارد او را غم و اندوه رسد و اگر بیند که در زمینی که ملک وی بود مرزنگوش بسیار رسته بود دلیل که ویرا مردم مصلح بسیار باشد

کرمانی رحمة الله علیه گوید درخت مرزنگوش در خواب کسی بود که اهل خانه او را دوست دارد بود و اگر بیند که مرزنگوش سبز بود و در زمین او رسته بود دلیل که کسی از اهل بیت او دوستدارش شود و اگر بیند که مرزنگوش زرد و پژمرده بود دلیل که آن کس مفسد و بدبخت بود **مرغ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هر چند که مرغ در خواب بزرگتر بود دلیل که همتش در آنکار طلب کند که عظیم تر باشد و اگر بیند که مرغان بسیار در جایگاهی بانگ میکردند دلیل که اهل آن موضع را غم و مصیبت رسد و اگر بیند که خایه مرغ داشت دلیل که او را فرزندی آید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرغ با وی سخن گفت دلیل که کارش بلند شود و اگر بیند که مرغ در دست او بمرد دلیل که اندوهگین شود و اگر بیند که بار بر پشت مرغ نهاده بود دلیل که بدان کس که بدان مرغ منسوب باشد او را مضرت رسد و اگر بیند که مرغی تازه گوشت از اندام وی بر بود دلیل که مال او بزودی بستاند و اگر بیند که گوشت از اندام خود می برید و در پیش مرغ می افگند دلیل که از مال خویش چیزی بکسی بخشد و اگر بیند که مرغی پاره گوشت با استخوان در پیش وی افگند دلیل که مال یابد و بدانکه تاویل هر مرغی دلیل کند بر آن کس که مرغ بدو منسوب بود و این باول بیان کرده ایم **مغربلی** رحمة الله علیه گوید خروس مانند نخاس بود که غلام و کنیزک فروشد **اسمعیل الشعث** رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرغان مختلف در شهری گرد آمدند دلیل که لشکری بیگانه در آن جا رسد و اگر بیند که مرغ چشمهائی وی بر کند دلیل که در دین او از کسی تباهی رسد و اگر بیند که خون مرغ میخورد دلیل که بقدر آن خون نقصان مالش رسد **مرغ آبی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مرغابی در تعبیر بهتر از مرغان دیگر است و اگر بیند که مرغ آبی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که مال و نعمت و بزرگی یابد و بکام دل برسد و اگر بیند که مرغ آبی بسیار وی را جمع شدند دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و بر دشمن ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید مرغ آبی معیشت بود و اگر بیند که مرغ آبی بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که او را فرزندی آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مرغ آبی در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم بزرگی سوم ریاست چهارم فرمان روائی زیرا که مرغ آبی گاهی در هوا و گاهی در زمین و گاهی در آب باشد چنانکه خواهد از این سبب است که هر که مرغابی در خواب بیند هر مراد یکه خواهد بیابد **مردمان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردمان بسیار جامهای سبز داشتند دلیل بر رامش و شادی و پاک دینی وی بود و اگر بیند که مردمان جامهای سیاه و چرکین داشتند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که جامهای کبود داشتند دلیل بر مصیبت و اندوه بود و اگر بیند که جامهای نو و فراخ داشتند دلیل بر عیش و فراخی و نعمت بود **مرغزار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب مرغزاری بیند که جوهر نباتهای او نشناسد دلیل بر دین و اسلام او بود و اگر بیند که میان مرغزاری بود و آن مرغزار ملک او بود بقدر مرغزار دلیل بر اعتقاد دین وی باشد و اگر مرغزار ملک دیگران بود و او تماشا میکرد دلیل که صحبت او با بندگان باشد

مردمان

مرغزار

و اگر

واگر بیند که در مرغزاری خوش و خرّم میگشت دلیل که عیش بروی فراخ شود و کار او بنظام گردد و مرغزار در خواب مردی بزرگوار بود بقدر بزرگی و نیکوئی و اگر مرغزاری سبز و پاکیزه بیند و داند که ملک اوست دلیل که او را با مردی بزرگ پیوندی بود و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که بوقت بهار در میان مرغزاری بود خوش و خرّم و گلها و ریاحین در وی شگفته بود و جوئی آب در وی روان بود دلیل که مرگ وی با شهادت بود و اگر بوقت بهار مرغزاری بیند با شهادت بود معروف یا مجهول که گل و ریاحین از وی سبز شده بود دلیل که او را با مردی بزرگ صحبت افتد که آن مرد از خدم و حشم خویش جدا مانده بود و اگر مرغزاری خوش و خرّم بیند از سبزها و گلها و آب روان بیاید و آن مرغزار را از بیخ برکند و خراب کرد دلیل که پادشاه آن دیار را مرگ مفاجات رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در مرغزاری درون شد و در آنجا شیران دید دلیل که پادشاه آن دیار ظالم و ستمگر بود و اگر در آن مرغزار گوسپندان دید دلیل که پادشاه آن دیار را مال بسیار حاصل شود و اگر در آن مرغزار گاوان و خران دید دلیل که لشکر پادشاه بیوفا باشد و بر ایشان اعتماد نباشد و اگر بیند که در مرغزار گل و ریاحین جمع کرد و بخانه برد دلیل که او را از پادشاه خیر و منفعت رسد اسمٰعیل اشعث رحمة الله علیه گوید مرغزار در خواب زن بود اگر بیند در مرغزاری سبزه و خرّم رفت و در آنجا مقام کرد دلیل که در آنجا زنی ستیزه و خوبروئی بزنی کند و اگر بیند که مرغزار سبزه و خرّم بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مرغزار در خواب بر هفت وجه بود یکی دین دوم اعتقاد سوم معیشت و نظام چهارم پادشاه پنجم مرد بزرگوار ششم خیر و منفعت هفتم یافتن مراد ها مریم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که مریم در اندام خسته در ریش می نهاد دلیل بر خیر و صلاح کار دین او باشد و اگر بیند که مریم میخورد دلیل که حرام خورد یا اندوه و مضرت بدو رسد و اگر مردی بیند که مریم بکسی داد دلیل که فرزندان مردم را خیر و منفعت رساند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مریم بر اندام خسته یا بر ریش نهاد و آن مریم گوشت میخورد دلیل بر نقصان مال وی بود مروارید دانیال علیه السلام گوید مروارید در خواب فرزند غلام یا فرزند کنیزک بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مروارید در خواب کنیزک خوبروئی بود یا زن با جمال اگر بیند که مروارید بسیار بود چنانکه در شمار نیامد دلیل که بقدر مروارید او را منفعت رسد و بعضی معبران گویند که چون مروارید پراگنده بیند دلیل بر سخن علم و حکمت بود و بعضی گفته اند دلیل بر پسران و دختران بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر چنین بیند دلیل بر زنان و دختران کند و اگر بیند که مروارید بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال یابد و اگر بیند که از دهان وی عقد مروارید بیرون آمد دلیل که از دهان وی کلام منظوم از علم و حکمت و مثل آن بیرون آید و اگر بیند که مروارید میخورد دلیل که علم و توحید و سخن حکمت را بپوشاند یا قرآن را فراموش کند و اگر بیند که در منزل یا در راه عقدهای مروارید گسترده داشت دلیل که وی را در علم حکمت تصنیف و تالیف بسیار بود و مردم از کلام وی علم و دانش حاصل کنند و اگر بیند که بجائی هیزم مروارید میسوخت دلیل که علم و حکمت بسیار

بمردم آموزد که سزای علم و حکمت نباشند و اگر بیند که مروارید بسیار داشت و او دیندار و پارسا بود دلیل بر زیادتی دین و دیانت وی کند و اگر تو انگر بود مالش زیادت شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مروارید داشت دلیل که او را فرزندی خوبروی آید چنانکه حق سبحانه و تعالی در کلام مجید فرموده است کَاَنَّهُنَّ لُؤلُؤٌ مَکنُونٌ و اگر مروارید بزرگ بیند چنانکه از حد گذشته بود دلیل که مال بسیار او را حاصل گردد و اگر بیند که مروارید را بفروخت دلیل که علم و قرآن فراموش کند و اگر بیند که مروارید در دهان انداخت و فرو برد دلیل که او را حق تعالی علم و حکمت روزی کند و اگر بیند که مروارید را بجای مجهول بنهاد دلیل که در حق کسی کاری کند که آن کس قدر آن کار نداند و اگر بیند که عقد مروارید در دست بسته داشت دلیل که ویرا دختری آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مروارید بسیار داشت دلیل که حق تعالی سبحانه او را علم و قرآن و حکمت روزی گرداند و اگر بیند که از دهان وی یک یک مروارید گرانمایه بیرون می آمد دلیل که سخنهای نیکو گوید و مردم آن را به پسندند و اگر بیند که عقد مروارید از دست او بیفتاد و بشکست دلیل که بسیار بگوید اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند مروارید بسرگین دان یا بجای پلید افگنده دلیل که علم و حکمت در پیش مردم نادان گوید و اگر بیند که مروارید با آتش بسوخت یا بسنگ بشکست دلیل که کاری کند که خلاف شرع بود و اگر بیند که مروارید در زیر پای وی بشکست دلیل که فرزندش بمیرد و اگر بیند که مروارید از قضیب وی بیرون آمد و آن مروارید سوراخ نداشت دلیل که او را دختری آید و اگر بیند که عقدهای مروارید در گردن بست دلیل که از هر گونه علم حاصل کند و اگر در گردن کسی بست دلیل که آن کس را علم و حکمت آموزد و اگر بیند که گوشواره از مروارید در هر دو گوش داشت دلیل که قرآن حفظ کند و اگر بیند که مروارید بخروار داشت دلیل که بقدر آن مال حاصل کند جابر مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مروارید فروشی میکرد دلیل که آن کس پارسا و مصلح بود از هر علم او را بهره باشد و اگر آن کس از اهل علم نبود دلیل که او را فرزند و مال بسیار حاصل شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مروارید در خواب بر شش وجه بود یکی قرآن دوم حکمت و فرهنگ سوم مال چهارم زن پنجم کنیزک با جمال ششم فرزند نیک و مروارید فروش در خواب کسی بود که فرزندان و مال بسیار دارد و علم دین داشته باشد

مزدوران ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مزدوران در خانه وی کار میکردند دلیل که ویرا با خویشان پادشاه خصومت افتد و از ایشان مفارقت جوید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در خانه کسان مزدوری میکرد دلیل که بکاری صعب گرفتار شود و خداوند خانه را بکس خصومت افتد و اگر بیند که مزدوران در خانه او کار میکردند دلیل که غمگین شود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مزدوران در خانه او خاک میکشیدند دلیل که بقدر آن او را مال و نعمت حاصل شود و اگر بخلاف این بیند دلیل که مال وی نقصان شود

مژگان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مژگان در خواب نگهداشتن دین باشد و اگر کسی بخواب بیند که مژگان وی جنبیدند دلیل که بیمار شود و اگر بیند که مژگان چشم فرو ریخت دلیل که در دین وی فساد بود

کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مژگان چشم وی باز گونه گشت دلیل که بقدر آن اورا زیان مال بود و اگر بیند که مژگان چشم وی جنبیدند دلیل که بیمار شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مژگان در خواب بر چهار وجه بود یکی بهداشتن دین دوم دوست موافق سوم مال و روزی چهارم خرمی بقدر فرزند فی الجمله هر خیر و شر که بر مژگان بیند دلیل بر ین چهار وجه بود **مزور** ماهان سیرین رحمة الله علیه گوید مزور چون ترش و ناخوش بود و در آن چربی باشد دلیل بر خیر و منفعت کند و چون ترش و ناخوش بود دلیل بر مضرت و غم بود **مس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مس از جهت جهودان باشد و اگر بیند که مس داشت دلیل که بقدر آن اورا مال حاصل شود کرمانی رحمة الله علیه گوید آوندمس چون مشربه و آفتابه و آنچه بدین ماند جمله دلیل کد خدائی بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مس می گداخت و صاف و پاکیزه کرد دلیل که کاری مشکل بر دست وی گشاده گردد و گویند که مال حلال بیرنج بدست آورد **مستی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مستی در خواب مال حرام بود و در نماز کاهلی کردن چنانکه در کلام مجید فرموده قوله تعالی یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلٰوةَ وَأَنْتُمْ سُکَارٰی کرمانی رحمة الله علیه گوید مستی در خواب چون از شراب بود دلیل که بقدر مستی ترس و بیم عظیم بود حضرت جعفر صادق رضی الله عنه فرماید مستی در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم توانگری سوم ناتوانی و نقصان چهارم ترس و بیم بقدر آن **مسجد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مسجد آبادان تباویل مردی عالم بود که مردم نزدیک او بسیار آیند از بهر صلاح و حق تعالی در کلام قدیم فرموده قوله تعالی وَمَسَاجِدُ یُذْکَرُ فِیهَا اسْمُ اللهِ کَثِیرًا اگر بیند که مسجد بنا کرد دلیل که از بهر مسلمانان خیر و نیکی کند و از ان او را اجر و ثواب بود یا قومی بر کار خویش جمع آورد و یا قومی بر دین و شریعت بدارد مغربی رحمة الله علیه گوید بنای مسجد در خواب نهادن زن خواستن بود و اگر بیند که مسجدی بنا کرد و اگر بنیاد تمام کرد دلیل که زن حلال خواهد و آن زن دیندار و پارسا بود و اگر بیند که چراغ مسجد بخشت دلیل که فرزندانش بمیرند و اگر بیند که در مسجد جامع نشسته بود و پیرامن او سبزی رسته بود دلیل که بروی گمانها برند که دروی نباشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی اورا در مسجد باز داشت دلیل که آن کس بروی ستم کند و اگر بیند که در مسجد نماز میگذارد و رویش سوی قبله نبود تاویلش بد بود و اگر بیند که در مسجد دست و روی می شست دلیل که مال خویش در آن مسجد صرف کند و مرادش حاصل شود و اگر بیند که مسجد ویران شد دلیل که عالمی بمیرد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید که بنا کردن مسجد در خواب خواهش بود و جمع کردن مردمان که در ضلالت باشند باز بصلاح آمدن و عبادت کردن اعدا چنانکه حق تعالی جل و علا فرمود قَالَ الَّذِینَ غَلَبُوا عَلٰی أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَیْهِمْ مَسْجِدًا و اگر بیند که جایگاهی از ملک وی مسجد گشت دلیل که در دین شرف و بزرگی یابد و خلق را بدعوت حق خواند و اگر بیند که باقومی به مسجد میرفت دلیل که زنی نیکو خصلت بزنی کند و اگر بیند که در مسجد چراغی بر افروخت دلیل که اورا فرزندی صالح آید و اگر بیند که در مسجد مکه یا در مسجد مدینه درون شد دلیل که از همه ترس ایمن گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مسجد در خواب بر دوازده وجه بود یکی پادشاه دوم قاضی سوم عالم چهارم رئیس پنجم امام ششم خطیب هفتم موذن

بشتم مسجد نهم امیر دهم خیر و برکت یازدهم زن خواستن دوازدهم نیکو کردن و اگر بیند که مسجد آبدینه می آراست دلیل که مردم عالم ازوی خیر و برکت یابند و اگر بیند که مسجد را عمارت میکرد دلیل بر درستی دین و ایمان وی بود و اگر بیند که در مسجد شد دلیل که از خوف ایمن شود قوله تعالی وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ اٰمِنًا مسح ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مسح موزه میکرد دلیل که او را فرزندی عالم و فاضل آید و مردم تابع او شوند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مسح موزه میکرد دلیل که بسفر رود و دران سفر مال بسیار بدست آورد و کارهای وی بنظام گردد مسکه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید روغن تازه بتاویل مال و نعمت حلال بود و اگر بیند که مسکه فراگرفت یا کسی بوی داد و ازان بخورد دلیل که بقدر آن مال حلال یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید مسکه خوردن در خواب گواهی راست دادن بود و اگر مسکه گوسپند در خواب بخورد دلیل بود که او را مال و نعمت حاصل شود و مسکه گاو دلیل که آن سال بروی مبارک باشد و بقدر آن خیر و برکت یابد فی الجمله مسکه جانوری که گوشت او حلال بود دلیل بر مال حلال کند و آنچه گوشت وی حرام باشد دلیل بر مال حرام کند جعفر صادق فرماید مسکه در خواب دلیل بر چهار وجه بود یکی مال حلال دوم گواهی راست سوم علم و دانش چهارم معیشت مسواک ابن سیرین رح گوید اگر کسی بخواب بیند که مسواک کرد دلیل که مال بخیرات خرج کند که دران هیچ ثواب نباشد مغربی رح گوید اگر بیند که دندانهای پیشین را مسواک کرد دلیل که بابر ادران و خواهران خیرات و احسان کند و اگر بیند که همه دندانهای خود را مسواک کرد دلیل که با همه خویشان نیکی کند مشرق و مغرب ابن سیرین رح علیه گوید دیدن مشرق در خواب دلیل بر ملوک عالم است و بر آمدن آفتاب بر حاجت روائی و فرمان از جهت پادشاهان بود و فرو شدن آفتاب بخلاف این بود و اگر بیند که بکاری صلاح بمشرق بود دلیل بر نعمت کند و اگر جائی خود بد بیند دلیل که مرادش بر نیاید و بهمه حال جائی بر آمدن آفتاب بهتر از فرو شدن باشد و جائی آفتاب بر آمدن دلیل از اقبال و بزرگی بود و جائی فرو شدن آفتاب دلیل ادبار و فرو ماندگی بود مشرک شدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر مشرک بیند که مسلمان شد دلیل که در مسلمانی بمیرد و اگر بیند که مشرک سوی قبله نماز میگذارد یا شکر حق تعالی میگذارد دلیل که مسلمان شود و نعمت بروی زیادت گردد چنانچه حق تعالی فرموده اللهُ نُورُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ مَثَلُ نُورِهٖ كَمِشْكٰوةٍ الخ اگر بیند که مشرکی در خانه مسلمانی آمد همین دلیل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر کسی مشرکی را بخواب بیند و بیننده خواب مستور باشد دلیل که طالب علم گردد و بر دشمن ظفر یابد و اگر مستور نباشد دلیل که با مردم بدمذهب اورا صحبت افتد مشک دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که مشک باخود داشت دلیل که با ادب و فرهنگ بود و همه کس بروی آفرین کنند و ثنا گویند و اگر بیند که بوی مشک ازوی می آمد یا کافور دلیل که یقین وی پاکیزه و صاف گردد و در راه حق در آید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مشک را میسود دلیل که نیکوئی باکسی کند و اگر بیند که نافه مشک بشگافت و ازان مشک بوئی ناخوش می آمد تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مشک در خواب بر شش وجه بود یکی زن دوم دوست سوم عیش خوش

چهارم کنیزک پنجم مال بسیار ششم سخن خوش **مشک آب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مشک سفر باشد و اگر بیند مشک آب داشت و نو بود دلیل که بسفر رود و سود بسیار کند و اگر بیند که مشک آب کهنه بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مشک آب در خواب بر سه وجه بود یکی سفر دوم مال سوم زندگانی **مصحف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مصحف در خواب بتاویل علم و حکمت بود اگر بیند که مصحف بخرید دلیل که طالب علم بود و دانشمند شود و اگر بیند که مصحف را آتش بسوخت دلیل بر فساد دین او بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مصحف گشاده و بر سر و چشم نهاد دلیل که هر چه کند بقدر آن کار کند و والی آن شهر گردد و اگر بیند که مصحف قرآن باوی سخن گفت اگر خیر گفت دلیل بر خیر کند و اگر شر گفت دلیل بر شر کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مصحف در خواب دلیل بر پنج وجه بود یکی علم و حکمت دوم میراث سوم امانت چهارم روزی حلال پنجم دین و دیانت **مصطگی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مصطگی میخائید دلیل که ویرا گفتگوی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مصطگی با آب میخائید دلیل که بقدر خائیدن با کسی شکایت کند و اگر بیند که مصطگی با آتش بخورد میکرد دلیل که ویرا از پادشاه رنج رسد **مطبوخ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مطبوخی از بهر بیماری می پخت و آن مطبوخ موافق بود دلیل که صلاح دین جوید و اگر مطبوخ موافق نبود دلیل که صلاح دین ازوی بجوید و اگر بیند که مطبوخ بخورد و وی اثر کرد دلیل بر صلاح و تندرستی و خیر بود و اگر بخلاف این بیند دلیل که رنج و زیان باشد **مطربی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مطربی میکرد و چیزی از سرود و ترانها میزد دلیل که بچیزهای حرام گراید چون فساد طبل و آنچه بدین ماند میزد دلیل که اندوهگین شود و مطربی کردن در خواب خیر و منفعت بود معبر خواب گذار بود و مردی باشد چون قاضی و مفتی و واعظ زیرا که این هر سه قوم خداوندگریه و زاری باشند و در تعبیر دلیل بر فساد کند **معجون** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که معجون از بهر درد و بیماری می ساخت دلیل که مردم را از وی خیر و منفعت باشد و اگر بیند که معجون از بهر همه تن بود دلیل که از وی بمردمان خیر و منفعت رسد **معده** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که معدهٔ وی قوی و بی آفت هست دلیل که زندگانی وی دراز بود و اگر بخلاف این بیند عمرش کوتاه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید معده در خواب بر شش وجه بود یکی مال حرام دوم شناعت سوم سخنهای ناخوش چهارم فرزند پنجم زندگانی دراز ششم کار کردن و منفعتی که از وی حاصل شود بودن **معزول شدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از کاری معزول شد یا کسی ویرا معزول کرد دلیل که زن را طلاق دهد اگر زن ندارد در تجارت زیانی کند **معصفر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید معصفر در خواب بر سه وجه بود یکی بیماری دوم غم و اندوه سوم کارهای که از آن کار کردن رنج و سختی او را رسد **معلم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید معلم در خواب مهتر و دانا بود و اگر بیند که معلمی میکرد و کودکان را علم می آموخت دلیل که با مردمان بسخن حق گوید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که معلمی میکرد و کودکان را علم می آموخت دلیل که شایسته پادشاهی بود و در موضع خود او را سخن روا گردد جعفر صادق رضی الله عنه

گوید معلمی کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی فرمان روائی دوم عز و جاه سوم بزرگی چهارم حکم کردن مغز دانیال علیه السلام
فرماید مغز سر و مغز استخوان در خواب مالی بود که به ذخیره نهاده بود اگر بیند که مار و کژدم مغز سر وی میخورند دلیل که
بقدر آن مال مردم بخورد اسمعیل اشعث رحمت الله علیه گوید مغز سر در خواب مال دفینه بود اگر بیند که مغز گنده و ناخوش
خورده بود دلیل که مال او حرام بود یا زکوٰة نداده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن جمله مغز در خواب بر سه وجه بود
یکی مال پنهان کرده دوم عقل سوم صبر **مبتلا شدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مبتلا شده بود چنانکه
نمی توانست خاستن دلیل که در کارها ضعیف و سست بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی را مبتلا کرد دلیل
که عیش بر آن کس تباه کند و مضرتی بوی رساند **مقراض** ناخن گیر بود در حرف نون بیان خواهیم کرد **مقعد**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مقعد در خواب دیدن شغل و کسب وی بود اگر کسی مقعد خود را در خواب بیند که بیرون
آمده دلیل که کسب و کار وی تباه گردد و اگر بیند که سوراخ مقعد وی بسته شد دلیل که کار و کسب بروی بسته گردد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مقعد بخواب بر سه وجه بود یکی کسب و کار دوم منفعت مال سوم معیشت
مقنعه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مقنعه در خواب زنان را شوی و مردان را زن بود و اگر بیند که مقنعه از سر وی جدا
شد دلیل که شوهرش طلاق دهد اگر مقنعه سیاه بیند دلیل که شوهرش فاسق بود و اگر سرخ بود شوهر وی معاشر و طرب دوست
بود و اگر کبود بیند دلیل که شوهر وی مصیبت زده بود و اگر زرد بیند دلیل که شوهرش بیمار گون بود جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن مقنعه در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم کنیزک سوم خادم چهارم منفعت از زنان و اگر مقنعه
کرباسیان یا پشمین بود دلیل که شوهر وی مصلح و پارسا و دیندار بود **مسلمان شدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر مسلمانی بخواب بیند که دیگر باره مسلمان شد دلیل که از بلاو آفتها ایمن گردد و اگر کافر بیند که مسلمان شد دلیل که کافر
را حق تعالی مسلمانی روزی کند و اگر بیند که مسلمانی کافر را گفت که مسلمان شو دلیل که کارهای وی مستقیم شود مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که مسلمانی کافر شد دلیل که در بلا گرفتار شود و خاتمت کارش بخیر نبود و اگر بیند که کافری بدست وی
مسلمان شد دلیل که کسیرا از فسق و فساد باز دارد **مسمار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب مسمار بیند دلیل بر
مردی بزرگ بود که بکارها ایستاده باشد و بهم پیوندد و بعضی معبران گویند که مسمار در خواب پادشاه یا امیری بزرگ
بود و اگر بیند که مساری بزرگ و قوی داشت دلیل که او را با مردی بزرگ صحبت افتد و اگر بیند که چیزی به مسمار بدوخت
دلیل که بسبب مردی بزرگوار کارهای پراگنده او بصلاح آید و جمع شود و اگر بیند که مسمار شکست یا ضایع شد تاویلش
بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مسمار در خواب بر چهار وجه بود یکی مردی بزرگوار دوم مردی که با مردان
عهد پیوندد سوم امیر یا والی چهارم مکر و ده و مضرت کارها **مگس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مگس در خواب مردم سفله و
درویش بود اگر بیند که مگسان بروی جمع شدند یا در چشم و دهان وی میشدند دلیل که از کسی سفله مال حاصل کند اما مضرت یابد

واگر بیند که مگس در گوش وی شد دلیل که از کسی سفله سخن زشت شنود که از آن کوفته خاطر گردد واگر بیند که بانگ مگس میشنید دلیل که از مردم غوغا بیند کرمانی رحمة الله علیه گوید مگس در خواب مردی حاسد و فرومایه بود واگر بیند که پیرامن او مگسان جمع شدند دلیل که با مردم حاسد اورا شغل افتد واگر در خواب بیند که مگس بسیار در خانه وی می گشتند دلیل که مردم سخن وی گویند واگر بیند که مگسان اورا میگزیدند دلیل که مردم دون برخویشان او حسد برند واگر بیند که مگس را میکشت دلیل که حاسدان را قهر کند واگر بیند که مگسان در زیر زمین می شدند دلیل که حاسدان از مال نهان کرده وی بستانند و خزینه کنند و ویرا مضرت رسد **مگس انگبین** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مگس انگبین در خواب مردی فراخ روزی و زنی کسب کننده باشد واگر بیند که مگس انگبین فراگرفت یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن مال و غنیمت حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مگسان انگبین بروی جمع شدند واورا میگزیدند دلیل که برنج مال و نعمت حاصل کند واگر بیند که مگسان انگبین میخوردند دلیل که او را بقدر آن زیان و مضرت رسد واگر بیند که انگبین از مگسان می ستد دلیل که سخنهای باخیر و منفعت شنود و ازان فائده بیند **مکه مبارک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خود را در مکه بیند دلیل که زیارت کعبه کند و حج دریابد و اگر بیند که بمکه از بهر تجارت رفته نه از بهر حج دلیل که حرص مال دنیا دارد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در مکه بصلاح و زهد بوده و بعبادت مشغول بود دلیل که در منفعت دنیا باشد واگر مکه را آبادان بیند دلیل که مال و نعمت بروی فراخ شود واگر خراب بیند تاویلش بخلاف این بود **ملخ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ملخ زنده در خواب لشکر بود و ملخ پخته درم و دینار بود واگر بیند که در شهری یا در موضعی ملخ پدید آمد و در آن جا مضرت رسانید دلیل که بقدر آن ملخ در آنجا لشکر جمع شود و اهل آن موضع را بلا و زحمت رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ملخ بسیار جمع کرد و در ظرفی می انداخت دلیل که مال جمع کند و بکابین زن دهد واگر بیند که ملخ بیقیاس در دریائی جمع شدند و نبات آنجا خوردند دلیل که مال بیقیاس در آنجا جمع شود و همه را تباراج ببرند دلیل که خراب کنند **منادی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که منادی گذشت و کلامش موافق علم و حکمت بود و بر نفس خود صالح و پارسا بود دلیل بر خیر و بشارت کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که منادی بصلاح آن جهانی کرد دلیل که خیر و صلاح یابد و اگر منادی بخیر دنیا دی کرد دلیل که مراد این جهانی بیابد و اگر بر شر و فساد بود تاویلش بخلاف این بود **مناره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مناره در خواب مردی بود که مردمان را براه دین خواند و اگر بخواب بیند که مناره بنا کرد دلیل که کار خیر کند و جماعتی از اهل اسلام جمع دارد و اگر بیند که مناره بکند و خراب کرد دلیل که مسلمانان متفرق شوند و بعضی گویند که مؤذن آن مناره از دنیا برود کرمانی رحمة الله علیه گوید مناره در خواب پادشاه یا مردی بزرگ بود و اگر در کوچه مناره بیند دلیل که بزرگی در آن کوچه برسد و اگر مناره از گچ و آجر بیند دلیل که از بهر سلطان بود و اگر مناره از خشت خام بود دلیل که آن بزرگ از رعیت بود و دیندار و متواضع باشد و اگر مناره از سنگ و آهک بیند دلیل که آن مهتر پادشاه ستمگر بود و اگر مناره از چوب بیند دلیل که آن مهتر سفله و دون همت باشد و اگر مناره

برود مسجد دید دلیل که آن مهتر عالم و فاضل بود و خلق را بکارهای شریعت خواند و اگر بیند که منارهٔ مسجد افتاده بود دلیل که یکی از بزرگان دین هلاک شود و میان خلق تشویش و پراگندگی افتد و اگر بیند که میان شهر مناره بود دلیل بر پادشاه کند و اگر بیند سر آن مناره از مس یا برنج بود دلیل که پادشاه ظالم و ستمگار بود و اگر بیند سر او از زر یا از سیم بود دلیل که پادشاه دروغ زن و بیقول و غدار بود و اگر منارهٔ از خشت پخته بود دلیل که پادشاه گردن کش و متکبر بود و اگر خود را بر سر منارهٔ آمده بیند دلیل که مقرب پادشاه شود و کارش بنظام شود و اگر بیند که بر منارهٔ طعام نهاده بود دلیل که در آن دیار پادشاه پدید آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در منارهٔ بود و بانگ نماز می گفت دلیل که پادشاه خلق را وعده نیکو دهد و اگر بیند که در منارهٔ مسجد جامع بانگ نماز داد دلیل که عمره آرد و اگر بیند که منارهٔ بجنبید دلیل که پادشاه بیمار گردد و اگر بیند که پادشاه منارهٔ را بیفگند دلیل که پادشاهی بیاید و آن پادشاه را قهر کند و ولایت از وی بستاند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن منارهٔ در خواب بر چهار وجه بود یکی پادشاه دوم مرد بزرگوار سوم امام چهارم موذن **منبر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید منبر در خواب پادشاه اهل اسلام بود و خیر و شر یکه در منبر بیند تاویلش بر سلطان کند و اگر بخواب بیند که بر منبر شد و علم و حکمت و خطبه میخواند اگر از اهل آن نه بود دلیل که فرزندش یا یکی از خویشان او عالم شود و اگر بیند که بر منبر شعر میخواند یا سخنی خلاف شریعت میگفت دلیل که در میان اهل اسلام به بددینی و بدعت رسوا گردد و بعضی از معبران گویند که ویرا بردار کنند و اگر پادشاهی بیند که بر منبر بود و آن منبر بیفتاد یا بشکست دلیل که از پادشاهی معزول گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر منبر شد و خطبه تمام بخواند و از منبر فرود آمد دلیل که از خطابت معزول گردد و اگر زنی بیند که بر منبر کلام و حکمت و علم در میان مردم میگفت دلیل که رسوا شود زیرا که زنان را علم گفتن و خطبه خواندن در میان مردان روا نباشد و نیز مردان را خواندن هم میان زنان بد باشد و اگر بیند که از منبر بیفتاد اگر عالم بود یا جاهل دلیل که از حرمت بیفتد و در میان مردم خوار و حقیر شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر منبر شد دلیل که عالم و مصلح و دیندار شود و بزرگی و عز و جاه یابد و اگر مفسد بود دلیل که او را بدزدی بگیرند و بردار کنند و هر چند که منبر بزرگ تر و پاکیزه تر بیند منزلت و جاه بلند تر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن منبر در خواب پرنج وجه بود یکی پادشاه دوم قاضی سوم امام چهارم خطیب **منجم** پنجم بردار کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که منجم شد دلیل که پیش پادشاه و بزرگان عزت یابد و منزلت او بالا گیرد و اما سخن دروغ و محال گوید خاصه که در خواب سخن از احکام نجوم گفته باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سخن علم و نجوم و هیئت افلاک میگفت دلیل که پادشاه و بزرگان او را حرمت دارند و اگر بیند که سخن در احکام نجوم میگفت تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید منجم در خواب مردی دروغ زن باشد که شکر خدای تعالی نه کند **منجنیق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در شهر یا در قلعهٔ مسلمانان سنگ منجنیق می انداخت دلیل که در پس مسلمانان سخنهای بد گوید و اگر بیند که در شهر یا در قلعهٔ کافران سنگ منجنیق می انداخت دلیل که ایشان را دشمن دارد و پیوسته سخنان ایشان میگوید مغربی رحمة الله علیه گوید

اگر

اگر بیند که پیرامن شهری منجنیق نهاده بودند و بناهای آن شهر را خراب میکردند دلیل که آن شهر را از دشمن خطر بود و اگر بیند منجنیقها بشکست یا آتش بسوخت دلیل که پادشاه آن شهر بر دشمنان مظفر و منصور شود و اهل آن شهر از ترس و بیم ایمن شوند **منديل** دستار بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید منديل بخواب خادم بود و هر زیادت و نقصان که در وی بیند بخادم باز گردد اگر بیند که منديل نو داشت یا کسی بوی داد دلیل که او را خادمی حاصل شود و اگر منديل سبز یا سپید بود دلیل که خادم وی با دیانت بود و اگر منديل سرخ بود دلیل که خادم وی معاشر و سرکش بود و اگر منديل زرد بود دلیل که خادمش بیمار گردد بلکه در اصل بیمارگون بود و اگر کبود بود دلیل که خادمش مصیبت زده و اندوهگین بود و اگر منديل وی فرطه بود دلیل که خادمش زاهد بود و اگر بیند که منديل از پشم یا پنبه بود دلیل که خادمش با امانت و دیندار بود و اگر از کتان بود نیک باشد و اگر از قز یا از ابریشم بود دلیل که خادمش بیوفا و متکبر بود و اگر چرکین یا کهنه یا دریده بود دلیل که از آن خادم نیکوئی بیند و اگر منديل ضایع شد دلیل که خادم از وی جدا شود و اگر منديل بسوخت دلیل که خادمش بمیرد **منشور** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردم عالم یا زاهد یا مصلح منشور بدو دادند که در آن کار مهیا نبشته بود دلیل که صلاح وی در دین و نجات آخرت باشد و سعادت دنیا و آخرت یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که رستگاری نیابد و اگر بیند که پادشاهی منشور بوی داد دلیل که شرف و بزرگی یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که پادشاه منشور بدو داد و در آن شهر مردمان مصلح بودند دلیل که از پادشاه بزرگ منزلتی عظیم یابد و کارهای وی بنظام شود و اگر بیند که آن شهر خراب و ولایتی دون بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که فرشته یا پیغامبر منشور بخط نبشته بدو داد دلیل که حق تعالی او را بیامرزد و از وی خوشنود و راضی شود و اگر منشور سیاه بود تاویلش بخلاف این بود **منقار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را بان مرغ منقار بود دلیل که بقدر و بزرگی منقار مال حاصل کند و اگر بیند که مرغی بزرگ چون آله و کرگس و مانند این او را منقار بزد و او را درد کرد دلیل که ویرا رنج و سختی رسد و نقصان مال وی بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که منقار مرغی داشت دلیل که بقدر و قیمت آن مرغ او را بزرگی و نعمت و خیر و منفعت رسد و اگر بیند که منقار داشت و مردم را بمنقار گزند رسانید دلیل که مردم را از وی گزند و زحمت رسد **منی** آبی بود که از وی فرزند پدید آید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن منی در خواب مالی بود که بیابد و از آن شاد شود و اگر بیند که یک سبوئی از آب منی داشت دلیل که مال بسیار حاصل کند و اگر بیند که از قضیب وی منی بسیار بیرون آمد دلیل که مال بسیار از کسب خویش حاصل کند اما بقدر منی کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از قضیب وی آب منی همی رفت دلیل که بقدر آن مال از بیگانه بدو رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که منی از وی فرود آمد دلیل که مال یابد چنانکه باری تعالی عز و جل فرموده اِنَّا خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ اَمْشَاجٍ نَبْتَلِیْهِ الخ جعفر صادق رضی الله عنه فرماید منی در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند دوم زیادتی مال سوم نقصان مال چهارم بزرگی و چون خداوند خواب بیند که منی از وی بیرون آمد معبر را باید که بتعبیر بر زیادتی مال کند و اگر منی نمی آمد

نقصان مال بود مهد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در مهد نشسته بود و خداوند خواب سزاوار مهد بود دلیل بر راحت و آسانی و عیش خوش وی بود و از ترس و بیم ایمن گردد و اگر بیند که از مهد بیفتاد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در مهد نشسته بود دلیل که زنی مهربان خواهد یا کنیزکی خوب روی خرد و بعضی معبران گفته اند که مهد در خواب آرامگاه و عز و مرتبت بود کسیرا که سزاوار باشد و اگر آن کس سزاوار نباشد زندان و جای حبس بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مهد در خواب دیدن بر هشت وجه بود یکی آسانی و راحت دوم عیش سوم عز چهارم دولت پنجم مرتبت ششم ایمنی هفتم کنیزک مهربان هشتم زن و دیدن مهد در ولشان را بر چهار وجه بود یکی زندان دوم جایگاه تنگ سوم غم و اندوه چهارم رنج و محنت مهر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر گل مهر انگشترین نهاد دلیل که خداوند انگشترین منفعت و بزرگی یابد و اگر بیند که بر نامه مهر نهاد دلیل که معاینه چیزی بدو رسد و اگر بیند که پادشاه یا بزرگی انگشترین بوی داد که بستان و خزینه را مهر کن اگر سزاوار بود دلیل که خزینه بوی سپارند و اگر سزاوار خزانه پادشاهی نباشد دلیل که از بزرگان یکی مال خود بدو سپارد و اگر بیند که پادشاه مهر خود بدو داد و سپرد دلیل که از وی بزرگی و منزلت یابد و اگر بیند که پادشاه بر نامه مهر نهاد چنانکه رسم است دلیل کرزد و ولایت یابد و حاجت وی روا شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مهر نهادن بر نامه و کیسه و آنچه بدین ماند بر هفت وجه بود یکی بر تمامی عمل دوم قوت دین سوم ریاست چهارم حقیقت و اخبار دین پنجم مال ششم دولت و بزرگی هفتم کامرانی بقدر مرتبت بیننده خواب مهره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مهره یافت یا بخرید یا کسی بوی داد دلیل که بقدر و قیمت آن مهره مال بدو رسد یا او را خدمتگاری حاصل شود و اگر بیند که مهره پاکیزه و سفید بود دلیل که آن خدمتگار مصلح و پارسا بود و اگر مهره سبز بیند دلیل که خدمتگارش مبارک روی بود و اگر زرد بود دلیل که خدمتگارش بیمار گون باشد و اگر سیاه بود خدمتگارش سخت دل و بدخو باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مهره در خواب بر هفت وجه بود یکی زن دوم خدمتگار سوم کنیزک چهارم مال پنجم ادب و فرهنگ ششم فرزند هفتم غلام خرد و هر زیادت و نقصان که در مهره بیند بدین هفت چیز آید مهمان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مهمانی در خواب اجتماع و چیزی بود اگر بیند که قومی را بمهمانی خواند دلیل که کاری کند که آن کار او را از همه شغلها باز دارد و اگر بیند که او را در باغی بمهمانی بردند که آن باغ پر از میوهای الوان و آب روان بود دلیل که بغزا رود و شهید شود قوله تعالی فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ وَشَرَابٌ کرمانی رحمة الله علیه گوید دیدن مهمانی در خواب که در آنجا چنگ و چغانه و نای و رقص بود دلیل بر غم و اندوه و مصیبت بود و اگر از آنها بنوشید خیر و برکت و خرمی باشد مغربی رحمة الله علیه گوید مهمانی در خواب دلیل بر باز آمدن غائب بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که عروسی بی نکاح خواست و مهمانی کرد دلیل که او را غم و اندوه رسد مورچه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مورچه انبوهی مردم بود اگر بیند که مورچه بسیار در چیزی شد دلیل که مردم بسیار در خانه وی فرا رسند و اگر بیند که موران بسیار از سرای او بیرون آمدند دلیل که مردم آن

سرائی تحویل بجائی دیگر کنند واگر بیند که مورچه بیگانه درخانه وی شد دلیل کدزد بخانهٔ وی رود واگر بیند بر تن وی موران بسیاران بسیار جمع شدند از دهان وی بیرون آمدند دلیل که زود هلاک شود مغربی رحمة الله علیه گوید مورچه در خواب دشمنی ضعیف باشد واگر در خانه خود مورچه بسیار بیند دلیل که نسلش بسیار شود واگر بیند که موران از سرائی او بیرون آمدند دلیل که نسلش کم شود اسمٰعیل اشعث رحمة الله علیه گوید مورچه خرد و سرخ دلیل بر مردم ضعیف و سست باشد و موران سیاه و بزرگ دلیل بر دزد مال اهل بیت باشند واگر بیند که موران از سرائی وی بیرون آمدند و در هوا می پریدند دلیل که خویشان از سفر باز آیند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن موران تاویل اهل بیت بیننده خواب بود واگر بیند که موران از خانهٔ او بیرون شدند دلیل که احوال آن خانه پریشان شود **مورد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مورد در خواب مرد آزاد و خوش طبع و خوبروئی و کامل عقل بود چنانکه دوستی را شاید واگر بیند که مورد دشت دلیل که او را چنین مردی صحبت افتد و از وی منفعت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که درخت مورد بشکست یا از جائی بر کند دلیل که از صحبت چنین مردی مفارقت کند مغربی رحمة الله علیه گوید مورد در خواب مال و نعمت بسیار بود و بعضی از معبران گویند مورد فرزند صالح بود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن مورد در خواب بر چهار وجه بود یکی مزدوران عاقل دوم فرزند صالح سوم مال بسیار چهارم منفعت اگر زنی بیند که دسته مورد بسته بشوهر داد دلیل که نکاح ایشان پایدار بود **موز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید موز توانگران را مال بود و دینداران را دین و برگ موز بهترین برگ درختها بود واگر بیند که موز فراگرفت یا کسی بوی داد و آن کس توانگر بود دلیل که مالش زیادت گردد واگر بیند که موز میخورد دلیل که منفعت دینی و دنیاوی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید موز در خواب بر سه وجه بود یکی زیادتی مال دوم زیادتی دین سوم روزی حلال و عیش خوش و بعضی از معبران گویند اگر بوقت خوبش بیند که موز میخورد دلیل که زنی خوبروئی و توانگر بزنی کند و از وی منفعت یابد **موزه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید موزه در خواب در زمان زمستان دلیل بر خیر و نیکوئی کند و در تابستان غم و اندوه بود و اندر موزه معبران خلاف کرده اند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موزه در پای داشت و سلاح پوشیده بود دلیل که دشمن از وی متفکر بود واگر بیند که با موزه سلاح نداشت دلیل که غم و اندوه بیند خاصه که موزه تنگ باشد واگر بیند که موزهٔ ادیم در پای داشت دلیل که زن خواهد واگر بیند که موزهٔ ادیم در پای داشت و باز کوتاه بود دلیل که او را غم و اندوه رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موزه از پوست میش داشت دلیل که بقدر آن مال بدو رسد واگر بیند که زیر موزهٔ او دریده بود دلیل که زنش بمیرد واگر بیند که از پای موزه بیرون آورد دلیل که شادی و خرمی یابد واگر زندانی بود خلاصی یابد واگر بیند که موزهٔ اش بسوخت دلیل که زنش بمیرد واگر بیند که موزهٔ او ضایع شد دلیل بر نقصان مالش بود و سر موزه همین تاویل دارد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موزهٔ اش از خانه بدر افتاده است دلیل که زن را طلاق دهد واگر بیند که موزه بمردم بیگانه داد یا بفروخت دلیل که زن او بمیرد واگر بیند که موزهٔ او بدریدند

دلیل کہ زن او بمیرد و اگر بیند کہ موزہ او بدزدیدند دلیل کہ جوانان قصد عیال او کنند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید موزہ درخواب چون نرم بود و پائی را نیازارد دلیل بر ہفت وجہ بود یکی زن دوم خادم سوم کنیزک چہارم قوت پنجم عیش ششم ظفر یافتن ہفتم منفعت یافتن **موش** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید موش درخواب زنی بود کہ بظاہر مستورہ باشد بباطن فاسقہ بود و اگر بیند کہ موش را بگرفت یا کسی بوی داد دلیل کہ زنی بدین صفت کہ گفتیم خواہد و اگر بیند کہ موش را در طبلہ بگرفت دلیل کہ زنی بمکر و حیلت خواہد و اگر بیند کہ موشان بسیار در خانہ او جمع شدند و جملہ یک سان بودند دلیل کہ بقدر آن موشان زنان در خانہ وی جمع آیند و اگر بیند کہ موشان مختلف بودند چنانکہ بعضے سیاہ و بعضے سفید دلیل کہ اختلاف تباویل آن در شب و روز بود در خبر است از سید عالم صلے اللہ علیہ وآلہ واصحابہ وسلم فرمود شب و روز دو موش اند کہ عمر مردم را می برند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ از سوراخ بینی یا از سوراخ قضیب او موش بیرون آمد دلیل کہ او را دختری نابکار آید مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ در خانہ موشان دشتی آمدند دلیل کہ در آنجا زنان نابکار گرد آیند و تعبیر موشان درخواب مال و کالای زنان مفسدہ بود و موش خانگی و دشتی تباویل یک سان بود اسمٰعیل اشعث رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ موش بگرفت دوم نداشت دلیل کہ زنی بی اصل خواہد و اگر بیند کہ موشی در دست وی بمرد دلیل کہ او را مصیبت رسد و اگر بیند کہ موش را بپائی مالید دلیل کہ زنی فاسقہ خواہد و از خود جدا کند و اگر بیند کہ سنگ بموش انداخت دلیل کہ کسیرا متہم گرداند و اگر بیند کہ موشی در بستر وی بود دلیل کہ زنی مفسدہ قصد فساد کند و اگر بیند کہ موش میخورد دلیل کہ مال زنی مفسدہ بخورد **موم** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید موم سپید در خواب مال و نعمت بود و موم زرد بیماری و اگر بیند کہ موم سفید میخورد دلیل کہ بقدر آن مال حلال یابد و اگر بیند کہ موم از وی ضایع شد یا بفروخت دلیل بر نقصان مال و بود مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ موم بہر رنگ کہ باشد مال و نعمت بود و اگر بیند کہ موم سپید بود و میخائید بہتر از موہای دیگر بود و اگر بیند کہ موم ہمی خائید دلیل کہ از کسی شکایت کند و اگر بیند کہ موم آبش میوخت دلیل کہ بقدر آن پادشاہ از مال وی بستاند و اگر بیند کہ از موم شمع میکرد و بمردم میداد دلیل کہ مال خود بخیر و صلاح و صدقہ خرج کند و با مردم جود و احسان کند **مومیائی** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ مومیائی میخورد دلیل بر غم و اندوہ بود و اگر بیند کہ مومیائی بکسی بخشید یا از خانہ بیرون انداخت دلیل کہ از غم و اندوہ خلاصی یابد مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ بجہت خستگی اندام مومیائی خورد و صحت یافت تاویلش بخلاف این بود **موی** دانیال علیہ السلام گوید موی در خواب مردان را غم و اندوہ بود و زنان را زینت و موی چہار پایان مال اندک بود و اگر صوفی بیند کہ موی سر او دراز شد دلیل کہ او زینت و صلاح یابد و اگر صوفی نبود دلیل کہ غم و اندوہ بود بقدر درازی موی و اگر بیند کہ قدری از موی ببرید و بینداخت دلیل کہ غم و اندوہ از وی زایل شود ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ در وقت حج موی سر استرد دلیل بر صلاح دین و کفارت گناہان بود و اگر در خواب ماہای حرام یعنی رجب

وذی الحجه وذی القعده ومحرم بیند دلیل که وحشش گذارده شود واز غم فرج یابد واگر بیند که موئی تمام بستر دلیل که آنچه گفتیم بیشتر باشد واگر صاحب خواب زن امیری بود وبیند که موئی سر بستر دلیل که شوهرش بمیرد یا والی کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر پادشاهی موئی خود دراز بیند دلیل بر لشکر بود واگر رعیت بیند دلیل بر زیادتی غم واندوه بود وزیادتی موئی تن هم غم واندوه بود واگر مردی بیند که موئی سر او آشفته بود دلیل بر زیادتی دین ونقصان او بود واگر موئی سر خود آویخته بیند دلیل بر غم واندوه بسبب پدر ویدر یا جهت مهتری بود واگر سر خود را صلع بیند بنا بر زیادتی عیش وشادی بود واگر بیند که او را بسان علویان دو گیسوئی بود دلیل که مهتری یابد ونیک نام گردد واگر بیند که موی خود را میکند دلیل که کسان وی مال تلف کنند واگر بیند که موئی خود را شانه میکرد دلیل که بر کارهای خود قادر شود ویرا منفعت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موی بغل یا موئی زنار ستردن دلیل که صلاح دین وی باشد وموئی بغل ستردن دلیل بر یافتن مال ومراد بود وناستردن موئی بغل دلیل بر زیادتی بیروتی بود واگر بیند که در سینه وی موئی بود دلیل که وام بروی جمع شود وموئی بر تن وام مال بود واگر بیند که موئی از تن خود بستر دلیل بر نقصان مال وی بود واگر این کس درویش ووامدار بود واو را غم واندوه فرج یابد واگر بیند که آبک بر تن خود مالید وموی از تن خود بستر واگر توانگر بود دلیل که درویش گردد واگر درویش بود دلیل که توانگر گردد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قدری از موئی فرا رخت اگر توانگر بود دلیل بر نقصان مال او باشد واگر درویش بود توانگر گردد واگر وامدار باشد واو را غم گذارده شود واگر بیمار بود دلیل که شفا یابد واگر بیند که موئی راست او بمشرق رفت وموئی چپ او بمغرب دلیل که او را دو پسر باشد که در مشرق ومغرب نام ایشان مشهور گردد حافظ معبر رحمة الله علیه گوید اگر عالمی بخواب بیند که موئی او جعد بود دلیل بر بدعت وذلت وی بود واگر جاهل این خواب بیند دلیل که نعمت وعزت یابد واگر بیند که موئی میکند دلیل که امانت گذارد واگر بیند که موئی زنار او دراز بود دلیل که او را زیانی رسد ودرازی موئی زنان را نیک باشد واگر بیند که موئی زنار خود می ستردد دلیل که دین وی نقصان شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دیدن ستردن موئی در خواب بر پنج وجه بود یکی حج گذاردن دوم سفر کردن سوم عز وجاه چهارم ایمنی پنجم دولت وباری تعالی در کلام مجید فرموده مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ الخ اگر خداوند خواب را موئی ستردن عادت بود دلیل که نیک وبدآن سهل باشد **می پخته** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید تاویل مال حرام بود واگر کسی بخواب بیند که می خورد ومست شد دلیل که بقدر مستی آن جاه ومنزلت یابد واگر بیند که بی می پخته وخمر مست شد دلیل که ترس وبیم عظیم بوی رسد قوله تعالی وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ الخ مغربی رحمة الله علیه گوید مستی از می پخته یا شراب موز بقدر خوردن مال ونعمت کم شود واگر بیند می پخته داشت وبتمنا می خورد دلیل که با مردم جنگ وخصومت کند واگر بیند که درمیان می پخته غرق شد دلیل که در خصومت هلاک شود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که می پخته میخورد دلیل که مال حلال بحرام مبدل گرداند واگر بیند که می پخته بآب صافی بود دلیل که مالی بدست آورد که بعضی حلال وبعضی حرام باشد

و نیز گویند که مال از زنان بستاند و اگر بیند که می نخته میفروخت دلیل که چیزی حرام فروشد **میخ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید میخ در خواب برادر بود اگر بیند که میخ در دیوار زد دلیل کر برادرش در آن جا که میخ زد مردی فرا گیرد زیرا که دیوار بتاویل مرد باشد و اگر بیند که میخی برسنی به بست دلیل کر برادرش بمردی پیوندد و اگر بیند که میخ بر پشت زد دلیل که از پشت او فرزندی آید که پادشاه بود یا بشرف و بزرگی تمام برسد یا زاهد شود که نام او در تمام عالم منتشر گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید میخ در خواب بهمه چیز بزرگی و شرف دین و دنیا بود و اگر بیند که میخی بر در خانه او بود دلیل که بزرگی و شرف یابد اگر بیند که میخ از خانه خود بکند و ببیند احت تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که میخی از چوب یا از آهن یا از نقره یا از مس یا از استخوان داشت دلیل که آن بر دو نوع بود یکی آنکه زن خواهد یا دوستی گیرد و اگر بیند که میخی در ستون یا در چوب زد دلیل که دوستی با کسی کند که موافق باشد و اگر بر درخت زد و قرار گرفت احتیاط کند در آن که چه درست بود تاویل از آن درخت کند و بدرستی یا بنکاح یا بعطا و صلت مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میخ از برنج یا از مس بود بتاویل نیکو باشد و اگر از آهن یا از استخوان بود دلیل بر نیکوئی و قوت کند و اگر بیند که در دست وی میخ آهنین بود دلیل که او را فرزندی آید که شایسته پادشاه بود و اگر فرزند ندارد دلیل که حق تعالی او را علم و دانش روزی گرداند و اگر از اهل علم نباشد دلیل که اهل علم او را دوست دارند و اگر بیند که میخ زرین یا سیمین در زمین زد دلیل که از کسب خود توانگر گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن میخ در خواب بر چهار وجه بود یکی برادر دوم فرزند سوم دوست چهارم زن خواستن میش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید میش در خواب زنی بزرگوار بود و شرح آن در حرف کاف بیان کردیم و اینجا نیز اندکی ذکر کنیم اگر بیند که بر نره میشی نشسته بود و مطیع او بود دلیل که مردی بزرگ فرمانبردار او شود و اگر ماده میشی در جنگ بود و آن نره میش بروی چیره گشت دلیل که خصم بروی غالب گردد و اگر بیند که شاخهای نره میش بزرگ و قوی گشته دلیل که آن کس قوی و توانگر شود و اگر بیند که نره میشی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که از مردی بزرگ مال و نعمت یابد و اگر بیند که پوست نره میش بکند و گوشتش جدا کرد دلیل که بر شخصی غالب گردد و مال وی بستاند و اگر بیند که نره میشی را از کشتن باز رهانید دلیل که از غم برهد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماده میش با وی جنگ میکرد دلیل که زنی با وی مکر و حیلت کند و اگر بیند که گوشت ماده میش از خانه وی بخانه کسی دیگر شد دلیل که زن وی بعشق کسی دیگر مشغول گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن نره میش در خواب بر شش وجه بود یکی امام دوم خلیفه سوم امیر چهارم رئیس پنجم مال ششم فرزند میوه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید میوه که ترش و شیرین بود دلیل بر خیر و منفعت بود و هر میوه که خام و ترش در خوردنش بود دلیل بر سختهای بیهوده و سرد باشد و انگور سیاه و آلو و زیتون دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که از درخت میوه چید دلیل که بقدر آن میوه از مردی بزرگوار مال یابد و اگر بیند که نشسته بود و از درخت میوه میچید دلیل که آنچه یابد حلال و شایسته بود و اگر بیند که بی آنکه دست بر درخت کرد میوه بیفتاد دلیل که بلی رنج و تعب او را

مال حلال حاصل شود و اگر بیند که از درخت لختی میوه فرا گرفت اگر بوقت باشد باکی نباشد و دلیل بر روزی حلال بود و اگر بیوقت باشد تاویلش بخلاف این بود و ابن نبال علیه السلام گوید هر میوه که در وقت خود بخواب بیند و بخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر میوه بوقت خود نباشد و دلیل که پالش پر آگنده شود و تاویل هر میوهٔ با اصل درخت باز گردد خواه نیک یا بد بود و میوه ها آنچه زرد بود دلیل بیماری بود دگر ترنج و به و زرد آلو که این هر سه در تاویل زیان ندارد و میوه های ترش غم و اندوه بود و میوه های ترچون رسیده و شیرین بوقت خود باشد دلیل بر روزی حلال بود و میوه های نارسیده ناخوش در خواب دلیل بر مال حرام و اندوه و مصیبت باشد و اگر بیند که میوهٔ تا بستان بزمستان میخورد دلیل که بیمار شود کرمانی رحمة الله علیه گوید میوهٔ شیرین در خواب اگر بیوقت بیند دلیل بر غم و اندوه بود و میوهٔ گلوگیر اگر بیوقت خورد دلیل بستگی کارها و تنگی عیش بود فی الجمله هر میوهٔ که سبز تر و خوشبوی و شیرین بود بتاویل خیر و منفعت بیشتر باشد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که میوه میفروخت اگر میوهٔ باشد که مردم آن را دوست دارند دلیل که بشغلی بزرگ مشغول گردد و اگر میوهٔ ترش و ناخوش فروشد دلیل که غم و اندوه و رنج بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید میوه فروشش در خواب چون میوهٔ خوش و شیرین فروشد دلیل بر شر و مضرت بود و معبر باید که نیک و بد جنس و ناجنس داند تا کدام را چگونه باید گفت و خوابهای هر کسی را بدان نوع فرق تواند کردن و تاویل آن نهادن تا از اصل خطا نیفتد و الله اعلم

حرف النون

ناینا ابن سیرین رح گوید اگر کسی در خواب بیند که نابینا شده است دلیل که از دین و اسلام گمراه باشد و اگر بیند که یک چشم وی کور گشت دلیل که نیمه دین وی بشود یا گناهی بزرگ کرده باشد و بیک اندام از اندامهای وی مصیبت رسد کرمانی رح گوید اگر بیند که نابینا را دست گرفت و برد دلیل که گمراه گردد و مغربی رح گوید اگر بیند که نابینا شد دلیل که کارهای خوب بر دست وی بگذرد و اگر بیند که یک چشم کسی را کور کرد دلیل که آنکس را از راه دین ببرد و اگر بیند که چهار پائی را کور کرد دلیل بر کسی بود که بدان چهار پائی منسوب باشد و ویرا گزند و مضرت رساند جعفر صادق رضی الله عنه گوید نابینائی در خواب بر هفت وجه بود یکی درویشی دوم بدحالی سوم غم و اندوه چهارم نقصان تن پنجم مصیبت ششم نقصان مال هفتم تباهی دین قوله تعالی صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ و اگر نابینائی بخواب بیند که بینا شد دلیل که کارهای دنیا بروی گشاده شود و از آنچه نومید گشته باشد امیدوار گردد و از رحمت حق تعالی نصیب یابد قوله تعالی لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا **ناخن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید بدن ناخن در خواب دلیل بر سخاوت و قوم مردم بود و بعضی از معبران گفته اند که خداوند سلاح را ناخن سلاح بود اگر بیند که ناخن را بمقراض ببرید دلیل که دین وی قوی گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید ناخنها در خواب قوت و توانائی و حاصل کردن مال دنیا بود و اگر بیند که ناخنهای وی شکست دلیل که مال تواند حاصل کردن و اگر بیند که ناخن

ازین بیفتاد دلیل که قدری از مال وی ضایع شود و اگر بیند که ناخن بیفتاد و دیگر باره برست و زیادت شد دلیل که کاروی نیکو گردد و مال بسیار بدست آرد و اگر بیند که ناخنهای او سیاه و کبود شده بود دلیل بر مصیبت او بود و اگر بیند که ناخنهاش چنان دراز شده بود که بیم شکستن داشت دلیل بد باشد و اگر بیند که ناخنهاش ازین بریده بود و متغیر گشته دلیل بر بستگی کاروی باشد معبر رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناخنهای او بحد اعتدال بود دلیل بر صلاح دین و دنیای وی بود و اگر بیند که ناخنها راست میکرد دلیل که مال بسیار یابد و ناخن پای و دست را یک تاویل بود و بعضی از معبران گفته اند تاویل ناخنهای دست حاصل کردن مال بود و از ان پای هم حاصل کردن مال بود اما در صفر جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناخن در خواب بر شش وجه بود یکی قوت و توانائی دوم مقدار مردم در دنیا سوم دلیری چهارم فرزندان پنجم منفعت ششم بنده زادگان یا برادر زادگان **ناخن پرا** بمعنی مقراض بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ناخن پرا در خواب مردی بود که فتنت کند اگر بیند که موی سر با ناخن پرا برید یا ناخن پرا جامه ببرید دلیل که این جمله نیکو بود و اگر بیند که کسی ناخن پرا بوی داد یا بخرید اگر پسری دارد دلیل که پسر دیگرش آید و اگر دختر دارد دختر دیگرش آید و اگر ناخن پرا دو پاره بود همین تاویل بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی ناخن پرا بدو داد یا بخرید یا بیافت اگر پسری دارد دلیل که پسری دیگر بخرد یا بیابد و اگر ملکی دارد ملکی دیگر حاصل کند و همه تاویل برین قیاس باشد از چیزی که یکی با دیگر حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید مقراض در خواب مردی نیک نام و نیک اصل باشد که با ایشان دوستی کند و دین و دنیای وی زیادت گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناخن پرا در خواب بر سه وجه بود یکی مرد فتنت کننده دوم مرد نیک اصل سوم دوست ناموافق **ناریا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ناریا در خواب خوردن چون شیرین بود و بگوشت گوسپند یا بگوشت مرغان پخته بود دلیل بر خیر و منفعت باشد اگر بگوشت گاو یا گوشتی غلیظ پخته باشند دلیل بر غم و اندوه بود **نارمشک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در زمین او نارمشک رسته بود دلیل که نامش بخیر و خرمی و خوبی در آن دیار منتشر گردد و اگر بیند که نارمشکها از زمین بر کند تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دسته نارمشک تازه داشت و بوقت خویش بود دلیل که خیر و منفعت یابد **نارنج** دانیال علیه السلام گوید نارنج گونه زرد است اما بوی خوش دارد و بدیدار نیک و پاکیزه است و از میوهای بهشت است لاجرم در خواب نیکو باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نارنج در خواب از کسی تا، فرزند بود و اگر بیشتر از سه بود مال باشد بقدر آن نارنجها و نارنج سبز در خواب بهتر باشد و نارنج زرد بوقت خود بد نباشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نارنج سبز بود و بعضی از معبران گفته اند که نارنج سبز در خواب دلیل بیماری و غم و اندوه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید نارنج در خواب بر چهار وجه بود یکی دوست دوم منازعت سوم فرزند چهارم منفعت بود از مردمان **ناطف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناطف بسیار داشت و از وی میخورد دلیل که او را مال و نعمت بسیار بدست آید و خیرات و احسان بسیار کند مغربی رحمة الله علیه گوید ناطف انگبین و ناطف دوشاب دلیل بر نعمت و مال بسیار بود الا فائدهٔ ناطف

انگبین بهتر باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید ناطف انگبین در خواب بر سه وجه بود یکی سخن شیرین دوم مال حلال سوم معیشت

ناف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ناف در خواب زن بود و کنیزک که زیر دست وی باشد و اگر بیند که ناف وی بیفتاد دلیل که زن را طلاق دهد یا کنیزک وی بمیرد و اگر بیند که ناف بریده است دلیل که عیال وی بمیرد و همه شغل وی تباه گردد و اگر بیند که ناف وی کوچک شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که در ناف او سوراخ شد دلیل که در حال او خلل پدید آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناف یا سینه او همچو خطی موی بر آمده بود دلیل که بر سنتهای پیغمبر صلی الله علیه وآله واصحابه وسلم راغب گردد و اگر بیند که اصل ناف وی بریده بود دلیل که از مادر و پدر خود جدا گردد و اگر از ناف تا شکم شگافته بود دلیل که دانا و عالم گردد ولیکن ماشش برود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناف کسی ببرید و بخورد دلیل که بقدر آن مال وی ضایع شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناف در خواب پنج وجه بود یکی زن خوبروی دوم کنیزک سوم مال و روزی چهارم پسر پنجم مادر و پدر

ناقوس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ناقوس در خواب مردی منافق دروغ زن بود و دروغ هیچ خیر نباشد و اگر بیند که ناقوس زد دلیل که با مردی منافق نشیند و به نفاق سخن دروغ گوید و رضا دهد و اگر ناقوس بشکست تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناقوس در خواب بر سه وجه بود یکی دروغ گفتن دوم منافقی سوم مهر اهل کفر در دل داشتن

نام گردانیدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نام گردانیدن بخواب اگر نام او از نامها بهتر باشد چنانکه محمد و احمد و سعد و سعید و صالح و آنچه بدین ماند دلیل بر خیر و صلاح بود و اگر آن لقب بدتر از نام و لقب او باشد دلیل بر شر و فساد کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید نام نیکو و کنیت نیکو در خواب شنیدن چون ابو الخیر و ابو الفضل و ابو سعید یا ابو البرکات و مانند این دلیل بر خیر و صلاح کند و آنچه بخلاف این بینید چون ابو جهل ابو لهب و عتبه و شیبه و مانند اینها لعنهم الله دلیل بر شر و مضرت کند چنانکه در اول کتاب یاد کردیم

نامه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نامه سر بسته داشت دلیل که چیزی پوشیده بشنود و اگر نامه سر گشاده داشت دلیل که چیزی فاش بشنود و اگر بیند که نامه سر بمهر داشت دلیل که مهر نامه آن خیر بود که بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی نامه بوی داد که روی آن نامه بخواند دلیل که از کسی خیری بوی رسد و اگر آن نامه را عنوان نبود دلیل که غم و اندوه بود و اگر بیند که عنوانش نبشته بود و مهر داشت و کسی نگشاد دلیل که او را شغلی پیش آید که ظاهر نیکو نماید و بباطن غم و اندوه اقتضا کند و اگر بیند که مهر نامه بگشاد و بخواند دلیل که عز و جاه او زیادت گردد و اگر بیننده خواب خواننده بود دید که نامه را بخواند دلیل که عز و جاهش زیاده تر گردد و بعضی از معبران گویند که اجلش نزدیک آمده باشد قوله تعالی اِقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نامه پادشاه بدو داد اگر نگشاد و نخواند دلیل که غم و اندوه بود و اگر بر گشاد و بخواند و بشارت نبشته بود دلیل بر شادی و خرمی و منفعت بود و اگر سخنهای زشت ناخوش نبشته بود دلیل بر عیش ناخوش و ترش و تهلیک بود و اگر بیند که نامه به مهر یافت و بپادشاهی داد دلیل بر خیر و منفعت بود

اسمٰعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نامه از آسمان بدست او آمد دلیل خیر و امیدواری بود و کارهای وی برآید بدان حاجتی که خواهد و اگر بیند که سخنهای ناخوش نبشته بود دلیل که کارهای او برنیاید **نانهاد** دانیال علیه السلام گوید دیدن نانهای پاکیزه در خواب عیش باشد و اگر نان پاکیزه نباشد دلیل که عیش ناخوش بود و اگر بیند که نان خرید و بخانه برد دلیل بر خیر و منفعت بود و روزی فراخ از مال حلال بود و اگر بیند که نان بکسی داد دلیل که راحت بدان کس رساند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دو سه نان یافت دلیل که از غم و اندوه برهد و شادی و راحت یابد و اگر بیند که در جای مجهول نیم نان یافت دلیل که نیمه عمر او گذشته بود و اگر بیند اندکی نان بیافت و نقالست خوردن دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر بیند که نانهای بسیار داشت و نه میخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که نان گرم میخورد دلیل که اندوهی بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید نان گرم بخواب دیدن دلیل بعیش و راحت کند و نان خشک بخلاف این بود و بسوس خوردن دلیل بر قحط و تنگی بود و نان گرم و پاکیزه خوردن دلیل بر عدل و انصاف پادشاه بود و نان گاورس دلیل بر تنگی عیش و پرهیزگاری بود و نان جوین خوردن دلیل بر زهد و ورع بود و نان برنجین دلیل بر سختی و بستگی کارها کند و نان عدس و نان باقلا دلیل بر غم و اندوه کند مغربی رح علیه گوید اگر بیند که نان خشک میخورد دلیل که روزی بروی فراخ گردد و بعضی گفته اند که خوردن نان تنک در خواب دلیل بر کوتاهی عمر کند و اگر بیند که نان گرده بر پیشانی وی آویخته بود دلیل که در ولیش گردد اسمٰعیل اشعث رحمة الله علیه گوید تاویل نان بر امراء و مردم بزرگ و رئیسان هست و اگر سلطان یک نان بخواب بیند دلیل که ملکش زیادت گردد و اگر بازرگان بیند دلیل که مالش زیادت شود و یک نان از یک درم تا هزار درم باشد بقدر شخص و اگر رعیت بیند ضیاع و قارش زیادت شود دانیال علیه السلام گوید هیچ چیزی بخواب دیدن بهتر از نان نباشد زیرا که نان در خواب مال حلال بود که بی رنج بدست آید و نان پختن در خواب بتاویل کار کردن باشد در طلب معیشت و تحصیل کردن اندر نان بزرگی حاصل کردن باشد بمال جعفر صادق رضی الله عنه گوید نان در خواب بر چهار وجه بود یکی عیش خوش دوم مال حلال سوم شهری چهارم خیر و برکت و بدانکه نان در خواب کسی بود که طلب مال کند و اگر بیند که نان واشد دلیل که بسیار مال بجنگ و خصومت جمع کند و بعضی از معبران گویند که نان اندر تاویل پادشاه عادل بود

نان خواه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نان خواه در خواب دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که نان خواه بکسی داد و یا بیند اخت دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و دریدن و خوردن نان خواه هیچ منفعت نباشد بجز غم و اندوه و الله اعلم

ناودان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که بی ناودان آب از بامها فرود می آمد دلیل که در آن مقام جنگ و خصومت و خون ریختن پدید آید و اگر بیند که باران نمی آمد و از ناودانها آب فرود می آمد دلیل که مردم آن موضع را از پادشاه مصادره و رنج رسد و اگر بیند که ابر باران بود و از ناودانها آب فرود می آمد دلیل که از حق تعالی اجل و علا بر اهل آن موضع عنایت و رحمت باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناودان بر بام خود نهاد دلیل که از بزرگی منفعت یابد و اگر بیند که ناودان خانه او بنقیاد و شکست دلیل که

تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که ناودان مسین یا آهنین بود دلیل که بنظام کارش مستقیم باشد و اگر بیند که از ناودان کسی آب فرا گرفت دلیل که بقدر آن از کسی منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید ناودان در خواب بر سه وجه بود یکی رئیس شهر دوم مهتر سوم خیر و منفعت اندک **نائی زدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نائی زدن در خواب دلیل بر غم و اندوه و مصیبت بود و شنیدن آواز نائی دلیل غم و تفکر بود و اگر بیند که نائی میزد دلیل که در غم و اندوه گرفتار شود کرمانی رحمة الله علیه گوید نائی زدن کسی باشد که خیر بمردم برساند و در نائی زدن خیر نباشد **نبات** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هر نباتی که بوقت خود بیند که او را ساق نباشد دلیل بر خیر و منفعت کند و هر نباتی که او را ساق و پشیانی بی شاخ باشد دلیل بر افزونی مال و نعمت و جاه بقدر سبزی و کوتاهی و بلندی و باریکی شاخهای وی بود و اگر بیند که بر تن وی نبات یا گیاه یا درخت بر ست دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد و هر چند نبات بیشتر بیند خیر و منفعتش بیشتر باشد و چون بیند که بر چشم و گوش و زبان وی نبات رسته بود دلیل که او را بزرگی زیادت گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید نبات زمین در خواب نعمت و مال بود و خواسته مردم خاص و عام را و اگر بیند که در زمینی که ملک او بود نبات بسیار رسته بود دلیل که بیننده خواب دین دار و مسلمان بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید نبات در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم منفعت و بزرگی و جاه سوم معیشت خوش چهارم زیادتی دولت **نبات جلاب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نبات جلاب بخواب دیدن سخن خوش بود و چون بسیار بیند دلیل بر مال و نعمت کند و اگر بیند کسی نبات در دهان وی نهاد دلیل که از آن کس سخن خوش شنود یا وی را بوسه دهد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نبات خورد و نبات داشت دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید نبات جلاب در خواب بر پنج وجه بود یکی سخن خوش دوم بوسه دادن سوم منفعت و مال چهارم فرزندان پنجم روزی حلال **نباش** آن کس بود که کفن از مردگان بکند بدزدی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که نباش شد اگر آن کس از اهل علم بود دلیل که علم را فروشد و در طلب دنیای باطل باشد و عمر خود در آن ضایع و صرف کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر نباشی بیند که کفن بسیار جمع کرد دلیل که مصلح شود و علم و حکمت حاصل کند و بعضی از معبران گفته اند که مال حرام جمع کند و از مردم ملامت و سرزنش یابد **نویسنده** دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که چیزی می نویسد و نویسنده باشد دلیل که بمکر و حیلت مال کسی را بستاند و کار ناکردنی بکند و اگر بیند که از بهر پادشاه چیزی می نبشت دلیل که مال و نعمت بسیار یابد و اگر بیند که از بهر مردم عامی نبشت دل مردم بخود نشین بمکر و حیلت گرم کند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناگاه نویسنده شد دلیل که بمکر و حیلت روزی از مردمان بدست آرد و اگر مردی عالم باشد و بیند که نویسنده گی میکرد دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بیند که شعر و غزل و افسانه می نبشت دلیل که بشغل دنیا مشغول گردد و شغل آخرت فروگذارد و اگر بیند که قرآن و توحید و دعوات می نبشت دلیل که خیر و منفعت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نامه می نبشت و مداد ش خون بود دلیل که قبالهٔ ربا نویسد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر

دبیری بخواب ببیند که خط به مهتری نبشت اگر صالح بود دلیل که دین و دیانت او ضایع گردد و اگر فاسق بود تایب گردد و اگر ببیند که بسرخی می نبشت دلیل بر عیش و عشرت دنیا کند و اگر ببیند که بزردی می نبشت دلیل که بیمار گردد و اگر ببیند که بسبزی می نبشت دلیل که نامش بخیر و خرمی در آن دیار منتشر گردد و اگر ببیند که بر روی سیم می نبشت دلیل که از پادشاه خیر و منفعت یابد جعفر صادق رض عنه گوید نوشتن در خواب بر چهار وجه بود یکی خیر و منفعت دوم مال و نعمت سوم بمکر و حیلت چیزی حاصل کردن چهارم مغروری عمل

نبید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نبید در خواب مال حرام بود که بجنگ و خصومت بدست آید و اگر ببیند که در نبید غرق شد دلیل که در فتنه عظیم افتد و اگر ببیند که در خانه او نبید بسیار بود دلیل که بقدر آن از دهقانی بدو منفعت رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که نبید خورد و مست شد دلیل که خوفی و ترسی بدو رسد و اگر ببیند که نبید با دیگران میخورد دلیل که بقدر آن که خورده بود جنگ و خصومت کند و اگر ببیند که در جوئی یا در رودی نبید میرفت و او در میان او شنا میکرد دلیل که در فتنه افتد و اگر ببیند که پیاله نبید در دست او بود و ندیم او بستد دلیل که بسبب معیشت دنیا جنگ و خصومت کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که نبید با آب آمیخته بود و میخورد دلیل که مالی بدست او افتد که بعضی حلال و بعضی حرام باشد و اگر ببیند که نبید میفروخت دلیل که مال بر باد دهد و خوردن نبید والی دلیل بر عزل بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید نبید در خواب بر سه وجه بود یکی تزویج پنهانی دوم مال حرام سوم نعمت ایخهانی اگر ببیند که نبید میمالید دلیل که بر سلطان و رئیس نزدیک شود و از ایشان مال یابد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که سخنهای محال گوید و سوگند دروغ خورد

نخاسی و نخاسی در خواب هیچ فائده نبود **نخجیر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که نخجیر او را مطیع و رام شد دلیل که مهتر و بزرگ شود و بعضی از معبران گویند که سالار دزدان شود و اگر ببیند که نخجیر او را متابعت نکرد تاویلش بخلاف این بود و اگر ببیند که بصورت نخجیر شد دلیل که بدین شود و باطل گراید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که نخجیر تبله یا بدام گرفت دلیل که بقدر نخجیر او را از مردی بیابانی بمکر و حیلت فائده رسد و اگر ببیند که گوشت نخجیر میخورد دلیل که از مال مردی بیابانی خزینه کند و اگر ببیند که در میان نخجیران مقیم شد و از آن نخجیران او را گزند نرسید دلیل که در میان گروهی بیابانی مقام سازد و از ایشان خیر و منفعت او را رسد و اگر بخلاف این ببیند دلیل که او را گزند رسد و منفعت نرسد و اگر ببیند که نخجیران با وی سخن گفتند و او را مطیع شدند اگر از اهل علم و فضل بود دلیل که پیش پادشاه مقرب گردد و مال یابد و اگر جاهل بود دلیل که کاری کند که مردم را از آن کار عجب آید **نخود** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نخود در خواب خواه تر و خواه خشک دلیل بر غم و اندوه بود اگر کسی بخواب بیند که نخود از کسی بستد و بخورد دلیل که بسبب کسی بدو غم و اندوه رسد و اگر ببیند که نخود بخروار داشت دلیل که در غم و اندوه گرفتار شود و اگر ببیند که نخود بشوربا یا بگوشت پخته میخورد دلیل که غم و اندوهش کمتر بود

نرد باختن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نرد باختن در خواب باطل و فریب دنیا بود و اگر کسی بخواب بیند که نرد میباخت و خصم غلبه کرد دلیل که بسبب کاری باطل و فریب دنیا بر کسی غلبه کند و اگر ببیند که آن کس بروی غالب آمد تاویلش بخلاف

زبان

زبان ابن بود زبان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که بر زبان بالا میشد و آن زبان از گل و خشت بود دلیل بر خیر و صلاح بود و دین وی زیادت گردد و نیکوئی بدو رسد و اگر زبان از سنگ و آهک بود دلیل که سنگدل و بیرحم بود و اگر از چوب بود دلیل بر ضعف دین او بود و اگر بیند که بر زبان بالا شد اگر از آهک باشد دلیل که پادشاه شود اگر از آهک نباشد دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بیند که از زبان بزیر آمد تا دلیش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از زبان بزیر افتاد دلیل که از جاه و بزرگی بیفتد و او را مضرت برسد حضرت صادق رضی الله عنه گوید زبان در خواب مرد مصلح و پارسا بود و بر دشمن ظفر یابد و فاسق را منافقی بود نرگس علی دانیال علیه السلام گوید نرگس در خواب مردی ظریف و خوبروی و لطیف بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نرگس در خواب سخن شیرین باشد و اگر زنی بیند که نرگس تازه فراگرفت یا کسی بوی داد دلیل که او را فرزندی خوبروئی آید و اگر شوهر ندارد دلیل که شوهری خوبروی کند و اگر بیند که نرگس از زمین بر کند دلیل که زن را طلاق دهد یا فرزندش بمیرد و اگر بیند که نرگس از درخت بر کند و بغلام داد دلیل که غلامش بگریزد و اگر زنی بیند که دسته نرگس بشوهر داد دلیل که شوهرش طلاق دهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که نرگس در خواب بر سه وجه بود یکی مرد ظریف و خوبروی دوم فرزند سوم دوستی که دوستی وی دیر بماند و اگر بیند که نرگس سبز بگرفت دلیل که احسان و نیکوئی کند و در خیر مشهور گردد و اگر بیند که نرگس بود و زیادت شد دلیل که عیالش زیادت گردد نسرم بدانکه نسرم صاف را خوانند اگر بیند که نسرم را فراگرفت دلیل که بقدر آن ضلالت و گمراهی یابد در دین و اگر بیند که نسرم بود و بر ستائی بدل شد دلیل که تایب گردد و اگر بیند که نسرمش بود و با نسرمش شد دلیل که منافق بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که نسرم تاریک شد دلیل که غم و اندوه بود و کارهای شان بسته گردد و اگر بیند که هوا روشن بود و ناگاه نسرم پدید آمد دلیل که مرگ مفاجات در آن دیار بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن نسرم در خواب بر چهار وجه بود یکی تاخیر دوم پوشیدن کارها سوم بدعت چهارم گمراهی اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از نسرم بر و شنائی آمد دلیل که از درویشی بتوانگری آید و از بدعت ضلالت دور باشد

نسرین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نسرم در خواب خوب نباشد نسرین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نسرین در خواب اگر بوقت خود بود دلیل که چیزی بوی رسد و نیز گویند که او را فرزندی آید و اگر نسرین از درخت دور باشد دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که کسی دسته نسرین بوی داد دلیل که در میان ایشان گفتگوئی پیدا شود اگر گل نسرین بر درخت بیند دلیل که خرمی بوی رسیده باشد و یا باشد که از کسی چیزی اندک یابد

نشاسته ابن سیرین رح گوید نشاسته گندم در خواب مال حلال بود که از تجارت برنج بدست آید اگر بیند که نشاسته میخورد دلیل که اندوهگین شود و بعضی از معبران گفته اند که بیمار گردد و اگر بیند که از نشاسته حلوا کرد و بخورد دلیل که مال و نعمت بدست آورد مغربی رح گوید اگر بیند که از گندم نشاسته میکرد دلیل که از کسب خود برنج و سختی چیزی حاصل کند

نشستن ابن سیرین رح گوید اگر بیند که بر زمین مقیم نشسته بود و قرار گرفته بود دلیل که در سفر کارش نیکو شود و اگر بیند که بسیار خفته بود همین تاویل دارد جعفر صادق رح گوید نشستن بر سریر یا بر استر یا بر خر دلیل بر چهار وجه بود یکی بخت دوم دولت سوم مرتبت چهارم فرمانروائی و نشستن بر باد دلیل بر بادشاهی کند چنانکه

باد مطیع او باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با مردم مصلح میرفت و در راه نشست دلیل که هوادار و مخالف دین بود
چنانکه خدای تعالی در کلام مجید فرموده فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ و اگر بیند که مخالف دین بود و میرفت و در راه نشست
تاویلش بخلاف این بود اسمٰعیل اشعث رح گوید اگر بیند که با گروهی مصلحان و پارسایان نشسته بود دلیل که خیر و صلاح او زیادت
گردد و اگر بیند که با فاسقان نشسته بود تاویلش بخلاف این بود **نعل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نعل در خواب مال بود از هر چیزی
که بدو رسد و اگر بیند که نعل استر داشت دلیل که از پادشاه منفعت یابد و اگر بیند که نعل خران داشت دلیل که بقدر آن مال از
بزرگان حاصل کند و اگر بیند که نعل بندی میکرد چهارپایان خود را دلیل که بسفر رود و نعلبند کسی بود که میان مردم دوستی جوید
نعلین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که دو نعل نعلین بشکست دلیل که روزگاری در سفر باز ماند و اگر
بیند که نعلین او سوراخ داشت دلیل که بسبب کاری از سفر باز ماند و رنج کشد و اگر بیند که نعلین او سبز بود دلیل که سفرش از برای
آخرت باشد و اگر بیند که نعلین نداشت و بدان سبب از سفر باز ماند دلیل که کنیزکی یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نعلین
او سیاه بود دلیل که آن زن مالدار باشد و اگر سرخ بود زن معاشر بود و طرب دوست دارد و اگر بیند که نعلین او سفید بود
دلیل که آن زن پارسا و پاکیزه روی بود و اگر بیند که نعلین او ملون بود از این صفتهائی که گفتیم از هر یکی برخی در وی بود و اگر
بیند که نعلین او از پوست گاو بند داشت دلیل که آن زن اصل عجم باشد و اگر بیند که بند نعلین او از پوست اشتر بود دلیل که از اصل
عرب بود و اگر بوقت رفتن نعلین او بیفتاد و ضایع شد احتیاط کند که آن نعلین از پوست چه بود اگر از پوست اشتر بود دلیل
که زنش بیمار شود اسمٰعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نعلین او بدرید همین تاویل دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید نعلین
در خواب بر سه وجه بود یکی سفر دوم زن سوم کنیزک **نعناع** پودینه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نعناع در خواب غم و اندوه
بود اگر کسی بخواب بیند که در زمین ملک او نعناع بود دلیل که در غم و اندوه گرفتار شود اگر بیند که نعناع میخورد دلیل که اندوهش
بیشتر بود و اگر بیند که نعناع در زمین دیگران بود دلیل که خداوند زمین را غم و اندوه بود و اگر بیند که نعناع از زمین خود بر کند
و بیندازد دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد **نفت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نفت در خواب زنی نابکار بود اگر زنی
بخواب بیند که نفت در خود مالید دلیل که با زنی نابکار جمع شود و بعضی از معبران گفته اند که چیزی حرام خورد و اگر بیند که نفت
بسیار داشت دلیل که مال حرام جمع کند مغربی رحمة الله علیه گوید نفت در خواب بر سه وجه بود یکی زن نابکار دوم مرد غمناز عوان
سوم مال حرام **نفرین** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که به ظالمی نفرین میکرد دلیل که بر آن ظالم ظفر یابد و اگر بیند
که او ظالم بود و مظلوم او را نفرین کرد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مناحق بیگناهی را نفرین میکرد
دلیل که بر کسی ظلم کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرد را بناحق نفرین کرد دلیل که کار او بند شود و بعضی از معبران گویند
که نفرین بناحق در خواب بخداوند خواب باز گردد و اگر نفرین بحق کند تاویلش بر آن کس باشد که او را نفرین کند و مرد مصلح را
زودتر اثر کند از مفسد و مفسد اگر نفرین بحق یا ناحق کند بخصم باز گردد **نقاد** در خواب عالم و دانا و حکیم بود زیرا که اختیار کننده

هر چیزیست بهترین باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند کسی دیندار صالح نقاد شد دلیل کرازخود علوم دین و قرآن حاصل کند و اگر خواستگار دنیا بود دلیل کرازبهر خود شرف و بزرگی حاصل کند و مال دنیا اختیار کند مغربی رحمة الله علیه گوید نقاد در خواب مرد عاقل و متمیز بود درمیان چیزهای نیک و بد و درمیان مصلح و مفسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید نقاد در خواب بر چهار وجه بود یکی مرد دانا دوم حکیم سوم خردمند چهارم دریابندهٔ کار **نقره** دلیل بر زنان آزاد کند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند کرنقره از کار خود فراگرفت دلیل کرازان موضع ولایت کرا و بود زنی را بزنی کند زیرا کرنقره جوهر زنان باشد و اگر بیند در مغاکی کرمعدن نقره بود درون شد و ازان جا نقره بیرون آورد دلیل کربقدر آن مال حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند کرنقره بسیار داشت دلیل کرا و را فرزندی آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن نقره در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم فرزند سوم مال چهارم معیشت **نقصان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند کرد رتن او نقصان بود دلیل کربقدر آن مالش نقصان شود مگر نقصان زنان کرد رآن صلاح بود چنانکه در باب زنان فرمود در حرف زا یاد کردیم کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند کرمال و خواسته او چیزی نقصان شد دلیل کرمتفکر شود و او را مضرت برسد **نگارگری** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند کرنگارگری میکند بر سقف دیوارهای خانه دلیل کرا و دوستدار دنیا و فریفته و مغرور بدنیا باشد کرمانی رحمة الله گوید نگارگری و صورت گری در خواب کار باطل و ناحق بود چنانکه خداوند تعالی اجل و علا فرموده مَا هٰذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ مغربی رحمة الله علیه گوید نگارگری در خواب فریفته باشد در دنیا و راه راست گذاشته و راه باطل گرفته باشد اسمعیل اشعث رح گوید اگر بیند کرد ستهای خود را بسیاهی خضاب و نگار میکرد دلیل کرد رکسب دنیا خداوند مکر و حیلت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید نگارگری در خواب بر چهار وجه بود یکی آرایش دنیا دوم کار باطل سوم مکر و حیلت چهارم فریب و دروغ **نگین انگشتری** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نگین انگشتری در خواب شرف و بزرگی و مال بود و بعضی گفته اند کرفرزند باشد و اگر بیند کرنگین انگشترین او ضایع شد دلیل کرد ربزرگی و جاه او نقصان پدید آید و یا فرزندش بمیرد و اگر بیند کرنگین انگشترین بشکست همین دلیل کند و اگر بیند کرتا گاه نگینی بر انگشترین او ظاهر شد دلیل کربقدر و قیمت آن نگین بنعمت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید نگین و تاج پادشاهان را ولایت بود و زنان را شوی و عام را جاه و نیکوئی جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن نگین انگشترین در خواب بر هشت وجه بود یکی زن دوم مال سوم ولایت چهارم عیش پنجم فرزند ششم بزرگی هفتم مال و نعمت هشتم عمل **نماز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند کرد رنماز روی جانب مشرق میکرد دلیل کربحج رود اگر محل حج نباشد مسلمان بر جانب ترسایان باشد و اگر بیند کربر جانب مغرب نماز میکرد و میل سوی قبله داشت دلیل کرد ین اسلام پس پشت انداخته باشد و اگر بیند کربر راه نماز میگذارد و پشت سوی قبله داشت دلیل کرا جلش نزدیک رسیده باشد توبه باید کرد و اگر بیند کرنماز گذارد و ندانست کرقبله کدام است دلیل کرد رراه دین متحیر بود و اگر نمازی سوی قبله گذارد دلیل کرد رراه دین مستقیم شود کرمانی رحمة الله علیه گوید

اگر بیند که قومی را امامت میکرد دلیل که بقدر جماعتی که ماموم وی بودند سروری یابد و اگر بیند که وقت نماز درگذشت و جائی پاکیزه نیافت که نماز بگذارد دلیل که کارش بدشواری برآید و اگر بیند که نماز قطع کرد و نماز نگذارد یا نماز بی وضو گذارد دلیل که در مطلبیکه باشد آن مطلب میسرش نگردد و اگر بیند که در مسجدی یا در مدرسه امامت میکرد دلیل که پادشاه آن دیار مطیع وی شود و اگر بخلاف این بیند تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که در نماز رکوع و سجود تمام بجای آورد دلیل که کار دین و دنیای وی نیکو گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نماز پیشین بوقت میگذارد و آسمان روشن و پاکیزه بود دلیل که رفع درجات وی بحضرت حق تعالی باشد و اگر آسمان تیره و ابرناک بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که نماز میگذارد دلیل بر امیدی که دارد برآید و اگر بیند که فریضه شام میگذارد دلیل که با اهل و عیال خود معاملت کند و از آن شاد و خرم گردد و اگر بیند که نماز صبح میگذارد دلیل که بسفر رود و اگر این خواب زنی بیند حایض شود و اگر بیند که بی وضو نماز میگذارد دلیل که بیمار شود و اگر بیند که فریضه عشا میگذارد دلیل که ایمن شود و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که در باغ نماز میگذارد دلیل که از گناه توبه کند و اگر بیند که در کشتیها نماز میگذارد دلیل که وامش گذارده شود و اگر بیند که بجای نمازی نبود و نماز گذارد دلیل که مفسد و بدکردار باشد و اگر بیند که نماز کرد و روی بصحراها نهاد دلیل که زیارت تربت مبارک حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و اصحابه وسلم کند و اگر بیند که در کعبه نماز گذارد دلیل که کارش از خلیفه بنظام شود چنانکه خاطر وی خواهد و اگر بیند که بعد از نماز سجده کرد دلیل که بر مردی بزرگوار مغتنم ظفر یابد و بروی مسلط شود و اگر بیند که بجز خدا تعالی اکبر سجده نکرد دلیل که مرادش حاصل شود و اگر بیند که بر سر دیواری سجده میکرد دلیل که با دزدان رنج و خواری رسد و اگر بیند که نماز میگذارد و انگبین میخورد دلیل که با عیال خود نزدیکی کند و اگر بیند که در نماز تحیات نشسته بود دلیل که از غم فرج یابد و حاجتش روا گردد و اگر بیند که سلام نماز اول بدست چپ داد دلیل که احوالش شوریده شود و اگر بیند که نماز نشسته میگذارد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و بعضی گویند عذری گوید که از وی بپذیرند و اگر بیند که در نماز خود را دعا کرد دلیل که ویرا فرزند آید قوله تعالی اِذْ نَادٰی رَبَّهٗ نِدَآءً خَفِیًّا اگر بیند که در تاریکی نماز گذارد دلیل که از غمها فرج یابد و اگر بیند که نماز شب میگذارد دلیل که از همه ترسا ایمن گردد و نعمت و بزرگی و فرمان روائی یابد و اگر بیند که نماز بر پهلوی میگذارد دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که نماز جمعه میگذارد دلیل که در سفر رود و روزی حلال یابد و اگر بیند که در بیت المقدس نماز میگذارد دلیل که میراث یابد و روزی بروی فراخ گردد و اگر بیند که در کعبه نماز میگذارد یا در بام کعبه دلیل که روی بکعبه آورد و عاقبت کارش بخیر گردد حافظ معبر رحمة الله علیه گوید نماز گذاردن در خواب بر سه وجه بود یکی فریضه دوم سنت سوم تطوع و اگر بیند که نماز فریضه میگذارد دلیل که حق سبحانه و تعالی جل و علا او را حج روزی گرداند و از فواحش نگاه دارد قوله تعالی اِنَّ الصَّلٰوةَ تَنْهٰی عَنِ الْفَحْشَآءِ وَالْمُنْكَرِ و اگر بیند که نماز سنت میگذارد دلیل بر صبر کردن کارها و آشکارا شدن نام نیکو و شفقت بر خلق بود و اگر بیند که نماز تطوع میگذارد دلیل بر گرامی داشتن عیال و سعی کردن در کارهای دوستان هر کسی بود و اگر بیند که بر ستور نماز میگذارد دلیل که او را همی عظیم رسد و اگر بیند که در کارخانه یا دوکانی نماز میگذارد

دلیل کرحق تعالیٰ در کار و کسب برکت کند و اگر بیند که نماز آدینه گذارد دلیل که کاروی جمع گردد خالد اصفهانی رحمة الله علیه گوید رکوع
وسجود در خواب بحضرت بار تعالی اعز و جل دلیل تقرب بود قوله تعالی کلا لا تطعه واسجد واقترب و معبران گفته اند اگر
بیند که در نماز رکوع نکرد دلیل که زکوٰة مال ندهد و اگر بیند که نماز بجائے آورد دلیل که ایزد تبارک و تعالیٰ عبادت او پذیرفته
گرداند و دعائی مستجاب کند و بروی رحمت کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید نماز گذاردن در خواب بر هفت وجه بود یکی ایمنی
دوم شادی سوم عز و جاه چهارم مرتبت پنجم رستگاری ششم مراد یافتن هفتم نقصان در قضا و هم او گوید که رکوع و سجود
در خواب بر پنج وجه بود یکی مراد یافتن دوم دولت سوم نصرت چهارم ظفر یافتن پنجم امر حق تعالیٰ بجای آوردن قوله تعالے
یا ایها الذین امنوا ارکعوا واسجدوا واعبدوا ربکم وافعلوا الخیر لعلکم تفلحون واگر بیند که بر مروه نماز گذارد
دلیل که او را دعا و ثنا گویند و اگر بیند که نماز تمام نگذارد تاویلش بخلاف این بود نحمد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نمدی
سپید و پاکیزه داشت دلیل که مال حلال یابد و اگر نمد چرکین بیند در آن هیچ منفعت نباشد و اگر بیند که نمد بسیار داشت
دلیل که بقدر آن از کسب خود مال حاصل کند و اگر بیند که نمدها بسوخت دلیل که مال بفساد تلف کند کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که بر تن خود جامهٔ از نمد پسید داشت دلیل که زنے تو انگر خواهد یا کنیزکی دوشیزه بخرد و اگر بیند که نمد از پشم اشتر بود دلیل
که از پادشاه منفعت یابد مغربی رح گوید اگر بیند که نمد داشت واز و ضایع شد دلیل که در مالش نقصان شود و نمد دوز در خواب
مردی بود که بجلال گراید و از حرام پرهیز نماید نمک ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نمک در خواب درم نقد و کاری نیکو کردن
بود و اگر کسی بخواب بیند که نمک پسید داشت دلیل که بقدر آن درم نقد حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نمک
خورد دلیل که راه زهد گیرد و کار خیر کند و نمک چرکین سیاه دلیل جنگ و خصومت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید نمک در خواب
بر پنج وجه بود یکی درم نقد دوم آبروی سوم نیکولی چهارم مال بسیار پنجم خادم نیکو و نمک ناخوش در خواب بر چهار وجه بود یکی
درم بی بهره دوم سخنهای ناخوش سوم غم واندوه چهارم خرسندی نمک سود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب
بیند که گوشت نمک سود خریده بود و خورد دلیل بر نعمت و روزی بود و میراث یابد و اگر نمک سود لاغر بود دلیل که زیانی بدو رسد و
هر چند که شورتر بود و لاغرتر بود دلیل مضرتش بیشتر بود و گوشت قدید خوردن در خواب دلیل بر غیبت کردن بود مغربی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که گوشت قدید هست و لاغر بود دلیل که از مردم پادشاه او را زیان رسد و اگر گوشت اشتر لاغر بود دلیل که از مهتری
مضرت یابد و اگر نمک سود از گوشت چهارپایان دشتی میخورد و لاغر بود دلیل که از مردم بیابانی مضرت بیند فی الجمله در گوشت
لاغر منفعت نباشد نهنگ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نهنگ در خواب دزد باشد و ستمگار و ستیزنده بود اگر کسی بخواب بیند
که نهنگ او را سوی آب کشید و غرق شد دلیل که در آب هلاک شود و اگر بیند که نهنگ او را بگزید دلیل که بقدر گزند او را از دشمن
مضرت رسد و زحمت بیند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آب او را فرو برد دلیل که ماهیان او را هلاک کنند و اگر بیند که نهنگ
بر و غالب شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که گوشت یا پوست یا استخوان نهنگ دشت دلیل که از دشمن مضرت یابد مغربی رحمة الله علیه

گوید اگر بیند که نهنگ او را در آب کشید دلیل که در دست دشمن شهید شود نوویدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هر چیز یکه نو باشد
پسندیده بود مود دلیل بر خیر و خرمی بود و کهنه را در حرف کاف بیان کردیم نوحه کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی در خواب
بیند که نوحه میکرد دلیل که آن موضع بد و مبارک نباشد و مردمان مهتر از آن موضع متفرق شوند و اگر بیند که والی آن شهر بمرد و
مردم بر و نوحه میکردند دلیل که ایشان را از آن والی رنج و ستم رسد و بعضی از معبران گویند که والی را خرمی باشد و اگر بیند که با نوحه
میگریستند دلیل که بر ایشان بیداد و ستم کند و از بیدادی وی غمگین و ستمند شوند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نوحه میکرد
و فغان میداشت دلیل که او را غم و اندوه بود و از و مضرتش رسد و اگر بیند که میگریست و آهسته نوحه میکرد دلیل خرمی و شادی
بود و اگر بیند که با زنان مردمان بسیار بودند و نوحه با واز میکردند دلیل که بسبب پادشاه در آن موضع غم و اندوه رسد نوشادر
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نوشادر در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که نوشادر داشت دلیل که غمگین گردد و اگر بیند که نوشادر
میخورد دلیل که غم و اندوه صعبتر بود نیرومند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نیرومند تر از آن شد که در بیداری بود
دلیل بر نیکوئی احوال او در دنیا و آخرت بود اگر مصلح بود و اگر مفسد بیند تاویلش بخلاف این باشد نیزه ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر کسی بخواب بیند که نیزه و سلاح دیگر داشت دلیل که بزرگی و کامرانی یابد چنانکه در ولایتها فرمانش روان گردد و اگر بیند که بغیر نیزه
هیچ سلاحی نداشت دلیل که او را فرزندی یا برادری آید و اگر بیند که نیزه بشکست دلیل که فرزندش یا برادرش بمیرد و اگر بیند که نیزه تر
او کسی ببرد دلیل که کاروی دشوار گردد و اگر بیند که کسی او را نیزه زد و زخمی کرد دلیل که غیبت مردم گوید و نیزه در خواب دلیل قوت و
ظفر یافتن بر مردم بود و اگر بیند که میر نیزه در دست داشت دلیل که او را با مردی غریب نیکو کار صحبت افتد و از وی خیر و منفعت
یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید نیزه در خواب بر هشت وجه بود یکی قوت دوم سفر سوم ولایت چهارم زن پنجم فرزند ششم امینی هفتم
توانائی هشتم راستی بمقدار نیزه و نیزه گر در خواب مردی بود که با مردمان یاری کند و از وی بهر کس قوت رسد نشستن ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که می نشست یا کسی بوی می آموخت دلیل که دانش بیاموزد و اگر بیند که چیزی می نشست دلیل بر شر و فساد بود و اگر
بیند که از قرآن و احادیث و توحید و دعوات می نشست دلیل بر خیر و صلاح بود و اگر چیزی از شعر و غزل می نشست دلیل بر شر بود نیشکر
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نیشکر می مکید دلیل که بکاری مشغول گردد که در آن کار و پیرا لقدر مکیدن گفتگوئی و خصومت باشد اگر
بیند که نیشکر بکسی داد دلیل که از گفتگوئی خلاصی یابد نیکو کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نیکی کردن در خواب قوت و بزرگواری
در دین بود بدان قدر که نیکی کند رستگاری یابد از عذاب آخرت خاصة که مومن و پارسا بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با او مردی
نیکوئی کرد و او خوار داشت دلیل که در همه کارها ناسپاس بود قوله تعالی وَلَا تَنْسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ اگر بیند
که نیکی با اهل شرک کرد دلیل که مال خود بتصرف دهد بر کسانیکه حاجت وی را خیر دو جهانی حاصل گردد نیل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن
نیل در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که نیل داشت دلیل که بقدر آن او را غم و اندوه بود و اگر بیند که نیل بکسی داد یا از وی ضایع شد
دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و اگر بیند که جامه خود را به نیل رنگ کرده بود دلیل که او را غم و اندوه رسد دلیل بر مصیبت از سبب خویشان

ودوستان بود واگر بیند که نیل میخورد دلیل که دریا آفتی بوی رسد **نیلوفر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب نیلوفر بجای خود بوقت خود بر درخت بیند دلیل که از کسی چیزی بوی رسد یا او را فرزندی صالح آید وچون از درخت جدا بود دلیل بر غم واندوه بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر زنی بیند که نیلوفر از درخت بشکست ونغلام داد دلیل که غلامش بگریزد واگر بیند که دوستی دستهٔ نیلوفر بدو داد دلیل که میان ایشان جدائی افتد دانیال علیه السلام گوید درخت نیلوفر در خواب دلیل بر کنیزکی بود که از وی او را زیان رسد

حرف الواو

واشه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید چون واشه را مطیع وفرمانبردار خود بیند چنانکه از دست برود وبانگ کند او را بازماید دلیل بر مال حلال بود ومنزلت خداوندش بود واگر بیند که واشه سپید وپاکیزه بود که بر دستش نشسته بود ومطیع او بود دلیل که از مردی بزرگ قدر وجاه ومنزلت یابد واگر بیند که واشه بپرید ورشته در دست وی بماند دلیل که قدر ومنزلتش زایل گردد مغربی رحمة الله علیه گوید واشه در خواب پادشاه ملک بزرگواری بود وتوانگران را مال باشد ودرویشان را فرزند بود واگر بیند که واشه از دستش بیفتاد وبمرد اگر صاحب خواب پادشاه بود دلیل که از ملک بیفتد واگر امیر بود یا سروری بود دلیل که از جاه ومنزلت بیفتد واگر توانگر بیند درویش گردد واگر درویش بیند فرزندش بمیرد ویعضی معبران گویند که واشه مردی بشیرم بود واگر بیند که گوشت واشه میخورد دلیل که بقدر آن مال دشمن خورد واگر بیند که واشه بسیار در جائی جمع شدند دلیل که عیاران در آن موضع جمع شوند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن واشه در خواب بر چهار وجه بود یکی قدر ومنزلت دوم فرمانروائی سوم مال چهارم منفعت والی کارداری وفرمانروائی بود واگر بیند که کارداری از تخت بیفتاد یا تخت او بشکست یا کسی از وی بشمشیر بستد یا سرای او خراب گشت یا در دامی گرفتار شد وکشته شد یا چهارپائی بسر آمد وبیفتاد یا کسی او را بیفگند این همه دلیل بر آنکه از شرف وبزرگی بیفتد ومعزول گردد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کارداری بیند که دستارش بادستار کسی پیوست دلیل که بزرگی وسیرت نیکو بروی پاینده بماند واگر بیند که بندی بر پائی اوست دلیل که شرف وبزرگی او زیادت گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کاردار شد ودر عمل خود منصف ودیندار بود چنانکه مردم از وی خوشنود بودند دلیل که خیر وصلاح یابد واگر بخلاف این بیند دلیل بر شر وفساد بود خاصه که بیننده مفسد وناپارسا بود **وحوش** چهارپایان وحشتی باشد هر چند از آن انسان نر بود دلیل بر مردان کند وهر چند ماده بود دلیل بر زنان بود ابن سیرین رح گوید اگر بیند که وحوش صید میکرد یا کسی از وحوش صید بدو داد دلیل بر مال وغنیمت بود وگوشت وپوست او همین دلیل بود کرمانی رح گوید اگر بیند که وحوش مطیع وفرمانبردار او شدند چنانکه سلیمان علیه السلام را بودند دلیل که گروهی ایشان را که در مسلمانی خلل بود او را مطیع وفرمانبردار شوند خاصه که بیننده خواب مستور بود

ورنخ در حرف سین بیان کردیم **ورنه** وبتوک نان بپرد ودر خواب انباز متفق بیکدیگر بودند اگر بیند که ورنه وبتوک نان کسی بوی داد دلیل که او را انباز که گفتیم حاصل شود مغربی رح گوید اگر بیند که ورنه داشت دلیل که با کسی صحبت کند که او را راه حق نماید واز باطل دور کند واگر بیند که ورنه او بشکست دلیل که از صحبت این چنین کسی جدا افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ورنه در خواب بر سه وجه بود یکی متفق در کارها دوم انباز یکه طلب کند در معیشت سوم کارد شوار که بروی آسان گردد ورده ابن سیرین رح گوید اگر

اگر کسی بخواب بیند که بر دست دشمن ورده شده است دلیل که بر دشمن غالب گردد واورا قهر کند کرمانی رح گوید اگر بیند که ورده منقیر و چون غلام وکنیزک دلیل که اورا خیر و منفعت رسد واگر بیند که ورده از کافران بستد و یا بخرید دلیل بد باشد مغربی رح گوید اگر برده غلام بود که خرید دلیل که بد باشد واگر فروخت دلیل که نیک باشد واگر غلامیکه فروخته بود باز خرید دلیل که بر دشمن ظفر یابد واگر بیند که ورده داشت واز وی بگریخت اگر غلام بود دلیل که نیک باشد واگر کنیزک بود دلیل بد باشد و نقصان مال بود و برده فروش مردی بود که اختیار مردمان جوید **ورسان** جانوری بود که بخراسان آنرا کبوتر خوانند دیدن وی در خواب زن وکنیزک بود ابن سیرین رح گوید اگر کسی بخواب بیند که کبوتر ورسان بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که زن خواهد واگر بیند که ورسان بخرید اگر از دست وی بپرید دلیل که زن را طلاق دهد یا کنیزک فروشد کرمانی رح گوید اگر بیند که ورسان را بکشت وگوشت او را بخورد دلیل که بقدر آن مال زن بستم بستاند واگر بیند که ورسان بسیار داشت دلیل که کنیزک بسیار بخرد و نیز قانوئی خوانند جعفر صادق رض گوید دیدن قانوئی در خواب دلیل بر سه وجه بود یکی منفعت دوم معیشت سوم غم واندوه **وزغ** ابن سیرین رح گوید وزغ در خواب مردی زاهد و عابد بود اگر کسی بخواب بیند که وزغی بگرفت دلیل که با فقری بدرنج هفت مصاحب شود و اگر بیند که با وزغ نبرد کرد دلیل که با چنین مردی خصومت کند و اگر بیند که وزغ بسیار در جائی جمع شدند و فریاد میکردند دلیل که در آن موضع عذاب خدای تعالی فرا رسد مغربی رح گوید اگر بیند که وزغ را بکشت و از گوشت وی بخورد دلیل که مردی زاهد را غیبت کند و بقدر آن مال او بستاند و خزینه کند و اگر بیند که وزغ او را بگزید دلیل که از مردی زاهد و پرا رنج رسد و اگر بیند که وزغی را از آب بگرفت و بر خشک انداخت دلیل که زاهد را از کار باز دارد و مضرت رساند **وزیر** ابن سیرین رح گوید دیدن وزیر پادشاه را کار نیکو بود دلیل که آن وزیر را کار نیکو شود و دولتش زیادت شود و اگر بخلاف این بیند تاویلش بد بود و اگر کسی بیند که وزیر شده منصف داد گر بود دلیل که بقدر عدل و انصاف خویش شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که وزیر بساط بگسترد دلیل که جاه و نعمت و مال بروی فراخ گردد و عمرش دراز بود و اگر بیند که وزیر وی را خلعت و کلاه داد دلیل که مردم وی را والی گردانند و اگر بیند که وزیر در سرای او آمد دلیل که او را بسبب پادشاه غم واندوه رسد کرمانی رح گوید اگر بیند که با وزیر طعام خورد دلیل که از وی شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که خانه وزیر افتاده بود یا بیمار بود یا پادشاه او را معزول کرده بود یا او را بفگند یا گاوی او را بشکند از این همه دلیل بر عزل وی بود جعفر صادق رض عنه گوید وزارت دیدن در خواب بر چهار وجه بود یکی آنکه اگر بیند که چشم آفتاب و ماهتاب گشته بود دوم آنکه چون بیند که چشم او در جلد بعد از گشته بود سوم آنکه چون بیند که پادشاه کمری بر میان او بست چهارم آنکه از چهار یاران رسول صلی الله علیه وسلم یکی تاج بر سر او نهاد این همه دلیل بر یافتن وزارت کند **وسمه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید وسمه در خواب غم واندوه بود و اگر بیند که زمینی داشت و در آن زمین وسمه بسیار بود دلیل که در غم واندوه بود و اگر بیند که وسمه از زمین بر کند و بنید خست دلیل که از غم واندوه خلاصی یابد و اگر بیند که وسمه میخورد دلیل که بسبب عیال در رنج و محنت افتد و اگر کسی بیند که دسته وسمه بدو دادند دلیل که میان ایشان خصومت افتد مغربی رح گوید اگر بیند که دسته وسمه بدست عیال خود داد دلیل که از همدیگر جدا گردند و در دین وسمه خیر نباشد **وشه** ابن سیرین رح گوید وشه در خواب غم واندوه بود و اگر بیند که وشه بر دارد اشت دلیل که غم واندوه زیادت گردد و اگر وشه بکسی داد دلیل که از غم واندوه خلاص شود

مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چیزی به وشه دوشاند دلیل که کار پراگندهٔ او جمع شود و اگر بیند که وشه میخاید دلیل که غیبت مردم بسیار گوید وضوئی نماز ابن سیرین رح گوید اگر بیند که دست و روئی باب صافی بشست دلیل که کاری جوید که تمام کار بیابد و مقصودش حاصل گردد و اگر بیند که باب پلید روئی می شست تاویلش بخلاف این بود. کرمانی رح گوید اگر بیند که دست و روئی خود را می بشست دلیل که از بیماران خویش یاری خواهد و اگر بیند که دست و روئی شست دلیل که مرادش حاصل شود و وکیل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که وکیل پادشاه شد و در شغل خود منصف بود دلیل که خیر و اقبال دنیا یابد و اگر وکیل قاضی شد همین تاویل دارد و اگر در شغل وکالت منصف و دادگر نبود تاویلش بخلاف این بود مغربی رح گوید اگر وکیل بیند که منیب را بنواخت دلیل که او را با مردی سخن لطیف گفته شود و اگر منیب را گشاده روی بیند دلیل که او را از منیب منفعت رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل که بدبود واری علت جذام بود دیدن او در خواب مالی بود که بوی رسد خاصه که در تن او لکه سفید بیند ابن سیرین رح گوید اگر بیند که در تنش واری بسیار شده بود دلیل که او را کاری زشت پیش آید و بعضی از معبران گفته اند که او را معروف گرداند جعفر صادق رضی الله عنه گوید واری در خواب درویش را توانگری و نعمت بود و توانگر را ایستادن از گناه و اگر بیند که چنان شد که همه انگشتان افتاده بود ندد دلیل کارهای نیکو کند و باشد که فرزندیا برادرش از دنیا برود ویرانی ابن سیرین رح گوید که ویرانی خانه و دکان و آنچه بدین ماند دلیل بر گمراهی بود در دین و اگر بیند که ویرانه آبادان میکرد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رح گوید اگر بیند که جایگاه آبادان خراب شد دلیل که اهل آنجا در بلا و مصیبت افتند و اگر بیند که ویرانه کهنه آبادان میکرد دلیل بر صلاح کار خداوندش بود و بمتبیده از گمراهی براه صلاح آید مغربی رح گوید اگر ویرانی از کردار خالق است و لیکن که ببیننده را نفع بود و اگر از کردار مخلوق است تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که مدرسه یا مسجد ویران کرد دلیل بر نقصان کار وی باشد

حرف الهاء

هاون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هاون و دسته هر دو شریک باشند که ایشان را از یک دگر ناگزیر بود و چون هر دو بهم باشند کاری کنند و فایده رسانند و اگر از ایشان یکی بیند فائده نباشد و اگر بیند که در هاون چیزی می کوفت و آن چیز خوردنی بود دلیل که بقدر و قیمت آن او را رنج و سختی نفع رسد و اگر آن چیز دارو بود اگر دارو فروش باشد دلیل بر زیادتی مال بود مغربی رح گوید اگر آنچه در هاون میکوفت شیرین بود دلیل که رنج و سختی فائده یابد و اگر تلخ بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر جواهر بود که در هاون میکوفت و میسود دلیل که بقدر آن منفعت بیند و عاقبت مال خود تلف بکند هباء بدانکه گرد و ذره آفتاب بود ابن سیرین رح گوید هباء در خواب سخن باطل و کردارهای پراگنده بود که در آن خیر و منفعت نباشد چنانکه حق تعالی در کلام مجید فرموده است وَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا جابر مغربی رح گوید اگر بیند که هبائی سرخ در هوا پدید آمد دلیل که در آن دیار بیمار شوند و اگر سیاه بود دلیل بر مصیبت بود و اگر سفید بود دلیل که هیچ غم نباشد هدهد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هدهد در خواب مردی زیرک و دانا بود که از کار نهانی مردم خبر دهد و اگر بیند که هدهد بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که با مردی دانا و بزرگ بدین صفت که گفتیم او را صحبت افتد و از وی

فرهنگی حاصل کند واگر بیند که هدهد را کشت دلیل که بر مردی دانا و بزرگ ظفر یابد و بروی قهر کند واگر بیند که گوشت وی بخورد دلیل که بقدر آن مال مردم از علمش حاصل کند کرمانی رح گوید هدهد بخواب دیدن صاحب خبر بود یا رسول نیک بود اگر بیند که هدهد با وی سخن گفت دلیل که از اهل بحیرا قهر کند جعفر صادق رض فرماید دیدن هدهد در خواب بر چهار وجه بود یکی خبر خوش که بشنود دوم بزرگی سوم بر دشمن ظفر یافتن چهارم در آنکار که باشد زیرک و دانا باشد چنانکه حق تعالی فرمود هدهد یه مغربی رح گوید اگر بیند که یکی هدیه بکسی داد اگر آن هدیه چیزی نیکو باشد که لایق و پسندیدهٔ هر دو بود دلیل که هر دو را منفعت بود و اگر چیزی نیکو نه بود دلیل که هر دو را از یکدیگر منفعت نبود بلکه شر و فساد بود ابن سیرین رح گوید اگر کسی بخواب بیند که چیزی او را هدیه دادند که آن چیز را دوست دارد دلیل بر خیر و صلاح بود اگر آنچیز دوست ندارد دلیل بر شر و فساد بود و اگر بیند که مردی پیر یا زنی پیر او را هدیه دادند دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر مردی جوان یا زنی جوان هدیه دهد تاویلش بخلاف این بود هرلسیه ابن سیرین رح گوید اگر کسی در خواب بیند که هرلسیه میخورد دلیل که بقدر آن خیر و منفعت بدو رسد و حاجت وی روا شود و بعضی از معبران گفته اند که او را فرزندی آید که چشم او بدان فرزند روشن شود زیرا که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که الهرلسیة اطعمة الجنة مغربی رح گوید خوردن هرلسیه در خواب دلیل بر اندیشه بود از جهت اعمال جعفر صادق رض گوید اگر هرلسیه بگوشت گوسپند فربه بود دلیل بر خیر و منفعت بود و آنچه بگوشت غلیظ باشد و بطعم ناخوش بود دلیل که بقدر آن او را مضرت رسد **هزار داستان** ابن سیرین رح گوید هزار داستان در خواب فرزند خوش آواز و خوب سخن بود الا ضعیف احوال باشد و خداوند علم و ادب و فرهنگ بود و نزدیک مردمان محبوب باشد و اگر بیند که او را هزار داستان عطا دادند دلیل که او را فرزندی بدین صفت آید و اگر بیند که هزار داستانی از باغ بگرفت دلیل که او را با مردمان نیک خلق و خوب سخن پیوستگی شود کرمانی رح گوید هزار داستان در خواب زن خوش آواز بود و اگر بیند که هزار داستانی بخرید دلیل که کنیزک خوش آواز و مطربه بخرد و اگر بیند که هزار داستان از دست وی بپرید دلیل که زن را طلاق دهد یا کنیزک وی بمیرد یا بگریزد جابر مغربی رح گوید هزار داستان در خواب فرزند و غلام بود و سخن شیرین و شنیدن آواز خوش بود جعفر صادق رض گوید هزار داستان در خواب دیدن پنج وجه بود یکی زن دوم فرزند غلام سوم قاضی چهارم حکیم پنجم غلام **هلیله** ابن سیرین رح گوید هلیله کابلی در خواب دیدن دلیل بر غم و اندوه بود و هلیله زرد دلیل بر بیماری بود و هلیله سیاه دلیل بر مصیبت بود و اگر بیند که یک نوع از این هلیله میخورد دلیل که اندوهش صعب تر باشد و اگر بیند که از این هلیلها یکی با شکر یا با انگبین میخورد دلیل که اندوهش کمتر باشد و در دیدن هلیله هیچ منفعت نبود **همای** ابن سیرین رح گوید همای در خواب دولت و عزت و بزرگی و ظفر باشد و اگر بیند که همای داشت دلیل که بقدر همای عز و دولت یابد و اگر بیند که همای از دست او بپرید دلیل که در جاه و حرمتش نقصان شود کرمانی رح گوید همای در خواب پادشاه بود یا رئیس یا مردم بزرگوار و اگر بیند که همای را بکشت و گوشت وی بخورد دلیل که بر مردی بزرگوار قهر کند و مال وی بستاند و بخورد و اگر بیند که همای داشت دلیل از این کسان که گفته شد خیر و منفعت یابد و اگر بیند که همای را به تیر یا بسنگ زد دلیل که از پس مردم چنین سخن بد گوید و اگر بیند که همای او را بخبر آشید دلیل که از این کسان او را مضرت رسد جعفر صادق رض عنه گوید دیدن همای در خواب بر هفت وجه بود یکی پادشاه دوم رئیس سوم مرد بزرگوار چهارم دولت پنجم بزرگی ششم فرمانروائی هفتم عز و اقبال **هوا** ابن سیرین رح گوید اگر بیند

که هوا روشن وصافی بود دلیل که مردم آن دیار را تندرستی و معیشت نیکو و راحت بود و علما و اهل حکمت را دولت و اقبال زیادت شود واگر بیند که هوا تاریک و تیره بود دلیل که اهل آن دیار را غم واندوه بود و اگر بیند که هوا سرخ رنگ بود دلیل که در آن دیار جنگ و فتنه بود و اگر بیند که هوا سبز بود دلیل که در آن دیار کشت و غله و نبات زمین بسیار پیدا شود و اگر بیند که سپید و پاکیزه شد دلیل که بقدر آن اهل آن دیار را نعمت و فراخی کسب و معیشت بسیار بود کرمانی رح گوید اگر بیند که هوا از گرد پاک بود و باد سخت می جست دلیل که پادشاه بیگانه در آن دیار آید و رنج و زحمت بر ایشان رساند و اگر بیند که برخی از هوا بر سر شهری یا محلتی روشن وصافی گشت دلیل که در آن سال اهل آن موضع را نعمت و فراخی و خیر و منفعت رسد و اگر بیند که هوا مختلف بود دلیل که اهل آن دیار را حال متغیر شود جعفر صادق رض گوید دیدن هوا در خواب بر پنج وجه بود یکی بزرگی دوم منفعت سوم تندرستی چهارم ایمنی پنجم معیشت و این پنج وجه دلیل بر هوای روشن وصافی بود هوام بدانکه هوام جنبیدگان بی زهره بود ابن سیرین رح گوید تاویل هوام جنبیدگان باشند بقدر وقیمت وصلاح ایشان باشد زیرا که هر چه فرو تر بود دلیلش از علم تعبیر دشمن قوی تر بود از جنبندگانی که زهره دارد جعفر صادق رض گوید دیدن هوام در خواب تهدید باشد که بازگشت آن بد شنام و حاسد باز گردد هیزم ابن سیرین رح گوید هیزم تر و خشک در خواب جنگ و خصومت و سخن چینی بود و اگر بیند که هیزم در خانه خود آورد دلیل که بقدر هیزم او را در آن شهر و خانه جنگ و خصومت بود و اگر بیند که کسی بیگانه هیزم بدزدید دلیل که ویرا با مردم بیگانه بقدر هیزم جنگ و خصومت افتد کرمانی رح گوید اگر بیند که از بیشه یا از صحرا هیزم جمع میکرد دلیل که این کس بدکردار و حاسد و سخن چین بود و زود گرفتار شود قوله تعالی حَمَّالَةَ الْحَطَبِ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ اگر بیند که از درختان هیزم جمع میکرد دلیل که در میان محتشمان و بزرگان او را آزمودن کنند و سخنهای بی اصل گویند و اگر بیند که از درختان هیزم از ان جمع میکرد میوه دار بود دلیل که میان بزرگان بزرگ همت بود و محتشم باشد فی الجمله دیدن هیزم تر و خشک

حرف الیاء

خوب نباشد

یاره در خواب جنسی بود از جنس دست او رخ ابن سیرین رح گوید اگر مردی بیند که یارهٔ زرین در دست دارد دلیل که مکروهی بدو رسد واگر یارهٔ سیمین داشت دلیل که غم واندوه بوی کمتر رسد و جمله یاره یا برای زنان مردان را نیک نباشد و از ان مردان زنان را طوق و گوشواره وغیره که زینت پادشاهی باشد مرد را از ان بود و زنان را شوهر بقدر و قیمت آنچه دیده باشد و شرح هر یکی از پیرایها در اول کتاب بیان کردم یاسمین ابن سیرین رح گوید اگر بیند که دوستی دستهٔ یاسمین بدو داد دلیل که میان ایشان گفتگو افتد و از هم جدا شوند و اگر زنی بیند که یاسمین باز در حجله بچید و شوهر داد دلیل که شوهر او را طلاق دهد و اگر بیند که یاسمین بغلام داد دلیل که او را غلام بگریزد و درخت یاسمین در خواب زنی تو انگر و بدخوی بود و سفله و حاسد باشد و اگر یاسمین خوشبوئی بود دلیل که آن زن باجود و احسان بود یافتن ابن سیرین رح گوید اگر کسی بیند که چیزی یافت اگر خداوند خواب پارسا و صالح بود دلیل که در بیداری چیزی یابد و اگر صالح و مستور نبود دلیل که او را غم واندوه رسد کرمانی رح گوید اگر بخواب بیند که دو چیز یافت و هر دو یک جنس بود دلیل بر خیر و منفعت بود و حج و عمره کند و اگر بیند که ده چیز یافت و هر ده یک جنس بود دلیل بر خیر و منفعت در روزی حلال یافتن بود و شمار دیگر بر ین قیاس باشد و اگر آنچه یافت از یک جنس نباشد

تاویلش بد باشد **یافتن کانها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کوه کند و کان زر بیافت دلیل که بقدر جویش ولایت یابد و اگر بیند که مصلح و پارسا بود و اهل دین که حق تعالی او را علم و حکمت ارزانی دارد و اگر بیند که کان سیم یافت دلیل که زنی از بزرگان خواهد که با جمال و مال بود و بعضی از معبران گویند که او را فرزندی مبارک پی آید و اگر بیند که کان مس یا پرنج یافت دلیل که او را با مهتری بد کردار بر حرم صحبت افتد و اگر بیند که کان ارزیز یافت دلیل که زنی خوبروی بزنی کند و اگر بیند که کان آهن یافت دلیل که او را با مهتری قوی صحبت افتد و از وی مال یابد و اگر بیند که کان بلور یافت دلیل که از پادشاه یا زن او را منفعت رسد و اگر بیند که کان زبرجد و زمرد یافت دلیل که صاحب مال و جاه گردد و اگر بیند که کان یاقوت یافت دلیل که عز و مالش زیادت گردد و اگر بیند که کان پیروزه بیافت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و او را قهر کند و اگر بیند که کان عقیق بیافت دلیل که از پادشاه نفع یابد و اگر بیند که کان شبه یافت دلیل که با مهتری گفتگو کند و اگر بیند که کان لعل بیافت دلیل که جاه و حشمت یابد و اگر بیند که کان نوشادر یافت دلیل که اندوهگین شود و اگر بیند که کان نمک یافت دلیل که از بزرگی منفعت یابد و اگر بیند که کان سرمه یا کان زاگ یافت دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که کان گل زرد بیافت دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که کان گل سفید یافت دلیل که با مهتری او را صحبت افتد

یاقوت ابن سیرین رح گوید اگر بیند که یاقوت سرخ یا سبز پاکیزه داشت دلیل که زنی پاکیزه نیکو او را حاصل آید یا او را دختری خوبروی آید و اگر بیند که یاقوت معیوب داشت دلیل که آن کنیزک یا آن زن که دارد بروی حرام گردد کرمانی رح گوید اگر بیند که یاقوت سبز داشت دلیل که زنی خوب با اصل و نسب بخواهد و اگر زن دارد دلیل که فرزندش آید و اگر بیند که یاقوت منقوش داشت دلیل که فرزندش مفسد بود اسمعیل اشعث رح گوید اگر بیند که یاقوت سرخ داشت دلیل که زنی توانگر و با جمال بخواهد و اگر بیند که یاقوت سبز بود دلیل که زنی پارسا و نیک سیرت بخواهد و اگر بیند که یاقوت زرد داشت دلیل که آن زن بیمارگون باشد و اگر بیند که یاقوت سفید بود دلیل که زنی دوشیزه و زاهده و مصلح باشد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید یاقوت در خواب بر شش وجه بود یکی مال دوم کنیزک سوم علم چهارم پسر پنجم مرد نیک ششم دختر دوشیزه پیروزج بدانکه پیروزج را بروصنم تیز خوانند و بصورت مردم باشد ابن سیرین رح گوید اگر بیند که او را بروصنم داشت یا کسی بدو داد دلیل که بخدمت مردی فرومایه دون قدر مشغول گردد و از وی زحمت یابد و اگر بیند که پیروزج خورد دلیل که از مال مردی بدین صفت بخورد و دیدن پیروزج در خواب منفعت نباشد نخ دانیال علیه السلام گوید نخ در خواب غم و اندوه بود خاصه که بوقت خویش بیند و اگر بیند که نخ میخورد دلیل که روزی بسیار یابد مگر آنکه بسیار و لی اندازه بیند بوقت خویش یعنی زمستان و اگر بیند که نخ صافی بخانه میبرد دلیل که بقدر آن مال جمع کند کرمانی رح گوید اگر بیند که در تابستان نخ صافی بود دلیل که مال حلال جمع کند و اگر بیند که نخ تیره و تلخ بود دلیل که مالی جمع کند از حرام بود و اگر زمستان نخ پاکیزه بخواب بیند دلیل که عیش خوش گذارد و منفعت از روزگار خود بیند و دل دوستان بروی شاد گردد جابر مغربی رح گوید نخ در سرد سیر و زمستان بخواب دیدن دلیل بر خیر و منفعت و سندرستی بود و در گرم سیر دلیل بر قحط و تنگی و اندوه بود و بعضی معبران گفته اند نخ و برق در خواب دیدن در دیار سرد سیر دلیل بر فراخی نعمت بود و در گرم سیر دلیل بر قحط و اندوه بود جعفر صادق رض فرماید نخ در خواب بر شش وجه بود یکی روزی فراخ دوم زندگانی

سوم مال چهارم نرخ ارزان پنجم غم واندوه ششم قحط وتنگی بینیم ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید دیدن بینیم در خواب دلیل بر زنی بی اصل بود واگر بیند که انگشتری بینیم داشت یا کسی بوی داد یا خرید دلیل که زنی بی اصل خواهد واگر زن دارد دلیل که او را دختری آید واگر بیند که بینیم داشت دلیل که از قبل زنان خیر ومنفعت یابد دیل بدانکه مبارک ومبارز بود ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر پادشاه بیند که او مبارز بود دلیل که در پادشاهی قوت وشوکت یابد واگر عالمی بیند که فاضل یگانه در بحث بود دلیل که بر خصم غالب گردد واگر بازرگانی بیند که مبارز شد دلیل که در تجارت مال بسیار حاصل کند واگر سیاهی بیند دلیل که توانگر شود ومال یابد قوله تعالی یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا ارْکَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّکُمْ وَافْعَلُوا الْخَیْرَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ واگر بیند که با کسی مبارزت کرد وبروی غالب آمد دلیل که بر دشمن چیره گردد واگر بیند که خصم بروی غالب آمد تاویلش بخلاف این بود واگر بیند که با زنی مبارزت کرد وزن بروی غالب شد دلیل که حالش بد بود وخوار ومستمند گردد یوزابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید یوز در خواب دشمن بود ودشمنی بروی ظاهر گردد واگر بیند که با یوز جنگ ونبرد میکرد واگر بر یوز چیره شد دلیل که بر دشمن ظفر یابد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند که یوز را بگرفت دلیل که با دشمن صحبت کند واگر بیند که یوز از وی بگریخت دلیل که دشمن از وی بگریزد واگر بیند که یوزان بسیار مطیع وی بودند دلیل که دشمنان او زبون شوند جابر مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند که گوشت یوز میخورد دلیل که بقدر آن مال دشمن بستاند وبعضی از معبران گفته اند اگر بیند که یوز را بکشت دلیل که در وبیخ خیر ومنفعت نباشد واگر بیند که یوز بر گردن نهاده ومی برد دلیل که بار دشمن کشد واگر بیند که یوزان در خانه او یا در موضعی بانگ میکردند دلیل که از سبب دشمنان رنج ومضرت یابد بقدر آنکه دیده باشد واللہ اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب

والحمد للہ اولاً وآخراً والصلوٰۃ علی نبیه محمد وعلی آله واصحابه اجمعین

تمام شد

خاتمة الکتاب

بسم اللہ الرحمن الرحیم

حمد وسپاس مر خلیی را که بوساطت وحی قطعی انبیاء ومرسلین را علیهم السلام امر ونواهی خود رسانیده وصد لقان وشهداء واولیاء خود را بذریعه الهام ورؤیا بمنام از بشارت وانذارت آگاه گردانیده ودرود نامحدود بر خاتم النبیین وشفیع المذنبین که آیه کریمه لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْیَا بِالْحَقِّ بیان رویائی اوست وبر آل واصحاب رض واولیاء امت که قائلند برشحه از دریائی او اما بعد علم تعبیر الرؤیا علمیست شریف نمونه وحی آسمانی ومفسر الهامات ربانی کاشف رموز عالم مثال پرتوه انوار جلال وجمال ولقایائی مبشرات وسرمایه علو مقامات ثابت بکتاب آلهی جل جلاله ومحقق بسنت نبویه علیه الصلوٰۃ والتحیه کما قال اللہ تعالی احکایةً عن کلام یوسف علی نبینا وعلیه السلام رَبِّ قَدْ آتَیْتَنِی مِنَ

کلیات ایلیاس حاجی محمد حسن افندی
ایلیاس حاجی یعقوب
خاکسار محمد حکمت یاران ابن
حافظ احمد یاران ایکی

تاویل الاحادیث ای بتعبیر الرؤیا جلالین و در بخاری از حدیث انس آورده که رویای حسنه از مرد صالح یک جزو است از چهل و شش جزو از نبوت و گفته اند که غالب رویای صالحین است وگرنه مرد صالح می بیند گاهی اضغاث را ولیکن نادر است از جهت قلت تمکین شیطان و در اینجا اشکالیست که بودن رویا جزو نبوت چه معنی دارد و حال آنکه نبوت منقطع گشت بوفات نبی علیه الصلوٰۃ والسلام و جواب داده اند که اگر از نبی است صلعم پس جزو است از اجزاء نبوت او حقیقۃً و اگر از غیر اوست پس جزو است از اجزاء نبوت بر سبیل مجاز باعتبار تشبیه رویا به نبوت و نبوت اگرچه منقطع شد علم او باقیست و از امام مالک رحمۃ اللہ علیہ پرسیدند که آیا تعبیر کند رویا را هر کس گفت آیا بازی میکند به نبوت بعد ازان گفت الرویا جزو النبوۃ مراد وی همان تشبیه رویاست نبوت از جهت اطلاع وی به بعضے از غیوب و در حدیث عائشه رضی اللہ عنہا آمده که آن حضرت فرمود صلے اللہ علیہ وآلہ وصحابہ وسلم باقی نمی ماند بعد از مبشرات مگر رویا انتہی و وارد است ایضًا که تعبیر رویا بمبشرات باعتبار غالب است والا بعضے منذرہم میباشد و صاحب موہب لدنیہ گفت این حرفیست از تعبیرات آنحضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وصحابہ وسلم و آن انموذجی است والا از آنچه منقول از لطایف تعبیر و غرایب تاویل مجلدات حصر آن نتوان کرد چون تامل کنی بدانی که هر کرامتی که داده شده است آن را یکی از افراد امت در علم یا عمل همه از آثار معجزات پیغمبر است صلے اللہ علیہ وآلہ وسلم و برکات تصدیق و از ثمرات ابتداء و بهدی طریق اوست و پر شده است زمین بآن از روی صدق وصواب و عجب و عجایب و بحر عباب و اگر استحضار کنی آنچه داده شده است به امام ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ از لطایف تعبیر آنچه شایع و ذایع است و پر شده بآن اسماع حکم بکی بآنچه داده شده آنحضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم را از علوم و معارف و چون ابن سیرین رح که یکی از امت است نقل کرده شده است از وی در فن تعبیر از آنچه خارج از حد حصر است پس از آنحضرت چه خواهد بود زاد اللہ فضلًا و شرفًا و افاض علینا سحاب علومہ و معارفہ و تعطف علینا بعواطفہ و ایضًا در مدارج است و مردم بر سه قسم اند مستور الحال و غالب بر ایشان استوار صدق و کذب است و فسق و غالب بر ایشان اضغاث است و نادر است بر ایشان صدق و کفار صدق ایشان بغایت نادر است و از بعضی کفار صادق نیز می افتد چنانکه رویای صاحبی السجن با یوسف علی نبینا و علیہ السلام و رویا ملک ایشان و غیره ذلک انتہی الکل فی مدارج النبوۃ غرض که در کتب صحاح ستہ و غیرها از احادیث صحیحه و کتب اخلاق و سیر که ملاحظه کرده شود تفصیل این فن شریف بطوری مبین است که بر ماهرین این فن اظهر من الشمس و ابین من الامس اما مغروران و بیماران جهل مرکب همچو آن گرمی که در سنگی نهانست زمین و آسمان او همانست این علم شریف را که نمونه ازان ذکر یافته از قبیل اضغاث الاحلام و لغو مید انستند لهذا این نسخه متبرکه معتبره را که جامع از کلمات اکابر و ائمه ماهر مثل امام همام سیدنا جعفر الصادق علیہ السلام و محمد بن سیرین رضوان اللہ تعالیٰ علیہم اجمعین و از متاخرین مانند کرمانی و اسمعیل اشقت البستانی و معتبرین و غیرهم بود باهتمام بنده درگاه رب رحیم قاضی محمد عبد الکریم ابن المرحوم قاضی نور محمد مالک مطبع کریمی و مطبع فتح الکریم در مطبع کریمی واقع بمبئی بماه جنوری سنه ۱۹۰۴ع بکمال تصحیح جلیه طبع پوشید و بکتابت محمد حکمت یار خان باختتام رسید

تمت طبع بار اول این نسخه گرامی

احسن الطوامی